

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ
عَذَابِ أَلِيمٍ (١٠) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١١) قرآن کریم سورة الصفّ

سایت های شمه ای از قرآن و سنت

1-www.booksasgari.ir

2-www.i-g-s.blogfa.com

3-www.shamme-goran-sonnat.blokfa.com

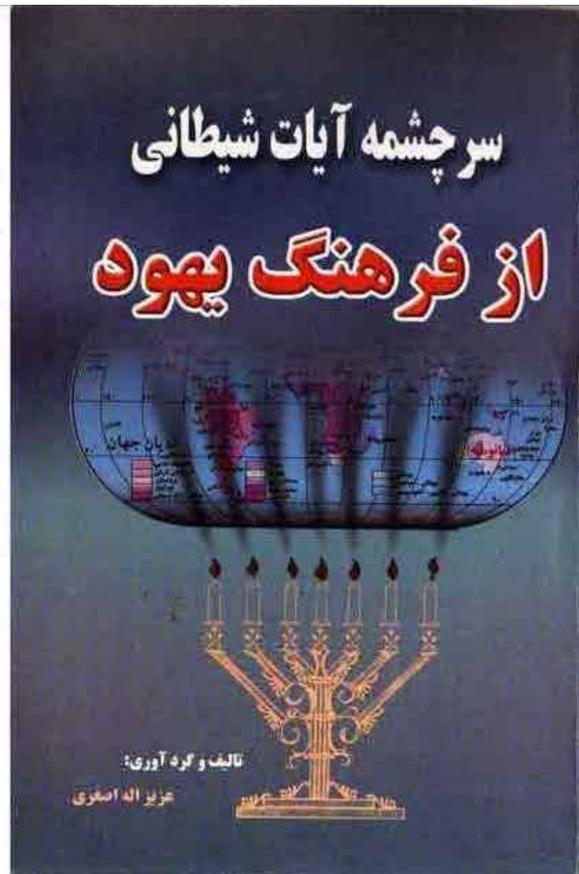
سایت های فارسی

1- عزیزاله اصغری

2- شمه ای از قرآن و سنت

3- عزیزاله اصغری تبریزی

ها ن قرآن حاصل رنج خلیل اله است
رحمت عمر محمد که جیب اله است
خون یحیی و حسین راه کلیم اله است
نور و آگاهی دوران قرآن می آید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرچشہ آیات شیطانی
از فرهنگ یہود

تألیف و گرد آوری:

عزیز الہ اصغری

@ نام کتاب: سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

@ تألیف وگرد آوری: عزیزاله اصغری

@ ناشر: مؤلف

@ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

@ نوبت چاپ: چاپ اول

@ قیمت: ۴۵۰۰ تومان

@ شابک ۹۷۸۹۶۴۰۴۰۲۴۸۱

X ۹۶۴۰۶۴۲۲

ایران تهران

صفحه	عنوان
۱	فصل اول
۳	اشعار عارفانه
۴	اشعار درباره شیطانها
۶	بند اول زندگی و عملکرد موسی در تورات فعلی
۷	موسی یکی از مصریان را کشت
۸	موسی از مصر فرار کرد
۸	موسی با صفوره از دواج کرد
۸	خداوند ناله بنی اسرائیل را شنید
۸	در جبل الله خداوند به موسی ظاهر شد
۱۰	عصای موسی مار شد
۱۰	موسی به خداوند گفت: فصیح زبان نیستم
۱۱	در راه خداوند قصد قتل موسی را کرده ولی زن موسی جلوگیری کرد
۱۲	موسی و هارون به نزد فرعون آمدند
۱۳ و ۱۵۱	موسی به خداوند گفت: چرا بدین قوم بدی کرده
۱۴	عمرام پدر موسی عمه خود را بزنی گرفت
۱۵	خداوند به موسی گفت: من تورا به فرعون خدا ساختم
۲۴ و ۱۸۴	عید فطیر
۲۵	خداوند از مصر عبور خواهد کرد
۲۶ و ۴۳	خداوند گفت: هر نخست زاده که رحم را گشاید از آن من است خواه انسان و حیوان باشد
۲۸	موسی استخوانهای یوسف را با خودش برده
۲۸	فرعون بنی اسرائیل را در نیمه شب تعقیب کرد
۲۹	موسی دریا را منشق کرد
۳۰	فرعونیان در دریا غرق شدند
۳۰	خداوند مرد جنگ است
۳۱	خواهر هارون مریم نبیه بود
۳۳	خداوند برای بنی اسرائیل منّ و سلوی بارانید
۳۴	موسی به خداوند گفت: با این چه کنم نزد یک بود مرا سنگسار کنند
۳۶	یهوه از جمعی خدایان بزرگتر است
۳۸	خداوند در آتش نزول کرد
۳۹	خداوند گفت: انتقام گناه پدران را از نسل چهارم میگیرم و پسران دوستان خود را تا هزار پشت رحمت
۴۱ و ۱۹۷ و ۲۳۶	قصاص در تورات وجود دارد
۴۱	گاو و صاحبش را سنگسار کنید
۴۲	دزد در عوض دزدی فروخته شود
۴۵ و ۲۰۱ و ۲۲۳	حدود آینده بنی اسرائیل از فلسطین تا نهر فرات
۴۵	خداوند تورات فعلی را دیدند
۴۶	منظر جلال خداوند مثال آتشی سوزنده در نظر بنی اسرائیل برقله کوه بود
۵۸	هر کسی که روز شنبه کار کند باید کشته شود
۵۹	گوساله زرین را هارون ساخته است

- ۶۰ هارون بنی اسرائیل رابی لگام کرده است
- ۶۲ موسی با خداوند روبرو سخن گفت:
- ۶۳ خداوند برابرنازل شد پیش روی موسی عبور کرد
- ۶۴ و ۱۴۷ خداوند گفت: هر نخست زاده انسان و حیوان از آن دن من است
- ۷۴ و ۷۵ تابوت شهادت
- ۷۶ نکاتی از مؤلف:
- ۸۴ دستور قربانیهای سختنی
- ۸۵ دستور قربانیهای جرم سختنی
- ۹۱ جلال خداوند بر جمیع قوم بنی اسرائیل ظاهر شد
- ۹۳ گوشت شتر نجس است
- ۹۳ شتر مورغ نجس است
- ۹۴ گوشت بوقلمون نجس است
- ۹۹ قانون بیماری مبروص
- ۱۰۲ از گنجشگ هم قربانی باید کرد
- ۱۰۳ قانون حیض و زنان
- ۱۰۸ و ۱۱۲ و ۲۴۸ عورت خواهر خود را خواه دختر پدر و خواه دختر مادرت کشف نما
- ۱۰۸ و ۱۱۲ عورت محارم خود را کشف نما
- ۱۰۸ با ذکور مثل زن جماع مکن؛ زیرا که فجور است
- ۱۱۰ و ۱۱۳ گوشه های ریش خود را مچینید
- ۱۱۱ هر کسی که از ذریّت مولک بدهد باید سنگ سگسار کند
- ۱۱۲ هر کسی که با عروس زنا کند باید کشته شود
- ۱۱۳ زن و مرد جادوگر را باید با سنگ سگسار کنید
- ۱۱۳ دختر هر کاهنی که زنا کرده باشد با آتش سوخته شود
- ۱۱۴ زن بیوه و مطلقه و بی عصمت زانیه را نگیرید؛ فقط باکره از قوم خود را بزنی بگیرید
- ۱۱۴ قانون موقوفات
- در ماه اول در روز چهاردهم مابین المصرین فصیح خداوند است؛ و در روز پاندهم این ماه عید فطیر
- ۱۱۶ برای خداوند است هفت روز فطیر بخورید
- ۱۱۹ آن کسی را که لعنت کرده است؛ او را سنگسار کنند
- ۱۲۲ ربا نگیرید زیرا که حرام است
- ۱۲۵ و ۲۵۲ خداوند یهوه یهودیان را در جهان پراکند خواهد کرد
- ۱۲۸ نکاتی از مؤلف:
- ۱۳۴ و ۱۶۵ خداوند گفت: تمامی نخست زادگان اسرائیل از آن من است
- ۱۳۹ خداوند در میان بنی اسرائیل ساکن است
- ۱۵۴ خداوند در ستون ابرنازل شد با هارن و مریم گفتگو کرد
- ۱۵۷ پسران بنی اسرائیل بخاطر زناکاری چهل سال در صحراء آواره شدند
- ۱۶۰ کسی که در روز شنبه هیزم جمع میکرد با سنگ سنگسار کردند
- ۱۶۱ بنی اسرائیل به موسی گفتند: چرا خود را خداوند میدانی
- ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۸ جلال خداوند بر تمامی بنی اسرائیل ظاهر شده است
- ۱۷۳ خداوند بلعام گفت: این کسانیه در نزد تو هستند کیستند
- ۱۷۸ بنی اسرائیل با دختران موآب زنا کردند
- ۲۰۱ سفر تثنیه؛ یعنی سفر پنجم از اأسفار خمسۀ تورات موسی
- بنی اسرائیل در هر جای پیروز میشدند؛ مرد مش قتل عام و اموالشان را غارت و شهرستان را آتش میزدند
- ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸

- ۲۱۹ خداوندگفت: بنی اسرائیل قوم شرور و گردن کشی هستند
- ۲۲۷ خداوند گفت: در هر جاکه پیروز شوید مردم را قتل عام اموالشان غارت کنید و شهر را آتش بزنید
- ۲۲۹ بنی اسرائیل پسران یهوه خدای خود هستند
- ۲۳۳ مرد وزن بُت پرست را سنگسار کنید
- ۲۳۴ موسی گفت: خدایت نبی را از میان بردارانت مثل من برای تو مبعوث خواهد کرد قول اورا بشنو
- ۲۳۷ هر کسی که از یهویان اطاعت نکند و جزیه ندهد باید تمامی مردمش کشته شود؛ اموالشان تاراج
- ۲۳۹ هر مردیکه میگساری کند باید سنگسار شود
- ۱۴۰ هر دختر که با زنا کردن باکره نداشته باشد باید سنگسار بشود
- ۲۴۲ غلامی را که از آقای بنزد تو بگریزد به آقايش مسپار
- ۲۴۲ غریب را میتوانی با سود قرض بدهی
- ۲۴۳ اگر کسی یکی از بنی اسرائیل بدزد و به او ظلم کند باید کشته شود
- ۲۴۴ یک مرد بزن دست بزند باید کشته شود
- ۲۴۸ ملعون باد کسی که با خواهر خویش بخوابد
- ۲۵۱ و ۲۵۲ شما بنی اسرائیل در جهان خوار و ذلیل خواهید شد
- ۲۵۲ بنی اسرائیل چشم گشویسته هستند
- ۲۵۶ و ۲۵۷ موسی این تورات را نوشته است
- ۲۵۷ خداوند در ستون ابر؛ در خیمه ظاهر شد با موسی گفتگو کرد
- ۲۵۹ بی اسرائیل بر دیوها هم قربانی گذرانیدند
- ۲۶۰ خداوندگفت: شمشیر خود را از خون مست خواهم ساخت
- ۲۶۳ موسی فوت کرد؛ سی روز ماتم و نوحه گری کردند
- ۲۶۵ بند دوم زندگی موسی در دین مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید یعنی اناجلیل
- عیسی ابن مریم گفت: این همان موسی است به بنی اسرائیل گفت: خدایتی مثل من از میان شما؛ برای شما خواهد آمد؛ سخن او را بشنوید
- ۲۶۷ بنی اسرائیل استیفا را سنگسار کردند
- ۲۶۸ بنی اسرائیل پیغمبران به قتل رسانیدند
- ۲۶۹ نکاتی از مؤلف: درباره عیسی مسیح در اناجلیل
- ۲۷۰ بند سوم عملکرد موسی در دین اسلام و قرآن کریم وحی منزل
- ۲۷۰ خداوند به موسی وحی کرد که غمگین و نگران نباشد
- ۲۷۱ خداوند موسی را به مادرش برگردانید
- ۲۷۱ موسی یکی از پیرو فرعون را گشت
- ۲۷۲ موسی به گوسفندان دختران شعیب آب داد
- ۲۷۲ در طور سینا خداوند متعال با موسی سخن گفت:
- فرعون گفت: من خودم خداوند هستم
- ۲۷۳ موسی به خداوند متعال گفت: برادرم هارون را برای من کمک قرار بده
- ۲۷۵ خداوندگفت: ای موسی من تورا برای خودم ساخته ام
- ۲۷۷ فرعون گفت: ای موسی شما دویرا در ساحر هستید
- ۲۷۷ ساحران به موسی ایمان آورده اند
- ۲۷۸ ساحران فرعون را نصیحت کرده اند
- ۲۷۸ فرعونیان بنی اسرائیل را دنبال کرده اند
- ۲۸۱ این قرآن آیات روشن است؛ قرآن هدایت کننده و بشارت دهنده برای مؤمنان است
- ۲۸۲ خداوندگفت: تمامی گیاهان را جفت آفریده و رویانیدیم
- ۲۸۳ فرعون گفت: اگر غیر از من برای خود خدا بگیری از زندانیان قرار میدهم
- ۲۸۳ فرعون بقوم خودگفت: رسولی که بطرف شما فرستاده شده دیوانه است

- عصای موسی تمامی عصاها و ریسمانها را بلعید
 ۲۷۴ خداوند فرعون و فرعونیان از قصرها و باغها بیرون کرد
 ۲۸۴ عصای موسی دریا را شکافت؛ فرعون و فرعونیان غرق شدند
 ۲۸۷ معجزات فراوان موسی؛ در حضور فرعون
 ۲۸۷ قوم موسی گفتند: ای موسی الهی و ملجای در حوائج برای ما قرار بده
 ۲۸۸ موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار من؛ خود را برای من نشان بده که بتوبن‌گرم
 ۲۸۸ موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار من؛ خود را برای من نشان بده بتوبن‌گرم
 خداوند گفت: ای موسی دو الواح را نوشتم از هر گونه پند و نصیحت؛ و بیان و هر چیزی در آن هست با
 ۲۸۸ قوت و جدی بگیر
 ۲۸۹ موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار من؛ مرا و برادرم را بیمارز
 ۲۸۹ موسی از هفتاد مرد را برای وعده گاه مقرر خداوند بُرد؛ ایشان را صاعقه مرگ برگرفت
 ۲۹۰ آنانیکه پیروی پیغمبر درس نخوانده؛ او را پیروی میکنند؛ و در نزد ایشان در تورات و انجیل است
 ۲۹۱ عده از بنی اسرائیل را خداوند گفت: میمون و خوک رانده شدگان بشوید و شدند
 ۲۹۱ بنی اسرائیل در جهان پراکنده خواهند شد
 ۲۹۴ کافران گفتند: قرآنی غیز از این بیاور
 ۲۹۵ خداوند شما را بسوی دار سلامتی و بهشت دعوت میکند
 ۲۹۵ خداوند در قیامت همه انسانها را زنده خواهد کرد
 ۲۹۶ خداوند مشرک را اصلاً نمی بخشد
 ۲۹۷ ای محمد گفتند: تو این قرآن را ساخته؛ بگو: اگر راست می‌گوئید: سوره مانند این قرآن را بیاورید
 ۲۹۷ خداوند در روز قیامت همه انسانها را برای حساب و کتاب زنده میکند
 ۲۹۸ این قرآن از طرف خداوند برای شما انسانها موعظه و نصیحت آمده است
 ۲۹۸ همه چیز بزرگ و کوچک در قرآن نوشته شده است
 ۲۹۹ ای عقلای آسمانها و زمین بشریکانی که امید دارید همه آنها ملک و مال خداوند است
 ۲۹۹ گروهی از کافران گفتند: که خداوند برای خود فرزندی گفته است
 ۲۹۹ ای محمد بگو: من از شما اجر و مزدی نمی‌خواهم مزد من بر عهده خداوند غنی است
 ۳۰۰ فرعونیان به موسی گفتند: آیا آمدی ما را از دینمان بگردانی
 ۳۰۰ از فرزندان قوم فرعون به موسی پنهانی ایمان آورده بودند
 ۳۰۱ وقتیکه فرعون غرق میشد گفت: به خداوند بنی اسرائیل ایمان آورده ام؛ جز او خداوند نیست
 ۳۰۱ خداوند به فرعون گفت: آیا الان ایمان آورده ای قبلاً عصیا میکردی و از مفسدین بودی
 ۳۰۲ این قرآن کتاب روشنی است؛ هدایت کننده و مژده دهنده برای مومنین است
 ۳۰۴ جز خداوند از احدی حاجت و کمک نخواهید و نخونید زیرا که کفر و شرک است
 ۳۰۵ فرعون گفت: بگذارید من موسی را بکشم و او خداوند صاحب اختیار خودش را بخواند
 ۳۰۵ مؤمن آل فرعون شدیداً از موسی طرفداری کرد
 ۳۰۷ این قرآن به آن راهی هدایت میکند؛ که درست ترین و بهترین راه است
 ۳۰۷ خداوند گفت: ای کافران قرآن را از شما باز داریم؟ و مردم جهان را بدون هدایت بگذاریم
 ۳۰۸ خداوند متعال تمامی موجودات را جفت آفریده است
 ۳۰۸ برای خداوند اندازه بندگانش را پاره تن و جری او قرار داده اند
 ۳۰۸ فرشتگان را که بندگان خداوند هستند؛ دختران خداوند قرار داده اند
 ۳۰۸ ای محمد پیش از تو رسوالاتی را که فرستاده ام همه رسولان را تکذیب کردند
 ۳۱۹ اگر همه مردم بیک امت کافر نمیشدند؛ نردبانهای و تختهای و سقفهای کافران را از طلا و نقره قرار
 ۳۱۰ ای محمد چنگ بزن به این قرآنی که برای تو برای قوم تو راه روش و نصیحت و هدایت است
 ۳۱۰ فرعون گفت: آیا ای نهرها به فرمان من جاری نیست؟
 ۳۱۰ فرعون قوم خود را سبک و کم عقل یافت بر او اطاعت کردند

- ۳۱۱ تمامی ستارگان آسمان در حرکت هستند
- ۳۱۲ تمامی نباتات و اشجار بوسیله باد باردار میشوند
- ۳۱۴ خداوند متعال گفت: ای بنی اسرائیل به قرآن ایمان بیاورید اولین کافر به قرآن نباشید
- ۳۱۵ در روز قیامت به هیچ کس و به هیچ وجه شفاعت در کار نیست
- ۳۱۵ خداوند: ای بنی اسرائیل گفتید: اگر خداوند را آشکارا نبینیم ای موسی هرگز بتو ایمان نمی‌آریم
- ۳۱۹ بنی اسرائیل پیغمبران خداوند به قتل رسانیدند و کشتند
- ۳۱۶ خداوند عده بنی اسرائیل را به میمون‌ها و خوک‌ها رانده شده تبدیل فرمودند
- ۳۱۷ خداوند به بنی اسرائیل گفت: بقره زرین را سربیرید و ذبح کنید
- ۳۱۸ خداوند گفت: وای بر کسانی که بادیست خود کابی را می نویستند؛ میگویند: از نزد خداوند است
- ۳۲۱ خداوند جنازه عیسی ابن مریم رسول الله را بسوی خود بالا برده است
- ۳۲۲ یهودیان اموال مردم را باطل می‌خورند و از راه خداوند باز می‌داشتند
- ۳۲۴ خداوند گفت: گفتند: که خداوند همان عیسی مسیح پسر مریم است؛ کافر شدند
- بگو: اگر خداوند اراده کند؛ که عیسی پسر مریم و مادر او را تمامی اهل زمین را هلاک و نابود کند
- ۳۲۴ چکسی میتواند جلوگیری کند
- یهودیان و نصاری گفتند: که ما پسر خداوند هستیم بگو: اگر راست می‌گویند: پس چرا خداوند شما را
- ۳۲۵ مجازات میکند
- ۳۳۴ ملاقات موسی با عبد صالح (خضر) برای یاد گرفتن از علم او
- ۳۳۶ خداوند عده از بنی اسرائیل را به میون‌ها و خوک‌هایی تبدیل کرده است
- ۳۳۷ خاتمه کتاب جلد سوم

خیانت یهودیت صهیون نیست! به خداوند خلاق جهان هستی وربّ العالمین کلّ! و خیانت به انبیاء عظام!!! و رسولان و پیغمبران خداوند خلاق؛ و خیانت به کلّ انسان و انسانیّت!!! و خیانت به کلّ مخلوقات خداوند خلاق!!! خیانت به خداوند خلاق!!! خداوند را جسم انسان نوشته اند!!! و خداوند از زنان و از پسران و مردان برای خود زن گرفته است!!! و نوشته اند خداوند پسران زیاد زائیده است!!! و نوشته اند خداوند زناکار شهوت ران و ظالم!!! اشتباه کار خواب آلود!!! و گوشت و خون میخورد و مثل یک انسان فاسداست!!! و نوشته اند ابراهیم با خواهرش ازدواج کرده که ساره خواهر واقعی ابراهیم بوده است! و در ذات نطفه اسحق شک و شبهه ایجاد کرده اند! و ابراهیم ترسو و بی غیرت؛ و دنیا پرست؛ مال دوست!!! و زنی را هم بزنی فرعون داده بخاطر ترس و طمع مال و غیره! این تهمت و افتراءات کذب دروغ و خیانت را!!! در باره ابراهیم بت شکن قهرمان توحید تاریخ جهان را نوشته و روا داشتند!!! و یعقوب را بت پرست و زنا کار خدا ناشناس!!! و شرور و بی بند بار و دو خواهر را در یکجا بزنی گرفته است و یعقوب و اجدادش خدا را نخونده اند!!! و یهودا پسر یعقوب را زنا کاری بند بار؛ و حتی با عروس خود بنام تمار زنی محرمی کرده دو پسر زنا زاده و حرام زاده به دنیا آورده است!!! و نوشته اند پدر موسی؛ و هارون پیغمبران عظام خداوند خلاق با عمه خود بنام یوکید ازدواج کرده! موسی و هارون از آنها متولد شده است!!! با این کفر و شرک در ذات و نطفه این مرادن پاک و مطهر حلال زاده شک شبهه بوجود آورده اند!!! و نوشته اند لوط آن پیغمبر بزرگ خداوند خلاق با دو دختر خود زنی محرمی کرده که هر دو دختر یک پسر زنا زاده و حرام زاده بدنیا آورده اند! و تمامی نسل انسان جهان امروزی از آنها است!!! و نوشته اند که داود بت پرست و خدا نا شناس بود!!! و زنی محصنه کرده!!! او پسر بیچه زنا زاده بدنیا آورده! و مؤمن اوریا حتی را عمدتاً به قتل رسانید و کشت!!! و داود و زنی که مادر سلیمان بود هر دو زنا کار بودند!!! یعنی پدر و مادر سلیمان زنا کار بودند!!! و پسر داود بنام آمنون با خواهرش بنام تمار زنی عنفی کرد!!! و پسر داود بنام آبشالوم به زنان پدرش داود تجا و ز کرد!!! و جنگ داود با پسرش آبشالوم بیست هزار کشته داشت!!! و نوشته اند سلیمان بت پرست بود و خدایان دیگران را پرستش میکرد!!! و زنان سلیمان دل او را از خداوند بنی اسرائیل یهوه بخدایان دگر مایل کردند و سلیمان و اجدادش خدا را نخواندند!

هزار زن داشت و غزل سرایی و شهوت رانی میکرد! این مطالب را که نوشته ایم در جلد های پیشین این کتاب خوانده اید! آیا کسانی که این کلمات توهینات و کذب و افتراءات تهمت های سکسی و رکیک؛ زننده و کفر و شرک گمراهی را نوشته اند فرزندان ابلیس نمی باشند؟؟؟؟!!! بلی کسانی که چنین حرفها را به مقدسات خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین نوشته اند و روا داشته اند بدون شک فرزندان ابلیس هستند!!! شاهد به عرایض فرمایشات عیسی مسیح ابن مریم رسول الله است؛ که بروی یهودیان فرمود که شما فرزندان ابلیس هستید!!! از کتاب مقدس عهد جدید!!! از انجیل یوحنا باب هشتم آیه ۴۴!!! کسانی که به خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین!!! ناموس دهر و انبیاء عظام و!!! پیغمبران بزرگوار و رسولان گرامی خداوند خلاق چنین تهمت ها و اهانت ها و افتراءات و سکسی و رکیک و کفر و شرک را نوشته اند و روا داشته اند!!! البته بزبان عیسی مسیح ابن مریم مقدس رسول الله!!! و بزبان داود پیغمبر بزرگ خداوند خلاق جهان در قرآن کریم لعنت کردند و فرزندان ابلیس گفتند: بزبان قرآن این انسان نماها فرزندان میمونها و خوکیهای رانده شده میباشند! خوانندگان گرامی شمارا بخداوند خلاق!!! آیا انسان های خداشناس و مؤمن بدین خداوند خلاق؟! میتوانند چنین جسارت هارا بکنند؟؟؟! و کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی را که یعنی اصل اصل و ناب ناب آیات شیطانی می باشند بنویسند؟؟؟؟!!! با این کتابهای آیات شیطانی جهان و جهانیان را بکفر و شرک گمراهی و فساد اخلاقی و بی بند باری سوق بدهد؟؟؟؟!!! و اگر قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاق هستی و ربّ العالمین نبود! تمامی اهل جهان خیال میکردند!!! چنین افعال ناشایسته از خداوند خلاق و پیغمبران عظام و انبیاء گرامی و رسولان بزرگواران سر زده است!!! اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ قرآن کریم وحی منزل موجود و جود دارد! از چهره چنین کتابهای آیات شیطانی!!! یعنی از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی پرده برداشته بجهان و جهانیان اعلام فرموده است!!! که این کتابها اصل اصل و ناب ناب آیات شیطانی میباشند!!!

تطبیق ادیان سه گانه!!! یعنی یهودیت و مسیحیت و اسلام

فصل اوّل

زندگی و عملکرد درباره موسی در ادیان سه گانه

یعنی یهودیت و مسیحیت و اسلام

تألیف و گرد آوری:

عزیزاله اصغری

اشعار عارفانه

آنقدر گشتم و در وادی قرآن شدم
 در باز کردن و من داخل قرآن شدم
 گفتم ای داروی حق مسکین و بیمار شدم
 که شفاء داد و پناهنده قرآن شدم
 زود بیا که خود من هادی قرآن شدم
 که امید تو منم شافع و مولا شدم
 در صف نوح و شعیب احمد و مختار شدم
 هدف تیر مریدانی شیطان شدم
 سنگ تهمت زده اند ضدّ مسلمان شدم
 همچو عمار و بلال پیرو قرآن شدم
 مثل ابراهیم و یحیی که بدنام شدم
 که قرآن گفت که من حافظ اسلام شدم
 پیرو عالم قرآن و مددکار شدم
 که بگوید که بدانید؛ که من تابع قرآن شدم
 تا بخوانند ز قرآن؛ بگویند مسلمان شدم
 که قرآن گفت که من هادی انسان شدم
 دین سالم منم و عالمه اعلام شدم
 یاد بگیر یاد بده گو؛ تسلیم قرآن شدم
 گفت محمد هم علی تسلیم قرآن شدم
 ضالّ و جاهل همه گفت تابع اخبار شدم
 نوحه خوان همه بگویند که ماتابع او هام شدم
 تو بگو تابع دین ناب به قرآن شدم

درد دین داشتم و من درپی درمان شدم
 در قرآن زده ام من به هزاران امید
 دامنش را به گرفتم دو دستی محکم
 گفت قرآن بیا داروی انسان منم
 صاحب وحی به من گفت بیا داخل شهر
 هر که آید به درم دور شود از ضالّ و شرّ
 وارد شهر شدم آیه قرآن خواندم
 آن زمان بانگ زدم حاکم حقّ الله است
 اصل اسلام بدانید که این قرآن است
 این قرآن است امام محمد هم حسین
 هم امام علی و فاطمه و اهل البیت
 اصل قانون اساسی قرآن است بدان
 دعوی دین که بدان عالم قرآن باشد
 کس که قرآن بخواند همه ساکت بشود
 زنده هاباید از این درس بگیرد بر خود
 نه قرآن مال قبور است نه میت نه گدا
 زود بیاید به من چنگ زنید ای انسان
 آنکه قرآن بگوید که به درسش بشتاب
 این قرآن معجزه است مکتب اسلام بدان
 راه الله قرآن است و قرآن است و قرآن
 هر که قرآن بگویند؛ که به اومی خندند
 گر به توتهمت ونیرنگ بزنند اصغریا

اشعار درباره شیطانها

دشمن دین نبی راه خداست شیطانها
 گهی عابد شود و راه غلط یاد دهد
 گهی عالم شود و دین تو بر باد دهد
 هان که شیطان بگیرد که زدستت قرآن
 بر در کفر و ضالّ میشوی آخر حیران
 هان که از علم قرآن دوری و گمراه بشوی
 آن زمان از نبی سنّت بیکار بشوی
 این شیاطین دو پا دین را ویران کردی
 پشت پا بر شرف و خون شهیدان کردی
 داد شیطان فریب جدّ بنی آدم را
 تا فریب همه جا و همه حال انسان را
 گفت ابلیس خدایا من گمراه کردی
 از بهشت رانده شدم لعنت عقبا کردی
 راه دین را متغیّر بدهم بر انسان
 جهل را یاد بدهم دور کنم از هر فرقان
 این همه مذهب گمراه که شیطانها ساخت
 دین؛ ناموس و شرفرا همه شیطانها ساخت
 بعلم باعور گه سامری موسی بشود
 گاهی سادات و گهی عالم یکتا بشود
 رهبران شیاطین دوپا ابلیس است
 سنگ انداز به تعلیم قرآن ابلیس است

دشمن راه هدایت بشر است شیطانها
 گهی زاهد شود و تغییر در راه دهد
 صد هزار چهره و رنگ نقش دهد شیطانها
 در عوض می دهدت ظنّ و خیال و کفران
 راه گمراهی و الحاد دهد شیطانها
 مرکزی وحی و دین هادی بیزار بشوی
 کارها فلسفه ها؛ هان که دهد شیطانها
 کرده گمراه همه را فاسد و خسران کردی
 نسل انسان فساد کردی لعین شیطانها
 وعده ها داد به او دور کند از برهان را
 فقر فرهنگی و نیرنگ دهد شیطانها
 سجده کردن به گل و آدم رسوا کردی
 نگذارم که بیاید به رخت انسانها
 نگذارم که بیایند طرف این قرآن
 یاد دهم جعل و خیر؛ من به همه شیطانها
 اینقدر راه و روش هست که شیطانها ساخت
 پیشوای همه گمراهی و الحاد و فساد شیطانها
 شریه قاضی گهی رشدی سلمان بشود
 شاه شیطان بشود چاپ کند قرآنها
 کفر خوانان و مقدّس نما ابلیس است
 هان کسی پیرو قرآن نشود شیطانها

این شیاطین دوپا پیرو ابلیس است دان	می دهد میز و ریاست که کند چون حیوان
هان شیاطین زجن است وهم از انسان	شکل انسان ولی چون عملش شیطانها
همه دنیا؛ پرستان که بدان شیطان است	ثروت اندوز و ریاست طلبان شیطان است
خون بریزان و شهوت طلبان شیطان است	جهل و بد بختی و فقر بدهد شیطانها
گاه دین ساز کند گاه فریب کار و ریا	گاهی خون خوار و منافق عمل و گاه ریا
گاه بر قتل تو فتوا بدهد اصغریا	دشمن دین و قرآن تو بود شیطانها

بند اول: زندگی موسی از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی

و این است نامهای پسران اسرائیل که بمصر آمدند؛ هرکسی با اهل خانه اش همراه یعقوب آمدند؛ رؤبین و شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و زبولون و بنیامین و دان؛ و نفتالی؛ و جاد؛ و اشیر؛ و همه نفوسیکه از صلب یعقوب پدید آمدند و!!! هفتاد نفر بودند؛ و یوسف در مصر بود؛ و یوسف برادرانش و تمامی آن طبقه مردند!!! و بنی اسرائیل بار و رو منتشر شدند و کثیر و بی نهایت زور آور گردیدند!!! و زمین از ایشان پرگشت؛ اما پادشاهی دیگر بر مصر برخاسته که یوسف را شناخت!!! و بقوم خود گفت: همانا قوم بنی اسرائیل از ما زیاد زور آور ترانند!!! بیایید با ایشان بحکمت رفتار کنیم مبادا که زیاد تر شوند!!! و واقع شود که چون جنگ پدید آید ایشان نیز با دشمنان همراه شوند!!! و با ما جنگ کرده از زمین بیرون کنند! پس سرکاران بر ایشان گماشتند! تا ایشان را بکارهای دشوار ذلیل سازند!!! و برای فرعون شهرهای خزینه یعنی فیتوم و رعسیس را بنیاد کردند! لیکن چندانکه بیشتر ایشان را ذلیل ساختند!!! زیاد تر متزاید و منتشر گردیدند!!! و از بنی اسرائیل احترام نمودند! و مصریان از بنی اسرائیل بظلم خدمت گرفتند!!! و جانهای ایشان را ببندگی سخت بگل کاری و خشت سازی! و هرگونه عمل صحرائی تلخ ساختند! و هر خدمتیکه بر ایشان نهادند بظلم میبود! و پادشاه مصر به قابله های عبرانیکه یکی را شقره و دیگری را افوعه نام بود! امر کرده گفت: چون قابله گری برای زنان عبرانی بکنید و بر بچه هانگاه کنید!!! اگر پسر باشد او را بکشید و اگر دختر بود زنده بماند! لکن قابله ها از خداتر سیدند آنچه پادشاه مصر بدیشان فرموده بودن کردند! بلکه پسران رازنده گذاردند! پس پادشاه مصر قابله ها را طلبیده بدیشان گفت: چرا این کار را کردید؟ و پسران رازنده گذاردید؟ قابله ها به فرعون گفتند: از این سبب که زنان عبرانی چون زنان مصری نیستند بلکه زور آورند! و قبل از رسیدن قابله میزایند! خدابه قابله ها احسان نمود و قوم کثیر

شدند! و بسیار توانا گردیدند! و واقع شد چونکه قابله ها از خدا ترسیدند! خانه ها برای ایشان بساخت! و فرعون قوم خود را امر کرده گفت: هرپسری که زائیده شود به نهر اندازند! و هر دختری را زنده نگاه دارند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب اول)

و شخصی از خاندان لاوی رفته یکی از دختران لاوی را بزنی گرفت!!! و آن زن حامله شد پسری بزاد! و چون او را نیکو منظر دید! وی را سه ماه نهان داشت! و چون نتوانست او را دیگر پنهان بدارد! تابوتی از نی برایش گرفت و آن را بقیرو زغت اندوده طفل را در آن نهاد! و آن را در نی زار بکنار نهر گذاشت و خواهرش از دور ایستاد تا بداند او را چه میشود! و دختر فرعون برای غسل باده کنیز نهر فرود آمد! و کنیزانش بکنار نهر میگشتند! پس تابوت را در میان نیزار دیده! کنیزک خویش را فرستاد تا آن را بگیرد! و چون آن را بگشاد طفل را دید! و اینک پسری گریان بود! پس دلش بروی سوخت و گفت: این از اطفال عبرانیان است و خواهر وی بردختر فرعون گفت: آیا بروم وزنی شیرده را از زنان عبرانی نزدت بخوانم؟ تا طفل را برایت شیر دهند؟ دختر فرعون بوی گفت: برو پس آن دختر رفته مادر طفل را خواند! دختر فرعون گفت: این طفل را ببر و او را برای من شیر بده! مزد تو را خواهم داد!!! پس آن زن طفل را برداشته بود شیر میداد!!! چون طفل نمود کرد وی را نزد دختر فرعون برد!!! و او را پسر شد! و وی را موسی نامید زیرا گفت: او را از آب کشیدم!!! و واقع شد در آن ایام که چون موسی بزرگ شد! نزد برادران خود بیرون آمد! و بکارهای دشوار ایشان نظر انداخته!!! شخصی مصری را دید که شخصی عبرانی را که از برادران او بود میزند! پس بهر طرف نظر افکنده چون کسی را ندید! آن مصری را کشت و او را در ریک پنهان کرد و روز دیگر بیرون آمد! دید که ناگاه دو مرد عبرانی منازعه میکنند! پس بظالم گفت: چرا همسایه خود را میزنی؟! گفت: کیست تو را بر ما حاکم یا داور ساخته؟! مگر تو میخواهی مرا بکشی چنانکه آن مصری را کشتی؟! پس موسی ترسید

وگفت: یقیناً این شیوع یافته است!!! و چون فرعون این ماجرا را بشنید قصد قتل موسی کرد! و موسی از حضور فرعون فرار کرد در زمین مدیان ساکن شد! و بر سر چاهی بنشست!!! و کاهن مدیان را هفت دختر بود؛ که آمدند و آب کشیده آبخورها را پر کردند؛ تا گله پدر خویش را سیراب کنند؛ و شبانان نزدیک آمدند تا ایشان را دور کنند آنگاه موسی برخاسته ایشان را مدد کرد!!! و گله ایشان را سیراب نمود!!! و چون نزد پدر خود رعونیل آمدند؛ او گفت: چگونه امروز بدین زودی برگشتید؟! گفتند: شخص مصری ما را از دست شبانان رهائی داد!!! و آب را نیز برای ما کشیده گله را سیراب نمود!!! پس بدختران خود گفت: او کجاست چرا آن مرد را ترک کردید؟! از وی بخواهید تا نان خورد؛ و موسی راضی شد که با آن مرد ساکن شود! و او دختر خود صفورّه را بموسی داد؛ و آن زن پسری زائید و موسی او را جرشون نام نهاد و گفت: در زمین بیگانه نزیل شدم؛ و واقع شد بعد از ایام بسیاری که پادشاه مصر بمرد!!! و بنی اسرائیل بسبب بندگی آه کشیده استغاثه کردند! و ناله ایشان بسبب بندگی نزد خدا برآمد؛ و خدا ناله ایشان را شنید! و خدا عهد خود را با ابراهیم و اسحق و یعقوب بیاد آورد! و خدا بر بندگی بنی اسرائیل نظر کرد و خدا دانست!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب دوم)

و اما موسی گله پدر زن خود یترون کاهن مدیان را شبانی میکرد؛ و گله را بدان طرف صحرا عراند و بحرویب که جبل الله باشد آمد؛ و فرشته خداوند در شعله از میان بوته بروی ظاهر شد!! و چون او نگریست اینک آن بوته به آتش مشتعل است سوخته نمیشود!!! و موسی گفت: اکنون بدان طرف شوم! و این امر غریب را ببینم که بوته چرا سوخته نمیشود!!! چون خداوند دید که برای مایل بدان سو میشود؛ خدا در میان بوته بوی ندا در داد و گفت: ای موسی! ای موسی گفت: لبیک؛ گفت: بدین جا نزدیک میآ نعلین خود را از پایهایت بیرون کن!!! زیرا که مکانی که در آن ایستاده زمین مقدس است و گفت: من هستم خدائی پدرت!!! خدائی ابراهیم و خدائی اسحق و خدائی یعقوب!!! آنگاه موسی روی خود را پوشانید؛ زیرا ترسید که بخدا بنگرد! و خداوند گفت: هر آینه مصیبت قوم خود را که

در مصر دیدم!!! و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم زیرا غم های ایشان را میدانم؛ و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم!!! و ایشان را از آن زمین؛ بزمین نیکو و وسیع بر آورم؛ بزمینی که بشیرو شهد جار یست؛ بمکان کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزیان و حویان و یبوسیان!!! و الآن اینک استغاثه بنی اسرائیل نزد من رسیده است؛ و ظلمی را نیز که مصریان بر ایشان میکنند دیده ام!!! پس اکنون بیا تورا نزد فرعون بفرستم!!! و قوم من بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری؛ موسی بخدا گفت: من کیستم که نزد فرعون بروم؟ و بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورم؟ خدا گفت: البته با تو خواهم بود! و علامتی که من تورا فرستاده ام این میباشد؛ که قوم را از مصر بیرون آوردی خدا را بر این کوه عبادت خواهید کرد؛ موسی به خدا گفت: اینک چون من نزد بنی اسرائیل برسم بدیشان بگویم: خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است و از من بپرسند که نام او چیست بدیشان چه بگویم؟! خدا بموسی گفت: هستم آنی که هستم و گفت: بنی اسرائیل چنین بگو: آهیه (هستم) مرا نزد شما فرستاد خدا باز بموسی گفت: بنی اسرائیل چنین بگو: یهوه خدای پدران شما؛ خدای ابراهیم!!! خدای اسحق؛ خدای یعقوب مرا نزد شما فرستاده! این است نام من تا ابد الابد؛ و این است یادگاری من نسل بعد نسل؛ برو و مشایخ بنی اسرائیل را جمع کرده بدیشان بگو: یهوه خدای پدران شما!!! خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب بمن ظاهر شده گفت: هر آینه از شما و از آنچه بشما در مصر کرده اند تفقد کرده ام؛ و گفتم: شما را از مصیبت مصر بیرون خواهم آورد؛ بزمین کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزیان و حویان و یبوسیان!!! بزمینیکه بشیرو شهد جاریست و سخن تورا خواهند شنید!!! و توبا مشایخ بنی اسرائیل نزد پادشاه مصر بروید و بوی بگوئید: یهوه خدای عبرانیان!!! اما را ملاقات کرده است!!! و الآن سفر سه روزه بصحراء برویم!!! تا برای یهوه خدای خود قربانی بگذرانیم؛ و من میدانم که پادشاه مصر شما را نمیگذارد بروید؛ و من هم بدست زور آور!!! پس دست خود را دراز خواهم کرد؛ و مصر را بهمه عجایب خود؛ که در میانش بظهور می آورم خواهم زد؛ بعد از آن شما را رها خواهد کرد

و این قوم را در نظر مصریان مکرم خواهم ساخت؛ و واقع خواهد شد که چون بروید تهی دست نخواهید رفت!!! بلکه هرزنی از همسایه خود و مهمان خانه خویش آلات نقره و آلات طلاورخت خواهد خواست!!! و پسران و دختران خود خواهید پوشانید؛ و مصریان را غارت خواهید نمود!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سوم)

و موسی در جواب گفت: همانا مرا تصدیق نخواهند کرد؛ و سخن مرا نخواهند شنید؛ بلکه خواهند گفت: یهوه بر تو ظاهر نشده است؛ پس خداوند بوی گفت: آن چیست در دست تو؟ گفت: عصا؛ گفت: آن را بزمین بینداز؛ و چون آن را بزمین انداخت ماری گردید؛ و موسی از نزدش گریخت؛ پس خداوند بموسی گفت: دست خود را دراز کن و دمش را بگیر؛ پس دست خود را دراز کرده آن را بگرفت؛ که در دستش عصا شد؛ تا آنکه باور کنند که یهوه خدای پدران ایشان؛ خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب بتو ظاهر شد؛ خداوند دیگر باره وی را گفت: دست خود را در گریبان خود بگذار چون دست به گریبان خود برد؛ و آن بیرون آورد؛ اینک دست او مثل برف مبروص شد!!! پس گفت: دست خود را دو باره بگریبان خود بگذارد؛ چون دست بگریبان خود باز برد؛ آن را بیرون آورد؛ اینک مثل سایر بدنش باز آمده بود؛ و واقع شد که اگر تورا تصدیق نکنند؛ و آواز آیت نخستین را نشنوند؛ همانا آواز آیت دوم را باور خواهند کرد؛ و هرگاه این دو آیت را باور نکردند و سخن تورا نشنیدند؛ آنگاه از آب نهر گرفته به خشکی بریز؛ و آبی که از نهر گرفتاری بر روی خشکی بخون مبدل خواهد شد!!! پس موسی به خداوند گفت: ای خداوند من مردی فصیح نیستم؛ نه در سابق و نه از وقتیکه ببنده خود سخن گفتم؛ بلکه بطی الکلام و کند زبان؛ خداوند گفت: کیست که زبان به انسان داد؟! و گنگ و کروبینا و نابینا را آفرید؟! آیا نم ن که یهوه هستم؟! پس الآن برو من با زبانت خواهم بود؛ و هر چه باید بگویی تورا خواهم آموخت!!! گفت:

استدعادم ای خداوند که بفرستی هر که را میفرستی؛ آنگاه خشم خداوند بر موسی مشتعل شد و گفت: آیا!!! برادرت هارون لای را نمیدانم که او فصیح الکلام است؟ و اینک اونیز به استقبال تو بیرون می آید؛ و چون تورا ببیند در دل خود شاد خواهد گردید! و بدو سخن خواهی گفت: و کلام را بزبان وی القاء خواهی کرد و من بازبان تو و زبان او خواهم بود؛ و آنچه باید بکنید شمارا خواهم آموخت او برای تو بقوم سخن خواهد گفت: و او امرتورا بجای خواهد آورد! و تو او را بجای خدا خواهی بود؛ و این عصارا بدست خوبگیر که با آن آیات را ظاهر سازی؛ پس موسی روانه شده نزد پدرزن خود یترون برگشت و بوی گفت: میروم و نزد برادران خود؛ که در مصر ندبر کردم و ببینم که تا کنون زنده اند؛ یترون بموسی گفت: بسلامتی برو؛ و خداوند در مدیان بموسی گفت: روانه شده بمصر برگرد؛ زیرا و آنانیکه قصد جان تو بودند مردند؛ پس موسی زن خویش و پسران خود را برداشته ایشان را بر الاغ سوار کرده بزمین مصر مراجعت نمود!!! و موسی عصای خدا را بدست خود گرفت: خداوند بموسی گفت: چون روانه شده بمصر مراجعت کردی؛ آگاه باش که همه علامتی را که بدستت سپردم؛ بحضور فرعون ظاهر سازی! که من دل او را سخت خواهم کرد تا قوم را رها نکند!!! به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من نخست زاده منست؛ و بتو میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رها کردنش ابا نمائی؛ همانا پسر تو یعنی نخست زاده تورا میکشم؛ و واقع شد در بین راه که خداوند در منزل؛ بدو (موسی) برخورد کرده قصد قتل وی نمود؛ آنگاه صقوره سنگی تیز گرفته!!! غلفه پسر خود را ختنه کرد؛ و نزد پای وی (خدا) انداخته گفت: تو مرا شوهر خون هستی (خدا) او وی را رها کرد!!! آنگاه (صقوره) گفت: شوهر خون هستی بسبب ختنه و خداوند به هارون گفت: بسوی صحراء به استقبال موسی برو پس روانه شد و او را در جبل الله ملاقات کرده او را بوسید؛ و موسی از جمیع کلمات خداوند او را فرستاده بود؛ و از همه آیاتی که بوی امر فرموده بود هارون را خبر داد!!! پس موسی و هارون رفته کلّ مشایخ بنی اسرائیل را جمع کردند؛ هارون همه سخنان را که خداوند بموسی فرموده بود باز گفت: و آیات را بنظر قوم ظاهر ساخت؛ قوم

ایمان آورد و چون شنیدند که خداوند از بنی اسرائیل تفقد نموده؛ وبه مصیبت ایشان نظر انداخته است بروی در افتاده سجده کردند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی باب چهارم)

و بعد از آن موسی و هارون آمده به فرعون گفتند: یَهُوَه خدای اسرائیل چنین میگوید: قوم مرا رها کن تا برای من در صحراء عید نگاه دارند؛ فرعون گفت: یَهُوَه کیست؟ که قول اورا بشنوم و بنی اسرائیل را رهایی بدهم؛ یَهُوَه را نمیشناسم و بنی اسرائیل را نیز رها نخواهم کرد؛ گفتند: خدائی عبرانیان ما را ملاقات کرده است!!! پس الآن سفر سه روزه بصحراء برویم! و نزد یَهُوَه خدای خود قربانی بگذرانیم! مبادا ما را به وبأ ویا بشمشیر مبتلا سازد! پس پادشاه مصر بدیشان گفت: ای موسی و هارون چرا قوم را از کارهای ایشان باز میدارید؟ بشغل های خود بروید!!! و فرعون گفت: اینک الآن اهل زمین بسیارند و ایشان را از شغل های ایشان بیکار میسازید؛ و در آن روز فرعون سرکاران و ناظران قوم خود را قدغن فرمود گفت: بعد از این گاه برای خشت سازی مثل سابق بدین قوم مدهید خود بروند و گاه برای خویشتن جمع کنند! و همان حساب خشتهائی را که بیشتر میساختند! برایشان بگذارید و از آن هیچ کم مکنید!!! زیرا کاهلند و از اینرو فریاد میکنند و میگویند: که برویم تا برای خدای خود قربانی بگذرانیم!!! و خدمت ایشان سختتر شود تا در آن مشغول شوند؛ و بسخنان باطل اعتناء نکنند! پس سرکاران و ناظران قوم بیرون آمده قوم را خطاب کرده گفتند: فرعون چنین میفرماید: که من گاه بشما نمیدهم؛ خود بروید و گاه برای خود از هر جاکه بیابید بگیرید؛ و از خدمت شما هیچ کم نخواهد شد؛ پس قوم در تمامی زمین مصر پراکنده شدند تا خاشاک بعوض گاه جمع کنند!!! و سرکاران ایشان را شتابانیده گفتند: کارهای خود را تمام کنید یعنی حساب هر روز را در هر روزش مثل وقتی که گاه بود! و ناظران بنی اسرائیل را که سرکاران فرعون برایشان گماشته بودند و می گفتند:

چرا خدمت معین خشت سازی خود را در این روزها مثل سابق تمام نمیکنید آن گاه ناظران بنی اسرائیل آمده نزد فرعون فریاد کرده گفتند: چرا ببندگان خود چنین میکنی؛ گاه ببندگان نمیدهند؟! و میگویند: خشت برای ما بسازید؟! اینک بندگان را میزنند و اما خطاء از قوم تو میباشد گفت: کاهل هستید شما کاهلید از این سبب شما میگوئید: برویم و برای خداوند قربانی بگذرانیم!!! اکنون رفته خدمت بکنید و گاه بشما داده نخواهد شد!!! و حساب خشت را خواهید داد!!! و ناظران بنی اسرائیل دیدند که در بدی گرفتار شدند زیرا که گفت: حساب یومیة خشتهای خود هیچ کم مکنید؛ و چون از نزد فرعون بیرون آمدند! بموسی و هارون برخوردند!!! که برای ملاقات ایشان ایستاده بودند!!! و بدیشان گفتند: خداوند بر شما بنگرد و داوری نماید؛ زیرا که رایحه ما را نزد فرعون و ملازمانش متعفن ساخته اید؛ و شمشیری بدست ایشان داده اید تا ما را بکشند!!! آنگاه موسی نزد خداوند برگشته گفت: خداوند اچرا بدین قوم بدی کردی و برای چه مرا فرستادی؟! زیرا وقتی که نزد فرعون آمدم تا بنام تو سخن گویم: بدین قوم بدی کرده است! و قوم را هرگز خلاصی ندادی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب پنجم)

خداوند بموسی گفت: الآن خواهی دید آنچه به فرعون میکنم!!! زیرا که بدست قوی ایشان را رها خواهد کرد؛ و بدست زور آوران ایشان را از زمین خود خواهد راند! و خداوند بموسی خطاب کرده وی را گفت: من یهوه هستم؛ و با ابراهیم و اسحق و یعقوب بنام خدای قادر مطلق ظاهر شدم!!! لیکن بنام خود یهوه نزد ایشان معروف گشتم و عهد خود را نیز با ایشان استوار کردم!!! که زمین کنعان را بدیشان بدهم یعنی زمین غربت ایشان را که در آن غریب بودند!!! و من نیز چون ناله بنی اسرائیل را که مصریان ایشان را مملوک خود ساخته اند شنیدم عهد خود را بیاد آوردم؛ بنابراین بنی اسرائیل را بگو: من یهوه هستم و شما را از زیر مشقتها مصریان بیرون خواهم آورد؛ شما را از بندگی ایشان رهائی دهم

و شما را ببازوی بلند و به داوریهای عظیم نجات بدهم؛ و شما را خواهم گرفت تا برای من قوم شوید و شما را خدا خواهم بود؛ و خواهید دانست که من یهوه هستم؛ خدای شما که شما را از مشقتها مصریان بیرون آورم؛ و شما را خواهم رسانید بزمینی که درباره آن قسم خوردم؛ که آنرا به ابراهیم و اسحق و یعقوب ببخشم!!! پس آن را به ارثیت شما خواهم داد من یهوه هستم!!! و موسی به بنی اسرائیل بدین مضمون گفت: لیکن بسبب تنگی روح و سختی خدمت سخن او را نشنیدند!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: برو به فرعون پادشاه مصر بگو: که بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی دهد؛ و موسی بحضور خداوند عرض کرده گفت: اینک بنی اسرائیل مرا نمیشنود؛ پس چگونه فرعون مرا بشنود؛ و حال آنکه من نامختون لب هستم؛ و خداوند به موسی و هارون تکلم نمود!!! ایشان را بسوی بنی اسرائیل و بسوی فرعون پادشاه مصر مأمور کرد!!! تا بنی اسرائیل را از زمین مصر بیرون آورند!!! و اینانند رؤسای خاندانهای آبای ایشان!!! پسران رؤبیین نخست زاده اسرائیل حنوک و قلو و حضر و گرمی و اینانند قبایل رؤبیین و پسران شمعون یموئیل و یامین و اوهد و یاکین و صوحر و شاول که پس زن کنعانی بود؛ و اینانند قبایل شمعون؛ و اینست نامهای پسران لاوی بحسب پیدایش ایشان!!! چزشون؛ و قهات، و مراری؛ و سالهای عمر لاوی صد و هفت سال بود!!! پزشون لبینی و شمی بحسب قبایل ایشان؛ و پسران قهات عمرام و یصهار و حبرون!!! عزئیل و سالهای عمر قهات صد و سی و سه سال بود؛ و پسران مراری محلی و موشی اینانند قبایل لاوی بحسب پیدایش ایشان؛ و عمرام عمه خود یوکابد را بزنی گرفت!!! و او برای وی هارون و موسی را زانید!!! و سالهای عمر عمرام صد و سی و هفت سال بود؛ و پسران یصهار؛ قورح و نافع و زکری و پسران عزئیل میثائیل و ایلسافن و سیری و هاورن الیشابیع دختر عمیناداب خواهر نحشون را بزنی گرفت!!! و برایش ناداب و ابیهو و العازرو!!! ایتام را زانید و پسران قورح اتسیر و القاته و ابیاساف اینانند قبایل قورحیان!!! و العازر بن هارون یکی از دختران فوتینیل را بزنی گرفت؛ و برایش فیناحس را زانید اینانند رؤسای آباء لاویان بحسب قبایل ایشان؛ اینانند هارون و موسی و خداوند بدیشان گفت: بنی اسرائیل را با جنود

ایشان از زمین مصر بیرون آورید؛ اینانند که بفرعون پادشاه مصر سخن گفتند: برای بیرون آوردن بنی اسرائیل از مصر؛ اینان موسی؛ هارونند؛ و واقع شد در روزی که خداوند در زمین مصر موسی را خطاب کرد؛ که به موسی فرموده گفت: من یهوه هستم هر آنچه من بتو میگویم: به فرعون پادشاه مصر بگو: و موسی بحضور خداوند عرض کرد اینک من نامختون لب هستم پس چگونه فرعون مرا بشنود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب ششم)

و خداوند به موسی گفت: ببین تو را بر فرعون خدا ساختم؛ و برادرت هارون نبی تو خواهد بود؛ هر آنچه بتو امر نمایم تو آن را بگو: برادرت هارون آن را بر فرعون بازگوید: تا بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی دهد؛ و من دل فرعون را سخت میکنم؛ و آیات و علامات خود را در زمین مصر بسیار میسازم؛ فرعون بشما گوش نخواهد گرفت: و دست خود را بر مصر!!! خواهم انداخت تا جنود خود را یعنی قوم خویش را از زمین مصر به داوریهای عظیم بیرون آورم!!! و مصریان خواهند دانست که من یهوه هستم!!! چون دست خود را بر مصر دراز کرده!!! بنی اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورم!!! و موسی و هارون چنانکه خداوند بدیشان امر فرموده بود کردند؛ و همچنین عمل نمودند!!! و موسی هشتاد ساله و هارون هشتاد و سه ساله بود!!! و وقتی که به فرعون سخن گفتند: پس خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: چون فرعون شما را خطاب کرده گوید: معجزه برای خود ظاهر کنید آنگاه به هارون بگو: عصای خود را بگیر؛ و آن را پس روی فرعون بینداز تا اژدها شود؛ آنگاه موسی و هارون نزد فرعون رفتند و آنچه خداوند فرموده بود کردند؛ و هارون عصای خود را پیش روی فرعون! و پیش روی ملازمانش انداخت اژدها شد؛ و فرعون نیز حکیمان و جادوگران را طلبید!!! و ساحران مصر هم به افسونهای خود چنین کردند؛ هر یکی عصای خود را انداختند و اژدها شد؛ ولی عصای هارون ایشان را بلعید؛ و دل فرعون

سخت شد و ایشان را نشنید؛ چنانکه خداوند گفته بود؛ و خداوند موسی را گفت: دل فرعون سخت شده و ازرها کردن قوم ابا کرده است؛ بامدادان نزد فرعون برو اینک بسوی آب بیرون می آید!!! و برای ملاقات وی بکنار نهر بایست؛ و عصارا که بمارمبدل گشته بدست خود بگیر؛ و او را بگو: یهوه خدای عبرانیان مرا فرستاده گفت: قوم مرا رها کن تا مرا در صحراء عبادت نماید!!! و اینک تا بحال نشنیده؛ پس خداوند چنین میگوید: از این پس خواهی دانست که من یهوه هستم!!! همانا من به عصای در دست دارم آب را میزنم و بخون مبدل خواهد شد؛ ماهیانی که در نهرند خواهند مرد؛ و نهر گندیده میشود؛ و مصریان از نوشیدن آب نهر را مکروه خواهند داشت؛ خداوند بموسی گفت: به هارون بگو: عصای خود را بگیر و دست خود را بر آبهای مصر دراز کن؛ بر نهرهای ایشان و جویهای ایشان و دریاچه های ایشان؛ و همه حوض های آب ایشان تا خون شود؛ و در تمامی زمین مصر در ظروف جوی و ظروف سنگی خون خواهد بود؛ و موسی و هارون چنانکه خداوند امر فرموده؛ بود کردند؛ و عصا را بلند کرده آب نهر را بحضور فرعون و ملازمانش زد؛ و تمامی آب نهر بخون مبدل شد!!! و ماهیانی که در نهر بودند مردند؛ و نهری گندید و مصریان از آب نهر نتوانستند بنوشند؛ و در تمامی زمین مصر خون بود!!! جادوگران مصر به افسونهای خویش چنین کردند!!! و دل فرعون سخت شد که بدیشان گوش نکرد چنانکه خداوند گفته بود: فرعون برگشته بخانه خود رفت و بر این نیز دل خود را متوجه ساخت و همه مصریان گرداگرد!!! نهر برای خوردن آب حفره میزدند!!! زیرا که از آب نهر نتوانستند بنوشند!!! و بعد از آنکه خداوند نهر را زده بود!!! هفت روز سپری شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هفتم)

خداوند موسی را گفت: نزد فرعون برو و بوی بگو: خداوند چنین میگوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت نماید!!! و اگر تو از رها کردن ایشان ابا نمائی؛ همانا من تمامی حدود تورا بوز غهامبتلامی سازم؛ و نهر روز غهارا بکثرت پیدا نماید به حدی که برآمده بخانه ات؛ و خوابگاهت؛ بسترت و خانه های بند گانت و بر قومت

و بتنورهایت و تنگراهی خمیرت در خواهند آمد؛ و بر تو و قوم تو و همه بندگان تو وزغها بر خواهند آمد!!! و خداوند بموسی گفت: به هارون بگو: دست خود را با عصای خویش بر نهرها او جویهای و دریاچه ها دراز کن!!! و وزغها را بر زمین مصر بر آور؛ پس چون هارون دست خود را بر آبهای مصر دراز کرد؛ وزغها بر آمده زمین مصر را پوشانیدند؛ و جادوگران با افسونهای خود چنین کردند!!! و وزغها را بر زمین مصر بر آوردند؛ آنگاه فرعون موسی و هارون را خواند گفت: در نزد خداوند دعا کنید تا وزغها را از من دور کند؛ و قوم را رها خواهم کرد تا برای خداوند قربانی گذرانند؛ موسی به فرعون گفت: وقتی را برای من معین فرما که برای تو و بندگان و قومت دعا کنم؛ تا وزغها از تو و خانه ات نابود شود! و فقط در نهر بمانند؛ گفت: فردا؛ موسی گفت: موافق سخن تو خواهد شد تا بدانی که مثل یهوه خدای ما دیگری نیست؛ وزغها از تو و خانه ات و بندگان و قومت دور خواهند شد؛ و فقط در نهر باقی خواهند ماند؛ موسی و هارون از نزد فرعون بیرون آمدند؛ و موسی در باره وزغهای که بفرعون فرستاده بود نزد خداوند استغاثه نمود؛ و خداوند موافق سخن موسی عمل نمود!!! و وزغها از خانه و از دهات و از صحراء مردند!!! و آنها را توده توده جمع کردند و زمین متعفن شد! اما فرعون چون دید که آسایش پدید آمد دل خود را سخت کرد!!! و بدیشان گوش نگرفت چنانکه خداوند گفته بود: و خداوند بموسی گفت: به هارون بگو: که عصای خود را دراز کن غبار زمین را عصایت بزن در تمام مصر پشه ها بشوند!!! پس چنین کردند و هارون دست خود را با عصای خویش دراز کرد! و غبار زمین را زد و پشه ها بر انسان و بهایم پدید آمد؛ زیرا که تمامی غبار زمین در کلّ ارض مصر پشه ها گردید!!! و جادوگران و با افسونهای خود چنین کردند تا پشه ها را بیرون آورند؛ اما نتوانستند و پشه ها بر انسان و بهایم پدیدار شد! جادوگران بفرعون گفتند: این انگشت خداست اما دل فرعون سخت شده بود که بدیشان گوش نگرفت چنانکه خداوند گفته بود: و خداوند بموسی گفت: با مدادان برخاسته پیش روی فرعون بایست اینک بسوی آب بیرون می آید؛ و

اورابگو: خداوند چنین میگوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت نماید!!! زیرا که اگر قوم مرا رها نکنی همانا بر تو و بندگانت و قومت و خانه هایت؛ انواع مگس ها میفرستم و خانه های مصریان و زمینی نیز که بر آنند از انواع مگس ها پر خواهد شد؛ و در آن روز زمین جوشن را که قوم من در آن مقیم اند جدا سازم که در آنجا مگسی نباشد؛ تا بدانی که من در میان این زمین یهوه هستم؛ و فرقی در میان قوم خود و قوم تو بگذارم فردا این علامت خواهد شد؛ و خداوند چنین کرد و انواع مگس های بسیار بخانه فرعون و بخانه های بندگانش و تمامی زمین مصر آمدند و زمین از مگسها ویران شد؛ و فرعون موسی و هارون را خوانده گفت: بروید برای خدای خود در این زمین قربانی بگذرانید؛ موسی گفت: چنین کردن نشاید!!! زیرا که آنچه مکروه مصریانست برای یهوه خدای خود ذبح میکنیم؛ اینک چون مکروه مصریان را پیش روی ایشان نمائیم؛ آیامارا سنگ سار نمیکنند؟! سفر سه روزه بصره برویم و برای یهوه قربانی بگذرانیم؟ چنانکه بما امر خواهد فرمود؟ فرعون گفت: من شمارا رهائی خواهم داد؛ تا برای یهوه خدای خود در صحراء قربانی گذرانید؛ لیکن بسیار دور مروید و برای من دعا کنید!!! موسی گفت: همانا من از حضورت بیرون میروم!!! نزد خداوند دعا میکنم؛ و مگس ها از فرعون و بندگانش و قومش فردا دور خواهند شد؛ اما زنهار ای فرعون بار دیگر حيله نکنید که قوم مرا رهائی ندهید؛ تا برای خداوند قربانی گذرانند؛ پس موسی از حضور فرعون بیرون شده نزد خداوند دعا کرد؛ و خداوند موافق سخن موسی عمل کرد؛ مگس ها را از فرعون و بندگانش و قومش دور کرد که یکی باقی نماند؛ اما در این مرتبه نیز فرعون دل خود را سخت ساخته قوم را رهائی نداد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هشتم)

و خداوند موسی گفت: نزد فرعون برو و بوی بگو: یهوه خدای عبرانیان چنین میگوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت کنند؛ زیرا که اگر تو از رهائی دادن ابا نمائی و ایشانرا باز نگاه داری؛ همانا دست خداوند بر مواشی تو که در صحراء اند!!! دراز خواهد شد!!! بر اسبان و الاغان و شتران و گاو و گوسفندان یعنی

وبائی بسیار سخت؛ خداوند در میان موآشی اسرائیلیان و موآشی مصریان فرقی خواهد گذاشت!!! که از آنچه مال بنی اسرائیل است چیزی نخواهد مرد؛ خداوند وقتی معین نموده گفت: فردا خداوند این کار را در این زمین خواهد کرد؛ پس در فردا خداوند کار را کرد و همه موآشی مصریان مردند؛ و از موآشی بنی اسرائیل یکی نمرد؛ و فرعون فرستاد و اینک از موآشی اسرائیلیان یکی هم نمرده بود؛ اما دل فرعون سخت شده قوم را رهائی نداد؛ و خداوند بموسی و هارون گفت: از خاکستر کوره مُشتهای خود را پر کرده بردارید؛ و موسی بحضور فرعون بسوی!!! آسمان برافشاند؛ غبار خواهد شد؛ بر تمامی زمین مصر و سوزشی که دُمّها بیرون آورد؛ بر انسان و بر بهایم در تمامی زمین مصر خواهد شد؛ پس از خاکستر گرفتند و بحضور فرعون ایستادند!!! و موسی آن را بسوی آسمان پراکنده!!! و سوزشی پدید شده دُمّها را بیرون آورد؛ در انسان و در بهایم؛ و جادوگران سبب آن سوزش بحضور موسی نتوانستند ایستاد؛ زیرا که سوزش بر جادوگران و بر همه مصریان بودند!!! و خداوند دل فرعون را سخت ساخت؛ که بدیشان گوش نگرفت؛ چنانکه خداوند بموسی گفته بود: و خداوند بموسی گفت: بامدادان برخاسته پیش روی فرعون بایست و بوی بگو: یهوه خداوند عبرانیان چنین میگوید: قوم مرا رهاکن!!! تا مرا عبادت نمایند؛ زیرا که در این دفعه تمامی بلایای خود را بردل تو؛ و بندگان و قومت خواهم فرستاد؛ تا بدانی که در تمامی جهان مثل من نیست زیرا اگر تا کنون دست خود را دراز کرده؛ و تورا و قومت را بوبا مبتلا ساخته بودم هر آینه از زمین هلاک میشدی؛ و لکن برای همین تورا برپا داشته ام تا قدرت خود را بتونشان دهم؛ و نام من در تمامی جهان شایع شود؛ و آیات بحال خویشان را بر قوم من!!! برتر میساختی و ایشان را رهائی نمیدی؟! همانا فردا این وقت تگرگی بسیار سخت خواهم بارانید؛ که مثل آن در مصر از روز پیدایش تا کنون نشده است؛ پس الآن بفرست و موآشی و آنچه را در صحراء داری جمع کن زیرا که بر هر انسان و بهایمی که در صحراء یافته شوند!!! و بخانه ها جمع

نشوندتگرگ فروخواهد آمد و خواهند مرد!!! پس هرکسی از بندگان فرعون از قول خداوند ترسید؛ نوکران و مواشی خود را بخانه ها گریزانید؛ اما هر که دل خود را بکلام خداوند متوجه ساخت!!! نوکران و مواشی خود را در صحراء و گذاشت؛ و خداوند بموسی گفت: دست خود را بسوی آسمان دراز کن!!! تا در تمامی زمین مصر تگرگ بشود! بر انسان و بهایم و همه نباتات صحراء در کلّ ارض مصر پس موسی عصای خود را بسوی آسمان دراز کرده؛ خداوند رعد تگرگ داد و آتش بر زمین فرود آمد!!! و خداوند تگرگ بر زمین مصر بارانید؛ و تگرگ آمد و آتشی که در میان تگرگ آمیخته بود و بشدت سخت بود! که مثل آن در تمامی زمین مصر از زمانی که جمیع امت شده بودند!!! و در تمامی زمین مصر تگرگ آنچه را که در صحراء بود از انسان و بهایم زد؛ و همه نباتات صحراء را زد؛ و جمع درختان صحراء را شکست؛ فقط در زمین جرشن جایی که بنی اسرائیل بودند تگرگ نبود!!! آنگاه فرعون فرستاده موسی و هارون را خواند!!! و بدیشان گفت: در این مرتبه گناه کردم خداوند عادل است و من و قوم من گناهکاریم نزد خداوند دعا کنید زیرا که کافیت تا رعدهای خداوند تگرگ دیگر نشود و شمارا رها خواهم کرد!!! و دیگر درنگ نخواهید نمود؛ موسی بوی گفت: چون از شهر بیرون بروم دستهای خود را نزد خداوند خواهم افراشت! تا رعدها موقوف شود و تگرگ دیگر نیاید! تا بدانی جهان از آن خداوند است! و اما تو و بندگان میدانم که تابحال از یهوه خدا نخواهید ترسید! و کتان و جوزده شد؛ زیرا که جو خوشه آورده بود و کتان تخم داشته؛ اما گندم و غله زده نشد؛ زیرا که متأخر بود؛ موسی از حضور فرعون از شهر بیرون شده دستهای خود را نزد خداوند بر افراشته؛ و رعدها و تگرگ موقوف شد!!! و باران بر زمین نبارید!!! و چون فرعون دید که باران و رعدها موقوف شد!!! باز گناه ورزیده دل خود را سخت ساخت هم او و هم بندگان! پس دل فرعون سخت شده بنی اسرائیل را رهائی نداد! چنانکه خداوند بدست موسی گفته بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب نهم)

و خداوند بموسی گفت: نزد فرعون برو زیرا که من دل فرعون و دل بندگانش را سخت کرده ام! تا من این آیات خود را در میان ایشان ظاهر سازم! و تا آنچه در مصر کرده ام و آیات خود را که در میان ایشان ظاهر ساختم؛ بگوش پسر و پسر پسر تو بازگویی تا بدانند که من یهوه هستم! پس موسی و هارون نزد فرعون آمده بوی گفتند: یهوه خدای عبرانیان چنین میگوید: تا بکی از تواضع کردن بحضور من ابا خواهی نمود؟ قوم مرا رها کن تا مرا عبادت کنند؛ زیرا که اگر تو را رها کردن قوم من ابا کنی هر آینه من فردا ملخها را در حدود تو فرود آورم! که روی زمین را مستور خواهند ساخت؛ بحدی که زمین را نتوان دید! و وشمه آنچه رسته است که برای شما از تگرگ باقی مانده خواهند خورد! و هر درختی را که برای شما در صحرا روئیده است خواهند خورد! و خانه تو و خانه های بندگانت و خانه های همه مصریان را پر خواهند ساخت! بمرتبه که پدران و پدران پدران از روزیکه بر زمین بوده اند تا الیوم ندیده اند؛ پس روگردانیده از حضور فرعون بیرون رفت!!! آنگاه بندگان فرعون بوی گفتند: تا بکی برای ما این مرد دامی باشد!!! این مرمان را رها کن!!! تا یهوه خدای خود را عبادت نمایند؛ مگر تا بحال نداسته که مصر ویران شده است! پس موسی و هارون را نزد فرعون برگردانیدند! و او به ایشان گفت: بروید و یهوه خدای خود را عبادت کنید لیکن کیستند که میروند؟! موسی گفت: با جوانان و پسران و پیران خود خواهیم رفت: با پسران و دختران گوسفندان و گاوان خود خواهیم رفت! زیرا که ما را عیدی برای خداوند است! بدیشان گفت: خداوند با شما چنین باشد اگر شما را با اطفال شما رهائی دهم با حذر باشید! زیرا که بدی پیش روی شما است! چنین بلکه شما که بالغ هستید رفته خداوند را عبادت کنید!!! زیرا که آنچه خواسته بودید؛ پس ایشان را از حضور فرعون بیرون رانند؛ و خداوند بموسی گفت: دست خود را برای ملخها بر زمین مصر دراز کن تا بر زمین مصر برآیند و همه نباتات زمین را که از تگرگ مانده است بخورند پس موسی عصای

خود را بزمین مصر درازگرد؛ و خداوند تمامی آن روز آن شب را بادی شرقی ملخهار آورد و ملخها بر تمامی زمین مصر برآمدند؛ و در همه حدود مصر نشستند!!! بسیار سخت که قبل از آن چنین نبود!!! و بعد از هم نخواهد بود؛ و روی تمامی زمین را پوشانیدند؛ که زمین تاریک شد؛ و همه نباتات زمین و همه میوه درختان را که از تگرگ باقی مانده بود خوردند بحدی که هیچ سبزی بر درخت!!! نبات صحراء در تمامی زمین نماند؛ آنگاه فرعون موسی و هارون را بزودی خواند گفت: به یهوه خدای شما و شما گناه کرده ام! و اکنون این مرتبه فقط گناه مرا عفو فرمائید؛ و از خدای خود استدعا نمائید!!! تا این موت را فقط از من بر طرف نماید؛ پس از حضور فرعون بیرون شده از خداوند استدعا نمود؛ خداوند باد شرقی بسیار سخت را برگردانید!!! که ملخها را برداشته بدریای قلزم ریخت!!! و در تمامی حدود مصر ملخی نماند!!! اما خداوند دل فرعون را سخت گردانید!!! که بنی اسرائیل را رهائی نداد؛ و خداوند بموسی گفت: دست خود را بسوی آسمان برافراز تا تاریکی بر زمین مصر پدید آید! تاریکی که بتواند احساس کرد؛ پس موسی دست خود را بسوی آسمان برافراشت و تاریکی غلیظ تاسه روز در تمامی زمین مصر پدید آمد؛ و یکدیگر را نمیدیدند!!! و تا سه روز کسی از جای خود بر نخاست لیکن برای جمیع بنی اسرائیل در مسکنهای ایشان روشنایی بود!!! و فرعون موسی را خوانده گفت: بروید خداوند را عبادت کنید فقط گله ها و رمه های شما بماند اطفال شما بروند؛ موسی گفت: ذبایح و قربانی سوختی نیز میباید بدست مابدهی؛ تا نزد یهوه خدای خود بگذرانیم؛ مواشی ما نیز با ما خواهد آمد یکی سُمی باقی نخواهد ماند؛ زیرا که از اینها برای عبادت یهوه خدای خود میباید گرفت! و تا بدانجا نرسیم نخواهیم دانست بچه چیز خداوند را عبادت کنیم!!! و خداوند دل فرعون را سخت گردانید!!! که از رهائی دادن ایشان ابا نمود؛ پس فرعون وی را گفت: از حضور من برو و با حذر باش که روی مراد دیگر نبینی؛ زیرا که در روزی که مرا ببینی خواهی مرد؛ موسی گفت: نیکو گفتم: روی تورا دیگر نخواهم دید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب دهم)

و خداوند بموسی گفت: یک بلای دیگر بر فرعون و بر مصر می آید!!! و بعد از آن شما را از اینجا رهائی خواهد داد؛ و چون شما را رها کند البته شما را بلکه از اینجا خواهد راند اکنون بگوش قوم بگو: که هر مرد از همسایه خود و هر زن از همسایه اش آلات نقره و آلات طلا بخواهند؛ و خداوند قوم را در نظر مصریان محترم ساخت؛ و شخصی موسی نیز در زمین مصر در نظر بندگان فرعون؛ و در نظر قوم بسیار بزرگ بود؛ موسی گفت: خداوند چنین میگوید: قریب بنصف شب در میان مصر بیرون خواهیم آمد؛ و هر نخت زاده که در زمین مصر باشد؛ از نخست زاده فرعون که بر تختش نشسته است!!! تا نخست زاده کنیزی که در پشت!!! دستانش باشد؛ و همه نخست زادگان بهایم خواهد مرد؛ و نعره عظیمی در تمامی زمین مصر خواهد بود؛ که مثل آن نشده و مانند آن دیگر نخواهد شد؛ اما جمیع بنی اسرائیل کسی بر خود زیان نیز نمیکند؛ نبر انسان و نبر بهایم!!! تا بدانند که خداوند در میان مصریان؛ و اسرائیلیان فرقی گذارده است؛ و این همه بندگان تو بنزد من فرود آمده و مرا تعظیم کرده خواهند گفت: تو تمامی قوم که تابع تو باشی بیرون روید؛ و بعد از آن بیرون خواهیم رفت؛ پس حضور فرعون در شدت غضب بیرون آمد؛ و خداوند بموسی گفت: فرعون بشما گوش نخواهد گرفت؛ تا آیات من در زمین مصر زیاد شود؛ و موسی و هارون جمیع این آیات را بحضور فرعون ظاهر ساختند؛ اما خداوند دل فرعون را سخت گردانیده؛ و بنی اسرائیل را از زمین خود رهائی نداد؛ و خداوند موسی و هارون را در زمین مصر مخاطب ساخته گفت: این ماه برای شما سر ماههای میباشد!!! این اول از ماههای سال برای شما است!!! تمامی جماعت اسرائیل را خطاب کرده بگوئید: که در همین ماه هر یکی از ایشان برّه بحسب خانه های پدران خود بگیرند؛ یعنی برای هر خانه یک برّه و اگر اهل خانه برّه کم باشد؛ آنگاه او و همسایه اش مجاور خانه او باشد؛ آن را بر حسب شماره نفوس بگیرند!!! یعنی هر کس موافق خوراکش

برّه را حساب کند؛ برّه شمابی عیب نرینه یکساله باشد؛ ازگوسفندان بازار بزها آن را بگیرید!!! و آن را در عصر ذبح کنند؛ از خون آن بگیرند؛ و آن را بر هر دو قائمه؛ و سردر خانه که در آن را میخورند بپاشند؛ و گوشتش را در آن شب بخورند با آتش بریان کرده با نان فطیر و سبزیهای تلخ آن را بخورند؛ و از آن هیچ خام نخورند و نپخته با آب کله اش و پاچهایش و اندرونش را؛ و چیزی از آن تا صبح مدارید و آنچه تا صبح مانده باشد با آتش بسوزانید؛ و آن را بدین طور بخورید کمر شما بسته؛ و نعلین بر پایهای شما؛ و عصا در دست شما؛ و آن را کله بتعجیل بخورید؛ چونکه فصیح خداوند است؛ و در آن شب از زمین مصر عبور خواهیم کرد و همه نخست زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم خواهیم زد؛ و بر تمامی خدایان مصر داوری خواهیم کرد من یهوه هستم!!! و آن خون علامتی برای شما خواهد بود؛ بر خانه های که در آنها میباشید؛ و چون خون را ببینم از شما خواهم گذاشت!!! و هنگامیکه زمین مصر را میزنم!!! آن بلا برای هلاکت شما بشما خواهد آمد؛ و آن روز شمار برای یادگاری خواهد بود؛ و در آن عیدی برای خداوند نگاه دارید!!! و آن را به قانون ابدی نسل بعد نسل عید نگاه دارید؛ هفت روز نان فطیر بخورید!!! روز اول خمیر مایه را از خانه های خود بیرون کنید؛ زیرا که هر کسی از روز نخستین!!! تا روز هفتمین چیزی خمیر شده بخورد!!! آن شخص از اسرائیل منقطع گردد؛ و در روز اول محفل مقدس و در روز هفتم محفل مقدس برای شما خواهد بود!!! در آنها هیچ کاری کرده نشود جز آنچه هر کسی باید بخورد؛ آن فقط در میان شما کرده شود؛ پس عید فطیر را نگاه دارید؛ زیرا که در همان روز لشگرهای شما را از زمین مصر بیرون آوردم؛ بنابراین!!! این روز را در نسلهای خود بفریضة ابدی نگاه دارید؛ در سال اول در روز چهاردهم ماه؛ در شام نان فطیر بخورید!!! تا بیست و یکم ماه؛ هفت روز خمیر مایه در خانه های شما یافته نشود؛ زیرا که هر کسی چیزی خمیر شده بخورد؛ آن شخص از جماعت اسرائیل منقطع گردد!!! خواه غریب باشد؛ خواه بومی آن زمین!!! هیچ چیزی

خمیر شده مخورید؛ در همه مسکن خود فطیر بخورید؛ پس موسی جميع مشایخ اسرائیل را خوانده بدیشان گفت: بروید!!! و برّه برای خود موافق خاندان های خویش بگیرید؛ و فصیح را ذبح نماید؛ و دسته از زوفا گرفته در خونی که در تشت است بزنید؛ و کسی از شما از در خانه خود تا صبح بیرون نرود!!! زیرا که خداوند عبور خواهد کرد مصریان را بزند؛ و چون خون را بر سردرو دوقایمه اش ببیند همانا خداوند از آن درگذرد؛ و نگذارد که اهل هلاک کننده بخانه های شما در آید؛ تا شما را بزند!!! و این امری را برای خود و پسران خود بفریضة ابدی نگاه دارید؛ و هنگامیکه داخل زمینی شدید که خداوند بر حسب قول خود آن را بشما خواهد داد؛ آنگاه این عبادت را مرعی دارید؛ و چون پسران شما بشما بگویند: که این عبادت شما چیست؟! بگوئید: این قربانی فصیح خداوند است؛ که از خانه های بنی اسرائیل در مصر عبور کرد؛ و وقتیکه مصریان را زد؛ و وقتیکه خانه های ما را خلاصی داد؛ پس قوم پر روی در افتاده سجده کردند!!! پس بنی اسرائیل رفته آن را کردند؛ چنانکه خداوند بموسی و هارون امر فرموده بود هم چنان کردند!!! و واقع شد که در نصف شب خداوند همه نخست زادگان زمین مصر را از نخست زاده فرعون که بر تخت نشسته بود!!! تا نخست زاده اسیری که در زندان بود؛ و همه نخست زاده های بهایم را زد!!! و در آن شب فرعون و همه بندگان و جميع مصریان برخاستند؛ و نعره عظیمی در مصر برپا شد؛ زیرا که خانه نبود که در آن میتی نباشد!!! فرعون؛ موسی و هارون را در شب طلبیده گفت: برخیزید و از میان قوم من بیرون شوید؛ هم شما و هم جميع بنی اسرائیل و رفته خداوند را عبادت نمایند!!! چنانکه گفتید: و گله ها و رمه های خود را نیز چنانکه گفتید: برداشته بروید و مرا نیز برکت دهید!!! و مصریان نیز قوم الحاج نمودند؛ تا ایشان را بزودی از زمین روانه کنند زیرا که گفتند: ماهمه مرده ایم و قوم آرد سرشته خود را پیش از آنکه خمیر شود برداشته!!! و تغارهای خویش را در رختها بردوش بستند؛ و بنی اسرائیل بقول موسی عمل کرده؛ از مصریان آلات نقره و آلات طلا و رختها خواستند؛ و خداوند قوم را در نظر مصریان مکرم ساخت که هر آنچه خواستند بدشان دادند!!! پس مصریان را غارت کردند!!! و

بنی اسرائیل از رعمسیس سگوت کوچ کردند!!! قریب ششصد هزار مرد پیاده سوای اطفال؛ و گروهی مختلفه بسیار نیز بیرون رفتند؛ و گله ها؛ رمه ها؛ مواشی بسیار سنگین؛ و از آرد سرشته که از مصر بیرون آورده بودند!!! قرصهای فطیر پختند زیرا که خمیر نشده بود؛ چونکه از مصر رانده شده بودند!!! و نتوانستند درنگ کنند وزاد سفر نیز برای خود مهیا نکرده بودند؛ و توقف بنی اسرائیل که در مصر کرده بودند!!! چهارصد و سی سال بود؛ و بعد از انقضای چهارصد و سی سال!!! در همان روز بوقوع پیوست که جمیع لشگرهای خدا از زمین بیرون رفتند؛ این است شبی که برای خداوند باید نگاه داشت؛ چون ایشان را از زمین مصر بیرون آورد؛ این همان شب خداوند است؛ که بر جمیع بنی اسرائیل نسل بعد واجب است؛ که در آن رانگاه دارند؛ خداوند بموسی و هارون گفت: فریضة فصیح را که هیچ بیگانه از آن نخورند!!! اما هر غلام زر خرید او را ختنه کن و پس آن را بخورند؛ نزیل و مزدوران را نخورند؛ دریک خانه خورده شود و چیزی از گوشتش از خانه بیرون مبر!!! استخوانی از آن مشکنید!!! تمامی جماعت بنی اسرائیل آن را نگاه بدارند؛ و اگر غریبی نزد او نزیل شود؛ و بخواهد فصیح را برای خداوند مرعی بدارد؛ تمامی ذکورانش مختون شوند؛ و بعد از آن نزدیک آمده آن را نگاه دارد؛ و مانند بومی زمین خواهد بود!!! و اما هر نامختون از آن نخورند!!! یک قانون خواهد بود برای اهل وطن؛ و بجهت غریبی که در میان شما نزیل شود؛ پس تمامی بنی اسرائیل این را کردند؛ چنانکه خداوند بموسی و هارون امر فرموده بود: عمل نمودند!!! و واقع شد که خداوند در همان روز بنی اسرائیل را بالشگرهای ایشان از زمین بیرون آورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب دوازدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هر نخست زاده را که رحم را بگشاید؛ در میان بنی اسرائیل؛ خواه از انسان؛ و خواه از بهایم تقدیس نما؛ و از آن من است و موسی بقوم گفت: این روزی را که از مصر از خانه غلامی بیرون آمدید یاد دارید زیرا که خداوند شما بقوت دست از آنجا بیرون آورد؛ پس نان خمیر خورده نشود

این روز در ماه اُبیب بیرون آمدید؛ و هنگامیکه خداوند تورا بزمین کنعانیان و حنیان و اموریان و حویان و یبسیان داخل کند؛ که با پدران تو قسم خورد که آن را بتو بدهد؛ زمینی که بشیروشهد جاریست؛ آنگاه این عبادت را در این ماه بجا بیاور؛ هفت روز نان فطیر بخور و در روز هفتمین عید خداوند است؛ هفت روز نان فطیر خورده شود؛ و هیچ چیز خمیر شده نزد تو دیده نشود!!! و خمیر مایه نزد تو در تمامی حدودت پیدا نشود؛ و در آن روز پسر خود را خبر داده بگو: این است بسبب آنچه خداوند بمن کرد!!! و وقتی که از مصر آمدم و این برای تو علامتی بر دستت خواهد بود؛ و تذکره در میان دو چشمت؛ تا شریعت خداوند در دهانت باشد زیرا که خداوند تورا!!! بدست قوی از مصر بیرون آورد!!! و این فریضه را در موسم سال سال نگاه دار و هنگامیکه خداوند تورا بزمین کنعانیان در آورد؛ چنانکه برای تو و پدرانت قسم خورد و آن را بتو بخشید!!! آنگاه هر چه رحم را گشاید آن را برای خدا جدا بساز!!! و هر نخست زاده از بچه های بهایم که از آن تو است نرینه ها از آن خداوند باشد؛ و هر نخست زاده الاغ را به بره فدیة بده و اگر فدیة ندهی گردنش را بشکن!!! و هر نخست زاده انسان را از پسرانت فدیة بده!!! و در میان آینده چون پسر تار تو سؤال کرده بگوید: که این چیست؟ او را بگو: یهوه ما را بقوت دست از مصر از خانه غلامی بیرون آورد!!! و چون فرعون از رها کردن ما دل راست ساخت؛ و واقع شد که خداوند جمیع نخست زاده انسان تا نخست زاده بهایم را گشت؛ بنابراین من همه نرینه ها را که رحم گشاید برای خداوند ذبح میکنیم؛ لیکن هر نخست زاده از پسران خود را فدیة میدهیم؛ و این علامتی بر دستت و عصا در میان چشمان تو خواهد بود؛ زیرا که خداوند ما را بقوت دست از مصر بیرون آورد؛ و واقع شد که فرعون قوم را رها کرده بود خدا ایشان را از راه زمین فلسطینیان رهبری نکرده؛ هر چند آن نزدیکتر بود زیرا که خداوند گفت: مبادا که چون قوم جنگ را ببیند پشیمان شوند و بر مصر برگردند! اما خدا قوم را از راه صحرای دریای قلزم دور گردانیده بود! پس بنی اسرائیل مسلح شده از زمین مصر آمدند!!! و موسی استخوانهای

یوسف را با خود برداشت!!! زیرا که او بنی اسرائیل را سخت قسم داده گفته بود: هر آینه خداوند از شما تفقد خواهد نمود! واستخوانهای مرا از اینجا با خود ببرید! و از سکوت کوچ کرده در ایتم بکنار صحراء آدو زدند!!! و خداوند در روز پیش روی قوم درستون ابرمیرفت؛ تاراه را با ایشان دلالت کند و بشباتگاه در ستون آتش؛ تا ایشان را روشنائی بخشید و در روز و شب راه روند؛ و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب از پیش روی قوم برداشت!!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ و از کتاب ترات فعلی؛ سفر خروج باب سیزدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: **بنی اسرائیل بگو: که برگردیده برابر فرعون الحیروت در میان مجدول و دریا آدو زنیید!!! و در مقابل بعل صفون در برابر آن بکنار دریا آدو زنیید؛ و فرعون درباره بنی اسرائیل خواهد گفت: در زمین گرفتار شده اند و صحراء آنها را محصور کرده است!!! و دل فرعون را سخت گردانم تا ایشان را تعاقب کند؛ و در فرعون و تمامی لشگرش جلال خود را جلوه دهم!!! تا مصریان بدانند که من یهوه هستم پس چنین کردند؛ و پادشاه مصر گفته شد که قوم فرار کردند و دل فرعون و بندگانش بر قوم متحیر شد؛ پس گفتند: این چیست که کردیم که بنی اسرائیل را از بندگی خود رهائی دادیم؟؟؟؟!! پس ارباب خود را بیار است و قوم خود را بخود برداشت!!! ششصد ارباب برگزیده برداشت و همه ارباب های مصر را و سرداران را بر جمع آنها!!! و خداوند دل فرعون پادشاه مصر را سخت ساخت؛ تا بنی اسرائیل را تعاقب کرد؛ و بنی اسرائیل بدست بلند بیرون رفتند!!! و مصریان با تمامی اسبان و ارباب های فرعون و سوارانش و لشگرش!!! در عقب ایشان تاخته بدیشان در رسیدند؛ و وقتی که بکنار دریا نزد فرعون الحیرون برابر بعل صفون فرود آمده بودند؛ چون فرعون نزدیک شد؛ بنی اسرائیل چشمان خود را بالا کرده دیدند!!! که اینک مصریان از عقب ایشان می آیند!!! پس بنی اسرائیل سخت بترسیدند و نزد خداوند فریاد بر آوردند؛ و موسی گفتند: آیا در مصر قبرها نبود که ما را برداشته تا در صحراء بمیریم؟! این چیست بما کردی که ما را از مصر بیرون آوردی؟! آیا این آن سخت نیست که بتو در مصر**

گفتیم: که ما را بگذار تا در مصریان را خدمت کنیم؟! زیرا که ما را خدمت مصریان بهتر از مردن در این صحراء بود!!! موسی بقوم گفت: مترسید بایستید و نجات خداوند را ببینید؛ که امروز آن را برای شما خواهد کرد!!! زیرا که مصریان را که امروز دیدید تا بابد دیگر نخواهید دید؛ خداوند برای شما جنگ خواهد کرد و شما خاموش باشید؛ و خداوند بموسی گفت: چرا نزد من فریاد میکنی؟ بنی اسرائیل را بگو: کوچ کنید و اما تو عصای تو! عصای خود را برافراز و دست خود را به دریا دراز کرده آن را منشق کن؛ تا بنی اسرائیل از میان دریا برخشکی راه سیر شوند؛ و اما من اینک دل مصریان را سخت میسازم تا از عقب ایشان بیایند؛ و از فرعون و تمامی لشکر او اربابه ها و سوارانش جلال خواهم یافتم!!! و مصریان خواهند دانست که من یهوه هستم و قتیکه از فرعون و اربابه هایش و سوارانش جلال یافته باشم!!! و فرشته خدا که اردوی اسرائیل میرفت!!! حرکت کرده از عقب ایشان خرامید؛ و ستون ابراز پیش ایشان نقل کرده در عقب ایشان بایس تاد؛ و در میان ادوی مصریان و ادوی بنی اسرائیل آمد از برای آنها ابروتاریک میبود!!! و اینهارا در شب روشنائی میداد؛ که تمامی نزدیک یکدیگر نیامدند! پس موسی دست خود را به دریا دراز کرد؛ و خداوند دریا را بباد شرقی شدید تمامی آن شب برگردانیده دریا را خشک ساخت و آب منشق گردید؛ و بنی اسرائیل در میان دریا بخشگی میرفتند!!! و آبها برای ایشان بر راست و چپ دیوار بود! و مصریان بتمامی اسبان و اربابه ها و سواران فرعون از عقب ایشان تاخته!!! بمیان دریا آمدند!!! و در پاس سحری واقع شد که خداوند!!! بر اردوی مصریان از ستون آتش و ابر نظر انداخت!!! و اردوی مصریان را آشفته کرد و چرخهای اربابه های ایشان را بیرون کرد تا آنها را بسنگنی برانند؛ و مصریان گفتند: از حضور بنی اسرائیل بگریزیم زیرا که خداوند بر ایشان با مصریان جنگ میکند و خداوند بموسی گفت: دست خود را بردر دریا دراز کن تا آبها بر مصریان برگردد بر اربابه ها سواران و ایشان؛ موسی دست خود را بردر دریا دراز کرد!!! و به وقت طلوع صبح دریا بجریان خود برگشت؛ و مصریان در مقابلش گریختند؛ و خداوند

مصریان را در میان دریا بزیر انداخت؛ آبها برگشته ارا به هابرسواران و تمامی لشگر فرعون را که از عقب ایشان بدریا آمده بودند پوشانید! که یکی از ایشان هم باقی نماند! اما بنی اسرائیل در میان دریا بخشکی رفتند؛ و آبها برای ایشان دیوار بود بطرف راست و بطرف چپ!!! و در آن روز خداوند اسرائیل را از دست مصریان خلاصی داد!!! و بنی اسرائیل مصریان را بکنار دریا مرده دیدند!!! و بنی اسرائیل آنکار عظیمی را که خداوند بمصریان کرده بود دیدند!!! و قوم از خداوند ترسیدند به خداوند و ببندۀ او موسی ایمان آوردند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب چهاردهم)

آنگاه موسی و بنی اسرائیل این سرود را برای خداوند سرانیده!!! گفتند: یهوه را سرود میخوانیم!!! زیرا که با جلال مظفر شده است! اسب فرعون و سوارانش را بدریا انداخت؛ خداوند قوت و تسبیح من است!!! و اونجات من گردیده است! این خدای من است پس او را تمجید میکنیم!!! او خدای پدر من است! پس او را متعال میخوانیم خداوند مرد جنگ است نام او یهوه است! ارا به ها و لشگر فرعون را بدریا انداخت!!! مبارزان برگزیده او در دریای قزم غرق کرده!!! الجن ها ایشان را پوشانید؛ مثل سنگ بزرگهای فرورفتند!!! دست راست توای خداوند بقوت جلیل گردیده؛ دست راست توای خداوند دشمن را خورد شکسته است! و بکثرت جلال خود خصمان را منهدم ساخته غضب خود را فرستاده ایشان را چون خاشاک سوزانیده و به نفخه بینی تو آبها فراهم گردیده!!! و موجها مثل توده بایستاد؛ و لجن ها در میان دریا منجمد گردیده؛ دشمن گفت: تعاقب میکنم و ایشان را فرو میگررم؛ غارت را تقسیم کرده جاتم از ایشان سیر خواهد شد!!! شمشیر خود را کشیده دست من ایشان را هلاک خواهد ساخت! چون به نفخه خود میروی دریا ایشان را پوشانید؛ مثل سرب در آبهای زور آور غرق شدند! کیست مانند توای خداوند در میان خدایان؟! کیست مانند تو جلیل در قدوسیت؟! تو مهیب هستی در تسبیح خود و صنایع عجایب؟! چون دست راست خود را دراز کردی!

زمین ایشان را فرورد؛ این قوم خویش را که فدیة دادی برحمانیت خود رهبری نمودی!!! ایشان را بقوت خویش بسوی مسکن قدس خود هدایت کردی!!! و امّتها چون شنیدند مضطر گردیدند؛ لرزه بر سکنه فلسطین مستولی گردید؛ آنگاه امرای آدوم در حیرت افتادند!!! و اکابر موآب را لرزه فرو گرفت و جمیع سکنه کنعان گداخته؛ گداخته گردید؛ ترس و هراس ایشان را فرا گرفت؛ از بزرگی بازوی تو سنگ ساکت شدند!!! تا قوم توای خداوند عبور کنند تا این قومی که تو!!! خریده عبور کنند؛ ایشان را داخل ساخته در جبل میراث خود غرس خواهی کرد مکانیکه خداوند مسکن خود ساخت!!! یعنی آن مقام مقدس که دستهای توای خداوند مستکم کرده است؛ خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابد الابد زیرا که اسب های فرعون با ارابه و سوارانش بدریا درآمدند؛ و خداوند آب دریا را برایشان برگردانید؛ امّابنی اسرائیل از میان دریا بخشی رفتند؛ و مریم نبیه خواهر هارون دف را به دست خود گرفته؛ و همه زنان از عقب وی دفهای گرفت رقص کنان بیرون آمدند!!! پس مریم در جواب گفت: خداوند را بسرائید زیرا که با جلال مظفر شده است؛ اسب و سوارش را بدریا انداخت!!! پس موسی بنی اسرائیل از بحر قلزم گویا نید؛ و بصحراء شور آمدند و سه روز در صحراء می رفتند و آب نیافتند؛ پس بماره رسیدند و از آب ماره نتواستند بنوشند؛ زیرا که تلخ بود از این سبب آن را ماره نامیدند؛ قوم بر موسی شکایت کرده گفتند: چه بنوشیم؟ چون نزد خداوند استغاثه کردند خداوند درختی بدو نشان داد؛ آن را به آب انداخت و آب شیرین گردید؛ و در آنجا فریضة و شریعتی برای ایشان قرارداد؛ و در آنجا ایشان را امتحان کرد، و گفت: هر آینه اگر قول یهوه خدای خود را بشنوی؛ و آنچه را در نظر او راست است بجا آوری!!! و اکام او را بشنوی و تمامی فرایض او را نگاه داری؛ همانا هیچ یک از همه مرضهائی را که بر مصریان آورده ام؛ بر تو نیاوردم زیرا که من یهوه شفاء دهنده تو هستم!!! پس به ایلیم آمدند و در آنجا دوازده چشمه آب و هفتاد درخت خرما بود و در آنجا نزد آب خیمه زدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از تورات فعلی؛ سفر خروج باب پانزدهم)

پس تمامی جماعت بنی اسرائیل از ایلیم کوچ کرده ب صحراء سین که در میان ایلیم و سینا است؛ در روز پانزدهم از ماه دوم بعد از بیرون آمدن ایشان از زمین مصر رسیدند!!! و تمامی جماعت بنی اسرائیل در آن صحراء بر موسی و هارون شکایت کردند!!! و بنی اسرائیل بدیشان گفتند: کاش که در زمین مصر!!! بدست خداوند مرده بودیم! و فتیکه نزدیکهای گوشت می نشستیم و نان سیر می خوردیم! زیرا که ما را بدین صحراء بیرون آوردید! تا تمامی این جماعت را بگرسنگی بکشید! آنگاه خداوند بر موسی گفت: همانا من نان را از آسمان بشما میبارانم و قوم رفته کفایت هر روز را در روزش بگیرند!!! تا ایشان را امتحان کنم که بر شریعت من رفتار میکنند یا نه؟! و واقع خواهد شد در روز ششم که چون آنچه را که آورده باشند درست نمایند! همانا دوچندان آن خواهد بود که هر روز برمی چیدند!!! و موسی و هارون به همه بنی اسرائیل گفتند: شامگاه خواهید دانست که خداوند شمارا از زمین مصر بیرون آورده است! و بامدادان جلال خداوند را خواهید دید؛ زیرا او شکایتی را بر خداوند کرده اید شنیده است!!! ما چیستیم بر ماشکایت میکنید؟! و موسی گفت: این خواهد بود چون خداوند شامگاهان شما را گوشت دهد تا بخورید! و بامدادان از نان تا سیر شوید! زیرا که خداوند شکایت شمارا که بروی شکایت کرده اید شنیده است! و ما چیستیم بر ماشکایت میکنید بلکه بر خداوند شکایت نموده اید!!! و موسی به هارون گفت: بتامی جماعت بنی اسرائیل بگو: بحضور خداوند نزدیک بیایید زیرا که شکایت های شما را شنیده است! واقع شد که چون هارون تمام! جماعت بنی اسرائیل سخن گفت: بسوی صحراء نگرستند و اینک جلال خداوند در ابر ظاهر شد! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: شکایت های بنی اسرائیل را شنیدم؛ پس ایشان خطاب کرده بگو: در عصر گوشت خواهید خورد و بامدادان نان سیر خواهید شد! تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم! و واقع که در عصر سلوی برآمده لشکرگاه را پوشانید!!! و با مدادان شب نم گرداگرد اردو نشست!!! و چون شب نمی که نشسته بود

برخاست! اینک بر روی صحراء چیزی دقیق مدور و خورد مثل ژاله بر زمین بود!!! و چون بنی اسرائیل این را دیدند به یکدیگر گفتند: که من است زیرا که ندانستند چه بود! موسی به ایشان گفت: این آن نان است که خداوند بشما می دهد تا بخورید!!! این است امری که خداوند فرموده است؛ که هر کسی بقدر خوراک خود از این بگیرد یعنی یک عمر مری برای هر نفر بحسب شماره نفوس خویش! هر شخص برای کسانی که در خیمه او باشند بگیرد! پس بنی اسرائیل چنین کردند!!! بعضی زیاد و بعضی کم برچیدند!!! اما به عمر مری می پیمود نه آنکه زیاد برچیده بود زیاده نداشت! و آنکه کم برچیده بود کم نداشت بلکه هر کسی بقدر خوراکش برچیده بود!!! و موسی بدیشان گفت: زنها کسی چیزی از این تا صبح نگاه ندارد! لکن بموسی گوش ندادند بلکه بعضی از آن تا صبح نگاه داشتند! و کرمها بهم رسانیده متعفن گردید! و موسی بدیشان خشمناک شد! و هر صبح هر بقدر خوراک خود برمیچید!!! و چون آفتاب گرم میشد میگذاخت! و واقع شد در روز ششم که نان مضاعف!!! یعنی برای هر نفر دو عمری برچیدند پس همه رؤسای جماعت آمده موسی را خبر دادند! او بدیشان گفت: این است آنچه خداوند گفت: که فردا آرامی است و سبب مقدس خداوند پس آنچه بر آتش باید پخت بپزید! و آنچه در آب باید بجوشانید و آنچه باقی باشد برای خود ذخیره کرده! بجهت صبح نگاه دارید پس آن راتا صبح ذخیره کردند! چنانکه موسی فرموده بود و نه متعفن گردید و نه کرم در آن پیدا شد! و موسی گفت: امروز این را بخورید زیرا که سبت خداوند است و در این روز آن را در صحراء نخواهید یافت! شش روز آن را در صحراء نخواهید یافت! شش روز آن را برچینید روز هفتمین سبت است در آن نخواهد بود! و واقع شد: که در روز هفتم بعضی از قوم برای برچیدن بیرون رفتند اما نیافتند! خداوند بموسی گفت: تا یکی از نگاه داشتن وصایا و شریعت من ابا مینمائید!!! ببینید چونکه خداوند سبت را بشما!!! بخشیده است! از این سبب در روز ششم نان دوروز بشما میدهد!!! پس هر کسی در جای خود بنشیند؛ و در روز هفتم هیچ کسی از مکانش بیرون نرود!!! پس قوم در روز هفتمین آرام گرفتند! و خاندان اسرائیل آن را من نامیدند؛ و آن مثل تخم

کشنیز سفید بود!!! و طعمش مثل قرصهای عسل؛ و موسی گفت: این امریست که خداوند فرموده است!!! که عمر مری از آن پر کنی؛ تا در نسلهای شما نگاه داشته شود تا آن نان را ببینند!!! که در صحراء وقتیکه شما را از زمین مصر بیرون آوردم آن را بشما خورانیدم! پس موسی به هارون گفت: ظرفی بگیر و عمر مری!!! پراز من از آن بنه و آن را بحضور خداوند بگذار!!! تا نسل های شما نگاه داشته شود!!! چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود!!! همچنان هارون آن را پیش (تابوت) شهادت گذاشت تا نگاه داشته شود! و بنی اسرائیل مدت چهل سال من میخوردند تا بزمین آباد من میخوردند تا بزمین آباد رسیدند!!! یعنی تا بسرحدّ زمین کنعان داخل شدند!!! خوراک ایشان من بود و اما عمر مری ده یک ایفه است!!! (از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب شانزدهم)

و تمامی جماعت بنی اسرائیل بحکم خداوند! طیّ منازل کرده از صحرای سین کوچ کردند! و در رفیدیم آردوزدند و نوشیدن آب برای قوم نبود! و قوم باموسی منازعه کرده گفتند: ما را آب بدهید تا بنوشیم!!! موسی بدیشان گفت: چرا بامن منازعه میکنید؟! و چرا خداوند را امتحان مینمایید؟! و در آنجا قوم تشنه آب بودند و بر موسی شکایت کرده گفتند: چرا ما را از مصر بیرون آوردی تا ما و فرزندان و مواشی ما را بتشنگی بکشی؟! آنگاه موسی نزد خداوند استغاثه نمود گفت: با این قوم چه کنم نزدیک است مرا سنگسار کنند!!! و خداوند بموسی گفت: پیش روی قوم برو و بعضی از مشایخ اسرائیل را با خود بردار! و عصای خود را که بدان نهر را زدی بدست خود گرفته برو!!! همانا من در آنجا پیش روی تو بر آن صخره که در حوریب است می ایستم!!! و صخره را خواهی زد تا آب از بیرون آید و قوم بنوشند! پس موسی بحضور مشایخ اسرائیل چنین کرد: آن موضع را مسّه و مریبه نامید! بسبب منازعه بنی اسرائیل؛ و امتحان کردند ایشان خداوند را زیر گفته بودند: آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟! پس عمالیق آمده در رفیدیم

با اسرائیل جنگ کردند! موسی بیوشع گفت: مردان برای ما برگزین و بیرون رفته با عمالیق مقاتله نما!!! و بامدادان عصای خود را بدست گرفته برقله کوه خواهیم ایستاد! یوشع بطوریکه موسی او را امر فرموده بود کرد تا با عمالیق محاربه کند! موسی و هارون و حور برقله کوه برآمدند!!! و واقع شد که چون موسی دست خود را برافروخت اسرائیل نصرت مییافتند؛ و چون دست خود را فرو میگذاشت عمالق چیره میشدند! و دستهای موسی سنگین شد؛ پس ایشان سنگی گرفته زیرش نهادند که بر آن بنشیند! و هارون و خوریکی از این طرف و دیگری از آن طرف دستهای او را بر میداشتند!!! و دستهایش تا غروب آفتاب برقرار ماند! یوشع عمالیق و قوم او را بدم شمشیر منهزم ساخت! پس خداوند بموسی گفت: این را برای یاد گاری در کتاب بنویس و بسمع یوشع برسان! که هر آینه ذکر عمالیق را از زیر آسمان محو خواهیم ساخت!!! موسی مذبحی بناء و آن را یهوه نیستی نامید! و گفت: زیرا که دست بر تخت خداوند است!!! که خداوند را جنگ با عمالیق نسلأ بعد نسل خواهد بود!!!

(از کتاب عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هفدهم)

و چون یترون کاهن مدیان پدربزرگ موسی آنچه را که خدا با موسی و قوم خود اسرائیل کرده بود شنید!!! خداوند چگونه اسرائیل را از مصر بیرون آورده بود آنگاه یترون پدربزرگ موسی صفوره زن موسی را برداشت!!! بعد از آنکه او را پس فرستاده بود؛ دو پسر او را که را جرشون نام بود زیرا که گفت: در زمین بی گانه غریب هستم؛ و دیگری را الیعاز نام بود زیرا که گفت: که خدای پدرم مددکار من بود؛ مرا از شمشیر فرعون رهانید؛ پس یترون پدربزرگ موسی با پسران! زوجه اش نزد موسی بصره آمدند! در جائیکه او نزد کوه خدای زده بود! و موسی را خبر داد که یترون پدربزرگ تو و دو پسر تو نزد تو آمده اند! پس موسی به استقبال پدربزرگ خود بیرون آمد او را تعظیم کرده بوسید؛ و سلامتی یکدیگر را پرسیدند! بخیمه درآمدند!!! و موسی پدربزرگ خود را از آنچه خداوند بفرعون و مصریان بخاطر اسرائیل کرده بود خبر داد! از تمامی مشقتی که در راه بدیشان واقع شده

خداوند ایشان را از آن رهانیده بود؛ ویترون شاد گردید! بسبب تمامی احسانی که خداوند به اسرائیل کرد! وایشان را از دست مصریان رهانیده بود! ویترون گفت: متبارک است خداوند که شمار از دست مصریان و از دست فرعون خلاصی داده است!!! و قوم خود را از دست مصریان رهانیده؛ الآن دانستم که یهوه از جمیع خدایان بزرگتر است! خصوصاً در همان امری که برایشان تکبر میکردند! ویترون پدرزن موسی قربانی سوختنی و ذبایح برای خداوند گرفت! هارون و جمیع مشایخ اسرائیل آمدند؛ تا با پدرزن موسی بحضور خدا نان بخورند! با مدادان واقع شد که موسی برای داوری قوم بنشست و قوم بحضور موسی از صبح تا شام ایستاده بودند؛ چون پدرزن موسی آنچه را که او به قوم میکرد دید گفت: این چه کار است تو با قوم مینمائی؟ چرا توتنها می نشینی و تمامی قوم نزد تو از صبح تا شام می ایستند؟! موسی پدرزن خود گفت: که قوم نزد من می آیند تا از خداوند مسئلت نمایند! هرگاه ایشان را دعوی شود نزد من می آیند؛ و میان هر کسی و همسایه اش داوری میکنم؛ و فرایض و شرایع خدا را بدیشان تعلیم میدهم! پدرزن موسی بوی گفت: کاری که تو میکنی خوب نیست؛ هرآینه توو این نیز که با تو هستند خسته خواهید شد! زیرا که این امر برای تو سنگین است تنه این را نمیتوانی کرد!!! اکنون سخن مرا بشنوتورا پند میدهم و خدا با تو باد و تو برای قوم بحضور خدا باشی؛ و امور ایشان را نزد خدا عرضه دارو فرایضی و شرایع را بدیشان تعلیم بده؛ و طریقی را که بدان میباید رفتار نمود؛ و عملی را که میباید کرد بدیشان اعلام نما!!! و از میان تمامی قوم مردان قابل را که خدا ترس؛ و مردان امین که از رشوت نفرت کنند؛ جستجو کرده برایشان بگمار! تا رؤسای هزار صده و رؤسای پنجاه و رؤسای ده باشند! تا برای این قوم پیوسته داوری نمایند! و هر امر بزرگ را نزد تو بیاورند!!! و هر امر کوچک از خود فیصله دهند؛ بدین طور بار خود را سبک خواهی کرد! وایشان با تو متحمل آن خواهند شد؛ اگر این کار را بکنی و خدا تورا چنین امر فرماید؛ آنگاه با یارای استقامت خواهی داشت!!! و جمیع این قوم نیز بمکان خود بسلامتی خواهند رسید؛ پس موسی سخن پدرزن خود را اجابت کرده آنچه او گفته بود به عمل آورد!!! و

موسی مردان قابل را از تمامی بنی اسرائیل انتخاب کرده ایشان را!!! رؤسای هزاره و رؤسای صده و رؤسای پنجاه و رؤسای ده!!! و درداوری قوم پیوسته مشغول میبودند؛ هر امر مشکلی را نزد موسی می آوردند؛ و هر دعوی کوچک را خود فیصله میدادند؛ و موسی پدرزن خود را رخصت داد و او بولایت خود رفت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب هجدهم)

در ماه سوّم از بیرون آمدن بنی اسرائیل از زمین مصر؛ در همان روز بصحراء سینا رسیدند؛ و در بیابان اردوزدند!!! و بنی اسرائیل در آنجا در مقابل کوه فرود آمدند!!! و موسی نزد خدا بالارفت و خداوند از میان کوه او را ندا در داد و!!! گفت: بخاندان یعقوب چنین بگو: و بنی اسرائیل خبریده؛ شما آنچه را که من بمصریان کردم دیده اید!!! و چگونه شمارا بالهای عقاب برداشته نزد آورده ام! و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقت بشنوید و عهد مرا نگاه دارید!!! همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود!!! زیرا که تمامی جهان از آن من است؛ و شما برای من مملکت گهّنه و امت مقدّس خواهید بود! این است آن سخنانی که بنی اسرائیل میباید گفت: پس موسی آمده مشایخ قوم را خواند!!! و همه این سخنان را که خداوند او را فرموده بود!!! برایشان القا کرد بیک زبان در جواب گفتند: آنچه خداوند امر فرموده است خواهیم کرد؛ و موسی سخنان قوم را باز بخداوند عرض کرد!!! و خداوند بموسی گفت: اینک من در ابر ظلمت نزد تومی آیم! تا هنگامیکه بتوسخنی گویم: قوم بشنوند؛ بر تو نیز همیشه ایمان داشته باشند!!! پس موسی سخنان قوم را بخداوند گفت: خداوند بموسی گفت: از نزد برو و ایشان را امروز فردا تقدیس نما و ایشان رخت خود را بشویند؛ و روز سوّم مهیا باشید!!! زیرا که در روز سوّم خداوند در نظر تمامی قوم بر کوه سینا نازل شود! و حدود برای قوم از هر طرف قرار ده و بگو: با حذر باشید از اینکه بفراز کوه برآید یا دامنه آن را لمس نمائید! زیرا که هر کسی کوه را لمس کند هر آینه کشته شوید! دست بر آن

گذارده نشود! بلکه یا سنگسار شود یا بتیرکشته شود خواه بهایم باشد خواه انسان زنده نماید؛ اما چون کرنا نواخته شود ایشان بکوه برآیند؛ پس موسی از کوه نزد قوم فرود آمده؛ قوم را تقدیس نمود و رخت را شستند؛ و بقوم گفت: در روز سوم حاضر با شید و بزنان نزدیکی منمائید و واقع شد در روز سوم بوقت طلوع صبح که رعدا و بقرقها و ابر غلیظ بر کوه پدید آمد؛ و آواز کرنا ی بسیار سخت بطوری که تمامی قوم که در لشکرگاه بودند بلرزیدند!!! و موسی قوم را برای ملاقات خدا از!!! لشکرگاه بیرون آورد؛ و در پایان کوه ایستادند؛ و تمامی کوه سینا را دود فرو گرفت!!! زیرا که خداوند در آتش بر آن نزول کرد؛ و دودش مثل دود کوره بالامیشت!!! و تمامی کوه سخت متزلزل گردید!!! و چون آواز کرنا زیاد و زیاد و سخت نواخته میشد؛ موسی سخن گفت: و خدا اورا بزبان جواب داد؛ و خداوند بر کوه سینا بر قلّه کوه نازل شد!!! و خداوند موسی را بقلّه کوه خواند و موسی بالا رفت؛ و خداوند بموسی گفت: پائین برو و قوم را قدغن نامبادا نزد خداوند برای نظر کردن از حدّ تجاوز نمایند؛ که بسیاری از ایشان هلاک خواهند شد؛ و گهته نیز که نزد خداوند می آیند!!! خویشتن را تقدیس نمایند مبادا برایشان هجوم آورد!!! موسی بخداوند گفت: قوم نمیتوانند بفراز کوه سینا آیند؛ زیرا که تو ما را قدغن کرده گفته؛ کوه را حدود قرار بده و آن را تقدیس نما؛ خداوند وی را گفت: پائین برو و تو و هارون همراهت بر آیداما گهته و قوم از حدّ تجاوز نمایند؛ تا نزد خداوند بالا بیایند مبادا برایشان هجوم آورد؛ پس موسی نزد قوم فرود شده برایشان سخن گفت:

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب نوزدهم)

و خداوند تکلم فرمود: و همه این کلمات را بگفت: من هستم یهوه خدای تو که تورا از زمین مصر و خانه غلامی بیرون آوردم؛ تورا خدایان دیگر غیر از من نبا شد؛ صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمانست!!! و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در زمین است برای خود مساز؛ نزد آنها سجده مکن

و آنها را عبادت منما زیرا که من یهوه خدای تو میباشم خدای غیور هستم!!! که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم! از آناییکه مرادشمن دارند میگردم! و تا هزار پشت بر آناییکه مرا دوست دارند! احکام مرانگاه دارند رحمت میکنم؛ نام یهوه خدای خود را باطل مبر! زیرا که خداوند کسی را که اسم او را باطل برد؛ بیگناه نخواهد شمرد؛ روز سبت را یادکن تا آن را تقدیس نمایی!!! شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور!!! اما روز هفتمین سبت یهوه خدای تو است! در آن هیچ کار مکن؛ تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمانت هر کسی درون دروازه های تو باشد! زیرا که درشش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است بساخت!!! و در روز هفتم آرام فرمود: از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده آن را تقدیس!!! نمود!!! پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تودر زمینی که یهوه خدایت بقوم تو میبخشد دراز شود! قتل مکن! زنا مکن! دزدی مکن! بر همسایه خود شهادت دروغ مده!!! بخانه همسایه خود طمع موز و بزن همسایه ات و غلامش!!! و کنیزش و گاوش و الاغش و بهیج چیزیکه از آن همسایه تو باشد!!! طمع مکن جمیع قوم رعدها و زبانهای آتش و صدای کرنا و کوه را که پراز دود بود دیدند؛ چون قوم این را دیدند لرزیدند و از دور بایستادند؛ و بموسی گفتند: تو بما سخن بگو: و خواهیم شنید اما خدا بما نگوید: مبادا بمیریم! موسی بقوم گفت: مترسید زیرا که خدا برای امتحان شما آمده است! تا ترس او پیش روی شما باشد و گناه نکنید! پس قوم از دور بایستادند! و موسی بظلمت غلیظ که خدا در آن بود آمد! و خداوند بموسی گفت: ببنی اسرائیل چنین بگو: شما دیدید که از آسمان بشما!!! سخن گفتم: با من خدایان نقره مسازید و خدایان طلا برای خود مسازید؛ مذبحی از خاک برای من بساز و قربانی های سوختنی خود! و هدایای سلامتی خود را از گله و رمة خویش بر آن بگذران! در هر جایی که یادگاری برای نام خود سازم نزد تو خواهم آمد تو را برکت خواهم داد؛ و اگر مذبحی از سنگ برای من سازی آن را از سنگهای تراشیده بنا مکن؛ زیرا که اگر آفرار خود را در آن بلند کردی آن رانجس خواهی ساخت؛ بر مذبح من از پله ها بالا مرو و مبادا عورت تو!!! بر آن منکشف شود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیستم)

و اینست احکامیکه پیش؛ ایشان میگذاری؛ اگر غلامی عبری؛ بخری شش سال خدمت کند؛ و در هفتمین سال بی قیمت آزاد بیرون رود؛ اگر تنها آمده تنه بیرون رود؛ و اگر دختران برایش یزاید؛ آنگاه زن و اولادش از آن آقايش باشند!!! و آن مرد تنه بیرون رود؛ لیکن هرگاه آن غلام بگوید: که هر آینه آقايم وزن و فرزندان خود را دوست میدارم؛ و نمیخواهم آزاد بیرون روم!!! آنگاه آقايش او را بحضور خدا بیاورند و او را نزدیک دریا قائمه در برسانند؛ و آقايش گوش او را با درفشی سوراخ کند و او وی را همیشه بندگی نماید؛ اما اگر شخصی دختر خود را بکنیزی بفروشد مثل غلامان بیرون نرود؛ هرگاه بنظر آقايش که او را برای خود نامزد کرده است ناپسند آید بگذارد؛ که او را فدیة دهند اما هیچ حق ندارد که او را بقوم بیگانه بفروشد؛ زیرا که بدو خیانت کرده است و هرگاه او را بپسر خود نامزد کند موافق رسم دختران با او عمل نماید؛ اگر زنی دیگری برای خود گیرد آنگاه خوراک و لباس و مباشرت او را کم نکند!!! و اگر سه را برای او نکند!!! آنگاه بی قیمت و رایگاه بیرون رود هر کسی انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود!!! اما اگر قصد آن نداشت بلکه خدا وی را بدستش رسانید!!! آنگاه مکانی برای تو معین کنم تا بدانجا فرار کند!!! لیکن اگر شخصی عمداً بر همسایه خود آید او را تا بمکربکشد!!! آنگاه او را مذبح من کشیده بقتل برسان!!! و هر کسی که پدر یا مادر خود را زنده هر آینه کشته شود؛ و هر کسی که آدمی را بدزدد و او را بفروشد؛ یا در دستش یافت شود و هر آینه کشته شود؛ و هر کسی که پدر یا مادر خود را لعنت کند هر آینه کشته شود؛ و اگر دو مرد نزاع کنند؛ و یکی دیگری را بسنگ یا بمشمت زند؛ او نمیرد لکن بستری شود؛ اگر بر خیزد و عصا بیرون رود آنگاه زننده او بی گناه شمرده شود؛ اما عوض بیکاریش را ادا نماید!!! و خرج معالجه او را بدهد اگر کسی غلام یا کنیزی خود را به عصا بزند؛ او در زیر دست او بمیرد؛ هر آینه

انتقام او گرفته شود! لیکن اگر یک و دوروز زنده بماند! از او انتقام کشیده شود زیرا که از خرید او است؛ و اگر مردم جنگ کنند وزنی حامله را بزنند!!! و اولاد او سقط کرد و ضرری دیگر نشود البته غرامتی بدهد! موافق آنچه شوهر زن بدو گذارد و بحضور او را ادا نماید! و اگر ادیتی حاصل شود؛ آنگاه جان به عوض جان بده! چشم به عوض چشم! و دندان به عوض دندان! و دست به عوض دست! و پا به عوض پا! و داغ به عوض داغ! و زخم به عوض زخم! و لطمه به عوض لطمه! و اگر چشم غلام و چشم کنیز! خود را زندک ضایع شود!!! و او را به عوض چشمش آزاد کند! و اگر دندان غلام یا دندان کنیز خود را بیندازد! او را به عوض دندانش آزاد کند! و هرگاه گاو بشاخ خود مردی یا زنی را بزند؛ که او بمیرد گاو را سنگسار کنند!!! و گوشتش را نخورید و صاحب گاو بیگناه باشد! ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخ زن میبود! و صاحبش آگاه بود! و آن را نگاه داشت! و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند! و صاحبش را نیز به قتل رسانید! اگر دیه بر او گذاشته شود!!! آنگاه برای فدیة جان خود!!! هر آنچه بر او مقرر شود ادا نماید!!! خواه پسر خواه دختر را شاخ زده باشد! بحسب این حکم با او عمل کنند! اگر گاو غلامی یا کنیزی را بزند؛ سی متقال نقره بصاحب او داده شود؛ گاو سنگسار شود!!! و اگر کسی چاهی حفر کند و آن را نپوشاند!!! و گاوی یا الاغی در آن افتد! صاحب چاه عوض او را بدهد!!! و قیمتش را به بصاحبش ادا نماید و میتة از آن او باشد و اگر گاو شخصی گاو همسایه او را بزند و آن بمیرد! پس گاو زنده را بفروشند و قیمت آن را تقسیم کند!!! و میتة را نیز تقسیم نمایند! و اما اگر معلوم بوده باشد؛ که گاو قبل از آن شاخ زن میبود! و صاحبش آن را نگاه داشت! البته گاو را به عوض گاو بدهند و میتة از آن او میباشد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و یکم)

اگر کسی گاویاگوسفندی را بدزد و آن را بکشد یا بفروشد؛ به عوض گاو پنج گاو و بعوض گوسفند چهارگوسفند بدهد؛ اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود و او را بزند بطوری که بمیرد؛ بازخواست خون برای او نباشد؛ اما آفتاب بر او طلوع کرد بازخواست خون برای او هست؛ البته باید داد؛ **و اگر چیزی ندارد به عوض دزدی که کرد فروخته شود؛** اگر چیزی دزدیده شده از گاویا الاغ یاگوسفند زنده در دست او یافت شود و مقابل آن را رد کند؛ اگر کسی مرتعی یا تاکستانی را بچراند یعنی مواشی را براند!!! تا مرتع دیگری را بچراند!!! از نیکوترین مرتع و بهترین تاکستانی خود را عوض بدهد؛ اگر آتشی بیرون رود و خارها را فراگیرد؛ و بافه های غله یا خوشهای نادریده یا مزرعه سوخته گردد؛ هر که آتش را فروخته است البته عوض بدهد؛ اگر کسی پول یا اسباب نزد همسایه خود امانت گذارد؛ و از خانه آن شخص دزدیده شود هرگاه دزد پیدا شود؛ دو چندان رد نماید؛ آنگاه صاحب خانه را بحضور حکام بیاورند تا حکم داده شود!!! که آیا دست خود را بر اموال همسایه خویش دراز کرده است؟! **در هر خیانتی از گاو والاغ و گوسفند؛ و رخت و هر چیز گم شده که کسی بر آن ادعا کند؛ امر هر دو بحضور خدا برده شود و برگناه هر کدام که خداوند حکم کند!!! دو چندان به همسایه خود رد نماید!!!** اگر کسی الاغ یا گاو یاگوسفند یا جانوری دیگری به همسایه خود امانت دهد و آن بمیرد!!! یا پایش شکسته شود یا دزدیده شود و شاهد نباشد!!! قسم خداوند در میان هر دو نهاده شود؛ که دست خود را بمال همسایه خود دراز نکرده است پس مالکش قبول بکند و او عوض ندهد؛ لیکن اگر دزدیده شد بصاحبش عوض باید داد!!! و اگر دزدیده شد آن را برای شهادت بیاورد!!! و برای دزدیده شده عوض ندهد!!! و اگر کسی حیوانی از همسایه خود عاریت گرفت و پای آن شکست یا مرد؛ و صاحبش همراهش نبود البته عوض باید داد؛ اما اگر صاحبش همراهش بود عوض نباید داد! و اگر کرایه شده برای کرایه آمده بود!!! اگر کسی دختری را که نامزد نبود فریب داده با او همبستر شده میباشد! او را زن منکحه خویش سازد! هرگاه پدرش راضی نباشد که او را بدو بدهد! موافق مهر دوشیزگان نقدی بدو باید!!! **زن جادوگر را زنده مگذار هر کسی که با حیوانی مقاربت کند هر آینه کشته شود!!! هر کسی که برای خداوند غیر از یهوه!!! و بس قربانی گذراند البته هلاک گردد!!!** غریبی را ادیت مرسانید!!! بر او ظلم مکنید زیرا که در زمین مصر غریب بودید؛ بر بیوه زنی یا یتیمی را ظلم مکنید؛ و هرگاه بر او ظلم کردی و

او نزد من فریاد برآورد!!! او را مستجاب خواهم فرمود!!! او خشم من مشتعل شود و شمارا بشمشیر خواهم کشت!!! و زنان شما بیوه شوند و پسران شما یتیم اگر نقدی به فقیری از قوم من که همسایه تو باشد! قرض دادی مثل ربا کار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار!!! اگر رخت همسایه خود را بگروگرفتی آن را قبل از غروب آفتاب بدورد کن!!! زیرا که آن فقط پوشش او و لباس برای بدن اوست پس در چه چیزی بخوابد و اگر نزد من فریاد برآورد هر آینه اجابت خواهم فرمود!!! زیرا که من کریم هستم! بخدا ناسزا مگو: و رئیس قوم خود را لعنت مکن! در آوردن نویر غله و عصیر از خود تأخیر منما!!! و نخست زاده پسر خود را بمن بده! با گاو و گوسفندان خود چنین بکن! هفت روز نزد مادر خود بماند! و در روز هفتمین آن را بمن بده! برای من مردان مقدس باشید! و گوشتی را که در صحراء دریده شود مخورید آن را نزد سگان بیندازید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب بیست و دوم)

خبر باطل را انتشار ده و باشریران هم داستان مشو؛ که شهادت دروغ دهی!!! پیروی بسیاری برای عمل بدمکن!!! و در مرافعه محض متابعت کثیری سخن برای انحرافی از حق مگو: و در مرافعه از فقیر نیز طرفداری او منما؛ اگر گاو یا الاغ دشمن خود را یافتی که گم شده باشد البته آن را نزد او باز بیاور!!! اگر الاغ دشمن خود را زیر بارش خوابیده یافتی! و از گشادن او روی گردان هستی! البته آن را همراه او باید بگشائی! حق فقیر روی خود را درد عوی او منحرف مساز!!! از دروغ اجتناب نما؛ و بیگناه و صالح را بقتل مرسان؛ زیرا که ظالم را عادل نخواهم شمرد!!! و رشوت مخور زیرا که رشوت بینایان را کور میکند!!! سخن صدیقان را کج میسازد! بر شخص غریب ظلم منما زیرا که ازدل غریبان خبردارید! چون که در زمین مصر غریب بودید؛ و شش سال مزرعه خود را بکار و محصولش را جمع کن؛ لیکن در هفتمین آن را بگذار و ترکن تا فقیران قوم تو از آن بخورند و

آنچه از ایشان باقی ماند حیوانات صحراء بخورند!!! همچنین با تاکستان و درختان زیتون خود عمل نما! شش روز بشغل خود بپرداز و در روز هفتمین آرام کن تا گاو و الاغت آرام گیرند؛ و پسر و کنیزت و مهمانت استراحت کنند و آنچه را بشما گفته ام نگاه دارید! و نام خدایان غیر را ذکر نکنید از زبان شنیده نشود در هر سال سه مرتبه عید برای من نگاه دار! عید فطیر را نگاه دار و چنانکه تو را امر فرموده ام!!! هفت روز نان فطیر بخورد در زمان معین در ماه ایبب زیرا که در آن از زمین مصر بیرون آمدی و هیچ کسی بحضور من تهی دست حاضر نشود!!! و عید حصاد نوبر غلات خود را که در مزرعه کاشته!!! و عید جمیع را در آخر سال وقتیکه حاصل سال خود را از صحراء جمع کرده ای! در هر سال سه مرتبه ذکورانت بحضور خداوند یهوه حاضر شوند! خون قربانی مرا با نان خمیر مایه دار مگذارند؛ و پیه عید من تا صبح باقی نماند! نوبر نخستین زمین خود را بخانه یهوه خدای خود بیاور!!! و بزغاله را در شیر مادران میز!!! اینک من فرشته پیش روی تو میفرستم تا تورا در راه محافظت نماید! بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند!!! از او با حذر باش و آواز او را بشنو و از او ترمد منما!!! زیرا که گناهان شماران خواهد آمرزید چونکه نام من در او ست؛ و اگر قول او را شنیدی و با آنچه گفته ام عمل نمودی! هر آینه دشمن دشمنانت! و مخاف مخالفانت خواهی بود! زیرا که فرشته من پیش روی تو میرود و تورا به اموریان و حتیان و فرزندان و کنعانیان و حویان و یبوسیان خواهد رسانید! و ایشان را هلاک خواهم ساخت! خدایان ایشان را سجده منما و آنها را عبادت مکن! و موافق کارهای ایشان مکن البته آنها را منهدم ساز! و بتهای ایشان را بشکن!!! و یهوه خدای خود را عبادت نمایید! تا نان و آب تورا برکت دهد! و بیماری را از میان تو دور خواهم کرد! و در زمینت سقط کننده و نازا نخواهد بود! و شماره روزهایت را تمام خواهم کرد! و خوف خود را پیش روی تو خواهم فرستاد! و هر قومی را که بدیشان بررسی متحیر خواهم ساخت!!! و جمیع دشمنات را پیش تو روگردان خواهم ساخت! و زنبورهای پیش روی تو خواهم فرستاد! تا حویان و کنعانیان و حتیان را از حضورت برانند!!! ایشان را در یکسان از حضور تو خواهم راند! مبادا زمین ویران گردد

وحیوانات صحراء برتوزیاد شوند! ایشان را پیش روی توبتدریج خواهم راند تا کثیرشوی وزمین را متصرف گردی! **وحدود تورا ازبحر قلزم تا فلسطین و از صحراء تا نهر فرات قرار بدهم! زیرا که ساکنان آن زمین را بدست شما خواهم سپرد! و ایشان را از پیش روی تو خواهم راند! با ایشان و باخدایان ایشان عهد مبند! در زمین تو ساکن نشوند مبادا تورا بر من عاصی گردانند! و خدایان ایشان را عبادت کنی و دامی برای تو باشد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و سوم)

و خداوند گفت: نزد خداوند بالابیا تو و هارون و ناداب و آبیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل و از دور سجده کنید!!! و موسی تنها نزدیک خداوند بیاید!!! و ایشان نزدیک نیایند و قوم همراه او بالا نیایند! پس بموسی آمده همه سخنان خداوند همه این احکام را بقوم باز گفت: و تمامی قوم بیک زبان در جواب گفتند: همه سخنانی که خداوند گفته: است بجا خواهیم آورد؛ و موسی تمامی سخنان خداوند را نوشت؛ بامدادن برخاسته مذبحی در پای کوه دوازده ستون! موافق دوازده سبط اسرائیل ببناء نهاد! و بعضی از جوانان بنی اسرائیل را فرستاد و قربانیهای سوختنی کذرا نیدند!!! و قربانیهای سلامتی از گاووان برای خداوند ذبح کردند! و موسی نصف خون را گرفته در لگنها ریخت و نصف خون را بر مذبح پاشید و کتاب عهد را گرفت بسمع قوم خواند!!! پس گفتند: هر آنچه خداوند گفته: است خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت!!! و موسی خون را گرفت و بر قوم پاشیده گفت: اینک خون آن عهد که خداوند بر جمیع این سخنان با شما بسته است!!! و موسی با هارون و ناداب و آبیهو و هفتاد نفر از مشایخ بنی اسرائیل بالا رفت! و خدای اسرائیل را دیدند! وزیر پایهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف! و مانند ذات آسمانی در صفا! و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد! پس خدا را دیدند و خوردند آشامیدند!!! و خداوند بموسی گفت: نزد من بکوه بالابیا و آنجا باش تا لوح های سنگی و تورات و احکامی را نوشته ام!!! تا ایشان را تعلیم نمائی که بتو بدهم! پس موسی با خادم خود یوشع برخاسته و موسی بکوه

خدا بالا آمد و بمشایخ گفت: برای ما در اینجا توقف کنید!!! تا نزد شما برگردم همانهارون و حور باشمامیباشند! پس هرکسی کارامری دارد نزدایشان برود؛ و چون موسی بفرازکوه برابرکوه رافروگرفت! جلال خداوند برکوه سیناقرار گرفت! شش روز ابرآن را پوشانید! و روز هفتمین موسی را در میان ابرندا در داد و منظر جلال خداوند مثال آتش سوزنده!!! در نظر بنی اسرائیل برقله کوه بود! و موسی بمیان ابر داخل شده بفرازکوه برآمد! موسی چهل روز و چهل شب در کوه مانده است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و چهارم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: ببنی اسرائیل بگو: که برای من هدایای بیاورند از هرکسی بمیل بیاورند هدایای مرا بگیرند!!! و این است هدایای که از ایشان میگیرید!!! طلا و نقره برنج و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان و پشم بز و پوست قوچ سرخ شده و پوست خز و چوب شطیم و روغن برای چراغها و ادویه برای روغن مسح و برای بخور و معطر و سنگهای مرصی برای ایمود و سینه بند و مقامی و مقدسی برای من بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم!!! موافق هر آنچه بتونشان بدهم از نمونه مسکن! و نمونه جمیع اسبابش همچنین بسازید! و تابوتی از چوب شطیم بسازید! که طولش دو ذراع و نیم! و عرضش یک ذراع و نیم! و بلندیش یک ذراع و نیم! و آن را به طلای خالص بپوشان!!! و برزیرش بهر طرف تاجی زرین بساز! و برایش چهار حلقه زرین بریز!!! و آنها را بر چهار قائمه اش! بگذار! و حلقه بریک طرفش! و دو حلقه بر طرف دیگر! و دو عصا از چوب شطیم بساز! و آنها را بطلا بپوشان! و آن عصاها را در حلقه هائیکه بر طرفین تابوت نباشد بگذران!!! تا تابوت را به آنها بردارید!!! و عصاها را در حلقه های تابوت بماند! و از آنها برداشته نشود!!! و آن شهادتی را که بتومیدهم در تابوت بگذار! و تخت من را از طلای خالص بساز! طولش دو ذراع و نیم! عرضش یک ذراع و نیم! و دو کروی از طلا بساز! آنها را از چرخکاری از هر طرف تخت رحمت

بساز ویک کروی در این سر! کروی دیگر در آن سر بساز! کروی بیان را از تخت رحمت بر هر دو طرف بساز! و کروی بیان بالهای خود را بر زیر آن پهن!!! و تخت رحمت را به بالهای خود بپوشاند؛ و رویهای ایشان بسوی دیگر باشد؛ و رویهای کروی بیان بطرف تخت رحمت باشد!!! تخت رحمت را بر روی تابوت بگذار!!! و **شهادتی را که بتو میدهم در تابوت بنه!!! و در آنجا با تو ملاقات خواهم کرد! و از بالای تخت رحمت از میان دو کروی که تابوت شهادت میباشند!!! با تو سخن خواهم گفت:** درباره همه اموری که بجهت بنی اسرائیل تو را امر خواهم فرمود: و خوانی از چوب شطیم بساز! که طولش دو ذراع؛ و عرضش یک ذراع؛ بلندیش یک ذراع و نیم باشد! و آن را بطلای خالص بپوشان! تاجی از طلای بهر طرف بساز! و حاشیه بقدر چهار انگشت به اطرافش بساز!!! و برای حاشیه اش تاجی زرین از هر طرف بساز! و چهار حلقه زرین برایش بساز!!! و حلقه هارا بر چهار گوشه چهار قایمه اش بگذار!!! و حلقه ها برابر حاشیه باشد؛ تا خانه ها باشد بجهت عصاها برای برداشتن خوان! و عصاها را از چوب شطیم بساز! و آنها را بطلا بپوشان؛ تا خوان را بدانها بردارند! و صحنها و کاسه ها و جامها و پیاله هایش را که بدانها هدایای ریختنی میریزند بساز!!! آنها را از طلای خالص بساز!!! **و نان تقدّمه را در خوان همیشه بحضور من بگذار!** و چراغدانی از طلای خالص بساز و از چرخکاری چراغدان ساخته شود! قاعده اش و پایه اش و پیاله هایش و سیبهایش و گلهایش را همان باشد!!! و شش شاخه از طرفینش بیرون آید یعنی سه شاخه چراغدان از یک طرف!!! و سه شاخه چراغدان از طرف دیگر سه پیاله بادامی با سیبی!!! و گلی در شاخه دیگر؛ و همچنین در شش شاخه که از چراغدان بیرون می آید؛ و در چراغدان چهار پیاله بادامی با سیبها!!! و گلهای آنها باشد؛ و سیبی زرد و شاخه آن و سیبی زرد و شاخه آن!!! بر شش شاخه که از چراغدان بیرون آید؛ و سیبها و شاخه هایش از همان باشد؛ یعنی از یک چرخ کاری طلای خالص!!! و هفت چراغ برای آن بساز؛ و چراغها یش را بالای آن بگذار! تا پیش روی آنرا روشنایی بدهد؛ و گل گیرها سیبهایش از طلای خالص باشد؛ خودش با همه اسبابش از یک وزنه طلای خالص ساخته شود!!! و آگاه باشید آنها را موافق نمونه آنها که در کوه بتونشان داده شد بساز!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب نیست و پنجم)

و مسکن را از ده پرده کتان نازک تابیده؛ و لاجوردی و ارغوان و قرمز بساز! با کروبیان از صنعت نساج ماهرانها را ترتیب نما؛ طول یک پرده بیست و هشت ذراع و عرض یک پرده چهار ذراع؛ و همه پرده ها یک اندازه باشد! پنج پرده باید کدیگر پیوسته باشد؛ و مادگیهای لاجوردی بر کنار هر پرده بر لب پیوستگیش بساز! و بر کنار پرده بیرونی در پیوستگی دوّم چنین بساز! پنجاه مادگی در یک پرده بساز! و پنجاه مادگی در کنار پرده که در پیوستگی دوّم است بساز! و خیمه بالای مسکن را از پرده های پشم بز بساز!!! و برای آن یازده پرده درست کن طول یک سی ذراع؛ و عرض یک پرده چهار ذراع؛ و اندازه هریازده پرده یکی میباشد!!! و پنج پرده را جدا؛ و شش پرده را پیوسته بساز؛ پرده ششم را پیش روی خیمه دولاکن؛ و پنجاه مادگی بر کنار پرده که پیوستگی بیرونست بساز! و پنجاه مادگی بر کنار پرده که در پیوستگی دوّم است! و پنجاه تکمه برنجین بساز! و تکمه هارادرمادگیها بگذران؛ و خیمه را باهم پیوسته بساز تا یک باشد و زیادتی پرده های خیمه که باقی باشد!!! یعنی نصف پرده که زیاده است؛ از پشت خیمه آویزان شود؛ و ذراع از این طرف و ذراع آزان طرف؛ که طول پرده های خیمه زیاده باشد!!! بر طرفین مسکن از هر دو جانب آویزان شود تا آن را بپوشد؛ و پوشش برای خیمه از پوست قوچ سرخ شده بساز؛ پوشش از پوست خزبر زیر آن!!! و تخته های چنین بساز!!! تحته های قایم از چوب شطیم برای مسکن بساز؛ طول هر تخته ده ذراع؛ و عرض هر تخته یک ذراع و نیم؛ و در تخته دوزبانه قرینه یکدیگر باشد؛ و همه تخته های مسکن را چنین بساز؛ و تخته ها برای مسکن بساز؛ یعنی بیست تخته از طرف جنوب صنعت یمانی؛ و چهل پایه نقره در زیر آن بیست تخته بساز؛ یعنی دو پایه زیر یک تخته برای دوزبانه او

ودو پایه زیریک تخته برای دوزبانه اش!!! برای جانب دیگر مسکن از طرف شمال بیست تخته باشد؛ وچهل پایه نقره آنها؛ یعنی دو پایه زیریک تخته؛ و دو پایه زیرتخته دیگر؛ و برای مؤخر مسکن از جانب غربی شش تخته بساز؛ و برای گوشه های مسکن در مؤخرش دو تخته بساز!!! و از زیر وصل کرده شود!!! و تا بالا نیز دریک حلقه باهم پیوسته شود و برای هر دو چنین بشود؛ در هر گوشه باشد؛ در هر دو گوشه باشد!!! و هشت تخته باشد و پایه های آنها از نقره شانزده پایه باشد یعنی دو پایه زیریک تخته و دو پایه زیر تخته دیگر؛ و پشت بندها از چوب شطیم بساز!!! پنج از برای تخته های یک طرف مسکن؛ و پنج پشت بند برای تخته هاترف دیگر مسکن؛ و پنج پشت بند برای تخته های طرف مسکن در مؤخرش بسمت مغرب؛ و پشت بند وسطی که میان تخته هاست؛ از این سر تا آن سربگذار!!! و تخته ها را بطلا بپوشان!!! و حلقه های آنها را از طلا بساز تا خانه های پشت بندها باشد؛ و پشت بندها را بطلا بپوشان؛ پس مسکن را برپا کن موافق نمونه که در کوه بتونشان داده شد!!! حاجبی از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تا بیده شده بساز!!! از صنعت نساج ماهر باکروبیان ساخته شود! و آن را بر چهارستون چوب شطیم پوشیده بطلا بگذار؛ و قلاب های آنها از طلا باشد! و بر چهار پایه نقره قایم شود؛ و حجاب را زیر تکمه ها آویزان کن! و تابوت شهادت را در آنجا به اندرون حجاب بیاورید! حجاب قدس را برای شما از قدس الاقداس جدا خواهد کرد!!! و تخت رحمت را بر تابوت شهادت در قدس الاقداس بگذار! و خوان را بیرون حجاب و چراغدان را برابر خوان بطرف جنوبی مسکن بگذاری!!! خوان را بطرف شمالی آن برپا کن؛ و پرده را برای دروازه مسکن از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تا بیده! از صنعت طرز بساز!!! و برای پرده ستون از چوب شطیم بساز!!! آنها را بطلا بپوشان و قلابهای آنها از طلا باشد! و برای آنها پنج پایه برنجین بریز!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست ششم)

ومذبح را از چوب شطیم بساز؛ طولش پنج ذراع و عرضش پنج ذراع؛ و مذبح مربع باشد!!! و بلندیش سه ذراع؛ و شاخهایش را بر چهار گوشه اش بساز!!! و شاخهایش از همان باشد؛ و آن را ببرنج بپوشان!!! لگنهایش را برای برداشتن خاکسترش بساز!! و خاک اندازهایش و جامهایش و چنگالهایش و مجمرهایش و همه اسبابش را از برنج بساز؛ و برایش آتش دانی مشتبک برنجین بساز؛ و بر آن شبکه چهار حلقه برنجین بر چهار گوشه اش بساز!!! و آن را در زیر برنجین کنار مذبح بگذار تا شبکه بنصف مذبح برسد؛ و دو عصا برای مذبح بساز؛ عصاها از چوب شطیم باشد؛ و آنها را ببرنج بپوشان؛ و عصاها را در حلقه ها بگذرانند! و عصاها بر هر دو طرف مذبح باشد تا آن را بردارند!!! و آنرا مجوف از تخته ها بساز هم چنانکه در کوه بتونشان داده شد به این طور ساخته شود؛ صحن مسکن را بساز!!! بطرف جنوب بسمت یمانی پرده های صحن از کتان نازکی تابیده باشد!!! طولش صد ذراع بیک طرف؛ و ستونهایش بیست؛ و پایهای آنها بیست از برنج باشد؛ و قلابهای ستونها و پشت بندهای آنها از نقره باشد؛ و همچنین بطرف شمال!!! در طولش پرده باشد؛ که طول آن صد ذراع باشد!!! و بیست ستون آن و بیست پایه آنها از برنج باشد؛ و قلابها ستونها و پشت بندهای آنها از نقره باشد و برای عرض صحن بسمت مغرب پرده های پنجاه ذراع باشد! و ستونهای آنها ده؛ عرض صحن بجانب مشرق از سمت طلوع پنجاه ذراع باشد!!! و پرده های یک طرف دروازه پانزده ذراع؛ و ستونهای آنها سه؛ و پایهای آنها سه!!! پرده های طرف دیگر پانزده ذراع!!! و ستونهای آنها سه!!! و پایهای آنها سه برای دروازه صحن پرده بیست ذراع از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده از صنعت طرز باشد؛ و ستونهایش چهار!!! و پایهایش چهار؛ همه ستونهای گرداگرد با پشت بندها از نقره پیوسته نقره شود؛ و قلابهای آنها از نقره و پایهای آنها از برنج باشد؛ طول صحن صد ذراع؛ و عرضش در هر جا پنجاه ذراع؛ و بلندیش پنج ذراع از کتان نازک تابیده شده؛ و پایهایش از برنج باشد؛ و همه اسباب مسکن برای هر خدمتی؛ همه میخهایش؛ و همه میخای صحن از برنج باشد؛ و بنی اسرائیل را امر فرما که روغن زیتون مصفی و کوبیده شده! برای روشنایی

نزد تو بیاورند؛ تا چراغها دائماً روشن شود؛ درخیمه اجتماع بیرون پرده که در برابر شهادتست!!! هارون و پسرانش از شام تا صبح بحضور خداوند آن را درست کنند!!! و این برای بنی اسرائیل نسل بعد نسل فریضه ابدی باشد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و هفتم)

و تو برادر خود هارون و پسرانش را باوی از میان بنی اسرائیل نزد خود بیاورتا برای من کهانت بکنند! یعنی هارون و ناداب و ابیو و العازر و ایتمار پسران هارون!!! و رختهای مقدس برای برادرت هارون بجهت عزت و زینت بساز! تو بجمع دانا دلانیکه ایشان را بروح حکمت پرداخته ام!!! بگو: که رختهای هارون را بسازند؛ برای تقدیس کردن او تا برای من کهانت کند! رختهاییکه میسازید این است! سینه بند و ایفود ردا و پیراهن مطرز و عمامه و کمر بند؛ این رختهای مقدس را!!! برای برادرت هارون و پسرانش بسازند بجهت من کهانت کند!!! و ایشان ایفود را از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازکی تابیده شده از صنعت نساج ماهر بسازند! و دو کتفش را بر دو کناره اش بپیوندند تا پیوسته شود؛ و زنار ایفود که بر آنست از همان صنعت و از همان پارچه باشد؛ یعنی از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده؛ و دو سنگ جزع بگیر!!! و نامهای بنی اسرائیل را بر آنها نقش کن؛ شش نام ایشان را بر یک سنگ؛ و شش نام باقی ایشان را بر سنگ دیگر موافق تولد ایشان؛ از صنعت نقاش خاتم؛ نامهای بنی اسرائیل را بر هر دو سنگ نقش نما؛ و آنها را در طوقهای طلا نصب کن؛ و آن دو سنگ را بر کتفهای ایفود بگذار؛ تا سنگها یادگاری برای بنی اسرائیل باشد!!! و هارون نام های ایشان را بر دو کتف خود بحضور خداوند برای یادگاری بردارند؛ و دو طوق از طلا بسازد و زنجیر از طلای خاص بساز؛ مثل طناب بهم پیچیده شده؛ و آن دو زنجیر بهم پیچیده شده را در طوقها بگذار!!! و سینه بند عدالت را از صنعت نساج ماهر موافق کار ایفود بساز؛ و آن را از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک

تاییده شده بساز؛ و مربع و دولا باشد؛ طولش یک و جب و عرش یک و جب؛ و آن را بر صیح سنگها مرصع کن که دسته اول عقیق احمر و یاقوت اصغر و زمرّد باشد!!! و دسته دوم بهرمان و یاقوت کبود عقیق سفید؛ و دسته سوم عین الهرّ ویشم و جمّیت؛ و دسته چهارم زبرجد ویشم و آنها در دستهای خود با طلا نشانده شود!!! و سنگهای موافق نامهای مطابق اسامی ایشان دوازده باشد!!! مثل نقش خاتم و هریک برای دوازده سبط موافق اسمش باشد؛ و بر سینه بند؛ زنجیر های بهم پیچیده شده!!! مثل طناب از طلای خالص بساز!!! و بر سینه بند دو حلقه از طلا بساز؛ آن دو حلقه را بر طرف سینه بند بگذار!!! و آن دو زنجیر طلا را بر آن دو حلقه که بر سینه بند است بگذار؛ دوسر دیگر آن دو زنجیر را در آن دو طوق ببند؛ و بر دو کتف ایفود بطرف پیش بگذار و دو حلقه زرین بساز؛ و آنها را بر دوسر سینه بند بکنار آن که بطرف اندرون ایفود است بگذار؛ و دو حلقه دیگر زرین بساز؛ و آنها را دو کتف ایفود از پائین بجانب پیش؛ در برابر پیوستگی آن بر زیر زنار ایفود بگذار، و سینه بند را بر حلقه هایش بر حلقه های ایفود بنوار لاجورد ببندند؛ تا بالای زنار ایفود باشد؛ و تا سینه بند از ایفود جدا نشود؛ و هارون نامهای بنی اسرائیل را بر سینه بند عدالت بردل خود!!! و قتیکه بقدس شود!!! حضور خداوند بجهت یادگاری دائماً بردارد!!! آوریم و تمیم را در سینه بند عدالت بگذار؛ تا بردل هارون باشد و قتیکه بحضور خداوند بیاید؛ و عدالت بنی اسرائیل را بردل خود بحضور خداوند دائماً متحمل شود! **وردای ایفود را دائماً از لاجورد بساز؛ و شکافی برای سردر وسطش باشد؛ و حاشیه گرداگرد شکافش از کارنساچ؛ مثل کروبیان زره تادریده نشود؛ و در دامنش انارها بساز؛ از لاجورد و ارغوان قرمز گرداگرد دامنش؛ و رنگهای زرین در میان آنها بهر طرف؛ زنگله زرین و اناری و زنگله زرین و اناری؛ زنگله زرین و اناری گرداگرد دامن رد!!! در بر هارون باشد هنگامیکه خدمت میکند؛ تا آواز آنها شنیده شود هنگامیکه در قدس بحضور خداوند داخل میشود؛ و هنگامیکه بیرون میآید تا نمیرد؛! و تنکه از طلا خالص**

بساز؛ و بر آن مثل نقش خاتم قدوسیّت برای یهوه نقش کن؛ و آنرا بنوار لاجورد ببند تا بر عمامه باشد؛ بر پیشانی عمامه خواهد بود؛ و بر پیشانی هارون باشد تا هارون گناه موقوفاتی که بنی اسرائیل؛ وقف مینمایند نیز در همه هدایای مقدّس متحمّل شود!!! و آن را دائماً بر پیشانی او باشد تا بحضور خداوند مقبول شوند؛ و پیراهن کتان نازک را بیاف؛ و عمامه از کتان نازک بساز؛ و کمر بند از صنعت طراز بساز!!! و برای پسران هارون پیراهن ها بساز؛ و بجهت ایشان کمر بند ها بساز؛ و برای ایشان عمامه ها بساز بجهت عزّت و زینت؛ و برای برادر خود هارون و پسرانش راهمراه او با آنها آراسته کن!!! و ایشان را مسح کن و ایشان را!!! تخصیص و تقدیس نماتا برای من کهانت کنند؛ و زیر جامه ای برای ستر عورت ایشان بساز که کمرشان برسد!!! و بر هارون و پسرانش باشد؛ هنگامیکه بخیمه اجتماع داخل شوند یا نزد مذبح آیند؛ تا در قدس خدمت نمایند مبادا متحمّل گناه شوند؛ و بمیرند این برای وی و بعد از او برای ذرّیتش فریضه ابدیست!!!
(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و هشتم)

و این است کاریکه برایشان میکنی!!! برای تقدیس نمودن ایشان تا بجهت من کهانت کنند؛ یک گوساله و دوقوچ بیعیب بگیر؛ نان فطیر و قرصهای فطیر سرشته بروغن؛ و رقیقهای فطیر مسح شده بروغن؛ و آنها را از آرد نرم گندم بساز!!! و آنها را در یک سبد بگذار؛ و آنها را در سبد با گوساله دوقوچ بگذار؛ و هارون و پسرانش را نزد دروازه خیمه اجتماع آورد ایشان را با آب غسل بده؛ و آن رختها را گرفته هارون را به پیراهن وردای ایفود؛ و سینه بند آراسته کن!!! و زّنار ایفود را بروی ببند؛ عمامه را بر سرش بنه؛ و افر قدوسیّت را بر عمامه بگذار و روغن مسح را گرفته بر سرش بریز و او را مسح کن!!! و پسرانش را نزدیک آورده ایشان زیر پیراهنهای بیوشان؛ و برایشان یعنی هارون و پسرانش کمر ببند و عمامه هارا برایشان بگذار؛ و کهانت برای ایشان فریضه ابدی خواهد بود!!! پس هارون و پسرانش را تخصیص نما؛ و گوساله را پیش خیمه اجتماع برسان

هارون؛ پسرانش دستهای خود بر سر گوساله بذارند؛ گوساله را بحضور خداوند نزد خیمه اجتماع ذبح کن؛ و از خون گوساله بر شاخهای مذبح به انگشت خود بگذار؛ و باقی خون را بر بنیان مذبح بریز؛ و همه پیه راکه احشارا میپوشاند؛ و سفیدیکه بر جگراست و دوگرده بایهیی که بر آنهاست گرفته بر مذبح بسوزان!!! اما گوشت گوساله را و پوست و سرکینش را از اردو بیرون آورده به آتش بسوزان؛ زیرا که قربانی گناه است؛ و یک قوچ بگیر و هارون و پسرانش دستهای!!! خود را بر سر قوچ بگذرانند؛ و قوچ را ذبح کرده خونش را بگیر گرداگرد مذبح بپاش؛ و قوچ را بقطعه هایش ببر؛ و احشاء و پاچه هایش بشوی؛ و آنها بر قطعه هاوسرش بنه و تمام قوچ را!!! بر مذبح بسوزان!!! زیرا که برای خداوند قربانی سوختنی است؛ و عطر خوشبو و قربانی آتشین برای خداوند است؛ قوچ دوم را بگیر و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر قوچ بگذار؛ و قوچ را ذبح کرده از خونش بگیر؛ و بنر مه گوش راست هارون!!! و بنر مه گوش پسرانش و بشست دست ایشان بگذار؛ و باقی خون را گرداگرد مذبح بپاش! **و خونی که بر مذبح هست؛ و از روغن مسح گرفته آن را بر هارون و رخت وی و بر پسرانش باوی بپاش؛ تا او و رختش و پسرانش و رخت پسرانش با او تقدیس شوند!!! پس پیه قوچ را و دنبه قوچ را و دنبه و پیهیی که احشارا میپوشاند؛ و سفیدی جگر و دوگرده پیهیی که بر آنهاست و ساق راست را بگیر؛ زیرا که قوچ تخصیص است؛ و یک گرده نان و یک قرص روغن و یک رقیق از سبذنان فطیر راکه بحضور خداوند است؛ و این همه را بدست هارون و بدست پسرانش بنه؛ و آنها را برای هدیه جنبانیدنی!!! بحضور خداوند بجنبان؛ آنها را از دست ایشان گرفته برای قربانی سوختنی بر مذبح بسوزان؛ تا برای خداوند عطر خوشبو باشد!!! زیرا که این قربانی آتشین خداوند است!!! سینه قوچ قربانی تخصیص راکه برای هارون است؛ گرفته آن را برای هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند بجنبان و آن حصه تومی باشد!!! و سینه جنبانیدنی و ساق رفیعه را که از قوچ قربانی تخصیص!!! هارون و پسرانش جنبانیده و برداشته شده تقدیس نمای؛ و آن از آن هارون و پسرانش!!! از جانب**

بنی اسرائیل بفریضة ابدی خواهد بود؛ زیرا که هدیه رفیعه است؛ و هدیه رفیعه از جانب بنی اسرائیل از قربانی های سلامتی ایشان برای خداوند خواهد بود؛ و رخت مقدس هارون بعد از او از آن پسرانش خواهد بود؛ تا در آنها مسح تخصیص شوند!!! هفت روز آن کاهن که جانشین او باشد؛ از پسرانش و بخیمه اجتماع داخل شده خدمت قدس را میکند آنها را بپوشد؛ و قوچ قربانی تخصیص را گرفته گوشتش را در قدس آب پزکن!!! و هارون و پسرانش گوشت قوچ را با نانی که در سبداست بدرخیمه اجتماع بخورند؛ و آنانیکه برای تخصیص و تقدیس خود؛ بدین چیزها کفاره کرده شدند!!! آنها را بخورند لیکن اجنبی نخورد!!! زیرا که مقدس است؛ و اگر چیزی از گوشت هدیه تخصیص و از نان تا صبح باقی ماند؛ آن باقی را به آتش بسوزان و آن را نخورند زیرا که مقدس است!!! همچنان به هارون و پسرانش عمل نما؛ موافق آنچه بتو امر فرموده ام؛ هفت روز ایشان را تخصیص نما؛ و گوساله قربانی گناه را هر روز جهت کفاره ذبح کن؛ و مذبح را ظاهر ساز بکفاره که بر آن میکنی و آن را مسح کن تا مقدس شود!!! هفت روز برای مذبح کفاره کن و آن را مقدس بساز؛ و مذبح قدس اقدس خواهد بود؛ هر کسی مذبح را لمس کند مقدس باشد!!! و این است قربانیهایی که بر مذبح باید گذرانید؛ دو بره یکساله هر روز پیوسته؛ یک بره را در صبح ذبح کن؛ و بره دیگر را در عصر ذبح نما؛ و ده یک ارد نرم سرشته بایک ربع هین شراب؛ برای بره خواهد بود؛ و بره دیگر را در عصر ذبح کن!!! و برای آن موافق هدیه صبح و موافق هدیه ریختنی آن بگذار تا عطر خوشبو؛ و قربانی آتشین برای خداوند باشد؛ این قربانی سوختنی دائمی در نسهای نزد دروازه خیمه اجتماع خواهد بود! بحضور خداوند در جانی که با شما ملاقت میکنم تا آنجا بتو سخن بگویم: و در آنجا با بنی اسرائیل ملاقات میکنم!!! تا از جلال من مقدس شود!!! و خیمه اجتماع و مذبح را مقدس میکنم؛ و هارون و پسرانش را تقدیس میکنم!!! تا برای من کهنات کنند؛ و در میان بنی اسرائیل ساکن شده خدای ایشان میباشم؛ خواهند دانست که من یهوه خدای ایشان هستم!!! که ایشان را از زمین مصر بیرون آورده ام تا در میان ایشان ساکن شوم من یهوه خدای ایشان هستم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب بیست و نهم)

و مذبحی برای سوزانیدن بخور بساز؛ آن را از چوب شطیم بساز؛ طولش ذراع؛ و عرضش ذراع؛ یعنی مربع باشد؛ و بلندیش دو ذراع!!! و شاخه‌هایش از خودش باشد؛ و آن را بطلای خالص بپوشان؛ سطحش و جنابانش بهر طرف و شاخه‌هایش را و تاجی از طلا گرداگردش بساز!!! و دو حلقه زرین برایش در زیر تاجش بساز!!! بردو گوشه اش بردو طرفش آنها را بساز!!! و آنها خانه‌ها باشد برای عصاها تا آن را بدانها بردارند!!! و عصاها را از چوب شطیم بساز؛ و آنها را بطلا بپوشان؛ و آن را پیش حجابی که روبروی تابوت شهادت است؛ در مقابل کرسی رحمت که بر زیر شهادت است! **در جای که باتوملاقات میکنم بگذار!** و هر بامداد هارون بخور معطر بر روی آن بسوزاند و قتیکه چراغهای رامی آورید آن را بسوزاند و در عصر چون هارون می آراید چراغها را روشن میکند بسوزاند؛ تا بخوردائی بحضور خداوند در نسلهای شما باشد! هیچ بخور غریب و قربانی سوختنی؛ و هدیه بر آن مگذرانید؛ و هدیه ریختنی بر آن مریزید؛ و هارون سالی یک مرتبه بر آن کفاره کند در نسلهای شما؛ زیرا که آن برای خداوند قدس اقداس است!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: و قتیکه شماره بنی اسرائیل را بر حسب شمرده شدگان ایشان میگیری؛ آنگاه هر کسی فدیة جان خود را بخداوند بدهد! هنگامیکه ایشان را می شماری؛ مبادا در شمردن ایشان وبائی در ایشان حادث شود؛ هر کسیکه بسوی شمرده شدگان میگذرد این را بدهد!!! یعنی نیم مثقال قدس که یک مثقال بیست قیراط است؛ و این نیم مثقال هدیه خداوند است هر کسی از بیست ساله و بالاتر که بسوی شمرده شدگان بگذرد؛ هدیه خداوند را بدهد؛ دولت مند از نیم مثقال زیاده ندهد و فقیر کمتر ندهد!!! هنگامیکه هدیه برای کفاره جانهای خود به خداوند میدهید! نقد کفاره را از بنی اسرائیل گرفته آن را برای خدمت خیمه اجتماع بده؛ تا برای بنی اسرائیل یادگاری بحضور خداوند

باشد؛ و بجهت جانهای ایشان کفاره کند!!! و خداوند بموسی خطاب کرده گفت: حوض نیز برای شستن برنج بساز!!! و پایه اش از برنج و آن را در میان خیمه اجتماع و مذبح بگذار؛ و آب در آن بریز و هارون و پسرانش دست و پای خود را از آن بشویند؛ هنگامیکه بخیمه اجتماع داخل شوند؛ با آب بشویند نزدیک نشوند!!! مبادا بمیرند؛ و وقتیکه برای خدمت کردن و سوزانیدن قربانیهای آتشین بجهت خداوند بمذبح نزدیک آیند!!! آنگاه دست و پای خود را بشویند مبادا بمیرند!!! و این برای ایشان یعنی برای اودر ذریتش نسلأ بعد نسل! بعد نسل فریضه ابدی باشد!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: و تو عطریات خاص بگیر از مرچکیده پانصد مثقال!!! و از دارچینی معطر نصف آن دویست و پنجاه مثقال؛ و از قصب الزریده دویست و پنجاه مثقال؛ و از سلیخه پانصد مثقال موافق مثقال قدس؛ و از روغن زیتون یک هین؛ و از آنها روغن مسح مقدس را بساز؛ عطری از صنعت عطار ساخته شود! تا روغن مسح باشد؛ و خیمه اجتماع و تابوت شهادت را بر آن مسح کن، و خوان را با تمامی اسبابش؛ و چراغدان را با اسبابش؛ و مذبح بخور را؛ و مذبح قربانی سوختنی را با همه اسبابش و حوض را با پایه اش؛ و آنها را تقدیس نما تا قدس اقداس باشد؛ هرکسی آنها را لمس نماید مقدس میباشد!!! هارون و پسرانش را مسح نموده ایشان را تقدیس نما تا برای من کفالت کنند؛ و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: این است روغن مسح مقدس برای من در نسلهای شما؛ و بر بدن انسان ریخته نشود؛ و مثل آن موافق ترکیبش مسازید؛ زیرا که مقدس است و نزد شما مقدس خواهد بود؛ هر کسی مثل آن ترکیب نماید؛ و هرکسی چیزی از آن بر شخصی بیگانه بمالد از قوم خود منقطع شود؛ و خداوند بموسی گفت: عطریات بگیر؛ یعنی میعه و اطفال و قته؛ و از این عطریات با کندر صاف حصه ها مساوی باشد!!! و از اینها بخور بساز عطری از صنعت عطار نمکین!!! و مصقی و مقدس و قدری از آن را نرم بکوب و آن را پیش شهادت! **در خیمه اجتماع جاییکه با تو ملاقات میکنم بگذار!** و نزد شما قدس اقداس باشد!!! هرکسی مثلاً آن را برای بونیدن بسازد از قوم خود منقطع شود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی ام)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: آگاه باش بصلئیل بن اوری بن خود را از سبط یهودا را بنام خوانده ام؛ و او را بروح خدا پرساخته ام؛ و بحکمت و فهم و معرفت و هنرنری!!! برای اختراعات تا در طلا و نقره و برنج کار کند!!! و برای تراشیدن سنگ و ترصیع درودگری چوب؛ تا در هر صنعتی اشتغال نماید!!! و اینک من اهلویاب بن اخیسامک را از سبط دان انبازاوساخته ام؛ در دل همه دانادلان حکمت بخشیده ام؛ تا آنچه را بتوانم فرموده ام بسازد؛ خیمه اجتماع و تابوت شهادت و کرسی رحمت که بر آن است؛ و تمامی اسباب خیمه و خوان اسبابش؛ و چراغدان ظاهر و همه اسبابش؛ و مذبح بخور و مذبح قربانی سوختنی!!! و همه اسبابش و حوض و پایه اش؛ لباس خدمت و لباس مقدس برای هارون کاهن؛ و لباس پسرانش بجهت کهانت!!! و روغن مسح و بخور معطر را بجهت قدس!!! موافق آنچه بتوانم فرموده ام بسازد؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: و تو بنی اسرائیل را مخاطب ساخته بگو: البته سبتهای مرا نگاه دارید؛ زیرا که این در میان من و شمادر نسلهای شما آیتی خواهد بود؛ تا بدانید که من یهوه هستم که شمارا تقدیس میکنم!!! پس سبت را نگاه دارید؛ زیرا که برای شما مقدس است؛ هر کسیکه او را بی حرمت کند هر آینه کشته شود؛ و هر کسیکه در آن کار کند آن شخص از میان قوم خود منقطع شود؛ شش روز کار کرده شود و در روز هفتم سبت آرام و مقدس خداوند است؛ هر کسیکه در آن کار کند هر آینه کشته شود!!! پس بنی اسرائیل سبت را نگاه بدارند؛ نسل بعد نسل سبت بعهده ابدی مرعی دارند؛ این در میان من و بنی اسرائیل آیتی ابدی است!!! زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین را ساخت؛ و در روز هفتم آرام فرمود استراحت یافت؛ و چون گفتگو: را با موسی در کوه سینا پایان برد؛ و دلولوح شهادت یعنی دلولوح سنگ با انگشت خداوند را بوی داد؛ و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن

ازکوه تأخیر نمود؛ قوم نزد هارون جمع شده وی را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز!!! که پیش روی ما بخرامند!!! زیرا که این مرد موسی که ما را از زمین مصر بیرون آوردنمیدانیم که اورا چه شده است! هارون بدیشان گفت: گوشواره های طلا را که در گوش زنان و پسران؛ دختران شما است بیرون کرده نزد من بیاورید! پس قوم گوشواره های زرین را که در گوشهای ایشان بود بیرون کرده نزد هارون آوردند؛ و آنها را از دست ایشان گرفته آنها را با قلم نقش کرد!!! و از آن گوساله ریخته شده ساخت!!! و ایشان گفتند: ای بنی اسرائیل این خدایان تو میباشند! و تورا از زمین مصر بیرون آوردند! و چون هارون این را بدید؛ مذبحی پیش آن بناء کرد!!! و هارون ندا در داد گفت: فردا عید یهوه میباشد!!! و بامدادان برخاسته قربانیهای سوختنی گذرانید؛ و هدایای سلامتی آوردند!!! و قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند؛ و بجهت لعب برپاشدند؛ و خداوند بموسی گفت: روانه شدی بزیر پرور زیرا که این قوم تو؛ که از زمین مصر بیرون آورده ای فاسد شده اند!!! و بزودی از آن طریقی که بدیشان امر فرموده بودم؛ انحراف و زیده گوساله ریخته شده را برای خویشتن ساخته اند؛ و نزد آن سجده میکنند سجده کرده و قربانی گذرانیده؛ میگویند: که ای بنی اسرائیل این خدایان تو میباشند که تورا از زمین مصر بیرون آوردند! و خداوند بموسی گفت: این قوم را دیده ام و اینک قوم گردن کشی میباشند!!! و اکنون مرا بگذار تا خشم من بر ایشان مشتعل شده ایشان را هلاک کنم!!! و تورا قوم عظیمی خواهم ساخت؛ پس موسی نزد یهوه خدای خود تضرع کرده گفت: ای خداوند چرا خشم تو بر قوم خود که با قوت!!! و دست زور آور! از زمین مصر بیرون آورده مشتعل شده است! چرا مصریان این سخن را بگویند: که ایشان را برای بدی بیرون آورد! تا ایشان را در کوهها بکشد و از روی زمین تلف کند! پس از خشم شدت خود برگرد و از این قصد بدی قوم خویش رجوع فرما! بندگان خود ابراهیم و اسحق و اسرائیل را بیاد آور؛ که برای ایشان بذات خود قسم خورده؛ بدیشان گفتی: که ذریت شما را مثل ستارگان آسمان کثیر گردانم!!! و تمامی این زمین را که درباره آن سخن گفته ام بذریت شما میبخشم! تا آن را متصرف بشوند تا ابد الابد!!! پس خداوند از آن بدیکه

بقوم گفته بود بقوم خودبرساند رجوع فرمود!!! آنگاه موسی برگشته ازکوه بزیر آمد؛ ودولوح شهادت بدست وی بود؛ ولوحها بهردو طرف نوشته بود؛ بدین طرف وبدان طرف مرقوم بود!!! ولوحها صنعت خدا بود ونوشته خدا بود!!! منقوش بر لوحها؛ وچون یوشع آواز قوم را که میخروشیدند شنید بموسی گفت: درآردو صدای جنگ است!!! گفت: صدای خروش ظفر نیست و صدای خروش شکست نیست بلکه آواز مغنیان را من میشنودم؛ وواقع شد که چون نزدآردو رسید؛ وگوساله ورقص کنندگان را دید!!! خشم موسی مشتعل شد ولوحها را از دست خود افکنده؛ آنها را در زیر کوه شکست؛ وگوساله را ساخته بودند با آتش سوزانید و آن را خورد کرده نرم ساخت وبر روی آب پاشیده بنی اسرائیل را نشانید! وموسی به هارون گفت: این قوم بتوجه کرده بودند؛ که گناه عظیمی برایشان آوردی هارون گفت: خشم آقايم افروخته نشود تو این قوم را میشناسی که مایل بدی میباشند؛ بمن گفتند: برای ماخدایان بساز وپیش روی ما بخرامند زیرا که این مرد موسی که ما را از زمین مصر بیرون آورده است؛ نمیدانیم او را چه شده؛ بدیشان گفتم: هرکسی را طلا باشد آن را بیرون کند؛ وپس بمن دادند و آن را به آتش انداختم واین گوساله بیرون آمد؛ وچون موسی قوم را دید که بی لگام شده اند!!! زیرا که هارون ایشان را برای رسوائی ایشان!!! در میان دشمنان ایشان بی لگام ساخته بود!!! آنگاه موسی بدروازہ اردو ایستاده گفت: هرکسی بطرف خداوند باشد نزد من آید!!! پس جمیع بنی لاوی نزد وی جمع شدند! او بدیشان گفت: یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: هرکسی شمشیر خود را بران خویش بگذارد؛ واز دروازہ تا دروازہ اردو آمد ورفت کند!!! هرکسی برادر خود ودوست خویش وهمسایه خود را بکشد!!! وبنی لاوی موافق سخن موسی عمل کردند!!! او در آن روز قریب بسه هزار نفر از قوم افتادند؛ وموسی گفت: امروز خویشتن را برای خداوند تخصیص نمائید؛ حتی هرکسی بپسر خود وبرادر خویش تا امروز شمارا برکت دهد!!! وبامدادان واقع شد که موسی بقوم گفت: شما گناه عظیمی کرده اید؛ اکنون نزد خداوند بالامیروم شاید شمارا کفاره

کنم؛ پس موسی بحضور خداوند برگشت و گفت: آه این قوم گناه عظیمی کرده؛ و خدایان طلا برای خویشتن ساخته اند؛ الآن هرگاه گناه ایشان را می آمرزی و اگر نه؛ مرا از دفترت که نوشته محوساز!!! خداوند بموسی گفت: هر کسی گناه کرده است!!! او را از دفترخود محومیسازم!!! و اکنون برو این قوم را بدانجائی که بتو گفته ام راه نمائی کن! اینک فرشته من پیش روی تو خواهد خرامید! لیکن در یوم تفقد من گناه ایشان را از ایشان بازخواست خواهم کرد!!! و خداوند قوم را مبتلا ساخت! زیرا که گوساله ای را که هارون ساخته بود! ساخته بودند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و دوم)

و خداوند بموسی گفت: روانه شده از اینجا کوچ کن تو این قوم!!! که از زمین مصر بر آورده بدان زمینی!!! که برای ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورده گفته ام!!! آن را بذریت تو عطاء خواهم کرد! و فرشته پیش روی تو میفرستم! کنعانیان و آمرویان و حتیان و فرزریان و حویان و ویوسیان را بیرون خواهم کرد بزمینی که بشیر و شهد جاری است!!! زیرا که در میان شما نمی آیم چونکه قوم گردن گشی هستی! مبادا که تورا در بین راه هلاک سازم! چون قوم این سخنان بدرا شنیدند ماتم گرفتند؛ و هیچکس زیور خود را بر خود ننهاد؛ و خداوند بموسی گفت: بنی اسرائیل را بگو: شما قوم گردن کش هستید! اگر لحظه در میان تو آیم همانا تورا هلاک سازم پس اکنون زیور خود را از خود بیرون کن تا بدانم با تو چکنم! پس بنی اسرائیل زیورهای خود را از جبل حوریب از خود بیرون کردند! و موسی خیمه خود را برداشته آن را بیرون لشکرگاه دور از اردو زده و آن را خیمه اجتماع نامید؛ و واقع شد که هر کسی که طالب یهوه میبود؛ بخیمه اجتماع که خارج لشکرگاه بود بیرون میرفت! و هنگامیکه موسی بسوی خیمه بیرون میرفت! تمامی قوم برخاسته هر یکی بدر خیمه خود می ایستاد! در عقب موسی مینگریست تا داخل خیمه میشد! و چون موسی بخیمه داخل میشد؛ ستون ابر نازل شده بدر خیمه می ایستاد! و خدا با موسی سخن میگفت: و چون تمامی قوم

ستون ابر را بر درخیمه ایستاده میدیدند! همه قوم برخاسته هرکسی بدرخیمه خود سجده میکردند! خداوند با موسی روبرو سخن میگفت: مثل شخصی که با دوست خود سخن میگوید: پس به اردو برمیگشت اما خادم او یوشع بن نون جوان از میان خیمه بیرون نمی آمد! و موسی بخداوند گفت: اینک تو بمن میگویی: این قوم را ببر!!! و مرا خبر نمیدهی که همراه من چکسی رامیفرستی و گفته: تو را بنام میشناسم و ایضاً در حضور من فیضی یافته!!! الآن اگر فی الحقیقه منظور نظر شده ام! طریق خود را بمن میآموز تا تورا بشناسم! و در حضور تو فیضی یابم؛ و ملاحظه بفرما که این طایفه قوم تو میباشند! گفت: روی من خواهد آمد و تو را آرامی خواهم بخشید؛ بوی عرض کرده نگاه روی تو نیاید ما را از اینجا ببر؛ زیرا که بچه چیز معلوم میشود که من و قوم منظور نظر شده ایم؟! آیا نه از آمدن تو با ما پس من و قوم تورا از جمیع قومهایی که بر روی زمین اند ممتاز خواهم شد؟! خداوند بموسی گفت: این کار را نیز که گفته خواهم کرد! زیرا که در نظر من فیضی یافته و تورا بنام میشناسم! عرض کردم استدعی آنکه جلال خود را بمن بنمائی؛ گفت: من تمامی احسان خود را پیش روی تو میگذارم! و نام یهوه را پیش روی تو ندا میکنم! و رأفت میکنم بر هر کسی که رؤف هستم؛ و رحمت خواهم کرد بر هر کسی که رحیم هستم!!! و گفت: روی مرا نمیتوانی دید!!! زیرا که انسان نمیتواند مرا ببیند زنده بماند! و خداوند گفت: اینک مقامی نزد من است بر صخره بایست؛ و واقع میشود که چون جلال من میگذرد؛ تورا شکاف صخره میگذارم او تو را بدست خود خواهم پوشانید تا عبور کنم!!! پس دست خود را خواهم برداشت تا قفای مرا ببینی! اما روی من دیده نمیشود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و سوم)

و خداوند بموسی گفت: دولوح سنگی مثل اولین برای خود بتراش!!! و سخنانی را که بر لوح های اول بوده و شکستی بر این لوحها خواهم نوشت؛ و با مداد ان حاضر شود صبحگاهان بکوه سینا بالا بیا و در آنجا نزد من بر قلّه کوه بایست

و هیچ کسی با تو بالا نیاید! و هیچکسی نیز در تمامی کوه دیده نشود! گله و رمه نیز بطرف این کوه چرا نکند! پس موسی دولوح سنگی مثل اولین تراشیده! و بامدادان برخاسته بکوه سینا بالا آمد! چنانکه خداوند او را امر فرموده بود؛ و دو لوح سنگی را بدست خود برداشت!!! **و خداوند در ابرنازل شده در آنجا با وی ایستاد؛ و بنام خداوند ندا در داد! و خداوند پیش روی وی عبور کرده ندا در داد!!!**

یَهُوه خدای رحیم و رؤف و دیرخشم و کثیر احسان و وفا نگاه دارنده!!! رحمت برای هزاران و آمرزنده خطاء و عصیان و گناه! گناه هزگزی سزا نخواهد گذاشت! بلکه خطائیان پدران را بر پسران و پسران و ایشان را تا پشت سوم و چهارم خواهد گرفت! و موسی بزودی روی بزمین نهاده سجده کرد! و گفت: ای خداوند اگر فی الحقیقت منظور نظر شده ام!!! مستدعی آنکه خداوند در میان ما بیاید!!!

زیرا که این قوم گردن کش میباشد!!! پس خطاء گناه ما را بیمار زو ما را میراث خود بساز گفت: اینک عهدی میبندم و در نظر تمامی قوم تو! کارهای عجیب می کنم که در تمامی جهان و در جمیع امتها کرده نشده باشد و تمامی این قومیکه تو در میان ایشان هستی کار خداوند را خواهند دید!!! زیرا که این کاریکه با تو خواهم کرد کاری هولناکست! آنچه رامن امروز بتو امر میفرمایم: نگاه دار اینک من از پیش روی تو! اموریان و کنعانیان و حثیان و فرزیان و حویان و بیوسیان را خواهم راند؛ با حذر باش که با ساکنان آن زمین که تو بدانجا میروی عهد نبندی مبادا در میان شما دامی باشد! بلکه مذبح های ایشان را منهدم سازید! و بتهای ایشان را بشکنید! و اشیریم ایشان را قطع نمائید! ز نهار خدای غیر را عبادت منما زیرا که یَهُوه که نام او غیور است از خدای غیور ز نهار!!! با ساکنان آن زمین عهد مبند! و الا از عقب خدایان ایشان ز نامیکنند!!! و نزد خدایان ایشان قربانی میگذرانند؛ و تورا دعوت مینمایند! و از قربانیهای ایشان میخوری! و از دختران ایشان برای پسران خود میگیری! و چون دختران ایشان از عقب خدایان خود ز نامیکنند! آنگاه پسران شما را در پیروی خدایان خود ز ناخواهند نمود! خدایان ریخته شده برای خویشان مساز!!! عید فطیر را نگاه دار!!! و هفت روز نان

فطیر چنانکه تورا امر فرمودم!!! در وقت معین در ماه ایبب بخور زیرا که در ماه ایبب از مصر بیرون آمدی؛ هر که رحم را گشاید از آن من است؛ و هر نخست زاده ذکور از مواشی تو؛ چه گاوچه گوسفند؛ و برای نخست زاده الاغ برّه فدیّه بده؛ و اگر فدیّه ندهی گردنش را بشکن! **و هر نخست زاده از پسرانت را فدیّه بده و هیچ کس بحضور من تهی دست حاضر نشود!** شش روز مشغول باش و روز هفتمین سبت را نگاه دار!!! یعنی عید نوبر حصاد گندم!!! و عید جمع در تحویل سال سه مرتبه همه ذکورانت بحضور خداوند یهوه خدای اسرائیل حاضر شود زیرا که امتهارا از پیش روی تو خواهم راند؛ و حدود تورا وسیع خواهم گردانید! و هنگامیکه در هر سال سه مرتبه می آئی تا بحضور! یهوه خدای خود حاضر هیچکس زمین تورا طمع نخواهد کرد؛ خون قربانی مرا با خمیرمایه مگذران!!! و قربانی عید فصیح تا صبح نماند!!! نخستین نوبر زمین خود را بخانه یهوه خدای خود بیاور؛ و بزغاله را در شیر مادرش میز!!! و خداوند موسی گفت: این سخنان را تو بنویس زیرا که بحسب این سخنان عهدهاتو با اسرائیل بسته ام! و چهل روز و چهل شب آنجا نزد خداوند بوده نان نخورد؛ و آب ننوشید؛ و او سخنان عهد!!! یعنی ده کلام را بر لوحها نوشت؛ و چون موسی از کوه سینا بزیر آمد و دولوح سنگی در دست موسی بود؛ هنگامیکه از کوه بزیر می آمد واقع شد که موسی ندانست که بسبب گفتگوی با او پوست چهره وی میدرخشید؛ اما هارون و جمیع بنی اسرائیل موسی را دیدند!!! که اینک پوست و چهره او میدرخشید پس ترسیدند که نزد او بیایند؛ و موسی ایشان را خواند و هارون و همه سرداران جماعت از نزد او برگشتند؛ و موسی بدیشان سخن گفت: او بعد از آن همه بنی اسرائیل نزدیک آمدند!!! و آنچه خداوند در کوه سینا!!! بدو گفته بود: بدیشان امر فرمود: **و چون موسی از سخن گفتن: با ایشان فارغ شد نقابی بر روی خود کشید!!! و چون موسی بحضور خداوند داخل میشد که با او گفتگو کند؛ نقابی را بر میداشت تا بیرون آمدن؛ او پس بیرون آمده!!! آنچه بوی امر شده بود بینی اسرائیل می گفت: و بنی اسرائیل روی موسی را میدیدند!!! که پوست چهره او میدرخشید؛ پس موسی نقاب را بر روی خود باز میکشید؛ تا وقتیکه برای گفتگوی او میرفت** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورت فعلی؛ سفر خروج باب سی و چهارم)

و موسی تمامی جماعت بنی اسرائیل را جمع کرده بدیشان گفت: این سخنانی که خداوند امر فرموده است که آنها را بکنید!!! شش روز کار کرده شود و در روز هفتمین سبت آرامی مقدس خداوند برای شماست!!! هر کسی در آن کاری کند کشته شود؛ در روز سبت آتش در همه مسکن های خود می فروزد؛ موسی تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده گفت: این است امری که خداوند فرموده و گفته است: از خودتان هدیه برای خداوند بگیرید؛ هر کس از دل راغب است هدیه خداوند را از طلا و نقره و برنج بیاورد؛ و از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و پشم بز و پوست قوچ سرخ شده و پوست خز و چوب شطیم!!! و روغن برای روشنایی و عطریات برای روغن مسح و برای بخور معطر؛ و سنگهای جزع و سنگهای ترصیع برای ایفود و سینه بند؛ و همه دانادلان از شما بیایند!!! و آنچه را خداوند امر فرموده است بسازند؛ مسکن؛ خیمه اش و پوشش آن و تکمهایش و تخته هایش و پشت بندهایش و ستونهایش و پایه هایش؛ و تابوت و عصایش و کرسی رحمت و حجاب ستر؛ و خوان و عصاهایش و کل اسباب و نان تقدّمه و چراغدانی برای روشنایی و اسبابش و چراغهایش و روغن برای روشنایی و مذبح بخور و عصایش و روغن مسح و بخور معطر و پرده دروازه برای!!! درگاه مسکن؛ مذبح قربانی سوختنی و شبکه برنجین آن و عصاهایش و کل اسبابش و حوض و پایه اش!!! و پرده های صحن و ستونهایش و پایه های آنها و پرده دروازه صحن؛ میخهای مسکن صحن و طنابهای و میخهای آنها و رختهای بافته شده برای خدمت قدس یعنی رخت مقدس هارون کاهن!!! و رختهای پسرانش را که کهانت نمایند؛ پس تمامی جماعت بنی اسرائیل از حضور موسی بیرون شدند؛ هر که دلش او را ترغیب کرد؛ و هر که روحش او را با اراده گردانید آمدند؛ و هدیه خداوند را برای کار خیمه اجتماع؛ و برای تمام خدمتش؛ برای رختهای

مقدس آوردند؛ مردان و زنان آمدند هر که از دل راغب بود و حلقة های بینی و گوشواره ها و انگشترها و گردن بندها و هر قسم آلات طلا آوردند؛ و هر که هدیه طلا برای خداوند گذرانیده بودند!!! و هر کسی که لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و پشم بز و پوست قوچ سرخ شده و پوست خنزرداویافته شد آنها را آورد! هر که خواست هدیه نقره و برنج بیاورد هدیه خداوند را آورد!!! و هر که چوب شطیم برای هر کار خدمت نزد او یافت شدن را آورد؛ و همه زنان دانا دل بدست های خود میرسید و رشته شده را از لاجورد و ارغوان و قرمز و!!! کتان نازک آورد؛ و همه زنانیکه دل ایشان بحمکت مایل بود پشم بزر را میرستند؛ و سروران سنگهای جزغ و سنگهای جزغ برای ایفودوسینه بند آوردند؛ عطریات و روغن برای روشنایی و برای روغن مسح و برای بخور معطر!!! و همه مردان و زنان بنی اسرائیل که دل ایشان را راغب ساخت!!! که چیزی برای هر کاری که خداوند امر فرموده بود؛ که بوسیله موسی ساخته شود!!! برای خداوند بار داده دل آوردند!!! و موسی بنی اسرائیل را گفت: آگاه باشید که خداوند بصئلیل بن اوری حور را از سبط یهودا بنام دعوت کرده است؛ و او را بروح خدا از حکمت و فطانت و علم و هنر پر ساخته؛ و برای اختراع مخترعات؛ و برای کار کردن در طلا و نقره و برنج و برای تراشیدن و مرصع ساختن سنگها و برای درودگری چوب تا هر صنعت هنری را بکند؛ و در دل او تعلیم دادن را القاء نمود؛ و همچنین اهل یاب بن آخیسامک را از سبط دادن؛ ایشان را بحکمت دلی پر ساخت؛ برای هر عمل نقاش و نساج ماهر و طرز آزد در لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و در هر کاری نساج تا هر صانع هر صنعتی مخترع بشود!!!

(تذکتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و پنجم)

بصئلیل و اهل یاب و همه دانا دلانی که خداوند حکمت فطانت بدشان داده است تا برای کردن هر صنعت خدمت قدس ماهر باشند؛ موافق آنچه خداوند امر فرموده است کار بکنند؛ پس موسی بصئلیل و اهل یاب و همه دانا دلانی را که خداوند! در دل ایشان حکمت داده بود!!! و آنانی را که دل ایشان را راغب ساخته بود

که برای کردن کار نزدیک بیایند دعوت کرد؛ و همه هدایای راکه بنی اسرائیل برای بجا آوردن؛ کار خدمت قدس آورده بودند از حضور موسی برداشتند؛ و هر با مداد هدایای تبرّعی دیگر نزد وی می آوردند؛ و همه دانایانیکه هرگونه کار قدس رامی ساختند؛ هریکی از کاری خود که در آن مشغول بود آمدند؛ و موسی را عرض کرده گفتند: قوم زیاده از آنچه لازم است برای عمل آن کاریکه خداوند فرموده است که ساخته شود می آورند؛ و موسی فرمود: تا در آورد و ندا کرده گویند: که مردان؛ زنان هیچ کاری دیگر برای هدایای قدس نکنند؛ پس قوم از آوردن باز داشته شدند؛ و اسباب برای انجام تمام کار کافی بلکه زیاده بود؛ پس همه دانا دلانی که در کار اشتغال داشتند!!! ده پرده مسکن را ساختند از کتان نازک تابیده شد؛ و لاجورد و ارغوان و قرمز و آنها را با کروبیان از صنعت نساج ماهر تربیت دادند؛ طول هر پرده بیست و هشت ذراع!!! و عرض هر پرده چهار ذراع؛ همه پرده یک اندازه بود؛ و پنج پرده را با یکدیگر پیوست؛ و پنج پرده با یکدیگر پیوسته؛ و بر لب یک پرده در کنار پیوستگی مادگیهای لاجورد ساخت!!! و هم چنین در لب پرده بیرونی در پیوستگی دوم ساخت!!! در یک پرده پنجاه مادگی ساخت؛ در کنار پرده که در پیوستگی دومین بود پنجاه مادگی ساخت؛ و مادگیها در مقابل یکدیگر بود؛ و پنجاه تکمه زرین ساخت و پرده هارا بتکمه ها با یکدیگر پیوست تا مسکن یکی باشد!!! و پرده ها از پشم بز ساخت بجهت خیمه که بالای مسکن بود؛ آنها را پانزده پرده ساخت؛ طول هر پرده سی ذراع؛ و عرض هر پرده چهار ذراع!!! و یازده پرده را یک اندازه بود؛ و پنج پرده را جدا پیوست!!! و شش پرده را جدا؛ و پنجاه مادگی بر کنار پرده که در پیوستگی!!! بیرونی بود ساخت؛ و پنجاه مادگی در کنار پرده در پیوستگی دوم؛ و پنجاه تکمه برنجین برای پیوستن خیمه بساخت یکی باشد؛ و پوشش را از پوست قوچ سرخ شده برای خیمه ساخت؛ و پوشش بر زیر آن از پوست خز؛ تخته هارا از چوب شطیم برای مسکن ساخت؛ طول هر تخته ده ذراع؛ و عرض هر تخته یک ذراع و نیم؛ هر تخته را دوزبانه بود مقرون یکدیگر؛ و بدین ترکیب همه تخته های مسکن

راساخت؛ و تخته های مسکن راساخت بیست تخته بجانب جنوب بطیف یمانی؛ و چهل پایه نقره زیر بیست تخته ساخته؛ دو پایه زیر تخته برای دوزبانه اش و دو پایه زیر تخته دیگر برای زبانه اش؛ و برای جانب دیگر بطرف شمال بیست تخته ساخت؛ و چهل پایه نقره آنها را یعنی دو پایه زیر یک تخته؛ و دو پایه زیر تخته دیگر؛ و برای مؤخر مسکن بطرف مغرب شش تخته ساخت؛ و دو تخته برای گوشه های مسکن در هر دو جانبش ساخت؛ و از زیر با یکدیگر پیوسته شد!!! و تا سر آن با هم در یک حلقه تمام شده؛ و همچنین برای هر دو در هر دو گوشه کرد پس هشت تخته بود؛ و پایه های آنها از نقره شانزده پایه؛ یعنی دو پایه زیر هر تخته؛ و پشت بندها از چوب شطیم ساخت!!! یعنی پنج برای تخته های یک جانب مسکن؛ و پنج پشت بند برای تخته های جانب دیگر مسکن؛ و پنج پشت بند برای تخته های مؤخر جانب غربی مسکن!!! و پشت بند وسطی راساخت تا در میان تخته ها را بطلا پوشانیده؛ و حلقه های آنها را از طلا ساخت؛ تا برای پشت بندها خانه ها باشد؛ و پشت بندها را بطلا پوشانید؛ و حجاب را از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده ساخت؛ و آن را با کروبیان از صنعت نساج ماهر ترتیب داد؛ و چهار ستون از چوب شطیم برایش ساخت؛ و آنها را با طلا پوشانید؛ و قلابهای آنها از طلا بود؛ و برای آنها چهار پایه نقره ریخت؛ و پرده برای دروازه خیمه از لاجورد و ارغوان قرمز و کتان نازک تابیده از صنعت طراز ساخت؛ و پنج ستون آنها و قلابهای آنها را ساخت!!! و سرهای و عصاهای آنها را با طلا پوشانید و پنج پایه آنها از برنج بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و هشتم)

و بصَلَّیْل تابوت را از چوب شطیم ساخت؛ طولش دو ذراع و نیم؛ و عرضش یک ذراع و نیم؛ و بلندی یک ذراع و نیم؛ و آن را با طلای خالص از درون و بیرون پوشانید؛ و برای آن تاج از طلا بر طرفش ساخت؛ و چهار حلقه زرین برای چهار قایمه اش بریخت یعنی دو حلقه بر یک طرفش؛ و دو حلقه بر طرف دیگر؛ و دو

عصا از چوب شطیم ساخت؛ آنها را باطلا پوشانید؛ و عصاهارا در حلقه ها بردو جانب تابوت گذرانید؛ برای برداشتن تابوت؛ و کرسی رحمت را از طلای خالص ساخت؛ طولش دو ذراع و نیم؛ و عرضش یک ذراع و نیم؛ و دو کروی از طلا ساخت و آنها را بر هر طرف کرسی رحمت از چرخکاری ساخت!!! و یک کروی بر این طرف؛ و کروی دیگر بر آن طرف و از کرسی رحمت کروی بیان را بر هر دو طرفش ساخت!!! و کروی بیان بالهای خود را بر زیر آن پهن میکردند؛ و به بالهای خویش کرسی رحمت را میپوشانیدند؛ رویهای ایشان بسوی یکدیگر میبود؛ یعنی رویهای کروی بیان بجانب کرسی رحمت میبود!!! و خوان را از چوب شطیم ساخت طولش دو ذراع؛ و عرضش یک ذراع و نیم؛ و آن بطلای خالص پوشانید؛ و تاجی زرین گرداگردش ساخت؛ و حاشیه بمقدار چهار انگشت گرداگردش ساخت؛ و تاج زرین برایش ریخت!!! و حلقه هارا بر چهار گوشه و بر چهار قایمه اش بود!!! گذاشت و حلقه ها مقابل حاشیه بود تا خانه های عصا باشد برای برداشتن خوان!!! و دو عصا را از چوب شطیم ساخت؛ آنها را باطلا پوشانید برای برداشتن خوان؛ و ظروفی را که بر خوان میبود؛ از صحن ها و کاسه ها و پیاله ها و جامهایش که بدانها هدایای ریختنی میرختند؛ از طلای خالص ساخت؛ و چراغدان را از طلای خالص ساخت؛ از چرخکاری چراغدان را ساخت و پایه اش و شاخه هایش و پیاله هایش و سیبهایش و گلهایش از همین بود؛ و از دو طرفش شش شاخه آمد؛ یعنی سه شاخه چراغدان از یک طرف؛ و سه شاخه چراغدان از طرف دیگر؛ و سه پیاله بادامی باسیبی و گلی در یک شاخه؛ و سه پیاله بادامی و سیبی و گلی بر شاخه دیگر؛ و همچنین برای شش شاخه که از چراغدان بیرون می آید؛ و بر چراغدان چهار پیاله بادامی باسیبهای و گلهای آن؛ و سیبی زرد و شاخه آن!!! و سیبی زرد و شاخه آن!!! و سیبی زرد و شاخه آن؛ برای شش شاخه که از آن می آمد؛ سیبهای آنها و شاخه های آنها از همین بود یعنی همه از یک چرخکاری طلای خالص!!! و هفت چراغش و گلگیرهایش و سینیهایش را از طلای خالص

ساخت؛ از یک وزنه طلای خالص آن را با همه اسبابش ساخت؛ و مذبح بخور را از چوب شطیم ساخت، طولش یک ذراع؛ و عرضش یک ذراع مربع؛ بلندیش دو ذراع؛ و شاخهایش از همان بود؛ و آن را با طلای خالص پوشانید؛ سطحش و طرفهای گرداگردش و شاخهایش و تاجی گرداگردش از طلای خاص ساخت؛ و دو حلقه زرین برایش زیر تاج برد و گوشه اش برد و طرفش ساخت تا خانه های عصاباشد؛ برای برداشتن با آنها؛ و عصاهار از چوب شطیم ساخت؛ آنها را با طلا پوشانید؛ و روغن مسح مقدس و بخور معطر طاهر را از صنعت عطار ساخت!!!
(از کتاب مقدس عهد و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب سی و هفتم)

و مذبح قربانی سوختنی را از چوب شطیم ساخت؛ طولش پنج ذراع؛ و عرضش پنج ذراع مربع؛ و بلندیش سه ذراع؛ و شاخهایش را بر چهار گوشه اش ساخت شاخهایش از همان بود؛ و آن را از برنج پوشانید؛ و همان اسباب مذبح را ساخت یعنی دیگها و خاک اندازها و کاسه ها و چنگالها و مجمرها و ظروفش را!!! از برنج ساخت؛ و برای مذبح آتش دانی مشبک را از برنج ساخت که زیر حاشیه اش بطرف پائین تانصفش برسد!!! و چهار حلقه برای چهار سر آتش دان!!! برنجین ریخت تا خانه های عصاها باشد؛ عصاهار از چوب شطیم ساخت؛ آنها را برنج بپوشانید؛ و عصاهار را در حلقه ها برد و طرف مذبح گذرانید!!! برای برداشتن به آنها و مذبح را از چوبها مجوف ساخت؛ حوضی را از برنج ساخت؛ و پایه اش را از برنج!!! از آینه های زنائیکه نزد دروازه خیمه اجتماع برای خدمت جمع میشدند؛ و صحن را ساخت که برای جنوبی؛ بسمت یمانی پرده ها صحن از کتان نازک تابیده شده صد ذراع بود؛ ستونهای آنها بیست بود؛ و پایه های آنها بیست بود؛ از برنج و قلابهای آنها و پشت بندهای آنها از نقره؛ و برای شمالی طرف صد ذراع بود؛ و آنها بیست از برنج؛ و قلابهای ستونها؛ و پشت بندهای آنها از نقره بود؛ برای طرف غربی پرده ها پنجاه ذراع بود؛ و ستونهای آنها؛ پایه های آنها؛ و قلابها و پشت بندهای ستونها از نقره بود؛ و برای طرف شرقی بسمت

طلوع پنجاه ذراع بود؛ و پرده های یک طرف دروازه پانزده ذراع بود؛ ستونهای از سه و پایه های آنها سه!!! و برای طرف دیگر دروازه صحن!!! از این طرف و از آن طرف پرده ها پانزده ذراع بود؛ ستونهای آنها سه و پایه های آنها سه؛ همه پرده های صحن بهر طرف از کتان نازک تابیده شده بود!!! و پایه های ستونها از برنج بود؛ و قلابها و پشت بندهای ستونها از نقره؛ و پوشش سرهای آنها از نقره؛ و جمیع ستونهای صحن پشت بندهای نقره پیوسته شده بود؛ و پرده دروازه صحن از صنعت طراز از لاجورد؛ و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده بود!!! طولش بیست ذراع؛ و بلندیش بعرض پنج ذراع؛ موافق پرده های صحن؛ و ستونهای آنها چهار؛ و پایه های برنجینی آنها چهار؛ و قلابهای آنها از نقره و پوشش سرهای آنها و پشت بندهای آنها از نقره بود!!! و همه میخهای مسکن و صحن بهر طرف از برنج بود؛ این است حساب مسکن یعنی مسکن شهادت؛ چنانکه حسب فرمان موسی بخدمت لاویان؛ بتوسط ایتمار بن هارون کاهن حساب آن گرفته شد؛ و بصئیلین اوری بن حوراز سبط یهودا؛ آنچه راکه خداوند بموسی امر فرمود بود بساخت؛ باوی اهلویاب بن آخیسامک از سبط دان بود؛ نقاش و مخترع و طراز از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک؛ و تمامی طلائی که در کار صرف شد!!! یعنی در همه کار قدس از طلائی هدایا بیست ونه وزنه و هفتصد و سی مثقال موافق مثقال قدس بود!!! و نقره شمرده شد کتان جماعت؛ صدوزنه و هزار و هفتصد و هفتاد و پنج مثقال بود موافق مثقال قدس؛ یک درهم یعنی نیم مثقال موافق مثقال قدس برای هر نفر از آنانیکه بسوی شمرده شدگان گذاشتند!!! از بیست ساله و بالاتر که شش صد و سه هزار و پانصد!!! و پنجاه نفر بودند؛ و اما آن صدوزنه نقره برای ریختن پایه های قدس!!! و پایه های پرده بود؛ صد پایه از صد وزنه؛ یعنی یک وزنه برای یک پایه!!! و از آن هزار و هفتصد و هفتاد و پنج مثقال قلابها برای ستونها ساخت؛ و سرهای آنها را پوشانید؛ و پشت بندها برای آنها ساخت!!! و برنج هدایا هفتاد و سه و دو هزار و چهارصد مثقال بود!!! و از آن پایه های دروازه خیمه اجتماع و مذبح برنجین!!! و شبکه برنجین آن و همه اسباب مذبح را ساخت؛ و پایه های صحن را بهر طرف و پایه های دروازه صحن و همه میخهای مسکن و همه میخهای گرداگرد صحن را

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر جروج باب سی و هشتم)

و از لاجورد و ارغوان و قرمز رخت‌های بافته شده ساختند؛ برای خدمت کردن در قدس؛ و رخت‌های مقدس برای هارون ساختند؛ چنانکه خداوند بموسی امر نموده بود؛ و ایفود را از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده ساخت و ارغوان و قرمز و کتان نازک بصنعت نساج ماهر بیافند؛ و کتف‌های پیوسته شده برایش ساختند؛ که برد و کنار پیوسته شد؛ و زئار بسته شده که بر آن بود؛ از هم آن پارچه و از همان صنعت بود!!! از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ و سنگ‌های جزع و مرصع در دوطوق طلا و منقوش بنقش خاتم؛ موافق نام‌های بنی اسرائیل درست کردند؛ آنها را بر کتف‌های ایفود نصب کرد؛ تا سنگ‌های یادگاری برای بنی اسرائیل باشد چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ و سینه بند را موافق کار ایفود؛ از صنعت نساج ماهر ساخت؛ از طلا و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک تابیده شده و آن مربع بود و سینه بند را دولا ساختند؛ طولش یک و جب؛ و عرضش یک و جب دولا و در آن چهار رسته سنگ نصب کردند؛ رسته از عقیق سرخ و یاقوت زرد و زمرد این بود رسته اول؛ و رسته دوم از بهرمان و یاقوت کبود و عقیق سفید و رسته سوم از عین ال‌هرویشم و جمست؛ و رسته چهارم از زبرجد؛ و جزع و یشب در ترصیحه خود بدیوارهای طلا احاطه شده بود!!! و سنگ‌های موافق نام‌های بنی اسرائیل دوازده بود مطابق اسامی ایشان مثل نقش خاتم؛ هر یکی به اسم خود برای دوازده سبط؛ و بر سینه بند زنجیرهای تابیده شده مثل کارطناها از طلای خالص ساختند؛ و دو طوق زرین و دو حلقه زرین ساختند؛ و دو حلقه را بر دوسر سینه بند گذاشتند؛ و آن دوزنجیر تا بیده شده زرین؛ در دو حلقه که بر سرهای سینه بند بود گذاشتند؛ و دوسر دوزنجیر را برد و طوق گذاشتند؛ و آنها

را بردو کتف ایفود درپیش نصب کردند؛ و دو حلقه زرین ساختند؛ آنها را بردو سرسینه بند گذاشتند؛ برکناری که برطرف اندرونی ایفود بود؛ و دو حلقه زرین دیگر ساختند؛ و آنها را بردو کتف ایفود؛ برطرف پائین از جانب پیش مقابل پیوستگیش بالای زئار ایفود گذاشتند!!! و سینه بند را بحلقه هایش با حلقه های ایفود!!! بنوار لاجوردی بستند؛ تا زئار ایفود باشد!!! و سینه از ایفود جدا چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود: و ردای ایفود را از صنعت نساج تماماً لاجوردی ساخت!!! و دهنه در وسط ردا بود!!! مثل دهنه زره با حاشیه گرداگرد دهنه تا دریده نشود؛ و بردامن ردا انارها از لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان تابیده شده ساختند؛ و زنگوله هارا از طلای خالص ساختند؛ و زنگهای ردا در میان انارها بردامن ردا گذاشتند؛ گرداگردش در میان انارها؛ زنگوله و اناری گرداگرد دامن ردا خدمت کردند چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود!!! و پیراهنهارا برای هارون و پسرانش از کتان نازک از صنعت نساج ساختند؛ و عمامه را از کتان نازک و دستارهای زیبا را از کتان نازک؛ و زیر جامهای کتانی را از کتان تابیده شده؛ و کمر بند را از کتان نازک تابیده شده؛ و لاجوردی و ارغوان و قرمز از صنعت طرز چنانکه خداوند بموسی امر فرمود بود؛ و تنگه افسر مقدس را از طلای خالص ساختند؛ و برآن کتابتی مثل نقش خاتم مرقوم داشتند؛ قدوسیّت برای یهوه؛ برآن نواری لاجوردی بستند!!! تا آن را بالای عمامه ببندند!!! چنانکه خداوند به موسی امر فرموده بود: پس همه کار مسکن خیمه اجتماعی تمام شد و بنی اسرائیل ساختند، موافق آنچه خداوند بموسی امر فرموده بود: عمل نمودند؛ و مسکن خیمه را نزد موسی آوردند!!! با همه اسبابش و تکمه ها و تخته ها و پشت بندها و ستونها!!! و پایه هایش؛ و پوشش از پوست قوچ سرخ شده؛ و پوشش از پوست خز و حجاب ستر و تابوت شهادت و عصاها پیش و کرسی رحمت! و خادمان و همه اسبابش و نان تقدّمه؛ و چراغدان طاهر و چراغهایش و چراغهای آراسته شده و همه اسبابش و روغن برای روشنائی؛ مذبح زرین و روغن مسح و بخور معطر و پرده برای

دروازه خیمه؛ و مذبح برنجین و شبکه آن و عصاهایش و از همه اسبابش و حوض و پایه اش!!! و پرده های صحن؛ و ستونها و پایه هایش!!! و پرده دوازده صحن و طنابهایش و میخهایش و همه اسباب خدمت مسکن برای خیمه اجتماع!!! و رختهای بافته شده برای خدمت قدس!!! و رخت مقدس برای هارون کاهن رختها برای پسرانش تا کهنات نمایند؛ موافق آنچه خداوند موسی فرموده بود بنی اسرائیل همچنین تمام کار را ساختند؛ و موسی تمام کارها را ملاحظه کرد و اینک موافق آنچه خداوند امر فرموده بود ساختند؛ همچنین کرده بودند موسی ایشان را برکت داد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا فعلی؛ سفر خروج باب سی و نهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: در غره ماه اول مسکن خیمه اجتماع را برپا نما؛ و تابوت شهادت را در آن بگذار و حجاب را پیش تابوت پهن کن؛ و خوان را در آورده چیزهای راکه میباید بر آن ترتیب نما و چراغدان را در آور و چراغهایش را آراسته کن؛ و مذبح زرین را برای بخور پیش شهادت بگذار!!! پرده دروازه را بر مسکن بیاویز!!! و مذبح قربانی سوختنی را پیش دروازه مسکن اجتماع بگذار؛ حوض را در میان خیمه اجتماع و مذبح بگذار؛ و آب در آن بریز و صحن را گرداگرد پایک کن؛ و پرده دروازه صحن را بیاویز؛ و روغن مسح را گرفته مسکن را با آنچه در آن مسح کن؛ و آن را با همه اسبابش تقدیس نما تا مقدس شود، و مذبح قربانی سوختنی را با همه اسبابش مسح کرده مذبح را تقدیس نما؛ و مذبح قدس اقداس خواهد بود؛ و حوض را با پایه اش مسح نموده تقدیس کن؛ و هارون و پسرانش را نزد دروازه اجتماع آورده ایشان را به آب غسل ده؛ و هارون را برخت مقدس بپوشان؛ و او را مسح کرده تقدیس نما تا برای من کهنات کند؛ و پسرانش را نزدیک آورده ایشان را به پیراهنهای پوشان؛ و ایشان را مسح کن چنانکه پدرانشان را مسح کردی تا برای من کهنات نمایند؛ و مسح ایشان هر آینه!!! برای کهنات ابدی در نسلهای ایشان خواهد بود!!! پس موسی موافق آنچه

خداوند او را امر فرموده بود و همچنین بعمل آورد؛ و واقع شد در غره ماه اول از سال دوم که مسکن برپا شد؛ و موسی مسکن را برپا نمود؛ و پایه هایش را بنهاد و تخته هایش را قایم کرد!!! و پشت بندهایش را گذاشت!!! ستونهایش را برپا نمود؛ و خیمه را بالای مسکن کشید؛ و پوشش خیمه را بر زیر آن گسترانید؛ چنانکه خداوند بموسی امر نموده بود: **شهادت را گرفته آن را در تابوت نهاد؛ و عصاها را بر تابوت گذارد؛ و کرسی رحمت را بالای تابوت گذاشت؛ و تابوت را بمسکن در آورد؛ حجاب ستر را آویخته آن را پیش تابوت شهادت کشید؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ خوان را در خیمه اجتماع بطرف شمال مسکن بیرون حجاب نهاد؛ و نان را بحضور خداوند بر آن ترتیب داد؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ و چراغدان را در خیمه اجتماع؛ مقابل خوان بطرف جنوب مسکن نهاد؛ و چراغدان را بحضور خداوند گذاشت چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود!!! و مذبح زرین را در خیمه اجتماع پیش حجاب نهاد!!! و بخور معطر بر آن سوزانید؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ پرده دروازه مسکن را آویخت و مذبح قربانی سوختنی را پیش دروازه مسکن؛ اجتماع وضع کرده!!! قربانی سوختنی و هدیه را بر آن گذرانید؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ و حوض را در میان خیمه اجتماع؛ و مذبح وضع کرده آب را برای شستن در آن بریخت؛ و موسی و هارون؛ پسرانش دست؛ پای خود را در آن شستند!!! و وقتی که بخیمه اجتماع داخل شدند؛ و نزد مذبح آمدند شست و شو کردند؛ چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود؛ و صحن را گرداگرد مسکن و مذبح برپا نمود؛ پرده دروازه صحن را آویخت؛ پس موسی کارابه انجام رسانید؛ آنگاه ابر خیمه اجتماع را پوشانید!!! و جلال خداوند مسکن را پر ساخت!!! موسی نتوانست بخیمه اجتماع داخل شود؛ زیرا که ابر بر آن ساکن بود و جلال خداوند مسکن را پر ساخته بود؛ و چون ابر از بالای مسکن بر میخواست بنی اسرائیل در همه مراحل خود کوچ میکردند و هرگاه ابر بر میخواست تا روز بر خاستن نمی کوچیدند؛ زیرا که در روز ابر خداوند بر مسکن؛ و در شب آتش بر آن میبود؛ در نظر تمامی خاندان بنی اسرائیل در همه منازل ایشان!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر خروج باب چهارم)**

نکاتی از مؤلف: چکیده از مطالب مهم؛ متناقض از متن کتاب مقدس عهد عتیق؛
تورات فعلی؛ سفر خروج میباشد!!!

۱- خداوند تورات فعلی! عهدش را که با ابراهیم واسحق و یعقوب بسته بود؛
فراموش کرده بود؛ که باناله بنی اسرائیل بپادش آورده است!!! که با ابراهیم
واسحق و یعقوب عهد و پیمان بسته بود!!!

۲- خداوند تورات فعلی به بنی اسرائیل ظاهر شد؛ زیرا که جسم است؛ و قابل
رویت میباشد!!! یعنی با چشم انسان خداوند بنی اسرائیل دیده میشود؛ پس در
این صورت خداوند بنی اسرائیل تورات فعلی!!! جسم و مانند انسان است؛ که با
چشم دیده میشود!!!

۳- خداوند تورات فعلی گفت: انسان نمیتواند مرا ببیند؛ پس این همه ضد و
نقیض از خداوند تورات فعلی چه میباشد؟؟؟!!!

۴- عصای موسی مار شده؛ و خداوند تورات فعلی نمیداند که هارون برادر
موسی فصیح الکلام بوده است!!!

۵- موسی برای هارون بجای خداوند خواهد بود!!!

۶- خداوند تورات فعلی گفت: اسرائیل پسر من ونخست زاده من است!!!

۷- خداوند تورات فعلی قصد قتل موسی را کرده بود!!!! ولی صفورَه زن
موسی خداوند را منصرف و جلوگیری کرد!!!

۸- عمام پدر موسی و هارون عمه خود یوکابد را بزنی گرفته بود؛ که مادر
موسی و هارون میباشد؛ آیا این ازواج دردین و شریعت ابراهیم حلال شدنی
و صحیح بوده است؟؟؟؟!!! ولی ما مسلمانان؛ موسی و هارون را حلال زاده و
پاک و مقدس و از پیغمبران عظام خداوند خلاق جهان هستی میدانیم!!!

۹- خداوند تورات فعلی بموسی گفت: من تورا به فرعون خدا ساخته ام و
برادرت هارون نبی تو میباشد!!!

۱۰- خداوند تورات فعلی فرموده است: هر نخست زاده در میان بنی اسرائیل
تولد یابد؛ خواه انسان و خواه از حیوانات باشد مال خداوند است!!!

۱۱- هر کسی که گناه کند خداوند تورات فعلی او را تا چهار پشت پسران آن
شخص کناهکار را عذاب میکند و انتقام میگیرد!!!

۱۲- هر کسی که خداوند تورات فعلی را دوست داشته باشد؛ خداوند تا هزار
پشت او را رحمت خواهد کرد!!!

- ۱۳- در کتاب مقدس عهد عتیق؛ در کتاب تورات فعلی؛ قصاص و دیه وجود دارد
- ۱۴- در تورات فعلی؛ هر کسی که پدر و مادر خود را کتک بزند باید کشته شود!!!
- ۱۵- در تورات فعلی؛ هر کسی که آدمی را بدزد باید کشته شود!!!
- ۱۶- در تورات فعلی؛ هر کسی که پدر و مادر خود را لعنت کند باید کشته شود!!!
- ۱۷- در کتاب مقدس عهد عتیق و در تورات فعلی؛ برده داری و خرید و فروش برده آزاد است؛ وجود دارد!!!
- ۱۸- اگر گاوکسی را بکشد باید گاو را سنگسار کنند؛ صاحب گاو را بقتل برسانند!
- ۱۹- در تورات فعلی؛ هر کسی که دزدی کرده باشد باید او را ببردگی بفروشند!!!
- ۲۰- در تورات فعلی؛ هر کسی که با حیوانات مقاربت کند باید آن کشته شود!!!
- ۲۱- در تورات گفت فعلی؛ گوساله زرین را هارون برادر موسی ساخت؛ و بنی اسرائیل بت پرست کرد!!!
- ۲۲- خداوند تورات فعلی؛ از موسی اجازه خواست که بنی اسرائیل را مجازات و نابود و هلاک کند؛ و موسی اجازه نداد!!!
- ۲۳- آیا چنین کتابی میتواند کتاب آسمانی و قانون الهی و تورات موسی باشد؟
- از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان

و خداوند موسی را خواند و او را از خیمه خطاب کرده!!! گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: هر کسی از شما قربانی نزد خداوند بگذراند!!! پس قربانی خود را بهایم از گاو یا گوسفند بگذراند؛ اگر قربانی او قربانی سوختنی از گاو باشد؛ آن را نری عیب بگذراند!!! و آن را نزد خیمه اجتماع بیاورد تا بحضور خداوند مقبول شود!!! و دست خود را بر سر قربانی سوختنی بگذارد و برایش مقبول خواهد شد؛ تا بجهت او کفار ه کند؛ پس گاو را بحضور خداوند ذبح نماید و پسران هارون گهنه خون را نزدیک بیاورد؛ و خون را بر اطراف مذبح که نزد در خیمه اجتماع است بپاشند؛ پوست قربانی سوختنی را بکنند و آن را قطعه قطعه کند؛ و پسران هارون کاهن آتش بر مذبح بگذارند و هیزم بر آتش بچینند؛ و پسران هارون گهنه قطعه ها و سرو پیه را بر هیزمی که بر آتش روی مذبح است بچینند و احشایش را و پاچه هایش را با آب بشویند؛ و کاهن همه را بر مذبح بسوزاند برای قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند و اگر قربانی او از گله باشد خواه گوسفند خواه بز بجهت قربانی سوختنی آن را نری عیب بگذراند؛ و آن را بطرف شمالی مذبح بحضور خداوند ذبح نماید؛ و پسران

هارون گهنه خونش را به اطراف مذبح بپاشند؛ و آن را با سرش و پیهش قطعه قطعه کند؛ و کاهن آنها را برهیزی که بر آتش مذبح است بچیند؛ و احشایش و پاچه هایش را با آب بشوید؛ و کاهن همه را نزدیک بیاورد و بر مذبح بسوزاند؛ که آن قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو جهت خداوند است؛ و اگر قربانی او جهت خداوند قربانی سوختنی از مرغان باشد؛ پس قربانی خود را از فاختها و یا جوجه های کبوتر بگذراند و کاهن آن را نزد مذبح بیاورد و سرش را بپیچد و بر مذبح بسوزاند؛ و خونش را بر پهلوئی افشرده شود؛ و چینه دانش را با فضلات آن بیرون کرده!!! و آن را بر جانب شرقی مذبح در جای خاکستر بیندازند؛ و آن را از میان بالهایش چال کند و از هم جدا کنند؛ و کاهن آن را بر مذبح برهیزی که بر آتش است بسوزاند!!! که آن قربانی سوختنی و هدیه آتشین و عطر خوشبو جهت خداوند است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب اول)

و هرگاه کسی قربانی هدیه آردی جهت خداوند بگذراند؛ پس قربانی او از آرد نرم باشد؛ و روغن بر آن بریزد و کندر بر آن بنهند!!! و آن را نزد پسران هارون گهنه بیاورد و یک مشت از آن بگیرد؛ یعنی از آرد!!! نرمش و روغنش با تمامی کندرش؛ و کاهن آن را برای یادگاری بسوزاند!!! تا هدیه آتشین و عطر خوشبو جهت خداوند باشد؛ و بقیه هدیه آردی از آن هارون و پسرانش باشد؛ این از هدایای آتشین قدس اقداس خداوند است!!! و هرگاه قربانی هدیه آردی پخته شده!!! در تنور بگذرانی؛ پس قرصهای فطیر از آرد نرم سرشته بروغن؛ یا کرده های فطیر مالیده شده بروغن باشد؛ اگر قربانی تو هدیه آردی بر ساج باشد؛ پس از آرد نرم فطیر سرشته روغن باشد؛ و آن را پاره پاره کرده روغن بر آن بریز؛ این هدیه آردی است؛ اگر قربانی تو هدیه آردی طابه باشد از آرد نرم باروغن ساخته شود هدیه آردی را که از این چیزها ساخته شود؛ نزد خداوند و آن را پیش کاهن بگذار!!! و او آن را نزد مذبح خواهد آورد؛ و کاهن از هدیه آردی یادگاری آن را بردارد و بر مذبح بسوزاند؛ این هدیه آتشین و عطر خوشبو جهت خداوند است؛ بقیه هدیه

آردی از آن هارون و پسرانش باشد؛ این از هدایای آتشین خداوند قدس اقداس است؛ و هیچ هدیه آردی که بجهت خداوند میگذرانید؛ باخمیرمایه ساخته نشود زیرا که هیچ خمیرمایه و عسل را برای هدیه آتشین بجهت خداوند نباید بسوزانید آنها را برای قربانی نوبرها بجهت خداوند بگذرانید؛ لیکن برای عطر خوشبو بمذبح برنیاورند!!! و هر قربانی هدیه آردی خود را بنمک نمکین کن!!! و نمک عهد خداوند خود را از هدیه آردی خود بازمدار؛ با هر قربانی خود نمک بگذران و اگر هدیه آردی نوبرها بجهت خداوند بگذرانی پس خورشهای برشته شده با آتش؛ یعنی بلغور حاصل نیکو بساز جهت هدیه آردی نوبرهای خود بگذران! و روغن بر آن بریز و کندر بر آن بنه؛ این هدیه آردی است؛ و کاهن یادگاری آن را یعنی قدری از بلغوران و از روغنش با تمامی کندرش بسوزان؛ این هدیه آتشین بجهت خداوند است!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب دوم)

و اگر قربانی او ذبیحه سلامتی باشد اگر از رمه بگذرانند!!! خواه نرو خواه ماده باشد؛ آن را بی عیب بحضور خداوند بگذرانید؛ و دست خود را بر سر قربانی خویش بنهد؛ و آن را نزد درخیمه اجتماع ذبح نماید؛ و پسران هارون گهنه خون را به اطراف مذبح بپاشند؛ و از ذبیحه سلامتی هدیه آتشین بجهت خداوند بگذرانند!!! یعنی پیهی که احشاع را میپوشاند؛ و همه پیه را که بر احشاء است؛ و دوگرده و پیه که بر آنهاست که بر دو تهیگاه است؛ و سفیدی را که بر جگر است باگرده ها جدا کند؛ و پسران هارون آن را بر مذبح با قربانی سوختنی؛ برهیزمیکه بر آتش است بسوزاند؛ این هدیه آتشین و عطر خوشبو بجهت خداوند است!!! و اگر قربانی او برای ذبیحه سلامتی بجهت خداوند از گله باشد!!! آن را نر یا ماده بی عیب بگذرانند؛ اگر بره برای قربانی خود بگذرانند؛ آن را بحضور خداوند نزدیک بیاورد و دست خود را بر سر قربانی بنهد و آن را نزد درخیمه اجتماع ذبح نماید!!! و

پسران هارون خونس را به اطراف مذبح پيانشند!!! و از ذبيحه سلامتى هديه آتشين بجهت خداوند بگذراند؛ يعنى پيهش و تمام دنبه را از آن را از نزد عُصَص جدا کند؛ و پيهى که احشاع را ميپوشاند؛ و همه پيه را که برا احشاء است؛ و دو گرده و پيهى که بر آنهاست که بدوتيهگاه است؛ و سفيدى را که بر جگراست با گرده هاجدا کند؛ **وکاهن آن را بر مذبح بسوزاند؛ اين طعام هديه آتشين بجهت خداوند است؛** و اگر قربانى او بز باشد پس آن را بحضور خداوند نزيک بياورد!!! و دست خود را بر سرش بنهد و آنرا پيش خيمه اجتماع ذبح نمايد؛ پسران هارون خونس را بطرف مذبح پيانشند؛ و قربانى خود يعنى هديه آتشين را بجهت خداوند از آن بگذراند؛ پيهى که احشاع را ميپوشاند!!! و تمامى پيهى که برا احشاء است؛ و دو گرده پيهى که بر آنهاست؛ که دوتيهگاه است؛ و سفيدى را که بر جگراست با گرده هاجدا کند؛ **وکاهن آن را بر مذبح بسوزاند!!! اين طعام هديه آتشين براى عطر خوشبو است؛ تمامى پيه از آن خداوند است!!!** اين قانون ابدى در همه پشتهاى شما در جميع مسکن هاى شما خواهد بود که هيچ خون و پيه را نخوريد!!!
(از کتاب مقدس عهد عتيق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاويان باب سوم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: اگر کسی سهواً گناه کند؛ در هر کدام از نواهی خداوند که نباید کرد؛ و بخلاف هر یک از آنها عمل کند؛ اگر کاهن که مسح شده است گناهی ورزد و قوم را مجرم سازد؛ پس برای گناه که کرده است گوساله بی عیب از رمه برای قربانی گناه نزد خداوند بگذارد!!! و گوساله را بدر خیمه اجتماع بحضور خداوند بیاورد؛ و دست خود را بر سر گوساله بنهد؛ گوساله را بحضور خداوند ذبح نماید؛ و کاهن مسح شده از خون گوساله گرفته آن را بخیمه اجتماع در آورد!!! **وکاهن انگشت خود را در خون فرو برده؛ و بحضور خداوند پيش حجاب قدس قدری از خون راهفت مرتبه پيانشد!!!** و کاهن قدری از خون را بر شاخهای مذبح؛ بخور معطر که در خیمه اجتماع است؛ بحضور خداوند پيانشد؛ و همه خون گوساله را بر میان مذبح قربانی سوختنی بدر خیمه اجتماع است بریزد!!! **و تمامى پيه گوساله قربانى گناه!!! يعنى پيهى**

که احشاعرامیپوشاند؛ و همه پیه را که بر احشاء است از آن بردارد؛ و دوگرده و پیهی که بر آنها است که برد و تهیگاه است؛ و سفیدی را که بر جگر است با کرده جدا کند؛ چنانکه از گاود بیحه سلامتی برداشته میشود!!! و کاهن آنها را بر مذبح قربانی سوختنی بسوزاند!!! و پوست گوساله و تمامی گوشتش با سرش و پاچه هایش!!! احشاء سرکینش؛ یعنی تمامی گوساله را بیرون لشگرگاه در میان پاک جایی که خاکستر را میریزند؛ ببرند؛ و آن را برهیزم با آتش بسوزاند؛ در جائیکه خاکستر را میریزند سوخته شود!!! و هرگاه تمامی جماعت اسرائیل سهواً گناه کنند و آن امر از چشمان جماعت مخفی باشد!!! و کاری را که نباید کرد از جمیع نواحی خداوند کرده مجرم شده باشد؛ چون گناهی که کردند معلوم شود؛ آنگاه جماعت گوساله از رمه برای قربانی گناه بگذرانند؛ و آن را پیش خیمه اجتماع بیاورند؛ و مشایخ جماعت دستهای خود را بر سر گوساله بحضور خداوند بنهند؛ و گوساله بحضور خداوند ذبح شود! و کاهن مسح شده قدری از خون گوساله را بخیمه اجتماع در آورد! و کاهن انگشت خود را در خون فرو برده؛ و آن را بحضور خداوند پیش حجاب هفت مرتبه بپاشد!!! قدری از خون را بر شاخهای مذبح که بحضور خداوند!!! در خیمه اجتماع است بگذارد؛ و همه خون را بر بنیان مذبح قربانی سوختنی!!! که نزد در خیمه اجتماع است بریزد؛ و همه پیه آن را از آن برداشته بر مذبح بسوزاند!!! و با گوساله عمل نماید؛ چنانکه با گوساله قربانی گناه عمل کرده چنانکه با این بکند و کاهن برای ایشان کفاره کند و آموزیده خواهند شد! و گوساله را بیرون لشگرگاه برده آن را بسوزاند؛ چنانکه گوساله اول را بسوزانید؛ این قربانی گناه جماعت است؛ و هرگاه رئیس گناه کند و کاری را که نباید کرد؛ از جمیع نواحی یهوه خدای خود سهواً بکند و مجرم شود؛ چون گناهی که کرده است بر او معلوم شود!!! آنگاه بز نربی عیب برای قربانی خود بیاورد؛ و دست خود را بر سر بز بنهد؛ و آن را در جایی که قربانی سوختنی را ذبح کند بحضور خداوند ذبح نماید؛ این قربانی گناه است!!! و کاهن قدری از خون قربانی گناه را با انگشت خود گرفته بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد

و خورش را بر بنیان مذبح سوختنی بریزد؛ و همه پیه آن را مثل پیه ذبیحه سلامتی بر مذبح بسوزاند!!! و کاهن برای او گناهی را کفاره خواهد کرد؛ و آمرزیده خواهد شد؛ و هرگاه کسی از اهل زمین سهواً گناه ورزد و کاری را که نباید کرده؛ از همه نواحی خداوند بکند و مجرم شود؛ چون گناهی که کرده است بر او معلوم شود!!! آنگاه برای قربانی خود بزماده بی عیب بجهت گناهی که کرده است بیاورد؛ و دست خود را بر سر قربانی گناه بنهد؛ و قربانی گناه را در جای قربانی سوختنی ذبح نماید؛ و کاهن قدری از خورش را با انگشت خود گرفته؛ آن را بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد؛ و همه خورش را بر بنیان مذبح بریزد و همه پیه آن را جدا کند؛ چنانکه پیه از ذبیحه سلامتی جدا میشود و کاهن آن را بر مذبح بسوزاند برای عطر خشبو بجهت خداوند و کاهن برای او کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد؛ و اگر برای قربانی خود بره بجهت قربانی گناه بیاورد آن را بی عیب بیاورد؛ و دست خود را بر سر قربانی گناه بنهد؛ و آن را برای قربانی گناه در جائیکه قربانی سوختنی ذبح میشود ذبح نماید!!! و کاهن قدری از خون قربانی گناه را با انگشت خود گرفته؛ بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بگذارد و همه خورش را بر بنیان مذبح بریزد؛ و همه پیه آن را جدا کند چنانکه پیه بره ذبیحه سلامتی جدا میشود؛ و کاهن آن را بر مذبح بر هدایای آتشین خداوند بسوزاند و کاهن برای او بجهت گناهی که کرده است؛ کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب چهارم)

و اگر کسی گناه ورزد و آواز قسم را بشنود؛ و او شاهد باشد خواه دیده!!! و خواه دانسته اگر اطلاع ندهد گناه او را متحمل خواهد بود؛ یا کسیکه هر چیز نجس را لمس کند؛ خواه لاش وحش نجس خواه لاش بهیمه نجس خواه لاش حشرات نجس و از او مخفی باشد؛ پس نجس و مجرم میباشد؛ یا اگر نجاست آدمی را لمس کند؛ از هر نجاست او که به آن نجس میشود؛ و از وی مخفی باشد!!! چون معلوم شده آنگاه مجرم خواهد بود!!! و اگر غفلتاً بلبهای خود قسم خورد؛ برای کردن

کاربدی یا کارنیک!!! یعنی در هر چیزیکه آدمی غفلتاً قسم خورد!!! و از او مخفی باشد چون بر او معلوم شود؛ آنگاه در هر کدام که باشد مجرم خواهد بود؛ و چون در هر کدام از اینها مجرم شده؛ آنگاه به آن چیزیکه در آن گناه کرده است اعتراف بنماید!!! و قربانی جرم خود را برای گناهییکه کرده است نزد خداوند بیاورد!!! یعنی از گله برّه ماده بزی بجهت قربانی گناه؛ کاهن برای وی گناهِش را کفاره خواهد کرد؛ و اگر دست او بقمیت برّه نرسد؛ پس قربانی جرم خود را برای گناهی که کرده است؛ دوفاخته یا دو جوجه کبوتر نزد خداوند بیاورد؛ یکی قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی!!! و آنهارا نزد کاهن بیاورد؛ و او آن را که برای قربانی گناه است اول بگذارد و سرش را از گردنش بکند و آن را دوپاره نکند؛ و قدری از خون قربانی گناه را بر پهلوئی مذبح بپاشد؛ و باقی خون را بر بنیان مذبح افشورده شود؛ این قربانی گناه است؛ و دیگر را برای قربانی سوختنی موافق قانون بگذراند؛ و کاهن برای کناهِش را که کرده است کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد؛ و اگر دستش بدوفاخته یا دو جوجه کبوتر نرسد؛ آنگاه قربانی خود را برای گناهییکه کرده است!!! ده یک ایفه آرد نرم بجهت قربانی گناه بیاورد؛ و روغن بر آن نهد؛ و کند بر آن نگذارد زیرا که قربانی گناه است؛ و آن را نزد کاهن بیاورد؛ و کاهن یک مشت از آن را برای یادکاری گرفته؛ بر هدایای آتشین خداوند بر مذبح بسوزاند این قربانی گناه است؛ و کاهن برای وی گناهِش را که در هر کدام از اینها کرده است کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد؛ مثل هدیه آردی از آن کاهن خواهد بود؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: اگر کسی خیانت وزرد و در باره چیزهای مقدس خداوند سهواً گناه کند؛ آنگاه قربانی جرم خود را قوچی بی عیب از گله نزد خداوند موافق بر آورد!!! و بتوبتقالهای نقره مطابق قدس بیاورد و این قربانی جرم است؛ و به عوض نقصانی که در چیزی مقدس رسانیده است عوض بدهد؛ و پنج یک بر آن اضافه کرده آن را کاهن بدهد؛ و کاهن برای وی به قوچ قربانی جرم کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد؛ و اگر کسی گناه کند و کاری از جمیع نواحی خداوند که نباید کرد بکند؛ و آن را نداند پس مجرم است و متحمل گناه خود خواهد بود؛ و قوچی بی عیب

از گله موافق بر آورد؛ تونزد کاهن بیاورد؛ کاهن برای وی غفلت او را که کرده است کفاره خواهد کرد؛ این قربانی جرم است البته نزد خداوند مجرم میباشد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب پنجم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: اگر کسی گناه کند و خیانت بخداوند ورزد و به همسایه خود دروغ بگوید؛ درباره امانت یارهن تا چیز دزدیده شده یا مال همسایه خود را غصب نماید؛ یا چیز گمشده را یافته درباره آن گوید؛ و قسم دروغ بخورد در هر کدام از کارهایی که شخص در آنها گناه کند؛ پس گناه ورزیده مجرم شود؛ آنچه را که دزدیده یا آنچه نزد او امانت سپرده شده؛ یا آن چیز گم شده را که یافته رد بنماید؛ یا هر آنچه را که درباره آن قسم دروغ خورده؛ هم اصل مال را رد بنماید و هم پنج یک آن را بر آن اضافه کرده؛ آن را بمالکش بدهد در روزی که جرم او ثابت شده باشد؛ و قربانی جرم خود را نزد خداوند بیاورد؛ یعنی قوچ بی عیب از گله موافق بر آورد؛ تو برای قربانی جرم نزد کاهن بر وی بحضور خداوند کفاره خواهد کرد و آمرزیده خواهد شد از کاری که کرده و در آن مجرم شده است؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون پسرانش را امر فرموده بگو: این است قانون قربانی سوختنی که قربانی سوختنی تمامی شب تا صبح بر آتشدان مذبح باشد؛ و آتش مذبح بر آن افروخته نماید؛ و کاهن لباس کتاب خود را ببوشد و زیر جامه کتان بر بدن خود ببوشد؛ و خاکستر قربانی سوختنی را که بر مذبح با آتش سوخته شده بردارد؛ و آن را بیک طرف مذبح بگذارد؛ و لباس خود را بیرون کرده لباس دیگری را ببوشد؛ و خاکستر را بیرون لشگرگاه بجای پاک ببرد؛ و آتشی که بر مذبح است افروخته باشد و خاموش نشود؛ و هر بامداد کاهن هیزم بر آن بسوزاند و قربانی سوختنی را بر آن مرتب سازد؛ و پیهه سلامتی را بر آن بسوزاند!!! و آتش بر مذبح پیوسته افروخته باشد و خاموش نشود!!! و این است قانون هدیه آردی!!! پسران هارون آن را بحضور خداوند بر مذبح بگذرانند؛ از آن یک مشت از آرد نر مهدیه آردی و از روغنش با تمامی کندر؛ که هدیه آردی است بردارد!!! و بر مذبح بسوزاند برای عطر خوشبو و یادگاری آن

نزد خداوند؛ و باقی آن را هارون و پسران بخورند؛ بی خمیرمایه در مکان قدس خورده شود؛ در صحن خیمه اجتماع آن را بخورند؛ با خمیرمایه پخته نشود؛ آن را از هدایای آتشین برای قسمت ایشان داده ام!!! این قدس اقداس است!!! مثل قربانی گناه و مثل قربانی جرم؛ جمیع ذکور آن هارون آن را بخورند؛ این فریضة ابدی در نسلهای شما از هدایای آتشین خداوند است؛ هر کسی آنها را لمس کند مقدس خواهد بود؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: این است قربانی هارون و پسرانش که در روز مسح کردن او نزد خداوند بگذرانند؛ ده یک ایفه آرد نرم برای هدیه آردی دایمی؛ نصف در صبح و نصف در شام!!! و بر ساج با روغن ساخته شود!!! و چون آمیخته شد آن را بیاورد و آن را پیاره های برشته شده برای هدیه آردی بجهت عطر خشبونزد خداوند بگذران؛ و کاهن مسح شده که از پسرانش در جای او خواهد بود آن را بگذرانند؛ این است فریضة ابدی که تمامش نزد خداوند سوخته شود!!! هر هدیه آردی کاهن تماماً سوخته شود!!! و خورده نشود؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را خطاب کرده بگو: این است قانون قربانی گناه در جایی که قربانی سوختنی ذبح میشود!!! قربانی گناه نیز بحضور خداوند ذبح شود؛ این قدس اقداس است؛ و کاهنی که آن را برگناه میگذرانند آن را بخورد!!! در مکان مقدس در صحن خیمه اجتماع خورده شود؛ هر کسی گوشتش را لمس کند مقدس میشود؛ و اگر خونش بر جامه پاشیده شود؛ آنچه را که بر آن پاشیده شده است؛ در مکان مقدس بشوی؛ و ظرف سفالین که در آن پخته شود شکسته شود!!! و اگر در ظرف مسی پخته شود!!! زدوده با آب شسته شود؛ و هر ذکوری از کاهنان آن را بخورد؛ این قدس اقداس است؛ و هیچ قربانی گناه که از خون آن بخمیه اجتماع در آورده شود؛ تا در قدس کفاره نماید خورده نشود؛ با آتش سوخته شود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات بعلی؛ سفر لاویان باب ششم)

و این است قانون قربانی جرم؛ این قدس اقداس است؛ در جایی که قربانی سوختنی را ذبح کنند!!! قربانی جرم را نیز ذبح بکنند و خونش را به اطراف مذبح!!!

نپاشند؛ واران همه پیهش که بردوتهیگاه است؛ و سفیدی راکه برجگراست با گرده ها جدا کند؛ و کاهن آنها را برای هدیه آتشین بجهت خداوند بسورانند؛ این قربانی جرم است؛ و هرذگوری از کاهنان آن را بخورد در مکان مقدس خورده شود؛ این قدس اقداس است؛ قربانی جرم مانند قربانی گناه است!!! آنها را یک قانون است کاهنی که به آن کفاره کند از آن او خواهد بود؛ و کاهنی که قربانی سوختنی کسی را گذرانند؛ آن کاهن پوست قربانی سوختنی را که گذرانید برای خود نگاه دارد!!! و هر هدیه آردی که در تنور پخته شود و هر چه برتابه یا ساج ساخته شود؛ از آن کاهن که آن را گذرانید خواهد بود!!! و هر هدیه آردی خواه بروغن سرشته شده خواه خشک از آن همه پسران هارون بی تفاوت یکدیگر خواهد بود؛ و این است قانون ذبیحه سلامتی که کسی نزد خداوند بگذرانند؛ اگر آن را برای تشکر بگذرانند؛ پس با ذبیحه تشکر قرصهای فطیر سرشته بروغن و نازکهای فطیر مالیده شده بروغن از آرد نرم آمیخته شده قرصهای سرشته شده بروغن را بگذرانند؛ و از آن از هر قربانی یکی راهدیه افراشتنی نزد خداوند؛ و از آن کاهن که خون ذبیحه سلامتی را میپاشد خواهد بود!!! و گوشت ذبیحه تشکر سلامتی او در روز قربانی وی خورده شود چیزی از آن راتا صبح نگذارد؛ و اگر ذبیحه قربانی او نزر یا تبرعی باشد!!! در روزی که ذبیحه خود را میگذارد خورده شود؛ و باقی آن در فردای روز خورده شود؛ و باقی گوشت ذبیحه در روز سوم با آتش سوخته شود!!! و اگر چیزی از گوشت ذبیحه سلامتی او روز سوم خورده شود مقبول نخواهد شد، و برای کسیکه در آن گذرانید محسوب نخواهد شدن جس خواهد بود؛ و کسیکه آن را بخورد گناه خود را متحمل خواهد شد!!! و گوشتی که بهر چیزی نجس بر خورد نشود!!! با آتش سوخته شود و هر کسی طاهر باشد از آن گوشت بخورد؛ لیکن کسیکه از گوشت ذبیحه سلامتی که برای خداوند است بخورد؛ و نجاست او بر او باشد آن کس از قوم خود منفع خواهد شد و کسیکه هر چیز نجس را خواه نجاست آدمی؛ خواه بهیمه نجس را لمس کند؛ و از گوشت سلامتی که برای خداوند است بخورد!!! آن کس از قوم خود منقطع

خواهد شد؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: هیچ پیه گاو و گوسفند و بز را نخورید؛ اما پیه مردار و پیه حیوانات دریده شده برای هر کار استعمال میشود!!! یکن هرگز خورده نشود!!! زیرا که هر کسی پیه جانوری که از آن هدیه آتشین برای خداوند میگذرانند بخورد؛ آن کسیکه خورده از قوم خود منقطع شود؛ و هیچ خون را خواه از بها یم در همه مسکن های خود مخوری؛ هر کسیکه از هر قسم خون بخورد آن کس از قوم خود منقطع خواهد شد!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: هر کسی ذبیحه سلامتی خود را برای خداوند بگذراند؛ قربانی خود را از ذبیحه سلامتی خود نزد خداوند بیاورد؛ بدستهای خود هدایای آتشین خداوند را بیاورد؛ پیه را با سینه بیاورد تا سینه بجهت هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند جنبانیده شود؛ و کاهن پیه را بر مذبح بسوزاند؛ و سینه از آن هارون و پسرانش خواهد بود و ران را برای هدیه افراشتنی از ذبایح سلامتی خود بکاهن بدهید!!! آن کسیکه از پسران هارون که خون ذبیحه سلامتی و پیه را گذرانید!!! ران راست حصه وی خواهد بود؛ زیرا که سینه جنبانیدنی و ران افراشتنی را از بنی اسرائیل؛ از ذبایح سلامتی ایشان گرفتم؛ و آنهارا به هارون کاهن و پسرانش؛ بفریضة ابدی از جانب بنی اسرائیل دادم؛ این است حصه مسح هارون و حصه مسح پسرانش از هدایای آتشین خداوند!!! در روزی که ایشان را نزدیک آورد تا برای خداوند کهنات کنند؛ که خداوند امر فرموده که به ایشان داده شود!!! در روزی که ایشان را از میان بنی اسرائیل مسح کرد؛ این فریضة ابدی در نسلهای ایشان است؛ این است قانون قربانی سوختنی و هدیه آردی!!! و قربانی گناه و قربانی تقدیس و ذبیحه سلامتی که خداوند بموسی در گوه سینا امر فرموده بود!!! در روزی که بنی اسرائیل را مأمور فرستاد تا قربانیهای خود را نزد خداوند بگذرانند!!! در صحرای سینا!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی، سفر لاویان باب هفتم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را با او رختها و روغن مسح و گوساله قربانی گناه و دوقوچ و سبد نان فطیر را بگیر! و تمامی جماعت را بدرخیمه اجتماع جمع کن؛ پس موسی چنانکه خداوند بوی امر فرموده بود بعمل آورد؛ و جماعت بدرخیمه اجتماع جمع شدند! **و موسی بجماعت گفت: این است آنچه خداوند فرموده است که کرده شود؛ پس موسی هارون و پسرانش را نزدیک آورد؛ ایشان را با آب غسل داد؛ و پیراهن را بر او پوشانید؛ و کمر بند را بر او بست؛ و او را بردا ملبّس ساخت؛ و ایفود را بر او گذاشت؛ و زئارا ایفود را بر او بسته آن را بروی استوار ساخت؛ و سینه بند را بر او گذاشت و اوریم تمیم را در سینه بند گذارد و عمامه را بر سرش نهاد؛ و بر عمامه درپیش تنگه زرین؛ یعنی افسر مقدّس را نهاد؛ چنانکه خداوند موسی را خطاب فرموده بود!!!** و موسی روغن مسح را گرفته مسکن و آنچه را که در آن بود مسح کرده آنها را تقدیس نمود؛ و قدری از آن را بر مذبح هفت مرتبه پاشیده؛ و مذبح و همه اسبابش و حوض و پایه اش را مسح کرد؛ تا آنها را تقدیس نماید؛ و قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخته او را مسح کرد؛ تا او را تقدیس نماید!!! و موسی پسران هارون را نزدیک آورد برایشان پیراهن‌ها را پوشانید؛ و کمر بندها را برایشان بست؛ و کلاهها را برایشان نهاد؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود: پس گوساله قربانی گناه را آورده؛ و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر گوساله نهادند و آن را ذبح کرد و موسی خون را گرفته بر شاخهای مذبح بهر طرف بانگشت خود مالید؛ و مذبح را طاهر ساخت و خون را بر بنیان مذبح ریخته؛ آن را تقدیس نمود تا برایش کفاره نماید!!! و همه پیه را که بر احشاء بود و سفیدی جگر و و گرده و پیه آنها را گرفت؛ موسی آنها را بر مذبح سوزانید؛ گوساله و پوستش و سرکینش را بیرون از لشکرگاه با آتش سوزانید؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود؛ پس قوچ قربانی سوختنی را نزدیک آورد!!! و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر قوچ نهادند؛ و آن را ذبح کرده و موسی خون را به اطراف مذبح پاشید؛ و قوچ را قطعه قطعه کرد و موسی سر و قطعه‌ها و چربی را سوزانید و احشاء و پاچها را با آب شست و موسی تمامی قوچ را بر مذبح سوزانید!!!

این قربانی سوختنی بجهت عطرخوشبو؛ وهدیه آتشین برای خداوند بود؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود!!! پس قوچ دیگر یعنی قوچ تخصص را!!! نزدیک آورد؛ وهارون وپسرانش دستهای خود را برسر قوچ نهادند!!! وآن را ذبح کرد؛ و موسی قدری ازخونش را گرفته!!! برنرمه گوش راست هارون؛ و برشست دست راست او و برشست پای راست او مالید؛ و پسران هارون را نزدیک آورد!!! و موسی قدری ازخون را برنرمه گوش راست ایشان؛ و برشست دست راست ایشان!!! و برشست پای راست ایشان مالید؛ و موسی خون رابه اطراف مذبح پاشید؛ و پیه و دنبه و همه پیه راکه بر احشاء است؛ و سفیدی جگر و دوگرده و پیه آنها و ران راست را گرفت؛ و از سبد نان فطیر که بحضور خداوند بود!!! یک قرص فطیرویک قرص نان روغنی نازک گرفت؛ و آنها را بر پیه و بر ران راست نهاد؛ و همه را بردست هارون و بردستهای پسرانش نهاد؛ و آنها را برای هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند جنبانید!!! موسی آنها را از دستهای ایشان گرفته؛ بر مذبح بالای قربانی سوختنی سوزانید؛ این هدیه تخصیص برای عطرخوشبو؛ و قربانی آتشین بجهت خداوند بود؛ و موسی سینه را گرفته آن را بحضور خداوند برای هدیه جنبانید؛ و از قوچ تخصیص این حصه موسی بود!!! چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود؛ و موسی قدری از روغن مسح و ازخونی که بر مذبح بود گرفته؛ آنرا بر هارون و رختهایش و پسرانش با وی پاشید؛ و هارون و رختهایش و پسرانش و پسرانش و رختهای پسرانش را با وی تقدیس نمود!!! و موسی به هارون و پسرانش را گفت: گوشت را نزد درخیمه اجتماع بپزید؛ و آن را با نانی که در سبد تخصیص است در آنجا بخورید؛ چنانکه امر فرموده گفتم؛ که هارون و پسرانش آن را بخورند!!! و باقی گوشت و نان را با آتش بسوزانید!!! و از درخیمه اجتماع هفت روز بیرون مروید؛ تا روزی ایام تخصیص شما تمام شود؛ زیرا که در هفت روز شمار تخصیص خواهد کرد؛ چنانکه امروز کرده شده است همچنانکه خداوند امر فرموده که بشود!!! تا برای شما کفاره گردد!!! پس هفت روز نزد درخیمه اجتماع روز و شب بماند؛ و امر خداوند را نگاه دارید که مبادا بمیرید، زیرا که همچ نین مأمورده ام و هارون و پسرانش همه کارهای را خداوند بدست موسی امر فرموده بود بجا آوردند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب هشتم)

و واقع شد که در روز هشتم موسی و هارون و پسرانش و مشایخ اسرائیل را خواند و هارون را گفت: گوساله نرینه برای قربانی گناه!!! و قوچی را بجهت قربانی سوختنی؛ هردورابی عیب بگیر و بحضور خداوند بگذران؛ و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: بزغاله نرینه برای قربانی گناه!!! و گوساله و بره هردویک سالة؛ و بی عیب برای سوختنی بگیرید!!! و گاوی و قوچی برای ذبیحة سلامتی تا به حضور خداوند ذبح شود؛ و هدیه آردی سرشته بروغن را؛ زیرا که امروز خداوند بر شما ظاهر خواهد شد؛ پس آنچه را که موسی فرموده بود؛ پیش خیمه اجتماع آورد؛ و تمامی جماعت نزدیک شده بحضور خداوند ایستادند؛ و موسی گفت: این است کاری که خداوند امر فرموده است که بکنید! **وجلال خداوند بر شما ظاهر خواهد شد!!!** و موسی و هارون را گفت: نزدیک مذبح بیاور قربانی گناه خود!!! و قربانی سوختنی خود را بگذران؛ و برای خود و برای قوم کفاره کن و قربانی قوم را بگذران و بجهت ایشان کفاره کن چنانکه خداوند امر فرموده است!!! و هارون بمذبح نزدیک آمده گوساله قربانی گناه را که برای خودش بود ذبح کرد!!! و پسران هارون؛ خون را نزد او آور و انگشت خود را بخون فرو برده؛ آن را بر شاخهای مذبح مالید و خون را بر بنیان مذبح ریخت؛ و پیه و گرده ها و سفیدی جگر از قربانی گناه را بر مذبح سوزانید؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود؛ و گوشت و پوست را بیرون لشگرگاه با آتش سوزانید؛ و قربانی سوختنی را ذبح کرد!!! و پسران هارون خون را به او سپردند!!! و آن را به اطراف مذبح پاشید؛ و قربانی را به قطعه هایش و سرش به او سپردند و آن را بر مذبح سوزانید!!! و احشاء و پاچه هارا شست به او سپردند و آن را بر مذبح سوزانید؛ و احشاء و پاچه هارا شست و آنها را بر قربانی سوختنی بر مذبح سوزانید!!! و قربانی قوم را نزدیک آورد!!! و بز قربانی گناه را که برای قوم بود گرفته آنرا ذبح کرد و آن را مثل اولین برای گناه گذرانید؛ و قربانی سوختنی را نزد آورده؛ آن را بحسب قانون گذرانید؛ و هدیه آردی را نزدیک آورده مثنی از آن برداشت؛ و آن را علاوه بر قربانی سوختنی صبح

بر مذبح سوزانید! و گاو و قوچ ذبیحه سلامتی را که برای قوم بود ذبح کرد! و پسران هارون خون را به او سپردند؛ و آن را به اطراف مذبح پاشید؛ و پیه گاو و دنبه گاو و دنبه قوچ و آنچه احشاء را میپوشاند؛ و گرده ها و سفیدی جگر را؛ و پیه را بر سینه هاتهادند و پیه را بر مذبح سوزانید؛ هارون سینه ها؛ و ران راست را برای هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند جنبانید؛ چنانکه موسی امر فرموده بود پس هارون دستهای خود را بسوی قوم برافراشته؛ ایشان را برکت داد و از گذرانیدن قربانی گناه!!! و قربانی سوختنی و ذبایح سلامتی بزیر آمد!!! موسی و هارون بخیمه اجتماع داخل شدند؛ و بیرون آمده قوم را برکت دادند؛ و جلال خداوند بر جمیع قوم ظاهر شد؛ و آتشی از حضور خداوند بیرون آمده!!! قربانی سوختنی و پیه را بر مذبح بلعید؛ و چون تمامی قوم این را دیدند صدای بلند کرده بر روی افتادند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب نهم)

ناداب و ابیهو پسران هارون هر یکی مجمره خود را گرفته آتش بر آنها نهادند و بخور بر آن گذارده؛ آتش غریبیکه ایشان را نفرموده بود؛ بحضور خداوند آوردند آتش از حضور خداوند بدر شده ایشان را بلعید!!! و بحضور خداوند مردند!!! پس موسی بهارون گفت: این است آنچه خداوند فرموده و گفته است؛ که از آنانیکه بمن نزدیک آیند تقدیس کرده خواهم شد!!! و در نظر تمامی قوم جلال خواهم یافت!!! پس هارون خاموش شد؛ و موسی میثائیل و الصلفات پسران عزئییل عموی هارون را خوانده به ایشان گفت: نزدیک آمده برادران خود را از پیش قدس بیرون لشگرگاه ببرید؛ پس نزدیک ایشان را در پیراهنهای ایشان بیرون لشگرگاه بردند؛ چنانکه موسی گفته بود؛ و موسی بهارون و پسرانش العازار و ایتامار را گفت: مویهای سر خود را باز کنید؛ و گریبان خود را چاک مزینید مبادا بمیرید؛ و غضب بر تمامی جماعت بشود؛ اما برداران شما یعنی خاندان اسرائیل بجهت آتشی که خداوند افروخته است ماتم خواهند کرد!!! و از در خیمه اجتماع

بیرون مروید مبادا بمیرد؛ زیرا که روغن مسح خداوند بر شماست؛ پس بحسب آنچه موسی گفت: کردند و خداوند هارون را خطاب کرده گفت: تو و پسرانت باتو چون بخیمه اجتماع داخل شوید شراب و مسکری منوشید مبادا بمیرید!!! این است فریضه ابدی در نسلهای شما؛ و تا در میان مقدس و غیر مقدس و نجس و طاهر تمیز دهید؛ و تا بنی اسرائیل همه فرایضی را که خداوند بدست موسی برای ایشان گفته است تعلیم دهید!!! موسی بهارون و پسرانش اعزاز و ایتامار که باقی بودند گفت: هدیه آردی از هدایای آتشین خداوند مانده است بگیری!!! و آن بی خمیرمایه نزد مذبح بخورید؛ زیرا که قدس اقداس است!!! و آن را در مکان مقدس بخوردید؛ زیرا که از هدایای آتشین این خداوند این حصه پسران تو است چنانکه و مأمور شده ام؛ و سینه جنبانیدنی و ران آفراشتی را تو و پسرانت و دخترانت با تو در جای پاک بخورید!!! زیرا که اینها از ذبایح سلامتی بنی اسرائیل برای حصه پسرانت داده شده است آفراشتی و سینه جنبانیدنی را با هدایای آتشین پیه بیاورند؛ تا هدیه جنبانیده شود؛ و از آن تو و از آن پسرانت خواهد بود بفریضه ابدی چنانکه خداوند امر فرموده است؛ و موسی بزقربانی گناه را طلبید و اینک سوخته شده بود!!! پس بر اعزاز و ایتامار پسران هارون که باقی بودند خشم نموده گفت: چرا قربانی گناه را در مکان مقدس نخورید! زیرا که آن قدس اقداس است و بشما داده شده بود!!! تا گناه جماعت را برداشته برای ایشان بحضور خداوند کفار کنید؛ اینک خون آن با اندرون قدس آورده نشد؛ البته میبایست آن را در قدس خورده باشید؛ چنانکه امر کرده بودم هارون بموسی گفت: اینک امروز قربانی گناه خود؛ و قربانی سوختنی خود را بحضور خداوند گذرانیدند؛ و چنین چیزها بر من واقع شده است پس اگر امروز قربانی گناه را می خورم؛ آیا منظور نظر خداوند میباشد؟! چون موسی این را شنید در نظرش پسند آمد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب دهم)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده به ایشان گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگوئید: این ها حیواناتی هستند که میباید بخورید؛ از همه بهایمی که بر روی زمین اند!!! هر شکافته سمّ که شکاف تمام دارد؛ و نشخوارکننده از بهایم آن را بخورید اما از نشخوارکنندگان و شکافتگان سمّ اینها را نخورید؛ یعنی شتر زیرا که نشخوار میکند!!! الکن شکافته سمّ نیست آن برای شما نجس است؛ و نَک زیرا که نشخوار میکند اما شکاف سمّ نیست، این برای شما نجس است؛ و خرگوش زیرا که دنشخوار میکند؛ ولی شکاف سمّ نیست؛ این برای شما نجس است؛ خوک زیرا که شکافته سمّ است؛ شکاف تمام دارد؛ لیکن نشخوار نمیکند این برای شما نجس است؛ از گوشت آنها نخورید و لاش آنها را لمس نکنید!!! اینها برای شما نجس اند؛ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید!!! هر چه پر و فلس دارد در آب خواه در دریا خواه در نهرها را بخورید؛ و هر چه پر و فلس ندارد در دریا یا در نهرها از همه حشرات آب!!! و همه جانورانی که در آب میباشد!!! اینها نزد شما مکروه باشد؛ البته نزد شما مکروه اند از گوشت آنها نخورید!!! و لاشهای آنها را مکروه دارید!!! هر چه در آنها پر و فلس ندارد نزد شما مکروه خواهد بود؛ و از مرغان اینها را مکروه دارید خورده نشوند زیرا که مکروه اند؛ عقاب و استخوان خوار و سربحر؛ کرکس و لاشخوار باجناس آن!!! و شتر مرغ و جغد و مرغ دریائی و باز باجناس آن؛ و بوم و غواصّ و بوتیمار!!! و فاذ و مرغ سقا و رَخم و لقلق و کلنگ باجناس آن؛ و هدهد و شبیره؛ و همه حشرات بالدار که چهار پا میروند؛ برای شما مکروه اند؛ لیکن اینها را بخورید از همه حشرات بالدار که بر چهار پا میروند؛ هر کدام که بر پایهای خود ساقهای برای جستن بر زمین دارند!!! از آن قسم این را بخورید؛ ملخ باجناس آن و حرخوان باجناس آن و حُسر باجناس؛ و سایر حشرات بالدار که چهار پا دارند برای شما مکروه اند؛ از آنها نجس میشوید هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد!!! هر کسی چیزی از لاش آنها بردارد درخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد؛ و هر بهیمه که شکافته سمّ باشد؛ لیکن شکاف تمام ندارد؛ نشخوار نکند!!! اینها برای شما

نجس اند و هر که آنها را لمس کند نجس است!!! و هر چه بر کف پا رود از همه جاندارانی که بر چهارپا میروند؛ اینها برای شمانجس اند هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و هر که لاش آنها را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد؛ اینها برای شمانجس اند!!! و از حشراتی که بر زمین میخزند اینها برای شمانجس اند؛ موش کور و موش و سوسمار باجناس آن!!! و دله و ورل و چلیاسه و کرباسه و بوقلمون!!! از جمیع حشرات اینها برای شمانجس اند؛ هر که لاش آنها را لمس کند تا شام نجس باشد!!! و بر هر چیزی که یکی از اینها بعد از موتش نجس باشد؛ خواه هر ظرف چوبی؛ خواه رخت چرم؛ جوال؛ هر ظرفی که در آن کار کرده شود در آب گذاشته شود؛ و تا شام نجس باشد پس طاهر خواهد بود و هر ظرف سفالینی که یکی از اینها در آن بیفتد؛ آنچه در آن است نجس باشد و آن را بشکنید؛ هر خوراک در آن که خورده شود؛ اگر آب بر آن ریخته شده نجس باشد؛ و هر مشروبی که آشامیده شود؛ که در چنین ظرف است نجس باشد؛ و هر چیزی که پاره از لاش آنها بیفتد نجس باشد!!! خواه تنور خواه اجاق شکسته شود اینها نجس اند؛ و نزد شمانجس خواهند بود!!! و پشمه و حوض که مجمع آب باشد طاهر است؛ لیکن هر که لاش آنها را لمس کند نجس خواهد بود؛ و اگر پاره از لاش آنها بر تخم کاشتنی؛ که باید کاشته شود بیفتد طاهر است؛ لیکن اگر آب بر تخم ریخته شود؛ و پاره از لاش آنها بر آن بیفتد این برای شمانجس باشد و اگر یکی از بهایمی که برای شما خوردنی است بمیرد؛ هر که لاش آن را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و هر که لاش آن را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد؛ و هر که بر زمین میخزند مکروه است خورده نشود؛ هر چه بر شکم راه رود!!! و هر چه بر چهارپا راه رود؛ و هر چه پایهای زیاده دارد!!! یعنی همه حشراتی که بر زمین میخزد آنها را مخورید زیرا که مکروه اند!!! خویشان را بهر حشراتی که میخزد مکروه مسازید؛ و خود را به آنها نجس مسازید!!! مبادا از آنها ناپاک شوید؛ زیرا که یهوه خدای شما هستم؛ پس خود را تقدیس نمائید و مقدس باشید زیرا که من قدوس هستم؛ پس خویشان را به همه حشراتی که

بر زمین میخردن جس مسازید!!! زیرا که من یهوه هستم که شمارا از زمین!!!
مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم!!! پس مقدس باشید زیرا که من قدوس
هستم؛ این است قانون بهایم و مرغان؛ و هر حیوانی که در آنها حرکت میکند و
هر حیوانی که در زمین میخزد!!! تا در میان نجس و ظاهر و در میان حیواناتی که
هر حیوانی که در زمین میخزد؛ تا در میان نجس و ظاهر و در میان حیواناتی که
خورده شوند؛ و حیواناتی که خورده نشود امتیاز بشود!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب یازدهم)

خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: چون زنی
آبستن شده پسر نرینه بزاید!!! آنگاه هفت روز نجس باشد!!! موافق ایام طمت
حیضش نجس باشد؛ در روز هشتم غلفه او مختون شود؛ و سی و سه روز در خون
تطهیر خود بماند؛ و هیچ چیز مقدس را لمس ننماید؛ و بمکان مقدس داخل نشود
تا ایام طهرش تمام بشود!!! و اگر دختر بزاید دو هفته بر حسب مدت طمت خود
بماند؛ و چون ایام طهرش برای پسر یا دختر تمام شود؛ بره یک ساله برای قربانی
سوختنی!!! و جوجه کبوتر یا فاخته برای قربانی گناه بدرخیمه اجتماع نزد!!!
کاهن بیاورد؛ و او آن را بحضور خداوند خواهد گذرانید!!! و برایش کفاره خواهد
کرد تا از چشمه خون خود ظاهر شود؛ این است قانون آنکه خواه پسر خواه
دختر و اگر دست او بقیمت بره نرسد آنگاه دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد!!!
یکی برای قربانی سوختنی!!! و دیگری قربانی گناه؛ و کاهن برای وی کفاره
خواهد کرد و ظاهر خواهد شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب دوازدهم)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: چون شخصی را در پوست بدنش
آماس یا قوبا یا لگه برآق بشود!!! و آن در پوست بدنش مانند بلای برصی باشد
بیاورند؛ و کاهن آن بلا که در پوست بدنش باشد ملاحظه نماید؛ اگر مو در بلا سفید
گردیده است!!! و نمایش بلا از پوست بدنش گوتر باشد بلا برصی است؛ پس
کاهن او را ببیند و حکم بنجاست او بدهند؛ و اگر آن لگه برآق در پوست سفید باشد

واز پوست گودتر بنماید!!! و موی آن سفیدنگریده آنگاه کاهن آن مبتلا راهفت روز نگاه دارد؛ و روز هفتم کاهن او را ملاحظه نماید و اگر آن بلا در نظرش ایستاده باشد!!! و بلا در پوست پهن نشده کاهن او راهفت روز دیگر نگاه دارد!!! و در روز هفتم کاهن او را باز ملاحظه کند؛ و اگر بلا کم رنگ شده و در پوست پهن نگشته است؛ کاهن حکم بطهارتش بدهد آن قوبا است!!! رخت خود را بشوید و ظاهر باشد و اگر قوبا در پوست پهن بشود؛ بعد از آنکه خود را بکاهن برای تطهیر نمود پس بار دیگر خود را بکاهن بنماید؛ و کاهن ملاحظه نماید و هرگاه قوبا در پوست پهن شده باشد؛ حکم بنجاست او بدهند این برصی است؛ چون بالای برص در کسی باشد!!! او را نزد کاهن بیاورند؛ و کاهن ملاحظه نماید اگر آماس سفید در پوست باشد و موی سفید کرده؛ و گوشت خام زنده در آماس باشد؛ این در پوست بدنش برصی مزمن است؛ کاهن بنجاستش حکم دهد و او را نگاه ندارد زیرا که نجس است!!! و اگر برصی در پوست بسیار پهن شده باشد؛ و برص تمامی پوست آن مبتلا را از سرتا پا هر جایی که کاهن بنگرد پوشانیده باشد!!! پس کاهن ملاحظه نماید اگر برص تمام بدن را فرو گرفته است؛ بتطهیر آن مبتلا حکم دهد!!! چونکه همه بدنش سفید شده است؛ لیکن هر وقتیکه گوشت زنده در او ظاهر شود نجس خواهد بود؛ و کاهن گوشت زنده را ببیند و حکم بنجاست او بدهد؛ آن گوشت زنده نجس است زیرا که برصی است!!! و اگر گوشت زنده سفیدی برگردد نزد کاهن بیاید؛ و کاهن او را ملاحظه کند و اگر آن بلا بسفیدی مبدل شده است؛ پس کاهن بطهارت آن مبتلا حکم دهد زیرا که طاهر است؛ و گوشتی که در پوست دمّل باشد و شفاء یابد؛ در جای دمّل آماس سفید یالکة برّاق سفید مایل بسرخ پدید آید آن بکاهن بنماید؛ و کاهن آن را ملاحظه نماید و اگر از پوست گودتر بنماید!!! و موی آن سفید شده پس کاهن بنجاست او حکم دهد این بلا برص است!!! که از دمّل در آمده است؛ و اگر کاهن آن را ببیند و اینک موی سفید در آن نباشد؛ و گودتر تر از پوست هم نباشد و کم رنگ باشد؛ پس کاهن او راهفت روز نگاه دارد؛ و اگر

در پوست پهن شده کاهن بنجاست او حکم دهد این بلا می باشد؛ و اگر آن لگه در جای خود مانده پهن نشد!!! این کری دمل است پس کاهن بطهارت وی حکم دهد؛ یا گوشتی که در پوست آن داغ آتش باشد!!! و از گوشت زنده آن داغ لگه برآق سفید مایل بسرخ یا سفیدی پدید آید؛ پس کاهن آن را ملاحظه نماید!!! اگر مو در لگه برآق سفید گردیده!!! و گود تراز پوست بنماید این برص است که داغ در آمده است؛ پس کاهن بنجاست او حکم دهد زیرا که بلای برص است!!! و اگر کاهن آن را ملاحظه نماید؛ و اینک در لگه برآق موی سفید نباشد؛ و گود تراز پوست نباشد و کم رنگ باشد؛ کاهن او را هفت روز نگاه دارد؛ در روز هفتم کاهن او را ملاحظه نماید؛ اگر در پوست پهن شده کاهن بنجاست وی حکم دهد!!! این بلای برص است؛ اگر لگه برآق در جای خود ماند در پوست پهن نشده باشد!!! و کم رنگ باشد این آماس داغ است!!! پس کاهن بطهارت وی حکم دهد این کری داغ است؛ و چون مرد یا زن بلای در سر یا در زنج داشته قو باشد؛ کاهن آن بلا را ملاحظه نماید؛ اگر گود تراز پوست بنماید؛ و موی زرد بریک در آن باشد!!! پس کاهن بنجاست او حکم دهد؛ این سعه یعنی برص سر یا زنج است؛ و چون کاهن بلای سعه را ببیند اگر گود تراز پوست ننماید؛ و موی سیاه در آن نباشد!!! پس کاهن آن مبتلای سعه را هفت روز نگاه دارد؛ و در روز هفتم کاهن آن بلا را ملاحظه نماید؛ اگر سعه پهن نشده و موی زرد در آن نباشد؛ و سعه گود تراز پوست ننماید؛ آنگاه موی خود را بتراند لیکن سعه را نتراند!!! و کاهن آن مبتلای سعه را باز هفت روز نگاه دارد؛ و در روز هفتم کاهن سعه را ملاحظه نماید؛ سعه در پوست پهن نشده از پوست گود تر ننماید؛ پس کاهن حکم بطهارت وی بدهد؛ و او رخت خود را بشوید و ظاهر باشد!!! لیکن اگر بعد از حکم بطهارت سعه در پوست پهن بشود!!! پس کاهن او را ملاحظه نماید اگر سعه در پوست پهن شده باشد؛ کاهن موی زرد را نجوید او نجس است؛ اما اگر در نظرش سعه ایستاده باشد؛ و موی سیاه از آن در آمده سعه شفاء یافته است!!! او ظاهر است و کاهن حکم بطهارت وی بدهد!!! و چون مرد یا زن در پوست بدن لگه برآق

یعنی لگه های سفیدداشته باشد؛ کاهن ملاحظه نماید اگر لگه ها در پوست بدن ایشان کم رنگ و سفید باشد؛ این بهق است که از پوست درآمده او ظاهر است! و کسیکه موی سر او ریخته باشد اقرع است و ظاهر مییابد؛ و کسیکه موی سر او از طرف پیشانی ریخته باشد؛ او اصلع است و ظاهر مییابد؛ و اگر در سر گل بلای سفید مایل بسرخ باشد آن برص است که از سر گل او یا پیشانی کل او!!! در آمده است؛ پس کاهن او را ملاحظه کند!!! اگر آماس آن بلا در کل او یا پیشانی او سفید مایل سرخی مانند؛ برص در بدن باشد!!! او مبروص است و نجس مییابد؛ و کاهن البته حکم بنجاست وی بدهد!!! بلای وی در سرش است! اما مبروص که این بلا را دارد گریبان او چاک شده؛ و موی سر او گشاده؛ و شاریهای او پوشیده شود و ندا کند نجس!!! و همه روزهایی که بلا دارد البته نجس خواهد بود!!! و تنها بماند و مسکن او بیرون از لشکرگاه باشد؛ و رختی که برص داشته باشد! خواه رخت پشمین خواه رخت پنبه!!! خواه در تار و خواه پودچه از پشم و چه پنبه و چه از چرم؛ یا از هر چیزی که از چرم ساخته شود؛ اگر آن بلا مایل بسبزی یا بسرخ باشد؛ در رخت یا در چرم خواه در تار خواه در پود؛ یا در هر ظرف چرم این بلا برص است؛ بکاهن نشان داده شود؛ و کاهن آن بلا را ملاحظه نماید! و آن چیزی را که بلا دارد؛ و آن چیزی را که بلا دارد هفت روز نگاه دارد؛ و آن چیزی را که بلا دارد در روز هفتم ملاحظه کند!!! اگر آن بلا در رخت پهن شده باشد!!! خواه در تار خواه در پود یا در چرم در هر کاری که چرم برای آن استعمال می شود؛ این برص مفسد است و آن چیز نجس مییابد! پس آن رخت را بسوزانید چه تار! چه پود خواه در پشم؛ خواه در پنبه یا هر ظرف چرمی که بلا در آن باشد! زیرا که برص مفسد است با آتش سوخته شود! اما چون کاهن را ملاحظه کند اگر بلا در رخت خواه در تار خواه در پود یا در ظرف چرمی پهن نشده باشد! پس کاهن امر فرماید تا آنچه را که بلا دارد بشویند! و آن راهفت روز دیگر نگاه دارد بعد از شستن آن چیزی که بلا دارد!!! کاهن ملاحظه نماید اگر رنگ آن بلا تبدیل نشده؛ هر چند بلا هم پهن نشده باشد این نجس است آن را با آتش بسوزاند! این است خواه فرسودگی آن در درون باشد یا در بیرون! و چون کاهن ملاحظه نماید

اگر بلا بعد از شستن آن کم رنگ شده باشد؛ پس آنرا از رخت یا از چرم خواه از تار خواه از پود پاره کند!!! و اگر باز در آن رخت خواه تار خواه در پود یا در هر ظرفی چرمی ظاهر شود! این بر آمدن برص است آنچه راکه بلا دارد با آتش بسوزاند و آن رخت خواه تار و خواه پود یا ظرف چرمی راکه شسته! و بلا از آن رفع شده باشد!!! دوباره شسته شود و ظاهر خواهد بود! این است قانون بلای برص! در رخت پشمین یا پنبه خواه در تار خواه در پود!!! در هر ظرف چرمی برای حکم بطهارت یا نجاست آن!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب سیزدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: این است قانون مبروص در روز تطهیرش نزد کاهن آورده شود! کاهن بیرون لشکرگاه برود و کاهن ملاحظه کند! اگر بلای برص از مبروص رفع شده باشد!!! کاهن حکم بدهد که برای آن کسیکه باید تطهیر شود؛ دو گنجشک شود!!! دو گنجشک زنده ظاهر و چوب ارزو قرمز و زوفا بگیرند! و کاهن امر کند که یک گنجشک را در ظرف سفالین! بر بالای آب روان بکشند! و اما گنجشک زنده را با چوب ارزو قرمز زفا بگیرد! و آنها را با گنجشک زنده بخون گنجشکی که بر آب روان کشته شده فرو برد! و بر کسیکه از برص باید تطهیر شود هفت مرتبه بپاشد!!! و حکم بطهارتش بدهد؛ و گنجشک زنده را بسوی صحراء رها کند!!! و آن کسیکه باید تطهیر شود رخت خود را بشوید!!! و تمامی موی خود را بتراشد و با آب غسل کند!!! و ظاهر خواهد شد و بعد از آن به لشکرگاه داخل شود لیکن تا هفت روز بیرون خیمه خود بماند و در روز هفتم تمامی موی خود را بتراشد! از سروریش و ابروی خود یعنی تمامی موی خود را بتراشد! و رخت خود را بشوید! و بدین خود را با آب غسل دهد پس ظاهر خواهد بود! و در روز هشتم دوباره نرینه بی عیب؛ یک بزّه ماده یکساله بی عیب! و سه عشر آرد نرم سرشته شده بروغن برای هدیه آردی؛ یک لچ روغن بگیرد؛ آن

کاهن او را تطهیر میکند؛ آنکس را که باید تطهیر شود! با این چیزها بحضور خداوند نزد درخیمه اجتماع حاضر کند! و کاهن یکی از برّه های نرینه را گرفته آنرا لُج روغن برای قربانی جرم بگذراند! و آنها برای هدیه جنبانیدنی بحضور خداوند بجنباند؛ و برّه را در جائیکه قربانی گناه و سوختنی را ذبح میکنند!!! در مکان مقدس ذبح کند! زیرا که قربانی جرم! مثل قربانی گناه از آن کاهن است! این قدس اقداس است! و کاهن از خون قربانی جرم بگیرد! و کاهن آنرا برنرمه گوش راست کسیکه باید تطهیر! بر شست راست!!! و بر شست پای راست وی بمالد!!! کاهن قدری از لُج روغن گرفته آنرا در کف دست چپ خود بریزد! و کاهن انگشت راست خود را بر روغنی که در کف چپ خود دارد فرو برد! هفت مرتبه روغن را بحضور خداوند بپاشد! و کاهن از باقی روغن که در کف وی است!!! برنرمه گوش راست و بر شست راست و بر شست پای راست!!! آن کسیکه باید تطهیر شد! بالای خود قربانی جرم بمالد! و بقیه روغن را که در کف کاهن است! بر سر آن کسیکه باید تطهیر شود بمالد!!! و کاهن برای وی بحضور خداوند کفاره خواهد نمود! و کاهن قربانی گناه را بگذراند!!! و برای آن کسیکه باید تطهیر نجاست او را کفاره نماید!!! و بعد از آن قربانی سوختنی را ذبح کند! و کاهن قربانی سوختنی و هدیه آرد را بر مذبح بگذارد! و برای وی کفاره خواهد کرد و ظاهر خواهد بود! و اگر او فقیر باشد! دستش به اینها نرسد! پس یک برّه نرینه برای قربانی جرم تا جنبانیده شود! و برای وی کفاره کند بگیرد! و یک عُشراز آرد نرم سرشته شده بروغن! برای هدیه آردی و یک لُج روغن!!! و دو فاخته یاد و جوجه کبوتر آنچه دستش به آن برسد! و یکی قربانی گناه و دیگری قربانی سوختنی شود! در روز هشتم آنها را نزد کاهن بدرخیمه اجتماع برای طهارت خود بحضور خداوند بیاورد کاهن برّه قربانی جرم و لُج روغن را بگیرد!!! و کاهن آنها را برای هدیه!!! جنبانیدنی بحضور خداوند بجنباند! و قربانی جرم را ذبح نماید و کاهن از خون قربانی برنرمه گوش راست و شست دست راست پای راست کسیکه تطهیر میشود بمالد!!! و کاهن قدری از روغن را کف دست چپ خود بریزد! و کاهن از

روغن که در دست چپ خود دارد؛ با انگشت راست خود هفت مرتبه بحضور خداوند بپاشد؛ و کاهن از روغن که در دست دارد؛ نرمه گوش راست؛ و بر شست دست راست و شست پای راست کسیکه تطهیر میشود؛ برجای خون قربانی جرم بمالد!!! و بقیه روغنی که در دست کاهن است؛ آن را بر سر کسیکه تطهیر میشود بمالد؛ تا برای وی بحضور خداوند کفاره کند!!! و یکی از دو فاخته یا دو جوجه کبوتر را از آنچه دستش رسیده باشد بگذراند؛ یعنی هر آنچه دست وی به آن برسد؛ یکی را برای قربانی گناه؛ و دیگری را برای قربانی سوختنی باهدیه آردی!!! و کاهن برای کسیکه تطهیر میشود؛ بحضور خداوند کفاره خواهد کرد! این است قانون کسیکه بلای برص دارد؛ دست وی بتطهیر خود نمیرسد؛ و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده!!! گفت: چون بزمین کنعان که من آن را بشما عرض گردانم؛ آنگاه صاحب خانه آمده کاهن را اطلاع داده بگوید: که مرا بنظر می آید که مثل بلاد رخانه است!!! و کاهن تمیز فرماید: تا قبل از داخل شدن کاهن برای دیدن بلای خالی کنند!!! مبادا آنچه در خانه است نجس شود؛ و بعد از آن کاهن برای دیدن خانه داخل شود!!! و بلای را ملاحظه نماید؛ اگر بلا در دیوارهای خانه از خطهای مایل بسبزی یا سرخی باشد؛ و از سطح دیوار گودتر بنماید؛ پس کاهن از خانه نزد در بیرون رود؛ و خانه را هفت ببندد!!! و در روز هفتم کاهن باز بیاید و ملاحظه نماید؛ اگر بلا در دیوارهای خانه پهن شده باشد؛ آنگاه کاهن امر فرماید تا سنگهایی را که در آنهاست کنده!!! آنها را بجای ناپاک بیرون شهر بیندازند و اندرون خانه را از اطراف بتراشیده؛ و خاکی را تراشیده باشند؛ بجای ناپاک بیرون شهر بریزند؛ و سنگهای دیگر گرفته بجای آن سنگها بگذارند؛ و خاک دیگر گرفته خانه اندود کنند؛ اگر بلا برگردد و بعد از کندن سنگها، و تراشیدن و اندود کردن خانه بروز کند!!! پس کاهن بیاید و ملاحظه نماید؛ اگر بلا در خانه پهن شده باشد!!! این برص مفسد در خانه است و آن نجس است؛ پس خانه را خراب کند؛ سنگهایش؛ جویش و تمامی خاک خانه را بجای ناپاک بیرون شهر

بیندازند؛ و هرکس داخل خانه شود در تمامی روزها بسته باشد؛ تا شام نجس خواهد بود و هرکس در خانه بخوابد رخت خود را بشوید؛ و هرکس در خانه چیزی خورده رخت خود را بشوید؛ و چون کاهن بیاید و ملاحظه نماید؛ اگر بعد از اندود کردن خانه پهن نشده باشد؛ پس کاهن حکم بطهارت خانه بدهد زیرا که بلارفع شده است؛ و برای تطهیر خانه دو گنجشک و چوب ارزو قرمز و زوفا بگیرد؛ و یک گنجشک را در ظرف سفالین بر آب روان ذبح نماید؛ چوب ارزو و زوفا و قرمز و گنجشک زنده را گرفته؛ آنها را بخون گنجشک ذبح شده؛ و آب روان فرو برد و هفت مرتبه بر خانه بپاشد؛ و خانه را بخون گنجشک و با آب روان؛ و به گنجشک زنده و چوب ارزو و زوفا و قرمز تطهیر نماید؛ و گنجشک زنده را بیرون شهر بسوی صحراء رها کند؛ و خانه را کفاره نماید و ظاهر خواهد بود؛ این است قانون برای هر بلای برص؛ و برای سَعفه و برای برص رخت و خانه و برای آماس و قوباع و لَکَّة بَرَّاق!!! برای تعلیم دادن که چه وقت نجسی میباشد و چه وقت ظاهر این قانون برص است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات بعلى؛ سفر لاویان باب چهاردهم)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگوئید: مردیکه جریان از بدن خود دارد او را بسبب جریانش نجس است و این نجاستش بسبب جریان او؛ خواه جریانش از گوشتش روان باشد خواه جریانش از گوشتش بسته باشد این نجاست او است؛ هر بستری که صاحب جریان بر آن بخوابد نجس است!!! و هر چه بر آن بنشیند نجس است!!! و هر کس بستر او را لمس نماید رخت خود را بشوید؛ و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و هر کس بنشیند بر هر چه صاحب جریان بر آن نشسته بود رخت خود را بشوید؛ و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و هر کس بدن صاحب جریان را لمس نماید رخت خود را بشوید؛ و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد! اگر صاحب جریان بر شخص ظاهر آب دهن اندازد؛ آنکس رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا

شام نجس باشد؛ و هرزنی که صاحب جریان بر آن سوار نجس باشد؛ هر که چیزی را که او بوده باشد لمس بنماید تا شام نجس باشد!!! و هر کسی را که صاحب جریان لمس نماید؛ و دست خود را با آب شسته باشد رخت خود را بشوید؛ با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و ظرف سفالین که صاحب جریان آن را لمس نماید شکسته شود؛ و هر ظرف چوبین با آب شسته شود؛ و چون صاحب جریان از جریان خود ظاهر شده باشد؛ آنگاه هفت روز برای تطهیر خود بشمارد؛ و رخت خود را بشوید؛ و بدن خود را با آب غسل دهد و ظاهر باشد؛ و در روز هشتم دوفاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد و بحضور خداوند بدرخیمه اجتماع آمده آنها را بکاهن بدهد!!! و کاهن آنها را بگذراند؛ یکی برای قربانی گناه!!! دیگری برای قربانی سوختنی؛ و کاهن برای وی بحضور خداوند جریانش را کفاره خواهد کرد؛ و چون منی از کسی در آید تمامی بدن خود را با آب غسل دهد و تا شام نجس باشد؛ و هر زنیکه مرد با او بخوابد و انزال کند با آب غسل کنند و تا شام نجس باشند؛ و اگر زنی جریان دارد و جریانی که در بدنش است خون باشد؛ هفت روز در حیض خود بماند؛ و هر کس او را لمس نماید تا شام نجس باشد؛ و هر چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد؛ و بر هر چیزی که بنشیند نجس باشد؛ هر کس بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید؛ و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و هر کس چیزی که او بر آن نشسته بود لمس نماید؛ رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و اگر بر بستر باشد یا بر هر چیزی که او بر آن نشسته بود؛ چون آن چیز را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و اگر مردی با او هم بستر شود؛ و حیض او بر وی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود؛ و هر بستری که بر آن بخوابد نجس خواهد بود؛ و زنیکه روزهای بسیار غیر از زمان حیض خود جریان خون دارد؛ یا زیاد از زمان حیض خود جریان دارد؛ تمامی روزهای جریان نجاستش مثل روزهای حیضش خواهد بود او نجس است؛ هر بستری که در روزهای جریان خود بر آن بخوابد؛ مثل بستر حیض برای وی خواهد بود؛ و هر چیزی که بر آن بنشیند؛ مثل

نجاست حیض خواهد بود؛ و هر کس این چیزها را لمس نماید نجس می‌باشد؛ پس رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد؛ و اگر از جریان خود طاهر شده باشد هفت روز برای خود بشمارد؛ بعد از آن طاهر خواهد شد؛ و در روز هشتم دو فاخته یا دو جوجه کبوتر بگیرد؛ و آنها را نزد کاهن خیمه اجتماع بیاورد؛ و کاهن بگیرد برای قربانی سوختنی بگذراند؛ و کاهن برای وی نجاست جریان شراب حضور خداوند کفارہ کند؛ پس بنی اسرائیل را از نجاست ایشان جدا خواهد کرد! **مبادا مسکن مرا که در میان ایشان است نجس سازد در نجاست خود بمیرند** این است قانون کسیکه جریان دارد؛ و کسیکه منی از او در آید و از آن نجس شده باشد؛ و حیض در حیض و هر کس جریان دارد؛ خواه مرد خواه زن؛ و مردی که با زن نجس هم بستر شود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ باب پانزدهم)

و خداوند موسی را بعد از مردن دو پسر هارون وقتیکه نزد خداوند آمدند و مردند! خطاب کرده گفت: پس خداوند موسی گفت: برادر خود هارون را بگو: که بقدری درون حجاب پیش کرسی رحمت که بر تابوت است؛ همه وقت داخل نشود مبادا بمیرد؛ زیرا که در برابر بر کرسی رحمت ظاهر خواهم شد!!! با این چیزها هارون داخل قدس بشود؛ با گوساله قربانی گناه و قوچی برای قربانی سوختنی؛ و پیراهن کتان مقدس را بپوشد!!! وزیر جامه کتان بربدنش باشد و بکمر بند کتان بسته شود! **وبه عمامه کتان معمّم باشد! اینها رخت مقدس است!!!** پس بدن خود را با آب غسل داده آنها را بپوشد!!! و از جماعت بنی اسرائیل دو بزرگوار را برای قربانی گناه!!! و یک قوچ برای قربانی سوختنی بگیرد!!! و هارون گوساله قربانی گناه را که برای خود او است بگذراند؛ و برای خود و اهل خانه خود کفارہ نماید! و دو بزرگوار را بگیرد و آنها را بحضور خداوند بدر خیمه اجتماع حاضر سازد؛ هارون؛ بر آن دو بزرگوار اندازد؛ یک قرعه برای خداوند و یک قرعه برای عزازیل و هارون بزی را که قرعه برای خداوند بر آن آمد نزدیک بیاورد! بجهت قربانی

گناه بگذارند؛ و بزی که قرعه برای عزازیل برآمد بحضور خداوند زنده و حاضر شود و بر آن کفاره نماید؛ و آن را برای عزازیل بصحراء بفرستند؛ هارون گاو قربانی گناه را که برای خود اوست نزدیک بیاورد!!! برای خود و اهل خانه خود کفاره نماید؛ گاو قربانی را که خود اوست ذبح کند؛ و مجمری پر از زغال آتش از روی مذبح که بحضور خداوند است؛ و دو مشت پر از بخور معطر کوبیده شده برداشته به اندرون حجاب بیاورد؛ بخور را بر آتش بحضور خداوند بنهد؛ تا بر کرسی رحمت بر تابوت شهادت است بپوشاند مبادا بمیرد!!! و از خون گاو گرفته بر کرسی!!! رحمت با انگشت خود بطرف مشرق بپاشد!!! و قدری از خون را پیش روی کرسی رحمت هفت مرتبه بپاشد؛ پس قربانی گناه را که برای قوم است ذبح نماید و خونش را به اندرون حجاب بیاورد!!! و با خونش چنانکه با خون گاو عمل کرده بود؛ آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت بپاشد؛ برای قدس کفاره نماید بسبب نجاسات بنی اسرائیل!!! و بسبب تقصیرهای ایشان؛ گناهان ایشان و برای خیمه اجتماع که با ایشان!!! در میان نجاسات ایشان ساکن است بکند؛ و هیچکس در خیمه اجتماع نباشد؛ از وقتیکه برای کردن کفاره داخل قدس بشود تا وقتیکه بیرون آید؛ پس برای خود و برای اهل خانه خود!!! و برای تمامی جماعت اسرائیل کفاره خواهد کرد!!! پس نزد مذبح که بحضور خداوند است بیرون آید و برای آن کفاره نماید؛ از خون گاو و از بز گرفته آن را بر شاخهای مذبح به هر طرف بپاشد!!! قدری از خون را به انگشت خود هفت مرتبه بر آن را تطهیر کند؛ و آن را از نجاست بنی اسرائیل تقدیس نماید؛ و چون کفاره نمودن برای قدس و برای خیمه اجتماع؛ و برای مذبح فارغ شود؛ آنگاه بز زنده را نزد یک بیاورد!!! و هارون دو دست خود را بر سر بز زنده بنهد!!! و همه خطایای بنی اسرائیل و همه تقصیرهای را با همه گناهان ایشان اعتراف نماید؛ و آنها را بر بز بگذرد آن را بدست شخص حاضر بصحراء بفرستند!!! **و بز همه گناهان ایشان را بزمین ویران بر خود خواهد برد؛ پس بز را بصحراء رها کند؛ و هارون به خیمه اجتماع داخل شود؛ و رخت کتان را که در وقت داخل شدن بقدس پوشیده بود بیرون کرده؛ آنها را در آنجا بگذارد!!! و بدن خود را در جای مقدس با آب**

غسل بدهد؛ ورخت خود را پوشیده بیرون آید؛ و قربانی سوختنی خود و قربانی قوم را بگذارد و برای قوم کفاره نماید؛ و پیه قربانی گناه را بر مذبح بسوزاند؛ و آن را که بزرگ برای عزازیل رها کرد رخت خود را با آب غسل دهد!!! و بعد از آن بلشگرگاه داخل شود!!! و گاو قربانی گناه و بز قربانی گناه را که خون آنها را به قدس برای رها کردن کفاره آورده شد!!! بیرون لشگرگاه برده شود؛ و سرکین آنها را با آتش بسوزاند؛ و آنکه آنها را بسوزاند رخت خود بشوید!!! و بدن خود را با آب غسل دهد؛ و بعد از آن بلشگرگاه داخل شود!!! و این برای شما فریضة دایمی باشد؛ که در روز دهم از ماه هفتم جان خود را ذلیل سازید و هیچ کار کنید خواه موطن خواه غریبیکه در میان شما ماوا گزیده باشد؛ زیرا که در آن روز کفاره برای تطهیر شما کرده خواهد شد؛ و از جمیع گناهان خود بحضور خداوند ظاهر خواهید شد؛ این سبت آرامی برای شماست!!! پس جان های خود را ذلیل سازید؛ فریضة دایمی و کاهنی که مسح شده و تخصیص شده باشد؛ تا در جای پدر خود کفایت نماید کفاره بنماید؛ و رخت های کتان یعنی رخت های مقدس را بپوشد!!! و برای قدس مقدس کفاره نماید؛ و برای خیمه اجتماع و مذبح کفاره نماید و برای گهنه و تمامی جماعت قوم کفاره نماید؛ و این برای شما فریضة دایمی خواهد بود؛ تا برای بنی اسرائیل از تمامی گناهان ایشان یک مرتبه کفاره شود پس چنانکه خداوند موسی را امر فرموده همچنان بعمل آورده!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب شانزدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش و جمیع بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: این است کاریکه میفرماید و میگوید: هر شخصی از خاندان اسرائیل که گاویا گوسفند بزد در لشگرگاه ذبح نماید؛ یا آنکه بیرون لشگرگاه ذبح نماید؛ و آن را بدر خیمه اجتماع نیاورد؛ تا قربانی برای خداوند پیش مسکن خداوند بگذراند؛ بر آن شخص خون محسوب خواهد شد؛ و خون ریخته

است؛ آن شخص از قوم خود منقطع خواهد شد؛ تا آنکه بنی اسرائیل ذبایح خود را که در صحراء ذبح میکنند بیاورند؛ یعنی برای خداوند بدرخیمه اجتماع نزد کاهن آنها را بیاورند؛ و آنها را بجهت ذبایح سلامتی برای خداوند ذبح نمایند؛ **و کاهن خون را بر ذبح خداوند نزد درخیمه اجتماع بپاشد؛ و پیه را بسوزاند تا عطر خوشبو برای خداوند بشود!!! و بعد از آن ذبایح خود را برای دیوهائیکه در عقب آنها زنا میکنند دیگر ذبح ننمایند!!! این برای ایشان در پشتهای ایشان فریضه الهی خواهد بود!** و ایشان را بگو: هر کس از خاندان اسرائیل از غریبانی که در میان شما مأوا گزینند؛ که قربانی سوختنی یا ذبیحه بگذارند؛ آن را بدرخیمه اجتماع نیاورند؛ تا آن را برای خداوند بگذارند!!! آن شخص از قوم خود منقطع خواهد شد؛ و هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان مأوا گزینند!!! که هر قسم خون را بخورد من روی خود را بر آن شخص که خون خورده باشد برمیگردانم؛ و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت؛ زیرا که جان جسد در خون است؛ و من آن را بر مذبح شما داده ام!!! تا برای شما کفاره کند؛ زیرا که خون است که برای جان کفاره میکند!!! بنا بر این بنی اسرائیل را گفته ام هیچکسی از شما خون نخورد و غریبی که در میان شما مأوا گزیند!!! خون نخورد!!! و هر شخص از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأوا گزیند؛ که جانور یا مرغی را که خورده میشود صید کند؛ پس خون آن را بریزد و با خاک بپوشاند؛ زیرا که جان هر ذی جسد خون آن و جان آن یکی است؛ پس بنی اسرائیل گفته ام خون هیچ ذی جسد را نخورید؛ زیرا که جان هر ذی جسد خون آن است؛ هر کسی آن را بخورد منقطع خواهد شد؛ و هر کسی از متوطنان یا از غریبانی که میته یا دریده را بخورد؛ رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شام نجس باشد پس طاهر خواهد شد؛ و اگر آن را نشوید و بدن خود را غسل ندهد متحمل گناه خود خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب هفدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: خداوند یهوه میگوید: خدای شما هستم؛ مثل اعمال زمین مصر در آن ساکن میبودید عمل نمائید!!! و مثل اعمال زمین کنعان که من شما را به آنجا داخل خواهم کرد عمل نمائید؛ و بر حسب فرائض ایشان رفتار کنید؛ احکام مرا بجا آورید و فرائض مرا نگاه دارید؛ تا در آنها رفتار نماید من یهوه خدای شما هستم پس فرائض و احکام مرا نگاه دارید!!! که هر آدمی که آنها را بجا آورد در آنها زیست خواهد کرد من یهوه هستم؛ هیچ کسی با احدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید!!! تا کشف عورت او بکند من یهوه هستم!!! عورت پدر خود یعنی مادر را کشف منما؛ او مادر تست کشف عورت مکن؛ عورت زن پدر خود را کشف مکن آن عورت پدرتوست! عورت خواهر خود خواه دختر پدرت!!! خواه دختر مادرت؛ چه مولود بیرون؛ عورت ایشان را کشف منما؛ عورت پسر توست؛ و دختر دخترت؛ ایشان را کشف مکن؛ زیرا که اینها عورت تو است!!! عورت دختر زن پدرت که از پدرت وزانیده شده باشد؛ او خواهر تو است کشف عورت او را مکن؛ عورت خواهر پدر خود را کشف مکن او اقربای پدرت تو است؛ عورت خواهر مادر خود را کشف مکن او اقربای مادر تو است، عورت برادر پدر خود را کشف مکن و بزنی او نزدیکی منما!!! او بمنزله عمه تو است، عورت عروس خود را کشف مکن او زن پسر تو است عورت او را کشف مکن؛ عورت زن برادر خود را کشف مکن آن عورت برادر تو است؛ عورت زنی را با دخترش کشف مکن دختر پسر او یا دختر دختر او را بگیرتا عورت او را کشف کنی؛ اینان از اقربای او میباشند؛ و این فجور است؛ زنی را با خواهرش بگیرتا هووی او بشود؛ تا عورت او را باوی مادامیکه او زنده است کشف نمائی؛ بزنی در نجاست حیضش منما تا عورت او را کشف کنی؛ و با زن همسایه خود هم بستر مشورتا خود را با وی نجس سازی؛ و کسی از ذریت خود را برای مولک از آتش مگذراند؛ و نام خدای خود را بی عصمت مساز من یهوه هستم؛ و با ذکور مثل زن جماع مکن؛ زیرا که این فجور است!!! با هیچ بهیمة جماع مکن تا خود را به آن نجس سازی!!! و زنی پیش بهیمة نه ایستد تا با آن جماع کند زیرا که این فجور است!!! بهیچ کدام از اینها خویشان را نجس مسازید؛ زیرا که بهمة اینها امتهائی که من پیش روی شما

بیرون میکنم نجس شده اند؛ وزمین نجس شده است؛ و انتقام گناهانش را از آنها خواهم کشید!!! وزمین ساکنان خود را قی خواهد نمود؛ پس شما فرایض و احکام مرا نگاه دارید؛ و هیچ کدام از این فجور را بعمل نیاورید؛ نمتوطن ونه غریبی که در میان شما مأوا گزیند؛ زیرا که مردمان آن زمین که از شما بودند؛ جمیع این فجور را کردند؛ وزمین نجس شده است!!! مبادا زمین شمارا نیز قی کند؛ اگر آن را نجس سازید!!! چنانکه امتهایی را که قبل از شما بودند قی کرده است؛ زیرا که هر کسی که یکی از این فجور را بکند؛ همه کسانیکه کرده باشد از میان قوم خود منقطع خواهند شد؛ پس وصیت مرا نگاه دارید؛ و از رسوم زشت قبل از شما بعمل آورده شده است منمائید!!! و خود را با آنها نجس مسازید؛ من یهوه خدای شما هستم!!!

(کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب هجدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: تمامی جماعت بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: مقدس باشید زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم؛ هر یکی از شما مادر و پدر خود را احترام نماید!!! و سبتهای مرا نگاه دارید من یهوه خدای شما هستم؛ بسوی بتهای میل مکنید!!! و خدایان ریخته شده برای خود مسازید؛ من یهوه خدای شما هستم!!! و چون ذبیحه سلامتی نزد خداوند بگذرانید؛ آن را بگذرانید تا مقبول شوید؛ در روزی که آن در را ذبح نمائید؛ و در فردای آن روز خورده شود؛ و اگر چیزی از آن تار و زسوم بماند؛ با آتش سوخته شود؛ و اگر در روز سوم خورده شود مکره میباشد مقبول نخواهد شد؛ و هر که آن را بخورد متحمل گناه خود خواهد بود؛ زیرا که چیز مقدس را بی حرمت کرده است؛ آنکس از قوم خود منقطع خواهد شد؛ و چون حاصل زمین خود را درو کنید گوشه های مزرعه خود را تمام نکنید؛ و محصول خود را خوشه چینی مکنید؛ و تاکستان خود را دانه چینی منما!!! و خوشهای ریخته شده تاکستان خود را بر مچین؛ آنها را برای فقیر و غریب بگذار؛ من یهوه خدای شما هستم؛ دزدی مکنید؛ و مکر منمائید؛ و با یکدیگر دروغ مگوئید؛ و بنام من قسم دروغ مخورید که نام

خدای خود را بی حرمت نموده باشی من یَهُوَه هستم!!! مال همسایه خود را غصب منما؛ وستم مکن و مزد مزدور نزد توتا صبح نما، کَرّ را لعنت مکن؛ و پیش روی کورسنگ لغزش و مگذار، و از خدای خود بترس من یَهُوَه هستم؛ در داوری بی انصافی مکن؛ و فقیر را طرفداری منما و بزرگ را محترم مدار؛ و در باره همسایه خود با انصاف داوری بکن؛ در میان قوم خود برای سخن چینی گردش مکن؛ و بر خون همسایه خود مایست من یَهُوَه هستم؛ برادر خود را در دل خود بغضی منما؛ البته همسایه خود را تنبیه کن و بسبب او متحمل گناه مباش از اینان قوم خود انتقام مگیر و کینه موز و همسایه خود را مثل خویشان!!! محبت نامن یَهُوَه هستم؛ فرایض مرا نگاه دارید؛ ببهمیه خود را با غیر جنس خود را با غیر جنس آن بجماع و امدار مزرعه خود را بدو قسم تخم مکار؛ و رخت از دو قسم بافته شده در بر خود مکن؛ و مردی که با زنی هم بستر شود و آن زن کنیز و نامزد کسی باشد؛ اما فدیة نداده شده؛ و نه آزادی به او نچشیده؛ ایشان را سیاست باید کرد؛ لیکن کشته نشود زیرا که او آزاد نبود؛ و مرد برای قربانی جرم خود قوچ قربانی جرم نزد خداوند بدرخیمه اجتماع بیاورد؛ و کاهن برای وی بقوچ قربانی جرم؛ نزد خداوند گنااهش را که کرده است کفاره خواهد کرد؛ و او از گناهی که کرده است آمرزیده خواهد شد؛ و چون به آن زمین داخل شدید؛ و هر قسم درخت را برای خوراک نشانید!!! پس میوه آن را مثل نامختونی آن را بشمارید!!! سه سال برای شما نامختون باشد خورده نشود؛ و در سال چهارم همه میوه آن برای تمجید خداوند مقدس خواهد بود!!! و در سال پنجم میوه آن را بخورید؛ تا محصول خود را برای شما زیاده کند؛ من یَهُوَه خدای شما هستم؛ هیچ چیز را با خون مخورید؛ و تَقَالَ مزیند و شکوه مکنید! **گوشه های سرخود را متراشید؛ و گوشه های ریش خود را مچینید!** بدن خود را بجهت مرده مجروح مسازید؛ و هیچ نشان بر خود داغ مکنید من یَهُوَه هستم؛ دختر خود را بی عصمت مساز؛ و او را بفاحشگی و امدار مبادا زمین مرتکب زنا شود؛ و زمین پر از فجور گردد!!! سبتهای مرا نگاه دارید!!! و مکان مرا محترم بدارید من یَهُوَه هستم؛

به اصحاب اجنه توجه کنید؛ و از جادوگران پرسش نمائید؛ تا خود را با ایشان نجس بسازید من یهوه خدای شما هستم؛ در پیش ریش سفید بر خیز و روی مرد پیر را محترم دار؛ و از خدای خود بترس من یهوه هستم؛ و چون غریبی با تو در زمین شام او آگزیند او را میازارید؛ غریبی که در میان شام او آگزیند مثل متوطن از شما باشد؛ و او را مثل خود محبت نما زیرا که شما در زمین مصر غریب بودید؛ من یهوه خدای شما هستم؛ در عدل هیچ بی انصافی نکنید؛ یعنی در پیمان؛ تادر وزن؛ یا در پیمان؛ ترازوها راست؛ و سنگهای راست و ایفه راست و هین راست بدارید؛ من یهوه خدای شما هستم؛ که شما را از زمین مصر بیرون آوردم!!! پس جمع فرایض مرا و احکام مرا نگاه دارید؛ و آنها را بجا آورید من یهوه هستم (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب نوزدهم)

خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را بگو: هر کسی از بنی اسرائیل یا از غریبان که در اسرائیل ما را آگزیند!!! از ذریت خود بمولک بدهد البته کشته بشود؛ قوم زمین او را با سنگ سنگسار کند؛ و من روی خود را به ضد آن شخص خواهم گردانید؛ و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت!!! زیرا که از ذریت خود بمولک داده است؛ تا مکان مقدس مرا نجس سازد؛ و نام قدوس مرا بی حرمت کند!!! و اگر قوم زمین چشمان خود را از شخص بپوشانند؛ و وقتی که ذریت خود بمولک داده باشد و او را نکشند؛ آنگاه من روی خود را بضمیمه شخص خواهم گردانید؛ و او را همه کسانی را که در عقب او زنا کار شده؛ در پیری مولک زنا کرده اند!!! از میان قوم ایشان منقطع خواهم ساخت؛ و کسیکه بسوی صاحبان اجنه و جادوگران توجه نماید تا در عقب ایشان زنا کند!!! من روی خود را بضمیمه آن شخص خواهم گردانید؛ و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت؛ پس خود را تقدیس نمائید و مقدس باشید؛ زیرا که من یهوه خدای شما هستم؛ و فرایض مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید من یهوه هستم که شما را تقدیس مینمایم!!! و هر کسی که پدر و مادر خود را لعنت کند البته کشته شود!!! چونکه پدر و مادر خود را

لعنت کرده است خویش بر خود او خواهد بود! کسیکه بازن دیگری زنا کند! یعنی هر کس بازن همسایه خود زنا نماید! زانی؛ زانیه البته کشته شود! کسیکه بازن پدر خود بخوابد و عورت پدر خود را کشف نماید! هر دو البته کشته شوند! خون ایشان بر خودشان است؛ و اگر کسی با عروس خود بخوابد هر دو ی ایشان البته کشته شوند؛ فاحشگی کرده اند خون ایشان بر خود ایشان است! و اگر مردی با مردی مثل بازن بخوابد هر دو فحور کرده اند هر دو ی ایشان البته کشته شوند! خون ایشان بر خود ایشان است؛ و اگر کسی زنی و مادرش را بگیرد؛ این قباحت است او و ایشان با آتش سوخته شود؛ تا در میان شما قباحتی نباشد! و مردی که بابهیمة جماع کند البته کشته شود؛ و زنی که ببهیمة نزدیک شود با او جماع کند! آن زن و ببهیمة را بکش البته کشته شوند! خون آنها بر خود آنهاست! و کسیکه خواهر خود را خواه دختر پدرش؛ و خواه دختر مادرش باشد بگیرد! و عورت او را ببیند و عورت وی را ببیند این رسوائی است!!! در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شوند؛ چونکه عورت خواهر خود را کشف کرده است! متحمل گناه خود خواهد بود؛ کسیکه بازن حیض بخوابد؛ عورت او را کشف نماید؛ او چشمه او را کشف کرده است و او چشمه خون خود را کشف نموده است! هر دو ی ایشان را میان قوم خود منقطع خواهند شد!!! و عورت خواهر یا خواهر پدرش را کشف مکن! آنکس خویش خود را عریان ساخته؛ ایشان متحمل گناه خود خواهند بود! و کسیکه بازن عمومی خود بخوابد؛ عورت عمومی خود را کشف کرده متحمل گناه خود خواهد بود؛ و کسیکه زن برادر خود را بگیرد این نجاست است؛ عورت برادر خود را کشف کرده است بیگس خواهد بود؛ پس جمیع فرایض مرا و جمیع احکام مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید!!! تا زمینی که من شما را به آنجا می آورم؛ تا در آن ساکن شوید شما را قی نکند؛ و برسوم قوم هائی که من آنها را از پیش شما بیرون میکنم رفتار ننمائید؛ زیرا که جمیع این کارها را کردند؛ پس ایشان را مکروه داشتیم؛ و بشما گفتم: شما وارث این زمین خواهید بود و آن را بشما خواهیم داد؛ و وارث آن بشوید؛ زمینی که بشیر و شهد جاریست!!! من یهوه خدای شما هستم؛ که شما را از امتها امتیاز کرده ام؛ پس در میان بهایم ظاهرو

نجس؛ و در میان مرغان نجس و طاهرا امتیاز کنید؛ و جانهای خود را ببهیمه یا مرغ یا بهیچ چیزیکه بر زمین میخرد مکروه مسازید؛ که آنها را برای شما جدا کرده ام تا نجس باشند!!! و برای من مقدس باشید؛ زیرا که من یهوه قدوس هستم!!! و شما را امته امتیاز کرده ام تا از آن من باشید! **ومرد وزنی که صاحب اجته یا جادوگر باشد؛ البته کشته شوند؛ ایشان را بسگ سنگسار کنید!!! خون ایشان بر خود ایشان است!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم)

و خداوند بموسی گفت: بکاهنان یعنی پسران هارون را خطاب کرده به ایشان بگو: کسی از شما برای مردگان خود را نجس نسازد؛ جز برای خویشان نزدیک خود یعنی برای مادرش و پسرش و دخترش و برادرش!!! و برای خواهر باکره خود که قریب او باشد و شوهر ندارد؛ برای او خود را نجس تواند کرد؛ چونکه در قوم خود رئیس است خود را نجس سازد!!! تا خویشتن را بی عصمت نماید سر خود را بی مونسازد؛ و گوشه های ریش خود را نتراشند؛ و بدن خود را مجروح ننمایند برای خدای خود مقدس باشند و نام خدای خود را بی حرمت ننمایند!!! **زیرا که هدایای آتشین خداوند؛ و طعام خدای خود را ایشان میگذارند پس مقدس باشند؛ زن زانیه یا بی عصمت را نکاح ننماید! وزن مطلقه از شوهرش را نگیرند؛ زیرا که او برای خدای خود مقدس است!!! پس او را تقدیس نما زیرا که او طعام خدای خود را میگذراند؛ پس برای تو مقدس باشد؛ زیرا که من یهوه که شما را تقدیس میکنم قدوس هستم!!! و دختر هر کاهنیکه خود را بفاحشگی بی عصمت ساخته باشد؛ پدر خود را بی عصمت کرده با آتش سوخته شود! و آنکه از میان برادرانش رئیس گهنه باشد؛ که بر سر او روغن مسح ریخته شده؛ و تحصیص گردیده باشد تا لباس را بپوشد؛ موی سر خود را نگشاید و گریبان خود را چاک نکند!!! و نزد هیچ شخص مرده نرود!!! و برای پدر خود و مادر خود را نجس نسازد؛ و از مکان مقدس بیرون نرود؛ و مکان مقدس خدای خود را بی عصمت نسازد!!! زیرا که تاج روغن مسح خدای او بروی میباید من یهوه هستم!!!**

واوزن باکره نکاح کند!!! او بیوه ومطلقه وبی عصمت وزانیه را نگیرد؛ فقط باکره از قوم خود را بزنی بگیرد؛ وذریت خود را در میان قوم بی عصمت نسازد؛ من یهوه هستم که او را مقدس میسازم؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون را خطاب کرده بگو: هرکس از اولاد تو در طبقات ایشان که عیب داشته باشد نزدیک نیاید؛ تا طعام خدای خود را نگذرانند!!! پس هرکسیکه عیب دارد نزدیک نیاید! نه مرد کور و نه لنگ و نه پهن بینی و زاید الاعضاء و نه کسیکه شکسته پایشکسته دست باشد؛ و نه کوز پشت و نه کوتاه قد و نه کسی در چشم خود لگه دارد و نه صاحب چرب و نه کسیکه کری دارد و نه شکسته بیضه؛ هرکس از اولاد هارون کاهن که عیب داشته باشد نزدیک نیاید؛ هدایای آتشین خداوند را نگذرانند!!! چونکه معیوب است برای گذرانیدن طعام خدای خود را خواه آنچه قدس اقداس است خواه از آنچه مقدس است! بحجاب داخل نشود و بمذبح نزدیک نیاید چونکه معیوب است تا مکان مقدس مرا بی حرمت نسازد من یهوه هستم که اشیاء را تقدیس میکنم! موسی هارون و پسرانش و تمامی بنی اسرائیل را چنین گفت:

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست یکم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را بگو: که از موقوفات بنی اسرائیل که برای من وقف میکنند احتراز نمایند؛ و تمامی قدوس مرا بی حرمت نسازند من یهوه هستم؛ به ایشان بگو: هرکس از همه ذریت شما در نسل های شما؛ که به موقوفاتی که بنی اسرائیل برای خداوند وقف نمایند؛ نزدیک بیاید و نجاست او بر وی باشد؛ آنکس از حضور من منقطع خواهد شد من یهوه هستم؛ هر که از ذریت هارون که میروص؛ یا صاحب جریان باشد تا ظاهر نشود از چیزهای مقدس نخورند!!! و کسیکه هر چیزی را که از میت نجس شود لمس نماید؛ و کسیکه منی از وی درآید؛ و کسیکه هر حشرات را که از آن نجس میشود

لمس نماید!!! یا آدمی را که از او نجس میشود از هر نجاستی دارد؛ پس کسیکه یکی از اینها را لمس نماید تا شام نجس باشد؛ و تا بدن خود را با آب غسل ندهد از چیزهای مقدس نخورد!!! و چون آفتاب غروب کند آنگاه ظاهر خواهد بود!!! و بعد از آن از چیزهای مقدس بخورد چونکه خوراک وی است؛ میتة یادریده را نخورد تا از آن نجس شود من یهوه هستم!!! پس وصیت مرا نگاه دارد مبادا سبب آن متحمل گناه شوند!!! و اگر آن را بیحرمت نماید بمیرد؛ من یهوه هستم که ایشان را تقدیس مینمایم؛ هیچ غریبی چیزی مقدس نخورد؛ و مهمان کاهن و مزدور او چیز مقدس نخورد؛ اما اگر کاهن کسی را بخرد زر خرید او باشد او آن را بخورد؛ و خانه زاد او نیز هر دو خوراک را بخورد!!! و دختر کاهن اگر منکوحه مرد غریب باشد از هدایای مقدس نخورد؛ و دختر کاهن که بیوه یا مطلقه بشود و الاد نداشته؛ بخانه پدر خود مثل طفولیتش برگردد خوراک پدر خود را بخورد؛ لیکن هیچ غریبی از آن نخورد؛ و اگر کسی سهواً چیز مقدس را بخورد؛ پنج یک بر آن اضافه کرده آن چیز مقدس را بکاهن بدهد؛ چیزهای مقدس بنی اسرائیل را که برای خداوند میگذرانند بیحرمت نسازد؛ و بخوردن چیزهای مقدس ایشان را متحمل جرم گناه نسازند؛ زیرا من یهوه هستم که ایشان را مقدس تقدیس مینمایم؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش و جمیع بنی اسرائیل را!!! خطاب کرده به ایشان بگو: هر کس از خاندان اسرائیل و از غریبانی که در اسرائیل باشند!!! که قربانی خود را بگذرانند؛ خواه یکی از نذرهای ایشان خواه یکی از نوافل ایشان؛ که آن را برای قربانی سوختنی نزد خداوند میگذرانند تا شما مقبول شوید؛ آن را بزبی عیب از گاویا از گوسفند بگذرانید!!! هر چه را که عیب دارد مگذرانید برای شما مقبول نخواهد شد!!! و اگر کسی ذبیحة سلامتی برای خداوند بگذرانند!!! خواه برای وفای نذر خواه برای نافلة؛ چه از رمه چه از گله آن بی عیب باشد؛ تا مقبول بشود البته هیچ عیب در آن نباشد؛ کور شکسته یا مجروح یا آبله دار یا صاحب چرب یا کوژ!!! تا کری اینها را برای خداوند مگذارید؛ و از اینها هدیه آتشین برای خداوند بر منبج مگذرانید؛ اما گاویا گوسفند که زاید!!! یا ناقص اعضاء باشد؛ آن را بر نوافل بگذران لیکن برای نذر قبول

نخواهد شد؛ و آنچه را که بیضه کوفته یا فشرده یا شکسته یا بریده باشد برای خداوند نزدیک میاورید؛ و در زمین خود قربانی مگذرانید؛ و از دست غریب نیز طعام خدای خود را از هیچ یک از اینها مگذرانند زیرا که فساد آنها در آنهاست چونکه عیب دارند؛ برای شما مقبول نخواهد شد!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: چون گاویا گوسفندیا بزرائیده شود هفت روز نزد مادر خود بماند!!! و در روز هشتم و بعد برای قربانی هدیه آتشین نزد خداوند مقبول خواهد شد؛ اما گاویا گوسفندان را با بچه اش در یک روز ذبح نمائید؛ و چونکه ذبیحه تشکر برای خداوند ذبح کنید تا مقبول شوید؛ در همان روز خورده شود و چیزی از آن تا صبح نگاه ندارید من یهوه هستم!!! پس او امر مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید؛ من یهوه هستم و نام قدوس مرا بی حرمت مسازید؛ و در میان بنی اسرائیل تقدیس خواهم شد!!! من یهوه هستم که شمارا تقدیس مینمایم!!! و شما را از زمین مصر بیرون آوردم؛ تا خدای شما باشم من یهوه هستم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و دوم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: موسم های خداوند که آنها محفل های مقدس خواهید خواند اینها موسم من میباشد!!! شش روز کار کرده شود و در روز هفتم سبت آرامی و محفل مقدس باشد هیچ کار مکنید؛ آن در همه مسکن های شما سبت برای خداوند است؛ اینها موسم های خداوند و محفل های مقدس میباشد؛ که آنها را در وقت های آنها اعلان باید کرد!!! در ماه اول در روز چهاردهم ماه بین العصرین فصیح خداوند است! و در روز پانزدهم این ماه عید فطیر برای خداوند است هفت روز فطیر بخورید؛ در روز اول محفل مقدس برای شما باشد هیچ کار از شغل مکنید!!! هفت روز هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید؛ و در روز هفتم محفل مقدس باشد هیچ کار از شغل مکنید!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون بز مینی که من بشما میدهم داخل شوید و محصول آن را درو کنید؛ آنگاه بافه نوبر خود را نزد کاهن بیاورید؛ بافه را بحضور خداوند بجنبانید؛

تا شما مقبول شود؛ در فردای بعد از سبت کاهن آن را بجنباند؛ و در روز که شما بافه را میجنبانید!!! بره یک ساله بی عیب برای قربانی سوختنی بحضور خداوند بگذرانید؛ و هدیه آردی آن دو عشر آرد نرم سرشته بروغن خواهد بود، تا هدیه آتشین و عطر خوشبو برای خداوند باشد!!! و ریختنی آن چهار یک هین شراب خواهد بود؛ و نان و خورشهای تازه مخورید؛ تا همان روز که قربانی خدای خود را بگذرانید؛ این برپشتهای شما در همه مسکنهای شما فریضة ابدی خواهد بود از افرادی آن سبت از روزی که بافه جنبانیدنی را آورده باشد برای خود بشمارید! تا هفت روز تمام بشود تا فردای بعد از سبت هفتم پنجاه روز بشمارید!!! و هدیه آردی تازه برای خداوند بگذرانید!!! در مسکن های خود دو نان جنبانیدنی از دو عشر بیاورید، از آرد نرم باشد و با خمیر مایه پخته شود؛ تا نوبت برای خداوند باشد!!! و همراه نان هفت بره یک گوساله بی عیب و دو قوچ و آنها با هدیه آردی!!! و هدیه ریختنی آنها قربانی سوختنی برای خداوند خواهد بود؛ و هدیه آتشین و عطر خوشبو برای خداوند؛ و یک بز نر برای قربانی گناه و دو بره نریک ساله برای ذبیحة سلامتی بگذرانید!!! و کاهن آنها را با نان توپر جهت هدیه جنبانیدنی؛ بحضور خداوند با آن دو بره بجنبانید؛ تا برای خداوند جهت کاهن مقدس باشد؛ و در همان روز منادی کنید که برای شما محفل مقدس باشد و هیچ کار از شغل مکنید؛ در همه مسکن های شما برپشتهای شما فریضة ابدی باشد؛ و چون محصول زمین خود را درو کنید گوشه های مزرعه خود را تمام درو مکن!!! و حصاد خود را خوشه چینی منما آنها را برای فقیر و غریب بگذار؛ من یهوه خدای شما هستم!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: در ماه هفتم در روز اوّل!!! ماه آرامی سبت برای شما خواهد بود؛ یعنی یادگاری نواختن کرناها و محفل مقدس؛ هیچ کار از شغل مکنید؛ و هدیه آتشین برای خداوند بگذارید!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: در همین ماه هفتم روز کقاره است این برای شما محفل مقدس باشد!!! جان های خود را ذلیل سازید؛ و هدیه آتشین برای خداوند بگذارید!!! و در همان

روز هیچ کار مکنید!!! زیرا که روز کفاره است تا برای شما بحضور یهوه خدای شما کفاره شود؛ و هر کسی که در همان روز خود را دلیل نسازد؛ از قوم خود منقطع خواهد شد؛ و هر کسی که در همان روز هرگونه کاری بکند؛ آن شخص را از میان قوم او منقطع خواهم ساخت؛ هیچ کار مکنید برای پشتهای شما در همه مسکن های شما فریضة ابدی است؛ این برای شما سبت آرامی خواهد بود؛ پس جان های خود را دلیل سازید!!! در شام روز نهم از شام تا شب خود را نگاه دارید؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: در روز پانزدهم این ماه هفتم؛ عید خیمه ها هفت روز برای خداوند خواهد بود؛ در روز اول محفل مقدس باشد هیچ کار از شغل مکنید!!! هفت روز هدیه آتشین برای شما باشد؛ و هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید؛ این تکمیل عید است هیچ کار از شغل مکنید! این موسم های خداوند است که در محفل های مقدس را اعلان بکنید؛ تا هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید؛ یعنی قربانی سوختنی و هدیه آردی و ذبیحه و هدایای ریختنی؛ مال هر روز را در روزش سوای سبت های خداوند؛ و سوای عطایای خود و سوای جمیع نذرهای خود؛ و سوای همه نوافل خود که برای خداوند می دهید!!! در روز پانزدهم ماه هفتم؛ چون شما محصول زمین را جمع کرده باشید؛ عید خداوند را هفت روز نگاه دارید؛ در روز اول آرامی سبت خواهد بود؛ و در روز هشتم آرامی سبت!!! و در اول روز میوه درختان نیکو برای خود بگیرد!!! و شاخه های خرما درختان پر برگ و بیره های نهر و بحضور یهوه خدای خود هفت روز شادی نمائید!!! و آن را هر سال هفت روز برای خداوند عید نگاه دارید؛ برای پشتهای شما فریضة ابدی است که ماه هفتم آن را عید نگاه دارید؛ هفت روز در خیمه ساکن باشید!!! همه متوطنان در اسرائیل ساکن شوند تا طبقات شما بدانند که من بنی اسرائیل را وقتیکه ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم؛ در خیمه ساکن گردانیدم من یهوه خدای شما هستم؛ پس موسی بنی اسرائیل را از موسم های خداوند خبر داد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و سوم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: که بنی اسرائیل را امر بفرما روغن زیتون صاف کوبیده شده برای روشنایی بگیرند؛ تا چراغ را دائماً روشن کنند؛ هارون آن را بیرون حجاب شهادت!!! درخیمه اجتماع از شام تا صبح بحضور خداوند پیوسته بیاراید!!! در پشتهای شما فریضة ابدی است!!! چراغها را بر چراغدان طاهر بحضور خداوند پیوسته بیاراید؛ و آرد نرم را بگیر و از آن دوازده گرده پیز برای هر گرده دو عشر باشد؛ و آنها را بدو صفت هر صفت شش بر میز طاهر بحضور خداوند بگذار؛ بر هر صفت بخور صاف بنه؛ تا بجهت یادگاری برای نان و هدیه آتشین باشد برای خداوند در هر روز سبت همیشه بحضور خداوند بیاراید؛ از جانب اسرائیل عهد ابدی خواهد بود؛ و از آن هارون و پسرانش خواهد بود تا آن را در مکان مقدس بخورند!!! زیرا که هدایای آتشین خداوند!!! بفریضة ابدی وی قدس اقداس خواهد بود؛ و پسرزن اسرائیلی که پدرش مرد مصر بود؛ در میان بنی اسرائیل بیرون آمده؛ و پسرزن اسرائیلی با مرد در لشکرگاه جنگ کردند!!! و پسرزن اسرائیلی اسم را کفر و لعنت کرد!!! او را نزد موسی آوردند؛ و نام مادر او شلومیت دختر دبری از سبط دان بود؛ و او را در زندان انداختند؛ تا از دهن خداوند اطلاع یابند!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: آن کس را که لعنت کرده است بیرون لشکرگاه ببر؛ و همه آنانیکه شنیدند دستهای خود را بر سر وی به نهند! و تمامی جماعت او را سنگسار کنند!!! و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: هر کسیکه خدای خود را لعنت کند؛ متحمل گناه خود خواهد بود!!! و هر کسیکه اسم یهوه را کفر گوید هر آینه کشته شود! و تمامی جماعت او را تالبتّه سنگسار کنند!!! خواه غریب خواه متوطن چونکه اسم را کفر گفته است کشته شود؛ و کسیکه آدمی را بزند که بمیرد التّه کشته شود!!! و کسیکه بهیمه را بزند که بمیرد! عوض آن را بدهد بجان عوض؛ و کسیکه همسایه خود را عیب رسانده باشد؛ چنانکه او کرده باشد با او کرده خواهد شد! شکستگی! چشم عوض چشم! دندان عوض دندان! چنانکه به آن شخص عیب رسانیده! همچنان به او رسانیده شود!!! شما را یک حکم خواهد بود خواه غریب خواه متوطن!!! زیرا که من

یَهُوه خدای شما هستم!!! و موسی بنی اسرائیل را خبر داد و آن را که لعنت کرده بود؛ بیرون لشکرگاه بردند!!! و او را بسنگ سنگسار کردند!!! پس بنی اسرائیل چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بعمل آوردند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و چهارم)

و خداوند موسی را در کوه سینا خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون شما بزمینی که بشما میدهم داخل شوید؛ آنگاه زمین سبت خداوند را نگاه بدارید؛ شش سال مزرعه خود را بکار!!! و شش سال تاکستان خود را با ارزش بکن و محصولش را جمع کن؛ در سال هفتم سبت آرامی برای زمین باشد؛ یعنی سبت برای خداوند مزرعه خود مکار؛ و تاکستان خود با ارزش خود نما!!! آنچه از خود دور باشد دور مکن!!! و انگورهای موبارزش ناکرده خود را مچین؛ سال آرامی برای زمین باشد؛ و سبت زمین خوراک بجهت شما خواهد بود؛ برای تو و برای علامت و کنیزت و مزدورت و غریبی که نزد تو مأوا گزیند و برای بهایمت و برای جانورانی که در زمین تو باشند؛ همه محصولش خوراک خواهد بود؛ و برای خود هفت سبت سالها بشمارید!!! یعنی هفت در هفت سال! و مدت هفت سبت سالها؛ برای تو چهل و نه سال خواهد بود؛ و در روز دهم از ماه هفتم!!! در روز کفاره کرّناى بلند آواز را بگردان!!! در تمامی زمین خود کرّنا را بگردان؛ در تمامی زمین خود را کرّنا را بگردان؛ سال پنجاهم را تقدیس نمائید! و در زمین رای جمع ساکنانش آزادی را اعلان کنید؛ این برای شما یوبیل خواهد بود!!! و هر کس از شما بملک خود برگردد!!! و هر کس از شما بقبیله خود برگردد این سال پنجاهم برای شما یوبیل خواهد بود!!! زراعت مکنید و حاصل خود را روی آن رامچینید؛ و انگورهای موبارزش ناکرده آن رامچینید؛ چونکه یوبیل است برای شما مقدس خواهد بود؛ محصول آن را در مزرعه بخورید!!! در این یوبیل هر کس از شما بملک خود برگردد؛ و اگر چیزی بهمسایه خود بفروشد؛ یا

چیزی از دست همسایه ات بخری یکدیگر را مغبون مسازید!!! برحسب شماره سالهای بعد از یوبیل خود بخر!!! و برحسب سالهای محصولش بتو بفروشد!!! برحسب زیادتی سالها قیمت آن را زیاد کن؛ و برحسب کمی سالها قیمتش را کم! زیرا که شماره حاصل را بتو خواهد فرخت؛ و یکدیگر را مغبون مسازید و از خدای خود بترس من یهوه خدای شما هستم؛ پس فرایض مرا بجا آورید و احکام مرا نگاه داشته آنها را بعمل آورید؛ تا در زمین به امنیت ساکن شوید و زمین بار خود را خواهد داد؛ و بسیاری خواهید خورد در آن ساکن خواهید بود؛ اگر گوئید: در سال هفتم چه بخوریم؟! زیرا اینک نمیکاریم و حاصل خود را جمع نمیکنیم؛ پس در سال ششم برکت خود را بر شما خواهیم فرمود و محصول سه سال خواهد داد! و در سال هشتم بکارید و از محصول کهنه تا سال نهم بخورید؛ تا حاصل آن برسد کهنه را بخورید و زمین بفروش ابدی نرود زیرا که زمین از آن من است؛ و شما نزد من غریب و مهمان هستید؛ و در تمامی زمین ملک خود برای زمین فکاک بدهید؛ اگر برادر تو فقیر شده بعضی از ملک خود بفروشد؛ آنگاه ولی او که خویش نزدیک او باشد نیاید!!! و آنچه را که بردارت میفروشد انفکاک نماید!!! و اگر کسی ولی ندارد و بر خود دار شده قدر فکاک آن را پیدا نماید!!! آنگاه سالهای فروش آن را بشمارد آنچه را که زیاده است!!! به آن کسیکه فروخته بود زیاده نماید و او بملک خود برگردد؛ و اگر نتواند برای خودش بگیرد؛ آنگاه آنچه فروخته است بدست خریدار آن تا سال یوبیل نماند!!! و در یوبیل رها خواهد شد!!! و او بملک خود خواهد برگشت؛ و اگر کسی خانه سکونتی در شهر حصار دار بفروشد؛ تا یک سال تمام بعد از آن فروختن آن حق انفکاک آن یکسال خواهد بود!!! و اگر در مدت یکسال تمام آنرا انفکاک ننماید؛ پی آن خانه در شهر حصار دار است! برای خریدار آن نسل بعد نسل برقرار باشد در یوبیل رها نشود؛ لیکن خانه های دهات که حصار گرد خود ندارد!!! یا مزرعه های آن زمین شمرده شود!!! برای آنها حق انفکاک هست و در یوبیل رها خواهد شد؛ و اما شهرهای لاویان خانه های شهرهای ملک ایشان؛ حق انفکاک آنها همیشه برای لاویان است؛ و اگر

کسی از لایوان بخرد پس آنچه فروخته شده است! از خانه یا از شهر ملک او در یوبیل رها خواهد شد؛ زیرا که خانه های شهرهای لایوان در میان بنی اسرائیل ملک ایشان است؛ مزرعه های حوالی شهرهای ایشان فروخته نشود؛ زیرا که این برای ایشان ملک ابدی است؛ اگر برادرت فقیر شده نزد توتی دست باشد؛ او را مثل غریب و مهمان دستگیری نما تا با تو زندگی نماید! **از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی نماید؛ نقد خود را با سود و ربا مده!!!** و خوراک خود را ربا و سود مده! من یهوه خدای شما هستم!!! که شما را از زمین مصر بیرون آورده ام؛ تا زمین کنعان را بشما بدهم و خدای شما باشم؛ و اگر برادرت نزد تو فقیر شده خود را بتو بفروشد بر او مثل غلام خدمت مگذار!!! مثل مزدور و مهمان نزد تو باشد!!! و تا سال یوبیل نزد تو خدمت نماید!!! آنگاه از تو بیرون رود خود او و پسرانش همراه وی بخاندان خود برگردد!!! و بملک پدران خود رجعت نماید؛ زیرا که ایشان بندگان منند؛ که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم!!! و مثل غلام فروخته نشوند بر او بسختی حکم رانی من از خدای خود بترس!

و اما غلامانت و کنیزانت که برای تو خواهند بود؛ از امتهایی که به اطراف تومی باشند از ایشان غلامان و کنیزان بخرید!!! و هم از پسران مهمانانی که نزد شما مأواگزینند! و از قبیله های ایشان که نزد ایشان را در زمین تولید نمودند؛ و مملوک شما خواهند بود!!! و ایشان را بعد از خود برای پسران خود واگذارید!!! تا ملک موروثی باشند تا به ابد مملوک سازید؛ اما برادران شما بنی اسرائیل هیچکس بر برادر خود بسختی حکم رانی نکند! و اگر غریب با مهمان نزد شما بر خوردار گردد؛ و برادرت نزد او فقیر شد به آن غریب یا مهمان تو؛ بابه نسل خاندان آن غریب خود را بفروشد؛ بعد از فروخته شدنش برای وی انفکاک میباشد!!! یکی از برادرانش او را انفکاک نماید؛ یا عمویش او را انفکاک نماید یا یکی از خویشان او از خاندانش او را انفکاک نماید؛ یا خود او اگر بر خوردار گردد؛ خویشتن را انفکاک نماید!!! و یا آن کسی که او را خرید از سالی که خود را فروخت!!! تا سال یوبیل حساب کند نقد فروش او؛ بر حسب شماره سالها باشد موافق روزهای مزدور

نزد او باشد؛ اگر سالهای بسیار باقی باشد بر حسب آنها نقداً انفکاک خود!!! را از فروش خود پس بدهد؛ و اگر تا سال یوبیل سالهای کم باقی باشد؛ با وی حساب بکند؛ بر حسب سالهایش نقداً انفکاک خود را رد نماید!!! مثل مزدوری که سال بسال اجیر باشد نزد او بماند!!! و در نظر تو سختی بروی حکمرانی نکند؛ و اگر با اینها انفکاک نشود پس در سال یوبیل رها شود!!! هم خود او و پسرانش همراه وی!!! زیرا که برای من بنی اسرائیل غلام اند و ایشان غلام من میباشند!!! که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم من یهوه خدای شما هستم!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی، سفر لاویان باب بیست و پنجم)

برای خود بُت ها مسازید؛ تمثال تراشیده!!! و ستونی بجهت خود برپا نمائید؛ و سنگی مصور در زمین خود مگذارید تا به آن سجده کنید!!! زیرا که من یهوه خدای شما هستم؛ سبت های مرا نگاه دارید و مکان مقدس مرا احترام نمائید؛ من یهوه هستم؛ اگر در فرایض من سلوک نمائید و اوامر مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید؛ آنگاه باران های شمار در موسم آنها خواهم داد!!! و زمین محصول خواهد آورد؛ و درختان صحراء میوه خود را خواهد داد!!! و کوفتن خرمن شما تا چیدن انگور خواهد رسید؛ و چیدن انگور تا کاشتن تخم خواهد رسید!!! و نان خود را بسیری خورده؛ در زمین خود با امنیت سکونت خواهید کرد!!! و بزمین سلامتی خواهم داد و خواهید خوابید؛ و ترساننده نخواهد بود؛ و حیوانات موذی را از زمین نابود خواهم ساخت؛ و شمشیر از زمین شما گذرن خواهد کرد؛ و دشمنان خود را تعاقب خواهد کرد؛ و ایشان پیش روی شما از شمشیر خواهد افتاد؛ و پنج نفر از شما صدرا تعاقب خواهند کرد؛ و صد از شما هزار را خواهند راند؛ و دشمنان شما پیش روی شما پیش از شمشیر خواهند افتاد! و بر شما التفات خواهم کرد؛ و شما را بارور گردانیده شما را کثیر خواهم ساخت! و عهد خود را با شما استوار خواهم نمود!!! و غله کهنه پارینه را خواهید خورد؛ و کهنه را برای نو بیرون خواهید

آورد؛ و مسکن خود را در میان شما برپا خواهم کرد؛ و جانم شمارا مگروه نخواهد داشت! **و در میان شما خواهم خرامید! و خدای شما خواهم بود!!! و شما قوم من خواهید بود؛ من یهوه خدای شما هستم؛ که شمارا از زمین مصر بیرون آوردم تا ایشان را غلام نباشید؛ و بندهای یوغ شمارا شکستم و شمارا راست روان ساختم؛** و اگر مرا نشنوید و جمیع این اوامر را بجا نیاورید؛ و اگر فرایض مرا رد نمایند و دل شما احکام مرا مگروه دارد! تا تمامی اوامر را بجا نیاورده عهد مرا بشکنید! من این را بشما خواهم کرد که خوف وسلّ و تب که را چشمان را فنا سازد و جان را تلف کند بر شما مسلط خواهم ساخت! و تخم خود را بیفایده خواهید کاشت!!! و دشمنان شما آن را خواهند خورد؛ و روی خود را بصدّ شما خواهم داشت!!! و پیش روی دشمنان خود منهدم خواهید شد! و آنانیکه از شما نفرت دارند!!! بر شما حکمرانی خواهند کرد؛ و بدون تعاقب کننده فرار خواهید نمود؛ و اگر با وجود این همه اوامر مرا نشنوید!!! آنگاه شما برای گناهان شما هفت مرتبه زیاده سیاست خواهم کرد! **و فخر قوت شمارا خواهم شکست و آسمان شمارا مثل آهن و زمین شمارا مثل مس خواهم ساخت!!! و قوت شما در بطالت صرف خواهد شد!!! زیرا که زمین بشما حاصل خود را نخواهد داد!!! و درختان زمین میوه خود را نخواهد آورد! و اگر بخلاف رفتار نموده از شنیدن ابا نماید آنگاه بر حسب گناهانتان هفت چندان بلایای زیاده بر شما عارض گردانم! و وحوش صحراء را بر شما فرستم تا شمارا بی اولاد سازند!!! و بهایم شما را هلاک کنند و شما را شماره کم سازند!!! و شاهراه های شمارا ویران خواهد کرد!!! و اگر با این همه از من تنبّه نشده بخلاف من رفتار کنید!!! آنگاه من نیز بخلاف شما رفتار خواهم کرد!!! و شمارا برای گناهانتان هفت چندان سزا خواهم داد!!! و بر شما شیری خواهم آورد که انتقام عهد مرا بگیرد!!! و چون بشهرهای خود جمع شوید و بلارا در میان شما خواهم فرستاد!!! و بدست دشمن تسلیم خواهید شد؛ و چون عصای نان را بشکنم! ده زن نان شمارا در یک تنور خواهند پخت! و نان شمارا بشما بوزن پس خواهند داد!!! و چون بخورید سیر نخواهید شد! و اگر با وجود این مرا نشنوید و بخلاف من رفتار نمائید!!! آنگاه به غضب بخلاف شما**

رفتار خواهم کرد؛ و من نیز برای گناهانتان شمارا هفت چندان سیاست خواهم کرد! و گوشت پسران خود را خواهید خورد!!! و گوشت دختران خود را خواهید خورد! و مکانهای بلند شمارا خراب خواهم ساخت! و اصنام شمارا قطع خواهم کرد! و لاشهای شمارا بر لاشهای بُتهای شما خواهم افکند!!! و جان من شمارا مکروه خواهد داشت! و شهرهای شمارا خراب خواهم ساخت؛ مکانهای مقدس را ویران خواهم کرد؛ و بوی عطرهاى خوشبوی شمارا نخواهم بونید!!! و من زمین را ویران خواهم ساخت بحدیکه دشمنان شما که در آن ساکن باشند!!! متحیر خواهند شد! و شمارا در میان امتهای پراکنده خواهم ساخت؛ و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید!!! و زمین شما ویران و شهرهای شما را خراب خواهم کرد! آنگاه زمین در تمامی روزهای ویرانیش!!! حینیکه شما در زمین دشمنان خود باشید! از سبتهای خود تمتع خواهید برد پس زمین آرامی خواهد یافت!!! و از سبتهای خود تمتع خواهد بود! تمامی روزهای ویرانیش آرامی خواهد یافت! یعنی آن آرامی که در سبت های شما حینیکه در آن ساکن میبودید نیافته بود! و مادر دل‌های بقیه شما در زمین دشمنان شما ضعف خواهم فرستاد! و آواز برگ رانده شده ایشان را خواهید گریزانید! و بدون تعاقب کننده مثل کسیکه از شمشیر فرار کند! خواهند گریخت و خواهند افتاد!!! و بر روی یکدیگر مثل ازدم شمشیر خواهند ریخت!!! با آنکه کسی تعاقب نکند و شمارا یاری مقاومت با دشمنان خود نخواهد بود! و در میان امتهای هلاک خواهید شد!!! و زمین دشمنان شما را خواهد خورد؛ و بقیه شما در زمین دشمنان خود در گناهان خود فانی خواهد شد؛ و در گناهان پدران خود نیز فانی خواهد شد! پس بگناهان پدران خود و بگناهان پدران خود در خیانتی که بمن ورزیده! و سلوکی که بخلاف من نموده اند اعتراف خواهید کرد!!! از این سبب من نیز بخلاف ایشان رفتار نمودم!!! و ایشان را به زمین دشمنان ایشان آوردم! پس اگر دل نامختون ایشان متواضع شود! و سزای گناهان خود را بپذیرند!!! آنگاه عهد خود را با یعقوب بیاد خواهم آورد، و عهد خود را با اسحق نیز؛ و عهد خود را با ابراهیم نیز بیاد خواهم آورد؛ و آن زمین را بیاد خواهم آورد! زمین از ایشان ترک خواهد شد و چون از ایشان ویران باشد!

از سبب های خود تمتع خواهد برد و ایشان سزای گناه خود را خواهند پذیرفت! بسبب این که احکام مرا رد کردند! و دل ایشان فرایض مرا مکروه داشت! و با وجود این همه نیز چون در زمین دشمنان خود باشند! من ایشان را رد نخواهم کرد؛ و ایشان را مکروه نخواهم داشت تا ایشان را هلاک کنم؛ و عهد خود را با ایشان بشکنم!!! زیرا که من یهوه خدای ایشان هستم؛ بلکه برای ایشان عهد اجداد ایشان را بیاد خواهم آورد! که ایشان را در نظراتها از زمین مصر بیرون آوردم؛ تا خدای ایشان باشم من یهوه هستم! این است فرایض و احکام! شرایعی که خداوند در میان خود!!! و بنی اسرائیل در کوه سینا بدست موسی قرارداد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست و ششم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به!!! ایشان بگو: چون کسی نذر مخصوص نماید!!! نفوس بر حسب بر آوردن آن خداوند باشند؛ و اگر بر آورد تو بجهت ذکور بیست تا شصت ساله باشد بر آورد تو! پنجاه مثقال نقره قدس خواهد بود! و اگر اناث باشد بر آورد توستی مثقال خواهد بود! و اگر از پنج ساله تا بیست ساله باشد بر آورد تو بجهت ذکور بیست مثقال! و به جهت اناث ده مثقال خواهد بود! و اگر از یک ماهه تا پنج ساله باشد بر آورد تو! بجهت اناث بر آورد توسته مثقال خواهد بود! و اگر از شصت ساله و بالاتر باشد! اگر ذکور باشد آنگاه بر آورد تو؛ پانزده مثقال و برای اناث ده مثقال خواهد بود؛ و اگر از بر آورد توفقیتر باشد پس او را بحضور کاهن حاضر کنند؛ و کاهن برایش بر آورد کند و کاهن بمقدار قوت آنکه نذر کرده برای وی بر آورد نماید!!! و اگر بهیمة باشد از آنهایی که برای خداوند قربانی میگذرانند!!! و هر چه را که کسی از آنها بخداوند بدهد مقدس خواهد بود! آن را مبادله ننماید و خوب را ببد یابد را بخوب عوض نکنند؛ و اگر بهیمة مبادله کند هم آن و آنچه به عوض آن داده شود؛ هر دو مقدس خواهد بود؛ اگر هم قسم بهیمة نجس باشد؛ و آن قربانی برای

خداوند نمیگذارند؛ آن بهیمه را پیش کاهن حاضر کند؛ و کاهن آن را چه خوب و چه بد قیمت کند؛ و بر حسب برآورد توای کاهن چنین باشد؛ و اگر آن را فدیه دهد پنج یک برآورد تو زیاد دهد؛ و اگر کسی خانه خود را وقف نماید تا برای خداوند مقدس شود؛ کاهن آن را چه خوب چه بد برآورد کند؛ و بطوری که کاهن آن را برآورده کرده باشد همچنان بماند؛ وقف کننده بخواد خانه خود را فدیه دهد پس پنج یک بر نقد برآورد تو زیاد کند و از آن او خواهد بود؛ و اگر کسی قطعه از زمین ملک خود را برای خداوند وقف نماید؛ آنگاه برآورد تو موافق زراعت آن باشد زراعت یک حومر جو به پنجاه مثقال نقره باشد؛ اگر زمین خود را از سال یوبیل وقف نماید؛ موافق برآورد تو برقرار باشد؛ و اگر زمین خود را بعد از یوبیل وقف نماید؛ آنگاه کاهن نقد آن را موافق سالهایی که؛ تا سال یوبیل باقی میباشد؛ برای وی بشمارد و از برآورد تو تخفیف شود؛ و اگر آنگاه زمین را وقف کرد بخواد آن را فدیه دهد؛ پس پنج یک از نقد برآورد تو را بر آن بیفزاید و برای وی برقرار شود و اگر نخواهد زمین را فدیه دهد!!! یا اگر زمین را بدیگری فروخته باشد؛ بعد از آن فدیه داده نخواهد شد؛ و آن زمین چون در یوبیل رها شود مثل زمین وقف برای خداوند مقدس خواهد بود؛ ملکیت آن برای کاهن است؛ و اگر زمین را که خریده باشد که از زمین ملک او نبود برای خداوند وقف نماید؛ آنگاه کاهن مبلغ برآورد تو را تا سال یوبیل برای وی بشمارد؛ و در آن روز برآورد تو را مثل وقف خداوند بوی بدهد؛ و آن زمین در سال یوبیل بکسیکه از او خرید شده بود؛ خواهد برگشت یعنی بکسیکه آن زمین ملک مورثی وی بود؛ هر برآورد تو موافق مثقال قدس باشد که بیست جیره یک مثقال است؛ لیکن نخست زاده از بهایم برای خداوند نخست زاده شده باشد، هیچکسی آن را وقف ننماید خواه گاو خواه گوسفند از آن خداوند است؛ و اگر از بهایم نجس باشد آنگاه آن را بر حسب برآورد تو؛ فدیه دهد و پنج یک بر آن بیفزاید؛ و اگر فدیه داده نشود پس موافق برآورد تو فروخته شود! اما هر چیزی که کسی برای خداوند وقف نماید؛ از کلّ مایملک خود چه از انسان چه از بهایم چه از زمین ملک خود فروخته شود؛ و نفدیه داده شود زیرا که هر چه وقف باشد؛ برای خداوند قدّوس است؛ هر وقتی که از انسان باشد!!!

فدیه داده نشود البته کشته شود؛ و تمامی ده یک زمین چه از تخم زمین چه از میوه درخت آن خداوند است!!! و برای خداوند مقدس میباشد؛ و اگر کسی از ده یک خود چیزی فدیه دهد پنج یک آن را بیفزاید؛ و تمامی ده یک گاو و گوسفند یعنی هر چه زیر عصا بگردد؛ همه برای خداوند مقدس خواهد بود! در خوبی و بدی آن تفحص ننماید و آن را مبادله نکند هم آن و هم بدل آن مقدس خواهد بود و فدیه داده نشود؛ این است اوامری که خداوند بموسی برای بنی اسرائیل در کوه سینا امر فرموده بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر لاویان باب بیست هفتم)

نکاتی از مؤلف: از متن تورات سفر لاویان!!! یعنی در نظریه یهودیان بنی اسرائیل تورات موسی میباشد ۱- شراب و هر مسکری حرام است؛ ۲- گوشت شتر حرام و نجس است؛ ۳- بوقلمون و شتر مرغ حرام و نجس است؛ ۴- بنی اسرائیل بادیوها زنا میکردند؛ ۵- جان هر جسد در خون اوست؛ ۶- ازدواج کردن با خواهر و پدر زن و عروس و عمه حرام است!!! (ولی ابراهیم خواهرش سارا بزنی گرفته و ازدواج کرده است! و پدر موسی و هارون عمه خود را بزنی گرفته و ازدواج کرده است! و یهودا با عروس زنا کرده است! و پسران یعقوب با زنان پدر خود زنا کرده اند! و آمنون با خواهر خود زنای عنفی کرده است؛ و لوط با دختران خود زنا کرده است؛ که نوشتجات قبل وجود دارند!!! هر گونه زناکار خواه مرد و خواه زن باشد سنگسار شوند؛ و لواط کننده و لواط دهنده باید کشته شوند؛ ۹- هر کسی پدر و مادر خود را لعنت کند باید کشته شود؛ ۱۰- هر کسی که با حیوانات جماع و نزدیکی کند باید کشته شود؛ ۱۱- زن جادوگر و مرد جادوگر باید سنگسار شوند؛ ۱۲- زن مطلقه برای خداوند مقدس است؛ ۱۳- خداوند تو را در سفر لاویان طعام میخورد!!! قصاص در تورات سفر لاویان بطور کامل وجود دارد که اعضاء در عوض اعضاء؛ جان در عوض جان باید قصاص شود ۱۵- ربا در تورات سفر لاویان کاملاً حرام و قدغن است؛ ۱۶- در تورات فعلی

خرید و فروش برده غلام و کنیز کاملاً آزاد و حلال است؛ ۱۷- نژاد پرستی یهود
 یان بنی اسرائیل در اساس دین آنهاست؛ که در تورات فعلی؛ کاملاً محرز و آشکار
 را وجود دارد و نوشته شده است؛ ۱۸- خداوند تورات فرموده است که
 یهودیان را در میان امتهای جهان پراکنده خواهم کرد؛ ۱۹- در تورات فعلی؛
 سفر لویان از انسان قربانی؛ و وقف و نذر کردن مجاز و حلال است؛ ۲۰- آیا این
 کتاب مقدس عهد عتیق، اصل تورات موسی و هارون میباشد؟ ۲۱- در تورات فعلی
 حدّ و جرم زنا و لواط کشتن و سنگسار است؛ چرا یهودیان صهیون نیزم و نژاد
 پرستی تورات فعلی؟ از اول تا بحال یک زناکار و لواط کار را سنگسار نکردند و
 نکشتند؟؟ اثباتاً و حتماً بتورات خودشان ایمان و عقیده و باور ندارند؛ که احکام
 و قوانین را اجرا نکردند؛ که اثباتاً بکتاب مقدس عهد عتیق و به تورات فعلی؛
 ایمان و باور ندارند؛ که بهمین خاطر دروغگو و کذاب و کفار بودند و هستند!!!

تورات سفر اعداد یعنی سفر چهارم از اسفار خمسۀ تورات فعلی

در روز اول ماه دوم از سال دوم از بیرون آمدن ایشان از زمین مصر خداوند در
 بیابان سینا در خیمه اجتماع موسی را خطاب کرده گفت: حساب تمامی جماعت
 بنی اسرائیل را بر حسب قبایل!!! و خاندان آبای ایشان بشماره اسم های همه
 ذکوران؛ موافق سرهای ایشان بگیرید! از بیست ساله و زیاده هر که از اسرائیل
 بجنگ بیرون میرود!!! تو و هارون ایشان را بر حسب افواج ایشان بشمارید؛ و
 همراه یک نفر از هر سبط باشد؛ که هر یک رئیس خاندان آبایش باشد؛ و اسمهای
 کسانی که باشما بایستند این است!!! از رَأُوبین اَلِیصُور بن شَدِیئور؛ و از شمعون
 شَلُومِیئیل بن صُوریشَدای!!! و از یهوذا نَحْشُون بن عَمیناداب؛ و از یساشا کارنَتا نِیل
 بن صُوعر؛ و از زَبُولُون اَلِیّا بن حِیلُون؛ و از بنی یوسف از افرایم اَلِیشَمَع بن عَم
 یهوُد؛ و از مَنَسِی جَمِیئیل بن فَد هصُور؛ و از بنیامین ابیدان بن جَد عُونی؛ و از دان
 اَخِیعَز بن عَمِیشَدایی؛ و از آشیر فَجِعیئیل بن عُسَراَن؛ و از جاد اَلِیاساف بن دَعُو
 نِیل؛ و از نَفْتالی اَخیرَع بن عینان؛ اینان اند دعوت شدگان جماعت و سروران
 اسباط آبای ایشان؛ و رؤئسای هزارهای اسرائیل!!! موسی و هارون این کسان
 را بنام معین شدند گرفتند؛ و در روز اول ماه دوم تمامی جماعت را جمع کرده!!!

نسب نامه های ایشان را برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان بشماره اسمها از بیست ساله و بالاتر موافق سرهای ایشان خواندند؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده: بودایشان را در بیابان سینا بشمرد؛ و آما انساب بنی را و بین نخست زاده اسرائیل؛ برحسب قبایل خاندان آباء ایشان؛ موافق نامها و سرهای ایشان این بود! هر ذکور از بیست ساله و بالاتر جمیع کسانی که برای جنگ بیرون میرفتند و شمرده شدگان!!! ایشان از سبط را و بین چهل شش هزار و پانصد نفر بودند!!! و انساب بنی شمعون برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان!!! کسانی که از ایشان شمرده شدند موافق شماره و سرهای ایشان این بود هر ذکور از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت شمرده شدگان ایشان را سبط شمعون پنجاه و نه هزار و سیصد نفر بودند!!! و انساب بنی جاد برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان!!! موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفتند!!! شمرده شدگان ایشان از سبط جاد چهل و پنج هزار و ششصد پنجاه نفر بودند!!! و از انساب یهودا برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط یهودا هفتاد و چهار هزار و شش صد نفر بودند!!! و انساب بنی یساکار برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط یساکار پنجاه و چهار هزار و چهارصد نفر بودند؛ و انساب بنی زبولون برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان!!! موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت!!! شمرده شدگان از ایشان از سبط زبولون پنجاه و چهار هزار و چهارصد نفر بودند!!! و انساب بنی زبولون برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان!!! موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط زبولون پنجاه و هفت هزار و چهارصد نفر بودند و انساب بنی یوسف از بنی آفرایم برحسب قبایل و خاندان آباء ایشان!!! موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت!

شمرده شدگان ایشان از سبط آفرایم چهل هزار و پانصد نفر بودند؛ و انساب بنی منسی بر حسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط منسی سی و دو هزار و دویست نفر بودند؛ و انساب بنی بنیامین بر حسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر برای جنگ بیرون می رفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط بنیامین سی و پنج هزار و چهارصد نفر بودند؛ و انساب بنی دان بر حسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط دان شصت و دو هزار و هفتصد نفر بودند!!! و انساب آشیر بر حسب قبایل و خاندان آباء ایشان؛ موافق شماره اسمها از بیست ساله و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت؛ شمرده شدگان ایشان از سبط آشیر چهل و یک هزار و پانصد نفر بودند؛ و از انساب بنی نفتالی و خاندان آباء ایشان موافق شماره اسمها از بیست ساله!!! و بالاتر هر کس برای جنگ بیرون میرفت!!! اینانند شمرده شدگانی که موسی و هارون؛ بادوا زده نفر از سروران اسرائیل!!! که یک نفر برای هر خاندان آباء ایشان بود شمرده شدند؛ و تمامی شمرده شدگان بنی اسرائیل بر حسب خاندان آباء ایشان؛ از بیست ساله و بالاتر هر کسی از بنی اسرائیل که برای جنگ بیرون میرفت!!! همه شمرده شدگان ششصد و سه هزار و پانصد و پنجاه نفر بودند!!! اما لویان بر حسب سبط آباء ایشان؛ در میان آنها شمرده نشدند؛ زیرا که خداوند موسی را خطاب کرده گفت: اما سبط لوی را مشمار؛ و حساب ایشان را در میان بنی اسرائیل مگیر؛ لیکن لویان را بر مسکن شهادت و تمامی اسبابش؛ و بر هر چه علاقه به آن دارد بگمارد؛ و ایشان مسکن و تمامی اسبابش را بردارند؛ و ایشان آن را خدمت نمایند؛ و به اطراف مسکن خیمه زنند؛ چون مسکن روانه شود لویان آن را پائین بیاورند؛ و چون مسکن افراشته شود؛ لویان آن را برپا نمایند و غریبی که نزدیک آن آید کشته شود!!! و بنی اسرائیل هر کس در محله خود!

و هر کس نزد علم خویش؛ بر حسب افواج خود خیمه زنند؛ و لاویان به اطراف مسکن شهادت خیمه زنند؛ مبادا غضب بر جماعت بنی اسرائیل بشود؛ و لاویان شعائر مسکن شهادت را نگاه دارد!!! پس بنی اسرائیل چنین کردند و بر حسب آنچه خداوند موسی را امر فرموده بود بعمل آوردند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب اول)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: هر کسی از بنی اسرائیل؛ نزد علم و نشان خاندان آبی خویش خیمه زند!!! در برابر و اطراف خیمه اجتماع خیمه زنند؛ و بجانب مشرق بسوی طلوع آفتاب اهل علم محله یهودا بر حسب افواج خود خیمه زنند؛ و رئیس بنی یهودا نحشون بن عمیناداب باشد!!! فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ هفتاد و چهار هزار و ششصد نفر بودند!!! و سبط یساکارد ر پهلوی او خیمه زند و رئیس بنی یساکار نتائیل بن صوغر باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ پنجاه هزار و چهارصد نفر بودند؛ و سبط زبولون آلیاب بنی حلیون باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ پنجاه و هفت هزار و چهارصد نفر بودند؛ جمیع شمرده شدگان محله یهودا بر حسب افواج ایشان صد و هشتاد و شش هزار و چهارصد نفر بودند؛ و ایشان اول کوچ کنند، و بر جانب جنوب علم محله را و بین افواج ایشان باشد؛ و رئیس بنی راوین آلصور بن شد یئور باشد و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ چهل و شش هزار و پانصد نفر بودند؛ و در په لوی او سبط شمعون خیمه زنند؛ و رئیس بنی شمعون شلومئیل بن صوریشدای باشد!!! و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ پنجاه و نه هزار و سیصد نفر بودند؛ و سبط جاد و بنی جاد و آلیاساف بن رعوییل باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ چهل و پنج هزار و ششصد و پنجاه و یک هزار و چهارصد و پنجاه نفر بودند؛ و ایشان دوم کوچ کنند!!! و بعد از آن خیمه اجتماع با محله لاویان در میان محله ها کوچ کند چنانکه خیمه میزنند!!! همچنان هر کس در جای خود نزد علمهای خویش کوچ کند!!! و بطرف مغرب علم محله آفرایم بر حسب افواج ایشان؛ و

رئیس بنی افرايم اليشمع بن عميهو باشد!!! فوج او که از ایشان شمرده شدند
چهل هزار و پانصد نفر بودند!!! و در پهلوى اوسبط منسى و رئیس بنى منسى
جملئيل بن فدهور باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده شد؛ سی و دو هزار و
دویست نفر بودند!!! و اوسبط بنیامین و رئیس بنى بنیامین آیدان بن جدعونی
باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده شدند؛ سی و پنج هزار و چهارصد نفر بودند؛
جميع شمرده شدگان محله افرايم بر حسب افواج ایشان صد و هشت هزار و
یکصد نفر بودند!!! و ایشان سوم کوچ کننده!!! و بر طرف شمالی علم محله دان
بر حسب افواج ایشان؛ و رئیس بنى دان آخیزر بن عمیشدای باشد!!! و فوج او
که از ایشان شمرده شدند!!! شصت و دو هزار و هفتصد نفر بودند!!! و در پهلوى
ایشان سبط آشیرخیمه زندهور رئیس بنى آشیرفجعیئیل بن عگران باشد؛ و فوج
او که از ایشان شمرده شدند؛ چهل و یک هزار و پانصد نفر بودند؛ و سبط و رئیس
نفتالی و رئیس بنى نفتالی آخیرع بن عینان باشد؛ و فوج او که از ایشان شمرده
شدند؛ پنجاه و سه هزار و چهارصد نفر بودند!!! جميع شمرده شدگان محله دان؛
صد و پنجاه و هفت هزار و ششصد نفر بودند!!! ایشان نزد علمهای خود در عقب
کوچ کنند؛ اینانند شمرده شدگان بنى اسرائیل!!! بر حسب خاندان آباى ایشان!
جميع شمرده شدگان محله هاموافق افواج ایشان؛ ششصد و سه هزار و پانصد
و پنجاه نفر بودند!!! اما لاویان چنانکه خداوند بموسى امر فرموده بود؛ در میان
بنى اسرائیل شمرده نشدند!!! بنى اسرائیل موافق هرچه خداوند بموسى امر
فرموده بود عمل نمودند؛ با این طور نزد علمهای خود خیمه میزدند!!! و با اینطور
هرکسى بر حسب قبایل خود با خاندان آباى خود کوچ میکردند!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب د و م)

**این است انساب هارون و موسی در روزی که خداوند در کوه سینا!!! با موسی
متکلم شد؛ و نامهای پسران هارون این است! نخست زاده اش ناداب و آبیهو و
آعازار و ایتامار؛ این است نامهای پسران هارون که گهته که مسح شده بودند!!!
که ایشان را برای کهانت تخصیص نمود!!! اما ناداب و آبیهو در حضور خداوند**

مردند!!! هنگامیکه ایشان در بیابان سینا آتش غریب بحضور خداوند گذرانیدند و ایشان را پسری نبود و آعازار و ایتامار بحضور پدر خود هارون کهانت مینمودند؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: سبط لاوی را نزدیک آورده؛ ایشان را پیش هارون کاهن حاضر کن تا او را خدمت نمایند؛ و ایشان شعائر او و شعائر تمامی جماعت را پیش خیمه اجتماع نگاه داشته خدمت مسکن را بجا آورد؛ و جمیع اسباب خیمه اجتماع و شعائر بنی اسرائیل را نگاه داشته؛ خدمت مسکن را بجا آوردند؛ و لاویان را به هارون و پسرانش بده؛ زیرا که ایشان از جانب بنی اسرائیل بالکل بوی داده شدند!!! و هارون و پسرانش را تعیین نما!!! تا کهانت خود را بجا بیاورند؛ و غریبی که نزدیک آید کشته شود؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: که اینک من لاویان را از میان بنی اسرائیل به عوض هر نخست زاده از بنی اسرائیل که رحم را بگشاید گرفتم؛ پس لاویان از آن من میباشند؛ زیرا جمیع نخست زادگان از آن من اند؛ و در روزی که همه نخست زادگان زمین را کشتم؛ جمیع نخست زادگان اسرائیل را خواه انسان؛ و خواه از بهایم برای خود تقدیس نمودم؛ پس از آن من میباشند من یهوه هستم؛ و خداوند موسی را از بیابان سینا خطاب کرده گفت: بنی لاوی را بر حسب خاندان آبای و قبایل ایشان بشمار؛ هر ذکور ایشان را از یک ماهه و زیاده بشمار؛ پس موسی بر حسب قول خداوند چنانکه مأمور شد ایشان را شمرد!!! و پسران لاوی موافق نامهای ایشان اینانند!!! جرشون و قهات و مراری!!! و نامهای بنی جرشون بر حسب قبایل ایشان!!! ابن لبئی و شمعی و پسران قهات بر حسب قبایل ایشان عَمرام و یصهار و حبرون و عزینیل؛ و پسران مراری بر حسب قبایل ایشان محلی و موشی بودند!!! اینانند قبایل لاویان بر حسب خاندان آبای ایشان؛ از جرشون قبیله لبئی و قبیله شمعی اینانند قبایل جرشونیان!!! و شمردگان ایشان شماره همه ذکور آن از یک ماهه و بالاتر شمردند؛ شدگان ایشان؛ هفت هزار و پانصد نفر بودند؛ قبایل جرشونیان در عقب مسکن بطرف مغرب خیمه زنده؛ و سرور خاندان آبای جرشونیان آلیاساف بن لایل باشد!!! و ودیعت بنی جرشون در خیمه اجتماع مسکن؛ خیمه!!! پوشش

آن؛ و پرده دروازه خیمه اجتماع باشد! و تجیرهای صحن و پرده دروازه صحن که پیش روی مسکن؛ و بطرف مذبح است و طنابهایش با هر خدمت آنها!!! و از قهات قبیله عمّامیان و قبیله یصهاریان و قبیله حبرونیان و قبیله عزّیئیلیان قبایل قهاتیان؛ بشماره همه ذکوران از یک ماهه و با لاتر هشت هزار و ششصد نفر بودند! که ودیعت قدس را نگاه میداشتند!!! قبایل بنی قهات بطرف جنوب مسکن خیمه زنند!!! و سرور خاندان آبی قهاتیان آلیصافان بن عزّیئیل باشد و ودیعت ایشان تابوت و میز و شمعدان و مذبح ها و اسباب قدس که با آنها خدمت میکنند و حجاب و هر خدمت آن باشد و سرور سرورات آل عازار بن هارون کاهن باشد؛ و نظارت نگهبانان خدمت قدس او را خواهد بود؛ و از مراری قبیله مَحلیان و قبیله موشیان اینانند قبایل مراری!!! و شمرده شدگان ایشان و شماره!!! همه ذکوران از یک ماهه و با لاتر شش هزار و دو بیست نفر بودند؛ و سرور خاندان آبی قبایل مراری صوریئیل بن ابیحایل باشد!!! و ایشان بطرف شمالی مسکن!!! خیمه زنند!!! و ودیعت معین بنی مراری تختهای مسکن و پشت بندهایش و ستونهایش و پایهایش و تمامی اسبابش با تمامی خدمتش باشد؛ ستونهای اطراف صحن و پایهای آنها و میخها و طنابهای آنها! و پیش مسکن بطرف مشرق!!! و پیش روی خیمه اجتماع بطرف طلوع شمس!!! موسی و هارون و پسرانش خیمه زنند!!! و نگهبانی بنی اسرائیل را بدارند؛ و غریبی که نزدیک بیاید کشته شود!!! و جمیع شمرده شدگان لاویان که موسی و هارون ایشان را!!! بر حسب قبایل ایشان و فرمان خداوند شمرند؛ همه ذکوران از یک ماهه و با لاتر بیست و دو هزار نفر بودند! و خداوند بموسی گفت: جمیع نخست زادگان نرینه بنی اسرائیل را از یک ماهه و با لاتر بشمار و حساب نامهای ایشان را بگیر!!! و لاویان را به عوض همه نخست زادگان بنی اسرائیل برای من که یهوه هستم بگیر! و بهایم لاویان را بعوض همه نخست زادگان بهایم بنی اسرائیل!!! پس موسی چنان که خداوند او را امر فرموده بود! همه نخست زادگان بنی اسرائیل شمرد!!! جمیع نخست زادگان نرینه! بر حسب شماره اسمهای شمرده شدگان ایشان!!! از یک

ماهه و بالاتر بیست و دو هزار و دو بیست و هفتاد و سه نفر بودند؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: لاویان را بعوض جمیع نخست زادگان بنی اسرائیل؛ و بهایم لاویان را بعوض ایشان بگیر! و لاویان از آن من خواهند بود من یهوَه هستم! و اما درباره فدیة دو بیست و هفتاد و سه نفر! از نخست زادگان بنی اسرائیل که بر لاویان زیادند!!! پنج مثقال برای هر سری بگیر؛ آن را موافق مثقال قدس که بیست جیره یک مثقال باشد بگیر! نقد و فدیة آنانیکه از ایشان زیادند! به هارون و پسرانش بده! پس موسی نقد فریة را از آنانیکه زیاد بودند بر کسانیکه لاویان فدیة آنها شده بودند گرفت!!! و از نخست زادگان بنی اسرائیل نقد را که! هزار و سیصد و شصت و پنج مثقال موافق قدس باشد گرفت!!! و موسی نقد فدیة را بر حسب قول خداوند؛ چنانکه خداوند موسی را امر فرموده: بود به هارون و پسرانش داد!!!

(ار کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سوم)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: حساب بنی قهات را از میان بنی لاوی بر حسب قبایل و خاندان آبی ایشان بگیر!!! از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله! هر که داخل خدمت شود تا در خیمه اجتماع کار کند! و خدمت بنی قهات در خیمه اجتماع کار قدس الاقداس باشد! و هنگامیکه اردو کوچ میکنند هارون و پسرانش داخل شود! پوشش حجاب را پائین بیاورد! و تابوت شهادت را با آن بپوشانند! و بر آن پوشش پوست خز آبی بگذارند! و جامه که تمامی آن لاجوردی باشد بالای آن پهن بوده!!! چوب دستهایش را بگذارند؛ و بر میزبان تقدّمه جامه لاجوردی بگسترانند؛ و بر آن بشقابها و قاشق ها و کاسه ها و پیاله های ریختنی را بگذارند!!! و نان دائمی بر آن باشد!!! و جامه قرمز بر آنها گسترانیده!!! آن را بپوشش پوست خز بپوشانند؛ و چوب دستهایش را بگذارند!!! و جامه لاجوردی گرفته شمعدان روشنایی و چراغهایش و گلگیرهایش و سینیهایش و تمامی ظروف روغنش را که با آنها خدمتش میکنند بپوشانند!!! و آن را و همه اسبابش

را درپوشش پوست خزگذارده؛ برچوب دستی بگذارده؛ برمذبح زرین جامه لاجوردی گسترانیده؛ آن را بپوشش پوست خزپوشاند؛ وچوب دستهایش را بگذرانند؛ وتمامی اسبابش خدمت راکه به آنها درقدس خدمت میکنند گرفته؛ آنها را درجامه لاجوردی بگذرانند؛ و آنها را بپوشش پوست خزپوشانده؛ برچوب دست بنهند!!! و مذبح را از خاکستر خالی کرده جامه ارغوانی بر آن بگسترانند و جمیع ایشان راکه به آنها خدمت آن رامیکنند؛ یعنی مجمرها و چنگالها و خاک اندازها و کاسه هاهمه اسباب مذبح را بر روی آن بنهند؛ و بر آن پوشش پوست خز گسترانیده؛ چوب دستهایش را بگذرانند؛ و چون هارون و پسرانش؛ در هنگام کوچ کردن اردو پوشانیدن قدس و تمامی اسباب قدس فارغ شدند؛ بعد از آن پسران قهات برای برداشتن آن بیایند!!! اما قدس را لمس ننمایند مبادا بمیرند!!! این چیزها از خیمه اجتماع حمل بنی قهات میباشد؛ و ودیعت آلعازار بن هارون کاهن روغن بجهت روشنائی و بخور خوشبو و هدیه آردی دایمی و روغن مسح!!! و نظارت تمام مسکن میباشد؛ با هر چه در آن است خواه قدس؛ خواه از اسبابش و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: سبط قبایل قهات را از میان!!! لایان منقطع مسازید؛ بلکه با ایشان چنین رفتار ننمائید؛ تا چون به قدس اقداس نزدیک آیند زنده بمانند و نمیرند!!! هارون و پسرانش داخل آن بشوند!!! و هر یکی از ایشان را بخدمت و محل خود بگمارند!!! و اما ایشان بجهت دیدن قدس لحظه هم داخل نشوند مبادا بمیرند! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: حساب بنی جرشون را نیز بر حسب خاندان آبای و قبایل ایشان بگیر! از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله ایشان را بشمار هر کس داخل شود!!! تا در خیمه اجتماع بشغل!!! بپردازد و خدمت نماید! این است خدمت قبایل بنی جرشون در خدمت گذاری و حمل! که تجیرهای مسکن و خیمه اجتماع را!!! با پوشش پوست خز که بر بالای آن است پرده خیمه اجتماع را بردارند! و تجیرهای صحن و پرده داخل دروازه صحن که پیش مسکن!!! و به اطراف مذبح است و طنابهای آنها و همه اسباب خدمت آنها و هر چه به آنها باید کرده شود ایشان بکنند!!! و تمامی خدمت بنی

جَرشُون در هر حمل و خدمت ایشان بفرمان هارون و پسرانش بشود!!! و جمیع
 حملهای ایشان را برایشان ودیعت گذارید! این است خدمت قبایل بنی جَرشُون
 در خیمه اجتماع!!! و نظارت ایشان بدست ایتامار بن هارون کاهن باشد؛ و بنی
 مَراری را بر حسب قبایل!!! خاندان آباى ایشان بشمار!!! از سی ساله و بالاتر تا
 پنجاه ساله هر کس بخدمت داخل شود تا کار اجتماع را بنماید ایشان را بشمار
 این است ودیعت حمل ایشان در تمامی خدمت! ایشان در خیمه اجتماع تختهای
 مسکن! و پشت بندهایش و ستونهایش و پایهایش و ستونهای اطراف صحن و
 پایهای آنها و میخها و طنابهای آنها با همه اسباب آنها و تمامی خدمت آنها؛ پس
 اسباب ودیعت حمل ایشان را بنام ها حساب کنید!!! این است خدمت قبایل بنی
 مَراری در تمامی خدمت ایشان؛ در خیمه اجتماع زیر دست ایتامار بن هارون کاهن
 موسی و هارون و سروران جماعت بنی قهات را بر حسب قبایل و خاندان!!!
 آباى ایشان شمردند!!! از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله؛ هر کس بخدمت داخل
 میشد تا در خیمه اجتماع مشغول شود؛ و شمرده شدگان ایشان؛ بر حسب قبایل
 ایشان دو هزار و هفتصد و پنجاه نفر بودند!!! اینانند شمرده شدگان قبایل قهاتیان
 هر کس در خیمه اجتماع کار میکرد!!! موسی و هارون را بر حسب آنچه خداوند
 بواسطه موسی فرموده بود شمردند!!! و شمرده شدگان بنی جَرشُون بر حسب
 قبایل خاندان آباى ایشان؛ از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله!!! هر کس بخدمت
 داخل میشد تا در خیمه اجتماع کار کند!!! و شمرده شدگان ایشان بر حسب قبایل
 و خاندان آباى ایشان! دو هزار و ششصد و سی نفر بودند؛ و اینانند شمرده شدگان
 قبایل بنی جَرشُون هر کس در خیمه اجتماع کار میکردند!!! که موسی و هارون
 ایشان را بر حسب فرمان خداوند شمردند!!! و شمرده شدگان قبایل بنی مَراری
 بر حسب قبایل و خاندان آباى ایشان! از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله!!! هر کس
 بخدمت داخل میشد تا در خیمه اجتماع کار کند!!! و شمرده شدگان ایشان بر
 حسب قبایل ایشان سه هزار و دویست نفر بودند!!! اینانند شمرده شدگان قبایل

بنی مَراری!!! که موسی و هارون ایشان را برحسب آنچه خداوند بواسطه!!! موسی فرموده بود شمردند!!! جمیع شمرده شدگان لایوان که موسی و هارون و سروران اسرائیل ایشان را؛ برحسب قبایل و خاندان آبای ایشان شمردند؛ از سی ساله و بالاتر تا پنجاه ساله؛ هرکس داخل میشد تا کار خدمت و کار حملها را درخیمه اجتماع کند؛ شمرده شدگان ایشان هشت هزار و پانصد و هشتاد نفر بودند!!! برحسب فرمان خداوند بواسطه موسی هرکس موافق خدمتش حملش!!! شمرده شد!!! و چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود و ایشان را شمرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب چهارم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را امر فرما که مبروص را و هرکس جریان دارد؛ و هرکس از میتة نجس شود؛ از آرد و اخراج کنند؛ خواه مرد و خواه زن ایشان را اخراج نمائید! بیرون از آرد و ایشان را اخراج نمائید!!! تا آردوی خود را جایی که من در میان ایشان ساکن هستم نجس نسازید!!! و بنی اسرائیل چنین کردند؛ و آن کسانی را که بیرون از آرد و اخراج کردند!!! چنانکه خداوند موسی گفته بود بنی اسرائیل به آنطور عمل نمودند!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را بگو: هرگاه مرد یا زنی بهر کدام از جمیع گناهها نشان مرتکب شده!!! بخداوند خیانت و زرد آن شخص مجرم شد؛ آنگاه گناهی را که کرده اعتراف بنمائید!!! و اصل جرم را ردّ نماید؛ و خمس آن بر آن مزید کرده بکسیکه بر او جرم نموده است بدهند! و اگر آن کس را ولی نباشد که جرم به او داده شود؛ آنگاه دیه جرمی که برای خداوند داده میشود از آن کاهن خواهد بود!!! علاوه بر قوچ کفاره که به آن درباره وی کفاره میشود؛ و هر هدیه افراشتنی از همه موقوفات بنی اسرائیل که نزد کاهن آورد از آن او باشند!!! و موقوفات هرکی از آن او خواهد بود؛ و هرچه که کسی بکاهن بدهد از آن او باشد؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را!!! خطاب کرده به ایشان بگو: هرگاه زن کسی از او برگشته خیانت ورزد!!! و مردی دیگر با او هم بستر شود و این از چشمان شوهرش پوشیده و مستور باشد!!! آن زن نجس میباشد

و اگر بر او شاهی نباشد!!! و در عین فعل گرفتار نشود؛ و روح غیرت بر او بیاید و بزنی خود غیور شود و آن زن نجس شده باشد! یا روح غیرت بر او بیاید و!!! پس آن مرد زن خود را نزد کاهن بیاورد!!! و بجهت او برای هدیه یک عشاریفه آورد جوین و روغن بر آن نریزد و کند بر آن ننهد!!! زیرا که هدیه غیرت است و هدیه یادگار که گناه را بیاد می آورد! و کاهن او را نزدیک آورده بحضور خداوند برپا دارد و کاهن آب مقدس در ظرف سفالین بگیرد! و کاهن قدری از غباری که بر زمین مسکن باشد گرفته بر آب پاشد!!! و کاهن زن را که بحضور خداوند برپا داشته موی سر او را باز کند؛ و هدیه یادگار را که هدیه غیرت باشد بدست آن زن بگذارد و آب تلخ لعنت بدست کاهن باشد بدست آن زن بگذارد؛ و آب تلخ لعنت بدست کاهن باشد!!! و کاهن بزنی قسم داده بگوید: اگر کسی با تو هم بستر نشده و اگر بسوی نجاست بکسی غیر از شوهر خود برنگشته!!! پس از این آب تلخ لعنت مبراشوی!!! ولیکن به غیر از شوهر خود برگشته نجس شده!!! و کسی غیر از شوهرت با تو هم بستر شده است!!! آنگاه کاهن زن را قسم لعنت بدهد و کاهن بزنی بگوید: خداوند تو را در میان قومت مورد لعنت و قسم بسازد! یا اینکه خداوند را تو را ساقط و شکم تو را منقطع گرداند!!! و این آب لعنت در احشای تو داخل شده شکم تو را منقطع!!! و او را تو را ساقط سازد و آن زن بگوید: آمین آمین! و کاهن این لعنت ها را در طوماری بنویسد!!! و آنها را در آب تلخ محو کند؛ و آن آب لعنت تلخ را بزنی بنوشاند!!! آن آب در او داخل شده تلخ خواهد شد؛ و کاهن هدیه غیرت را از دست زن گرفته آن هدیه را بحضور خداوند بجنباند و آن را نزد مذبح بیاورد؛ و کاهن مشتی از هدیه برای یادگاری آن گرفته آن را بر مذبح بسوزاند و بعد از آن آب را بزنی بنوشاند!!! و چون آب را به او نوشاند اگر نجس شده!!! و بشوهر خود خیانت ورزیده باشد؛ آن آب لعنت داخل او شده تلخ خواهد شد! و شکم او منقطع و او را ساقط گردید و آن زن در میان قوم خود مورد لعنت خواهد بود! و اگر آن زن نجس نشده ظاهر باشد؛ آنگاه مبراشده او را بدزانی؛ این است قانون غیرت هنگامیکه زن از شوهر خود برگشته نجس شده باشد؛ یا هنگامیکه

روح غیرت بر مرد! بیاید و برزنش غیور شود؛ آنگاه زن را بحضور خداوند برپا
 بدارد و کاهن این قانون را درباره او اجرا دارد!!! پس آن مرد از گناه مبرا شود و
 زن گناه خود را متحمل خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب پنجم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان!!!
 بگو: چون مرد یا زن نذر خاصی یعنی نذر؛ نذیره بکند؛ و خود را برای خداوند
 تخصیص نماید؛ آنگاه از شراب و مسکرات پیرهیزد؛ و سرکه شراب مسکرات
 را ننوشد؛ هیچ عصیر انگور ننوشد و انگور تازه یا خشک نخورد؛ و تمامی ایام
 تخصیصش از هر چیزی که از تاک انگور ساخته شود از هسته تا پوسته نخورد
 و تمامی ایام نذر تخصیص او استره بر سر او نیاید؛ و تمامی انقضائی روزهای که
 خود را برای تخصیص نموده است؛ مقدس شده کیسهای موی سر خود را بلند
 دارد؛ و تمامی روزهایی که خود را برای خداوند تخصیص نموده است؛ نزدیک
 بدن میت نیاید؛ و برای پدر و مادر و برادر و خواهر خود هنگامیکه بمیرند خویشان
 را نجس نسازد؛ زیرا که تخصیص خدایش بر سر وی میباشد؛ تمامی روزهای
 تخصیص برای خداوند مقدس خواهد بود؛ و اگر کسی دفعه ناگهان نزد او بمیرد
 پس سر خود را در روز طهارت خویش بتراشد یعنی در روز هفتم آن را بتراشد!
 و در روز هشتم دو فاخته یا دو جوجه کبوتر نزد کاهن بدرخیمه اجتماع بیاورد! و
 کاهن یکی را برای قربانی سوختنی گذرانیده برای وی کفاره نماید! از آنچه
 بسبب میت گناه کرده است؛ سر او را در آن روز تقدیس نماید؛ روزهای تخصیص
 خود را برای خداوند از تو تخصیص نماید؛ و بره نرینه یک ساله برای قربانی
 جرم بیاورد؛ لیکن روزهای اول ساقط خواهد بود چونکه نجس شده است!!!
 این است قانون نذیره؛ چون روزهای تخصیص او تمام شود!!! آنگاه او را نزد
 دروازه خیمه اجتماع بیاورد؛ و قربانی خود را برای خداوند بگذراند؛ یعنی یک
 بره نرینه یک ساله بیعیب بجهت قربانی سوختنی؛ و یک بره ماده یک ساله
 بیعیب بجهت قربانی گناه؛ یک قوچ بیعیب بجهت ذبیحه سلامتی؛ یک سبد نان

فطیر یعنی گرده های آرد نرم سرشته شده باروغن؛ قرصهای فطیر مسح شده با روغن؛ وهدیه آردی آنها وهدیه ریختنی آنها؛ وکاهن آنها را بحضور خداوند نزدیک آورد؛ قربانی گناه و قربانی سوختنی او را بگذرانید؛ و قوچ با سبد نان فطیر بجهت ذبیحه سلامتی برای خداوند بگذرانند!!! وگناه هدیه آردی وهدیه ریختنی او را بگذرانند!!! وآن نذیره سرتخصیص خود را؛ نزد درخیمه اجتماع بتراشد؛ و موی سرتخصیص خود را گرفته؛ آن را بر آتشی که زیر ذبیحه سلامتی است بگذرانند؛ و کاهن سرودست بریان شده قوچ را بایک گرده فطیر از سبد؛ و یک قرص فطیر گرفته آنرا بردست نظیره بعد از تراشیدن سرتخصیص بگذارد و کاهن آنها را بجهت هدیه جنبانیدنی بحضور!!! خداوند بجنباند!!! این باسینه جنبانیدی و ران افراشتنی برای کاهن مقدس است!!! بعد از آن نذیره شراب بنوشد؛ این است قانون نذیره که نذر بکند؛ و قانونیکه بجهت تخصیص خود برای خداوند باید بگذرانند؛ علاوه بر آنچه دستش به آن میرسد موافق نذری که کرده باشد؛ همچنین بر حسب قانون تخصیص خود باید بکند!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون و پسرانش را خطاب کرده بگو: به اینطور بنی اسرائیل را برکت دهید و به ایشان بگوئید: یهوه تورا برکت دهد و تورا محافظت نماید یهوه روی خود را بر توتابان سازد و بر تورا رحمت کند!!! یهوه روی خود را بر توتو افرازد و تورا سلامتی بخشد؛ و نام مرا بر بنی اسرائیل بگذارند؛ و من ایشان را برکت خواهم داد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب ششم)

و در روزی که موسی از برپا داشتن مسکن فارغ شده!!! و آن را مسح نمود و تقدیس کرده!!! و تمامی اسبابش را و مذبح را با تمامی اسبابش مسح کرده؛ و تقدیس نموده بود!!! سروران اسرائیل و رؤسای خاندان آبای ایشان!!! هدیه گذرانیدند؛ و اینها رؤسای اسباط بودند که بر شمرده شدگان گماشته شدند؛ پس ایشان بجهت هدیه خود بحضور خداوند!!! شش ارابه پوشیده و دوازده گاو!!!

آوردند؛ یک اربه برای دوسروروبرای هرنفریک گاو و آنهارا پیش روی مسکن آوردند!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: اینهارا از ایشان بگیرتا برای بجا آوردن خدمت خیمه اجتماع بکارآید؛ و به لاویان بهرکس به اندازه خدمتش تسلیم نماپس موسی اربه هارا گرفته آنها را به لاویان تسلیم نمود!!! و اربه و چهارگاو بینی جرشون به اندازه خدمت ایشان تسلیم نمود!!! و چهار اربه و هشت گاو بینی مراری به اندازه خدمت ایشان بدست ایتماربن هارون کاهن تسلیم نمود؛ اما بینی قهات هیچ نداد زیرا که خدمت قدس متعلق به ایشان بود! و آن را بردوش خود بر میداشتند؛ و سرور آن بجهت تبرک مذبح در روز مسح کردن آن؛ هدیه را گذرانیدند و سروران هدیه خود را پیش مذبح آوردند؛ خداوند بموسی گفت: که هر سروری در روز نوبه خود!!! هدیه را بجهت تبرک مذبح بگذراند؛ و در روز اول نحشون بن عمیناداب از سبط یهود هدیه خود را گذرانید و هدیه او یک طبق نقره بود که وزنش صدوسی مثقال بود!!! و یک لگن نقره هفتاد مثقال قدس؛ که هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط شده باروغن بود؛ بجهت هدیه آردی و یک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور!!! و یک گاو جوان و یک قوچ و یک بره یک ساله بجهت قربانی سوختنی!!! و یک بز نربجهت قربانی گناه؛ و بجهت ذبیحه سلامتی و گاو و بره نرینه یک ساله این بود هدیه نحشون بن عمیناداب؛ و در روز دوم نتنائیل بن صوعر سرور یساکار هدیه گذرانیده!!! هدیه گذرانیده؛ یک طبق نقره بود که وزنش صدوسی مثقال بود و یک لگن نقره هفتاد مثقال موافق مثقال قدس!!! هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط باروغن بجهت هدیه آردی؛ و یک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور؛ و یک گاو جوان و یک قوچ و یک بره نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ و یک بز نربجهت قربانی گناه و بجهت ذبیحه سلامتی؛ دو گاو پنج بز و پنج بره یک ساله این بود هدیه نتنائیل بن صوعر؛ و در روز سوم ایاب بن حیلون سرور بن زبولون هدیه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود و یک لگن نقره هفتاد مثقال قدس! هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط باروغن بجهت هدیه آردی؛ و یک قاشق طلا ده مثقال

پرازبخور!!! ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بزنجهدت قربانی گناه؛ و بجهت ذبیحه سلامتی؛ دوگاو و پنج قوچ و پنج بز و پنج برّه نرینه یک ساله این بودهدیه آلیصوربن شدینور!!! در روز پنجم شلومئیل بن صوریشدای سرور!!! بنی شمعون هدیه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود ویک لگن نقره هفتاد مثقال قدس؛ هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیه آردی؛ ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بزنجهدت قربانی گناه؛ و بجهت ذبیحه سلامتی؛ دوگاو و پنج بز و پنج برّه نرینه یکساله این بود هدیه شلومئیل بن صوریشدای! و در روز ششم آلیاساف بنی دعونیل سرور بنی جاد؛ هدیه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود و یک لگن نقره هفتاد مثقال موافق مثقال قدس! هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیه آردی!!! و او یک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور!!! ویک گاوجوان یک قوچ ویک برّه نرینه!!! یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بزنجهدت قربانی گناه و بجهت ذبیحه سلامتی دوگاو و پنج قوچ و پنج بز و پنج برّه نرینه یکساله این بود هدیه آلیاساف بن دعونیل!!! و در روز هفتم آلیشمع بن عمیهود سرور بن آفرایم!!! هدیه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود؛ ویک لگن نقره هفتاد مثقال موافق مثقال قدس!!! هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیه آردی ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور!!! ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بزنجهدت قربانی گناه؛ و بجهت ذبیحه سلامتی!!! دو گاو و پنج قوچ و پنج بز و پنج برّه نرینه یکساله!!! این بودهدیه آلیشمع بن عمیهود!!! و در روز هشتم جملییل بن فدھصور سرور بنی منسی! هدیه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود ویک لگن نقره هفتاد مثقال موافق مثقال قدس!!! هر دوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیه آردی!!! ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور!!! ویک گاوجوان

ویک قوچ و یک برّه نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بز نربجهت
 قربانی گناه و بجهت ذبیحه سلامتی؛ دوگاو و پنج قوچ و پنج برّه نرینه یکساله
 این بود هدیّه جملینیل بن فدّهصُور؛ در روز نهم آیدان بن جر عونی بنی بنیامین
 هدیّه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود!!! ویک لگن نقره هفتاد
 مثقال موافق مثقال قدس؛ هردوی آنها پراز آرد مخلوط با روغن بجهت هدیّه
 آردی؛ ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور؛ ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه
 نرینه یک ساله؛ بجهت قربانی سوختنی؛ و یک بز نربجهت قربانی گناه بجهت
 ذبیحه سلامتی؛ دوگاو و پنج قوچ و پنج بز نرو پنج برّه نرینه یک ساله؛ این بود
 هدیّه آیدان بن جر عونی؛ و در روز دهم آخیعزر بن عمشدایی سرور بنی دان!!!
 هدیّه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود!!! ویک لگن نقره هفتاد
 مثقال موافق مثقال قدس!!! هردوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت
 هدیّه آردی؛ ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور؛ ویک گاوجوان ویک قوچ و
 یک برّه نرینه یک ساله!!! بجهت قربانی سوختنی؛ و یک بز نربجهت ذبیحه
 سلامتی؛ دوگاو و پنج قوچ و پنج بز نرو پنج برّه نرینه یک ساله؛ این بود هدیّه
 آخیعزر بن عمشدایی!!! و در روز یازدهم فجعیئیل بن عکران سرور بنی عکران
 هدیّه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود ویک لگن نقره هفتاد!!!
 مثقال موافق مثقال قدس هردوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیّه
 آردی!!! ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور؛ ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه
 نرینه یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بز نربجهت قربانی گناه و بجهت
 ذبیحه سلامتی دوگاو و پنج قوچ و پنج بز نرو پنج برّه نرینه یکساله؛ این بود
 هدیّه فجعیئیل بن عکران؛ در روز دوازدهم آخیرع بن عینان سرور بنی نفتالی؛
 هدیّه او یک طبق نقره که وزنش صدوسی مثقال بود!!! ویک لگن نقره هفتاد
 مثقال موافق قدس هردوی آنها پراز آرد نرم مخلوط با روغن بجهت هدیّه آردی
 ویک قاشق طلا ده مثقال پراز بخور؛ ویک گاوجوان ویک قوچ ویک برّه نرینه
 یکساله بجهت قربانی سوختنی؛ ویک بز نربجهت قربانی گناه؛ و بجهت ذبیحه

سلامتی!!! دوگاو و پنج قوچ و پنج بز و پنج بره نرینه یک ساله این بوده هدیه
 آخیرع بن عینان این بود تبرک مذبح در روز که مسح شده بود؛ از جانب سروران
 اسرائیل!!! دوازده طبق نقره و دوازده لگن نقره و دوازده قاشق!!! هر طبق
 نقره صدوسی مثقال و هر لگن هفتاد که تمامی نقره ظروف؛ دو هزار و چهار صد
 مثقال موافق مثقال قدس بود و دوازده قاشق طلا پراز بخور هر کدام ده مثقال موافق
 مثقال قدس!!! که تمامی طلای قاشقها صد و بیست مثقال بود!!! تمامی گاو
 بجهت قربانی سوختنی دوازده گاو و دوازده قوچ و دوازده بره نرینه یکساله؛
 با هدیه آردی آنها و دوازده بز و بجهت قربانی گناه و تمامی گاو بجهت ذبیحه
 سلامتی بیست!!! و چهار گاو و شصت قوچ و شصت بز و شصت بره نرینه یک
 ساله!!! این بود تبرک مذبح بعد از آنکه مسح شده بود؛ و چون موسی بخیمه
 اجتماع داخل شد تا با وی سخن گوید: آنگاه قول مرا میشنید که بالای کرسی!!!
 که بر تابوت شهادت بود از میان دو کروی بوی سخن میگفت: پس با او تکلم
 مینمود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب هفتم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هارون را خطاب کرده بوی بگو: هنگامی
 که چراغها را بر آفرازی؛ هفت چراغ شمعدان روشنائی بدهد؛ پس هارون چنین
 کرده و چراغها را بر آفراشته؛ تا پیش شمعدان روشنائی بدهد؛ چنانکه خداوند
 موسی را امر فرموده بود؛ و صنعت شمعدان این بود؛ از چرخکاری طلا از ساق
 تا گلپایش چرخکاری بود؛ موافق نمونه که خداوند بموسی نشان داده بود!!!
 بهمین طور شمعدان را ساخت؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: لایوان را
 از میان بنی اسرائیل گرفته ایشان را تطهیر نما، و بجهت تطهیر ایشان به ایشان
 چنین عمل نما؛ آن کفاره گناه را برایشان بیاش؛ و بر تمامی بدن خود را استره
 بگذرانند؛ و رخت خود را شسته خود را تطهیر نمایند!!! گاوی جوان و هدیه آردی
 آن؛ یعنی آرد نرم مخلوط با روغن بگیرند؛ و گاو جوان دیگر بجهت قربانی گناه
 بگیر؛ و لایوان را پیش خیمه اجتماع نزدیک بیاور؛ و تمامی جماعت بنی اسرائیل

را جمع کن!!! لاویان را بحضور خداوند نزدیک بیاور! و بنی اسرائیل دستهای خود را بر لاویان بگذارند؛ و هارون لاویان را از جانب بنی اسرائیل بحضور خداوند هدیه بگذارند تا خدمت خداوند هدیه بگذارند تا خدمت خداوند را بجا بیاورند؛ و لاویان دستهای خود را بر سرگاوان بنهند؛ یکی را بجهت قربانی گناه؛ و دیگری را بجهت قربانی سوختنی برای خداوند بگذارند؛ تا بجهت لاویان کفاره شود؛ و لاویان را پیش هارون و پسرانش برپابدار!!! و ایشان را برای خداوند هدیه بگذارند؛ و لاویان را از میان بنی اسرائیل جدا نما و لاویان از آن من خواهد بود؛ و بعد از آن لاویان داخل شوند تا خدمت خیمه اجتماع را بجا آورد!!! و تو ایشان را تطهیر کرده ایشانرا هدیه بگذار! **زیرا که ایشان از میان بنی اسرائیل بالکل بمن داده شدند؛ و به عوض هر گشاینده رحم یعنی بعوض همه نخست زادگان بنی اسرائیل!!! ایشان را برای خود گرفتیم!!! زیرا که جمیع نخست زادگان بنی اسرائیل؛ خواه از انسان و خواه از بهائم از آن من اند؛ در روزیکه جمیع نخست زادگان را در زمین مصر زدم؛ ایشان را برای خود تقدیس نمودم؛ پس لاویان را به عوض همه نخست زادگان بنی اسرائیل گرفتیم!!! و لاویان را از میان بنی اسرائیل به هارون و پسرانش پیشکش دادم؛ تا خدمت بنی اسرائیل را در خیمه اجتماع بجا آورند و بجهت بنی اسرائیل تقدس نزدیک آیند!!! و با بنی اسرائیل عارض نشود!!! پس موسی و هارون و تمامی جماعت بنی اسرائیل به لاویان چنین کردند، بر حسب هر آنچه خداوند موسی را درباره لاویان امر فرموده؛ هم چنان اسرائیل به ایشان عمل نمودند!!! و لاویان را برای گناه خود کفاره کرده رخت خود را شستند؛ و هارون ایشان را کفاره نموده ایشان را تطهیر کرد؛ بعد از آن لاویان داخل شدند تا در خیمه بحضور هارون و پسرانش بخدمت خود!!! بپیر دازند؛ و چنانکه خداوند موسی را درباره لاویان امر فرمود؛ همچنان به ایشان عمل نمودند؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: این است قانون لاویان که از بیست و پنج ساله و بالاتر داخل شدند؛ تا در کار خیمه اجتماع مشغول خدمت**

شوند و از پنجاه ساله از کار خدمت باز ایستند و بعد از آن خدمت نکنند!!! لیکن با برادران خود در خیمه اجتماع به نگرهبانی مشغول شوند و خدمتی دیگر نکنند!!! بدین طور بالویان درباره ودیعت ایشان عمل نما!!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از تورات فعلی؛ سفر اعداد باب هشتم)

در ماه اول سال دوم بعد از بیرون آمدن ایشان از زمین مصر؛ خداوند موسی را در صحرای سینا خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل عید فصیح را در موسمش بجا آورند؛ در روز چهاردهم این ماه آن را در وقت عصر در موسمش بجا آورید؛ بر حسب همه فریاض و همه احکام آن را معمول دارید؛ پس موسی ببنی اسرائیل گفت: که فصیح را بجا آورند!!! و فصیح را در روز چهاردهم ماه اول در وقت عصر در صحرای سینا بجا آورند!!! بر حسب هر چه خداوند بموسی امر فرموده بود بنی اسرائیل چنان عمل نمودند!!! اما بعضی اشخاص بودند که از میّت آدم نجس شده؛ فصیح را در آن روز نتوانستند بجا آورند؛ پس در آن روز نزد موسی و هارون آمدند و آن اشخاص وی را گفتند: که ما از میّت نجس هستیم؛ پس چرا از گذرانیدن قربانی خداوند در موسمش؛ در میان بنی اسرائیل ممنوع شویم موسی ایشان را گفت: بایستید تا آنچه خداوند در حق شما امر فرماید بشنویم!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: اگر کسی از شما یا از اعقاب شما از میّت نجس شود یا در سفر دور باشد؛ مع هذا فصیح را برای خداوند بجا آورد؛ در روز چهاردهم ماه دوم آن را در وقت عصر بجا آورند؛ و آن را با نان فطیر و سبزی تلخ بخورد؛ چیزی از آن تا صبح نگذارند و از آن استخوانی نشکنند؛ بر حسب جمیع فریاض فصیح آن را معمول دارند!!! اما کسی که ظاهر باشد و در سفر نباشد؛ و از بجا آوردن فصیح باز ایستد؛ آنکس از قوم خود منقطع شود؛ چون که قربانی خداوند در موسمش نگذرانیده است؛ آن شخص گناه خود را متحمل خواهد شد؛ و اگر غریبی در میان شما ما واگزیند؛ بخواهد که فصیح را برای خداوند بجا آورد!!! بر حسب فریضه و حکم فصیح عمل نماید؛ برای شما یک فریضه

میباشد؛ خواه برای غریب و خواه برای متوطن؛ در روز که مسکن برپا شد ابر مسکن خیمه شهادت را پوشانید!!! و از شب تا صبح مثل منظر آتش بر مسکن میبود!!! همیشه چنین بود که ابر آن را میپوشانید!!! و منظر آتش در شب؛ هرگاه ابر از خیمه برمیخاست بعد از آن بنی اسرائیل کوچ کردند!!! و در هر جا ابر ساکن میشد آنجایی اسرائیل اردو میزدند؛ بفرمان خداوند بنی اسرائیل کوچ میکردند و بفرمان خداوند اردو میزدند؛ همه روزهایی که ابر بر مسکن ساکن میبود در اردو میماندند؛ و چون ابر روزهای بسیار بر مسکن توقف مینمود؛ بنی اسرائیل و دیعت خداوند را نگاه میداشتند و کوچ نمیکردند؛ و بعضی اوقات ابر ایام قلیل بر مسکن میماند؛ آنگاه بفرمان خداوند در اردو میماندند؛ و بفرمان خداوند کوچ میکردند؛ و بعضی اوقات ابر از شام تا صبح میماند؛ و در وقت صبح ابر برمیخاست آنگاه کوچ میکردند؛ یا اگر روز و شب میماند چون ابر برمیخاست میکوچیدند خواه دور و خواه یک ماه و خواه یک سال؛ هر قدر ابر بر مسکن توقف نموده بر آن ساکن میبود؛ بنی اسرائیل در اردو میماندند و کوچ نمیکردند و چون برمیخاست میکوچیدند؛ بفرمان خداوند اردو میزدند!!! و بفرمان خداوند کوچ میکردند!!! و و دیعت خداوند را بر حسب آنچه خداوند بواسطه موسی فرموده؛ بود نگاه میداشتند! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر اعداد باب نهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: برای خود دو کمرتای نقره بساز آنها را از چرخکاری درست کن؛ و آنها را بجهت خواندن جماعت!!! در کوچیدن اردو بکار ببر؛ چون آنها را بنوازند تمامی جماعت نزد تو بدر خیمه اجتماع جمع شوند! چون یکی را!!! بنوازند سروران و رؤسای هزاره های اسرائیل نزد تو جمع شوند؛ و چون تیز آهنگ بنوازند محله های که بطرف مشرق جا دارند کوچ بکنند و چون مرتبه دوم تیز آهنگ بنوازند محله های که بطرف جنوب جا دارند کوچ

بکنند و بجهت کوچ دادن ایشان تیز آهنگ بنوارند؛ و بجهت جمع کردن جماعت بنوازند لیکن تیز آهنگ منوازید؛ و بنی هارون کهنه کرتاها را بنوازند؛ این برای شما درنسهای شما فریضة ابدی باشد؛ چون در زمین خود برای مقابله که بر شما تعدی مینمایند میروید؛ کرتاها را تیز آهنگ بنوازید؛ پس بحضور یهوه خدای خود بپیاد آورده خواهید شد؛ و از دشمنان خود نجات خواهید یافت؛ و در روز شادی خود و در عیدها و در اول ماههای خود؛ کرتاها را بر قربانیهای سوختنی؛ و ذبایح سلامتی خود بنوازید؛ تا برای شما بحضور خدای شما یادگاری باشد؛ من یهوه خدای شما هستم؛ واقع شد در روز بیستم ماه دوم سال دوم که ابراز بالای خیمه شهادت برداشته شد؛ و بنی اسرائیل بمراحل خود از صحرای سینا کوچ کردند؛ و ابر در صحرای فاران ساکن شد!!! و ایشان اول بفرمان خداوند بواسطه موسی کوچ کردند؛ و علم محله بنی یهودا اول با افواج ایشان روانه شد؛ و برفوج او نَحشون بن عمیاداب بود؛ و برفوج سبط بنی یساکار نَتَنائیل بن صوغر؛ و برفوج سبط بنی زبولون آلیاب بن حیلون؛ پس مسکن را پائین آوردند؛ و بنی جرشون و بنی مراری که حاملان مسکن بودند کوچ کردند؛ و علم محله را و بین با افواج ایشان روانه شد!!! و بر خورد او آلیصور بن شد یثور!!! و برفوج بنی شمعون شلومینیل بن صوریشدای؛ و برفوج سبط بنی جاد آلیاساف بن دعئیل؛ پس قهاتیان که حاملان قدس بودند کوچ کردند!!! پیش از رسیدن ایشان آنها مسکن را!!! برداشتند! پس علم محله بنی آفرایم با افواج ایشان روانه شد؛ و برفوج آلیشمع بن عمیهود بود؛ و برفوج سبط بنی منسی جملیئیل بن فدهصور؛ و برفوج سبط بنی بنیامین آبدان بن جدعونی!!! پس علم محله بنی دان که مؤخر همه محله ها بود با افواج ایشان روانه شد؛ و برفوج او آخیعزر بن عمشدای بود؛ و برفوج سبط بنی آشیر فجعینیل بن عکران؛ و برفوج سبط نفتالی آخیرع بن عینان؛ این بود مراحل بنی اسرائیل با افواج ایشان پس کوچ کردند؛ و موسی بجوباب بن رعونیل مریانی که برادرزن موسی بود گفت: ما بمکانیکه خداوند درباره آن گفته است؛ که آن را بشما خواهم بخشید کوچ میکنیم؛ همراه ما بیا و بتوا احسان چونکه خداوند درباره اسرائیل نیگو گفته است: او وی را گفت: نمی آیم بلکه

بزمین و بخاندان خود خواهم رفت؛ گفت: ما را ترک مکن زیرا چونکه تو منازل ما را در صحراء میدانی بجهت مامثل چشم خواهی بود!!! و اگر همراه ما بیائی هر احسانیکه خداوند بر ما بنماید و همان را بر تو خواهیم نمود؛ و از کوه خداوند سفر سه روزه کوچ کردند!!! و تابوت عهد خداوند سفر سه روزه پیش روی ایشان رفت!!! تا آرامگاهی برای ایشان بطلبد!!! و ابر خداوند در روز!!!! بالای سر ایشان بود؛ و قتیکه از لشگرگاه روانه میشدند؛ و چون تابوت روانه میشد؛ موسی میگفت: ای خداوند بر خیز و دشمنانت پراکنده شوند؛ مبعضانت از حضور تو منهدم گردند!!! و چون فرودمی آمد میگفت: ای خداوند نزد!!! هزاران هزار اسرائیل رجوع نما!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب دهم)

وقوم شکایت برگوش خداوند گفتند: و خداوند این را شنیده غضبش افروخته شد؛ و آتش خداوند در میان ایشان مشتعل شده در اطراف اردو بسوخت؛ و قوم نزد موسی فریاد بر آورده!!! موسی نزد خداوند دعا نمود و آتش خاموش شد؛ پس آن مکان را تبعیره نام نهادند؛ زیرا که آتش خداوند در میان ایشان مشتعل شد! و گروه مختلف که در میان ایشان بودند شهوت پرست شدند! بنی اسرائیل باز گریان شده گفتند: کیست که ما را گوشت بخوراند؟! ماهی را که در مصرف می خوردیم!!! و خیار و خربزه و تره و پیاز و سیر را بیاد می آوریم!!! و الآن جان ما خشک شده و چیزی نیست و غیر از این من در نظر ما هیچ آید!!! و من مثل تخم گشنیز بود و شکل آن مثل شکل مقل! و قوم گردش کرده آن را جمع مینمودند؛ و آن را در آسیاب خرد میکردند؛ یا در هاون میکوبیدند؛ و در دیگها ریخته کردهها از آن میساختند!!! و طعم آن مثل طعم قرصهای روغن بود!!! و چون شبم در وقت شب بر آرد و میبارید من نیز بر آن میریخت؛ موسی قوم را شنید که با اهل خانه خود هریک بدرخیمه خویش میگریستند؛ و خشم خداوند بشدت افروخته شد!!! و در نظر موسی نیز قبیح آمد و موسی بخداوند گفت: چرا ببنده خود بدی

نمودی؟ و چرا در نظرتو التفات نیافتم که بارجمیع این قوم را بر من نهادی؟ آیا من بتامی این قوم حامله شده ام؟ یا من ایشان را زائیده ام؟ که بمن میگوئی ایشان را در آغوش بردار؟! بزمنی که برای پدران ایشان قسم خوردی مثل لالای که طفل شیرخواره را بر میدارد گوشت از کجا پیداکنم تا بهمه این قوم بدهم؟ زیرا که نزد من گریان شده میگویند؛ ما را گوشت بده تا بخوریم من به تنهایی نمیتوانم تحمل تمامی این قوم را بنمایم؛ زیرا بر من زیاد سنگین است؛ و اگر بامن چنین رفتار نمائی پس هرگاه در نظرتو التفات یافتم مرا کشته نابود ساز تا بدبختی خود را نبینم!!! پس خداوند موسی را خطاب کرده گفت: هفتاد نفر از مشایخ بنی اسرائیل که ایشان را میدانی که مشایخ قوم، و سروران آنها می باشند؛ نزد من جمع کن؛ و ایشان را بجهت اجتماع بیاورتا در آنجا باتو بایستند؛ و من نازل شده در آنجا با تو سخن خواهم گفت؛ و از روحی که بر تو است گرفته برایشان خواهم نهاد؛ تا با تو متحمل بار این قوم باشند؛ و تو بتنهائی متحمل آن نباشی؛ و قوم را بگو: که برای فردا خود را تقدیس نمایند تا گوشت بخورید چونکه بگوش خداوند گریان شده گفتید: کیست که ما را گوشت بخوراند زیرا که!!! در مصر ما را خوش میگذشت پس خداوند شمار گوشت خواهد داد تا بخورید!!! نه یک روز و نه دوروز و نه پنج روز و نه ده روز و نه بیست روز؛ بلکه یکماه تمام از بینی شما بیرون آید و نزد شما مکروه شود!!! چونکه خداوند در میان شماست رد نمودید و بحضوری گریان شده گفتید؛ چرا از مصر بیرون آمدیم؟ موسی گفت: قومیکه من در میان ایشانم ششصد هزار پیاده اند؛ و تو گفتی: ایشان را گوشت خواهم داد تا یک ماه تمام بخورند!!! آیا گله ها رمه ها برای ایشان کشته شود تا برای ایشان کفایت کند!!! تا همه ماهیان دریا برای ایشان جمع شوند تا کفایت میکند؟! موسی را گفت: آیا دست خداوند کوتاه شده است الان خواهی دید که کلام من بر تو واقع میشود یا نه؟ پس موسی بیرون آمده سخنان خداوند را بقوم گفت: و هفتاد نفر از مشایخ قوم را جمع کرده؛ ایشان را به اطراف خیمه برپا داشت؛ و خداوند در ابرنازل شده با وی تکلم نمود؛ و از روحی که بر وی گرفته بر آن هفتاد نفر مشایخ نهاد؛ و چون روح برایشان قرار گرفت نبوت

کردند لیکن مزید نکردند؛ اما دو درلشگریان باقی ماندند که نام یکی آلدار بود؛ و نام دیگری میلاد و روح برایشان نازل شد و نامهای ایشان در ثبت بود؛ لیکن نزد خیمه نیامده درلشگرگاه نبوت کردند؛ آنگاه جوانی دوید و موسی خبر داده گفت: آلدار و میلاد درلشگر نبوت میکنند!!! او یوشع بن نون خادم موسی که از برگزیدگان او بود؛ بر جواب گفت: ای آقای موسی ایشان را منع نما! موسی وی را گفت: آیا تو برای من حسد میبری؟ کاش که تمامی قوم خداوند نبی میبودند؛ خداوند روح خود را برایشان اضافه مینمود!!! پس موسی با مشایخ اسرائیل بلشگرگاه آمدند؛ بادی از جانب خداوند وزیده سلوی را از دریا برآورد؛ و آنها را به اطراف لشگرگاه؛ تخمیناً یک روز راه به این طرف؛ و یک روز به آن طرف پراکنده ساخت؛ و قریب بدو ذراع روی زمین بالا بودند!!! قوم برخاسته تمامی آن روز و تمامی آن شب!!! و تمامی روز دیگر سلوی را جمع کردند و آنکه کمتر یافته بود؛ ده حومر جمع کرده بود و آنها را به اطراف اردو برای خود پهن کردند؛ و گوشت هنوز در میان دندان ایشان میبود پیش از آنکه خائیده شود؛ که غضب خداوند برایشان افروخته شده!!! خداوند قوم را ببلائی بسیار سخت؛ و آن مکان را قبروت هتاوه نامیدند!!! ریرا قوم را که شهوت پرست شدند در آنجا دفن کردند!!! و قوم قبروت هتاوه بحضیروت کوچ کرده در حضیروت توقف نمودند (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب یزدهم)

و مریم و هارون درباره زن حبشی که موسی گرفته بود!!! براوشکایت آوردند زیرا که زن حبشی را گرفته بود؛ گفتند: آیا خداوند با موسی ببنتهائی تکلم نموده است؟ مگر بما نیز تکلم ننموده؟ و خداوند این را شنید؛ موسی مرد بسیار حلیم بود بیشتر از جمع مردمانیکه بر روی زمین اند! در این ساعت خداوند موسی و هارون و مریم گفت: شما هر سه نزد خیمه اجتماع بیرون آید و هر سه بیرون آمدند!!! و خداوند درستون ابرنارل شد به درخیمه ایستاد؛ هارون و مریم را خواندایشان

هر دو بیرون آمدند؛ و او گفت: الآن سخنان مرا بشنوید اگر در میان شما نبی باشد من که یهوه هستم!!! خود را در رویا بر او ظاهر میکنم و در خواب با او سخن!!! میگویم؛ اما بنده من موسی چنین نیست او در تمامی خانه من امین است؛ باوی روبرو و آشکارا و نه در رمزها سخن میگویم؛ و شبیه خداوند را معاینه میبیند پس چرا نترسیدند!!! که بر بنده من موسی شکایت آوردید؛ و غضب خداوند بر ایشان افروخته شده برفت! و چون ابراز روی خیمه برخاست اینک مریم مثل برف مبروص بود؛ هارون بر مریم نگاه کرد و اینک مبروص بود؛ هارون بموسی گفت: وای ای آقایم بار این گناه را بر ما مگذار!!! زیرا که حماقت کرده گناه!!! ورزیده ایم! او مثل میته نباشد که چون از رحم مادرش بیرون آید؛ نصف بدنش پوشیده باشد!!! پس موسی نزد خداوند استغاثه کرده گفت: ای خدا او را شفاء بده!!! خداوند به موسی گفت: اگر پدرش بروی فقط آب دهان می انداخت آیا!!! هفت روز خجل نمیشد؟ پس هفت روز بیرون لشکرگاه محبوس بشود و بعد از آن داخل شود؛ پس مریم هفت روز بیرون از لشکرگاه محبوس ماند و تا داخل شده مریم با ایشان کوچ نکرد؛ و بعد از آن قوم از حضیرت کوچ کرده در صحرای فاران اردوزدند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب دوازدهم)

**و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: کسانی را بفرست تا زمین کنعان را که!!!
بنی اسرائیل دادم جاسوسی کنند؛ یک نفر را از هر سبط آبای ایشان، که هر کدام
در میان ایشان سرور باشد بفرستید!!! پس موسی بفرمان خداوند ایشان را از
صحرای فاران فرستاد!!! و همه ایشان رؤسای بنی اسرائیل بودند!!! نامهای
ایشان اینهاست از سبط راوین بن زکور!!! از سبط شمعون بن حوری؛ از سبط
یهودا کالیب بن یفته از سبط یساکاریجال بن یوسف؛ از سبط افرایم هوشع بن
نون؛ از سبط بنیامین فلطی بن رافو؛ از سبط زبولون جدییل بن سوری؛ از سبط
منسی جدی بن سوسی!!! از سبط دان عمییل بن جملی؛ از سبط آشیرستور بن
میکائیل!!! از سبط نفتالی نحیبی بن وفسی؛ از سبط جاد جاوئیل بن ماکی این**

است نامهای کسانیکه موسی برای جاسوسی زمین فرستاد؛ و موسی هوشع بن نون را یهوشوع نام نهاد؛ موسی ایشان را برای جاسوسی زمین کنعان فرستاد به ایشان گفت: از اینجا جنوب رفته بکوهستان برآید؛ و زمین را ببینید که چگونه است؟! و مردمی را که در آن ساکنند که قوی اند یا ضعیف اند یا کثیر و زمین که در آن ساکنند چگونه است؟! نیک یا بد و در چه قسم شهرها ساکنند در چادرها یا در قلعه ها؛ و چگونه است؟؟؟! زمین چرب یا لاغرو درخت دارد یا نه؟! پس قوی دل از میوه زمین بیاورید؛ و آن وقت نوبر انگور بود؛ پس رفته زمین را از بیابان سین تا رحوب نزد مدخل حَمات جاسوسی کردند!!! و بجنوب رفته بحبرون رسیدند و آخیمان و شیشای و تلمای بنی عناق در آنجا بودند اما حبرون هفت سال قبل از صوعن مصر بناء شده بود؛ و بودای آشکول آمدند و شاخه بایک خوشه انگور را بریده؛ آن را بر چوب دستی میان دو نفر؛ با قدری از انار و انجیر برداشته آوردند؛ و آن مکان بسبب خوشه انگور!!! که بنی اسرائیل آنجا پریده بودند؛ بودای آشکول نامیده شد؛ و بعد از چهل روز از جاسوسی زمین برگشتند؛ و روانه شده از نزد موسی و هارون!!! و تمامی جماعت بنی اسرائیل به قادی در بیابان فاران رسیدند!!! و برای ایشان و برای تمامی جماعت خبر آوردند، و میوه زمین را به ایشان نشان دادند؛ برای او حکایت کرده گفتند: بزمینی که ما را فرستادی رفتیم؛ و بررسی که بشیرو شهد جاریست!!! و میوه اش این است؛ لیکن مردمانی که در زمین ساکنند زور آورند!!! و شهرهایش حصار دارو بسیار عظیم؛ و بنی عناق را نیز در آنجا دیدیم؛ و عمالقه در زمین جنوب ساکنند؛ و حثیان؛ و بیوسیان؛ و اموریان در کوهستان سکونت دارند؛ و کنعانیان نزد دریا، برکنار آردن ساکنند؛ کالیب قوم را پیش موسی خاموش ساخت گفت: فی الفور برویم و آن را بتصرف در آوریم؛ زیرا که میتوانیم بر آن غالب شویم؛ اما آن کسانیکه با وی رفته بودند گفتند: نمیتوانیم با این قوم مقابله نمایم؛ زیرا که ایشان از ما قویترند!!! و در باره زمینی که آن جاسوسی کرده بودند!!! خبر بدی بنزد بنی اسرائیل آورده گفتند: زمینی که برای جاسوسی از آن گذشتیم؛ زمینی است که

ساکنان خود را میخورد؛ و تمامی قومی که در آن دیدیم مردان بلند قد بودند؛ و در آنجا جبّاران بنی عَنّاق را دیدیم که اولاد جبّاران اند؛ و ما در نظر خود مثل ملخ بودیم؛ و همچنین در نظر ایشان مینمودیم!!!
(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سیزدهم)

زمین بسیار خوبی است؛ اگر خداوند از ما راضی است ما را به این زمین آورده آن را بماند خواهد بخشید؛ زمینی که بشیر و شهد جاریست؛ زنه از خداوند متمرّد مشوید و از اهل زمین ترسان مباشید؛ زیرا که ایشان خوراک ما هستند سایه ایشان از ایشان گذشته است؛ و خداوند با ماست از ایشان مترسید؛ لیکن تمامی جماعت گفتند: که باید ایشان را سنگسار کنند!!! آنگاه جلال خداوند در خیمه!!! اجتماع بر تمامی بنی اسرائیل ظاهر شد؛ و خداوند بموسی گفت: تا یکی این قوم مرا اهانت نمایند!!! و تا یکی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نمودم بمن ایمان نیاوردند!!! ایشان را بوبا مبتلا هلاک میکنم و از تو قومی بزرگ و عظیم تو را از ایشان خواهم ساخت؛ موسی بخداوند گفت: آنگاه مصریان خواهند شنید زیرا که این قوم را بقدرت خود از میان ایشان بیرون آوردی!!! و بساکنان این زمین خبر خواهند داد!!! و ایشان شنیده اند که تو ای خداوند در میان این قوم هستی؛ زیرا که تو ای خداوند معاینه دیده میشوی و ابر تو بر ایشان قائم است؛ و تو پیش روی ایشان روز در ستون ابر و شب در ستون آتش میخرامی؛ پس این قوم را مثل شخص واحد بگشی طوایفی که آواز تو را شنیدند!!! خواهند گفت: چونکه خداوند نتوانست این قوم را بزمنی که برای ایشان قسم خورده بود در آورد؛ از این سبب ایشان را در صحراء گشت؛ پس الآن قدرت خداوند عظیم شد؛ چنانکه گفته بودیکه یهوه دیر خشم و بسیار رحیم؛ و آمرزنده گناه؛ عصیان است لیکن مجرم را هرگز بیسزا نخواهد گذاشت؛ بلکه عقوبت گناه پدران را بر پسران تاپشت سوّم و چهارم میرساند!!! پس گناه این قوم را بر حسب عظمت رحمت خود ببامرز؛ که این قوم را از مصر تا اینجا آمرزیده؛ خداوند گفت: بر حسب کلام تو آمرزیدم؛ لیکن بحیات خودم قسم که تمامی زمین از جلال یهوه پر خواهد شد

چونکه جمیع مردانی که جلال و آیات مرا در مصرو بیابان بودم دیدند؛ مرا ده مرتبه امتحان کرده و آواز مرا شنیدند؛ بدرستی که ایشان زمینی را که برای پدران ایشان قسم خوردم نخواهند دید!!! هر که مرا اهانت کرده باشد آن را نخواهد دید؛ لیکن بنده من کالیب چونکه روح دیگری داشت و مرا تماماً اطاعت نمود او را بزمینی که رفته بود داخل خواهم ساخت؛ و ذریت او وارث آن خواهند شد و چونکه عمالیقیان و کنعانیان دروادی ساکنند!!! فردا روگردانیده از راه بحر قلزم بصحراء کوچ کنید؛ و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: تا بکی این جماعت شیر را که بر من مهمه میکنند متحمل بشوم!!! بنی اسرائیل را که بر من مهمه میکنند شنیدم؛ به ایشان بگو: بحیات خودم قسم که چنانکه شما در گوش من گفتید!!! همچنان با شما خواهم نمود!!! لاشهای شما در این صحراء خواهد افتاد و جمیع شمرده شدگان شما!!! بر حسب تمامی عدد شما از بیست ساله بالا تر که بر من مهمه کرده اید! بزمینی که درباره آن دست خود را بلند کردم؛ که شما را در آن ساکن گردانم هرگز داخل نخواهید شد؛ مگر کالیب بن یفنه و یوشع بن نون!!! اما اطفال شما که درباره آنها گفتید! که بیغما برده خواهند شد!!! ایشان را داخل خواهم کرد و ایشان زمینی را که شما ردّ کردید خواهند دانست! لیکن لاشهای شما در این صحراء خواهد افتاد! و پسران شما در این صحراء چهل سال آواره بوده؛ بارزنا کاری شما را متحمل خواهند شد؛ تالاشهای شما در صحراء تلف شود!!! بر حسب شماره روزهایی که زمین را جاسوسی میکردید؛ یعنی چهل روز یک سال به عوض هر روز بارگناهان خود را چهل سال متحمل خواهید شد و مخالفت مرا خواهید دانست!!! من که یهوه هستم گفتم: که البته این را بتمامی این جماعت شیر که بضدّ من جمع شدند خواهم کرد؛ و در این صحراء تلف شده در اینجا خواهند مرد؛ و اما آن کسانی که موسی برای جاسوسی زمین فرستاده بود!!! و ایشان چون برگشتند خبر بدر باره زمین آورده؛ تمام جماعت را از او گله مند ساختند؛ آن کسانی که این خبر بد را درباره زمین آورده بودند؛ بحضور خداوند ازوبا مردند! اما یوشع بن نون و

کا لیب بن یَفْتَه از جمله آنانیکه برای جاسوسی زمین رفته بودند زنده ماندند و چون موسی این سخنان را بجمیع بنی اسرائیل گفت: قوم بسیار گریستند!! و بامدادن بزودی برخاسته بسرکوه برآمده گفتند: اینک حاضریم!!! بمکانیکه خداوند وعده داده است میرویم زیرا که گناه کردیم؛ موسی گفت: چرا از فرامین خداوند تجاوز مینمائید؟! لیکن این کار بکام نخواهد شد؛ **مروید زیرا که خداوند در میان شما نیست؛ مبادا از پیش دشمنان خود منهدم شوید؛** زیرا که عما لَیقیان و کنعانیان آنجا پیش روی شما هستند!!! پس بشمشیر خواهید افتاد و چونکه از پیروی خداوند روگردانیده اید؛ لهذا خداوند باشما نخواهد بود؛ لیکن ایشان از راه تکبر سرکوه رفته اما تابوت عهد خداوند؛ و موسی از میان لشکرگاه بیرون نرفتند؛ آنگاه عما لَیقیان و کنعانیان که در آن کوهستان ساکن بودند؛ فرود آمده ایشان را زدند و تا حرامنهدم ساختند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب چهاردهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را!!! خطاب کرده به ایشان بگو: چون بزمین سکونت خود که من آن را بشما میدهم داخل شوید؛ و میخواستید هدیه آتشین برای خداوند بگذرانید!!! چه قربانی سوختنی و چه ذبیحه و فای نذریا برای نافله؛ یا در عیدهای خود برای گذرانیدن، هدیه خوشبو جهت خداوند خواه از رمه و خواه از گله؛ آنگاه کسیکه هدیه خود را میگذراند!!! برای هدیه آرد یک عُشر ایقۀ آرد نرم مخلوط شده؛ با یک ربع هین روغن جهت خداوند بگذراند؛ و برای هدیه ریختنی یک ربع هین شراب با قربانی سوختنی؛ یا برای ذبیحه جهت هر بره حاضرکن!!! یا جهت قوچ برای هدیه آردی دو عُشر ایقۀ آرد نرم مخلوط شده؛ با یک ثلث هین روغن حاضرکن؛ و جهت هدیه ریختنی یک ثلث هین شراب برای خوشبوئی جهت خداوند حاضرکن!!! و چون گاوی برای قربانی سوختنی؛ یا ذبیحه سلامتی جهت خداوند حاضر میکنی!!! آنگاه جهت هدیه آردی سه عُشر آرد نرم با نصف هین روغن با گاو بگذرانیده! و

برای هدیه ریختنی نصف هین شراب بگذران!!! تا هدیه آتشین خوشبو برای خداوند شود؛ همچنین برای هر گاو و برای هر بره نرینه؛ و هر بز غاله کرده شود بر حسب شماره که حاضر کنید بدین قسم برای هر یک؛ موافق شماره آنها عمل نمایید؛ هر متوطن چون هدیه آتشین خوشبو برای خداوند میگذراند؛ این او امر را با این طور بجای آورد؛ اگر غریبی که در میان شما مأوا گزیند هر که در قرنهاى شما در میان شما باشد!!! میخواهد هدیه آتشین خوشبو برای خداوند بگذراند، بنوعی که شما عمل مینمائید و نیز عمل نماید؛ برای شما که اهل جماعت هستید!!! و برای غریبی که نزد شما مأوا گزیند؛ یک فریضه باشد فریضه ابدی در نسل های شما؛ مثل شما بحضور خداوند مثل غریب است؛ یک قانون و یک حکم برای شما و برای غریبی که در میان شما مأوا گزیند خواهد بود!!! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون بز مینی که من شمارا در آن می آورم داخل شوید؛ و از محصول زمین بخورید آنگاه هدیه افراشتی برای خداوند بگذرانید؛ از خمیر اول خود بجهت هدیه افراشتی بگذرانید مثل هدیه افراشتی خرمن همچنان آن را بگذرانید!!! از خمیر اول خود هدیه افراشتی در قرنهاى خود برای خداوند بگذرانید؛ هر گاه سهواً خطاء کرده جمیع این او امر را که خداوند بموسی گفته است؛ بجا نیاورده باشید؛ یعنی هر چه خداوند بواسطه موسی شمارا امر فرمود!!! از روزی که خداوند امر فرمود و آن بعد در قرنهاى شما؛ پس اگر این کار سهواً و بدون اطلاع جماعت کرده شد؛ آنگاه تمام جماعت یک گاو جوان برای قربانی سوختنی و خوشبوئی بجهت خداوند؛ با هدیه آردی و هدیه ریختنی آن موافق رسم بگذرانید!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه؛ و کاهن برای تمامی جماعت بنی اسرائیل کفاره نماید!!! و ایشان آمرزیده خواهند شد؛ زیرا که آن کار سهواً شده است؛ و ایشان قربانی خود را بجهت هدیه آتشین خداوند؛ قربانی گناه خود را بجهت سهو خویش بحضور خداوند گذرانیدند و تمامی جماعت بنی اسرائیل و غریبی که در میان ایشان ساکن باشد آمرزیده خواهند شد؛ زیرا که بتامی جماعت سهو شده بود!!! و اگر یک نفر سهواً خطاء

کرده باشد آنگاه بز مادهٔ یک ساله برای قربانی گناه بگذرانند، کاهن بجهت آن کسیکه سهو کرده است!!! چونکه خطای او زنا دانستگی بود بحضور خداوند کفاره کند؛ تا بجهت وی کفاره بشود و آمرزیده خواهد شد؛ بجهت کسیکه سهواً خطا کند خواه متوطن از بنی اسرائیل و خواه غریبی که در میان ایشان ساکن باشد یک قانون خواهد بود؛ و اما کسیکه بدست بلند عمل نماید!!! چه متوطن و چه غریب او بخداوند کفر کرده باشد؛ پس آن شخص از میان قوم خود منقطع خواهد شد؛ چونکه کلام خداوند را حقیر شمرده حکم او را شکسته است! آنکس البته منقطع شود؛ گناه بروی خواهد بود! **و چون بنی اسرائیل در صحراء بودند و کسی را یافتند که در روز سبت هیزم جمع میکرد؛ او را بر نزد موسی و هارون و تمامی جماعت آوردند؛ و او را در حبس نگاه داشتند؛ زیرا که نشده بود که باوی چه باید کرد؛ و خداوند بموسی گفت: این شخص البته کشته شود؛ تا تمامی جماعت او را بیرون لشکرگاه!!! با سنگها سنگسار کند!!! پس تمامی جماعت او را از لشکرگاه آورده او را سنگسار کردند بمرد! چنانکه خداوند بموسی امر کرده بود و خداوند موسی را امر کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو:**

که برای خود برگوشه های رخت خویش؛ در قرنهای خود صیصیت بسازید؛ و رشته لاجوردی بر هر گوشه صیصیت بگذارند؛ بجهت شما صیصیت خواهد بود تا بر آن بنگرند؛ و تمامی او امر خداوند را بیاد آورده بجا آورید؛ و در پی دلهای و چشمهای خود که شما در پی آنها زنا میکند منحرف نشوید! تا تمامی او امر را بیاد آورده بجا آورید؛ و بجهت خدای خود مقدس باشید!!! **من يَهُوهَ خدای شما هستم؛ که شما را از مصر بیرون آوردم؛ تا خدای شما باشم من يَهُوهَ خدای شما هستم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب پانزدهم)

قورح بن یصهار بن قهات بن لاوی! داتان ابیرام پسران آلیاب و اؤن بن قایت پسران رآوبین کسان گرفته؛ با بعضی از بنی اسرائیل یعنی دو یست و پنجاه نفر از سروران جماعت برگزیدگان، شوری و مردان معروف بودند بحضور موسی

برخاستند! به مقابل موسی و هارون جمع شده با ایشان گفتند: شما از حدّ خود تجاوز مینمائید؛ زیرا که تمام جماعت هریک از ایشان مقدّس اند؛ و خداوند در میان ایشان است پس چرا خویشتن را بر جماعت خداوند برمی افرازید و چون موسی اینرا شنید بر روی خود در افتاد؛ قوْرَح و تمامی جماعت او را خطاب کرده گفت: بامدادان خداوند نشان خواهد داد؛ که چه کسی از آن وی و چه کسی مقدّس است!!! و او را نزد خود خواهد آورد!!! و هر کس را برای خود برگزیده است او را نزد خود خواهد آورد!!! این را بکنید که مجمرهای برای خود بگیرید!!! ای قوْرَح و تمامی جمعیت تو! و آتش در آنها گذارده فردا بحضور خداوند بخور در آنها بریزید؛ و آن کسیکه خداوند برگزیده است مقدّس خواهد شد؛ ای پسران لاوی شما از حدّ خود تجاوز مینمائید!!! و موسی بقوْرَح ای بنی لاوی بشنوید آیا نزد شما حاکم است؟ که خدای اسرائیل؟ شماره از جماعت اسرائیل ممتاز کرده است!!! تا شماره نزد خود بیاورد تا در مسکن خداوند خدمت نمائید؟! و بحضور جماعت برای خدمت ایشان بایستید؟! و تو را و جمیع برادرانت بنی لاوی را با تو نزدیک آورد و آیا کهنانت را نیز مطلبید؟ از این جهت تو و تمامی جمعیت تو بصدّ خداوند جمع شده اید!!! و اما هارون چیست که بر او همه می کنید؟! و موسی فرستاد تا داتان و ابیرام پسران آلیاب را بخواند! و ایشان گفتند: نمی آیم! آیا کم است!!! که ما را از زمینی که شیرو شهد جاریست بیرون آوردی؟! تا ما را در صحراء نیز هلاک سازی که می خواهی خود را بر ما حکمران سازی؟! و ما را هم بزمینیکه بشیرو شهد جاریست در نیاوردی و ملکیتی از مزرعه ها و تاکستانها بماندادی؟! آیا چشمان این مردمان را مینگری نخواهم آمد؟ موسی بسیار خشمناک شده به خداوند گفت: هدیه ایشان را منظور منما یک خرا از ایشان نگرفتم!!! و بیکی از ایشان زیان نرساندم!!! و موسی بقوْرَح گفت: تو با تمامی جمعیت خود فردا بحضور خداوند حاضر شوید تو ایشان و هارون!!! و هر کس مجمره خود را گرفته بخور بر آنها بگذارد!!! و شما هر کس مجمره خود یعنی دویست و پنجاه مجمره بحضور خداوند بیاورد؛ تو نیز و هارون هریک مجمره خود را بیاورد!!! پس هر کس مجمره خود را گرفته و آتش در آن نهاده و بخور بر آن گذارده؛ نزد

دروازه خیمه اجتماع با موسی و هارون ایستادند و قورح و تمامی جماعت را به مقابل ایشان نزد درخیمه اجتماع جمع کرد! و جلال خداوند بر تمامی جماعت ظاهر شد! و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: خود را از این جماعت دور کنید؛ تا ایشان را در لحظه هلاک کنم! پس ایشان بر روی در افتاده گفتند: ای خدای که خدای روحهای تمامی بشر هستی؛ آیا یک نفر گناه ورزد و بر تمامی جماعت غضبناک میشوی؟؟!! خداوند موسی را خطاب کرده گفت: جماعت را خطاب کرده بگو: از اطراف مسکن قورح؛ داتان و ابیرام دور شوید؛ پس موسی برخاسته نزد داتان و ابیرام رفت!!! و مشایخ اسرائیل در عقب وی رفتند؛ از نزد خیمه‌های این مردان شریک دور شوید!!! و چیزی را که از آن ایشان است لمس ننمائید!!! مبادا در همه گناهان ایشان هلاک شما شوید!!! پس از طرف مسکن قورح و داتان و ابیرام دور شدند!!! و داتان و ابیرام هر دو بیرون آمده با زنان و پسران و اطفال خود بدرخیمه‌های خود ایستادند! و موسی گفت: از این خواهید دانست که خداوند مرا فرستاده است! تا همه این کارها را بکنم و با اراده من نبوده است! اگر این کسان مثل موت سایر بنی آدم بمیرند! و اگر مثل وقایع جمع بنی آدم برایشان واقع شود! خداوند مرا نفر ستاده است! و اما اگر خداوند چیز تازه بنماید و زمین دهان خود را گشاده! ایشان را با جمیع مایملک ایشان ببلعد او که بگور زنده فرود رود! آنگاه بدانید! که این مردمان خداوند را اهانت نمودند و چون از گفتن همه این سخنان فارغ شد! زمینی که زیر ایشان شکافته شد! و زمین دهان خود را گشوده ایشان را!!! و خانه‌های ایشان و همه کسان را که تعلق بقورح داشتند! با تمامی اموال ایشان بلعد!!! و ایشان با هر چه به ایشان تعلق داشت زنده بگور فرو رفتند! و زمین برایشان بهم آمد که از میان جماعت هلاک شدند! و جمیع اسرائیلیان که به اطراف ایشان بودند از نعره ایشان گریختند زیرا که گفتند: مبادا زمین ما را نیز بلعد!!! و آتش از حضور خداوند بدر آمده آن دویست و پنجاه نفر را که بخور می‌گذرانیدند سوزانید!!! و خداوند موسی را!!! خطاب کرده گفت: به اعزاز بن هارون کاهن بگو: که مجمرها را از میان!!!

آتش بردار و آتش را به آن طرف بپاش! زیرا که آنها مقدّس است!!! مجمره‌های این گناهکاران را به ضدّجان ایشان و از آنها تختهای پهن برای پوشش مذبح بسازند! زیرا چونکه آنها را بحضور خداوند گذرانیده اند مقدّس شده است!!! تا برای بنی اسرائیل آیتی باشد!!! پس اَلعازار کاهن مجمره‌های!!! برنجین را که سوخته شدگان گذرانیده بودند گرفته؛ از آنها پوشش مذبح ساختند! تا برای بنی اسرائیل یادگار باشد تا هیچ غریبی که از اولاد هارون نباشد! بجهت سوزانیدن بخور بحضور خداوند نزدیک نیاید! مبادا مثل قورح و جمعیتش شود!!! چنانکه خداوند بواسطه موسی او را امر فرموده بود؛ و در فردای آن روز تمامی جماعت بنی اسرائیل؛ بر موسی و هارون همه کرده گفتند: شما قوم خداوند را کشتید! چون جماعت بر موسی و هارون جمع شدند!!! بسوی خیمه اجتماع نگرستند و اینک ابرآن را پوشانید و جلال خداوند ظاهر شد! و موسی و هارون پیش خیمه اجتماع آمدند! و خداوند موسی را گفت: از میان جماعت دور شوید تا ایشان را ناگهان هلاک سازم؛ و ایشان بر روی خود در افتادند؛ و موسی به هارون گفت: مجمره خود را گرفته آتش از مذبح در آن بگذار!!! و بخور بر آن بریز و بزودی بسوی جماعت رفته برای ایشان کفاره کن؛ زیرا که غضب از حضور خداوند بر آمده و وبا شروع شده است!!! پس هارون بنحوی که موسی گفته بود: آن را گرفته در میان جماعت دوید؛ و اینک و با در میان قوم شروع شده بود!!! پس بخور را بریخت و بجهت قوم کفاره نمود!!! و او در میان مردگان و زندگان ایستاد و وبا باز داشته شد؛ و عدد کسانی که از وبا مردند چهارده هزار و هفت صد سواری آنانیکه در حادثه قورح هلاک شدند؛ پس هارون نزد موسی بدر خیمه اجتماع برگشت و و بارفیع شد!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب شانزدهم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: ببنی اسرائیل سخن بگو: و از ایشان!!! عصاها بگیریک عصا از هر خاندان آبا از جمیع سروران ایشان! دوازده عصا

بر حسب خاندان آباء ایشان! و نام هر کس را بر عصای او بنویس! و اسم هارون را بر عصای لاوی بنویس! زیرا که برای خاندان آباء ایشان یک عصا خواهد بود؛ و آنها را در خیمه اجتماع پیش شهادت؛ جائیکه من با شما ملاقات میکنم بگذار؛ و شخصی را که من اختیار میکنم! عصای او شکوفه خواهد آورد!!! پس همه بنی اسرائیل را که بر شما میکند از خود ساکت خواهم نمود!!! و موسی این را بنی اسرائیل گفت: پس جمیع سروران ایشان او را عصاها دادند!!! یک عصا برای هر سرور یعنی دوازده عصا بر حسب خاندان آباء ایشان؛ و عصای هارون در میان عصاهای آنها بود؛ و موسی عصاها را بحضور خداوند در خیمه شهادت گذارد؛ و در فردای آن روز چون موسی بخیمه شهادت داخل شد، اینک عصای هارون که بجهت خاندان لاوی بود شکفته بود؛ و شکوفه آورده و گل داده و بادام رسانیده بود؛ و موسی همه عصاها را از حضور خداوند!!! نزد جمیع بنی اسرائیل بیرون آورده؛ هر یک نگاه کرده عصای خود را گرفتند: و خداوند بموسی گفت: عصای هارون را پیش روی شهادت باز بگذار؛ تا بجهت علامت بر اینای تمرد نگاه داشته شود؛ و همه ایشان را از من رفع نمائی تا نمیرند پس موسی چنان کرد؛ و بنحوی که خداوند او را امر فرموده بود عمل نمود!!! و بنی اسرائیل بموسی عرض کرده گفتند: اینک فانی و هلاک میشویم!!! هر کس نزدیک می آید؛ که بمسکن خداوند نزدیک می آید میمیرد آیا تماماً فانی شویم؟! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب هفدهم)

خداوند به هارون گفت: تو و پسرانت و خاندان آبایت با تو گناه مقدس را متحمل شوید؛ تو و پسرانت با گناه کهنات خود را متحمل شوید!!! و هم برادران خود یعنی سبط آباء تو باشد؛ با خود نزدیک بیاور؛ تا با تو متفق شده تورا خدمت نماید!!! و اما تو با پسرانت پیش خیمه شهادت باشید!!! و ایشان ودیعت تورا و ودیعت تمامی مسکن را نگاه دارند، لیکن به اسباب قدس و مذبح نزدیک نیایند مبادا بمیرند؛ ایشان؛ شما نیز و ایشان با تو متفق شده؛ و دیعت خیمه اجتماع را با تمامی

خدمت خیمه را بجا آورند؛ و غریبی بشما نزدیک نیاید! و دیعت قدس و ودیعت مذبح را نگاه دارید؛ تا غضب بر اسرائیل دیگر مستولی نشود!!! و اما من اینک برادران شمالاوی را از میان بنی اسرائیل گرفتم؛ و برای شما پیشکشی میباشد که بخداوند داده شده اند؛ تا خدمت خیمه اجتماع را بجا آورند! و اما با پسران کهنات خود را بجهت هر کار مذبح؛ و برای آنچه اندورن حجاب است نگاه دارید و خدمت بکنید؛ کهنات را بشما دادم تا خدمت از راه بخشش باشد؛ و غریبی که نزدیک آید کشته شود!!! و خداوند به هارون گفت: اینک من ودیعت هدایای!!! افراشتنی خود را!!! همه چیزهای مقدس بنی اسرائیل را بتو بخشیدم!!! آنها بتو و پسران بتو سبب مسح شدن بفریضه ابدی دادم!!! از قدس اقداس که آتش نگاه داشته شود؛ این از آن تو خواهد بود؛ هر هدیه ایشان یعنی هدیه آردی و هر قربانی گناه؛ و هر قربانی جرم ایشان که نزد من بگذارند، اینها برای تو و پسران قدس اقداس آنها را بخور هر ذکور از آن بخور و برای تو مقدس باشد!!! و این هم از آن تو باشد هدیه افراشتنی از عطایای ایشان؛ با هر هدیه جنباتی بنی اسرائیل را! بتو و پسران و دختران بفریضه ابدی دادم!!! هر کس در خانه تو طاهر باشد از آن بخورد؛ تمامی بهترین روغن و تمامی بهترین حاصل مؤوغله، یعنی نوبرهای آنها را که بخداوند میدهند بتو بخشیدم!!! نوبرهای هر چه در زمین ایشان است که نزد خداوند می آورند از آن تو باشد!!! هر کس در خانه تو طاهر باشد از آن بخورد! هر چه در اسرائیل وقف بشود از آن تو باشد؛ و هر چه رحم گشاید از هر ذی جسدی که برای خداوند میگذرانند؛ چه از انسان و چه از بهایم از آن تو باشد؛ و اما نخست زاده انسان را البته فدیة بدهی؛ و نخست زاده بهایم ناپاک را فدیة بده! و اما درباره فدیة آنها را از یک ماهه بحساب خود، پینج مثقال قدس؛ که بیست جیره باشد فدیة بده! ولی نخست زاده گاویان نخست زاده گوسفند یا نخست زاده بز را فدیة بدهی آنها مقدسند؛ خون آنها بر مذبح پشاش!!! و پیه آنها را بجهت هدیه آتشین!!! و عطر خوشبو برای خداوند بسوزان؛ و گوشت آنها مثل سینه

جنبانیدنی از آن تو باشد؛ و ران راست از آن تو باشد؛ جمیع هدایای افراشتنی از چیزهای مقدس که بنی اسرائیل برای خداوند میگذرانند؛ بتو؛ پسرانت؛ دختران تو؛ بتو بفریضة ابدی دادم؛ این بحضور خداوند برای تو و ذریه تو؛ بتو عهد نمک تا به ابد خواهد بود!!! و خداوند به هارون گفت: تو در زمین ایشان هیچ ملکی نخواهی یافت؛ و در میان ایشان برای تو نصیبی نخواهد بود!!! نصیب تو و ملک تو در میان بنی اسرائیل من هستم!!! و بینی لاوی اینک تمامی عشر اسرائیل را برای ملکیت دادم به عوض خدمتی که میکنند؛ یعنی خدمت خیمه اجتماع؛ و بعد از بنی اسرائیل بخیمه اجتماع نزدیک نیایند؛ مبادا گناه را متحمل شده بمیرند اما لاویان خدمت خیمه اجتماع را بکنند!!! و متحمل گناه ایشان بشوند!!! این در قرنهای شمایریضة ابدی خواهد بود؛ و ایشان در میان بنی اسرائیل ملک نخواهند یافت!!! زیرا که عشر بنی اسرائیل را که آن را نزد خداوند برای هدیه افراشتنی بگذارند!!! بلاویان بجهت ملک بخشیدم! بنابراین به ایشان گفتم: که در میان بنی اسرائیل ملک نخواهند یافت؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: لاویان را نیز خطاب کرده به ایشان بگو: چون عشری را که از بنی اسرائیل بشما برای مالکیت دادم از ایشان بگیریید؛ آنگاه هدیه افراشتنی خداوند را از آن؛ یعنی عشری از عشر بگذرانید؛ و هدیه افراشتنی شما برای شما مثل غله خرمن؛ و پیری چرخشت حساب میشود! بدینطور شما نیز از همه عشرهایی که از بنی اسرائیل میگیرند!!! هدیه افراشتنی برای خداوند بگذرانید!!! و آنها هدیه افراشتنی خداوند را به هارون کاهن بدهید!!! از جمیع هدایای خود هر هدیه خداوند را از تمامی!!! پیه آنها و از قمست مقدس آنها بگذرانید!!! و ایشان را بگو: هنگامیکه پیه آنها را گذرانیده باشد آنگاه برای لاویان مثل محصول خرمن! و حاصل چرخشت حساب خواهد شد؛ و شما خاندان شما آن را در هر جا بخورید زیرا که این مزد شما است، به عوض خدمتی که در خیمه اجتماع میکنید!!! چون پیه آنها را از آنها گذرانیده باشید!!! پس بسبب آنها متحمل گناه خواهید بود؛ چیزهای مقدس بنی اسرائیل را ناپاک نکنید مبادا بمیرید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب هجدهم)

و خداوند موسی و هارون را خطاب کرده گفت: این است فریضة شریعتی که خداوند آن را امر فرموده گفت: بنی اسرائیل را بگو: که گاوسرخ پاک که در آن عیب نباشد! ویوغ برگردنش نیامده باشند نزد تو بیاورند! و آن رابه آلعازار کاهن بدهید! آن رابیرون از لشگرگاه برده پیش روی وی کشته شود! و آلعازار کاهن با انگشت خود از خون آن بگیرد! بسوی پیشگاه خیمه اجتماع آن خون راهفت مرتبه پیاشد و گاو در نظر او سوخته شود!!! پوست و گوشت و خون با سرگین آن سوخته شود! و کاهن چوب سرو! بازرفا و قرمز گرفته آنها را در میان آتش گاو بیندازد؛ پس کاهن رخت خود را بشوید و بدن خود را با آب غسل دهد و بعد از آن در لشگرگاه داخل شود و کاهن تا شام نجس باشد!!! و کسیکه آن را سوزانیده رخت خود را با آب بشوید!!! و بدن خود را با آب غسل دهد و تا شام نجس باشد و شخص طاهر خاکستر گاو را جمع کرده؛ بیرون لشگرگاه در جای پاک بگذارد؛ و آن بجهت جماعت بنی اسرائیل؛ برای آب تنزیه نگاه داشته شود آن قربانی گناه است؛ کسیکه خاکستر گاو را جمع کند رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد! این برای بنی اسرائیل و غریبی که در میان ایشان ساکن باشد فریضة ابدی خواهد بود!!! هر کس میت هر آدمی را لمس نماید هفت روز نجس باشد!!! و آن شخص روز سوم خویشتن را با آب پاک کند و در روز هفتم طاهر باشد!!! و اگر خویشتن را در روز هفتم طاهر باشد!!! اگر خویشتن را در روز سوم پاک نکرده باشد در روز هفتم طاهر نخواهد بود!!! و هر کس میت آدمی را که مرده باشد لمس نموده خود را با آب پاک نکرده باشد؛ او مسکن خداوند را ملوث کرده است!!! و آن شخص از اسرائیل منقطع شود؛ چونکه آب تنزیه بر او پاشیده نشده است نجس خواهد بود!!! و نجاستش بروی باقی است؛ این است قانون برای کسیکه در خیمه بمیرد هر کس داخل آن شود و هر کس در آن خیمه باشد؛ هفت روز نجس خواهد بود؛ هر ظرف گشاده که سرپوش بر آن بسته نباشد نجس خواهد بود و هر

کس در بیابان کشته شمشیر! تامیت یا اسخوانی آدمی یا قبری را لمس نماید!!! هفت روز نجس باشد!!! و برای شخص نجس از خاکستر آتش آن قربانی گناه بگیرند و آب روان بر آن در ظرفی بریزند!!! و شخص طاهر زرفا گرفته در آن آب فروبرد؛ و بر خیمه و همه اسباب و کسانیکه در آن بودند؛ و بر شخصیکه استخوان یا مقتول یا میت یا قبر را لمس کرده باشد پیاشد!!! و آن شخص طاهر آب را بر آن نجس؛ در روز سوم و در روز هفتم پیاشد؛ و در روز هفتم خویشتن را تطهیر کرده رخت خود را بشوید و با آب غسل کند؛ و تا شام طاهر خواهد بود!!! و اما کسی که نجس شده خویشتن را تطهیر نکند؛ آن شخص از میان جماعت منقطع شود چونکه مقدس خداوند را ملوث نموده؛ و آب تنزیه بر او پاشیده نشده است او نجس است؛ و برای ایشان فریضة ابدی خواهد بود؛ و کسیکه آب تنزیه را پیاشد رخت خود را بشوید؛ و کسیکه آب تنزیه را لمس کند تا شام نجس باشد؛ و هر چیزی را که شخص نجس لمس نماید نجس خواهد بود!!! و هر کسیکه آن را لمس نماید تا شام نجس خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب نوزدهم)

و تمامی جماعت بنی اسرائیل در ماه اول بیابان صین رسیدند؛ و قوم در قادش اقامت کردند و مریم در آنجا وفات یافت دفن شد؛ و برای جماعت آب نبود پس بر موسی جمع شدند!!! و قوم با موسی منازعت کرده گفتند: کاش که میمردیم وقتیکه برادران ما در حضور خداوند مردند!!! و چرا جماعت خداوند را به این بیابان آوردید؛ تا ما و بهایم ما در اینجا بمیریم!!! و ما را از مصر چرا بر آوردید تا ما را به این جای بد بیاورید که زراعت و انجیر و مؤوانار نیست آب هم نیست که بنوشیم؛ و موسی و هارون از حضور جماعت نزد درخیمه اجتماع آمدند و بر روی خود در افتادند؛ و جلال خداوند بر ایشان ظاهر شد؛ و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: عصار بگیر و تو و برادرت هارون جماعت را جمع کرده؛ در نظر ایشان به این صخره بگوئید: که آب خود را بدهد!!! پس آب را برای ایشان از صخره

بیرون آورد؛ جماعت و بهایم ایشان را خواهی نوشانید؛ پس موسی عصا را از حضور خداوند چنانکه او را فرموده بود گرفت!!! و موسی و هارون جماعت را پیش صخره جمع کردند؛ و به ایشان گفت: ای مفسدان بشنوید آیا از صخره آب برای شما بیرون آوریم؟! موسی دست خود را بلند کرده صخره را دو مرتبه با عصای خود زد و آب بسیار بیرون آمد؛ که جماعت و بهایم ایشان نوشیدند؛ و خداوند بموسی؛ هارون گفت: چونکه مرا تصدیق ننمودید!!! تا مرا در نظر بنی اسرائیل تقدیس نمایند؛ لهذا شما این جماعت را بزمنی که به ایشان دادم داخل نخواهید ساخت؛ این است آب مریبه جایی که بنی اسرائیل با خداوند مخاصمه کردند! و او خود را در میان ایشان تقدیس نمود!!! و موسی رسولانی از قادش نزد ملک آدوم فرستاد؛ که برادرتو اسرائیل چنین میگوید: که تمامی مشقتی را که بر ما واقع شده است تو میدانی! که پدران ما بمصر فرود آمدند و مدت مدیدی در مصر ساکن میبودیم!!! و مصریان با ما ویا پدران ما بد سلکوکی نمودند! و چون نزد خداوند فریاد بر آوردیم او آوازه را شنیده فرشته فرستاد؛ و ما را از مصر بیرون آورد و اینک ما در قادش هستیم شهری که در آخر حدود تو است!!! تمنا اینک از زمین تو بگذریم! از مزرعه و تاکستان نخواهیم گذشت! و آب از چاهها نخواهیم نوشید!!! بلکه از شاه راهها خواهیم رفت! و تا از حدود تو نگذشته باشیم! بطرف راست یا چپ انحرافی نخواهیم کرد!!! آدوم وی را گفت: از من نخواهی گذشت و الا بمقابله تو باشمشیر بیرون خواهم آمد!!! بنی اسرائیل ردّ جواب وی گفتند: از راههای عام خواهیم رفت و هرگاه من مواشیم از آب تو بنوشیم؛ قیمت آن را خواهیم داد فقط بر پایهای خود میگذریم!!! و بس گفت: نخواهی گذشت و آدوم با خلق بسیار و دست قوی بمقابله ایشان بیرون آمد!!! بدینطور آدوم راضی نشد که اسرائیل را از حدود خود راه دهد؛ پس اسرائیل از طرف اوروی گردانید!!! پس تمامی جماعت بنی اسرائیل از قادش کوچ کرده بکوه هور رسیدند؛ و خداوند موسی و هارون را در کوه هور نزد!!! سرحدّ زمین آدوم خطاب کرده!!! گفت: هارون بقوم خود خواهد پیوست زیرا چونکه شما نزد آب مریبه از قول من عصیان ورزیدید!!! از این جهت او بزمنی که بنی اسرائیل داخل نخواهد شد!

پس هارون و پسرش الٰعازر را برداشته ایشان را بفرزکوه هور بیاور! و لباس هارون را بیرون کرده برپسرش الٰعازر بپوشان! و هارون در آنجا وفات یافته بقوم خود خواهد پیوست! پس موسی بطوریکه خداوند او را امر فرموده بود عمل نمود هایشان در نظر تمامی جماعت بفرزکوه هور برآمدند؛ و موسی لباس هارون را بیرون کرده برپسرش الٰعازر!!! پوشانید و هارون در آنجا برقله کوه وفات یافت؛ موسی و الٰعازر از کوه فرود آمدند!!! **و چون تمامی جماعت دیدند که هارون مُرد جمیع خاندان اسرائیل برای هارون سی روز ماتم گرفتند!!!**
(از کتاب مقدس عهد غتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیستم)

و چون کنعانی که ملک عَراد و در جنوب ساکن بود شنید!!! که اسرائیل از راه آتاریم می آید با اسرائیل جنگ کرد؛ و بعضی از ایشان را به اسیری برد! و اسرائیل برای خداوند نذر کرده گفت: اگر این قوم را بدست من تسلیم نمائی!!! شهرهای ایشان را بالکل هلاک خواهیم ساخت؛ پس خداوند دعای اسرائیل را مستجاب فرموده کنعانیان را تسلیم کرده! و ایشان شهرهای ایشان را بالکل هلاک ساختند و آن مکان حرمه نامیده شد! و کوه هور براه بهر قلزم کوچ کردند! تا زمین آدوم را دور زنند و دل قوم بسبب راه تنگ شد؛ و قوم بر خدا و موسی شکایت آورده گفتند: که ما را از مصر چرا بر آوردید تا در بیابان بمیریم! زیرا که نان نیست آبهم نیست!!! دل ما از این خوراک سخیف کراحت دارد! پس خداوند مارهای آتشی در میان قوم فرستاده قوم را گزیدند! و گروهی کثیری از بنی اسرائیل مُردند! و قوم نزد موسی آمده گفتند: گناه کردیم زیرا که بر خداوند و بر توشکایت آوردیم! پس نزد خداوند دعا کن تا مارها را از ما دور کند! و موسی بجهت قوم استغاثه نمود؛ و خداوند موسی گفت: مار آتشی بساز و آن را بر نیزه بردار! و هرگزیده که بر آن نظر کند خواهد زیست! پس موسی مار برنجین ساخت بر سر نیزه بلند کرد و چنین شد! که اگر مار کسی را گزیده بود بمجرد نگاه کردن بر آن مار برنجین زنده

میشد؛ و بنی اسرائیل کوچ کرده در اوبوت اردو زدند! و از اوبوت کوچ کرده در عیّ عباریم؛ در بیابانی که در مقابل موآب بطرف طلوع آفتاب است اردو زدند! و از آنجا کوچ کرده بوادی زارد اردو زدند! و از آنجا کوچ کرده به آن طرف آرنون که در بیابان خاج از حدود آموریان میباشد اردو زدند!!! زیرا که از آرنون حدّ موآب در میان موآب و آموریان است!!! از این جهت در کتاب جنگهای خداوند گفته میشود! و اهییب در سوّفه و وادیهای آرنون! و رود خانه وادی هائیکه بسوی مسکن عار متوجّه است و حدود موآب تکیه میزند!!! و از آنجا بئر کوچ کردند این آن چاهی است که خداوند درباره اش بموسی گفت: قوم را جمع کن تا به ایشان آب دهم؛ آنگاه اسرائیل این سرود را سرانیدند! ای چاه بجوش ای و شما برایش سرود بخوانید!!! چاهیکه سروران حفر زدند و نجبای قوم آن را کردند مصلحان حاکم به عصاهای خود آن را کردند! و ایشان از بیابان تا مئانه کوچ کردند! و از مئانه به نحلییل بیاموت و از بیاموت بدرّه که در صحرای امواب نزد قلّه فسّخه که بسوی بیابان متوجّه است! اسرائیل رسولانی نزد شیحون ملک آموریان فرستاده گفت: مرا اجازت بده تا از زمین تو بگذرم! بسوی مزرعه یا تاکستان انحرافی نخواهیم ورزید!!! و از آب چاه نخواهیم نوشید و بشاه راه خواهیم رفت تا سرحدّ تو بگذریم! اما شیحون اسرائیل را از حدود خود راه نداد! و شیحون تمامی قوم را جمع نموده! به مقابله اسرائیل بیابان بیرون آمده! و چون بیا هص رسید با اسرائیل جنگ کرد!!! و اسرائیل او را بدم شمشیر زده زمینش را از آرنون تا یبوق و تا حدّ بنی عمّون به تصرف آورد! زیرا که حدّ بنی عمّون مستحکم بود! و اسرائیل تمامی آن شهرها را گرفت! و اسرائیل در تمامی شهرهای آموریان در حشبون و در تمامی دهاتش ساکن شده! زیرا که حشبون ملک آموریان بود! او با ملک سابق موآب جنگ کرده تمامی زمینش را تا آرنون از دستش گرفته بود!!! بنابراین مثل آورندگان! بحشبون بیاید تا شهر سیحون بنا کرده و استوار شود! زیرا آتشی از حشبون بر آمد و شعله از قریه سیحون! و عار موآب را سوزانید!!! و صاحبان بلندهای آرنون را! و ای برتوای موآب ای قوم

گمّش هلاک شدند! پسران خود را مثل گریزندگان تسلیم نمود! و دختران خود را بسیحون ملک آموریان به اسیری داد! به ایشان تیرانداختیم حشبون تادیبون هلاک شده! و آن راتا نوح که نزد میدیان است! ویران ساختیم! اسرائیل در زمین آموریان اقامت کردند!!! و موسی برای جاسوسی یعزیر فرستاد و دهات آن را گرفته آموریان را که در آنجا بودند بیرون کردند! پس برگشته از راه باشان بر آمدند و عوج ملک باشان با تمامی قوم خود! به مقابله ایشان از برای جنگ به ادرعی بیرون آمد! خداوند بموسی گفت: از او مترس زیرا که او با تمامی قومش و زمینش را بدست تو تسلیم نمودم!!! و بنحوی که با سیحون ملک آموریان که در حشبون ساکن بود عمل نمودی با او نیز عمل خواهی نمود! پس او را با پسرانش و تمامی قومش زدند!!! بحدی که کسی از برایش باقی نماند!!! و زمینش را به تصرف آورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و یکم)

و بنی اسرائیل کوچ کرده در عربات موآب به آن طرف اردن در مقابل اریحا آردوزدند! و چون بالاق بن صقور هر چه اسرائیل به آموریان کرده بودند دید! موآب از قوم بسیار ترسید زیرا که کثیر بودند! و موآب از بنی اسرائیل مضطرب گردیدند!!! و موآب بمشایخ مدیان گفتند: الآن این گروه هر چه به اطراف ماست خواهند لیسید! بنوعی که گاوسبزه صحرا عرامی لیسید! و در آن زمان بالاق بن صقور ملک موآب بود! پس رسولان بقتور و برکنار و ادیست نزد بلعام بن بعور بزمین پسران قوم او فرستاد تا او را طلبیده بگویند: اینک قومی از مصر بیرون روی زمین را مستور میسازند! و در مقابل من مقیم میباشند! پس الآن بیاوین قوم را برای من لعنت کن زیرا که از قوی ترانند! شاید توانائی یابم تا برایشان غالب آئیم!!! و ایشان را از زمین خود بیرون کنم! زیرا که میدانم هر کس را تو برکت دهی مبارک است! و هر کی را لعنت نمائی ملعون است! پس مشایخ موآب و مشایخ مدیان مرد! فالگیری را بدست گرفته روانه شدند! و نزد بلعام رسیده سخنان بالاق را بوی گفتند: او به ایشان گفت: این شب را در اینجا بمانید تا چنان

که خداوند بمن بگوید: بشما بازگویم: و سروران موآب در نزد بلعام ماندند!!!
 و خداوند نزد بلعام آمده گفت: این کسانی که در نزد تو هستند کیستند؟! بلعام بخدا
 گفت: بالاق بن صقور ملک موآب نزد من فرستاده است!!! که این قومیکه از
 مصر بیرون آمدند روی زمین را پوشانیدند! الآن آمده میگویند: ایشان را برای
 من لعنت کن شاید! که توانائی یابم با ایشان جنگ نموده ایشان را دور سازم!
 خدا بلعام گفت: با ایشان مرو! و قوم را لعنت مکن زیرا که مبارک هستند! پس
 بلعام بامدادان برخاسته بسروران بالاق گفت: بزمین خود بروید زیرا که خداوند
 مرا اجازت نمیدهد باشما بیایم!!! و سروران موآب برخاسته نزد بالاق برگشته
 گفتند: که بلعام از آمدن بامانکار نمود! و بالاق بار دیگر سروران زیاده و بزرگتر
 از آنان فرستاد!!! و ایشان نزد بلعام آمده وی را گفتند: بالاق بن صقور چنین
 میگوید: تمنا اینکه از آمدن نزد من انکار نکنی! زیرا که البته تورا بسیار تکریم
 خواهم نمود! و هر آنچه بمن بگویی بجا خواهم آورد! پس بیاو این قوم را برای
 من لعنت کن!!! بلعام در جواب نوکران بالاق گفت: اگر بالاق خانه خود را پر از
 نقره و طلا بمن بخشید! نمیتوانم از فرمان یهوه خدای خود تجاوز نموده!!! کم و
 یا زیاد به عمل آورم!!! پس الآن شما نیز امشب در اینجا بمانید!!! تا بدانم که
 خداوند بمن دگر چه خواهد گفت: و خدا در شب نزد بلعام آمده وی را گفت: اگر
 این مردمان برای طلبیدن توبیابند! برخاسته همراه ایشان برو!!! اما کلامی را
 که من بتو میگویم: بهمان عمل نما!!! پس بلعام بامدادان برخاسته الاغ خود را
 بیار است! همراه سروران موآب روانه شد! و غضب خدا بسبب برفتن او افروخته
 شده! فرشته خداوند در راه به مقاومت وی ایستاد! و او بر الاغ خود سوار بود و
 دونوکرش همراهش بودند! و الاغ فرشته خداوند را باشمشیر برهنه!!! بدستش
 بود دید الاغ از راه بیکسوشده بمرعه رفت!!! و بلعام الاغ را زده تا او را براه
 برگردانید! پس فرشته خداوند در جای کود در میان تاکستانها به ایستاد! و هر دو
 طرفش دیوار بود!!! و الاغ فرشته را دیده خود را بدیوار چسبانیده!!! و پای بلعام
 را بدیوار فشرد پس او را بار دیگر زد! و فرشته خداوند پیش رفته در مکان تنگ

به ایستاد!!! که جای جهت برگشتن بطرف راست یا چپ نبود!!! و چون الاغ فرشته خداوند را دید در زیر بلعام خوابید!!! و خشم بلعام افرخته شد الاغ را با عصای خود زد! آنکاه خداوند دهان الاغ را باز کرد! بلعام را گفت: بتوجه کرده ام مرا این سه مرتبه زدی؟! بلعام به الاغ گفت: از این جهت که تو مرا!!! استهزاء نمودی کاش که شمشیر در دست من میبود! که الاغ تورا میکشتم! الاغ ببلعام گفت: آیامن الاغ تونیستم؟! که از وقتیکه مال تو شدم تا امروز بر من سوار شده! آيا هزگز عادت میداشتم به اینطور رفتار نمایم؟! او گفت: نه و خداوند چشمان بلعام را باز کرد تا فرشته خداوند را دید! که شمشیر برهنه درد ستش بسر راه ایستاده است!!! پس خم شده بر روی در افتاد؛ و فرشته خداوند وی را گفت: الاغ را سه مرتبه چر زدی؟! اینک من به مقاومت تو بیرون آمده! زیرا که این سفر تو در نظر تمرّد است! و الاغ مرادیده این سه مرتبه از من کنار جست! و اگر از من کنار نمی جست؛ و اگر از من کناره نمی جست؛ یقیناً الاغ تورا میکشتم و اگر او را زنده نگاه میداشتم! بلعام بفرشته خداوند گفت: گناه کردم زیرا که ندانستم که تو به مقابل من در راه ایستاده پس الان اگر در نظر تو ناپسند است بر میگردم! فرشته خداوند ببلعام گفت: همراه این اشخاص برو!!! لیکن سخنی راکه من بتو میگویم: همان را فقط بگو: پس بلعام همراه سروران بالاق رفت! و چون بالاق شنید که بلعام آمده است! به استقبال وی تا شهر موآب که بر حد آرنون! و بر اقصای حدود وی بود بیرون آمده و بالاق ببلعام گفت: آیا برای طلبیدن تو نزد من فرستادم؛ پس چرا نزد من نیامدی؟! آری حقیقتاً قادر نیستم که تورا به عزت برسانم؟! بلعام ببالاق گفت: اینک نزد تو آمدم آیا الان هیچ قدرتی دارم که چیزی بگویم؟! آنچه خداوند بدهانم میگذارد!!! همان را خواهم گفت: پس بلعام همراه بالاق رفته به قریت حصرت رسیدند؛ و بالاق گاوان؛ گوسفندان ذبح کرده، نزد بلعام و سروران که با وی بودند فرستاد؛ بامدادان بالاق بلعام را برداشته او را ببلندیهای بعل آورد تا از آنجا اقصای قوم را ملاحظه کند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فلی؛ سفر اعداد باب بیست و دوم)

و بلعام ببالاق گفت: در اینجا برای من هفت مذبح بساز! و هفت گاو و هفت قوچ در اینجا برایم حاضر کن! و ببالاق بنحویکه بلعام گفته بود به عمل آورد! ببالاق و بلعام گاوی و قوچی بر مذبح گذرانیدند! بلعام ببالاق گفت: نزد قربانی سوختنی خود بایست تا بروم شاید خداوند برای ملاقات من بیاید! و هر چه او بمن نشان دهد آن را بتوباز خواهم گفت: پس بتلی بر آمد و خدا بلعام را ملاقات کرد، و او را گفت: هفت مذبح برپا داشتیم و گاوی و قوچی بر هر مذبح قربانی کردم خداوند سخنی بدهان بلعام گذاشت!!! گفت: نزد ببالاق برگشته!!! چنین بگو: پس نزد او برگشت و اینک او با جمیع سروران موآب نزد قربانی سوختنی خود ایستاده بود بود و مثل خود را آورده گفت: ببالاق ملک موآب مرا از آرام از کوههای مشرق آورد! که بیا یعقوب را برای من لعنت کن؛ و ببیا اسرائیل را نفرین نما؛ چگونه لعنت کنم آن را که خدا لعنت نکرده است و چگونه نفرین نمایم آن را که خداوند نفرین ننموده است؟! زیرا که در سر صخره ها او را میبینم!!! و از کوهها او را مشاهده مینمایم!!! اینک قومی است که بتنهائی ساکن میشود؛ و در میان امتهای حساب نخواهد شد! کیست که غبار یعقوب را تواند شمرد! یا ربع اسرائیل حساب نماید؟ کاش که من در بوفات عادلان بمیرم! و عاقبت من مثل ایشان باشد؛ پس ببالاق ببلعام گفت: بمن چه کردی تو را آوردم تا دشمنانم را لعنت کنی؟! و هان برکت تمام دادی؛ او در جواب گفت: آیا نمیباید با حذر باشم تا آنچه را که خداوند بدهانم گذارده؟! بگویم: ببالاق وی را گفت: ببیا الان همراه من بجای دیگر که از آنجا ایشان را توانی دید!!! فقط اقصای ایشان را خواهی دید و جمیع ایشان را نخواهی دید و از آنجا ایشان را برای من لعنت کن! پس او را بصحراء صوفیم نزد قلّه فحسه برد و هفت مذبح بناء نمود گاوی و قوچی بر هر مذبح قربانی کرد! و او ببالاق گفت: نزد قربانی سوختنی خود اینجا بایست!!! تا من در آنجا خداوند را ملاقات نمایم! و

خداوند بلعام را ملاقات نموده؛ و سخنی در زبانش گذاشت: نزد بالاق برگشته چنین بگو: پس نزدوی آمدواینک نزد قربانی سوختنی خود؛ باسروران موآب ایستاده بود وبالاق از او پرسید؟ که خداوند چه گفت؟ مثل خود را آورده گفت: ای بالاق برخیزو بشنو؛ و ای پسر صِغور مرا گوش بگیر! خداوند انسان نیست که دروغ بگوید: و از بنی آدم نیست که به اراده خود تغییر بدهد! آیا او سخنی گفته باشد و نکند! یا چیزی را فرموده باشد و استوار ننماید؟ و اینک مأمور شده ام که برکت بدهم او که برکت داده است! و آن را نمیتوانم رد کنم! او گناهی در یعقوب ندیده و خطائی در اسرائیل مشاهده ننموده است! یهوه خدای او با وی است! و نعره پادشاه در میان است! خداوند ایشان را از مصر بیرون آورد! او را شاخهای مثل گاو وحشی است!!! بدرستی که بر یعقوب افسون نیست! و اسرائیل فالگیری نیست! در باره یعقوب و در باره اسرائیل در وقتش گفته خواهد شد! قوم خداوند اینک مثل شیر ماده خواهند برخاست!!! و مثل شیرنر خویشتن را خواهند!!! برانگیخت! و تاشکار را نخورد و خون کشتگان را ننوشد نخواهد خوابید؛ بالاق ببلعام گفت: نه ایشان را لعنت کن و نه برکت بده؛ بلعام در جواب بالاق گفت: آیا تو را نگفتم: که هر چه خداوند من بگوید: آن را باید بکنم؟ بالاق ببلعام گفت: بیا تا تو را بجای دیگر ببرم شاید در نظر خدا پسند آید! که ایشان را برای من از آنجا لعنت نمائی! پس بلعام بالاق را بر قلعه فُور که مشرف بر بیابان است برد! بلعام ببالاق گفت: در اینجا برای من هفت مذبح بساز و هفت گاو و هفت قوچ! برایم در اینجا حاضر کن!!! بالاق بطوریکه بلعام گفته بود عمل نموده! گاوی! قوچی بر هر مذبح قربانی کرد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و سوم)

چون بلعام دید که اسرائیل را برکت دادن بنظر خداوند پسند میآید!!! مثل دفعه های پیش برای طلبیدن افسون نرفت!!! بلکه بسوی صحراء توجه نمود!!! و بلعام چشمان خود را بلند کرده اسرائیل را دید! که موافق اسباط خود ساکن میبودند! و روح خدا بر او نازل شد! پس مثل خود را آورده گفت: و حی بلعام بن بعور! و حی

آن مردی که چشمانش باز شد! وحی آن کسیکه سخنان خدارا شنید! و رویای قادر مطلق را مشاهده نمود! آنکه بیفتاد و چشمان او گشاده گردید! چه زیبا است خیمه های توای یعقوب! و مسکن های توای اسرائیل! مثل وادی های کشیده شده! مثل باغها بر کنار رودخانه! مثل درختان عود که در که خداوند غرس نموده باشد! مثل سروهای آزاد نزد جویهای آب!! از دلوهایش ریخته خواهد شد! و بذر او در آبهای بسیار خواهد بود! و پادشاهی او از اجاج بلندتر! و مملکت او برافراشته خواهد شد!!! **خداوند او را از مصر بیرون آورده!!! او را شاخهای مثل گاو وحشی است!** امتهای دشمنان خود را خواهد بلعد! و استخوانهای ایشان را خواهد شکست! و ایشان را بتیرهای خود خواهد دوخت! مثل شیرنر خود را جمع کرده خوابید! مثل شیرماده کیست که او را برانگیزاند؟! مبارک باد هر کس تورا برکت دهد! و معلون باد هر کس تورا لعنت نماید! پس خشم بالاق بر بلعام افروخته شده هر دو دست خود را بر هم زد و بالاق ببلعام گفت: تورا خواندم تا دشمنان مرا لعنت کنی!!! و اینک این سه مرتبه ایشان را برکت تمام دادی! پس الآن بجای خود فرار کن! گفتم: که تورا احترام تمام نمایم! همانا خداوند تورا از احترام باز داشته است! بلعام ببالاق گفت: آیا بر سولانی که نزد من فرستاده بودی نیز نگفتم: که اگر بالاق خانه خود را پر از نقره! طلا بمن بدهد! نمیتوانم از فرمان خداوند تجاوز نموده از دل خود نیک یابد بکنم؟! بلکه آنچه خداوند بمن بگوید: آن را خواهم گفت: و الآن اینک نزد قوم خود میروم بیا تا تورا اعلام نمایم!!! که این قوم با قوم تو در آنچه خواهند کرد! پس مثل خود را آورده گفت: وحی بلعام بن بعور وحی آن مردیکه چشمانش باز شد! وحی آن کسیکه سخنان خداوند را شنید! و معرفت حضرت اعلی را دانست! و رویای قادر مطلق را مشاهده نمود! آن که بیفتاد و چشمان او گشوده گردید! او را خواهم دید لیکن نه الآن!!! او را مشاهده خواهم نمود!!! اما نزد یک نی ستاره از یعقوب طلوع خواهد کرد! و عصای از اسرائیل خواهد برخاست! و اطراف موآب را خواهد شکست! و جمیع ابنای فتنه را هلاک خواهد ساخت و آدوم مالک او خواهد شد! و دشمنانش اهل سعیر مملوک

او خواهند گردید! اسرائیل بشجاعت عمل خواهد نمود! و کسیکه از یعقوب ظاهر میشود سلطنت خواهد نمود! و بقیه اهل شهر را هلاک خواهد ساخت! و به عمالقه نظر انداخته مثل خود را آورده گفت: عمالقی اول امتها بود اما آخر او منتهی بهلاکت است!!! و بر قینیان نظر انداخته مثل خود را آورده و گفت: مسکن تو بر صخره نهاده شده است!!! لیکن قاین تباه خواهد شد! تا وقتی که آشورتورا به اسیری ببرد؛ پس مثل خود را آورده گفت: وای چون خدا این را میکند کیست که رنده بماند؟ و کیستی هاز جانب کتیم آمده آشور را دلیل ساخت! عابر را دلیل گردانید او نیز بهلاکت خواهد رسید!!! و بلعام برخاسته روانه شده بجای خود رفت! و بالاق نیز راه خود را پیش گرفت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و چهارم)

و اسرائیل در شطیم اقامت نمودند؛ و قوم با دختران موآب زنا کردن گرفتند!!!
زیرا که ایشان قوم را بقربانیهای خدایان خود دعوت نمودند! پس قوم میخوردند
و بخدایان ایشان سجده مینمودند!!! و اسرائیل ببعل فخور ملحق شدند و غضب
خداوند بر اسرائیل افروخته شد! بموسی گفت: که تمامی رؤسای قوم را گرفته
ایشان را برای خداوند پیش آفتاب بداریکش؛ تا شدت خشم خداوند از اسرائیل
برگردد! موسی بداوران اسرائیل گفت: که هر یکی از شما کسان خود را که ببعل
فخور ملحق شدند بکشید! و اینک مردی از بنی اسرائیل آمده زن مدیانی را در
نظر تمامی جماعت بنی اسرائیل نزد برادران خود آورده! ایشان بدروازه خیمه
اجتماع گریه میکردند! و چون فیخاس بن العازار بن هارون کاهن این را دید!
از میان جماعت برخاسته نیزه بدست خود گرفته! و از عقب آن مرد اسرائیلی که
بقبه داخل شده هردوی ایشان را یعنی آن مرد اسرائیلی وزن را بشکمش فرو
برد! و با از بنی اسرائیل رفع شده! آنانیکه مردند و چهار هزار نفر بودند! خداوند
موسی را خطاب کرده گفت: فیخاس بن العازار بن هارون غضب مرا از بنی
اسرائیل برگردانید! چونکه با غیرت من در میان ایشان غیور شد! تا بنی اسرائیل

را در غیرت خود هلاک بسازم؛ لَهذا بگو: اینک عهد سلامتی خود را به او میبخشم
 !!! برای او و برای ذریتش بعد از او این عهد کهنات جاودانی خواهد بود! زیرا که
 برای خدای خود غیور شد!!! و بجهت بنی اسرائیل کفاره نمود!!! و اسم آن مرد
 اسرائیلی مقتول که با زن مدیانی کشته گردید!!! از مری بن سالورس خاندان
 آبای سبط شمعون بود! و اسم زن مدیانی که کشته شد!!! کُزبی دختر صور بود!
 و او را رئیس قوم خاندان آبای در مدیان بود! خداوند موسی خطاب کرده گفت:
 مدیانیان را دلیل ساخته مغلوب سازید! زیرا که ایشان شما را بمکاید خود دلیل
 ساختند! چونکه شما را در واقعه فُغور!!! و در امر خواهر خود کُزبی دختر رئیس
 مدیان! که در روز وبا در واقعه فُغور کشته شد فریب دادند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و پنجم)

و بعد از وبا خداوند موسی و آل عازار بن هارون کاهن را خطاب کرده گفت: شماره
 تمامی جماعت بنی اسرائیل را بر حسب خاندان آبای ایشان! از بیست ساله و
 بالاتر یعنی جمیع کسانی را که از اسرائیل بجنگ بیرون میروند بگیرند! پس
 موسی و آل عازار کاهن ایشان را در عربات مرآب نزد اردن در مقابل اریحا خطاب
 کرده گفتند: قوم را از بیست ساله و بالاتر بشمارید! چنانکه خداوند موسی و بنی
 اسرائیل را که از زمین مصر بیرون آمدند امر فرموده بود! رَأُوبین نخست زاده
 اسرائیل! بنی رَأُوبین از حنوک قبیله خنوکیان و از قبیله فلوئیان!!! و از حصرون
 قبیله حصورنیان از گرمی قبیله گرمیان!!! اینانند قبایل رَأُوبینیان و شمرده شد
 گان ایشان! چهل و سه هزار و هفتصد و سی نفر بودند! و بنی فلوآلیاب نمونیل و
 داتان و آبیرام اینانند داتان و آبیرام که خوانده شدگان جماعت بودند! با موسی
 و هارون در جمعیت قورح مخاصمه کردند! چون با خداوند مخاصمه نمودند!!! و
 زمین دهان خود را گشوده ایشان را با قورح فرو برد! هنگامیکه آن گروه مردند
 و آتش آن دویست و پنجاه نفر را سوزانیده عبرت گشتند!!! لکن پسران قورح
 نمردند و بنی شمعون بر حسب قبایل ایشان! از نمونیل قبیله نمونیلیان و از یامین

قبیله یا مینیان وازیاکین قبیله یا کینبان!!! واززارح قبیله زارحیان وازشاؤل
 قبیله شاولیان!!! اینانند قبایل شمعونیان بیست و دو هزار و دو بیست نفر! بنی جاد
 برحسب قبایل ایشان از صفون قبیله صفونیان وازحجی قبیله حجیان وازشویی
 قبیله شوئیان!!! وازازنی قبیله ازنیان وازعیر قبیله عیریان!!! واز آرود قبیله
 آودیان واز آریلی قبیله آریلیان!!! اینانند قبایل بنی جاد برحسب شماره ایشان
 چهل هزار و پانصد نفر! و بنی یهودا عیروا آوان در زمین کنعان مردند! و بنی
 یهودا برحسب قبایل ایشان اینانند شیله قبیله یلیان واز فارص قبیله فارصیان
وازرارح قبیله زارحیان! اینانند از حصرون قبیله حصورنیان واز حامول قبیله
 حامولیان! اینانند قبایل یهودا برحسب شمرده شدگان ایشان هفتاد و شش هزار
 و پانصد نفر! و بنی یساکار برحسب قبایل ایشان! واز توع قبیله تولعیان واز قوئی
 قبیله قوئیان! واز یاشوب قبیله یاشوبیان وسمورن قبیله سمورنیان! اینانند قبایل
 یساکار برحسب شمرده شدگان ایشان شصت و چهار هزار و سیصد نفر بودند! و
 بنی زبولون برحسب قبایل ایشان از سارد قبیله ساردیان واز ایلون قبیله ایلونیان
 واز یحلیئلیان!!! اینانند قبایل زبولونیان برحسب شمرده شدگان ایشان شصت
 هزار و پانصد نفر و بنی یوسف برحسب قبایل ایشان! منسی و آفرایم! بنی منسی
 از ماکیر قبیله ماکیریان و ماکیر جلعاد را آورد واز جلعاد قبیله جلعادیان اینانند!!!
 بنی جلعاد از ایعزر قبیله ایعزریان از حالق قبیله حالقان از اسرائیل قبیله اسرائیلیان
 از شکیم قبیله شکیمان! از شمیداع قبیله شمیداعیان! از حافر قبیله حافریان!!! و
 و صلفحار محله و نوحه و حجه و ملکه و ترضه اینانند!!! قبایل منسی و شمرده
 شدگان ایشان پنجاه و دو هزار و هفت صد نفر بودند! اینانند بنی آفرایم برحسب
 قبایل ایشان! از شوتالحیان واز باکر قبیله باگریان واز تاحن قبیله تاحنیان!!! بنی
 شوتالح!!! اینانند از عیران قبیله عیرانیان!!! اینانند قبایل بنی آفرایم برحسب
 شمرده شدگان ایشان سی دو هزار و پانصد نفر! و یوسف برحسب قبایل ایشان
 اینانند! و بنی بنیامین برحسب قبایل ایشان! از بآع قبیله بآعیان! از آشیل قبیله

آشیلین و از آحیرام قبیله آحیرمیان؛ و از شَفُوفام قبیله شَفُوفام میان؛ و از حوفام قبیله حوفامیان؛ و بنی بَالع! از آرد قبیله آردیان! و از نَعمان قبیله نَعمانیان! اینانند بنی بَنیامین بر حسب قبایل ایشان و شمرده شدگان ایشان!!! چهل و پنج هزار و شش صد نفر بودند!!! اینانند بنی دان بر حسب قبایل ایشان از شوحام قبیله شو حامیان! اینانند قبایل دان بر حسب قبایل ایشان! جمیع قبایل شو حامیان بر حسب شمرده شدگان ایشان شصت و چهار هزار و چهار صد نفر بودند! اینانند بنی آشیر بر حسب قبایل ایشان!!! و از یمئه قبیله یمئیان از یشوی قبیله یشویان از یریعہ قبیله یریعیان! و از بنی یریعہ از حابر قبیله حابر قبیله حابریان از مَلکیئیلین! نام دختر آشیر سارح بود؛ اینانند قبایل بنی آشیر بر حسب شمرده شدگان ایشان پنجاه و سه هزار و چهار صد نفر! اینانند بنی نَفتالی بر حسب قبایل ایشان!!! از یاحصنیل قبیله یا حصنیلین از جونی قبیله جونیان! و از یصر قبیله یصریان از شَلیم قبیله شَلیمیان! اینانند قبایل نَفتالی بر حسب قبایل ایشان! شمرده شدگان ایشان چهل و پنج هزار و چهار صد نفر بودند! اینانند شمرده شدگان بنی اسرائیل ششصد و یک هزار و هفتصد و سی نفر بودند! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: برای اینان بر حسب شماره نامهای زمین برای ملکیت تقسیم بشود! برای کثیر نصیب او را زیاده کن!!! و برای قلیل نصیب او را کم نما!!! بهر کس بر حسب شمرده شدگان او نصیبش داده شود! لیکن زمین بقرعه تقسیم شود! بر حسب نامهای اسباط آبی خود در آن تصرف نماید!!! موافق قرعه ملک ایشان در میان کثیر و قلیل تقسیم شود! و اینانند شمرده شدگان لاوی بر حسب قبایل ایشان! از جرشون قبیله جرشونیان!!! از قهات قبیله قهاتیان!!! از مرای قبیله مرارییان!!! اینانند قبایل لاویان قبیله لبنیان و قبیله حبرونیان و قبیله و قبیله مَحلیان قبیله موشیان و قبیله قورحیان! و اما قهات عَمرام را آورد! و نام زن عَمرام یوگبد بود!!! دختر لاوی که برای لاوی در مصر زائیده شده بود! او برای عَمرام! هارون و موسی و خواهر ایشان مریم را زائیده بود! و برای هارون ناداب و ابیهو و اعزاز و ایتامار شدند!!! ناداب و ابیهو چون آتش غریبی بحضور خداوند گردانیده بودند مُردند!

شمرده شدگان ایشان یعنی همه ذکور از یک ماهه و بالاتر بیست و سه هزار نفر بودند؛ زیرا که ایشان در میان بنی اسرائیل شمرده شدند؛ چونکه نصیبی در میان بنی اسرائیل داده نشد؛ اینانند آنانیکه موسی و آل عازار شمرند!!! و وقتیکه بنی اسرائیل را در عربات موآب نزد اردن در مقابل اریحا شمرند!!! و در میان ایشان کسی نبود از آنانیکه موسی و هارون کاهن شمرده بودند؛ وقتیکه بنی اسرائیل را در بیابان سینا شمرند؛ زیرا که خداوند درباره ایشان گفته بود: **الْبَتَّةَ** در بیابان خواهند مرد، پس از آنهائیک مردسوی کالیب بن یقنه و یوشع بن نون باقی نماند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و ششم)

و دختران صلفحاد بن حافر بن جلعاد بن ماکر بن منسی که از قبایل منسی ابن یوسف بودند نزدیک آمدند؛ و اینهاست نامهای دخترانش محلّه و نُوَعَه و حُجَلَه و مِلْکَه و تِرَمَه بحضور موسی و آل عازار کاهن؛ و بحضور سروران و تمامی جماعت نزد درخیمه اجتماع ایستاده گفتند: پدر ما در بیابان مُرد و او از آن گروه نبود که در جمعیت قورح بضد خداوند هم دستان شدند!!! بلکه در گناه خود مُرد و پسری نداشت؛ پس چرا نام پدر ما از این جهت که پسری ندارد! از میان قبیله اش محو شود لهذا ما را در میان برادران پدر ما نصیبی بده!!! پس موسی دعوی ایشان را بحضور خداوند آورد؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: دختران صلفحاد راست میگویند؛ البته در میان برادران پدر ایشان!!! مالک موروثی به ایشان بده!!! و نصیب پدر ایشان را به ایشان انتقال نما؛ و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد ملک او را بدختران انتقال نمائید؛ و اگر او را دختری نباشد ملک او را به برادرانش بدهید!!! و اگر او را برادری نباشد ملک او را برادران پدرش بدهید؛ و اگر پدر او را برادری نباشد ملک او را به هر کسی از قبیله اش که خویش نزدیکتر او باشد بدهید تا مالک آن شود؛ پس این برای بنی اسرائیل فریضه شرعی باشد؛ چنانکه خداوند بموسى امر فرموده بود!!! و خداوند بموسى گفت: به این کوه عبرایم برآی و زمین را که بنی اسرائیل دادم ببین و چون آن را دیدی تو نیز بقوم خود ملحق خواهی شد!!! چنانکه برادرت

هارون ملحق شد! زیرا که در بیابان صین و قتیکه جماعت مخاصمه نمودند!!! شما از قول من عصیان ورزیدید و مرا نزد آب در نظر ایشان تقدیس ننمودید!!! این است آب مریبه قادیان در بیابان صین! و موسی بخداوند عرض کرده گفت: ملتمس اینکه یهوه خدای ارواح تمامی بشر کسی را بر این جماعت بگمارد! که پیش روی ایشان بیرون رود و پیش روی ایشان داخل شود! و ایشان را بیرون برد و ایشان را در آورد!!! تا جماعت خداوند مثل گوسفندان بی شبان نباشند!!! و خداوند موسی گفت: یوشع بن نون را که مرد صاحب روح است گرفته دست خود را بر او بگذارد!!! و او را بحضور آلعازر کاهن و بحضور تمامی جماعت برپا داشته در نظر ایشان بوی وصیت نما! و از عزت خود بر او بگذارد تا تمامی جماعت بنی اسرائیل او را اطاعت نمایند! و او بحضور آلعازر کاهن بایستد!!! تا از برای او بحکم آوریم بحضور خداوند سوال نماید و فرمان وی!!! او و تمامی بنی اسرائیل با وی و تمامی جماعت بیرون روند و بفرمان وی داخل شوند!!! پس موسی به نوعی که خداوند او را امر فرموده بود عمل نموده! یوشع را گرفت و او را بحضور آلعازر کاهن و بحضور تمامی جماعت برپا داشت!!! و دستهای خود را بطوریکه خداوند بواسطه موسی گفته بود وصیت نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و هفتم)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را امر فرموده بگو: مراقب باشید تا هدیه طعام مرا از قربانیهای آتشین عطر خوشبوی من در موسم من نزد من بگذارید، ایشان بگو: قربانی آتشین را که نزد خداوند بگذارید! این است دوبره نرینه یک ساله بیعیب هر روز بجهت قربانی سوختنی دایمی! یک بره را در صبح قربانی کن و بره دیگر را در عصر قربانی کن!!! و یک عشاریفه آرد نرم مخلوط شده بایک ربع هین روغن زلال برای هدیه آردی! این است قربانی سوختنی دایمی که در کوه سینا بجهت عطر خوشبو و قربانی آتشین خداوند!!!

معین شد؛ و هدیه ریختنی آن یک ربع هین بجهت هربره باش! این هدیه ریختنی مسکرات را برای خداوند در قدس بریز؛ و بره دیگر را در عصر قربانی کن مثل هدیه آردی صبح و مثل هدیه ریختنی آن بگذران!!! تا قربانی آتشین و عطر خوشبو برای خداوند باشد! و در روز سبت دو بره یکساله بی عیب! و دو عشرایفه آرد نرم سرشته شده با روغن! بجهت هدیه آرد با هدیه ریختنی آن! این است قربانی سوختنی هر روز سبت!!! سوای قربانی سوختنی دایمی با هدیه ریختنی آن! و در ماههای خود قربانی سوختنی برای خداوند بگذرانید! دو گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله بیعیب! و سه عشرایفه آرد نرم سرشته شده با روغن بجهت هدیه آردی؛ برای هر گاو دو عشر آرد نرم سرشته با روغن بجهت هدیه آردی؛ برای هر قوچ یک عشر آرد نرم سرشته شده با روغن بجهت آردی برای هر بره تا قربانی سوختنی عطر خوشبو و هدیه آتشین برای خداوند باشد! و هدایای ریختنی آنها نصف هین شراب برای هر گاو؛ و ثلث هین برای هر قوچ و ربع هین برای هر بره باشد!!! این است قربانی سوختنی هر ماه از ماههای سال!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه سوای قربانی سوختنی دایمی! با هدیه ریختنی آن برای خداوند قربانی بشود! در روز چهاردهم ماه اول فصیح خداوند است! در روز پانزدهم این ماه عید است که هفت روز فطیر خورده شود! در روز اول محفل مقدس است که هیچ کار خدمت در آن نکنید! و بجهت هدیه آتشین و قربانی سوختنی برای خداوند! دو گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله قربانی کنید! اینها برای شما بی عیب باشد! و بجهت هدیه آردی آنها سه عشر آرد نرم سرشته با روغن برای هر گاو دو عشر برای هر قوچ بگذرانید؛ و یک عشر برای هر بره از آن هفت بره بگذران؛ و یک بز نر بجهت قربانی گناه تا برای شما کفاره شود؛ اینها را سوای قربانی سوختنی صبح؛ که قربانی سوختنی دایمی است بگذرانید!!! به اینطور هر روز از آن هفت روز طعام هدیه!!! آتشین عطر خوشبوی برای خداوند بگذرانید!!! و این سوای قربانی سوختنی دایمی گذرانیده شود با هدیه ریختنی آن! و در روز هفتم برای شما محفل مقدس باشد هیچ کاری خدمت در آن نکنید!!! و در روز نوبرها چون هدیه آردی تازه در عید

هفته های خود؛ برای خداوند بگذرانید محفل مقدس برای شما باشد؛ و هیچ کار خدمت در آن نکنید؛ و بجهت قربانی سوختنی برای عطر خوشبوی خداوند دو گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله قربانی کنید! و هدیه آردی آنها سه عشر آرد نرم سرشته شده با روغن؛ برای هر گاو دو عشر برای هر قوچ؛ و یک عشر برای هر بره از آن هفت بره!!! اینها را با هدیه آردی آنها و هدایای ریختنی آنها سوای قربانی سوختنی دایمی بگذرانید!!! و برای شما بی عیب باشد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و هشتم)

و در روز اول ماه هفتم محفل مقدس برای شما باشد! در آن هیچ کار خدمت مکنید و برای شما روز نواختن کرنا باشد!!! و قربانی سوختنی بجهت عطر خوشبوی خداوند بگذرانید، یک گاو و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله بی عیب، و هدیه آردی آنها سه عشر آرد نرم سرشته شده با روغن! برای هر گاو دو عشر برای هر قوچ؛ و یک عشر برای هر بره از آن هفت بره؛ و یک بز نر بجهت قربانی گناه تا برای شما کفاره شود؛ سوای قربانی سوختنی اول ماه و هدیه آردیش و قربانی سوختنی دایمی!!! با هدیه آردیش با هدایای ریختنی آنها، بر حسب قانون آنها تا عطر خوشبوی و هدیه آتشین خداوند باشد!!! و در روز دهم این ماه هفتم محفل مقدس برای شما باشد، جانهای خود را ذلیل سازید و هیچ کار مکنید!!! و قربانی سوختنی عطر خوشبو برای خداوند بگذرانید!!! یک گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله که برای شما بی عیب باشند؛ و هدیه آردی آنها سه عشر آرد نرم سرشته شده با روغن؛ برای هر گاو دو عشر برای هر قوچ یک عشر برای هر بره از آن هفت بره؛ و یک بز نر برای قربانی گناه سوای قربانی گناه کفاره و قربانی سوختنی دایمی با هدیه آردیش و هدایای ریختنی آنها! در روز پانزدهم ماه هفتم محفل مقدس برای شما باشد هیچ کار خدمت مکنید! و هفت روز برای خداوند عید نگاه دارید و قربانی سوختنی هدیه آتشین عطر خوشبو برای خداوند

بگذرانید؛ سیزده گاو جوان دوقوچ و چهارده برّه نرینه یکساله برای شما بی عیب باشند؛ و بجهت هدیه آردی آنها سه عشر آرد نرم سرشته شده باروغن برای هرگاو از آن سیزده گاو و دو عشر برای هر قوچ از آن دوقوچ!!! و یک عشر برای هر برّه از آن چهارده برّه!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه! سوای قربانی سوختنی دایمی، با هدیه آردی و هدیه ریختنی آن؛ در روز دوم دوازده گاو جوان و دوقوچ؛ چهارده برّه نرینه یکساله بی عیب؛ و هدایای آردی؛ هدایای ریختنی آنها برای گاوها و برهها و بزها بشماره آنها بر حسب قانون؛ و یک بز نر بجهت قربانی گناه سوای قربانی سوختنی دایمی با هدیه آردیش و هدایای ریختنی آنها؛ و در روز سوم یازده گاو جوان و دو قوچ و چهارده برّه یکساله بی عیب! و هدایای آردی و هدایای ریختنی آنها برای گاوها و قوچ ها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه؛ سوای قربانی سوختنی دایمی با هدیه آردیش و هدیه ریختنی آن؛ و در روز چهارم دو گاو جوان و دو قوچ چهارده برّه نرینه یکساله بی عیب؛ و هدایای آردی ریختنی آنها برای گاوها و قوچ ها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه!!! سوای قربانی سوختنی دایمی و هدیه آردی و هدیه ریختنی آن! و در روز پنجم نه گاو جوان و دو قوچ و چهارده برّه نرینه یکساله بی عیب؛ و هدایای آردی و هدایای ریختنی آنها برای گاوها و قوچها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون!!! و یک بز نر بجهت قربانی گناه!!! و در روز ششم هشت گاو جوان و دو قوچ و چهارده برّه نرینه یکساله بی عیب! و هدایای آردی و هدایای ریختنی آنها برای گاوها و قوچها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون؛ و یک بز نر بجهت قربانی گناه؛ سوای قربانی سوختنی دایمی و هدیه آردیش و هدیه ریختنی آن؛ و در روز هفتم هفت گاو جوان و دو قوچ و چهارده برّه نرینه یکساله بی عیب!!! و هدایای آردی و هدایای ریختنی آنها برای گاوها و قوچها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون؛ و یک بز نر بجهت قربانی گناه سوای قربانی سوختنی دایمی و هدیه آردیش و هدیه ریختنی آن!!! و در روز هشتم

برای شما جشن مقدس باشد هیچ کار خدمت مکنید!!! و قربانی سوختنی هدیه آتشین عطر خوشبو برای خداوند بگذرانید؛ و یک گاو جوان و یک قوچ و هفت بره نرینه یکساله بی عیب!!! و هدایای آردی و هدایای ریختنی آنها برای گاوها و قوچها و برهها بشماره آنها بر حسب قانون؛ و یک بز نر برای قربانی گناه، سوای قربانی سوختنی دایمی؛ با هدیه آردیش و هدیه ریختنی آنها را شما در موسم های خود برای خداوند بگذرانید! سوای نذرها و نوافل خود برای قربانی های سوختنی! و هدایای آردی و هدایای ریختنی و ذبایح سلامتی خود! پس بر حسب هر آنچه خداوند بموسی امر فرموده بود موسی بنی اسرائیل را اعلام نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد هتیک و از کتاب تورات بعلی؛ سفر اعداد باب بیست و نهم)

و موسی سروران اسباط بنی اسرائیل را خطاب کرده گفت: این است کاری که خداوند امر فرموده است! چون کسی برای خداوند نذر کند، یا قسم خورد تا جان خود را بتکلیفی الزام نماید! پس کلام خود را باطل نسازد! بلکه بر حسب هر آنچه از دهانش بر آمد عمل نماید؛ و اما چون زن برای خداوند نذر کرده، خود را در خانه پدرش در جوانیش بتکلیفی الزام نماید! و پدرش نذر او و تکلیفی که خود را بر آن الزام نموده شنیده باشد! پدرش درباره او ساکت باشد! آنگاه تمامی نذرهایش استوار، و هر تکلیفی که خود را به آن الزام نموده باشد قایم خواهد بود؛ اما اگر پدرش در روزی که شنید او را منع کرد؛ آنگاه هیچکدام از نذرهایش! و از تکالیفش که خود را به آن الزام نموده باشد استوار نخواهد بود! و از این جهت که پدرش او را منع نموده است خداوند او را خواهد آمرزید! و اگر بشوری داده شود و نذرهای او یا سخنی که از لبهایش جسته و جان خود را به آن الزام نموده بر او باشد! و شوهرش شنید در روز شنیدنش بوی هیچ نگفت: آنگاه نذرهایش استوار خواهد ماند!!! و تکلیفهایی که خویشان را به آنها الزام نموده است قایم خواهد بود!!! لیکن اگر شوهرش در روزی که آن را شنید او را منع نماید! و نذری را که بر او است یا سخنی از لبهایش جسته! و خویشان را به آن الزام نموده باشد باطل سازد!!! پس خداوند او را خواهد آمرزید!!! اما نذر زن بیوه یا مطلقه در هر چه

خود را به آن الزام نموده باشد بروی استوار خواهد ماند؛ و اما اگر زنی در خانه شوهرش نذر کند، یا خویشتن را با قسم بتکلیفی الزام نماید؛ و شوهرش بشنود و او را هیچ نگوید؛ و منع ننماید پس تمامی نذرهایش استوار!!! و هر تکلیفی که خویشتن رابه آن الزام نموده باشد قایم خواهد بود؛ و اما اگر شوهرش در روی که بشنود آنها را باطل سازد؛ پس هر چه از لبهایش درآمده باشد درباره نذرهایش یا تکلیف خود استوار نخواهد ماند!!! و چونکه شوهرش آن را باطل نموده است خداوند او را آمرزید؛ هر نذری و هر قسم الزامی را برای ذلیل ساختن جان خود شوهرش آن را استوار نماید؛ و شوهرش آن را باطل سازد؛ اما اگر شوهرش روز بروز به او هیچ نگوید؛ پس همه نذرهایش و همه تکالیفش را که بروی باشد استوار نموده باشد؛ چونکه در روزی که شنید بوی هیچ نگفت؛ پس آنها را استوار نموده است؛ و اگر بعد از شنیدن آنها را باطل نمود؛ پس او گناه وی را متحمل خواهد بود؛ این است فرایضی که خداوند بموسی امر فرموده در میان مرد و زنش؛ و در میان پدر و دخترش در زمان جوانی او در خانه پدری!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی ام)

و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: انتقام بنی اسرائیل را از مدیانیان بگیر!!! و بعد از آن بقوم خود ملحق خواهی شد؛ پس موسی قوم را مخاطب ساخته گفت: از میان خود مردان برای جنگ مهیا سازید!!! تا بمقابله مدیانیان برآیند و انتقام خداوند را از مدیانیان بکشند!!! هزار نفر از هر سبط از جمیع اسباط اسرائیل برای جنگ بفرستید؛ پس از هزاره های اسرائیل از هر سبط یک هزار!!! یعنی دوازده هزار نفر مهیا شده برای جنگ منتخب شدند؛ و موسی ایشان را هزار نفر از هر سبط بجنگ فرستاد ایشان را فیخاس بن العازار کاهن؛ و اسباب قدس و کرهاها برای نواختن در دستش بجنگ فرستاد؛ و با مدیانیان بطوریکه خداوند موسی را امر فرموده بود؛ جنگ کرده همه ذکور آن را کشتند؛ و در میان کشتگان ملوک مدیانیان یعنی آوی و راقم و صور و حورو و رابع پنج پادشاه مدیانیان را کشتند؛ بلعام بن

بَعور را بشمشیر کشتند؛ و بنی اسرائیل زنان مدیان و اطفال ایشان را به اسیری بردند؛ جمیع بهایم مواشی ایشان و همهٔ املاک ایشان را غارت کردند؛ و تمامی شهرها و مساکن و قلعه های ایشان با آتش سوزانیدند؛ و تمامی غنیمت و جمیع غارت را از انسان! بهایم گرفتند! اسیران و غارت و غنیمت را نزد موسی و آل عازار کاهن و جماعت بنی اسرائیل در لشکرگاه عَرِیَاتِ مَوَّاب که نزد اردن در مقابل اریحا است آوردند! موسی و آل عازار کاهن و تمامی سروران جماعت بیرون از لشکرگاه به استقبال ایشان آمدند! موسی بر رؤسای لشکر یعنی سرداران هزاره ها و سرداران صدها که از خدمت جنگ باز آمده بودند غضبناک شده!!! موسی به ایشان گفت: آیا همهٔ زنان رازنده نگاه داشتید؟ اینک اینانند بر حسب مشورت بلعام بنی اسرائیل و اداشتند!!! تا در امر فُغور بخداوند خیانت ورزیدند!!! و در جماعت خداوند و با عارض شد! پیش الآن هر ذکوری از اطفال را بکشید؛ و هر زنی را که مرد را شناخته شده باشد بکشید!!! و از زنان و هر دختری را که مرد را!!! نشناخته! و با او همبستر نشده برای خود زنده نگاه دارید! و شما هفت روز بیرون از لشکرگاه خیمه زنید! و هر کس شخصی را کشته و هر کس کشته را لمس نموده باشد از شما و اسیران شما!!! در روز سوم و در روز هفتم خود را تطهیر نماید! هر جامه و هر ظرفی چرمی و هر چه از پیشم بز ساخته شده باشد! و هر ظرف چوبین را تطهیر نماید! آل عازار کاهن بمردان جنگ و بمقابله رفته بودند گفت: این است قانون! شریعتی که خداوند بموسی امر فرموده است! طلا و نقره و برنج و آهن و روی و سرب یعنی هر چه متحمل آتش نشود آنرا از آب بگذرانید! و در روز هفتم رخت خود را بشوئید تا ظاهر شوید! و بعد از آن بلشکرگاه داخل شوید! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: تو و آل عازار کاهن و سروران خاندان آباء جماعت! حساب غنایمی که گرفته شده است چه از انسان چه از بهایم بگیری! و غنیمت را در میان مردان جنگ که بمقابل بیرون رفته اند! و تمامی جماعت نصف نما و از مردان جنگ که بمقابله بیرون رفته اند! زکات برای خداوند بگیر!!! یعنی یک نفر از پانصد! چه از انسان و چه از گاو و چه از الاغ و چه از گوسفند! از قسمت

ایشان بگیروبه آل‌عازار کاهن بده! تاهدیة افراشتنی برای خداوند باشد! و از قسمت بنی اسرائیل یکی که از هر پنجاه نفر گرفته باشد! چه از انسان و چه از گاو!!! و چه از الاغ و چه از گوسفند!!! و چه از جمیع بهایم بگیر و آنها را به لایوانی که ودیعت مسکن خداوند را نگاه میدارند بده! موسی و آل‌عازار کاهن بر حسب آنچه خداوند بموسی امر فرموده بود عمل کردند! و غنیمت سوای آن عنیمتی که مردان جنگ گرفته بودند! از گوسفند ششصد و هفتاد و پنج هزار راس بود!!! و از گاو هفتاد دو هزار راس! و الاغ شصت و یک هزار راس! و از انسان از زناتی که مرد نشناخته بودند سی و دو هزار بودند!!! و نصفه که قسمت کسانی بود که بجنگ رفته بودند! سیصد و سی و هفت هزار بودند و پانصد گوسفند بود! زکات خداوند از گوسفند ششصد و هفتاد و پنج راس بود! و گاو سی و شش هزار بود! و از آنها زکات خداوند هفتاد و دو راس بود! و الاغ هاسی هزار و پانصد! و آنها زکات خداوند شصت و یک راس بود! مردمان شانزده هزار! و از ایشان زکات خداوند سی و دو نفر بودند! و موسی زکات را که هدیه افراشتنی بود به آل‌عازار کاهن داد! چنان که خداوند بموسی امر فرموده بود!!! و از قسمت بنی اسرائیل که موسی را از مردان جنگ جدا کرده بود!!! و قسمت جماعت از گوسفندان سیصد و سی و هفت هزار و پانصد راس بود! و از گاو سی و شش هزار راس! و از الاغها سی هزار و پانصد راس! و انسان شانزده هزار نفر! موسی از قسمت بنی اسرائیل یکی را که از هر پنجاه گرفته شده بود! چه از انسان و چه از بهایم گرفت!!! و آنها را لایوانی که ودیعت مسکن خداوند را نگاه میداشتند داد! چنانکه خداوند بموسی امر فرموده بود!!! و رؤسایی که بر هزار لشگر بودند؛ سرداران هزاره ها با سرداران صد ها نزد موسی آمدند!!! و بموسی گفتند: بند گانت حساب مردان جنگ را!!! که زیر دست ما میباشند گرفتیم! و از ما یک نفر مفقود نشده است!!! پس ما از آنچه هریافته است! هدیه برای خداوند آوردیم! از زیورهای طلا خلخالها و دست بندها و انگشترها و گوشواره ها و گردن بندها تا برای خانه های ما بحضور خداوند کفاره شود!!! موسی و آل‌عازار کاهن طلا و همه زیورهای مصنوعه را از ایشان

گرفتند؛ و تمامی طلای هدیه که از سرداران هزاره ها و سرداران صدها برای خداوند گذرانیدند! شانزده هزار و هفتصد و پنجاه مثقال بود!!! زیرا که هر یکی از مردان جنگی غنیمت برای خود برده بود! موسی و آل عازار کاهن طلارا از سرداران هزاره ها و صدها گرفته بخیمه اجتماع آوردند! تا جهت بنی اسرائیل بحضور یاد گار باشد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد با سی و یکم)

و بنی رَؤبِین و بنی جاد را مواشی بینهایت بسیار کثیر بود! پس چون زمین یَعرو زمین جلعاد را دیدند که اینک این مکان مواشی است!!! بنی جاد و بنی رَؤبِین نزد موسی و آل عازار کاهن و سروران جماعت آمده گفتند: عَطاروت!!! او دیبون یَعیرونِمره و حَشْبُون و آلِعاله و شبام و نَبُووَبْعُون! زمینی که خداوند پیش روی جماعت اسرائیل مفتوح بساخته است! زمین مواشی است! و بندگان صاحب مواشی میباشیم!! پس اگر در نظر توالتفات یافته ایم! زمین را بندگان بملکیت داده شود و ما را از اردن عبور برده! موسی بنی جاد و بنی رَؤبِین گفت: آیا برادران شما به جنگ روند و شما در اینجا بنشینید؟؟!! چرا دل بنی اسرائیل را افسرده میکنید! تا بزمنی که خداوند به ایشان داده است عبور نکنند؟! بهمین طور پدران شما عمل نمودند! و وقتی که ایشان را از قادش برنیع برای دیدن زمین فرستادم! بوادی آشکول رفته زمین را دیدند! و دل بنی اسرائیل را افسرده ساختند!!! تا بزمنی که خداوند به ایشان داده بود داخل نشوند!!! پس غضب خداوند در آن روز افروخته شد بحدی که قسم خورده گفت: البتّه هیچکدام از مردانیکه از مصر بیرون آمدند، از بیست ساله و بالاتر از آن زمین را که برای ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خوردم نخواهند دید! چونکه ایشان مرا پیروی کامل نمودند! سوای کالیب بن یَفْنَه قِئْزِی و یُوشَع بن نون!!! چونکه ایشان خداوند را پیروی کامل نمودند!!! پس غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شده، ایشان را چهل سال در بیابان آوره گردانید! تا تمامی آن گروهیکه این شرارت در نظر خداوند ورزیده

بودند هلاک شدند! و اینک شما بجای پدران خود و انبوهی از مردان خطاء کار برپا شده اید! تا شدت غضب خداوند را بر اسرائیل باز زیاد کنید؟! زیرا که اگر از پیروی او روی بگردانید بار دیگر ایشان را در بیابان ترک خواهد کرد! و شما تمام این قوم را هلاک خواهید ساخت! پس ایشان نزد وی آمده گفتند: آغلها را اینجا برای مواشی خود و شهرها بجهت اطفال خواهیم ساخت! خود مسلح شده حاضر میشویم و پیش روی بنی اسرائیل خواهیم رفت! تا آنها را بمکان ایشان برسانیم!!! و اطفال ما از ترس ساکنان زمین در شهرهای حصار دار خواهند ماند! و تا هر یکی از بنی اسرائیل ملک خود را نگرفته باشد!!! بخانه های خود مراجعت نخواهیم کرد! زیرا که ما با ایشان در آن طرف اردن و ماورای آن ملک نخواهیم گرفت! چونکه نصیب ما به این طرف اردن بطرف مشرق بما رسیده است! و موسی به ایشان گفت: این کار را بکنید و خویشتن را بحضور خداوند برای جنگ مهیا سازید! و هر مرد جنگی شما بحضور خداوند از اردن عبور کند تا او دشمنان خود را از پیش روی خود اخراج نماید! و زمین بحضور خداوند مغلوب شود! پس بعد از آن برگردیده بحضور خداوند و بحضور اسرائیل بیگناه خواهید شد!!! و این از جانب خداوند ملک شما خواهد بود!!! و اگر چنین نکنید اینک بخداوند گناه ورزیده! و بدانید که گناه شما؛ شما را خواهد گرفت! پس شهرهای برای اطفال و آغلها برای گله های خود بناء کنید! و به آنچه از دهان شما در آمده عمل نمائید! پس بنی جاد!!! و بنی رآوبین موسی را خطاب کرده گفتند: بندگانت بطوری که آقای ما فرموده است عمل خواهیم کرد! اطفال و زنان و مواشی و همه بهایم ما اینجا در شهرهای جلعاد خواهند ماند! و جمیع بندگانت مهیای جنگ شده چنان که آقای ما گفته است: بحضور خداوند برای مقاتله عبور خواهیم نمود! پس موسی و آل عازار کاهن و یوشع بن نون و رؤسای خاندان آبا ی اسباط!!! بنی اسرائیل را در باره ایشان وصیت نمود!!! موسی به ایشان گفت: اگر جمیع بنی جاد و بنی رآوبین مهیای جنگ شده! همراه شما بحضور خداوند از اردن عبور کنند! و زمین پیش روی شما مغلوب شود! آنگاه زمین جلعاد را برای ملگیت به ایشان بدهید

واگرایشان مهیا نشوند و همراه شما عبور ننمایند!!! پس در میان شما در زمین کنعان بگیرند! بنی جادوبنی رأوبین در جواب وی گفتند: چنانکه خداوند بیدگانت گفته است همچین خواهیم کرد!!! امامهییای جنگ شده پیش روی خداوند!!! بزمین کنعان عبور خواهیم کرد! و ملک نصیب مابه این طرف اُردن داده شود پس موسی به ایشان یعنی بنی جادوبنی رأوبین و نصف سبط منسی ابن یوسف!!! مملکت سیحون ملک آموریان و مملکت عوج ملک باشان را داد!!! یعنی زمین را باشهرهایش و حدودشهرهای زمین را از هر طرف! و بنی جاد دیبون و عطارت و عرو عیر! عَطروت شوفان وی عَزِیر و یَجِبَهه! و بیت نمره و بیت هاران را بناء کرد! یعنی شهرهای حصاردار با آغلهای گله ها! و بنی رأوبین حشْبون و آلعاله و قریتایم! و ثبو و بعل معون که نام این دور را تغییر دادند! و سبمه را بناء کردند و شهرهایی را که بناء کردند بنامهای منسی ساختند!!! و بنی ما کیرین منسی بجلعاد رفته آن را گرفتند! و آموریان را که در آن یودند اخراج نمودند! و موسی جلعاد را بما کیرین منسی و او در آن ساکن شد!!! و یائیر بن منسی رفته قصبه هایش را گرفت و آنهارا حوُوت یائیر نامید و ثبح قنات و دهاتش را گرفته آنهارا به اسم خود و ثبح نامید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی و دوم)

این است منازل بنی اسرائیل که از زمین مصر! با افواج خود زیر دست موسی و هارون کوچ کردند! موسی بفرمان خداوند سفرهای ایشان را! بر حسب منازل ایشان نوشت این است منازل! مراحل ایشان! پس در ماه اول از رعمسیس در روز پانزدهم از ماه اول کوچ کردند! و در فردای بعد از بنی اسرائیل! در نظر تمام مصریان با دست بلند بیرون رفتند! و مصریان همه نخست زادگان خود را که خداوند از ایشان کشته بود دفن میکردند! و یهوه بر خدایان ایشان قصاص نموده بود! و بنی اسرائیل از رعمسیس کوچ کرده در سگوت فرود آمدند! و از سگوت کوچ کرده در ایتم که بکناریابان است فرود آمدند! و از ایتم کوچ کرده بسوی

فُمُ الْيَرُوتِ! که در مقابل بَعْل صَفُون است برگشتند و پیش مَحَدَل فرود آمدند! و از مقابل حیرُوت کوچ کرده از میان دریا بیابان عبور کردند! و در بیابان ایتام سفرسه روزه کرده درماره فرود آمدند! و از ماره کوچ کرده به ایلیم رسیدند! و در ایلیم دوازده چشمه آب و هفتاد درخت خرما بود و در آنجا فرود آمدند! و از ایلیم کوچ کرده نزد بحر قلزم فرود آمدند!!! و از بحر قلزم کوچ کرده در بیابان صین فرود آمدند! و از بیابان صین کوچ کرده در دُفقه فرود آمدند! و از دُفقه کوچ کرده در آلوش فرود آمدند! و از آلوش کوچ کرده در رفیدیم فرود آمدند و در آنجا آب نبود که قوم بنوشند! و از رفیدیم کوچ کرده در بیابان سینا فرود آمدند! و از بیابان سینا کوچ کرده در قَبْرُوت هَتَّاه کوچ کرده در حَصِیروت فرود آمدند! و از حَصِیروت کوچ کرده در رُتْمه فرود آمدند! و از رُتْمه کوچ کرده در رُمُون فارص فرود آمدند و از رُمُون فارص کوچ کرده در لِننه کوچ کرده در رَسنه فرود آمدند و از رَسنه کوچ کرده در قَهْنَلته فرود آمدند! و از قَهْنَلته کوچ کرده در جبل شافر فرود آمدند و از جبل شافر کوچ کرده در حراده فرود آمدند! و از حراده کوچ کرده در مَقْهیلُوت فرود آمدند!!! و از مَقْهیلُوت کوچ کرده در تاحْت فرود آمدند! و از تاحْت کوچ کرده در تارَح فرود آمدند! و از تارَح کوچ کرده در مِتَقّه فرود آمدند! و از مِتَقّه کوچ کرده در حَشْمُونه فرود آمدند! و از حَشْمُونه کوچ کرده در مُسروت فرود آمدند!!! و از مُسروت کوچ کرده در بنی یعقان فرود آمدند! و از بنی یعقان کوچ کرده در حور الجداد فرود آمدند! و از حور الجداد کوچ کرده در یطبات فرود آمدند! و از یطبات کوچ کرده در عِبْرُونه فرود آمدند!!! و از عِبْرُونه کوچ کرده!!! در عِصیون جابر فرود آمدند!!! و از عِصیون جابر کوچ کرده در بیابان صین که قادش باشد فرود آمدند! و از هارون کاهن بر حسب فرمان خداوند بجبل هور برآمده! در سال چهلم خروج بنی اسرائیل از زمین مصر در روز اول ماه پنجم وفات یافت!!! و هارون صد و بیست و سه ساله بود که در جبل هور مُرد! و مَلِکِ عِرادِکنعانی که در جنوب زمین کنعان ساکن بود! از آمدن بنی اسرائیل اطلاع یافت! پس از جبل هور کوچ کرده در صَلْمُونه فرود آمدند!!! و از صَلْمُونه کوچ کرده در فُونُون فرود آمدند! و از فُونُون کوچ کرده در اوبوت فرود آمدند! و از اوبوت کوچ کرده در عِیم عباریم

در حدود موآب فرود آمدند!!! و از عییم کوچ کرده در ریبون جاد فرود آمدند! و از ریبون جاد کوچ کرده در علمون دبلاتابم فرود آمدند!!! و از علمون دبلاتابم کوچ کرده در کوههای عباریم در مقابل نبو فرود آمدند! از کوههای عباریم کوچ کرده در عربات موآب نزد اردن در مقابل اریحا فرود آمدند!!! پس نزد اردن از بیت!!! یشیموت تا ابل شطیم در عربات موآب اردوزدند! و خداوند موسی را در عربات موآب نزد اردن در مقابل اریحا خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون شما از اردن بزمین کنعان عبور کنید! جمیع ساکنان زمین را از پیش روی خود اخراج نمائید!!! و تمامی صورتهای ایشان را خراب کنید و تمامی بتهای ریخته شده را بشکنید! و همه مکانهای بلند ایشانرا منهدم سازید!!! و زمین را بتصرف آورده در آن ساکن شوید! زیرا که آن زمین را بشما دادم تا مالک آن باشید! و زمین را بر حسب قبایل خود بقرعه تقسیم کنید! برای کثیر نصیب اورا کثیر بدهید! و برای قلیل نصیب اورا قلیل بدهید! جائیکه قرعه برای هر کس بر آید از آن او باشد! بر حسب اسباط آبی شمارا تقسیم نمائید! اگر ساکنان زمین را از پیش روی خود اخراج ننمائید! کسانی را که از ایشان باقی میگذارید در چشمان شما خار خواهند بود! و در پهلوئی شما تیغ و شمارا در زمینی که در آن ساکن شوید خواهند رنجانید! و بهمان طوری که قصد نمودم که با ایشان رفتار نمایم با شمار رفتار خواهم نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی و سوم)

خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را امر فرموده به ایشان بگو: چون شما بزمین کنعان داخل شوید! این است زمینی که بشما بملکیت خواهد رسید! یعنی زمینی کنعان با حدودش!!! آنگاه حد جنوبی شما از بیابان صین بر جانب آدوم خواهد بود! و سرحد جنوبی شما از بحر الملح بطرف مشرق خواهد بود! و حد شما از جانب جنوب گردنه عقریم دور خواهد زد! و بسوی صین خواهد

گذشت! و انتهای آن بطرف جنوب قادیس برنیع خواهد بود! و نزد حَصْر آدار بیرون رفته تا عَصْمُون خواهد گذشت!!! و این حدّ از عَصْمُون تا وادی مصر دور زده انتهایش نزد دریا خواهد بود! و اَمّاحدّ غربی دریای بزرگ حدّ شما خواهد بود! این است حدّ غربی شما! و حدّ شمالی شما این باشد! از دریای بزرگ برای خود جبل هور را نشان گیرید! و از جبل هور تا مدخل حمات را نشان گیرید! و انتهای این حدّ نزد صدّد باشد! و این نزد رفرون بیرون رود! و انتهایش نزد حَصْر عینان باشد!!! این حدّ شمالی شما خواهد بود!!! و برای حدّ مشرق خود از حَصْر عینان تا شَفام را نشان گیرید! و این حدّ از شَفام تا رِبْلَه بطرف شرقی عین برود! پس این حدّ کشیده بجانب دریای کُرتّ بطرف مشرق برسد! و این حدّ تا به اُردن برسد و انتهایش نزد بحر الملح باشد!!! این زمین بر حسب حدودش بهر طرف زمین شما خواهد بود! و موسی بنی اسرائیل را امر کرده گفت: این است زمینی که شما آن را بقرعه تقسیم کرد! که خداوند امر فرموده است تا به نه سبط و نصف داده شود! زیرا که سبط رَأوَبین بر حسب خاندان آبای خود! و سبط بنی جاد بر حسب خاندان آبی خود! و نصف سبط مَنَسی نصیب خود را گرفته اند! و سبط و نصف به آن طرف اُردن در مقابل اریحا بجانب مشرق!!! بسوی طلوع افتاب نصیب خود را گرفته اند! و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: این است نامهای کسانی که زمین را برای شما تقسیم خواهند نمود! اَلعازار کاهن و یوشع بن نون! و یک سرور را از هر سبط برای تقسیم نمودن زمین بگیرد! و این است نامهای ایشان از سبط یهود! اکالیب بن یَفْثَه!!! و از سبط بنی شَمَعُون شَمُونیل بن عَمیهُود!!! و از سبط بنیامین الیداد بن کسلون! و از سبط بنی دان رئیس بُقی ابن یُجلی! و از بنی یوسف از سبط بنی مَنَسی رئیس خَنیئیل بن ایفود!!! و از سبط بنی آفرایم رئیس قَمُونیل بن شِفطان!!! و از سبط زَبولون رئیس اَلصافات بن فَرناک! و از سبط بنی یساکار رئیس فُلطیئیل بن عَزّاف!!! و از سبط بنی آشیر رئیس اخیهود بنی شَلومی! و از سبط بنی نَفتالی رئیس فَدْهئیل بن عَمیهُود! اینانند که خداوند مأمور فرموده که مالک را در زمین برای بنی اسرائیل تقسیم نمایند!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی و چهارم)

و خداوند موسی را در عربات موآب نزد اردن در مقابل اریحا خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را امر فرما که نصیب خود! شهرها برای سکونت بلاویان بدهند! و نواحی شهرها را از اطراف آنها بلاویان بدهید! و شهرها بجهت سکونت ایشان باشد؛ و نواحی آنها برای بهایم و اموال و سایر حیوانات ایشان باشد!!! و نواحی شهرها که بلاویان بدهید؛ از دیوار شهر بیرون از هر طرف هزار ذراع باشد! و از بیرون شهر بطرف مشرق دو هزار ذراع؛ و بطرف جنوب دو هزار ذراع؛ و بطرف مغرب دو هزار ذراع؛ و بطرف شمال دو هزار ذراع بپیمائید؛ و شهر در وسط باشد! و این نواحی شهرها برای ایشان خواهد بود؛ و از شهرها که بلاویان بدهید؛ شش شهر ملجأ خواهد بود! و آنها را برای قاتل بدهید! تا به آنجا فرار کند و سوای آنها چهل و دو شهر بدهید؛ پس جمیع شهرهایی که بلاویان خواهید داد!!! چهل و هشت با نواحی آنها خواهد بود!!! و اما شهرهایی که از ملک بنی اسرائیل می دهید؛ از شهرهای خود بلاویان بدهید؛ خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون شما از اردن بزمین کنعان عبور کنید؛ آنگاه شهرها برای خود تعیین کنید؛ تا شهرهای ملجأ برای شما باشد! تا هر قاتلی که شخصی را سهواً کشته باشد به آنجا فرار کند! و این شهرها برای شما بجهت ملجأ! ولی مقتول خواهد بود! تا قاتل پیش از آنکه بحضور جماعت برای داوری بایستد نمیرد!!! و از شهرها نیکه می دهید شش شهر ملجأ برای شما باشد؛ سه شهر از آن طرف اردن بدهید؛ و سه شهر در زمین کنعان بدهید؛ تا شهرهای ملجأ باشد؛ بجهت بنی اسرائیل؛ و غریب و کسیکه در میان شما وطن گزیند؛ این شش شهر ملجأ باشد؛ تا هر کس شخصی را سهواً کشته باشد؛ به آنجا فرار کند!!! **و اگر اورا به آلت آهنین زد که مُرد اوقاتل است! و قاتل البته کشته شود!!! و اگر اورا بادست خود بسنگی که از آن کسی کشته شود بزند؛ تا بمیرد! اوقاتل است و البته**

کشته شود؛ و اگر او را چوب دستی که به آن کسی کشته شود؛ بزند تا بمیرد؛ او قاتل است و قاتل البته کشته شود! ولی خون خود قاتل را بکشد هرگاه به او بر خورد او را بکشد و اگر از روی بغض او را بتیغزد! یا قصد آچیزی بر او انداخت که مُرد؛ یا از روی عداوت او را بادست خود زد مُرد آن زننده چونکه قاتل است! البته کشته شود! ولی خون بقاتل بر خورد او را بکشد! لیکن اگر او را بدون عداوت سهواً تیغ زند یا چیزی بدون قصد بر او اندازند!!! اگر سنگی راکه به آن کشته شود!!! نا دیده بر او بیندازد که بمیرد؛ باوی دشمنی نداشته؛ و بداندیش او نبوده باشد! پس جماعت در میان قاتل! و ولی بر حسب این احکام داوری نمایند؛ و جماعت قاتل را از دست ولی رهائی دهند!!! و جماعت وی را به شهر ملجأ!!! او که به آن فرار کند بر گردانند! و او را در آنجا تا موت رئیس کهنه که بروغن مقدس مسح شده است ساکن باشد! و اگر قاتل و حتی از حدود شهر ملجأ خود که به آن فرار کرده بود بیرون آید! و ولی خون او را بیرون حدود شهر ملجأیش بیاید! پس ولی خون قاتل را بکشد! قصاص خون برای او نشود! زیرا که میبایست تا وفات رئیس کهنه در شهر ملجأ خود مانده باشد!!! و بعد از وفات رئیس کهنه قاتل بزمین ملک خود برگردد! و این احکام برای شما در قرنهای شما! در جمیع مسکن های شما فریضة عدالتی خواهد بود!!! هر کس شخصی را بکشد پس قاتل بگواهی شاهدان کشته شود! و یک شاهد برای کشته شدن کسی شهادت ندهد! و هیچ فدیة بعوض جان قاتل که مستوجب قتل است! مگیرید بلکه او البته کشته شود!!! و از کسی که بشهر ملجأ خود فرار کرده باشد! فدیة مگیرید که پیش از وفات کاهن برگردد!!! و بزمین خود ساکن بشود؛ و زمینی که در آن ساکنید مُلوث مسازید! زیرا که خون زمین را مُلوث میکند!!! و زمین را برای خونی که در آن ریخته شود کفاره نمیتوان کرد! مگر بخون کسی که آن را ریخته باشد!!! پس زمین را که شما در آن ساکنید! و من در میان آن ساکن هستم نجس مسازید! زیرا که من یهوه هستم در میان بنی اسرائیل ساکن میباشم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی و پنجم)

رؤسای خاندان آباى قبیله بنى جعاد بن ماکیرین منسى و از قبایل بنى یوسف بودند! نزد یک آمده بحضور موسی و بحضور سروران و رؤسای خاندان آباى بنى اسرائیل عرض کرده گفتند: خداوند آقاى ما را امر فرموده که زمین را به قرعه تقسیم کرده ببنى اسرائیل بدهد!!! و آقاى ما از جانب خداوند مأمور شده است، که نصیب برادر ما صلفحاد را بدختران بدهید!!! پس اگر ایشان بیکی از پسران! سائر اسباط بنى اسرائیل منکوحه شوند! ارث ما از میراث پدران ماقطع شده بمیراث سبطى که ایشان! به آن داخل شوند اضافه خواهد شد!!! و از بهر میراث ماقطع خواهد شد؛ و چون یوبیل بنى اسرائیل شود ملک ایشان بملک سبطى که به آن داخل شوند اضافه خواهد شد؛ و ملک ایشان از ملک پدران ما قطع خواهد شد! پس موسی بنى اسرائیل را بر حسب قول خداوند امر فرموده گفت: سبط بنى یوسف راست گفتند: این است آنچه خداوند درباره دختران!!! صلفحاد امر فرموده گفته است! بهر کس در نظر ایشان پسند آید بزنى داده شوند لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط بنکاح داده شوند! پس میراث بنى اسرائیل از سبط به سبط منتقل نشود! بلکه هر یکی از بنى اسرائیل بمیراث سبط پدران خود ملحق باشند! و هر دختری که وارث ملکی از اسباط بنى اسرائیل بشود! به کسی از قبیله سبط پدر خود بزنى داده شود! تا هر یکی از بنى اسرائیل وارث ملک آباى خود گردند! و ملک از سبط به سبط دیگر منتقل نشود!!! بلکه هر کسی از اسباط بنى اسرائیل بمیراث خود ملحق باشند پس چنانکه خداوند موسی را امر فرموده دختران صلفحاد چنان کردند و دختران صلفحاد محله و تیره! و حمله و ملگه و نوعه به پسران عموهای خود بزنى داده شدند! در قبایل بنى منسى این یوسف منکوحه شدند! و ملک ایشان در سبط قبیله پدر ایشان باقی ماند! و این است او امر و احکام که خداوند بواسطه موسی در عربات موآب نزد اردن اریحا ببنى اسرائیل امر فرمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر اعداد باب سی و ششم)

- نکات از مؤلف: این است تورات! که متن تورات سفرا اعداد استخراج شده است!
- ۱- غریبه نزد مسکن شهادت خداوند درآید باید کشته شود!!!
 - ۲- **جمع نخست زادگان بنی اسرائیل خواه از انسان و خواه حیوانات از آن و مال خداوند بنی اسرائیل است!!!**
 - ۳- **خدای تورات فعلی؛ فقط در میان بنی اسرائیل مسکن دارد؛ ساکن بوده بود!**
 - ۴- **خداوند تورات فعلی؛ درستون ابری نازل شده بر درخیمه ایستاده! هارون و مریم را صدا زده و با ایشان سخن گفت: و گفتگو کرد!!!**
 - ۵- **خداوند تورات فعلی؛ از زمین کنعان خبری نداشت؛ بموسی دستور داده که بزمین کنعان جاسوسی بفرستد؛ تا خبری بیاورد!!!**
 - ۶- **خداوند تورات فعلی؛ در میان بنی اسرائیل نبود و از ایشان بیخبر بوده است!!**
 - ۷- **خداوند تورات فعلی؛ به هارون گفت: هر غریبی نزدیک مذبح آید کشته شود**
 - ۸- **خداوند تورات فعلی، ملک هارون است؛ زیرا که خود خدا در تورات گفت:**
 - ۹- **خداوند تورات فعلی؛ نزد بلعام بن بعور آمده گفتگو کرد؛ و سروران موآب را دید؛ پرسید این کیستند؟ یعنی خداوند تورات فعلی؛ بندگان خود را شناخت!!!**
 - ۱۰- **خداوند تورات فعلی؛ بلعام بن بعور اجازه داده با فرستادگان بالاق برود!!! بعد از آن پشیمان شده؛ و به بلعام غضبناک شده؛ زیرا که تغییر عقیده داده بود!!!**
 - ۱۱- **خداوند تورات فعلی؛ در تورات سفرا اعداد اراده خود را تغییر نمیدهد!!!**
 - ۱۲- **خداوند تورات فعلی؛ در تورات سفرا اعداد شاخهای مثل گاو وحشی دارد!!!**
 - ۱۳- **بنی اسرائیل با دختران و زنان موآب زنا کردند؛ و بُت های ایشان را پرستش کردند؛ و غضب خداوند تورات سفرا اعداد فعلی؛ بر بنی اسرائیل افروخته شده؛ و برای ایشان عذاب را فرو فرستاد!!!**
 - ۱۴- **خداوند تورات فعلی سفرا اعداد فرموده است؛ که طعام من از قربانی های آتشین خوشبو؛ و از مسکرات؛ و از شراب باید باشد!!!**
 - ۱۵- **بنی اسرائیل پنج پادشاه مدیان؛ تمامی مردانشان؛ و زنانشان؛ و اطفالشان را کشتند؛ و تمامی اموال؛ و حیوانات آنها را غارت کردند!!! و تمامی شهرهایشان را سوزانیدند (صدر حمت بچنگیز خان و هیتلر که چنین جنایاتی را انجام ندادند)**
 - ۱۶- **در تورات فعلی؛ قصاص انسان از انسان وجود دارد؛ که باید قاتل قصاص و کشته شود؛ و دندان به عوض دندان؛ و چشم به عوض چشم باید قصاص شود**

سفر تثبیه! یعنی؛ سفر پنجم از اسفار خمسه تورات فعلی

این است سخنانیکه موسی به آن طرف اردن در بیابان عَرَبَه مقابل سوف در میان فاران! وتوفل و لاویان و حصیروت وادی دهب بتامی اسرائیل!!! گفت: از حوریب براه جبل سعید تا قادیش برنیع سفریازده روزه است! پس در روز اول ماه یازدهم سال چهلم!!! موسی بنی اسرائیل را برحسب هر آنچه خداوند او را برای ایشان امر فرموده بود تکلم نمود!!! بعد از آنکه سیحون ملک اموریان را که در حشبون ساکن بود! و عوج ملک باشان را که در عشاروت در آدرعی ساکن بود کشته بود!!! به آن طرف اردن در زمین موآب موسی به بیان کردن این شریعت شروع کرده گفت: یهوه خدای ما ما را در حوریب خطاب کرده گفت: توقف شما در این کوه بس شده است! پس توجه نموده کوچ کنید! و بکوهستان اموریان! جمیع حوالی آن عَرَبَه! و کوهستان هامون و جنوب و کناره دریا! یعنی زمین کنعانیان و لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد داخل شوید! اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم! پس داخل شده زمین را که خداوند برای پدران شما ابراهیم و اسحق و یعقوب را قسم خورد!!! که به ایشان و بعد از آنها بذریت!!! ایشان بدهد بتصرف آورید! در آن وقت بشما متکلم شده گفتیم: من بتنهائی نمی توانم متحمل شما باشم! یهوه خدای شما!!! شما را افزوده است و شما امروز مثل ستارگان آسمان کثیر هستید! یهوه خدای پدران شما!!! شما را هزارچندان که هستید بیفزاید! و شما برحسب آنچه بشما گفته است برکت دهد! لیکن من چگونه بتنهائی متحمل محنت و بار و منازعت شما بشوم! پس مردان حکیم و عاقل و معروف از اسباط خود بیاورید! تا ایشان را بر شما رؤسا سازم! و شما در جواب من گفتید: سخنی که گفتی: نیکو است که بکنیم! پس رؤسای اسباط شما را که مردان حکیم!!! معروف بودند گرفته ایشان را بر شما رؤسا ساختم تا!!! سروران هزاره ها و سروران صدها و سروران پنجاهها و سروران دهها و ناظران اسباط شما باشند!!! و در وقت داوران شما را امر کرده گفتیم: دعوای برادران

خود را بشنوید و در میان هر کس و برادرش و غریبیکه نزد وی باشد با انفاق داوری
 نمائید!!! و در داوری طرفداری مکنید کوچک را مثل بزرگ بشنوید و از روی
 انسان مترسید! زیرا که داوری از آن خداست و هر دعوی که برای شما مشکل
 است نزد من بیاورید تا آن را بشنوم! و آن وقت همه چیزهایی را که باید بکنید
 برای شما امر فرمودم!!! پس از حوریب کوچک کرده از تمامی بیابان بزرگ
 و ترسناک که شما دیدید!!! براه کوهستان آموریان رفتیم چنانکه یهوه خدای
 ما بما امر فرموده! و به قادش برنیع رسیدیم! و شما بکوهستان آموریانی که
 یهوه خدای ما بامیدهد رسیده اید! اینک یهوه خدای تو این زمین را پیش روی
 تو گذاشته است! پس برای و چنانکه یهوه خدای پدرانت بتو گفته است! آن را
 بتصرف آور و ترسان و هراسان باش!!! آنگاه جمیع شما نزد من آمده گفتید:
 مردان چند پیش روی خود بفرستیم! تا زمین را برای ما جاسوسی نمایند و ما
 را از راهی که باید برویم! و از شهرهایی که به آنها میرویم خبر بیاورند! و این
 سخن مرا پسند آمد پس دوازده نفر از شما یعنی یکی را از هر سبط گرفتیم! و
 ایشان متوجه راه بکوه برآمدند!!! و بوادی آشکول رسیده آن را جاسوسی
 نمودند!!! و از میوه زمین بدست خود گرفته آن را نزد ما آوردند! و ما را مخبر
 ساخته گفتند: زمینی که یهوه خدای ما بما میدهد نیکو است! لیکن شما نخواستید
 که بروید!!! بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید!!! و درخیمه های خود!!!
 همهمه کرده گفتید: چونکه خداوند ما را دشمن داشت ما را از زمین مصر بیرون
 آورد! تا ما را بدست آموریان تسلیم کرده هلاک سازد! و حال کجا برویم چونکه
 برادران ما را گداخته! که این قوم از ما بزرگتر و بلندتر اند! و شهرهای ایشان
 بزرگ و تا آسمان حصاردار است! و نیز بنی عناق را در آنجا دیده ایم!!! پس من
 بشما گفتم: مترسید و از ایشان هراسان مباشید! **یهوه خدای شما که پیش روی
 شما می رود و برای شما جنگ خواهد کرد!!!** بر حسب هر آنچه نظر شما در مصر
 برای شما کرده است! و هم در بیابان که در آنجا دیدید! چگونه یهوه خدای تو مثل
 کسیکه پسر خود را میبرد! تورا در تمامی راه که میرفتی بر میداشت تا به اینجا

رسیدید! لیکن با وجود این همه شما بیهوده خدای خودایمان نیاوردید! که پیش روی شما در راه میرفت!!! تاجائی برای نزول شما بطلبد!!! وقت شب در آتش تاراهی راکه با آن بروید بشما بنماید! و وقت روز در ابرو خداوند آواز سخنان شما را شنید غضبناک شد! قسم خورده گفت: هیچکدام از این مردمان و از این طبقه شریر! آن زمین نیکوراکه قسم خورد مکه پدران شما بدهم هرگز نخواهند دید سوای کالیب بن یفثه که آن را خواهد دید!!! و زمین راکه در آن رفته بود! بوی و بیسپرانش خواهم داد! چونکه خداوند را پیروی کامل نمود! و خداوند بخاطر شما بر من خشم نموده گفت: که تو هم داخل آنجا نخواهی شد! یوشع بن نون که به حضور تومی ایستد داخل آنجا خواهد شد! و اراقوی گردان زیرا که اوست که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود! و اطفال مکه درباره آنها گفتید: بیغمم خواهند رفت و پسران شما که امروز نیک و بد را تمیز نمیدهند! داخل آنجا خواهند شد و آن را به ایشان خواهم داد تا مالک آن بشوند!!! اما شماروی گردانیده از بحر قلزم ببیابان کوچ کنید؛ و شما در جواب من گفتید: که بخداوند گناه ورزیده ایم پس رفته جنگ خواهیم کرد!!! موافق هر آنچه یهوه خدای ما بفرموده است!!! و همه شما اسلحه جنگ خود را بسته عزیزت کردید که بکوه برآید آنگاه خداوند بمن گفت: به ایشان بگو: که نروند و جنگ نمایند زیرا که من در میان شما نیستم! مبادا از حضور دشمنان خود مغلوب شوید!!! پس بشما گفتم: لیکن نشنیدید بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید!!! و مغرور شده بفرز کوه برآمدید؛ و اموریاتی که در آن کوه ساکن بودند بمقابله شما بیرون آمده شما را تعاقب نمودند! بطوری که زنبورها می‌کنند و شما را از سعیر تا حرما شکست دادند پس برگشته بحضور خداوند گریه نمودید اما خداوند آواز شما را نشنید و بشما گوش نداد! و در قادیش بر حسب ایام توقف خود روزهای بسیار ماندند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ تورات فعلی؛ سفر تثبیه باب اول)

من برگشته چنانکه خداوند بمن گفته بود: از راه بحر قلزم در بیابان کوچ کردیم و روزهای بسیار کوه سعیر را دور زدیم!!! پس خداوند مرا خطاب کرده گفت:

دورزدن شمایکوه بس است بسوی شمال برگردید! و قوم را امر فرموده بگو: که شما از حدود برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند باید بگذرند! و ایشان از شما خواهند رسید پس بسیار احتیاط کنید! و با ایشان منازعه مکنید زیرا که از زمین ایشان بقدر پائی هم بشمانخواهم داد! چونکه کوه سعیر را به عیسو به ملکیت داده ام! خوراک را از ایشان بنقره خریده بخورید! و آب را از ایشان به نقره خریده بنوشید! زیرا که یهوه خدای تو؛ تورا در همه کارهای دستت برکت داده است! او راه رفتنت را در این بیابان بزرگ میداند! الان چهل سال است که یهوه خدایت با تو بوده است، و بهیچ چیز محتاج نشده پس از برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند! از راه عربّه از ایلت و عصیون جابر عبور نمودیم! پس برگشته از راه بیابان موآب گذشتیم! و خداوند مرا گفت: موآب را ادیت مرسان منارعت! جنگ نما زیرا که از زمین ایشان هیچ نصیبی بشمانخواهم داد! چون که عار را بنی لوط برای ملکیت داده ام! ایمیان که قوم عظیم و کثیر و بلند قدّ مثل عناقیان بودند؛ پیش در آنجا سکونت داشتند!!! ایشان نیز مثل عناقیان از قائیان محسوب بودند! لیکن موآبیان ایشان را ایمیان میخوانند! و حوریان در سعیر بیشتر بودند!!! و بنی عیسو ایشان را اخراج نموده ایشان را از پیش روی خود هلاک ساختند! و در جای ایشان ساکن شدند چنانکه اسرائیل بزمین میراث خود؛ که خداوند به ایشان داده بود کردند؛ الان برخیزید از وادی زارد عبور نمایید پس از وادی زارد عبور نمودیم! و ایامی که قادیس بر نیح راه میرفتیم تا از وادی زارد عبور نمودیم! سی و هشت سال بود تا تمامی آن طبقه مردان جنگی از میان آرد و تمام شدند! خداوند برای ایشان قسم خورده بود! و دست خداوند نیز!!! بر ایشان میبود! تا ایشان را از میان آرد و بالکلّ هلاک کند پس چون جمیع مردان جنگی از میان قوم بالکلّ مردند! آنگاه خداوند مرا خطاب کرده گفت: تو امروز از عار که سرحد موآب باشد باید بگذری! و چون به مقابل بنی عمّون برسی ایشان را امر نجان و با ایشان منازعه مکن! زیرا که از زمین عمّون نصیبی بتونخواهم داد!!! چونکه آن را بنی لوط ملکیت دادم! آن زمین نیز زمین رفائیان شمرده

میشود! ورفانیان بیشتر ساکن آنجا بودند! لیکن عمّونیان ایشان را از زمّرقیان میخوانند! ایشان قوم عظیم و کثیر و بلند قدّ مثل عناقیان بودند! و خداوند آنها را از پیش روی ایشان هلاک کرد! پس ایشان را اخراج نموده در جای ایشان ساکن شدند! چنانکه برای بنی عیسوکه در سعیر ساکنند عمل نموده!!! حوریان را از حضور ایشان هلاک ساخته! آنها را اخراج نمودند و تا امروز در جای ایشان ساکن و عویان را که در دهات تابه عَزّا ساکن بودند! کَفْتُورِیان که از کَفْتُورِ بیرون آمدند هلاک ساخته در جای ایشان ساکن شدند!!! پس برخیزید و کوچ کرده از وادی آرنون عبور کنید! اینک سیحون اموری مَلِکِ حَشْبُون!!! و زمین او را بدست تو دادم بتصرف آن شروع کن و با ایشان جنگ نما امروز شروع کرده خوف و ترس تو را بر قومهای زیر تمام آسمان مستولی میگردانم! و ایشان آوازه تو را شنیده خواهند لرزید و از ترس تو مضطرب خواهند شد! پس قاصدان با سخنان صلح آمیز بیابان قدیموت نزد سیحون مَلِکِ حَشْبُون فرستاده گفتیم: اجازت بده که از زمین تو بگذرم بشاهراه خواهم رفت: و بطرف راست یا چپ میل نخواهم کرد! خوراک را بنقره بمن بفروش تا بخورم! و آب را بنقره بمن بده تا بنوشیم فقط اجازت بده تا بر پایهای خود بگذرم! چنانکه بنی عیسوکه ساکنند! و موآب یان که در غار ساکنند با من رفتار نمودند! تا از آردن بزمنی که یهوه خدای ما بما میدهد عبور نمائیم!!! اما سیحون مَلِکِ حَشْبُون نخواست که ما را از سرحدّ خود راه بدهد!!! زیرا که یهوه خدای تو روح او را بقساوت و دل او را بسختی وا گذاشت! تا او را چنانکه امروز شده بدست تو تسلیم نماید! و خداوند مرا گفت: اینک بتسلیم نمودن سیحون و زمین او دست تو شروع کردم! بنابراین بتصرف آن بنما تا زمین او را مالک شوی! آنگاه سیحون با تمامی قوم بمقابله ما برای جنگ کردن دریا حص بیرون آمدند! و یهوه خدای ما او را بدست ما تسلیم نموده او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم! و تمامی شهرهای او را در آن وقت گرفته مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم! که یکی را باقی نگذاشتیم! لیکن بهایم را باغنیمت شهرهای که گرفته بودیم برای خود بغارت بردیم!!! از عیر

که بر کناره وادی آرئون است و شهری که در وادی است!!! تاجعاد قریه که بماممتع باشد! یهوه خدای ماهمه را بماتسلیم نمود! لیکن بزمین بنی یعمون و بتمامی کناره وادی یبوق! و شهرهای کوهستان و بهر جائی که یهوه خدای مانهی فرموده بود نزدیک نشدیم!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثئیه باب دوم)

پس برگشته براه باشان رفتیم و عوج ملک با تمامی قوم خود بمقابله ما بیرون آمده! در آدرعی جنگ کرده و خداوند مرا گفت: از او مترس زیرا که او و تمامی قومش و زمینش را بدست تو تسلیم نمودم! تا بطوری که باسیحون ملک اموریان که در حشبون ساکن بود عمل نمودی با وی نیز عمل نمائی! پس یهوه خدای ما عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را بدست ما تسلیم نموده!!! او را بحدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند! و در آن وقت همه شهر هایش را گرفتیم و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم! یعنی شصت شهر و تمامی مرزبوم آرجوب که مملکت عوج در باشان بود! جمیع اینها شهرهای حصار دار با دیوارهای بلند و دروازه ها و پشت بندها بود! سوای قرای بیحصار بسیار کثیر! و آنها را بالکل هلاک کردیم چنانکه باسیحون ملک حشبون کرده بودیم!!! هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم! و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود بغارت بردیم! و در آن وقت زمین را از دست دو ملک اموریان که به آن طرف اردن بودند!!! از وادی آرئون تا جبل حرمون گرفتیم!!! و این حرمون را صیدونیان سریون میخوانند و اموریان آن را سنیر میخوانند! تمام شهرهای هامون و تمامی جعاد! و تمامی باشان تا سلخه و آدرعی که شهرهای مملکت عوج در باشان بود!!! زیرا که عوج ملک باشان را بقیه رفائیان تنها باقی مانده بود!!! اینک تختخواب اوتخت آهنین است! آیا آن در عمون نیست و طولش نه ذراع!!! عرضش چهار ذراع بر حسب ذراع آدمی میباشد! و این زمین را در آن وقت بتصرف آوردیم! و آن را از عرو عیر که بر کنار وادی آرئون است

و نصف کوهستان جعاد و شهرهایش را به رَؤبِینیان و جادیان دادم! و بقیهٔ ایشان را که مملکت عوج باشد بنصف سبط منسی دادم! یعنی تمامی مرزوبوم آرجوب را با تمامی ایشان که زمین رفائیان نامیده میشود!!! یا تیر بنی منسی تمامی مرزوبوم آرجوب را تا حدّ جشوریان و معکیان گرفت! و آنها را تا امروز به اسم خود باشان حووت یائیر نامید! و جلعاد را بما کیر دادم! و به رَؤبِینیان و جادیان از جلعاد تا وادی آرئون هم وسط وادی! و هم کناره اش و تا وادی ییوق را که حدّ بنی عمون باشد دادم! عربه را و اردن و کناره اش تا دریای عربه که بحرالمح باشد! زیرا که دامنه‌های فسجه بطرف مشرق! و در آن وقت بشما امر فرموده گفتم: **یهوه خدای شما این زمین را بشما داده است!!! تا آن را بتصرف آورید پس جمیع مردان جنگی شما مهیا شده!** پیش روی برادران خود بنی اسرائیل عبور کنید!!! لیکن زنان و اطفال و مواشی شما چونکه میدانم مواشی بسیار دارید! در شهرهای شما که بشما دادم بمانند!!! تا خداوند برادران شما مثل شما آرامی میدهد!!! و ایشان نیز زمین را که یهوه خدای شما به آن طرف اردن به ایشان میدهد! بتصرف آورند آنگاه هر یکی از شما بملک خود که بشما دادم برگردید! و از آن وقت یوشع را امر فرموده گفتم: **هر آنچه یهوه خدای شما به این دوپاد شاه کرده است! چشمان تو دید پس خداوند با تمامی ممالکی که ممالک بسوی آنها عبور میکند چنین خواهد کرد!** از ایشان مترسید زیرا که **یهوه خدای شما است که برای شما جنگ میکند!** و در آن وقت نزد خداوند استغاثه کرده گفتم: **ای خداوند یهوه تو بنشان دادن عظمت و دست قوی خود!!! ببندد ات شروع کرده!** زیرا که کدام خدا که در آسمان! یا در زمین که مثل اعمال و جبروت تومی تواند عمل نماید! تمنا اینکه عبور نمایم!!! و زمین نیکوراکه به آن طرف اردن است! و این کوه نیکو و لبنان را ببینم! لیکن خداوند بخاطر شما بامن غضبناک شده! مرا اجابت ننمود و خداوند مرا گفت: **تو را کافی است بار دیگر!!! در باره این امر با من سخن مگو: بقلهٔ فسجه برای و چشمان خود را بطرف مغرب و شمال و جنوب و مشرق بلند کرده!** به چشمان خود ببین زیرا که از این اردن نخواهی

گذشت!!! اما یوشع را امر فرموده اورا دلیر وقوی گردان این قوم عبور نموده زمینی را که تو خواهی دیدی برای ایشان تقسیم خواهند نمود؛ پس در دره در برابر بیت فغور توقف نمودیم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثبیه باب سوم)

پس الان ای بنی اسرائیل فرایض و احکامی را که من بشما تعلیم میدهم!!! تا آنها را بجا آورید بشنوید تا زنده بمانید! و داخل شده زمینی را که یهوه خدای پدران شما! بشما میدهد بتصرف آورید! بر کلامی که من بشما امر میفرمایم: چیزی میفرمائید و چیزی از آن کم نمائید؛ تا او امر یهوه خدای خود را که بشما امر می فرماید: نگاه دارید! چشمان شما آنچه را خداوند در بعل فغور گردید! زیرا هر که پیروی بعل فغور کرد! یهوه خدای تو اورا از میان تو هلاک ساخت!!! اما جمیع شما که به یهوه خدای خود!!! ملصق شدید امروز زنده ماندید!!! اینک چنانکه یهوه خدایم مرا فرموده است! فرایض و احکام بشما تعلیم نمودم!!! تا در زمینی که شما!!! داخل آن شده بتصرف می آورید چنان عمل نمائید!!! پس آنها را نگاه داشته بجا آورید زیرا که این حکمت و فطانت شما است! در نظر قوم هائیکه چون این فرایض را بشنوند خواهند گفت: هر آینه این طایفه بزرگ قوم حکیم و فطانت پیشه اند!!! زیرا که کدام قوم است که خداوند نزدیک ایشان باشد!!! چنانکه یهوه خدای ما است در هر وقت که نزد او دعا میکنیم! و کدام طایفه بزرگ است که فرایض و احکام عادلانه! مثلا تمامی این شریعتی که من امروز پیش شما می گذارم دارند! لیکن احتراز نما و خویشتن را بسیار متوجه باش! مباد این چیزهایی را که چشمانت دیده است فراموش کنی!!! و مباد اینها در تمامی ایام عمرت از دل تو محو شود! بلکه آنها را بیسرانت و پسران پسرانت را تعلیم ده! در روزیکه در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی!!! و خداوند بمن گفت: قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوانم تا بیاموزند!!! که در

تمام روزهاییکه بر روی زمین زنده باشند از من بترسند! و پسران خود را تعلیم دهند! و شما نزدیک آمده زیر کوه ایستادید!!! و کوه تا بوسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ میسوخت! و خداوند با شما از میان آتش متکلم شد! و شما آواز کلمات را شنیدید لیکن صورتی ندیدید بلکه فقط آواز را شنیدید! عهد خود را که شما را بنگاه داشتن آن مأمور فرمود!!! برای شما بیان کرد! یعنی ده کلمه را و آنها را بردولوح سنگ نوشت! و خداوند مرا در آن وقت امر فرمود که فرایض و احکام را بشما تعلیم بدهم! تا آنها را در زمینی که برای تصرفش به آن عبور میکنید بجا آورید! پس خویشتن را بسیار متوجه با شید! زیرا در روز که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم مینمود هیچ صورتی ندیدید!!! مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید! یا شبیه که هر بهیمه که بر روی زمین است! یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان میپرد!!! یا شبیه هر خزنده بر زمین! یا شبیه هر ماهی که در آبها زیر زمین است! و مبادا چشمان خود را بسوی آسمان بلند کنی و آفتاب و ماه و ستارگان! و جمیع جنود آسمان را دیده فریفته شدی! و سجده کرده آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قومهایی که زیر آسمانند تقسیم کرده است عبادت نمائی! لیکن خداوند شما را گرفته از کوره آهن مصر آورد!!! تا برای او قوم میراث باشی! چنانکه امروز هستی! و خداوند به خاطر شما بر من غضبناک شده! قسم خورد که از اردن عبور نکنم! و بان زمین نیکو که یهوه خدایت بتو برای ملکیت میشود داخل نشوند! بلکه من در این زمین خواهم مُرد! و از اردن عبور نخواهم کرد! لیکن شما عبور خواهید کرد! و آن زمین نیکو را بتصرف خواهید آورد!!! پس احتیاط نمائید مبادا عهد خدائی خود را که با شما بسته است فراموش ننمائید!!! و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت بتونهی کرده است برای خود بسازی! زیرا که یهوه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است! چون پسران و پسران پسران را تولید نموده!!! و در زمین مدتی ساکن باشید اگر فاسد شده صورت تراشیده و شبیه هر چیزی را بسازید! و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است بجا آورید او را غضبناک سازید!!! و زمین را امروز بر شما امروز شاهد

می آورم!! که از آن زمینی که برای تصرف آن اردن بسوی آن عبور میکنید البته هلاک خواهید شد!!! و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت؛ بلکه بالکل هلاک خواهید شد! و خداوند شمارا در میان قومها پراکنده خواهد نمود! و شما در میان طوایفی که خداوند شمارا آنجا میبرد قلیل العدد خواهید ماند!!! و در آنجا خدایان ساخته دست انسان! از چوب و سنگ را عبادت خواهید کرد که نمی بینند! و نمی شنوند! و نمی خورند! لیکن اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطلبی او را خواهی یافت!!! بشرطی که او را بتمامی جان خود تفحص نمائی! چون در تنگی گرفتار شوی و جمیع این وقایع بر تو عارض شود! در ایام آخربسوی یهوه خدای خود برگشته آواز او را خواهی شنید!!! زیرا که یهوه خدای تو خدای رحیم است! و تورا ترک نخواهد کرد و تورا هلاک نخواهد نمود! و عهد پدران ت را که برای ایشان قسم خورده فراموش نخواهد کرد! زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است! از روزیکه خدا آدم را بر زمین آفریده! و از یک کناره آسمان تا کناره دیگر بپرس؟! که آیا مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟! آیا قوم هرگز آواز خدا را که در میان آتش؟ متکلم شود شنیدوزنده بمانند! چنانکه توشنیدی؟؟؟ و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان اقوام دیگر بگیرد؟! با تجربه ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بزوری دراز شده! و ترسهای عظیم موافق هر آنچه یهوه خدای شما برای شما بر مصر در نظر شما بعمل آورد؟! این بر تو ظاهر شد تا بدانیکه یهوه خدای است و غیر از او دیگری نیست! از آسمان آواز خود را بتو شنواید تا تورا تأدیب نماید!!! و بر زمین آتش عظیم خود را بتو نشان داد!!! و کلام او را از میان آتش شنیدی!!! و از این جهت که پدران تورا دوست داشته!!! ذریت ایشان را برگزیده بود! تورا بحضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورده!!! تا امتهای بزرگتر و عظیم تر از تو را پیش تو بیرون نماید!!! و تو را در آورده زمین ایشان را برای ملکیت بتو دهد چنانکه امروز شده است! لهذا امروز بدان! در دل خود نگاه دار که یهوه خدای است بالادرا آسمان!

وپائین بر زمین و دیگری نیست! و فرایض و اوامرا و اراکه من امروز بتو امر می فرمایم نگاهدار! تا تورا و بعد از فرزندان تورا نیکو باشد! و تاروزه‌های خود را بر زمینیکه یهوه خدایت بتو میدهد! تا به ابد طویل نمائی! آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اردن بسوی مشرق آفتاب جدا کرد! تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد!!! و پیشتر با وی بغض نداشته به آنها فرار کند!!! و بیکی از این شهرها فرار کرده زنده بماند!!! یعنی باصر در بیابان در زمین همواره بجهت رآو بینیان! و راموت در جلعاد بجهت جادیان! جولان در باشان بجهت منسیان!!! و این است شریعتی که موسی پیش روی بنی اسرائیل نهاد! این است شهادت و فرایض و احکام موسی ببنی اسرائیل گفت: وقتیکه ایشان از مصر بیرون آمدند!!! به آن طرف اردن در دره مقابل بیت فغور در زمین سیحون ملک آموریان که در حشبون ساکن بود! و موسی و بنی اسرائیل چون از مصر بیرون آمده بودند او را مغلوب ساختند! و زمین او را و زمین عوج ملک باشان را دو ملک آموریان!!! که به آن طرف اردن!!! بسوی مشرق آفتاب بودند بتصرف آوردند!!! از عرو عیر که بر کنار وادی آرئون است تا جبل سینون که حرمون باشد! و تمامی عربیه بن آن طرف اردن بسوی مشرق تا دریای عربیه زیر دامنهای فسجه!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق؛ و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثبیه باب چهارم)

موسی تمامی بنی اسرائیل را خوانده به ایشان گفت: ای بنی اسرائیل فرایض و احکامی که امروز بگوش شما میگویم: بشنوید تا آنها را یاد گرفته متوجه باشید که آنها را بجا آورید! یهوه خدای ما با مادر حوریب عهد بست! خداوند این عهد را با پدران ما بست بلکه با ما که جمیعاً امروز در اینجا زنده هستیم! خداوند در کوه از میان آتش با شما و بروم تکلم شده! من در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم! تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم! زیرا که شما بسبب آتش می ترسیدید! و بفرز کوه بر نیامدید و گفت: من هستم یهوه خدای تو که تورا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم! تورا بحضور من خدایان دیگر نباشند! بجهت

خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان یا از آنچه پائین در زمین یا از آنچه در آبهای زیرزمین است! آنها را سجده و عبادت منما زیرامن که یهوه خدای توهستم! غیورم و گناه پدران را برپسران تاپشت سوم و چهارم از آنانیکه مرادشمن دارند میرسانم! و رحمت میکنم تا هزارپشت بر آنانیکه مرا دوست دارند و احکام مرانگاه دارند! نام یهوه خدای خود را بیاطل مبر! زیرا که خداوند کسی را که نام او را بیاطل برد بیگناه نخواهد شمرد! روز سبت رانگاه دار و آن را تقدیس نما چنانکه یهوه خدایت بتوا امر فرموده است! شش روز مشغول باش و هر کار خود را بکن! اما روز هفتمین سبت یهوه خدای تو است! در آن هیچ کاری مکن تو و پسترت و دختر و غلامت و کنیزت و گاو و الاغت و همه بهایمت و مهمانت که در اندرون دروازه تو باشد؛ تا غلامت و کنیزت مثل تو آرام گیرند؛ و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی!!! و یهوه خدایت تو را بدست قوی و بزور دراز از آنجا بیرون آورد! بنابراین یهوه خدایت تو را امر فرموده است: که روز سبت رانگاه داری! پدر و مادر خود را حرمت دار چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است: تا روزهایت دراز بشود! تو را در زمینی که یهوه خدایت بتومی بخشد نیکویی باشد!!! قتل مکن و زنا مکن و دزدی مکن و بر همسایه خود شهادت دروغ مده! و بر زن همسایه ات طمع مورز! و خانه همسایه ات و به مزرعه او و بغلامش و کنیزش و گاوش!!! و الاغش و به هر چه از آن همسایه تو باشد طمع مکن! این سخنان را خداوند بتمامی جماعت شمادر کوه از میان آتش!!! و ابرو ظلمت غلیظ با آواز بلند گفت: و بر آنها چیزی نیفزود و آنها را بر دولوح سنگی نوشته بمن داد!!! و چون شما آن آواز را در میان تاریکی شنیدید و کوه با آتش میسوخت؛ شما با جمیع رؤسای اسباط و مشایخ خود من آمده گفتید: اینک یهوه ماجلال و عظمت خود را بر ما ظاهر کرده است؛ و آواز او را از میان آتش شنیدیم پس امروز دیدیم که خدا با انسان سخن میگوید: و زنده است!!! و اما الان چرا بمیریم زیرا که این آتش عظیم ما را خواهد سوخت! اگر آواز یهوه خدای خود را دیگر بشنویم خواهیم مُرد! زیرا که تمامی بشر کیست که مثل ما آواز خدای حی را که از میان آتش سخن گوید: و زنده ماندن نزدیک برو و هر آنچه یهوه خدای ما

بگوید: بشنود و هر آنچه خدای مابتوبگوید: برای ما بیان کن پس خواهیم شنید و بعمل خواهیم آورد! شمارا که بمن گفتید: شنید؛ و خداوند مرا گفت: آواز سخنان این قوم را که بتو گفتند: شنیدم هر چه گفتند: کاش که دلی رامثل این داشتند تا از من میترسیدند! و تمام اوامر مراد هر وقت بجای آوردند تا ایشان را و فرزندان ایشان را تا به ابد نیکو باشد! برو و ایشان را بگو: خیمه های خود برگردید؛ و اما تو در اینجا پیش من بایست!!! تا جمیع اوامر و فرایض و احکامی را که میباید به ایشان تعلیم دهی بتوبگویم: و آنها را در زمینی که من به ایشان میدهم؛ تا در آن تصرف نمایند بجا آورند! پس توجه نمائید تا آنچه یهوه خدای شما! بشما امر فرموده است بعمل آورید! و بر است و چپ انحراف نمائید! در تمامی آن طریقیکه یهوه خدای شما! بشما امر فرموده است سلوک نمائید! تا برای شما نیکو باشد!!! و ایام خود را در زمینی که بتصرف خواهید آورد طویل نمائید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثئیه باب پنجم)

و این اوامر و فرایض و احکام یهوه خدای شما امر فرموده که بشما تعلیم داده شود! تا آنها را در زمینی که شما بسوی آن برای تصرف عبور میکنید بجا آورید!!! تا از یهوه خدای خود ترسان شده! و جمیع فرایض و اوامر او را که من بشما امر میفرمایم نگاه داری: تو و پسررت و پسر پسررت در تمامی ایام عمرت و تا عمرت تو دراز شود! پس ای بنی اسرائیل بشنو و بعمل نمودن آن متوجه باش تا برای تو نیکو باشد!!! و بسیار افزوده شوی در زمینی که بشیر و شهد جاریست!!! چنان که خدای پدرانت تورا وعده داده است! ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است! پس خدای خود را بتمامی قوت خود محبت نما! و این سخنان که من امروز تورا امر میفرمایم: بردل تو باشد! و آنها را بپسرانت بدقت تعلیم نما! و حین نشست در خانه! رفتنت براه! وقت خوابیدن و برخاستن از آنها گفتگو نما: و آنها

را بردست خود برای علامت ببند، و در میان چشمانت عصاباشد و آنها را براهل
 های درخانه ات و بر دروازه هایت بنویس! و چون یهوه خدایت تو را بزیمینی که
 برای پدرانیت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورد که بتوبدهد در آورد!!! بشهر
 های بزرگ و خوشنمایی که توبناء نکرده! و بخانه های پرازهر چیزی نیکو که
 پرنکرده و حوضهای کنده شده نکرده! و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس
 نموده و از آنها خورده سیرشده! آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که تو را از
 زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی! از یهوه خدای خود بترس
 و او را عبادت نما و نام او قسم بخور!!! خدایان دیگر را از خدایان طوایفی که به
 اطراف تو میباشد پیروی منمائید! زیرا که یهوه خدای تو در میان تو خدای غیور
 است! مبادا غضب خدایت بر تو افروخته شود! و تو را از روی زمین هلاک سازد!
 یهوه خدای خود را میازمائید چنانکه او را در مسآ آزمودید! توجه نمائید تا او امر
 یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را!!! که بشما امر فرموده است نگاه
 دارید! و آنچه در نظر خداوند راست و نیکو است بعمل آورتا برای تونیکو شود! و
 داخل شده آن زمین نیکو را که خداوند برای پدرانیت قسم خورد بتصرف آوری
 و تا جمیع دشمنانیت را از حضورت اخراج نماید چنانکه خداوند گفته است: چون
 پسر تو در ایام آینده از تو سؤال نموده بگوید: مراد از این شهادت و فرایض!!!
 و احکامی که یهوه خدای ما بشما امر فرموده است چیست؟ پس بپسر خود بگو:
 ما در مصر غلام فرعون بودیم! و خداوند ما را از مصر بادیست قوی بیرون آورد!
 و خداوند آیات و معجزات عظیم آورد!!! بر مصر فرعون و تمامی اهل خانه او در
 نظر ما ظاهر ساخت! و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را بزیمینی که برای پدران ما
 قسم خورد که بمابد در آورد! و خداوند ما را مورد داشت که تمامی این فرایض
 را بجا آورده! از یهوه خدای خود بترسیم تا برای ما همیشه نیکو باشد!!! و ما را
 زنده نگاه دارد چنانکه تا امروز شده است! و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه
 شویم! که جمیع این او امر را بحضور یهوه خدای خود بجا آوریم! چنانکه ما را
 امر فرموده است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی، سفر تثنیه باب ششم)

چون یهوه خدایت تورا بزمنی که برای تصرفش به انجامی روی در آورد!!! و امتهای بسیار را که حنیان و جرجاشیان و آموریان و کنعانیان و فزیان و حوریان و ویبوسیان! هفت امت بزرگتر و عظیم تر از تو باشد از پیش تو اخراج نماید! و چون یهوه خدایت ایشان را بدست تو تسلیم نماید! و تو ایشان را مغلوب سازی آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن! و با ایشان عهد مبند و برایشان ترحم منما! و با ایشان مصاهرت منما!!! دختر خود را پیسرایشان مده؛ و دخترایشان را برای پسر خود مگیر! زیرا که اولاد تورا از متابعت برخوردارند گردانید! تا خدایان غیر را عبادت نمایند! و غضب خداوند بشما افروخته شده! شمارا بزودی هلاک خواهند ساخت بلکه با ایشان چنین عمل نمائید!!! مذبحهای ایشان را منهدم سازید! و تمثالهای ایشان را بشکنید!!! و اشیریم ایشان را قطع نمائید و بتهای تراشیده ایشان را با آتش بسوزانید!!! زیرا که تو برای یهوه خدایت قوم مقدس هستی!!! یهوه خدایت تورا برگزیده است! تا از جمیع قومهایی که بر روی زمین اند! قوم مخصوص برای خود او باشی!!! خداوند دل خود را با شما نسبت و شما را برنگزید!!! از این سبب که از سایر قومها کثیرتر بودید! زیرا که شما از همه قومها قلیل تر بودید! لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست میداشت!!! و میخواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود بجا آورد! پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد! و از خانه بندگی از دست فرعون پادشاه مصر فدیة داد! پس بدان که یهوه خدای تو است خدای امین! که عهد! رحمت خود را با آناتی که او را دوست میدارند و او امر او را بجا میآورند! تا هزار پشت نگاه میدارد! و آنانی که او را دشمن دارند! بر روی ایشان مکافات رسانیده ایشانرا هلاک میسازد! بهر که او را دشمن دارد تأخیر ننموده او را بررویش مکافات خواهد رسانید! پس او امر و فرایض و احکام را که من امروز! بجهت عمل نموده بتو امر میفرمایم: نگاه دار!!! پس اگر این

احکام را بشنوند و آنها را نگاه داشته بجا آورید! آنگاه یهوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدرانت قسم خورده است با تو نگاه خواهد داشت؛ تو را دوست داشته برکت خواهد داد و خواهد افزود، و میوه بطن زمین تو را و غله و شیره و روغن تو را و نتایج رمه تو را و بچه های گله تو را در زمینیکه برای پدرانت قسم خورد که بتو بدهد برکت خواهد داد؛ از همه قومها مبارک تر خواهی شد! و در میان شما و بهایم شما نرویا ماده نازاد نخواهد بود! خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد؛ و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که میدانی بر تو عارض نخواهد گردانید! بلکه بتمامی دشمنانت آنها را خواهد آورد!!! و تمامی قومها را که یهوه بدست تو تسلیم میکند! هلاک ساخته چشم تو بر آنها ترحم ننماید!!! و خدایان ایشان را عبادت من مبادا برای تو دام باشد! و اگر دلت گویی که این قومها از من زیاده اند چگونه تو انم ایشان را اخراج نمایم؟؟؟؟!!! از ایشان مترس بلکه آنچه را یهوه خدایت با فرعون و جمیع مصریان کرد بگو: بیاد آور! یعنی تجربه های عظیمی را که چشمانت دیده است! و آیات و معجزات و دست قوی! بازوی دراز را که یهوه خدایت تو را به آنها بیرون آورد!! پیش یهوه خدایت با همه قومهایی که از آنها میترسی چنین خواهد کرد!!! و یهوه خدایت نیز زنبورها در میان ایشان خواهد فرستاد! تا باقی ماندگان و پنهان شدگان ایشان از حضور تو هلاک شوند! از ایشان مترس زیرا که یهوه خدایت که در میان تو است خدای عظیم و مهیب است!!! و یهوه خدایت این قومها را از حضور تو بتدریج اخراج خواهند نمود!! ایشان را بزودی نمیتوانی تلف نمائی مبادا وحوش صحراء بر تو زیاد شوند! یهوه خدایت ایشان را بدست تو تسلیم خواهد کرد؛ و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند؛ و ملوک ایشان را بدست تو تسلیم خواهد نمود، تا ایشان را هلاک سازی! و تمثالهای خدایان را ایشان را با آتش بسوزان! بنقره و طلائی که بر آنهاست طمع مورز و برای خود مگیر! مبادا از آنها بدام گرفتاری شوی! چونکه نزد یهوه خدای تو مکروه است! چیز مکروه را بخانه خود میاور مبادا مثل آن حرام شوی! از آن نهایت نفرت و کراهت دارد چونکه حرام است!

تمامی اوامری را که من امروز بشما امر میفرمایم: حفظ داشته بجا آورید تا زنده مانده زیاد شوید! و زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود داخل شده در آن تصرف نمائید! و بیاد آورتمانی راه که یهوه خدایت تورا این چهل سال در بیابان رهبری نموده! تا تورا دلیل ساخته بیازماید و آنچه را که در دل تو است بداند! که آیا او امر اورانگاه خواهد داشت؟ و او تورا دلیل و گرسنه ساخت و من را بتو خورانی!!! که نه من تورا می دانستی و نه پدران می دانستند تا تورا بیاموزاند! که انسان نبان تنها زیست میکند بهر کلمه که از دهان خداوند صادر شود انسان زنده میشود! در این چهل سال لباس تو در بدنت مندرس نشد و پای تو آماس نکرد! پس در دل خود فکر کن که بطوریکه پدر پسر خود را تأدیب مینماید! یهوه خدایت تورا تأدیب کرده است!!! و او امر یهوه خدای خود را نگاه داشته! در طریقهای او سلوک نما و از او بترس! زیرا که یهوه خدایت تورا بزمین نیکو درمی آورد! پراز نهرهای آب و از چشمه ها و دریاچه که از دره ها و کوهها جاری میشود! زمینی که پراز گندم و جو و مؤ و انجیر و انار باشد! زمینی که پراز زیتون و عسل است! زمینی که در آن نان بتنگی نخواهی خورد! و در آن محتاج بهیچ چیزی نخواهی شد!!! زمینی که سنگهایش آهن است!!! و از کوههایش مس خواهی کند! و خورده سیر خواهی شد! و یهوه خدای خود را بحت زمین نیکو که بتو داده است! تبارک خواهی خواند! پس با حذر باش مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی! و او امر و احکام و فرایض او را که من امروز بتو امری می فرمایم نگاه نداری! مبادا خورده سیر شوی و خانه های نیکو بنا کرده ساکن شوی! و رمه و گله تو زیاد شود و نقره و طلا برای تو افزون شود! و ما یملک تو افزون گردد! و دل تو مغرور شده یهوه خدای خود را که تورا از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد فراموش کنی! که تورا در بیابان بزرگ و خوفناک!!! که در آن مارهای آتشین و عقربها!!! و زمین تشنه بی آب بود رهبری نمود!!! که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد! که تورا در بیابان من را خورانی! که پدران آن را ندانستند بودند تا تورا دلیل سازد و تورا بیازماید! و بر تو در آخرت احسان

نماید؛ مبادا در دل خود بگوئیکه قوت من توانائی دست من! توانگری را از برایم پیدا کرده است! بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور زیرا که او است بتوقوت میدهد تا توانگری پیدانمائی!!! تا عهد خود را که برای پدرانیت قسم خورده بود استوار بدارد! چنانکه امروز شده است و اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده! آنها را عبادت و سجده نمائی!!! امروز بر شما شهادت میدهم که البته هلاک خواهید شد! مثل قومهایی که خداوند پیش روی تو هلاک میسازد!!! شما همچنین هلاک خواهید شد!!! از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثبیه باب هشتم)

ای اسرائیل بشنو تو امروز از اردن عبور میکنی! تا داخل شدن قومهایی را که از تو عظیم تر و قوی اند! و شهرهای بزرگ را که تا بفلک حصار دار است بتصرف آوری! یعنی قوم عظیم و بلند قد بنی عناق را که میشناسی و شنیده که گفتند: کیست که یارای مقاومت بابنی عناق داشته باشند؟! پس امروز بدان که یهوه خدایت اوست!!! که پیش روی تو مثل آتش سوزنده عبور میکند! و او ایشان را هلاک خواهد کرد! و پیش روی تو ذلیل خواهد ساخت! پس ایشانرا اخراج نموده بزودی هلاک خواهد نمود!!! چنانکه خداوند بتو گفته است: پس چون یهوه!!! خدایت ایشان را از حضور تو اخراج نماید در دل خود فکر مکن! و مگو: که بسبب عدالت من خداوند مرا به این زمین در آورد تا آن را بتصرف آورم! بلکه بسبب شرارت این امته خداوند ایشان را از حضور تو اخراج مینماید! نه بسبب عدالت خود و نه بسبب راستی دل خویش! داخل زمین ایشان برای تصرف میشوی! بلکه بسبب شرارت این امته! یهوه خدایت ایشان را از حضور تو اخراج مینماید!!! و تا آنکه کلامی را که خداوند برای پدرانیت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورده بود استوار نماید! پس بدان که یهوه خدایت این زمین نیکور!!! بسبب عدالت تو نمیدهد تا در آن تصرف نمائی! زیرا که قومی گردن کشی هستی! پس

بیاد آورو فراموش مکن! که چگونه خشم یهوه خدای خود را در بیابان جنبش دادی! و از روزیکه از زمین مصر بیرون آمدی تا به اینجاریسیدی بخداوند عاصی میشدید!!! و در حوریب خشم خداوند را جنبش دادید!!! و خداوند بشما غضبناک شد تا شمارا هلاک نماید!!! هنگامیکه من بکوه برآمدم تا لوحهای سنگ یعنی لوحهای عهدی را که خداوند باشما بست بگیرم!!! آنگاه چهل روز و چهل شب ماندم نه نان خوردم و نه آب نوشیدم!!! و خداوند دلوح سنگ مکتوب شده با انگشت خدارا بمن داد؛ و بر آنها موافق تمام سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع بشما گفته بود نوشته شد!!! و واقع شد بعد از انقضای چهل روز و چهل شب که خداوند این دلوح سنگ یعنی لوحهای عهد را بمن داد! و خداوند مرا گفت: برخاسته از اینجا بزودی فرود شو زیرا که قوم تو که از مصر بیرون آوردی فاسد شدند!!! از طریق که ایشان را امر فرمودم بزودی انحرافی ورزیده!!! بتی ریخته شده را برای خود ساختند! و خداوند مرا خطاب کرده گفت: این قوم را دیدم و اینک قوم گردن کشی هستند! مرا و گذارتا ایشانرا هلاک سازم!!! و ایشان را از زیر آسمان محو کنم و از تو قومی قویتر و کثیرتر از ایشان بوجود آورم! پس برگشته از کوه فرود آمدم و کوه با آتش میسوخت و دلوح عهد در دو دست من بود! و نگاه کردم دیدم که به یهوه خدای خود گناه ورزیده! گوساله ریخته شده برای خود ساخته و از طریقیکه خداوند بشما امر فرموده بود بزودی برگشته بودید! دلوح را گرفتم و آنها را از دو دست خود انداخته در نظر شما شکستم! و مثل دفعه اول چهل روز و چهل شب بحضور خداوند بروی افتادم! نه نان خوردم و نه آب نوشیدم!!! بسبب همه گناهان شما که کرده!!! کار ناشایسته که در نظر خداوند عمل نموده خشم او را بهیجان آوردید!! زیرا که از غضب و حدت خشمی که خداوند بر شما نموده بود! تا شمارا هلاک سازد میترسیدم! و خداوند آن مرتبه نیز مرا اجابت نمود! و خداوند بر هارون بسیار غضبناک شده بود!!! تا او را هلاک سازد! و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم!!! اما گناه شما یعنی گوساله را که ساخته بودید! گرفتم و آن را با آتش سوزانیدم! و آن را خرد کرده نیکو سائیدم تا

مثل غبار نرم شد! و غبارش را بنهری که از کوه جاری بود پاشیدم! و در تبعیره و مساو کبروت هتاوت خشم خداوند را بهیجان آوردید! و وقتیکه خداوند شمار از قول یهوه خدای خود عاصی شدید! و به او ایمان نیاورده آواز او را شنیدید!!! از روزیکه شمار شناخته ام بخداوند عصیان ورزیدید! بحضور خداوند بر روی در افتادم در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم!! از این جهت که خداوند گفته بود که شمار اهلاک سازد! و نزد خداوند استعا نموده گفتم: ای خداوند یهوه قوم خود میراث خود را که به عظمت خود فدیة دادی! و بدست قوی از مصر بیرون آوردی هلاک مساز! بندگان خود ابراهیم و اسحق و یعقوب را بیاد آور! و بر سخت دلی این قوم و شرارت و گناه ایشان نظر منما!!! مبادا اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی بگویند: چونکه خداوند نتوانست ایشان را بر زمینی که به ایشان وعده داده بود در آورد! و چونکه ایشان را دشمن میداشت! از این جهت ایشان را بیرون آورد تا در بیابان هلاک سازد! لیکن ایشان قوم تو میراث تو هستند!!! که بقوت عظمت خود و به بازوی افراشته خویش بیرون آوردی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثئیه باب نهم)

و در آن وقت خداوند بمن گفت: دولوح سنگ موافق اولین برای خود بتراش؛ و نزد من بکوه برای و تابوتی از چوب برای خود ساز؛ و این لوحها کلماتی را که بر لوحهای اولین که شکسته بودی خواهیم نوشت و آنها را در تابوت بگذار! پس تابوتی از چوب سنط ساختم و دو لوح سنگ موافق اولین تراشیدم و آن دولوح را در دست داشته بکوه برآمدم!!! و بر آن دولوح موافق کتابت اولین ده کلمه را که خداوند در کوه از میان آتش! در روز اجتماع بشما گفته: بود نوشت و خداوند آنها را بمن داد! پس برگشته از کوه فرود آمدم؛ و لوحها را در تابوتیکه ساخته بودم گذاشتم! و در آنجا هست چنانکه خداوند مرا مرفرموده بود: و بنی اسرائیل از ابروت بنی یعقانیة موسیر کوچ کردند!!! و در آنجا هارون مرد و در آنجا دفن شد!!! و پسرش آلعازر در جایش بکهنات پرداخت!!! و از آنجا به جد جوده کوچ کردند! و از جد جوده به یطیات که زمین نهرهای آب است!!! در آن وقت خداوند

سبط لاوی را جدا کرد! تا تابوت عهد خداوند را بردارند و بحضور خداوند ایستاده
 او را خدمت نمایند! و بنام او برکت دهند چنانکه تا امروز است! بنابراین لاوی را
 در میان برادرانش نصیب و میراثی نیست!!! خداوند میراث وی است چنانکه
 یهوه خدایت بوی گفته بود!! و من در کوه مثل روزهای اولین چهل روز و چهل
 شب توقف نمودم! و در آن دفعه نیز خداوند مرا اجابت نمود و خداوندخواست تو
 را هلاک سازد! و خداوند مرا گفت: برخیز و پیش روی این قوم روانه شو تا زمینی
 که برای پدران ایشان قسم خوردم! که به ایشان بدهم داخل شده آن را بتصرف
 آورند!!! پس الآن ای بنی اسرائیل یهوه خدایت از توجه می خواهد جز اینکه از
 یهوه خدایت بترسی! در همه طریقهایش سلوک نمائی و او را دوست بداری! و
 یهوه خدای خود را بتمامی دل و بتمامی جان خود عبادت نمائی! و او امر خداوند و
 فرایض او را که من امروز! برای خیریت امر می فرمایم: نگاه داری! اینک فلک
 و فلک الافلاک از آن یهوه خدای توست! و زمین و هر آنچه در آن است!!! لیکن
 خداوند پدران تو را غبت داشته! ایشان را محبت مینمود و بعد از ایشان ذریت ایشان
 یعنی شما را از همه قومها برگزید چنانکه امروز شده است! پس غلغله دلهای
 خود را مختون سازید و دیگر گردن کشی منمائید! زیرا که خدای شما خدای خدایان
 و رب الارباب!!! و خدای عظیم! و جبار و مهیب است که طرفداری ندارد و رشوه
 نمیگیرد! یتیمان و بیوه زنان را دادرسی میکند! و غریبان را دوست داشته خوراک
 و پوشاک به ایشان میدهد! پس غریبان را دوست دارید زیرا که در زمین غریب
 بودید!!! از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما!!! و به او ملصق شو و بنام
 او قسم بخور! او فخر تو است و او خدای تو است!! که برای تو این اعمال عظیم و
 مهیبی که چشمانت دیده بجا آورده است! پدران تو با هفتاد نفر بمصر فرود شدند
 و الآن یهوه خدایت! تو را مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است!!!
 (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توریات فعلی؛ سفر تثئیه باب دهم)

پس یهوه خدای خود را دوست بداد! و دیعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاه دار! و امروز بدانید که پسران شماسخن نمیگویم: که ندانسته اند و تأدیب یهوه خدای شماران دیده اند! و نه عظمت و دست قوی و بازوی افراشته او را!!! و آیات و اعمال او را که در میان مصر به فرعون پادشاه مصر بتمامی!!! زمین اوبظهور آورد! و آنچه را که بلشگر مصریان به اسبها و به اربه ای ایشان کرد! که چگونه آب بحر قلزم را برایشان جاری ساخت!!! و قتی که شمارا تعاقب مینمودند! و چگونه خداوند ایشان را تابه امروز هلاک ساخت! و آنچه را که برای شمادربیبان کرد تا شمایه اینجا رسیدید!!! و آنچه را که به داتان و ابیرام پسران آلیاب بن رابین کرد! که چگونه زمین دهان خود را گشوده! ایشان را و خاندان و خیمه های ایشان را و هر ذی حیاتی را که همراه ایشان بود!!! در میان تمامی اسرائیل بلعید! لیکن چشمان شما! تمامی اعمال عظیمه خداوند را که کرده بود دیدند! پس جمیع اوامری را که من امروز برای شما امر میفرمایم: نگاه دارید قوی شوید! و داخل شده زمین را که برای گرفتن آن عبور میکنید بتصرف آورید! و تادر آن زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که آن به ایشان و ذریه ایشان بدهد! عمر دراز داشته باشید زمینی که بشیر و شهد جاریست! زیرا زمینی که برای گرفتن آن داخل میشوی! مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست! که در آن تخم خود را میکاشتی و آن را مثل باغ بقول بیای خود سیراب میکردی!!! لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور میکنید! زمین کوهها و دره ها است که از بارش آسمان آب مینوشد!!! زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد! و چشمان یهوه خدایت از اوّل سال تا آخر سال پیوسته بر آن است! و چنین خواهد شد!!! که اگر اوامری را که من امروز بر آن شما را امر میفرمایم: بشنوید! یهوه خدای خود را دوست بداد! و او را بتمامی دل بتمامی جان خود عبات نمایند! آنگاه باران زمین شما یعنی باران اوّلین و آخرین را در موسم شما خواهد

بخشید! تاغله و شیر و روغن خود را جمع نمایی! در صحرای تو برای بهایمت علف خواهم داد تا بخوری و سیر شوی! باحذر باشید مبادا دل شما فریفته شود! و برگشته خدایان دیگر را عبادت و سجده نمائید! و خشم خداوند بر شما افروخته شود تا آسمان را مسدود سازد! و باران نبارد و زمین محصول خود را ندهد! و شما از زمین نیکویی که خداوند بشما میدهد بزودی هلاک شوید! پس این سخنان مرا دل و جان خود جابدهید! و آنهارا بردستهای خود برای علامت ببندید! و در میان چشمان شما عصا باشد! آنهارا بپسران خود تعلیم بدهید؛ و حین نشستن در خانه و رفتنت برای وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو: نمائید! و آنهارا بر یهوه در خانه خود بردرواز ه ای خود بنویسید!!! تا ایام شما و ایام پسران شما بر زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد کثیر شود! مثل ایام افلاک بر بالای زمین!!! زیرا که اگر تمامی این او امر را که من بجهت عمل نمودن! بشما امر میفرمایم: نیکونگاه دارید! تا یهوه خدای خود را دوست دارید! و در تمام یطریق های او رفتار نموده به او ملحق شوید! آنگاه خداوند جمیع این امتهارا از حضور شما اخراج خواهد نمود! و شما امتهای بزرگتر و قویتر تسخیر خواهید نمود! هر جایی که کف پای شما بر آن گذارده شود از آن شما خواهد بود! از بیابان و لبان و از نهر یعنی نهر فرات تا دریای غربی خود شما خواهد بود! و هیچکس یارای مقاومت با شما نخواهد داشت! زیرا که یهوه خدای شما ترس و خوف شما را بر تمامی زمین که به آن قدم میزنید مستولی خواهد ساخت چنانکه **بشما گفته است!!! اینک من امروز برکت و لعنت پیش شما میگذارم!!! اما** برکت اگر او امر یهوه خدای خود را که من امروز بشما امر میفرمایم: اطاعت نمائید! اما لعنت اگر او امر یهوه خدای خود را اطاعت ننموده!!! از طریق که من امروز بشما امر میفرمایم: برگردید! و خدایان غیره را که شناخته اید پیروی نمائید!!! و واقع خواهد شد!!! که چون یهوه خدایت تورا زمینی که بجهت گرفتنتش به آن میروی داخل سازد! آنگاه برکت را بر کوه جرزیم و لعنت را بر کوه ایبال خواهی گذشت! آیا آنها به آن طرف اردن نیستند؟ پشت راه غروب آفتاب در زمین کنعانیانی!!! که در عربّه جلجال نزد بلوطهای موره!!! زیرا که شما از اردن عبور میکنید

تداخل شده زمینی راکه یهوه خدایت بتومیبخشد بتصرف آورید! و آن را خواهید گرفت و در آن ساکن خواهید شد!!! پس متوجه باشید!!! تاجمیع این فرایض و احکامی راکه من امروز پیش شما میگذارم به عمل آورید!!!
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثبیه باب یازدهم)

اینهاست فرایض و احکام که شما در تمامی روزهایی که بر زمین زنده خواهید ماند! میباید متوجه شده به عمل آورید! در زمینی که یهوه خدای پدرانت بتوداده است تا آن را تصرف نمایی!!! جمیع اماکن امتهائی راکه در آنها خدایان خود را عبادت میکنند! و شما آنها را اخراج مینمائید خراب نمائید! خواه بر کوهها بلند و خواه بر تله‌ها و خواه زیر هر درخت سبز! مذبحهای ایشان را بشکنید!! و ستونهای ایشان را خرد کنید! و اشیره های ایشان را با آتش بسوزانید و بت های تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمائید! و نامهای ایشان را از آنجا محو سازید! بایهوه خدای شما از جمیع اسباط شما برگزینند! تا نام خود را در آنجا بگذارید یعنی مسکن او را بطلبید و به آنجا بروید! و به آنجا قربانیهای سوختنی و ذبایح و عشرهای خود و هدایای افراشتنی دستهای خویش و نذر ها و نوافل خود!!! و نخست زاده های رمه و گله خویش را ببرید! و در آنجا بحضور یهوه خدای خود بخورید؛ و شما و اهل خانه شما در هر شغل دست خود که یهوه خدای شما؛ شمارا در آن برکت دهد شادی نمائید!!! موافق هر چه آنچه ما امروز در آنجا میکنیم! یعنی آنچه در نظر هر کس پسند آید نکنید! زیرا که هنوز به آرامگاهی و نصیبی که یهوه خدای شما؛ بشما میدهد داخل نشده اید!!! اما چون از اردن عبور کرده در زمینی که یهوه خدای شما برای شما تقسیم میکند ساکن شوید!! و او شمارا از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد!!! تا در امنیت سکونت نمائید! آنگاه بمکانی که یهوه خدای شما برگزیند!!! تا نام خود را در آن ساکن سازد؛ به آنجا هر چه راکه من بشما امر

فرمایم بیاورید! از قربانیهای سوختنی و ذبایح و عَشْرهای خود و هدایای افرشتنی دستهای خویش!!! و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمائید!!! و بحضور یهوه خدای خود شادی نمائید؛ شما با پسران؛ دختران؛ غلامان و کنیزان خود؛ و لاویانی که در درون دروازه های شما با شند؛ چونکه ایشان را با شما حصه و نصیبی نیست!! با حذر باش که هر جایی که میبینی قربانیهای سوختنی خود را نگذرانی!! بلکه در مکانی که خداوند در یکی از اسباط تو برگزیند! در آنجا قربانیهای سوختنی خود را بگذرانی!! و در آنجا هر چه من بتوانم میفرمایم: بعمل آوری! لیکن گوشت را بر حسب تمامی آرزوی دل موافق برکتی یهوه خدایت بتو بدهد؛ در همه دروازه های ذبح کرده بخور!!! اشخاص نجس و ظاهر از آن بخورند! چنانکه از غزال و آهو میخورند؛ ولی خون را نخور آن را مثل آب بزمین بریز!!! عَشْر غله و شیر و روغن و نخست زاده رمه و گله خود را دروازه های خود مخور! و نهیج یکی از نذرهای خود را که نذر میکنی! و از نوافل خود و هدایای افرشتنی دست خود را از! بلکه آنها را بحضور یهوه خدایت در مکانی که یهوه خدایت برگزیند بخور؛ تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و لاویانی که در درون دروازه های تو باشد! و هر چه دست خود را بر آن بگذاری بحضور یهوه خدایت شادی نما؛ با حذر باش که لاویان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی ترک ننمائی! چون یهوه خدایت حدود تورا بطوری که وعده داده است وسیع گرداند؛ و بگویی که گوشت خواهیم خورد زیرا که دل تو بگوشت خوردن مایل است! پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور! و اگر مکانی که یهوه خدایت برگزیند! تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد!!! آنگاه از رمه و گله خود که خداوند بتو بدهد ذبح کن چنانکه بتوانی فرموده ام! و از هر چه دلت بخواهد در دروازه های بخور چنانکه غزال و آهو خورده شود!!! آنها را چنین بخور و شخص نجس و ظاهر از آن برابر بخورند؛ لیکن هوشیار باش که خون را نخوری زیرا که خون جان است و جان را با گوشت نخوری!!! آن را مخور بلکه بزمین بریز آن را مخورتا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد! هنگامیکه آنچه

در نظر خداوند راست است بجا آوردی! لیکن موقوفات خود را که داری نذرهای خود را برداشته!!! بمکانی که خداوند برگزیند برو!!! و گوشت و خون قربانیهای سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران؛ و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه ریخته شود و گوشت و خون قربانیها سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران!!! و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور!!! متوجه باش که همه این سخنانی را که من امر میفرمایم: تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت هنگامیکه آنچه در نظر یهوه خدایت نیکو و راست بجا آوری تا به ابد نیکو باشد!!! و وقتی که یهوه خدایت امتّهائی را که بجهت گرفتن آنها به آنجا میروی!!! از حضور تو منقطع سازد و ایشان را اخراج نموده در زمین ایشان ساکن شوی! آن گاه با حذر باش مبادا بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشند!!! بدام گرفته شده ایشان را پیروی نمائی!!! و در باره خدایان ایشان دریافت کرده بگویی: که این امتّها خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم! بایهوه خدای خود چنین عمل منما! زیرا که هر چه را که نزد خداوند مکروه است! از آن نفرت دارد! ایشان برای خدایان خود می کردند!!! و حتی اینکه پسران و دختران خود را نیز برای خدایان خود با آتش میسوزانیدند!!! هر آنچه من بشما امر میفرمایم: متوجه شوید!!! تا آن رابه عمل آورید چیزی بر آن میفزاید و چیزی از آن کم نکنید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب دوادهم)

اگر در میان تونبی یا بیننده خواب از میان شما برخیزد!!! و آیت و یا معجزه برای شما ظاهر سازد! و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن تو را خبر داده گفت: خدایان غیر را که نمی شناسی پیروی نمائیم!!! و آنها را عبادت بکنیم!!! سخنان آن نبی و یا بیننده خواب را مشنو!!! زیرا که یهوه خدای شما؛ شما را امتحان میکند!!! تا بداند که آیا یهوه خدای خود را تمامی دل و بتمامی جان محبت مینمائید؟؟؟ یهوه خدای خود را پیروی نمائید و از او بترسید!!! و او امر او را نگاه دارید!!! و قول او را

بشنوید! اورا عبادت نموده به او ملحق شوید! و آن نبی یا بیننده خواب راکشته زیراکه فتنه انگیز بر یهوه خدای شما؛ شمارا از زمین مصر بیرون آورد!! توراز خانه بندگی فدیه دادگفته است تاتورا از طریقی که یهوه خدایت بتوا مفرمود! تابه آن سلوک نمائی منحرف نسازد! پس به این طور بدی را از میان خود دور خواهی کرد! و اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا دختر تو! یازن تو که هم آغوش تو! یا رفیقت که مثل تو باشد!!! تورا در خفا اغوا کند و گوید: که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشاختید عبادت نمائیم! از خدایان امتهای که بطرف شما میباشند!!! خواه بتونزدیک و خواه ازتو دور باشند!!! از اقصای زمین تا اقصای دیگران! اورا قبول مکن! و اورا گوش مده!! و چشم تو بروی رحم نکند!!! و براو شفقت منما و اورا پنهان مکن! البته اورا بقتل رسان!!! دست تو اول بقتل او دراز شود! و بعد دست تمامی قوم اورا به سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد! و چونکه می خواست تورا از یهوه خدایت که تورا از زمین مصر! از خانه بندگی بیرون آورد منحرف سازد! و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند خواهند ترسید! و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما مرتکب نخواهد شد! در باره یکی از شهرهائی که یهوه خدایت بتو بجهت سکونت میدهد خبریابی! که بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته! ساکنان شهر خود را منحرف ساخته! گفته اند بریویم! و خدایان غیر را که نشناخته ایم عبادت نمائیم!!! و آنگاه تجسس نموده نیکو استفسار نما!! و اینک اگر این امر صحیح! یقین باشد! که رجاست در میان تو معمول شده است! البته ساکنان شهر را بدم شمشیر بکش! و آن را با هر چه در آن است و بهایمش را بدم شمشیر هلاک نما!! و همه غنیمت آن در میان کوچه اش جمع کن! و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت با آتش بالکل بسوزان!! و آن تابه ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بناء نخواهد شد!!! و از چیزهای حرام شده چیزی بدستت نچسبد! تا خداوند از شدت خشم خود برگشته بر تو رحمت و رأفت بنماید!!! و تورا بیفزاید بطوری که برای پدرانت قسم خورده بود! هنگامیکه قول یهوه خدای خود را شنیده! و همه او امرش را که من امروز بتوا مرمی فرمایم نگاه داشته! آنچه در یهوه خدایت راست است بعمل آورده باشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب سیزدهم)

شما پسران یهوه خدای خود هستید!!! پس برای مردگان خویشان را مجروح
 منمائید! مابین چشمان خود را متراشید! زیرا که تو برای یهوه خدایت قوم مقدس
 هستی!!! و خداوند تورا برای خود برگزیده است! تا از جمیع امتهائیکه بر روی
 زمین اند بجهت او قوم خاص باشی! هیچ چیز مکروه را مخور این است حیواناتی
 که بخورید گاو و هر حیوان شکافته سم که سم بد و حصه شکافت!!! و نشخوار
 کنان را از بهایم بخور! لیکن از نشخوار کنندگان و شکافتگان سم اینها را مخورید!
 یعنی شتر و خرگوش! و نک زیرا که نشخوار میکنند! اما شکافته سم نیستند اینها
 برای شما نجس اند! و خوک زیرا که شکافته سم است! لیکن نشخوار نمیکند این
 برای شما نجس است! از گوشت آنها مخورید! لاش آنها را لمس نکنید!!! از همه
 آنچه در آب است اینها را بخورید! هر چه پروفس دارد آنها را بخورید! و هر چه
 پروفس ندارد مخورید برای شما نجس است! از همه مرغان طاهرا بخورید! و
 این است آنهایی که نخورید! عقاب و استخوان خوار و نسر بحر! و لاش خور و شاهین
 و کرکس و به اجناس آن و هر غراب به اجناس آن!!! و شتر مرغ و جغد و مرغ
 دریابه اجناس و باز به اجناس آن بوم و بوتمار! و قانت و رخم و غواص! القلق و
 کنگ با اجناس آن! هدهد و شبیره! همه حشرات بالدار برای شما نجس اند خورده
 نشوند! اما از همه مرغان طاهر بخورید! هیچ میته مخورید به غریبی که درون
 دروازه های تو باشد بده تا بخورد! یابه اجنبی بفروش زیرا تو برای یهوه خدایت
 قوم مقدس هستی!!! و بزغاله را در شیر مادرش میزند!!! عشر تمامی محصولات
 مزرعه خود را که سال بسال از زمین برآید البته بده! و بحضور یهوه خدایت در
 مکانیکه برگزیند! تا نام خود را در آنجا ساکن سازد! عشر غله و شیر و روغن را
 و نخست زادگان رمه و گله خویش را بخور! تا بیاموزی که یهوه خدایت همه
 اوقات بترسی! و اگر راه از برایت دور باشد که آن را نمیتوانی برد! و آن مکانیکه

یَهُوه خدایت خواهد برگزید! تا نام خود را در آن بگذارد! وقتی که خدایت تو را برکت دهد از تو دور باشد!!! پس آن را بنقره بفروش و نقره را بدست خود گرفته!!!
بمکانیکه یَهُوه خدایت برگزید برو! و نقره را برای هرچه دلت میخواید! از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هرچه دلت از تو بطلبیده! و در آنجا بحضور یَهُوه خدایت بخور! و خودت با خاندانت شادی نما! و لاوی را که اندرون دروازه هایت باشد ترک نما! چونکه او را با توحصه و نصیبی نیست! و در آخر سه سال تمام عَشر محصول خود را! در همان سال بیرون آورده در اندرون دروازه هایت ذخیره نما!!! و لاوی چونکه با توحصه و نصیبی ندارد!!! و غریب و یتیم و بیوه زنیکه درون دروازه هایت باشد بیایند و بخورند! تا یَهُوه خدایت تو را در همه اعمال دستت که میکنی برکت دهد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب چهاردهم)

و در آخر هر هفته سال انفکاک نمائی! و قانون انفکاک این باشد هر طلب کاری قرضی را که بهمسایه خود داده باشد منفک سازد! و از همسایه و برادران خود مطالبه نکند! چونکه انفکاک خداوند اعلام شده است! از غریب مطالبه توانی کرد! اما هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد دست تو آن را منفک سازد! تا نزد تو هیچ فقیر نباشد زیرا که خداوند تو را در زمینی که خدایت برای نصیب!!! و ملک بتو میدهد البته برکت خواهد داد! اگر قول یَهُوه خدایت را بدقت بشنوی! تا متوجه شده جمیع این او امر را که من امروز بتو امر میفرمایم: بجا آوری! زیرا که یَهُوه خدایت تو را چنانکه گفته است برکت خواهد داد! به امتهای بسیار قرض خواهی داد لیکن تو مدیون نخواهی شد! و بر امتهای بسیار تسلط خواهی نمود! و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد! اگر نزد تودریکی از دروازه هایت! در زمینی که یَهُوه خدایت بتو میبخشد! یکی از برادرانت فقیر باشد! دل خود را سخت مساز و دستت را بر برادر فقیر خود مبنده!!! بلکه البته دست خود را براو گشاده! و به قدر کفایت موافق احتیاج به او قرض بده! و با حذر باش مبدا در دل تو فکرت زشت باشد!

بگویی: سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است! و چشم تو بر برادر فقیر خود
 بد شده! چیزی به او ندهی و از تونزد خداوند فریاد آورده برایت گناه باشد! البته
 به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود! زیرا که به عوض اینکار یهوه خدایت
 تو را در تمامی کارهایت و هر چه دست را بر آن دراز میکنی برکت خواهد داد!
 چونکه فقیر از زمینت نخواهی شد! بنابراین من تو را امر فرموده میگویم: البته
 دست خود را برای برادر مسکین! و فقیر خود که در زمین تو باشد گشاده دار! اگر
 مرد یا زن عبرانی از برادرانت بتوفر و خسته شود! و او تو را شش سال خدمت نماید
 پس در سال هفتم او را نزد خود آزاد کرده رها کن! و چون او را از نزد خود آزاد کرده
 رها کنی او را تهیدست روانه مساز!!! او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته
 زیاد بده!!! به اندازه که یهوه خدایت تو را برکت داده باشد بده! و بیاد آور که
 تو در زمین مصر غلام بودی! یهوه خدایت تو را فدیه داد! بنابراین من امروز این
 را بتو امر میفرمایم: اگر بتو گویند: از نزد تو بیرون نمیروم! چونکه تو را و خاندان
 تو را دوست دارم! و او را نزد تو خوش گذشته باشد! **آنگاه در فشی گرفته گوشش**
را با آن بدر بدوز تا تو را غلام ابدی باشد! و با کنیز خود نیز چنین عمل نما! چون او را
 نزد خود آزاد کرده رها میکنی بنظرت بد نیاید!!! زیرا که دو برابر اجرت اجیر تو را
 شش سال خدمت کرده است! و یهوه خدایت در هر چه میکنی تو را برکت خواهد
 داد!!! همه نخست زادگان نرینه را که از رمه و گله توزانیده شود! برای یهوه
 خدای خود تقدیس نما! و با نخست زاده گاو خود کار مکن و نخست زاده گوسفند
 خود را پشم مبر! آنها را بحضور یهوه خدای خود در مکانیکه خداوند برگزیند؛ تو
 و اهل خانه ات سال بسال بخورید! لیکن اگر عیبی داشته باشد مثل گنگ یا کور
 یا هر عیب دیگر! آن را برای یهوه خدایت ذبح مکن! و آن را در اندرون دروازه
 هایت بخور! شخص نجس و طاهر آن را برابر مثل غزال و آهو بخورند
اما خونس را مخور آن را مثل آب بر زمین بریز!!!
 (از کتاب مقدس عهد هتیک و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب پانزدهم)

ماه ایبب را نگاهدار و فصیح را بجهت یهوه خدایت بجا آور! زیرا که در ماه ایبب یهوه خدایت تو را از مصر در شب بیرون آورد!!! پس فصیح را از رمه و گله برای یهوه خدایت ذبح کن! در مکانیکه خداوند برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد با آن خمیرمایه مخور هفت روز نان فطیر! یعنی نان مشقت را با آن بخور زیرا که به تعجیل از زمین مصر بیرون آمدی! تا روز خروج خود را از زمین مصر در تمام روزهای عمرت بیاد آوری!!! پس هفت روز هیچ خمیرمایه در تمامی حدودت دیده نشود! و از گوشتی که در شام روز اول ذبح میکنی چیزی تا صبح باقی نماند! فصیح را در یکی از دروازه های که یهوه خدایت بتو میدهد ذبح نتوانی کرد! بلکه در مکانیکه یهوه خدایت برگزیند! تا نام خود را در آن ساکن سازد در آنجا فصیح را در شام وقت غروب آفتاب! هنگام بیرون آمدن از مصر ذبح کن!!! و آن را در مکانیکه یهوه خدایت برگزیند بپز و بخور!!! و با مردان برخاسته بخیمه های برو!!! شش روز نان فطیر بخور و در روز هفتم جشن مقدس برای یهوه خدایت باشد! در آن هیچ کار مکن! هفت هفته برای خود بشمار!!! از ابتدای نهادن داس در زرع خود شمرده هفت را شروع کن!!! و عید هفته ها را با هدیه نوافل دست خود نگاهدار! و آن را به اندازه بر کسیکه یهوه خدایت بتو دهد بده!!! و بحضور یهوه خدایت شادی نما! و تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت! و لاوی درون دروازه های که باشد!!! و غریب و یتیم و بیوه زنی که در میان تو باشد! در مکانیکه یهوه خدایت برگزیند! تا نام خود را در آن ساکن گرداند!!! و بیاد آورد که در مصر غلام بودی پس متوجه شده این فرایض را بجا آور عید خیمه ها را بعد از جمع کردن حاصل! از خرمن! چرخشت خود را هفت روز نگاهدار! و در عید خود شادی نما! و تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه های که باشد! هفت روز در مکانیکه خداوند برگزیند برای یهوه خدای تو عید نگاهدار!!! زیرا که یهوه خدایت تو را در همه محصولات و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد! و بسیار شادمان خواهی بود!!! سه مرتبه در سال جمیع ذکورانت بحضور یهوه خدایت در مکانیکه او برگزیند حاضر شوند! یعنی در عید هفته ها! عید خیمه ها بحضور خداوند تهی دست حاضر نشوند! هر کسی بقدر قوه

خودبه اندازه برکتیکه یهوه خدایت بتو عطاء فرماید بدهد! و سروران در جمیع دروازه هایی که یهوه خدایت بتو میدهد! بر حسب اسباط برایت تعیین نما!!! تا قوم را بحکم عدل داوری نمایند! داوری را منحرف مساز و طرفداری منما!!! و رشوه مگیر زیرا که رشوه چشمان حکماء را کور میسازد!!! و سخنان عادلان را کج مینماید! انصاف کامل را پیروی نماتا زنده مانی! و زمینی را که یهوه خدایت بتو میدهد مالک شوی!!! اشیره از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه خدایت که برای خودخواهی ساخت غرس منما!!! زیرا که یهوه آن را مکروه میدارد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب شانزدهم)

گاویا گوسفندی که در آن عیب یا هر چیزی بدی باشد!!! برای یهوه خدای خود ذبح منما! چونکه آن نزد یهوه خدایت مکروه است!!! اگر در میان تودریکی از دروازه هایت که یهوه خدایت بتو میدهد!!! مرد یازنی پیدا شود که در نظر یهوه خدایت کارناشایسته نموده از عهد او تجاوز کند!!! و رفته خدایان غیر را عبادت کرده سجده نماید! خواه آفتاب یاماه یا تاریکی از جنود آسمان که من امر نفرموده ام!!! و از آن اطلاع یافته بشنوی پس نیکو تفحص کن! و اینک اگر راست و یقین باشد که این رجاست در اسرائیل واقع شده است!!! آنگاه آن مرد یازن را که این کاربرد در دروازه هایت کرده است! بیرون آرو آن مرد یازن را با سنگ سنگ سارکن تا بمیرد! از گواهی دو یاسه شاهد آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود! از گواهی یکنفر کشته نشود! و آلا شاهدان بجهت کشتن بر او افراشته شود! و بعد از آن دست تمامی قوم! پس بدی را از میان خود دور کرده! اگر در میان توامری که حکم بر آن مشکل شود بظهور آید! در میان خون و خون و در میان دعوی! دعوی در میان ضرب و ضرب از مرافعه هائیکه در دروازه هایت واقع شود! آنگاه برخاسته بمکانیکه یهوه خدایت برگزیند برو!!! و نزد لاویان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد رفته مسئلت نما! و ایشان تورا از فتوای قضا

مخبر خواهند ساخت!!! و بر حسب فتوائیکه ایشان از مکانیکه خداوند برگزیند برای توبیان میکنند عمل نما! و هوشیار باش تا موافق هر آنچه بتو تعلیم دهند عمل نمائی! موافق مضمون شریعتی که بتو تعلیم دهند! و منطبق حکمی که بتو بگویند: عمل نما و از فتوائی که برای توبیان میکنند! بطرف راست یا چپ تجاوز مکن!!! شخصی که از روی تکبر رفتار نماید! و کاهنی را که بحضور یهوه خدایت بجهت خدمت در انجامی ایستد! یادآوری را گوش نکرد آن شخص کشته شود! پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده! و تمامی قوم چون این را بشنوند ترسید! و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهد نمود! چون بزمنی که یهوه خدایت بتو میدهد داخل شوی!!! و در آن تصرف نموده ساکن شوی!!! و بگویی: مثل جمیع امتهای نیکه به اطراف مانند پادشاهی بر خود نصب نمائیم! البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند! بر خود نصب نمایی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز!!! و مرد بیگانه را که از برادرانت نباشد نمیتوانی بر خود مسلط نمائی!!! لکن او برای خود اسبهای بسیار نگیرد و قوم را بمصر پس نفرستد! تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد!!! چونکه خداوند بشما گفته است: بار دیگر به آن راه برنگردید!!! و برای خود زنان بسیار نگیرید مبادا دلش منحرف شود!!! و نقره و طلا برای خود بسیار زیاده نیندوزید؛ و چون بر تخت خود بنشیند! نسخه این شریعت را از آنچه از آن نزد لاویان گهته است برای خود در طوماری بنویسد!!! و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آن را بخواند! تا بیاموزد که از یهوه خدای خود بترسد! و همه این شریعت و این فرایض را نگاه داشته بعمل آورد!!! مبادا دل کلمات او بر برادرانش افراشته شود!!! و از این او امر بطرف چپ یا راست منحرف شود!!! تا آنکه او و پسرانش در مملکت او! در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب هفدهم)

لاویان گهنه و تمامی سبط لاوی را حصّه و نصیبی با اسرائیل نباشد!!! هدایای آتشین خداوند و نصیب اورابخورند!!! پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت! خداوند ایشان است چنانکه به ایشان گفته است! وحق کاهنان از قوم یعنی از آنانیکه قربانی خواه از گاو و خواه گوسفند میگذرانند! این است که دوش و دوبرناگوش و شکنبه رابکاهن بدهند! نوبر غله و شیر و روغن خود و اول چین پشم گوسفند خود را به او بده! زیرا که یهوه خدایت او را از همه اسباط برگزیده است!!! تا او و پسرانش همیشه بایستند و نام خداوند خدمت نمایند! و اگر احدی از لاویان از یکی از دروازه هایت!!! هر جایی در اسرائیل که در آنجا ساکن باشد آمده!!! بتمامی آرزوی دل بمکانیکه خداوند برگزید برسد پس نام یهوه خدای خود مثل سائر برادرانش از لاویانی که در آنجا بحضور خداوند می ایستند! حصّه های برابر بخورند سوای آنچه از ارثیت خود بفروشد! چون بزمنی که یهوه خدایت بتو میدهد داخل شوی! یاد مگیر که موافق رجاسات آن امتها عمل نمایی! و در میان تو کسی یافته نشود که پسریا دختر خود را از آتش بگذراند! و نه غیب گونه افسونگرو نه جادوگر!!! و نه ساحر و نه سؤال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسیکه از مردگان مشورت میکنند! زیرا که این هر کسیکه این کار ها را کند نزد خداوند مکروه است! و بسبب این رجاسات یهوه خدایت آنها را از حضور تو اخراج میکند! نزد یهوه خدایت کامل باش! زیرا که این امتهاییکه تو آنها را بیرون میکنی به غیب گویان و فالگیران گوش میگیرند و اما یهوه خدایت تو را نمیگذارد که بکنی!!! **یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید! موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع! از یهوه خدای خود مسئلت نموده گفتی: آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم! و این آتش عظیم را دیگر نبینم مبادا بمیرم! خداوند بمن گفت: آنچه گفتند: نیکو گفتند: نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد! و کلام خود را بدهاتش خواهم گذاشت! و هر آنچه به او امر فرمایم: به ایشان خواهم گفت: و هر کسیکه سخنان مرا که او به اسم من بگوید: نشنود من از او مطالبه خواهم کرد!!! و اما نبی که جسارت نموده به اسم من سخن گوید: که**

بگفتنش امرنفرمودم: یا به اسم خدایان غیر سخن گوید: آن نبیّ البتّه کشته شود! واگر در دل خود گوئی: سخنی را که خداوند نگفته است: چونکه تشخیص نمائیم! هنگامیکه نبیّ به اسم خداوند سخن گوید: اگر آن چیز واقع نشود به انجام نرسد! این امریست که خداوند نگفته است: بلکه آن نبیّ آن را از روی تکبر گفته است: پس از اونترس!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب هجدهم)

وقتیکه یهوه خدایت این امّتها را که یهوه خدایت زمین ایشان را بتو میدهد منقطع سازد و تو وارث ایشان شده! در شهرها و خانه ایشان ساکن بشوی! پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یهوه خدایت بجهت ملکیت بتو میدهد جدا کن! و حدود زمین خود را که یهوه خدایت برای تو تقسیم میکند سه قسمت کن! هر قاتلی در آنجا فرار کند! و این است حکم قاتلی که به آنجا فرار کرده زنده بماند! هر کسی همسایه خود را نادانسته بکشد! و قبل از آن بغض نداشت!!! مثل کسیکه با همسایه خود برای بریدن درخت در جنگل برود!!! و دستش را برای قطع نمودن درخت تیر را بلند کند!!! و آهن از دسته بیرون رفته به همسایه اش بخورد تا بمیرد!!! پس بیکی از آن شهرها فرار کرده بماند!!! مبادا ولیّ خون وقتیکه دلش گرم است قاتل را تعاقب کند! و بسبب مسافت راه بوی رسیده او را بکشد و او مستوجب موت نباشد! چونکه او را پیشتر بغض نداشت!!! از این جهت من تورا امر فرموده گفتم: برای خود سه شهر جدا کن!!! و اگر یهوه خدایت حدود تورا بطوریکه پدران تو قسم خورده است!!! وسیع گرداند و تمامی زمین را بتو عطاء فرماید: که بدادن آن پدران تو وعده داده است!!! و اگر تمامی این اوامر را که من امروز بتو میفرمایم: نگاه داشته بجا آوری که یهوه خدایت خود را دوست داشته! بطریق های اودائماً سلوک نمائی! آنگاه سه شهر دیگر بر این شهر برای خود مزید کن! خون بیگناه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت بتو میدهد ریخته نشود! و خون برگردن تو نباشد! لیکن اگر کسی همسایه خود را

بغض داشته درکمین او باشد! و بر خاسته او را ضرب مهلک بزند که بمیرد! و بیکی از این شهرها فرار کند!!! آنگاه مشایخ شهرش فرستاده او را از آنجا بگیرند!!! و او را بدست ولی خون تسلیم کند تا کشته شود! چشم تو بر او ترحم نکند! تا خون بیگناه را از اسرائیل دور کنی! برای تونی کو باشد! حد هم سایه خود را که پیشینیان گذاشته اند در ملک تو که بدست تو خواهد آمد در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش بتو میدهد منتقل مساز! یک شاهد بر کسی بر نخیزد! بهر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهایی که کرده باشد! بگواهی دوشاهد یا گواهی سه شاهد هر امری ثابت میشود! اگر شاهد کاذبی بر کسی بر خاسته به معصیتش شهادت دهد!!! آن گاه هر دو شخصی که منازعه در میان ایشان است! بحضور کاهنان و داورانیکه در آن زمان باشند حاضر شوند! داوران نیکو تفحص نمایند و اینک اگر شاهد کاذب است!!! و بر برادر خود شهادت دروغ داده باشد! پس بطوری که او خواست با برادر خود عمل نماید! با او همان طور رفتار نماید تا بدی را از میان خود دور نمائی! و چون بقیه مردمان میشوند خواهند ترسید! و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد! و چشم تو ترحم نکند! بعوض جان! و چشم بعوض چشم! و دندان بعوض دندان! و دست بعوض دست! و پا بعوض پا!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب نوزدهم)

چون برای مقابله با دشمن خود بیرون روی! و اسبها و ارابه ها و قوم را زیاده از خود بینی از ایشان مترس! زیرا که یهوه خدایت که تو را از زمین مصر بر آورده است با توست!!! و چون بجنگ نزدیک شوید!!! آنگاه کاهن پیش آمده قوم را مخاطب سازد! و ایشان را گوید: ای اسرائیل بشنوید شما امروز برای مقابله با دشمن خود پیش میروید!!! دل شما ضعیف نشود و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید! زیرا که یهوه خدای شما با شما می رود! تا برای شما با دشمنان شما جنگ کرده شما را نجات دهد!!! و سروران قوم را خطاب کرده گوید: کیست که خانه نو بنا کرده آن را تخصیص نکرده است؟! او روانه شده بخانه خود برگردد

مبادا در جنگ بمیرد؟؟؟ و کیست که تاکستانی غرس نموده آن را حلال نکرده است؟ اوروانه شده بخانه خود برگردد؟ مبادا در جنگ بمیرد؟ دیگری آن را حلال کند؟ و کسیکه دختری نامزد کرده ب نکاح در نیاورده است؟! اوروانه شده بخانه خود برگردد؟ مبادا در جنگ بمیرد؟! و دیگری اورا ب نکاح در آورد؟! و سروران نیز قوم را خطاب کرده بگویند: کسیکه ترسان و ضعیف دل است؟! اوروانه شده بخانه اش برگردد مبادا دل برادرانش مثل دل او گذاخته شود! و چون سروران از تکلم نمودن بقوم فارغ شدند! بر سر قوم سرداران لشکر را مقرر سازند!!! **چون شهری نزدیک آئی تا با آن جنگ نمائی آن را برای صلح ندابکن! اگر تورا جواب صلح بدهد دروازه ها را برای تو بگشاید! آنگاه تمامی قومیکه در آن یافته شوند بتوجزیه دهند و تورا خدمت نمایند! و اگر با تو صلح نکرده جنگ نمایند پس آن را محاصره کن! چون یهوه خدایت آن را بدست تو بسپارد! جمیع ذکورانش را بدم شمشیر بکش! لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد! یعنی تمامی غنیمتش را برای خود بتاراج ببر!! و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت بتو دهد بخور! بهمه شهرهائیکه از تو بسیار دورند! که از شهرهای این امتهان باشند چنین رفتار نما! اما از شهرهای این امتهانیکه یهوه خدایت تورا بملکیت میدهد هیچ ذی نفس رازنده مگذار! بلکه ایشان را یعنی حثیان! و اموریان! و کنعانیان و فرزایان! و حیویان! و ییوسیای را چنانکه یهوه خدایت تورا امر فرموده است!!! بالکل هلاک ساز! تا شمارا تعلیم ندهند که موافق همه رجاساتیکه ایشان! با خدایان خود عمل مینمود عمل نمائید!!! و به یهوه خدای خود گناه نکنید!!! چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی! و آن را روزهای بسیار محاصره نمایی!!! تبر بر درختهایش رامزن و آنها را تلف مساز چونکه از آنها میخوری پس آنها را قطع منما! زیرا که آیدرخت صحراء انسان است تا آن را محاصره نمائی؟ و اما درختی که میدانی درختی نیست که از آن خورده شود آن را تلف ساخته قطع نما!!! و سنگری بر شهری که با تو جنگ میکند بناءکن تا منهدم شود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب بیستم)

اگر در زمینیکه یهوه خدایت برای تصرفش بتو میدهد! مقتولی در صحراء افتاده پیدا شود! و معلوم نباشد که قاتل او کیست؟ آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده مسافت شهرهائی را که در اطرف مقتول است پیمایند! و اما شهری که نزدیک به مقتول است!! مشایخ آن شهر گوساله رمه را که با آن خیش نزده و یوغ به آن نبسته اند بگیرند! مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادیکه آب در آن همیشه جاری باشد! و در آن خیش نزده و شخم نکرده باشند فرو آورند! و آنجا در وادی گردن گوساله را بشکنند! و بنی لای گهنه نزدیک بیایند چونکه یهوه خدایت ایشان را برگزیده است! تا او را خدمت نمایند و بنام خداوند برکت دهند! و بر حسب قول ایشان هر منازعه و آزاری فیصل پذیرند!! و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیکتر به مقتول است! دستهای خود بر سر گوساله که گردنش در وادی شکسته شده است بشویند!! و جواب داده بگویند: دستهای ما این خون را نریخته و چشمان ندیده است! ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیة داده پیامرز! مگذار خون بیگناه در میان قوم تو اسرائیل بماند! پس خون برای ایشان عفو خواهد شد! پس خون بیگناه را از میان خود رفع کرده! هنگامیکه آنچه در نظر خداوند راست است بعمل آورده! چون بیرون روی تا با دشمنان خود جنگ کنی! یهوه خدایت ایشان را بدستت تسلیم نماید! و ایشان را اسیر کنی! و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده عاشق او بشوی و بخواهی او را بزنی خود بگیری!! پس او را بخانه خود ببر و او سر خود را بر تراش و ناخن خود را بگیرد! و رخت اسیر خود را بیرون کرده در خانه تو بماند! و برای پدر و مادر خود یکماه ماتم گیرد!! و بعد از آن به او در آمده شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود! و اگر وی راضی نباشی او را به خواهش دلش رها کن! او را بنقره هرگز مفروش و بسختی مکن چونکه او را ذلیل کرده! و اگر مردی را دو زن باشد!!! یکی محبوبه و یکی مکروهه و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسرانی بزایند! و پسر مکروهه نخست زاده باشد! پس

در روزی که اموال خود بیسران خویش تقسیم نماید!!! پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست زاده است حق نخست زادگی دهد!!! بلکه حصه مضاعف از جمیع اموال خود را بیسر مکروهه داده! او را نخست زاده خویش اقرار نماید زیرا که او ابتداء قوت اوست و حق نخست زادگی از آن او میباشد! اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد! که سخن پدر و مادر خود را گوش ندهد! و هر چند او را تادیب نمایند ایشان را نشنود!!! پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه محله اش بیاورد!! و بمشایخ شهر بگویند: این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است! سخن ما را نمیشنود و مسرف و میگسار است! پس جمیع اهل شهرش او را سنگسار کنند تا بمیرد! پس بدی را از میان خود دور کرده و تمامی اسرائیل چون بشنوند خواهند ترسید!!! اگر کسی گناهی را که مستلزم موت است کرده باشد و کشته شود! او را ابدار کشیده باشی! بدنش در شب بردار نما! و البته در همان روز دفن کن! زیرا آنکه بردار آویخته شود ملعون خدا است! تا زمینی که

یهوه خدایت تورا بملکیت میدهد نجس سازی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب بیست و یکم)

اگر گاو یا گوسفند برادر خود را گم شده از او روی مگردان! آن را البته نزد برادر خود برگردان! و اگر برادرت نزدیک تو نباشد!!! یا او را شناسی آن را بخانه خود بیاور و نزد تو بماند! تا برادرت آن را طلب نماید! آنگاه آن را به او رد نما! و به الاغ او چنین کن و بلباسش چنین عمل نما! بهر چیز گم شده برادرت که از او گم شود! و یافته باشی عمل نما! نمیتوانی! از او رو بگرانی!!! اگر الاغ یا گاو برادرت را در راه افتاده! بینی از آن رو مگردان البته آن را به او بر خیزان!!! امتاع مرد بر زن نباشد! و مرد لباس زن را نپوشد! زیرا که هر کسی این را کند مکروه یهوه خدای تو است! اگر اتفاقاً آشیانه مرغی در راه بنظر تو آید! خواه بر درخت یا بر زمین و در آن بچه ها یا تخمها باشد! و مادر بر بچه ها یا تخمها نشسته مادر را با بچه ها بگیر! مادر را البته رها کن و بچه ها را برای خود برای تونیکوشود و عمر دراز

چون خانه نوبنا کنی برپشت بام خود دیواری بساز! مبادا کسی از آن بیفتد و برخانه خود بیاوری! در تاکستان خود دو قسم تخم مکار مبادا تمامی آن یعنی تخمی که کاشته!!! و هم محصول تاکستان وقف شود!!! گاو و الاغ را با هم جفت کرده شیار منما! پارچه مختلط از پیشم و کتان با هم میپوش! بر چهار گوشه رخت خود را بآن میپوشانی رشته هابساژ! اگر کسی برای خود زنی گیرد چون بدودر آید او را مکروه دارد! و اسباب خرف بدو نسبت داده از او اسم بد شهرت دهد! و گوید: این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم او را باکره نیافتم! آنگاه پدر و مادر آن دختر علامت بکارت دختر را برداشته نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند! و پدر دختر بمشایخ بگوید: دختر خود را به این مرد بزنی دادم و از او کراهت دارد!!! و اینک اسباب خرف بدو نسبت داده میگویی: دختر تو را باکره نیافتم و علامت بکارت من این است!!! پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند پس مشایخ شهر آن مرد را گرفته تنبیه کند! و او صدمتقال نقره جریمه نموده بپدر دختر بدهند چونکه بر باکره اسرائیل بد نامی آورده است!!! و او زن وی خواهد بود!!! و در تمامی عمرش نمیتواند او را رها کند! **لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود! آنگاه دختر را نزد درخانه پدرش بیرون آورند! و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد! چونکه درخانه پدر خود زنا کرده در اسرائیل قباحتی نموده است! پس بدی را از میان خود دور کرده! اگر مردی یافت شود با زن شوهر دار هم بستر شده باشد!!! پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است وزن کشته شوند پس بدی را از اسرائیل دور کرده! اگر دختر باکره به مردی نامزد شود! و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود! پس هر دو ی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده! ایشان را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرند! اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد! و مرد را چونکه زن همسایه خود را ذلیل ساخت! پس بدی را از میان خود دور کرده! اما اگر آن مرد را در صحراء یابد و آن مرد به او زور آورده با او بخوابد!!! آن مرد که با او خوابید تنها کشته شود! و با دختر هیچ مکن زیرا که برگناه مستلزم موت نیست! بلکه این مثل آن**

است که کسی بر همسایه خود بر خاسته اورا بکشد! چونکه اورا در صحراء یافت و دختر نامزد فریاد بر آورد و برایش رهاننده نبود!!! اگر مردی دختر باکره را که نامزد نباشد بیابد! و اورا گرفته با او همبستر شود! آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره بپدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد! چونکه اورا ذلیل ساخته است! و در تمامی عمرش نمیتواند اورا رها کند! هیچ کسی زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب بیست و دوم)

شخصی که کوبیده بیضه و آلت بریده باشد داخل جماعت خداوند نشود! و حرام زاده داخل جماعت خداوند نشود! حتی در پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود! **عمّونی و موآبی داخل جماعت خداوند نشوند! حتی تا پشت دهم احدی از ایشان هرگز داخل جماعت خداوند نشوند!** زیرا وقتیکه شما از مصر بیرون آمدید! شما را در راه بنان و آب استقبال نکردند! و از این جهت که بلعام بن بعور آرام نهرین اجر کردند تا تورا لعنت کن!!! لیکن یهوه خدایت نخواست بلعام را بشنود!!! پس یهوه خدایت لعنت را بجهت تو ببرکت تبدیل نمود! چونکه یهوه خدایت تورا دوست میداشت! ابداً در تمامی عمرت جوای خیریت و سعادت ایشان مباش! آدمی را دشمن مدار چونکه برادر توست!!! و مصر را دشمن مدار چونکه در زمین وی غریب بودی! اولادی از ایشان زانیده شوند در پس سوم داخل جماعت خداوند شوند!!! چون در اردو بمقابله دشمنانت بیرون روی خویشان را از هر چیز بدنگاه دار! اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود! از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود! چون شب نزدیک شود با آب غسل کند! و چون آفتاب غروب کند داخل اردو شود! و تورا مکانی بیرون از اردو باشد تا به آنجا بیرون روی! در میان اسباب تومیخی باشد و چون بیرون نشینی با آن بکن و برگشته فضله خود را از آن بپوشان!!! زیرا که یهوه خدایت در میان اردوی تومیخرامد تا تورا رهائی داده دشمنانت را بتو تسلیم نماید! پس اردوی تو مقدس باشد مبادا

چیزپلیدی را در میان تودیده از توری گرداند! **غلامی راکه از آقای خود نزد تو بگریزد به آقایش بسیار!** با تودرمیان تودرمکانیکه برگزیدد ریگی از شهرهای تو که بنظرش پسند آید ساکن شود و براوجفا منما!! از دختران اسرائیل فاحشه نباشد و از پسران اسرائیل اولوای نباشد! اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ نذری بخانه یهوه خدایت میاور! زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است! برادر خود را بسود قرض مده! نه بسود نقره و نه بسود آذوقه و نه بسود هر چیزی که بسود داده میشود! **غریب را میتوانی بسود قرض بدهی!!!** اما برادر خود را بسود قرض مده تا یهوه خدایت در زمینی که برای تصرفش داخل آن میشوی! تورا بهره دستت را بر آن دراز میکنی برکت دهد! چون نذری برای یهوه خدایت میکنی دروفای آن تأخیر منما! زیرا که یهوه خدایت البته آن را از تو مطالبه خواهد نمود و برای تو گناه خواهد بود! اما اگر از نذر کردن ابا نمائی تورا گناه نخواهد بود! آنچه راکه از دهانت بیرون آید هوشیار باش که بجآوری موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده و زبان خود گفته!!! چون بتاکستان همسایه خود درائی از انگور هر چه میخواهی بسیری بخور اما در ظرف خود هیچ مگذار! چون بکشتزار همسایه داخل شوی خوشه هارا بدست خود بچین! اما داس بر کشت همسایه خود مگذار!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب بیست و سوم)

چون کسی زنی راکه گرفته بنکاح خود در آورد اگر در نظر او پسند نیاید! از اینکه چیزی ناشایسته در او بیابد آنگاه طلاق نامه نوشته بدستش بدهد!!! و او را از خانه اش رها کند! و از خانه او روانه شده برود وزن دیگری بشود! و اگر شوهر دیگری را او مکروه دارد و طلاق نامه نوشته بدستش بدهد! و او را از خانه اش رها کند! اگر شوهری دیگر که او را بزنی گرفته بمیرد! شوهر اوّل او را رها کرده بود نمیتواند دوباره او را نکاح خود در آورد! بعد از آن ناپاک شده است زیرا که بنظر خداوند مکروه است!!! پس بر زمینی که یهوه خدایت تورا بملکیت میدهد

گناه میاور! چون کسی زن تازه بگیرد در لشگر بیرون نرود!!! و هیچ کار به او تکلیف نشود تا یکسال در خانه خود آزادانه بماند!!! و زنی را که گرفته است مسرور سازد! هیچکس آسیاب یا سنگ بالای آن را بگرونگیرد زیرا که جان را بگرو گرفته است! اگر کسی یافته شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده! بر او ظلم کند یا بفروشد آن دزد کشته شود! پس بدی را از میان خود کرده! در باره بلای برص هوشیار باش!!! که بهر آنچه لاویان گنه شمارا تعلیم دهند!!! بدقت توجه نموده عمل نمائید! و موافق آنچه به ایشان امر فرموده ام هوشیار باشید! که عمل نمائید! بباد آور که یهوه خدایت در راه با مریم چه کرد! وقتیکه شما از مصر بیرون آمدید! چون به مسایه خود هر قسم قرض دهی! برای گرفتن گرو بخانه اش داخل مشو! بلکه بیرون بایست تا شخصیکه به او قرض میدهی گرو را نزد تو بیرون آورد! و اگر مرد فقیر باشد در گرو او مخواب! البته بوقت غروب آفتاب گرو را به او پس بده!!! تا در رخت خود بخوابد و تورا برکت دهد! و بحضور یهوه خدایت عدالت شمرده خواهد شد!!! بر مزدوری که فقیر و مسکین باشد! خواه از برادرانت و خواه غریبانی که در زمینت در اندرون دروازه های تو باشد ظلم منما! در همان روز مزدش را بده و آفتاب بر او غروب نکند! چونکه او فقیر است و دل خود را به آن بسته است! مبادا بر تو نزد خداوند فریاد بر آورد و برای تو گناه باشد!!! پدران به عوض پسران کشته نشود و پسران به عوض پدران کشته نشود!!! هر کسی برای گناه خود کشته شود! داوری غریب و یتیم را منحرف مساز و جامه بیوه را بگرو مگیر! و بباد آور که در مصر غلامی بودی! و یهوه خدایت تورا از آنجا فدیه داد! بنابراین من تورا امر میفرمایم: که این کار را معمول داری! چون محصول خود را در مزرعه خویش دور کنی! و در مزرعه با فاه را فراموش کنی برای برداشتن آن بر مگرد!!! برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد! تا یهوه خدایت تورا در همه کارهای دستت برکت دهد! چون زیتون خود را بتکانی! بار دیگر شاخه را متکان برای غریب و یتیم و بیوه باشد!!! چون انگور تاکستان خود را بچینی! بار دیگر آن را مچین برای غریب و یتیم و بیوه باشد! و بباد آور که در زمین مصر غلامی بودی! بنابراین تورا امر میفرمایم! که این کار معمول داری!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب بیست و چهارم)

اگر در میان مردم مرافه باشد و بمحاکمه آیند و در میان ایشان داوری نمایند!!!
 آنگاه عادل را عادل شمارند و شریر را ملزم سازند! و اگر شریر مستوجب تازیانه
 باشد! آنگاه داور او را بخواباند و حکم دهد! تا او را موافق شرارتش بحضور خود
 بشماره بزنند! چهل تازیانه او را بزند و زیاد نکند! مبادا اگر از این زیاد کرده تازیانه
 بسیارزند برادرت در نظر تو خوار شود!!! ادهن گاورا هنگامیکه خرمن را خرد
 میکند مبند! اگر برادران باهم ساکن باشند! یکی از آنها بی اولاد بمیرد! پس زن
 آن متوفی خراج بشخص بیگانه داده نشود! بلکه برادر شوهرش به او درآمده
 او را برای خود بزنی بگیرد! و حق برادر شوهری را با او بجا آورد! و نخست زاده
 که بزاید به اسم برادر متوفی او وارث گردد! تا اسمش از اسرائیل محو نشود!
 و اگر آن مرد بگرفتن زن برادرش راضی نشود!!! آنگاه زن برادرش بدروازه
 نزد مشایخ برود و گوید: برادر شوهر من از برپاداشتن اسم برادر خود را در اسرائیل
 انکار میکند!!! و از بجا آوردن حق برادر شوهری با من ابا مینماید! پس مشایخ
 شهرش او را طلبیده با وی گفتگو کنند: و اگر اصرار کرده بگوید: نمیخواهم او را
 بگیرم! آنگاه زن برادرش نزد وی آمده بحضور مشایخ او را باپایش بزند! و برویش
 آبدهان اندازد و در جواب گوید: با کسیکه خانه برادر خود را!!! بناء نکند چنین
 کرده شود! و نام او در اسرائیل خانه کفش کنده خوانده شود! **و اگر دو شخص با
 یکدیگر منازعه نمایند! وزن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زننده رها کند
 و دست خود را دراز کرده عورت او را بگیرد! پس دست او را قطع کن و چشم تو
 بر او ترحم نکند!!! در کیسه تو وزنهای مختلف بزرگ و کوچک نباشد! در خانه
 تو کیلهای مختلف بزرگ و کوچک نباشد! تو را وزن صحیح و راست باشد و تو را
 کیل صحیح راست باشد! تا عمرت در زمینی که یهوه خدایت بتو میدهد دراز شود
 ! زیرا که هر کسی این کار را کند یعنی هر کسی بی انصافی نماید نزد یهوه خدایت**

مکروه است! بیاد آور آنچه عمالیک وقت بیرون آمدنت از مصر در راه!!! بتو نمودند! که چگونه تورادر راه مقابله کرد! همه و اماندگان رادر عقب تواز مؤخرت قطع نمودند! در حالیکه توضعیف و وامانده بودی و از خدا نترسیدند! پس چون **یهوه خدایت تورادر زمینی که یهوه خدایت تورا برای تصرفش نصیب میدهد از جمیع دشمنات آرامی بخشد! آنگاه عمالق را از زیر آسمان محوساز و فراموش مکن!!!**

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب بیست و پنجم)

و چون بزمنی که یهوه خدایت تورا نصیب میدهد داخل شدی و در آن تصرف نموده ساکن گردیدی! آنگاه نوبر تمامی حاصل زمین را که در زمینی که یهوه خدایت بتو میدهد جمع کرده باشی بگیر و آن رادر سبد گذاشته! بمکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گردانند! و نزدیکانه که در آن روزها باشد رفته وی را بگو: امروز برای یهوه خدایت اقرار میکنم که بزمنیکه خداوند!!! برای پدران ما قسم خورد که بما بدهد داخل شده ام! و کاهن سبدا را از دست گرفته پیش مذبح یهوه خدایت بگذارد! پس بحضور یهوه خدای خود اقرار کرده بگو: پدر من آرامی آواره بود و با عددی قلیل بمصرفرو شدند!!! در آنجا غربت پذیرفت و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد! و مصریان با ما بدرفتاری نموده ما را ذلیل ساختند! و بندگی سخت بر ما نهادند! چون نزد یهوه خدای پدران خود فریاد بر آوردیم! خداوند آواز ما را شنید و مشقت و تنگی و محنت ما را دید! و خداوند ما را از مصر بدست قوی و بازوی افراشته و خوف عظیم!!! و با آیات و معجزات بیرون آورد! و ما را به این مکان در آورده این زمین را از زمینی که بشیروشهد جاریست بما بخشید!!! و الآن اینک نوبر حاصل زمین را که توای خداوند بمن دادی آوردم! پس آن را بحضور یهوه خدای خود بگذار! و بحضور یهوه خدایت را عبادت نما! و تو بالاوی و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکوئی که یهوه خدایت بتو و بخاندانت بخشیده است شادی خواهی نمود! در سال سوّم که سال

عُشراست چون ازگرفتن تمامی عَشْرَمَحْصُولِ خُودفَارغ شدی! آن را به لاوی و غریب ویتیم و بیوه زن بده! تادران درون دروازه های تو بخورند و سیرشوند! و بحضور یَهُوه خدایت بگو: موقوفات را از خود بیرون کردم و آنها را نیز به لاوی و غریب ویتیم و بیوه زن موافق!! او امری که بمن امر فرمودی دادم و از او امر تو تجاوز ننموده فراموش نکردم! در ماتم خود از آنها نخوردم! در نجاستی از آنها صرف ننمودم! برای اموات از آنها ندادم! بلکه بقول یَهُوه خدایم گوش داده! از موافق هر آنچه بمن امر فرمودی رفتار نمودم! از مسکن مقدس از آسمان بنگر و قوم خود اسرائیل و زمینی را که بمادادی! چنانکه برای پدران ما قسم خوردی! زمینی که بشیروشهد جاریست برکت بده! امروز یَهُوه خدایت تو را امر میفرماید: که این فرایض و احکام را بجا آوری!!! پس آنها را بتمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته بجا آورد! امروز به یَهُوه اقرار نمودی که خدای تو است! و اینک بطریق های او سلوک خواهی نمود و فرایض و او امر و احکام او را نگاه داشته آواز او را خواهی شنید! و خداوند امروز بتو اقرار کرده است! تو قوم او هستی چنان که بتو وعده داده است و تاتمامی او امر او را نگاه داری! و تا تو را درستایش و نام و اکرام از جمیع امتّهائی که ساخته است بلند گرداند! و تا برای یَهُوه خدایت قوم مقدس باشی چنانکه وعده داده است!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر تثنیه باب بیست ششم)

موسی و مشایخ اسرائیل قوم را امر فرمود: گفتند: تمامی او امری را که من امروز بشما امر میفرمایم: نگاه دارید! و در روزی که از اردن بزمنی که یَهُوه خدایت بتو میدهد عبور کنید! برای خود سنگهای بزرگ برپا کرده و آنها را با گچ بمال! و بر آنها تمامی کلمات این شریعت را بنویس هنگامیکه عبور نمائی! تا بزمنی که یَهُوه خدایت بتو میدهد داخل شوی! زمینی بشیروشهد جاریست!!! چنانکه یَهُوه خدای پدران تو وعده داده است!!! و چون از اردن عبور نمودی این سنگها را که امروز بشما امر میفرمایم: در کوه عیبال برپا کرده آنها را با گچ بمال! و

در آنجا مذبحی از سنگها باشد و آلت آهنین بر آنها بکارمبر!!! مذبح یهوه خدای خود را از سنگهای ناتراشیده بناء کن! و قربانیهای سوختنی برای یهوه خدایت بر آن بگذران! و ذبایح سلامتی ذبح کرده و در آنجا بخور! و بحضور یهوه خدایت شادی نما! تمامی کلمات این شریعت را بر آن بخط روشن بنویس! پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل را خطاب کرده گفتند: ای اسرائیل خاموش باش و بشنوقوم امروز یهوه خدایت شده! پس آواز یهوه خدایت را بشنو!!! و او امر او را که امروز بتوازم میفرمایم: بجا آور! و در آن روز موسی قوم را امر فرموده: گفت: چون از اردن عبور کردید اینان! یعنی شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یوسف و بنیامین بر کوه حرزیم بایستند! تا قوم را برکت دهند! و اینان یعنی رأوبیس و جاد و اشیر و زبولون و دان و نفتالی بر کوه عیبال بایستند تا نفرین کنند!!! و لاویان جمیع مردان اسرائیل را با آواز بلند خطاب کرده بگویند: **ملعون باد کسیکه صورت تراشیده!!! یاریخته شده! صنعت دست کارگر!!! که نزد خداوند مکروه است بسازد! و مخفی نگاه دارد و تمامی قوم در جواب بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه با پدر و مادر خود بخفت رفتار نماید!!! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه حد همسایه خود را تغییر دهد! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه نابینارا از راه منحرف سازد! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد!!! و تمامی قوم بگویند: آمین!!! ملعون باد کسیکه بازن پدر خود هم بستر شود!!! چونکه دامن پدر خود را کشف نموده است! و تمامی بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه با هر قسم بهایمی بخوابد! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه با هر خواهر خویش!!! چه دختر پدر خود! و چه دختر مادر خویش بخوابد! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه یکه با مادر زن خود بخوابد!!! و تمامی قوم بگویند: آمین!!! ملعون باد کسیکه همسایه خود را در نهانی بزند! و تمامی قوم بگویند: آمین!!! ملعون باد کسیکه رشوه گیرد تا خون بیگناهی ریخته شود! و تمامی قوم بگویند: آمین! ملعون باد کسیکه کلمات این شریعت را ثبات ننماید تا آنها را بجا نیآورد!!! و تمامی قوم بگویند: آمین!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر تثبیه باب بیست و هفتم)

و اگر آوازیهوه خدای خود را بدقت بشنوی تا هوشیار شده! تمامی او امر او را که من امروز بتو امر میفرمایم: بجا آوری! آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امتهای جهان بلند خواهد گردانید!!! و تمامی این برکتها بتو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت؛ اگر آوازیهوه خدای خود را بشنوی! در شهر مبارک و در صحراء مبارک خواهی بود؛ میوه بطن تو! و میوه زمین تو و میوه بهایمت!! و بچه های گاو بره های گله تو مبارک خواهند بود! سب و خمیر تو مبارک خواهد بود! وقت درآمدت مبارک و وقت بیرون رفتن مبارک خواهی بود! و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند! از حضور تو منهدم خواهد ساخت از یک راه بر تو خواهند آمد! از هفت راه پیش تو خواهند گریخت؛ خداوند در انبارهای تو و بهر چه دست خود را به آن دراز می کنی! بر تو برکت خواهد فرمود! و تو را در زمینیکه یهوه خدایت بتو میدهد مبارک خواهد ساخت!!! و اگر او امر یهوه خدای خود را نگاه داری و در طریقه های او سلوک نمائی! خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید چنانکه برای تو قسم خورده است! و جمیع امتهای زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است و از تو خواهند ترسید! و خداوند تو را در میوه بطنت و ثمره بهایمت! و محصول زمینت در زمینیکه خداوند برای پدرانیت قسم خورد! که بتو بدهد بنیکوئی خواهد افزود! و خداوند خزینه نیکوی خود یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود!! تا باران زمین تو را در موسمش بباراند و در جمع اعمال دستت مبارک سازد! و به امتهای بسیار داد! و تو قرض نخواهی گرفت! و خداوند تو را سر خواهد ساخت نام بلند خواهی بود فقط نه پست! اگر او امر یهوه خدای خود را که من امروز بتو امر میفرمایم: بشنوی و آنها را نگاه داشته بجا آوری!!! و از همه سخنانی که من امروز بتو امر می کنم بطرف راست یا چپ میل نکنی! تا خدایان غیر را پیروی نموده آنها را عبادت کنی! اما اگر آوازیهوه خدای خود را بشنوی! تا

هوشیار شده همه او امر و فرایض او را که من امروز بتو امر میفرمایم! بجانیآوری!
 آنگاه جمیع این لعنت هابتو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت! در شهر ملعون و در
 صحراء ملعون خواهی بود! سب و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود! میوه بطن
 و در میوه زمین تو و بیچه های گاو و بره های تو ملعون خواهد بود! وقت درآمدت
 ملعون و وقت بیرون رفتنت ملعون خواهی بود! بهره دست خود را برای عمل
 نمودن دراز میکنی!!! خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد! تا
 بزودی هلاک و نابود شوی بسبب بدی کارهایت که با آنها مرا ترک کرده! خداوند
 و با را بتو ملحق خواهد ساخت! تا تو را از زمینی که برای تصرفش به آن داخل
 میشوی هلاک سازد!!! و خداوند تو را با سل و التهاب و حرارت و شمشیر و باد
 سموم و یرقان خواهد زد و تو را تعاقب خواهد نمود تا هلاک شوی! و فلک تو که
 بالای سرتو است مس خواهد شد! و زمینی که زیر تو است آهن! و خداوند باران
 زمین را گرد و غبار خواهد ساخت! که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی! و
 خداوند تو را پیش روی دشمنانت منهدم خواهد ساخت! از یک راه برایشان بیرون
 خواهی رفت! و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت! و در تمامی ممالک
 جهان بتلاطم خواهی افتاد!!! و بدن شما برای همه پرندگان هوا و بهایم زمین
 خوراک خواهد بود! و هیچ کسی آنها را دور نخواهد کرد! خداوند تو را بدنبال مصرو
 خراج و جرب! و خارش می توازان شفاء نتوانی یافت مبتلا خواهد ساخت! خداوند
 تو را بدیوانگی و نابینائی و پیریشانی دل مبتلا خواهد ساخت! و در وقت ظهر مثل
 کوریکه در تاریکی لمس نماید کوران راه خواهی رفت! و در راههای خود کامیاب
 نخواهی شد بلکه در تمامی روزهایت مظلوم! و غارت شده خواهی بود و نجات
 دهنده نخواهد بود! زنی را که نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید!!!
 خانه را که بناء خواهی کرد! و در آن ساکن نخواهی شد! تا کستانی غرس خواهی
 نمود! و میوه هایش را نخواهی خورد! گاو در نظرت کشته شود! و از آن خواهی
 خورد!!! الاغت پیش روی تو بغارت برده میشود!!! و باز بدست تو نخواهد آمد
 گوسفندان تو بدشمنت داده میشود! و برای تو رهاننده نخواهد بود!!! پسران و
 دخترانت به امت دیگر داده میشود! و چشمانت نگریسته از آرزوی تمامی روز

کاهیده خواهید شد! و در دست توهیج قوه نخواهد بود! میوه و مشقت تورا امتیکه نشناخته خواهد خورد! و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود! بحدیکه از چیزهایی که چشمت میبیند دیوانه خواهی شد! خداوند زانوها! و ساقها! و از کف پا! تا فرق سر تورا بد! که از آن شفاء نتوانی یافت مبتلا خواهد ساخت خداوند تورا و پادشاهی را که بر خود نصب مینماید!!! بسوی امتی که تو!!! او پدرانیت نشناخته اید خواهد برد! و در آنجا خدایان غیر از چوب! و سنگ عبادت خواهی کرد! در میان تمامی امتهائی که خداوند شما را به آنجا خواهد برد! عبرت و مثل و سخریه خواهی شد! تخم بسیار به مزرعه خواهی برد و اندکی جمع خواهی کرد! چونکه منخ آنها را خواهد خورد! تا کستانها غرس نموده خدمت آنها را خواهی کرد! اما شراب نخواهی نوشید! و انگور را نخواهی چید زیرا کرم آن را خواهد خورد! تورا در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود! لکن خویشتن را بزیت تدهین خواهی کرد!!! زیرا تونارس ریخته شد! پسران و دختران خواهی آورد! لیکن از آن تو نخواهد بود! چونکه با اسیری خواهند رفت!!! تمامی درختان و محصول زمینت را منخ بتصرف خواهد آورد! غربیکه در میان تو است! بر تو بنهایت رفیع!!! و بر افراشته خواهد شد! تو بنهایت پست و متذلل خواهی گردید!!! او بتو قرض خواهد داد! و توبه او قرض نخواهی داد! او سر خواهد بود! و تو دم خواهی بود! و جمیع آیت لعنت ها بتو خواهد رسید! و تورا تعاقب خواهد نمود! در یافت تا هلاک شوی! از این جهت که قول یهوه خدایت را گوش ندادی! تا او امر و فریضی را که بتو امر فرموده! بود نگاهداری! و تورا و ذریت تورا تا به ابد آیت و شگفت خواهد بود!!! از این جهت که یهوه خود را بشادمانی!!! خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی! پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد!!! در گرسنگی! و تشنگی!!! برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی نمود!!! و یوغ آهنین برگردنت خواهد گذاشت! تا تورا هلاک سازد! و خداوند از دور!!! یعنی از اقصای زمین امتی را که مثل عقاب میپرد! بر تو خواهد آورد! امتیکه زبانش را نخواهی فهمید! امتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد! و بر جوانان

ترحم ننمایند! و نتایج بهایم! و محصول زمینت را بخورد تا هلاک شوی! و برای تونیز غله و شیر و روغن و بچه های گاو و بره های گوسفند را باقی نگذارند! تا تو را هلاک سازد! و تورا در تمامی دروازه های محاصره کند! و حصین که بر آنها توکل داری! در تمامی زمینت منهدم شود! و تورا در دروازه های و در تمامی زمینیکه یهوه خدایت بتو میدهد محاصره نموده! و میوه بطن خود! یعنی گوشت پسران و دخترانت را! یهوه خدایت بتو میدهد! در محاصره و تنگی که دشمنانت! تورا به آن زبون خواهند ساخت! خواهی خورد! مردی که در میان شما نرم و بسیار متنعم است! چشمش برابر خود! وزن هم آغوش خویش! و بقیه فرزندان او که باقی میمانند بد خواهی بود! بحدی که با احدی از ایشان! از گوشت پسران خود که میخورد خواهد داد!!! زیرا که در محاصره و تنگی که دشمنانت تورا! در تمامی دروازه های به آن زبون سازند چیزی برای او باقی نخواهد ماند! و زنی که در میان شما نازک و متنعم است!!! که بسبب تنعم و نازکی خود جرأت نمیکرد! که کف پای خود را بزمین بگذارد! چشم او بر شوهر هم آغوش خود! و پسر و دختر خویش بد خواهد بود! و بر مشیمه که از میان پاهای او در آید و بر اولادی که بزاید! زیرا که آنها را بسبب احتیاج همه چیز در محاصره و تنگی که دشمنانت در دروازه های به آن تورا زبون سازند پنهانی خواهد خورد! اگر بعمل نمودند تمامی کلمات این شریعت!!! که در این کتاب مکتوبست هوشیار نشوی!!! و از این نام مجید و مهیب یعنی یهوه خدایت نترسی! آنگاه خداوند بلایای تو! و بلایای اولاد تورا عجیب خواهد ساخت!!! یعنی بلایای عظیم و مزمن و مرضهای!!! سخت و مزمن!!! و تمامی بیماری های مصر را که از آنها میترسیدی!!! بر تو باز خواهد آورد و بتو خواهد چسبید!!! و نیز همه مرضها و همه بلایایی که! در طومار این شریعت مکتوب نیست! آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی و گروه قلیل خواهد ماند! بر عکس آنکه مثل ستارگان آسمان کثیر بودند! زیرا که آواز یهوه خدای خود را نشنیدید!!! و واقع میشود چنانکه خداوند بر شما شادی نمود! بشما احسان کرده شمارا بیفزاید! همچنین خداوند بشما شادی نمود! بر شما

راهلاک و نابود گرداند!!! و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل میشوید! کنده خواهد شد! و خداوند تورا در میان جمیع امتهای کران زمین! تا کران دیگرش پراکنده سازد! و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانانت نشناخته اید! عبادت خواهی کرد! و در میان این امتهای استراحت نخواهی یافت!! و برای کف پایت آرامی نخواهد بود! و در آنجا یهوه تورا دل لرزان! و کاهیدگی چشم و پیرمردگی جان خواهد داد! و جان تو پیش رویت معلق خواهد بود! و شب و روز ترسناک شده! بجان خود اطمینان نخواهی داشت!! با مدادان خواهی گفت: کاش که شام میبود! شامگاهان خواهی گفت: کاش که صبح میبود! بسبب ترس دلت که به آن خواهی ترسید! و بسبب رویت چشمت که خواهی دید!! و خداوند تورا در کشتیهای از راهی که بتو گفتم: آن را دیگر نخواهی دید! بمصر باز خواهد آورد! و خود را در آنجا بدشمنان خود برای غلامی خواهد فروخت!!! و مشتری نخواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب بیست و هشتم)

این است کلمات عهدی که خداوند در زمین موآب بموسی امر فرمود! که بابنی اسرائیل ببندد! سوای آن عهدی که با ایشان در حوریب بسته بود! و موسی تمام اسرائیل را خطاب کرده به ایشان گفت: هر آنچه خداوند در زمین مصر با فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش عمل نمود شما دیده اید! تجربه های عظیم! که چشمان تودیده! و آیات آن و معجزات عظیم! اما خداوند دلی را که بدانید و چشمانی را که ببینید! و گوشهائی را که بشنوید تا امروز بشمان داده است! و شما را چهل سال در بیابان رهبری نمودم! که لباس شما مندرس نکردید! کفشهای در پای شما پاره نشد! نان نخورده و شراب و مسکرات ننوشیده اید! تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم!! و چون به اینجا رسیدید سیحون ملک حشبون و عوج ملک باشان! بمقابله شما برای جنگ بیرون آمدند و آنها را مغلوب ساختیم! و زمین ایشان را گرفته بر او بینیان و جادیان و نصف سبط منسی بملکیت دادیم!

پس کلمات این عهد را نگاه داشته بجا آورید! تا در هر چه کنید کامیاب شوید! امروز جمیع شما بحضور یهوه خدای خود حاضرید! یعنی رؤسای شما و اسباط شما و مشایخ شما و سروران شما! و جمیع مردان اسرائیل اطفال و زنان شما! و غریبی که در میان اردوی شما است! از هیزم شکنان تا آب کشان شما! تا در عهد یهوه خدایت! و سوگند او که یهوه خدایت امروز با تو استوار میسازد داخل شوی! تا تو را امروز برای خود قومی قرار داد! و او خدای تو باشد چنانکه بتو گفته است! و چنانکه برای پدرانت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورده است! و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمیابم! بلکه با آنانیکه امروز با ما بحضور یهوه خدای ما در اینجا حاضرند! و هم با آنانیکه امروز در اینجا با ما حاضر نیستند! زیرا که شما میدانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم! و چگونه از میان امت‌های عبور نمودید گذشتیم!! و رجاسات و بُتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در میان ایشان بود دیدید!!! تا در میان شما مرد یا زن یا قبیله یا سبطی نباشد! که دلش امروز از یهوه خدایت منحرف گشته برود! خدایان این طوایف را عبادت نماید! مبادا در میان شما ریشه باشد! که حنظل و افسنتین بار آورد! مبادا چون سخنان این لعنت را بشنوند در دلش خویشتن را برکت داده گویند: هر چند در سختی دل خود سلوک مینمایند! تا سیراب و تشنه را با هم هلاک سازم مراسلای خود خواهد بود! خداوند او را نخواهد آمرزید! بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دود افشان خواهد شد!!! و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوب است بر آن کس نازل خواهد شد! و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت! و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت!!! موافق جمیع لعنت‌های عهدی که در این طومار شریعت مکتوب است! و طبقه آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست! و غریبانیکه از زمین دور می‌آیند خواهند گفت: هنگامیکه بلایای این زمین! و بیماری‌هایی را که خداوند به آن می‌رساند ببینید!!! و تمامی زمین آن را که کبریت و رشوه و آتش شده نه کاشته

میشود! و نحاصل میرود و هیچ علف در آن نمونمیکند! و مثل انقلاب سدوم!!! و عموره! و آدمه! و صبوئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را و از گون ساخت کشته است! پس جمیع امته‌ها خواهند گفت: چرا خداوند با این زمین چنین کرده است؟ و شدت این خشم عظیم از چه سبب است؟ آنگاه خواهند گفت: از این جهت که عهدیهوه خدای پدران خود را که بوقت بیرون آوردن ایشان! از زمین مصر با ایشان بسته بود ترک کردند! و رفته خدایان غیر را عبادت نموده به آنها سجده کردند! خدایانی را که نشناخته بودند! و قسمت ایشان را نساخته بود! پس چشم خداوند بر این زمین افروخته شده بود! تمامی لعنت را که در این کتاب مکتوب است بر آورد! و خداوند ریشه انسان را به غضب و غیض عظیم از زمین ایشان کند! و بزمین دیگر انداخت چنانکه امروز شده است!!! **چیزی مخفی از آن یهوه خدای ما است!!! و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است! تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب بیست و نهم)

و چون جمیع این چیزها! یعنی برکت و لعنت که پیش روی تو گذاشتم! بر تو عارض شود! و آنها را در میان جمیع امتهائی که یهوه خدایت تورا به آنجا خواهد راند بیاد آوری! و توبا فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود بسوی یهوه خدایت بازگشت نموده! قول او را موافق هر آنچه که من امروز بتو امر میفرمایم: اطاعت نمائی! آنگاه یهوه خدایت اسیری تو را برگردانیده! بر تو رحم خواهند کرد! و رجوع کرده تورا از میان جمیع امتهائی که یهوه خدایت تورا به آنجا پراکنده کرده است جمع خواهند نمود! اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود! یهوه خدایت تورا از آنجا جمع خواهد کرد!!! و تورا از آنجا خواهد آورد!!! و یهوه خدایت تورا بزمنی که پدرانت مالک آن بود خواهد آورد! و مالک آن خواهی شد! و بر تو احسان نموده تورا بیشتر از پدرانت خواهد افزود! یهوه خدایت دل تو و ذریت تو را مختون خواهد ساخت! تا یهوه خدایت را بتمامی دل! تمامی جان خود داشته زنده بمائی! و یهوه

خدایت جمیع این لعنت هار ابر دشمنان و برخصمات که تور آزرند نازل خواهد گردانید! و توباز گذشت نموده قول خداوند را اطاعت خواهی کرد! و جمیع اوامر را که من امروز بتو امر میفرمایم: بجا خواهی آورد! و یهوه خدایت تور ادر تمامی اعمال دستت! و در میوه بطنت! و نتایج بهایمت و محصول زمینت بنیکوئی خواهد افزود!!! زیر ابار دیگر بر تو برای نیکوئی شادی خواهد کرد!!! چنانکه بر پدران تو شادی نموده! اگر آوازیهوه خدای خود را اطاعت نموده او امر و فرایض او را که در طومار این شریعت مکتوبست نگاهداری! و بسوی یهوه خدای خود با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمائی زیرا این حکمی که من امروز بتو امر میفرمایم: برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست!!! ندر آسمان است تا بگوئی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده آن را نزد ما بیاورد؟! و آن را بما بشنوند تا بعمل! و نه آن طرف دریا که بگوئی: کیست که برای ما به آن طرف دریا عبور کرده آن را نزد ما بیاورد؟! و بما بشنوند تا بعمل آوریم!!! بلکه این کلام بسیار نزدیک تو است! و در دهان و دل تو است تا آن را بجا آوری! ببین امروز حیات و نیکوئی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم! چونکه من امروز تو را امر میفرمایم!!! که یهوه خدای خود را دوست بداری! و در طریق های او رفتار نمائی و او امر و فرایض و احکام او را نگاه داری! تا زنده مانده افزوده شوی!! تا یهوه خدایت تو را در زمینی که برای تصرفش به آن داخل میشوی برکت دهد! لیکن اگر دل تو برگردد و اطاعت نمائی و فریفته شده خدایان غیر را سجده و عبادت نمائی! پس امروز بشما اطلاع میدهم که البته هلاک خواهید شد؛ و در زمینی که از اردن عبور میکنید! تا در آن داخل شده تصرف نمائید!!! عمر طویل نخواهید داشت!! امروز آسمان و زمین را بر شما شاهده می آوریم! که حیات و موت برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم! پس حیات را برگزین تا توبا دریتت زنده بمائی!! و تا یهوه خدای خود را دوست بداری! و آواز او را بشنوی! زیرا که او حیات تو و درازی عمر تو است!!! تا در زمینی که خداوند برای پدرانت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورد که آن را به ایشان بدهد ساکن شوی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب سی ام)

وموسی رفته این سخنان را بتامی اسرائیل بیان کرد!!! و به ایشان گفت: من امروز صد و بیست ساله هستم! و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم! خداوند بمن گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد!!! یهوه خدای تو خود بحضور تو عبور خواهد کرد! و او این امتها را از حضور تو هلاک خواهد ساخت!!! تا آنها را بتصرف آوری! و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد نمود چنانکه خداوند گفته است: و خداوند چنانکه بسیحون و عوج دویادشاه اموریان که هلاک ساخت! و بزمین ایشان عمل نمود! با اینها نیز رفتار خواهد کرد! پس چون خداوند ایشان را بدست شما تسلیم کند!!! شما با ایشان موافق تمامی حکمی که بشما امر فرموده ام رفتار نمائید! قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید!!! زیرایهوه خدایت خود با تو می رود! و تورا و نخواهد گذاشت ترک نخواهد نمود! موسی یوشع را خوانده در نظر تمامی اسرائیل به او گفت: قوی و دلیر باش زیرا که که تو با این قوم بزمینی که! خداوند بپدران ایشان قسم خورد!!! که به ایشان بدهد داخل خواهی شد!!! و توان را برای ایشان تقسیم خواهی نمود! و خداوند خود پیش روی تو می رود و با تو خواهد بود! تورا و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود!!! پس ترسان و هراسان مباش!!! و موسی این تورات را نوشته آن را **بنی لاوی گهنه که تا بود عهد خداوند را بر میداشتند! و بجمیع مشایخ سپرد!** و موسی را امر فرموده گفت: که در آخر هر هفت سال در وقت معین سال انفاک در عید خیمه ها! چون جمیع اسرائیل بیایند! تا بحضور یهوه خدای تو در مکانی که او برگزید حاضر شوند! آنگاه تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان! قوم را از مردان و زنان و اطفال! و غریبانی که در دروازه های تو باشند جمع کن تا بشنوند! و تعلیم یافته از یهوه خدای شما بترسند و بعمل نمودن!!! جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند!!! و تا پسران ایشان که نداسته اند!!! بشنوند و تعلیم یابند!!! تا مادامی که شما بر زمینی که برای تصرفش از اردن

عبور میکنند زنده باشند! از یهوه خدای شما بترسند! و خداوند بموسی گفت: اینک ایام مُردن تونزدیک است! یوشع را طلب نما و درخیمه اجتماع حاضر شوید تا اورا وصیت نمایم! پس موسی و یوشع رفته درخیمه اجتماع حاضر شدند!!! و خداوند درستون ابر درخیمه ظاهر شد! و ستون ابر بردرخیمه ایستاد! و خداوند بموسی گفت: اینک با پدران خود میخوابی!! و این قوم برخاسته در پی خدایان بیگانه!!! زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها میروند زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده! عهدهی راکه با ایشان بستم خواهند شکست! و در آن روز خشم من بر ایشان مشتعل شده! ایشان را ترک خواهم کرد! و روی خود را از ایشان پنهان کرده تلف خواهند شد! و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید!!! بحدی که در آن روز خواهند گفت: آیا این بدیها بمانرسید؟ از این جهت که خدای مادر میان مانیست؟! و بسبب تمامی بدی که کرده اند! که بسوی خدایان غیر برگشته اند! من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد! پس الآن این سرود را بر خود بنویسید!! و تو آن را ببنی اسرائیل تعلیم داده! آن را در ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل باشد! زیرا که چون ایشان را بزمنی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم! که بشیرو شهد جاریست در آورده باشیم! و چون ایشان خورده سیر شده فربه گشته باشند!!! آنگاه ایشان بسوی خدایان غیر برگشته! آنها را عبادت خواهند نمود! و مرا اهانت کرده و عهد مرا خواهند شکست! و چون بدیها و تنگیهای بسیار عارض شده باشد! آنگاه این سرود مثل شاهد! پیش روی ایشان شهادت خواهد داد! زیرا که از دهان ذریت ایشان فراموش نخواهد شد! زیرا که خیالات ایشان را نیز که امروز دارند میداییم! قبل از آنکه ایشان را بزمنی که درباره آن قسم خوردم در آورم! پس موسی این سرود را در همان روز نوشته! ببنی اسرائیل تعلیم داد! و یوشع بن نون را وصیت نموده گفت: قوی و دلیر باش زیرا که تو بنی اسرائیل را بزمنی که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت! و من با تو خواهم بود! و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب تماماً به انجام رسانید! موسی بلاویانی

که تابوت عهد خداوند را برمیداشتند وصیت کرده گفت: این کتاب تورات را بگیرید! و آن را در پهلوی تابوت عهد یهوه خدای خود بگذارید! تادرا نجا برای شما شاهد باشد! زیرا که من ترمرد و گردن کشی شما را میدانم! اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم! برخداوند فتنه انگیزته اید پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من! جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید!!! تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم: و آسمان و زمین برایشان شاهد بگیرم! زیرا که میدانم که بعد از وفات من خویشتن را بالکل فاسد گردانیده از طریق که بشما امر فرمودم خواهید برگشت!!! و در روزهای آخر بدی بر شما عارض خواهد شد! زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد!!! و از اعمال دست خود خشم خداوند را به هیجان خواهید آورد! پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تماماً گفت!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب سی و یکم)

ای آسمان گوش بگیر تا بگویم: و زمین سخنان دهان مرا بشنود! تعلیم من مثل باران خواهد بارید! و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت!!! مثل قطره های باران بر سبزه تازه و مثل بارشها بر نباتات! زیرا که نام یهوه را ندا خواهم کرد! خدای مآربه عظمت وصف نمائید! او صخره است! اعمال او کامل زیرا که همه طریق های او انصاف است! خدای امین و از ظلم مبراً عادل و راست است او!!! ایشان خود را فاسد نموده فرزندان او نیستند! بلکه عیب ایشانند طبقه کج متمرّداند! آیا خداوند را چنین مکافات میدهند؟ آی قوم احمق و غیر حکیم! آیا او پدر و مالک تونیست؟ او تورا آفرید و استوار نمود! ایام قدیم را بیاد آورد در سالهای دهر بدهر تأمل نما از پدر خود! بترس تاتورا آگاه سازد و از مشایخ خویش تا تورا اطلاع دهند! چون حضرت اعلی با امتهای نصیب ایشان راداده و بنی آدم را منتشر ساخت! آن گاه حدود امتهای اقرار داد بر حسب شماره بنی اسرائیل! زیرا که نصیب یهوه قوم وی است و یعقوب قرعه میراث اوست!!! او را در زمین ویران یافت و در بیابان خراب! و هولناک او را احاطه کرده منظور داشت و او را مثل مردمک چشم خود

محافظت نمود! مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد و بچه های خود را فرا گیرد! وبالهای خود را پهن کرده آنها را بردارد! و آنها را برپره های خود ببرد! همچنین خداوند تنها او را رهبری نمود و هیچ خدای بیگانه با وی نبود! او را بر بلندیه های زمین سوار کرد! تا از محصولات زمین بخورد! و شهد را از صخره به اوداد تا مکید! و روغن را از سنگ خارا! کرده گاوان و شیرگوسفندان را با پیه بزها و قوچ هارا از جنس باشان! و بزها و پیه کرده های گندم را! لیکن بشو رون فربه شده لگدزد! توفربه! تنومند و چاق شده! پس خدائی را که او را آفریده بود ترک کرد! و صخره نجات خود را حقیر شمرد! او را بخدایان غریب به غیرت آوردند! و خشم او را بر نجاسات جنبش دادند! برای دیوهائی که خدایان قربانی گذرانیدند! برای خدایانیکه نشناخته بودند! برای خدایان جدیدکه تازه بوجود آمده! پدران ایشان از آنها نترسیده بودند!!! و بصخره که تورا تولید نمود اعتنا نمودی! و خدای آفریننده خود را فراموش کردی! چون یهوه این را دید ایشان را مکروه داشت! چونکه پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند! پس گفت: روی خود را از ایشان خواهم پوشید! تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود! زیرا که طبقه بسیار گردن کشند! فرزندان که امانتی در ایشان نیست! ایشان مرا به آنچه خدا نیست بغیرت آوردند! و با باطل خود مرا دشمنان گردانیدند! و من ایشان را به آنچه قوم نیست بغیرت خواهم آورد!!! و به امت باطل ایشان را دشمنان خواهم ساخت! زیرا که آتشی در غضب من افروخته شده و تا هاویه پائین ترین شعله ور شده است!!! و زمین را با حاصلش میسوزاند!!! و اساس کوهها را آتش خواهدزد!!! برای ایشان بلایا را جمع خواهم کرد! و تیرهای خود را تماماً! برای ایشان صرف خواهم نمود! از گرسنگی کاهیده و از آتش تب و وازوبای تلخ تلف میشوند! و دندانهای وحوش را به ایشان خواهم فرستاد با زهر خزندگان زمین!!! شمشیر از بیرون و دهشت از اندرون!!! ایشان را بی اولاد خواهد ساخت!!! هم جوان وهم دوشیزه را شیرخواره را باریش سفید هلاک کرد!!! میگویم: ایشان را پراکنده کنم! و ذکر ایشان را از میان مردم باطل سازم اگر از کینه

نمیترسیدم که مبدا مخالفان ایشان برعکس آن فکر کنند!!! و بگویند: دست ما بلند شده و یهوه همه این را نکرده است! زیرا که قوم گم کرده تد بیر هستند!!!
 و در ایشان بصیرتی نیست! کاشکه حکیم بوده این را می فهمیدند!! و در عاقبت خود تأمل مینمودید! چگونه یک نفر هزار را تعاقب میکرد و دو نفر هزار را منهدم میساختند! اگر صخره ایشان را نفروخته! و خداوند ایشان را تسلیم ننموده بود! زیرا که صخره ایشان مثل صخره مانیت!!! اگرچه هم دشمنان ما خود حکم باشد! زیرا که مؤایشان از مؤهای سدوم است و از تاکستانهای عموره! انگورهای ایشان انگورهای حنظل است! و خوشه های ایشان تلخ است!!! شراب ایشان زهرآزدها است و سم قاتل افعی! آیا این نزد من مکنون نیست؟! و در خزانه های من مختوم نی؟ انتقام و جزا از آن من است! هنگامیکه پایهای ایشان بلغزد! زیرا که روز هلاک ایشان نزدیک است!! و فضای ایشان میشتابد!!! زیرا که خداوند قوم را داوری خواهد نمود! و بر بندگان خویش شفقت خواهد کرد!! چون میبیند که قوت ایشان نابود شده! و هیچکس چه غلام و چه آزاد باقی نیست! و خواهد گفت: خدایان ایشان کجایند! و صخره انیکه بر آن اعتماد میداشتند! که پیه قربانیهای ایشان را میخوردند! شراب هدایای ریختنی ایشان را مینوشیدند! آنها برخاسته شما را امداد کند و برای شما ملجأ باشند!!! **الآن می بینید که من خود!!! او هستم!! و با من خدای دیگر نیست! من میمیرانم! و زنده میکنم و مجروح میکنم و شفاء میدهم و از دست من رهاننده نیست! زیرا که دست خود رابه آسمان بر میافرازم! و میگویم: که تا ابد الابد زنده هستم! اگر شمشیر براق خود را بدست خود گیرم! آنگاه از دشمنان خود انتقام خواهم کشید!!! و بخصمان خود مکافات خواهم رسانید! تیرهای خود را از خون مست خواهم ساخت! شمشیر من گوشت را خواهد خورد!!! از خون کشتگان و اسیران با رؤسای سروران دشمن!!! ای امّتها با قوم او آواز شادمانی دهید!!! زیرا که انتقام خون بندگان خود را گرفته است و از دشمنان خود انتقام کشیده! و برای زمین خود و قوم خویش کفار نموده است! و موسی آمده تمامی سخنان این سرود رابه سمع قوم رسانید! و یوشع**

بن نون! و چون موسی از گفتن همه این سخنان تمامی بنی اسرائیل فارغ شد!!! به ایشان گفت: دل خود را بهمه سخنانی که من امروز بشما شهادت میدهم مشغول سازید! تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده! تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند!!! زیرا که این برای شما امر باطل نیست بلکه حیات شما است! و بواسطه این امر عمر خود را در زمینی که!! شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور میکنید طویل خواهد ساخت!!! خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده گفت: به این کوه عبایم یعنی جبل نبوکه در زمین موآت در مقابل اریحا است برای! و زمین کنعان را که من آن را ببنی اسرائیل بملکیت میدهم ملاحظه کن!!! و تو در کوهی که به آن برمی آیی وفات کرده!!! بقوم خود ملحق شو! چنانکه برادرت هارون در کوه هورمرد و بقوم خود ملحق شد!!! زیرا که شما در میان بنی اسرائیل!!! نزد آب مریبا قادیش در بیابان صین بمن تقصیر نمودید! چونکه مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید!!! پس زمین را پیش روی خود خواهی دید!!! لیکن به آنجا زمینی که ببنی اسرائیل میدهم داخل نخواهی شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثنیه باب سی و دوم)

و این است برکتی که موسی مُرد خدا قبل از وفاتش ببنی اسرائیل برکت داده! گفت: یهوّه از سینا آمد و از سعیر برایشان طلوع نمود! و از جبل فاران درخشان گردید!!! و با کُرورهای مقدسین آمد!!! و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد!!! بدرستی که قوم خود را دوست میداشت!!! و جمیع مقدساتش در دست تو هستند! و نزد پایهای تونشسته هر یکی از کلام تو بهره مند میشوند! موسی برای ما شریعتی امر فرمود که میراث جماعت یعقوب است!!! و او در یثُورون پادشاه بود! هنگامیکه رؤسای قوم اسباط اسرائیل باهم جمع شدند! رأوبین زنده بماند و نمیرد و مردان او در شماره کم نباشند!!! و این است درباره یهودا میگفت: ای خداوند آوازی یهودا را بشنو و او را بقوم خودش برسان! بدستهای

خود برای خویشتن جنگ میکند و تورا از دشمنانت معاون میباشی!!! دربارہ لای گفت: تمیم و اوریم تو نزد مرد مقدس تو است که اورا درمسأ!!! امتحان نمودی! وبا اونزد آب مریبا منازعت کردی! که دربارہ پدرومادر خود گفت: که ایشان را ندیده ام وبرادران خودرا نشناخته! وپسران خودرا ندانست زیرا که کلام تو را نگاه میداشتند وعهد تورا محافظت مینمودند! احکام تورا بیعقوب تعلیم خواهند داد وشریعت تورا با اسرائیل! بخوربحضورتو خواهند آورد!!! او قربانیهای سوختنی برمذبح! ای خداوند اموال اورا برکت بده واعمال دستهای اورا قبول فرما! کمرهای مقاومت کنندگان رابشکن!! کمرهای خصمان اورا که دیگر برنخیزند! وبارہ بنیامین گفت: حبیب خداوند نزد وی ایمن ساکن میشود! تمامی روزاورامستورمیسازدودرمیان کتفهایش ساکن میشود! دربارہ یوسف گفت: زمینش از خداوند مبارک باد ازنفیس آسمان وازشبم! وازلجہ هاکه در زیرش مقیم است! ازنفیس محصولات آفتاب وازنفیس نباتات! از صخره های کوههای قدیم وازنفیس تلّهای جاودانی! ازنفیس زمین پری آن وازرضامندی اوکه درپوته ساکن بود! برکت برسریوسف برسد وبر فرق سرآنکه ازبرادران خود ممتاز گردید!!! جاه او مثل نخست زاده گاوش باشد!!! او شاخهای مثل شاخهای گاو وحشی! باامتهارا جمیعاً تا به اقصای زمین خواهد زد!!! واینانند ده هزارهای افرایم وهزارهای منسی و! دربارہ زبولون گفت: ای زبولون در بیرون رفتنت شادباش وتوای یساکارددر خیمه های خویش!!! قومها را بکوه دعوت خواهند نمود! وآنجا قربانیهای عدالت را گذرانید! زیرا که فراوانی دربارا خواهند مکید! و خزانه های مخفی ریک راودر بارہ جادگفت: متبارک باد آنکه جادرا وسیع گرداند! مثل شیرماده ساکن باشد وبازو وفرق را نیز میدارد!!! او حصه بهترین را برای خود نگاه دارد!!! زیرا که در آنجا نصیب حاکم محفوظ است! وباروسای قوم می آید و عدالت واحکامش را با اسرائیل بجامی آورد!!! ودر بارہ دان گفت: دان بچه شیراست که ازباشان میجهد!!! ودر بارہ نفتالی از رضامندی خداوند سیرشو ازبرکت او مملو گردیده مغرب وجنوب را بتصرف

آورد! و درباره آشیرگفت: آشیر از فرزندان مبارک شود و نزد برادران خود مقبول شده! پای خود بروغن فروبرد! نعلین تو از آهن و برنجست و مثل روزهایت هم چنان قوت تو خواهد بود! ای یثورون مثل خدا کسی نیست که برای مددتو بر آسمانها سوار شود! و در کبریای خود بر آفلاک خدای ازلی مسکن تو است! و در زیرتو بازوهای جاودانی است و دشمن را از حضورتو اخراج کرده! میگویند: هلاک کن!!! پس اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد و چشمه یعقوب بتهایی در زمینی که پراز غله و شیره باشد و از آسمان آن شبنم میریزد!!! خوشا بحال تو ای اسرائیل کیست مانند تو ای قومیکه نجات یافته اید؟! که او سپر نصرت تو و شمشیر جاه تو است و دشمنان مطیع تو خواهند شد!!! بلندیهای ایشان را پایمال خواهی نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب سی و سوم)

و موسی از عربات موآب بکوه نبو برقله فسحه که در مقابل اریحا است برآمد! و خداوند تمامی زمین را از جلعاد تا دان به او نشان داد!!! و تمامی نفتالی و زمین افرایم و منسی و تمامی زمین یهودا راتا دریای مغرب! و جنوب را و میدان دره اریحاراکه شهر نخلستان است تا صوغر! و خداوند وی را گفت: این است زمینی که برای ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورده گفتم: که این را بذریت تو خواهم داد! تو را اجابت دادم که بچشم خود آن را ببینی!!! لیکن به آن عبور نخواهی کرد! پس موسی بنده خداوند در آنجا! بزمین موآب بر حسب قول خداوند مرد!!! و او را در زمین موآب بیت فغور در دره دفن کرد! و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است! و موسی چون وفات یافت صد و بیست سال داشت!!! و نه چشمش تارونه قوتش کم شده بود! و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند!!! پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت! یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود!!! چونکه دستهای خود را بر او نهاده بود!!! و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند!!! و بر حسب آنچه خداوند بموسی امر فرموده بود

عمل کردند! و بنی مثل موسی در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روپرو شناخته باشد! در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد!!! تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگاناش!!! و تمامی زمینش بنماید!!! و در تمامی دست قوی و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود!!! (کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی! سفر تثئیه باب سی و چهارم)

نکاتی از مؤلف: از متن تورات فعلی! که این تورات سفر تثئیه میباشد

۱- یهوه خدای بنی اسرائیل پیش روی ایشان راه می رود و برای بنی اسرائیل جنگ میکند!!!

۲- خداوند ببنی اسرائیل گفت: شما به یهوه خدای خود ایمان نیاوردید!!!

۳- خداوند تورات ببنی اسرائیل گفت: بدترین و شریرترین گروه هستید!!!

۴- خداوند تورات فعلی در میان بنی اسرائیل نیست و غایب است!!!

۵- بنی اسرائیل ملک حشبون و پسرانش و زنانش و تمامی قومش و زنان و اطفال و تمامی ملک حشبون را بتامی کشتند! حتی یک نفر مرد و زن و اطفال را باقی نگذاشتند! و تمامی حیوانات و اموالشان را غارت کردند! و شهرهایشان را ویران نمودند!!!

۷- خداوند تورات فعلی! ببنی اسرائیل فرموده است! که شما در میان مردمان

جهانیان پراکنده خواهید شد!!!

۷- خداوند تورات فعلی! تا پشت چهار دشمن خود را مجازات خواهد کرد! و هزار پشت نسل دوستش را رحمت میکند!!!

۸- خداوند تورات فعلی! از موسی اجازه می خواهد! که قوم گردنکش بنی اسرائیل را نابود کند! زیرا که بت پرست شده بودند! و خدایان غیر را پرستش کردند!!!

۹- موسی گفت: ای بنی اسرائیل شما بخداوند ایمان نیاوردید! و به او عصیان و شرارت ورزیدید! و بخدایان دیگر قربانی گذرانیدید!!!

۱- خداوند تورات فعلی! میراث لاویان است!!!

۱۱- خداوند تورات فعلی! بتامی بنی اسرائیل دستور می فرماید: که تمامی کافران را بکشید! و شهر و بهایمش را برای یهوه خداوند با آتش بسوزانید!!!

نکاتی از مؤلف: بتامی اهل جهان و جهانیان هشدار میدهم! که اگر یهودیان نژاد پرست دروغین یکره قدرت پیدا کنند!!! که تمامی جهان و جهانیان را به آتش خواهند کشید!!! زیرا که هم کتاب دینی ایشان که تورات فعلی میباشد!!! چنین

- دستور را صادر میکند! و هم عملکرد ایشان در تاریخ نشانگر آن است! اگر قدرت پیدا کند حتماً چنین خواهد کرد! چون دستور خدایان ایشان است!!! آهای ای اهل جهان آگاه و هوشیار باشید! که از دست یهودیان صهیون نیست در امان نیستید!!! باید خیلی آگاه و هوشیار باشید نگذارید که قدرت پیدا کنند!!! که چنین جنایت کاری را به عمل آورند!!! و جهان و جهانیان را بخاک خون بکشند!!!
- ۱۲- تمامی بنی اسرائیل پسران و خدایان!!! خداوند تورات فعلی هستند!!!
- ۱۳- شراب و مسکرات در تورات فعلی! حلال و مجاز است!!!
- هر کسی که بحرف کاهن گوش نگیرد! از فرمان او اطاعت نکند باید کشته شود!
- ۱۵- خدایان تورات فعلی! پدران بنی اسرائیل و عده داده است! که تمای زمین کره زمین را ببنی اسرائیل بدهد!!! که مالک تمامی کره زمین باشند!!!
- ۱۶- شهادت یک نفر در تورات فعلی قبول نیست!!!
- ۱۷- در تورات فعلی! احکام قصاص را کاملاً نوشته است و وجود دارد!!!
- ۱۸- خداوند تورات فعلی! برای بنی اسرائیل جنگ میکند!!!
- ۱۹- اگر پسر بحرف پدر و مادرش گوش ندهد باید سنگسار و کشته شود!!!
- ۲۰- در تورات فعلی! نوشته است! هر آنکسی بدار آویخته شود ملعون خدا است!
- ۲۱- در تورات فعلی! نوشته است هر زناکاری باید سنگسار و کشته شود!!!
- ۲۲- یهودی حق ندارد به یهودی با سود قرض و ربا بدهد! ولی میتواند به غیر یهودی با سود قرض و ربا بدهد! و بچاپد!!! که در حال چنین میکنند!!!
- ۲۳- اگر کسی یک نفر را از بنی اسرائیل بدزدد باید کشته شود!!!
- ۲۴- در تورات فعلی! شلاق و تازیانه زدن برای مجرم نوشته شده است!!!
- ۲۵- اگر کسی دست بزن دیگری بزند! باید دست او قطع شود!!!
- ۲۶- در تورات فعلی! نوشته است ملعون باد کسی که صورت را بتراشد!!!
- ۲۷- در تورات فعلی! نوشته است ملعون باد کسی که با خواهر خود بخوابد!!!
- نکاتی از مؤلف: امّا ما نمیدانیم ابراهیم خلیل الله!! خواهرش سارا را چطور بزنی خود گرفته هم خواب و هم بستر شده است؟؟؟؟!! و نمیدانیم که تهمت و دروغ را چطور به ابراهیم خلیل الله!!! و به قهرمان توحید و بت شکن و تسلیم به خداوند ازلی خلاق جهان هستی روا داشتند و نوشته اند؟؟؟؟!! و این نوشته هم یکی از ضدونقیض های تورات فعلی! تحریف شده میباشد!!!

۲۸- در تورات فعلی! خداوند تورات فعلی! درباره جهان آخرت! و قیامت!! یعنی از بهشت و جهنم و حیات دوباره و حساب و کتاب آیات نفرستاده است!! و وجود ندارد! اینکه در نظر خداوند تورات فعلی! بهشت و جهنم! و حساب و کتاب و زندگی و بعد از مُردن و عذاب و رحمت وجود ندارد!! و یا خداوند تورات فعلی!!! جهان آخرت را فراموش کرده است؟؟؟! و یا مثل اینکه اصلاً وجود ندارد؟؟؟! که هیچگونه آیات و صحبت و حرف درباره جهان آخرت! در تورات فعلی!!! کتاب عهد عتیق وجود ندارد؟؟؟! این امر خود تنها نشانگر آن است! که تورات موسی تحریف شده و از بین رفته است!!! برای اینکه درباره آخرت هیچگونه آیات و نشانه وجود ندارد! و در تورات فعلی! فقط در عوض عمل شایسته بنی اسرائیل! عمر درازی و در این دنیا! و زمین موعود که شیروشهد جاری است! که خداوند تورات فعلی! پدران دروغین ایشان یعنی ابراهیم و اسحق و یعقوب و عده داده است!!! و آجرو پاداش ایشان در این دنیا زنده ماندن و زیاد عمر کردن است!!! فکر میکنم بهمین خاطر است! یهود یان بخاطر این امر تورات فعلی!!! به آخرت باور و ایمان ندارند! زیرا که از هیچگونه جنایات و قتل و غارت و خون ریزی زنا!!! کشتار و قتل پیغمبران و رسولان روی گردان نبودند و نیستند! و اگر به عذاب جهنم آخرت ایمان آورده بودند!!! پیغمبران و رسولان خداوند ازلی و ابدی و خلاق جهان هستی رابه قتل نمیرسانیدند!!! و اینقدر جرم و جنایت و ظلم و ثروت اندوزی نمیکردند! و خون انسانها را به عنوان خون مقدس نمیخوردند!!! باید بدانیم که تورات فعلی! و آئین یهودیت این است!!! تمامی تورات فعلی را در این بند به نگارش در آوردیم!!! که خوانندگان محترم بدانند که اصل تورات فعلی تحریف شده چه چیزی است؟! و چه مطالبی را دارا میباشد؟؟؟!!!!

بند دوم: عملکرد موسی در دین مسیحیت از کتاب عهد جدید یعنی اناجیل

تا وقتی که پادشاه دیگر که یوسف را نمی شناخت برخاست! او با قوم ماحیله نموده اجداد ما را ذلیل ساخت! تا اولاد او را بیرون انداخت تازیست نکنند! در آن وقت موسی تولد یافت و بغایت جمیل بوده!!! مدت سه ماه در خانه پدر خود پرورش یافت! چون او را بیرون افکندند! دختر فرعون او را برداشته! برای خود به فرزندی تربیت نموده! و موسی در تمامی حکمت اهل مصر تربیت یافت!!! در قول و فعل قوی گشت!!! چون چهل سال از عمر وی سپری گشت!!! بخاطرش رسید از برادران خود خاندان اسرائیل تفقد نماید! و چون یکی را مظلوم دید او را

حمایت نمود! انتقام آن عاجزراکشیده آن مصری رابکشت!!! پس گمان بردکه برادرانش خواهندفهمید! که خدابدست اوایشان را نجات خواهدداد! اما تفهمیدند!!! و در فردای آن روز خود را بدونفرزایشان که منازعه مینمودند ظاهر!!! و خواست مابین ایشان مصالحه دهد! پس گفت: ای مردان شما برادر میباشید!!! بیکدیگر چرا ظلم میکنید؟! آنگاه آنکه برهمسایه خودتعدی مینمود! داد او را رد کرده گفت: که تورا برما حاکم و داور ساخت! آیامیخواهی مرابکشی چنانکه آن مصری را دیروز کشتی؟! پس موسی از این سخن او فرار کرده!!! در زمین مدین غربت اختیار کرد و در آنجا دوپسر آورد! و چون چهل سال گذشت در بیابان سینا فرشته خداوند در شعله آتش از بوته بوی ظاهر! موسی چون این را دید از آن رویا در عجب شد! و چون نزدیک می آمد نظر کن! خطاب از خداوند بوی رسید که منم خدای پدرانت خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب! آنگاه موسی بلرزه درآمد جسارت نکرد که نظر کند!!! بوی گفت: نعلین از پایهایت بیرون کن!!! زیرا جایی که در آن ایستاده زمین مقدس است!!! همانا مشقت قوم خود را که در مصر دیدم!!! و ناله ایشان را شنیدم و برای رهانیدن ایشان نزول فرمودم! الحال بیا تا تورا بمصر فرستم!!! همانا موسی را که رد کرده گفتند! که تورا حاکم و داور ساخت! گفت: خدا حاکم و نجات دهنده مقرر فرموده: بدست فرشته که در بوته بروی ظاهر شد فرستاد! او با معجزات! و آیاتی که مدت چهل سال در زمین مصر! و بحر قلزم و صحراء بظهور می آورد ایشان را بیرون آورد!!! این همان موسی است بگهته بنی اسرائیل گفت: خدایی را مثل من از میان برادران شما! برای شما مبعوث خواهد کرد! سخن او را بشنوید! همین است آنکه در جماعت در صحراء با آن فرشته که در کوه سینا بدو سخن می گفت: و با پدران ما بود و کلمات زنده را یافت تا بمارسانید! که پدران ما نخواستند که او را مطیع شوند! بلکه او را رد کرده! دلهای خود را بسوی مصر گردانیدند! و به هارون گفتند: برای ما خدایان ساز که در پیش ما بخرامند! زیرا که این موسی که ما از زمین مصر بر آوردن میدانیم او را چه شده است! پس در آن ایام گوساله را ساختند!!! و بدان بُت قربانی گذرانیده به اعمال دستهای خود شادی کردند! از این جهت خداوند

روی گردانیده ایشان را وا گذاشت! تا جنود آسمان را پرستش نمایند چنانکه در صحف انبیاء نوشته شده است! که ای خاندان اسرائیل آیا مدت چهل سال در بیابان برای من قربانیها و هدایا گذرانیدید و خیمه ملوک و کوکب خدای خود رمفان را برداشتید!! یعنی اصنامی رامی راکه ساختید تا آنها را که ساختید تا عبادت کند! پس شمار ابدان طرف بابل منتقل سازم! و خیمه شهادت با پدران ما در صحراء بود!!! چنانکه امر فرمود! بموسی گفت: آن را مطابق نمونه که دیده بساز! و آن را اجداد مایافته همراه یوشع در آوردند! بملک امتهائی که خداوند آنها را از پیش روی پدران ما بیرون افکند! تا ایام داود که او در حضور خداوند مستفیض گشت! و درخواست نمود که خود مسکن برای خدای یعقوب پیدانماید!!! اما سلیمان برای او خانه بساخت!!! حضرت اعلی در خانه های مصنوع دستها ساکن نمیشود! چنانکه نبی گفته است! که خداوند میگوید: آسمان کرسی من است و زمین پای انداز من! چه خانه برای من بناء میکنید! و محل آرامیدن من کجاست؟! مگر دست من جمیع این چیزها را نیافرید؟! ای گردن کشان که بدل و گوش نامختونید!!! شما پیوسته با روح القدس مقاومت میکنید!!! چنانکه پدران شما همچین شما کیست! از انبیاء که پدران شما بدو جفا نکردند؟! و آنانی را کشتند! که آمدن آن عادل که شما بالفعل تسلیم کنندگان و قاتلان او شدید که پیش اخبار نمودند! شما که توسط فرشتگان شریعت را یافته حفظ نکردند! چون این را شنیدند دلریش شده! بروی دندانهای خود را فشرده! اما او از روح القدس!!! پُر بوده بسوی آسمان نگریست!!! و جلال خدا را دید!!! و عیسی را بدست راست خدا ایستاده! و گفت: اینک آسمان را گشاده و پسرانسان را بدست راست خدا ایستاده میبینم! آنگاه با آواز بلند فریاد برکشیدند!!! و گوشهای خود را گرفته بیکدل بر او حمله کردند!!! و از شهر بیرون کشیده سنگسارش کردند! و شاهدان جامه های خود را نزد پایهای جوانی که سؤس نام داشت گذراندند! چون استیفان را سنگسار میکردند!!! او دعا نموده گفت: ای عیسی خداوند روح مرا بپذیر!!! پس زانورده با آواز بلند ندا در داد که خداوند این گناه را بر اینها مگیر! این را گفت: و خوابید!!!

(از کتاب عهد جدید! کتاب اعمال رسولان باب هفتم آیه از ۱۸ تا ۶۰)

وبعد از شش روز عیسی پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته!!! ایشان را در خلوت بکوهی بلند برد!!! و در نظر ایشان هیبت او متبدل گشت! و چهره اش چون خورشید درخشنده! جامه اش چون نور سفید گردید! که ناگاه موسی و الیاس برایشان ظاهر شده با او گفتگو: میکرد!!! اما پطرس به عیسی متوجه شده گفت: که خداوندا بودن مادر اینجا نیکو است!!! اگر بخواهی سه سایبان در اینجا بسازیم! یکی برای تو و یکی بجهت موسی و دیگری برای الیاس! و هنوز سخن بر زبانش بود! که ناگاه ابری درخشان برایشان سایه افکند! و از ابر در رسید! که این است پسر حبیب من که از وی خوشنودم او را بشنوید! و چون شاگردان این را شنیدند! بر روی در افتاده بی نهایت ترسان شدند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید انجیل میی باب هفدهم آیه از ۱ تا ۷)

پس چند نفر را بر این داشتند که بگویند: این شخص را شنیدیم که به موسی و خدا را سخن کفر آمیز میگفت: پس قوم و مشایخ و کاتبان را شورانیده بر سر وی تاختند و او را گرفتار کرده به مجلس حاضر ساختند! و شهود کذب برپا داشته گفتند: که این شخص از گفتن سخن کفر آمیز!!! بر این مکان مقدس و از تورات دست بر نمی دارد! زیرا او را شنیدیم که میگفت: این عیسی ناصری این مکان را تباه سازد! و رسومی را که موسی بما سپرد تغییر خواهد داد! و همه کسانی که در مجلس حاضر بودند بر او چشم دوخته! صورت وی را مثل صورت فرشته دیدند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید: اعمال رسولان باب ششم)

نکات از متن کتاب مقدس عهد جدید: یعنی اناجیل مقدس عیسی مسیح

۱- موسی بنی اسرائیل گفت: بعد از من از میان شمانبی خداوند مبعوث خواهد شد که به او ایمان بیاورید!!!

۲- بنی اسرائیل انبیاء خداوند خلاق جهان هستی را با ظلم و جفا بقتل رسانیده اند که در تورات!!! و انجیل هم نوشته شده است! که بنی اسرائیل پیغمران خداوند خلاق جهان هستی را به قتل رسانیده اند!!!

۳- در کتاب مقدس عهد جدید یعنی اناجیل مقدس؛ نام موسی و عملکرد موسی فقط در این نوشتجات نوشته شده است؛ که مانوشتیم؛ که نام و عملکرد موسی در جای دیگر کتاب مقدس عهد جدید؛ یعنی اناجیل؛ نام و اشاره به موسی نیامده و وجود ندارد!!!

بند سوّم نام و عملکرد موسی؛ در دین اسلام از کتاب آسمانی قرآن کریم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند گفت: این آیان کتاب روشن است! شمه از خبر موسی و فرعون را حقیقت است! برای قومیکه ایمان میآورند! ای محمد برای تومی خوانیم! بدرستیکه فرعون در آن سرزمین برتری جست! و مردم آن را گروه گروه کرد! طائفه از آنان را ضعیف زبون نمود!!! پسران ایشان را سرمیبرید! و ذبح میکرد! و زنان ایشان را زنده نگاه میداشت! بدرستیکه فرعون از مفسدین بود! خداوند خلاق متعال میفرماید: می خواستم بر انانیکه در آن زمین ضعیف و زبون شده بودند!!! منت بگذاریم! و برای ایشان پیشوایان دیگر قرار بدهیم! و ایشان را وارث زمین گردانیم! و برای ایشان در آن زمین تمکن! و استقرارشان قرار بدهیم! **و به فرعون و هامان و لشگریانش! که آنچه حذر میکردند بنمایانیم!!! و بمادر موسی وحی کردیم که به موسی شیر بده و بدریا افکنش! و قتیکه بر او بیمناک شد!!! گفتیم: نترس و غم مخور ما او را بتو برمیگردانیم!!! و او را از پیغمبران قرار خواهیم داد! پس پیروان فرعون موسی را از آب گرفتند!!! تا برای ایشان دشمن و اندوهی بوده باشد!!! بدرستیکه فرعون و هامان و لشگریانش خطاء کار بودند!!! وزن فرعون گفت: این طفل نور چشم من و توو مایه شادی ما است! او را مکشید! شاید برای ما سودی بدهد! و یا بفرزندی انتخاب بنمایم! و ایشان عاقبت موسی را درک نمیکردند! دل مادر موسی از بی صبری تنگ و تهی شده بود!!! که اگر دل مادر موسی را محکم نگاه نداشته بودیم بدرستیکه نزدیک بود قصه او را آشکار کند! قلبش را قوت دادیم تا از مؤمنین**

بوده باشد! مادر موسی بخواهر موسی گفت: که از پی او برو دپس خواهر موسی
 !موسی را از دور بدید! در حالیکه خاندان فرعون خواهر موسی را نمی دیدند! و
 قبلاً شیرهای دایگان را بر موسی حرام کرده بودیم! پس خواهر موسی بخاندان
 فرعون گفت: آيا شما رابه خانواده دلالت بکنم؟! آن طفل را برای شما سرپرستی
 بکند! و شیر بدهد و خیر خواه او با شنند؟؟؟ خداوند گفت: پس او را بسوی مادرش
 برگردانیدیم! تا دیده اش روشن گردد که به مادر موسی گفتیم: غم نخورد!!! و
 بدانکه وعده خداوند حق است! ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند!!! و وقتیکه موسی
 بقوت رسید و کمال رشديافت! برای او حکم و حکمت و علم و دانش عطاء کردیم
 و بدینگونه برای نیکوکاران اجر و جزا و پاداش میدهیم! و وقتیکه غفلتاً داخل
 مردم و شهر شد! و در آن شهر و مرد را دید که قصد کشتن یکدیگر را دارند! که
 یکی از پیروان او بود! و آن دیگری از دشمنان او بود! آنکه از پیروان او بود بر
 ضد آنکه دشمن او بود! موسی را بر دادرسی خواند! پس موسی مشتی بر دشمن
 زد!!! که درگذشت و فوت کرد!!! موسی گفت: این کار از عمل شیطان است که
 شیطان دشمن!!! و گمراه کننده آشکار است!!! موسی گفت: ای خداوند صاحب
 اختیار من! بدرستی که بخودم ستم کردم پس مرا بیامرز! پس خداوند او را بخشید
 !!! بدرستی که خداوند با مهربانی آمرزنده و بخشنده است!!! موسی گفت: ای
 خداوند صاحب اختیار من! بیاس این نعمت که مرا عطاء کردی!!! هرگز پشتیبان
 گناهکاران نخواهم شد! پس در آن شهر در حال ترس شب را بروز آورد و مراقب
 بود! ناگاه آن کسیکه روز پیش! از او یاری خواسته بود! موسی را باز بفریاد رسی
 میخواند!!! موسی بوی گفت: بدرستی که تو آشکارا گمراه هستی پس وقتیکه
 خواست!!! به آن کسیکه دشمن هر دوی ایشان بود دست بگشاید!!! او گفت: ای
 موسی مگر میخواهی مرا بکشی؟! چنانکه دیروزی یکی را کشتی؟! مگر میخواهی
 در زمین ستمگر باشی؟! و نمیخواهی از مصلحین بوده باشی؟! و از آن سوی شهر
 مردی شتابان آمده و گفت: ای موسی بدرستی که بزرگان درباره تورا میدهند
 ! که تورا بکشند!!! پس بیرون روه بدرستی که من برای تو از خیر خواهانم!!!

پس موسی از آن شهرترسان و نگران بیرون رفت!!! گفت: ای خداوند صاحب اختیار من! مرا از گروه ستمگران نجات بفرما! و وقتی که روی بطرف مدین کرد گفت: امیدوارم که خداوند صاحب اختیار من مرا براه راست و مستقیم هدایت کند! پس وقتی که به آب مدین رسید و بر سر آن چاه!!! گروهی از مردم را دید که گوسفندان خود را آب میدادند! و نزدیکی آنان دوزنی را دید که گوسفندان خود را ننگه داشته بودند! موسی گفت: قصه شما چیست؟! گفتند: ما بگوسفندان خود آب نمیدهیم!!! شبانان بدهند و بروند و پدرمان پیرکهن سال است!!! پس موسی گوسفندان آن دوزن را آب داد! **آنگاه بسوی سایه رفت و گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من!!! آنچه از خیر است بسوی من بفرستی محتاج هستم!!!** پس یکی از آن دودختر!!! با حیا راه میرفت نزد موسی آمد و گفت: پدرم تورا دعوت می کند! تا برای آبی که بگوسفندان ما دادی پاداش بدهد! پس وقتی که نزد پدر آن دختر آمده! و سرگذشت خود را بر او حکایت کرد! پس پیر مرد گفت: نترس که از شر گروه ستمگران نجات یافتی! یکی از دختران گفت: ای پدر من او را اجیر کن زیرا که او برای تو بهترین اجیر و هم قوی و امین است! پیر مرد گفت (شعیب) من میخواهم یکی از این دودختر خود را زن تو بنمایم! بشرط اینکه هشت سال اجیر من بشوی! و اگر ده سال تمام کنی به اختیار خود هستی! و من اراده سخت گیری بر تو ندارم!!! و اگر خداوند بخواهد بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت!!! **موسی گفت: همین قرار را قبول دارم بین من و تو مییاشد! که هر یکی از دو مدّت را تمام کردم بر من ستمی نشود!!! و خداوند بر آنچه که میگویم: وکیل است!!!** پس وقتی که موسی مدّت اجازه را تمام کرد و با خانواده اش سیر داد! از جانب کوه طور آتشی را دید بخانواده خود گفت: در اینجا بمانید من آتشی را دیده ام! تا شاید برایتان خبری و یا جرعه از آن آتش بیاورم تا شاید گرم شوید!!! پس وقتی که موسی نزد آتش آمد از کنار راست وادی! در مکان مبارک از آن درخت ندا آمد گفت: ای موسی بدرستی که من خودم خداوند یکتا صاحب اختیار کلّ جهانیان هستم! و ندا آمد که عصای خود را بیفکن! پس وقتی که عصایش را انداخت!

و آن را دید که حرکت میکند! گویا که یک ماری است! که برای فرار روی گردانیده
 !!! و به عقب خود نظر نکرد! ندا آمد ای موسی بیا و نترس که از امان یافتگان
 هستی! و دست خود را بگریبان خود ببر! تا نورسپید بدون ضرر در آید! و برای
 رفع هراس دست خویش را بپهلوی بگیر!!! که این دو آیات معجزه است!!! از
 خداوند صاحب اختیار تو! برای فرعون و ببندگانش! آیاتی است بدرستی که آنان
 گروهی فاسقان هستند! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کل من! بدرستی که
 من از ایشان کسی را کشته میترسم که مرا بکشند! و برادرم هارون در زبان از
 من فصیح تر است! پس وی را بمدد کاری من بفرست که مرا تصدیق کند!!!
 زیرا که من میترسم که مرا تکذیب کنند!!! خداوند فرمود: بازویت را با برادرت
 محکم خواهم کرد! و برای شما تسلطی قرار میدهم که بشما دست نیابند! بوسیله
 آیات ما شما و پیروان شما پیروزید!!! پس وقتی که موسی آیات روشن ما را
 بسوی فرعون و فرعونیان آورد گفتند: این جادویی است که بر خلاق واقع ساخته
 شده است!!! و در روزگاران پدران پیشین خود چنین خبری نشیدیم!!! موسی
 گفت: خداوند صاحب اختیار کل من! داننا تر است! به آن کسی که از جانب وی هدایت
 است! و آنکه عاقبت آخرت از آن اوست! بدرستی که ستمگران رستگار نمیشوند
 !!! و فرعون گفت: ای بزرگان برای شما غیر از خودم! من خدائی نمیشناسم! پس
 ای هامن برای من آتشی بیافروز و باکل آجر بساز!!! پس برای من گلدسته
 درست کن تا بالا روم شاید!!! که بر خدائی موسی اطلاع یابم!!! بدرستی که من
 موسی را از دروغگویان میپندارم!!! خداوند فرمود: او سپاهیانش در آن زمین
 بناحق تکبر ورزیدند!!! و پنداشتند که بسوی ما بازگردانده نمیشوند! پس او
 سپاهیانش را گرفتیم!!! و آنها را بدریا افکندیم! پس بین فرجام کار ستمگران
 چگونه بود؟؟؟؟!!! و فرعون و فرعونیان را در روز قیامت امامانی قرار دادیم! که
 قوم خودشان را بسوی آتش میخوانند!!! و در روز قیامت به آنها کمک ویاری
 کرده نمیشوند!!! و بدنبال ایشان در دنیا لعنتی کردیم!!! و در روز قیامت ایشان از
 زشت نکوهیدگانند!!! و حقیقت این است که بموسی کتاب دادیم!!! پس از آنکه

قرنهای نخستین راهلاک نمودیم!!! برای اینکه موجب بینائی های برای مردم شود!!! و هدایت و رحمت باشد! شاید که مردم پندونصیحت گیرند!!! **وای محمد هنگامیکه فرمان نبوت را بموسی دادیم!!! تو در ناحیه غربی نبودی و حضور نداشتی! ولی مانسلهارا ایجاد کردیم که عمرهای ایشان بدر از اکشید! و طولانی شد!!! و تو در میان اهل مدین اقامت نداشتی که آیات ما را برایشان بخوانی!!! و لیکن ما بودیم که پیامبری فرستادیم!!! و وقتیکه در ناحیه کوه طور موسی را ندا کردیم تو نبودی! ولیکن وحی و نبوت رحمتی است! از خداوند صاحب اختیار کلّ تو! تا قومی را که قبلاً از تو بیم دهنده بسوی ایشان نیامده بود! که بترسانی که شاید ایشان پند و نصیحت بگریند!!!**
(از قرآن کریم سوره القصص آیات از ۴۶ تا ۶۱)

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

خداوند متعال میفرماید: ای محمد! مآقرآن را بر تونازل نکردیم!!! که بزحمت و مشقت بیفتی! مگر اینکه پندبدهی بر آن کسیکه از خداوند بترسد! نزول این قرآن از جانب کسی است که زمین و آسما نهارا بلند تر آفریده است!!! خداوند رحمان است که بر عرش نافذ است! آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه بین این دو! و آنچه در زمین وجود دارد ملک و مال اوست!!! و اگر قولت را آشکار کنی و یا پنهان کنی پس بدرستی که او میداند! و تمامی مخفیها را میداند!!! خدائی والهی نیست مگر او نامهای نیک و زیبا مخصوص اوست! و آیا حکایت موسی برای تو آمده است؟! وقتیکه موسی آتشی را دید پس بخانواده خود گفت: اینجایمانید که من آتشی را دیدم از آن شعله برای شما بیاورم!!! و یا بر آن آتشی هدایتی بیابم! پس وقتیکه نزد آتش آمد خداوند او را ندا کرد فرمود: ای موسی بدرستی که من خودم خداوند صاحب اختیار تو هستم! پس دو نعلین خود را از پای خود در آور بدرستی که تو بوادی مقدس طوائی برکات هستی!!! من تو را بپیغمبری انتخاب کردم!!! پس آنچه بتو وحی میشود گوش کن!!! بدرستی که خداوند بسیار حیران

گذارنده منم! که جزم الهی و خدائی نیست! پس فقط برای من بندگی؛ پرستش کن و برای یاد من نماز را بپا دار! حقیقتاً روز قیامت آمدنی است! آن را پنهان می دارمش تا جزا داده شود! بر هر کسی بمقابل کوشش اوست! پس تورا از آن روز باز ندارد! کسیکه به آن روز ایمان نیاورده است! و اگر از خواهش نفس خود را پیروی کرده باشی که هلاک میشوی! و این که بدست تو است چیست ای موسی؟! گفت: این عصای من است بر آن تکیه میکنم! و با آن برگ درختان را برگوسفندانم میریزم!!! و مرا در آن حوائج دیگری است!!! خداوند گفت: ای موسی آن را بینداز! پس عصار انداخت که ناگهان ماری شد که میشتافت! ترسید گفت: نترس و آن را بگیر که او را بخلقت اولش برمیگردانیم! و دستت را بسوی گریبان خود ببر! تا سفید نورانی بدون ضرر بیرون آوری در حالیکه آیت دیگر باشد!!! برای آنکه بتونشان بدهیم!!! برخی از آیات بزرگمان بسوی فرعون برو! زیرا که او سرکشی کرده است! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! سینه ام را بگشا! و کار مرا آسان بگردان و گره را از زبانت بگشا! تا گفتار مرا بفهمند!!! و از اهلیم برای من وزیری قرار بده!!! هارون برادرم را وزیر قرار بده!!! با هارون پشتم را قوی گردان! و او را در کار من شریک بنما! تا تورا بسیار تسبیح کنیم!!! زیرا که تو بحال ما بینابوده ای! خداوند گفت: ای موسی بیقین مسئولیت تو اجابت شد!!! حقیقت این است که بر تو مرتبه دیگر منت گذاشته ام!!! **و قتیکه بسوی مادرت وحی کردیم و آنچه وحی شد! که او را در میان صندوق درازی بیندازی! پس باید دریا او را بکنار خود بیندازد!!! تا دشمن من و دشمن او! او را بگیرد!** و ای موسی از خودم بر تو محبتی انداختم! و تا بر طبق نظر من بتربیت آماده شوی! و قتیکه خواهرت میرفت و میگفت: آیا شمارا دلالت کنم بر کسیکه او را؟؟؟؟!!! سرپرستی کند؟! پس تورا به مادرت برگردانیدم؟! تا چشم او روشن شود و محزون نباشد؟! و تو شخصی را کشتی پس تورا از غصّه نجات دادیم! و تورا آزمودیم و بفتنه افکندیم!!! تا آزموده شوی! پس سالها در میان مدین ماندی سپس بتودائنی آمد **ای موسی تورا برای خودم ساختم!!!** و تو برادرت با آیات من برو و در یاد من

سستی مکنید! بسوی فرعون بروید زیرا که او طغیان کرده است! **به او گفتار نرم بگوئید:** تا شاید او پند بگیرد و یا بترسد!!! گفتند: ای صاحب اختیار ما حقیقت این است که میترسیم! او بر ما زیاده روی و طغیان کند! **خداوند گفت:** نترسید زیرا که **من باشما هستم! میشنوم و میبینم!** هر دوی شما بسوی فرعون بروید! و بگوئید: حقیقت این است که ما دو فرستاده خداوند صاحب اختیار کلّ تو هستیم!!! که بتوب بگوئیم: که بنی اسرائیل را بامارهاکن و ایشان را شکنجه مکن! حقیقت این است که ما آیات از خداوند صاحب اختیار کلّ تو را! بر تو آورده ایم! سلام بران کسیکه پیرو هدایت باشد!!! حقیقت این است که بما وحی شده! که عذاب خداوند برای کسی است که از آیات خداوند روی گردانید و تکذیب کند!!! **فرعون گفت:** پس **خداوند صاحب اختیار کلّ شما دو تن کیست؟! موسی گفت:** خداوند صاحب اختیار **کلّ ما آن است!** که هستی هر چیزی را عطاء کرده! سپس آن را هدایت نموده است! فرعون گفت: پس حال و تکلیف قرنهای گذشته که بکفر و انکار خدا مُردند چه میباشد؟! موسی گفت: علم و دانش آنها در نزد خداوند صاحب اختیار کلّ من است! در کتاب خداوند صاحب اختیار کلّ من است! اصلاً گم نمیکند! و اصلاً فراموش نمینماید! آن خدائی که زمین را برای شما گهواره قرار داد! و برای شما راههای رفت و آمد ایجاد کرده است! و از آسمان آب را نازل نموده! بوسیله آن آب انواع و اقسام از گیاهان را بیرون آورده است! که بخورید و چهار پایانتان را بچرانید بدرستی که در این آفرینش آیاتی وجود دارد! برای صاحبان عقل و خردمند! خداوند گفت: شما را از این زمین آفریدیم! و شما را به این زمین برمیگردانیم! و شما را از این زمین در روز قیامت مرتبه دیگر بیرون می آوریم!!! برای حیات ابدی!!! خداوند میفرماید: حقیقت این است که تمامی آیات خودم را به فرعون نشان دادیم! پس فرعون تکذیب کرده و سرباز زده! فرعون گفت: ای موسی آیات زده ما آمدی؟! تا بسحر خودت ما را از زمین خودمان بیرون کنی؟! پس بدو نشکّ سحری برای تومی آوریم! پس بین ما و بین خودت وعده گاهی درجائی هموار قرار بده که نه ما از آن خلاف کنیم و نتو!!! موسی گفت: وعده گاه شما روز زینت!!! و عیدی اجتماعی مردم و شما!!! وقت بلند شدن آفتاب!!! پس فرعون برگشت

ونیرنگ خود را جمع و فراهم کرد سپس آمد! موسی به فرعون و فرعونیان را گفت: وای بشما برخداوند دروغ نبندید! که برای شما عذابی نابود کننده است! حقیقت این است که آن کسیکه برخداوند افتراء بست! از رحمت خداوند محروم خواهد شد! فرعونیان کار خود را بین خودشان بنزاع کشا نیدند! و آن راز را که پنهان داشتند!!! فرعون و فرعونیان ب مردم گفتند: بدرستی که این دونفر ساحر هستند! که میخواهند شمار از زمینتان!!! با سحر خود شان بیرون کنند!!! و راه و روش بهتر شما را از بین ببرند!!! پس همه شما با حیله و چاره خود تصمیم بگیرید! سپس بطور دسته جمعی بیاید!!! و حقیقت این است که رستگار کسی است که فایق آید و پیروز شود!!! که در روز موعود تمامی ساحران!! و فرعونیان و مردم جمع شدند! و ساحران گفتند: ای موسی آیات و عصایت را بپندازی؟ و آیا اولین کس مابوده باشیم که بپندازیم؟! موسی گفت: شما بپندازید! پس ناگهان ریسمانها و عصاهایشان را که انداخته بودند!!! از سحرشان بموسی و انمود شد!!! که آنها حرکت و شتاب میکند! پس موسی در دل خود ترسی یافت و خوف کرد! خداوند فرمود گفتیم: ای موسی نترس حقیقت این است که تو خودت بر ترو پیروزی! و آنچه در دست راست تو میباشد بپنداز!!! آنچه را که ساخته اند حيله ساحران است!!! و از هر جایی و راه که بیایند ساحران رستگار و پیروز میشوند!!! پس موسی عصای خود را انداخت! تمامی عصاها و ریسمانهای ساحران را بلعید! پس ساحران سجده کنان بزمین افتادند! و گفتند: که ما بخداوند صاحب اختیار هارون و موسی ایمان آوردیم! فرعون گفت: آیات پیش آنکه من بشما اجازه دهم بموسی ایمان آوردید؟! بدرستی که موسی بزرگ شما بوده است!!! او آن کسی است علم سحر را بشما آموخته است! بدو نشک حتما دستهای!!! و پایهای شما را برخلاف یکدیگر قطع خواهم کرد! حتماً شما را در تنه های درختان بدارمی زنم!!! بدو نشک خواهید دانست که کدام یکی ما عذابش سخت تر و پاینده تر است! ساحران گفتند: که ما تو را ترجیح نمیدهیم! و قبول نمیکنیم! بر آنچه از حجت های روشنی که برای ما بموسی آمده است آن را ترجیح میدهم و قبول داریم! و ترجیح نمیدهیم مگر آن کسیکه ما را از عدم و نیستی آفریده است! پس حکم

کن آنچه را که تو حکم میکنی! جزاین نیست که حکم میکنی در زندگانی دنیا!
 بدرستی که ما بخداوند صاحب اختیار کلّ خودمان ایمان آوردیم! تا خطایای ما را
 برای ما ببخشد!!! و آنچه را که تو ما را بر آن وادار کرده ای از سحر بیاموزیم!!!
 خداوند از آن بهتر و پاینده تر است! بدرستی که هر کسی در حضور خداوند صاحب
 اختیار کلّ خودش بحال گناه کاریباید! بدرستی که برای او جهنّم است!!! که در آن
 دوزخ نمی میرد و نزنده می ماند! همیشه نیمه جان است!!! و هر کسی و در حضور
 خداوند صاحب اختیارش بیاید! در حالیکه دارای ایمان و کارهای شایسته کرده
 باشد!!! پس برای ایشان درجات و مقام بلندی است!!! و برای ایشان بهشت و
 باغهای همیشگی که از زیر درختان! و قصرهای آن باغها نهرها جاری است و
 در آن باغها جاویدانند! این پاداش جزای کسی است! که پاک و با ایمان باشد!!!
 خداوند می فرماید: حقیقت این است که بموسی وحی کردیم!!! که بندگان مرا در
 شب سیربده!!! و برای ایشان درد ریا راه خشکی را با عصایت بزن راه بازکن
 ! و از دستگیری دشمن نترس!! و هر اسی نداشته باشی!!! موسی و بنی اسرائیل
 در شب سیر کردند! پس فرعون و لشگریانش بدنبالشان آمدند! و دریا فرعونیان
 را فرو برد آنچنانکه فرو برد!!! و فرعون قوم خود را از راه خداوند گمراه کرد
 براه کج هدایت نمود!!! خداوند می فرماید: ای بنی اسرائیل حقیقت این است که
 شما را از دست دشمنانتان نجات دادیم! و شما را بطرف راست طور دعوت کردیم
 !!! برای شما من و سلوای نازل نمودیم!!! از چیزهای پاکیزه که بشما روزی
 دادیم بخورید و در آن طغیان مکنید! که غضب من بر شما فرود آید!!! و آن کسیکه
 غضب من بر او فرود آید! حقیقت این است که هلاک خواهد شد!!! بدرستی که هر
 کسیکه برای من توبه کند و ایمان آورد!!! و عمل شایسته نماید سپس هدایت
 یابد میبخشم! و موسی تنها با عجله بکوه طور رفت! و خداوند فرمود: ای موسی
 چه چیز تورا بشتاب واداشت؟ که جلوتر از قوم خود آمدی؟ گفت: بدرستی که ایشان
 در دنبال من هستند! و بسوی خداوند صاحب اختیار کلّ خودم عجله کردم تا خشنود
 شوی!!! خداوند گفت: که ما قومت را پس از تو آزمایش کردیم!!! و آن سامری

ایشان را گمراه کرد!!! پس موسی بسوی قوم خود برگشت!!! در حالیکه غضب و اسف میخورد! گفت: ای قوم آیا خداوند صاحب اختیار کلّ شما وعده نکرده بود؟ آیا آن وعده نیکو عهد الهی بر شما طولانی شده بود؟؟؟؟!!! و یا خواستید غضب خداوند صاحب اختیار کلّ خودتان بر شما وارد شود؟ **در وعده گاه مرا خلاف کردید!** گفتند: **و وعده گاه تورا با اختیار خودمان خلاف نکردیم!** ولیکن ما با رهائی از زینت جواهرات این قوم برداشته بودیم! پس آنها را بدورا نداشتیم! پس سامری آن را ساخت بدینگونه در آورده! پس برای ایشان مجسمه گوساله را که دارای جسد!!! برای او صدای گوساله بود بیرون آورد! که گفتند: این است الهی شما **والهی موسی که فراموش کرده است!** خداوند گفت: پس آیاندیدند که گوساله بگفتار ایشان جواب نمیدهد؟! و مالک نفع و ضرری برای ایشان نیست؟! **حقیقت این است که هارون از پیش به ایشان گفته بود!!! ای قوم من جز این نیست که بواسطه این گوساله آزمایش شده!!! و بفتنه مبتلا شده اید!** **بدرستیکه صاحب اختیار کلّ شما خداوند رحمان است!** پس مرا پیروی کنید و از امر من اطاعت کنید! **تا گمراه نشوید!** گفتند: همواره بر آن گوساله معتکف هستیم!!! تا موسی بسوی ما برگردد! موسی آمد و گفت: ای هارون چه مانع تو گردید؟! زمانی که ایشان را گمراه دیدی جلوگیری نکردی؟! چرا از امر من متابعت نکردی؟! پس آیا چرا از امر من عصیان کردی؟! **هارون گفت: ای پسر مادرم ریش و سر مرا بگیر!!! زیرا که ترسیدم که بگویی: در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی!** **وقوم مرا رعایت نکردی!!!** موسی گفت: ای سامری هدف تو از کار چه بود؟! **سامری گفت: بینا شدم به آنچه ایشان به آن بیناننده اند!!!** پیش گرفتم مشتی از اثر رسول را پس آن را انداختم! **و بدینگونه هوای نفسم برای من وانمود کرد!** موسی گفت: **پس بدرستیکه برو که برای تودر زندگی لازم است!!!** که بگویی: کسی با تو تماسی نگیرد!!! **بدرستیکه برای تو وعده گاهی است!** هرگز با تو خلاف کرده نشود! که در تمامی روز بمعبودت معتکف بشوی! **و بنگر که بدون شک گوساله زرین را میسوزانم!!!** سپس خاکسترش را بدریا میریزیم! **و کاملاً پراکنده مینمائیم!!!** جز این نیست

خدای شما خدائی واحد است! که جز او خدائی والهی و معبودی نیست که علم و دانش خداوند والهی خلاق حقیقی همه چیز را فرا گرفته و احاطه نموده است! خداوند میفرماید: ای محمد حقیقت این است که بدینگونه برتوبیان میکنیم!!! بعضی از اخبار گذشته را! و حقیقت این است که این قرآن را بتواز نزد خودمان عطاء کردیم! و آن کسیکه از قرآن اعراض کند! پس حقیقت این است که در روز قیامت بارگناه خود را بدوش میکشد! همواره در گناه خود همیشه خواهد بود!!! و دبار سنگینی است!!! که برای ایشان روز رستاخیز بار سنگینی خواهد بود!!! روزی که در صورت میدیده شود! و در حالیکه مجرمین را در آن روز کبود چشمنند محشور میکنیم! بطور پنهانی بین خود میگویند: درنگ نکردیم مگر در روزی! به آنچه میگویند: ما داناتریم زیرا آن کسیکه راه بهتری داشته است میگویند: شما درنگ نکردید مگر روزی! ای محمد و از تواز کوهها سؤال میکنند! بگو: خداوند صاحب اختیار کلّ من! آنها را پراکنده میسازد و ریزه ریزه میکند! که ریزه کردن کاملی! پس بگو: کوه را صاف و هموار میکند! که در آن نجی میبینی و نبر آمدگی باشد! که در روز قیامت مردم خواننده خداوند را پیروی میکنند! و برای آنها انحرافی نیست!!! که تمامی صداها برای خداوند رحمان خاشع میشود! پس کسی جز همه چیز نمیشنود! در روز قیامت شفاعت نفعی نمیدهد! مگر آن کسیکه خداوند رحمان اجازه داده باشد!!! و از گفتار او راضی بوده باشد!!! خداوند میداند عمل پیشین ایشان را! و میداند در پس ایشان چه است! و ایشان احاطه علمی بخداوند ندارند!!! صورتها برای خداوند زنده و پاینده خوار و ذلیل خواهد بود! آن کسیکه ستمی را بردوش دارد!!! حقیقت این است هلاک خواهد شد! هر کسیکه از کارهای شایسته و عمل صالح را انجام دهد در حالیکه ایمان داشته باشد! نباید از ستم و پایمال شدن حقش بترسد! بدینگونه آن قرآنی را در زبان عربی نازل کردیم! و در آن از وعده مکرر بیان کردیم! شاید که پرهیزند! و یابرای ایشان ایجاد تذکرو پند بوده باشد! پس خداوند اعلی تر است که پادشاه ثابت الوجود است! ای محمد پیش از آنکه وحی قرآن انجام شود! درباره قرآن شتاب و عجله مکن! و بگو: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من علم و دانش مرا زیاد کن!!!

(از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۱ تا ۱۴)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

این قرآن! آیات روشن است! قرآن هدایت کننده و بشارت دهنده برای مؤمنین است!!! مؤمنان کسانی هستند که نماز را بپا میدارند؛ وزکات را میدهند؛ و آنان دنیای دیگر آخرت را یقین دارند! یعنی یقین میدارند که بعد از مردن دوباره زنده میشوند! بدرستی که کسانی که بجای دیگر آخرت ایمان ندارند!!! اعمال ایشان را برای ایشان زینت داده ایم! تا ایشان حیران ماندگان باشند! آن گروه کسانی هستند که عذاب بدی برای ایشان است!!! و ایشان در آخرت زیانکارترند!!! ای محمد! بدرستی که این قرآن بتواز جانب خداوند حکیم و دانا و علیم القاء میشود! موسی وقتیکه بخانواده خود گفت: که آتشی را بنظر آورده ام! بزودی از آن خبر برایتان و یا جرعه برایتان گرفته بیاورم شاید که شما گرم شوید! پس وقتیکه به آن آتش رسید؛ از طرف خداوند موسی نداشت! که بابرکت است آنکه در این آتش و آنکه اطراف آن است! و خداوند از هر عیب و ایرادی پاک و پاکیزه است! و خداوند صاحب اختیار کل جهان و جهانیان است! ای موسی حقیقت این است که منم خداوند غالب و حکیم و دانا هستم!!! و عصای خود را بیفکن! پس وقتیکه عصا را انداخت دید که میجنبد کویا که ماری است! موسی گریزان روی گردانید و به عقب برنگشت!!! خداوند فرمود: ای موسی پیغمبران در پیشگاه من ترس ندارند!!! مگر آن کسی که ظلم کرده باشد!!! و اگر بعد از بدی نیکی آورده باشد در این صورت من با مهربانی بخشنده ام!!! و دست خود را بگریبان فرو بر که نور بدون ضرری بیرون آوری! در شماره با نه عدد معجزه بسوی فرعون و قوم او میروی! که از ایشان گروهی تبهکار و فاسق بودند و هستند! آیات روشن ماکه موجب بصیرت و آگاهی است! بسوی ایشان آمده گفتند: این ساحر آشکار است! و از راه ستم و تکبر آن آیات روشن را انکار کردند!!! با اینکه قبلاً به آن آیات و معجزات یقین داشتند!!! پس ای محمد بنگر که عاقبت انکار کنندگان مفسدین چطور بوده است!!!؟؟؟!!!

(از قرآن کریم و از سوره التمل آیات از ۱ تا ۱۴)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنداست

این آیات کتاب روشن است! ای محمد شایدکه خودت را تلف هلاک کنی!!! که چرا آنان به قرآن ایمان نمی آورند؟! اگر از آسمان آیات برای ایشان نازل می کنیم!!! که گردنهای ایشان برای آن خاضع میشوند!!! یعنی اگر بخواهیم جبراً مسلمان می کنیم!!! و هیچ پند و نصیحت تازه برایشان نیامده است!!! مگر آنکه از آن روی گردان بودند! حقیقت این است بتکذیب پرداختند!!! بزودی خبرهای آياتی را که تکذیب و استهزاء میکردند به ایشان خواهد رسید! **خداوند میفرماید:**

ای محمد! آیا بزمین نظر نکردند؟! که چه بسا تمامی گیاهان را جفت ارجمندی در زمین آفریده و رویا نیدیم! بدرستی که در این خلقت آیات فراوان است! اولی بیشتر ایشان ایمان نیاوردند! (هزار چهارصد پیش کدام آزمایشگاه و کدام دانشمند تشخیص داده و کشف کرده که تمامی گیاهان جفت دارند!!! و با باد جفت گیری و بارور میشوند!!! این پیشگویی قرآن یکی از آیات و معجزات!!! و حقانیت قرآن کریم است!!! که از طرف خداوند خلاق گیاهان اعلام شده است) و حقیقت این است که خداوند صاحب اختیار کلّ تو بدو نشکّ اوست که! درهمه حال غالب و رحیم است! وقتی که خداوند صاحب اختیار کلّ تو! موسی راندا کرد گفت: که برو بسوی گروه ستمگران! که گروه فرعون آیا چرا نمی ترسند؟! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! می ترسم که مرا تکذیب کنند! و سینه ام تنگ شود و زبانم روان نگردد! پس هارون را بفرست! بر اینکه برای فرعون در گردن من خونی است می ترسم که مرا بکشند! خداوند فرمود: چنین نیست نمیتوانند بکشند پس آیات مرا ببرید!!! بدرستی که من باشما هستم می شنوم!!! نزد فرعون بروید و بگوئید: بدرستی که ما فرستاده خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان هستیم! که

بنی اسرائیل را آزادکن و باما بفرست! فرعون گفت: آیاماتورا در کودکی نزد خودمان پرورش ندادیم؟! و سالها از عمرت را در میان ما بسر نبردی؟! و کاری که خواستی انجام دادی؟!؟! در حالیکه تو از کفران کنندگان بودی؟!؟! موسی گفت: آن کار را هنگامی کردم که من هم از گمراهان بودم!! و وقتی که از شما ترسیدم فرار کردم! پس خداوند صاحب اختیار کلّ من! برای من فرمان عطاء فرموده! و مرا از پیغمبران قرار داده! و این نعمتی بزرگ است که خداوند بر من عطاء فرموده است!! و تو بر من منت میگذاری! در حالیکه بنی اسرائیل را ببندگی گرفته!! فرعون گفت: خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان چه چیزی میبشد؟! موسی گفت: خداوند صاحب اختیار کلّ آسمانها! و زمین و آنچه در میان آنهاست! که اگر یقین داشته باشید!!! فرعون با طرافیاناش گفت: آیا نمیشنوید؟!؟!؟! موسی گفت: خداوند صاحب اختیار کلّ من! صاحب اختیار کلّ شما! و پدران گذشته شما هم بوده است! فرعون بقوم خود گفت: رسولی که بطرف شما فرستاده شده دیوانه است! موسی گفت: خداوند صاحب اختیار کلّ شما! که صاحب اختیار کلّ مشرق و مغرب!!! و آنچه در میان آنهاست میبشد!!! که اگر عقل داشته باشید! فرعون گفت: اگر غیر از من خدائی بگیری! از زندانیان قرارت میدهم!! موسی گفت: و اگر چه برایت معجزه روشنی بیاورم؟! فرعون گفت: اگر از راستگویان هستی آن را بیاور! پس موسی عصای خود را انداخت که ناگهان آشکارا اژدھائی شده! و دست خود را بیرون آورد! که ناگهان برای بینندگان نور سفید بی ضرر آشکار شد!!! فرعون بنزیکان اطراف خود گفت: بیگمان این ساحردانا است! که میخواهد بجادوی خود شمارا از سحر زمینتان بیرون کند! بنابراین چه نظری میدهید؟! گفتند: وی را با برادرش نگهدار!! و مأمورانی برای جمع آوری بشهرها بفرست! که همه ساحران دانشمند را نزد تو بیاورند! پس ساحران برای روز موعد معین شدند! و بمردم گفته شد! شما نیز مجتمع میشوید! تا اگر ساحران غالب آمدند ما آنان را پیروی کنیم! و وقتی که ساحران نزد فرعون آمدند! و به او گفتند: ایا اگر که ما پیروز شدیم برای مامزدی است؟! فرعون گفت: آری و بدون شک در این صورت شما از مقربان خواهید بود!

موسی بساحران گفت: هر آنچه انداختنی دارید بیفکنید!!! ساحران ریسمانها و عصاهای خود را انداختند!!! و گفتند: قسم به عزت فرعون که ما پیروز شدگانیم!!! پس بدون فاصله موسی عصای خود را افکند!!! که ناگهان آنچه ساحران ساخته بودند فرو برد و بلعید! پس ساحران بسجده افتادند گفتند: بخداوند صاحب اختیار کل جهان و جهانیان ایمان آوردیم! خداوند صاحب اختیار کل موسی و هارون است! فرعون گفت: پیش از آنکه برای شما دستور بدهم! بموسی ایمان آوردید؟! بدرستی که او بزرگ شماست! که او بشما سحر را آموخته است! بهمین زودی خواهید دانست! بدون شک دستها و پایهایتان را بر عکس یکدیگر قطع میکنیم! و بدون شک همگی شما را بدارمی آویزم! گفتند: ضرری ندارد ما بسوی خداوند صاحب اختیار کل خودمان برمیگردیم!!! بدرستی که ما طمع داریم!!! که خداوند صاحب اختیار کل خودمان! برای ما خطاهای ما را بیا مرزد! که ما اولین مؤمنان بوده باشیم! خداوند میفرماید: و بموسی وحی کردیم! که بندگان مرا در شب سیر بده! زیرا که شما تعقیب خواهید شد!!! فرعون مأمورین جمع آوری را بشهرها فرستاد! گفت: که موسی و اتباعش گروهی اندکی هستند! و ایشان موجب خشم ما شدند! و بدرستی که همگی مامسح و آماده ایم! که ایشان را نابود میکنیم!!! خداوند میفرماید: ایشان را از بوستانها! و چشمه سارها بیرون راندیم! و از گنجها و جاهای ارجمند ایشان خارج ساختیم!!! و این چنین تمامی اموال آنها را ببنی اسرائیل به ارث دادیم! پس در حال دمیدن آفتاب ایشان را تعقیب کردند! و قتی که دو جماعت یکدیگر را دیدند! اصحاب موسی گفتند: بیگمان دستگیر خواهیم شد موسی گفت: چنین نیست زیرا که خداوند صاحب اختیار کل من! بمن لطف و عنایت دارد! و مرا کمک و رهبری خواهد کرد!!! پس بموسی وحی کردیم که عصایت را بدریا بزن! پس دریا را بشکافت پس قسمتی از آب مانند کوه بزرگ شد! و فرعونیان را بدریا نزدیک کردیم! و موسی و هر کسی را با او بود همگی را از دریانجات دادیم! سپس دیگران را در دریا غرق کردیم! بدرستی که در این جریان عبرت! و آیاتی! و قدرتی! وجود دارد! و بیشتر مردم ایمان نمی آورند!!! ای محمد بدرستی که خداوند صاحب اختیار کل تو اوست که بدون شک غالب و رحیم است (از قرآن کریم و از سوره الشعراء آیات از ۶۸ تا ۷۸)

خداوند میفرماید: ای محمد سرگذشت و اخبار اهل این آبادیها را بر تو میخوانم! و حقیقت این است که پیغمبران ایشان! با دلیلهای روشنی بسوی ایشان آمدند پس ایشان ایمان نیاوردند! بسبب آنچه از پیش تکذیب کرده بودند! این چنین خداوند مهر بر دلهای کافران میزند! ما بر اکثر از ایشان پیمانی نیافتیم! و بدرستیکه بیشتر ایشان را نابکاران یافتیم! **پس انبیاء گذشته! و موسی را با آیات خودمان بسوی فرعون فرستادیم!!! او و کسان وی به آن آیات ما و بمردم ظلم کردند!** پس بنگر چگونه بود عاقبت کار مفسدین!؟؟؟! **و موسی گفت: ای فرعون حقیقت این است که من از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان رسولی هستم!!! پس بر من سزاوار است که سخن به خداوند نگویم! مگر که بر حقّ باشد! حقیقت این است که برای شما دلیلی روشنی از طرف خداوند صاب اختیار کلّ خودتان آوردم! پس بنی اسرائیل را با من رهاکن!!! فرعون گفت: اگر راست میگوئی: و معجزه داری آن را بیاور! پس موسی عصای خود را انداخت که ناگهان آشکارا اژدهائی شده! و دست خورا بیرون کشید! ناگاه دست او برای بینندگان اشراف قوم فرعون نور سفید بی ضرری هویدا شد!!! گفتند: حقیقت این است!!! که او ساحردانا است!!! که میخواهد شمارا از زمین خودتان بیرون کند!!! چه فرمان میدهید؟! گفتند: او و برادرش رامهلت بده! و بفرست در شهر جارچیان جار بکشند! که هر ساحردانارا برای تو حاضر سازند! تا با ایشان مقابله کنند! و ساحران آمده در نزد فرعون حاضر شدند! و گفتند: آیا اگر ما غلبه کردیم برای مامزدی است؟! فرعون گفت: آری بدرستیکه شما از مقربین ما میباشید! ساحران گفتند: موسی آیا تو بیفکنی و یا ما بیندازیم؟! موسی گفت: شما بیفکنید! پس وقتیکه عصاهای و حبلهایشان را افکندند! چشمان مردم را سحر کردند و ایشان را ترسانیدند! و سحر بزرگی ترسناک آوردند! خداوند فرمود: بسوی موسی وحی کردیم که عصایت بینداز!!! پس آنچه بدروغ بر چشم مردم ساخته بودند!!! ناگهان عصای موسی همه آنها را فرو برد و بلعید! پس حقّ ثابت و آشکار شد!!! و بیاطل سحر میکردند**

باطل و نابود شد! پس در همان جامغلوب شدند و بخواری برگشتند! و جادوگران بسجده افتادند!!! گفتند: به خداوند صاحب اختیار کلّ جهانیان! که خداوند صاحب اختیار کلّ موسی و هارون است! ایمان آوردیم!!! و به خداوند صاحب اختیار کلّ موسی و هارون ایمان آوردیم و تسلیم شده ایم!!! فرعون بساحران گفت: پیش از آنکه بشما اجازه بدهم به او ایمان آوردید! بدرستی که این مکر بیست که شما مرتکب شده اید! تا اهل این شهر را از آن بیرون کنید! بزودی خواهید دانست! بدون شک دستهای شما و پایهای شما را از خلاف یکدیگر قطع میکنم!!! سپس بدون شک همگی شمارا بدارمی آویزیم!!! ساحران گفتند: حقیقت این است که ما بطرف خداوند صاحب اختیار کلّ خودمان برگشتیم و ایمان آوردیم!!! و جز کینه توزی که انتقام گرفتن ما باشد از ما نداری!!! ما گناهی نداریم مگر اینکه به آیات خداوند صاحب اختیار کلّ خودمان ایمان آوردیم! زمانیکه آیات خداوند صاحب اختیار کلّ ما برای ما آمده است!!! ساحران گفتند: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! صبر را برای ما بباران و بریزو! ما را مسلمان و تسلیم بمیران! و اشراف قوم فرعون گفتند: آیاموسی و قومش را رها میگذاری؟؟؟؟ تا در زمین فساد کنند و مردم تو! الآن تو را رها میکنند؟! فرعون گفت: بزودی پسران ایشان را میکشیم و زنان ایشان را زنده میگذاریم! و بدرستی که ما بر آنها چیره شدگاتیم!!! در این زمان موسی بقوم خود گفت: از خداوند کمک و یاری بجوئید و صبر کنید!!! که زمین از آن خداوند است! به هر کسی که بخواهد آن را به او اوارث میدهد! و عاقبت کار و پیروزی برای پرهیزکاران است!!! اصحاب موسی گفتند: قبل از آنکه بنزد ما بیایی ما ادبیت شده ایم! و پس از آنکه نزد ما آمدی باز هم ادبیت شده ایم! موسی گفت: امید است خداوند صاحب اختیار کلّ شما! دشمنان شمارا هلاک و نابود کند! و شمارا برای ایشان در زمین جانشین کند! تا نظر کند که چگونه عمل میکنید! خداوند میفرماید: و حقیقت این است که ما پیروان فرعون را سالها به قحطی گرفتار کردیم! و نقص میوه جات نمودیم! تا شاید که ایشان پند بگیرند! و قتی که

نعمت نیکی برای فرعونیان میآمده میگفتند: اینها برای خاطر ما است و اگر بدی
 ورنجی به ایشان میرسید!!! فال بدی به موسی و همراهانش میزدند! آگاه باش
 وسائل خیر و شرایشان در نزد خداوند بوده است! ولیکن اکثر ایشان نمیدانند!!!
 و فرعون و فرعونیان گفتند: هر آیتی بر ما بیاوری تا ما را به آن آیات جادوکنی
 پس هرگز بتو ایمان نمی آوریم!!! پس برایشان طوفان و ملخ و کنه و قورباغه و
 خون و آیات جداگانه فرستادیم! پس باز هم سرکشی کردند! وزیرا که قومی گنه
 کار بودند!!! وقتیکه عذاب خداوند برایشان فرود می آمده میگفتند: ای موسی
 خداوند صاحب اختیار کلّ خود! را برای خاطر ما بخوان! و دعا کن که اگر عذاب را
 از ما برطرف کنی! به آن عهده که در نزد تو است گردن مینهیم! و بدو نشکّ بتو
 ایمان می آوریم! و بدو نشکّ بنی اسرائیل را باتو روانه میکنیم و آزاد میگذاریم
 !!! پس وقتیکه عذاب را از ایشان برطرف کردیم! تا مدتی که ایشان به آن عهد
 رسیدند! ناگهان خودشان پیمان شکن بودند! پس از ایشان انتقام گرفتیم و ایشان
 را در دریا غرق ساختیم!!! بسبب اینکه آیات ما را تکذیب کردند!!! و از آیات ما
 غافل بودند! و مشرق و مغرب آن زمین ها را برکت داده بودیم! بقومی که ضعیف
 شمرده میشدند به ارث دادیم! و فرمان خداوند صاحب اختیار کلّ تو! تمام شد! و
 بر بنی اسرائیل راست گردید! بسبب آنچه صبر کردند!!! و آنچه فرعون و قومش
 ساخته بودند! و آنچه را داربست کرده بودند زیر و رو کردیم! و بنی اسرائیل را
 از دریا گذرانیدیم! پس آمدند بر نزد قومیکه بر بُت های خودشان عبادت کننده!!!
 و معتکف و پابند بودند!!! در این زمان بنی اسرائیل گفتند: ای موسی برای ما
 الهی در حوائج قرار بده! چنانکه برای ایشان خدایانی هست که عبادت میکنند
 !!! موسی گفت: ای بنی اسرائیل بدرستی که شما قومی نادان و جاهل هستید!!!
 بدرستی که این بُت ها تباه و نابود کننده ایمان است!!! و آنچه در آن هستند و آنچه
 عمل میکنند باطل است!!! و موسی گفت: آیا غیر از خداوند ازلی و خلاق برای
 شما خداوند و الهی بجویم؟؟؟؟ که او شمارا بر جهانیان برتری داده است؟؟؟؟!!!
 خداوند گفت: ای بنی اسرائیل بیاد آورید که شمارا از عذاب آل فرعون نجات
 دادیم! که شمارا بدترین عذابی میکردند که پسران شمارا ذبح میکردند و سر

میبریدند و میکشند!! و زنان شما را زنده می گذاشتند!!! و این عذاب برای شما از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ خود تان! بلای بزرگی بوده است!!! و برای موسی سی شب را وعده دادیم!!! و آن را بده شب تمام و کامل نمودیم!!! مقرر خداوند صاحب اختیار کلّ! بچهل شب تمام شد! و موسی ببرادرش هارون گفت: جانشین من باش و در قوم من اصلاح کن! و پیرو راه مفسدین مباش!!! و قتیکه برای وقت مقرر ما آمد!!! و خداوند صاحب اختیار کلّش! با اوس سخن گفت: موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! خود را بمن نشان بده که بتو بنگرم و نظر کنم! خداوند گفت: هرگز نمیتوانی مرا ببینی ولیکن بسوی کوه بنگر!!! پس اگر در جایش قرار بگیری!!! بزودی مرا خواهی دید!!! ای محمد و قتیکه خداوند صاحب اختیار کلّ او! بکوه تجلی کرد آن را ریزه ریزه کرد!!! و موسی بیهوش افتاده! پس و قتیکه بهوش آمده گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! تو از هر عیب و ایرادی پاک و پاکیزه هستی! که من بسوی تو توبه و بازگشت کردم و من اولین تسلیم شده و مسلمانم و مؤمنم!!! خداوند گفت: ای موسی بدرستی که من تو را برگزیدم! و بر مردم رهبر نمودم! و پیامهایم و بکلام! پس آنچه را که بتو دادم بگیر و از شکر گزاران باش! و برای موسی در الواح تورات را نوشتیم! از هر گونه پند و نصیحت و بیان!!! و هر چیزی که پس در آن هست با قوت و جدی بگیر!!! و قوم خود را امر کن تا آن را نیکوتر بگیرند!!! و بزودی سرای فاسقان را بشما نشان خواهم داد!!! بزودی از آیات خود را میگردانم! آنانی که بناحق تکبر می ورزیدند! و اگر چه هر آیه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند! راه حق و حقیقت را برای نمیگیرند! و به این سبب است که ایشان آیات خداوند ازلی را تکذیب کردند! و از آن آیات غافل بودند!!! و آنانی که آیات و ملاقات ما و آخرت را تکذیب کردند! اعمال خیر ایشان تباه و نابود و هدر شده است! آیا جز آنچه عمل میکردند جز اعداده میشوند؟! و قوم موسی پس از رفتن او از زیورهای خودشان گوساله بیجانی ساختند! و خدای خود گرفتند که صدای داشت! آیات میداند که ان گوساله با ایشان سخن نمیگوید: و ایشان را برای هدایت نمیکند؟! آن را بجای خدا گرفتند!؟

در حالیکه ظلم کردند! وقتیکه گوساله از دستهای ایشان افکنده شد! بدرستیکه دیدند که گمراه شده اند و گفتند: اگر خداوند صاحب اختیار کلّ ما! برای ما رحم نکند!!! بدونشکّ از زیانکاران خواهیم شد!!! وقتیکه موسی بسوی قوم خود برگشت! که در حال غضب و تأسف بود! گفت: جانشینی شما بعد از من بد شد! آیدر امر خداوند صاحب اختیار کلّ خودتان! تعجیل کردید؟! والواح تورات را افکند! و موسی سر برادرش را گرفت و بسوی خود کشیده! برادرش گفت: ای پسر مادرم بدرستیکه این قوم مرا ضعیف شمردند! و نزدیک بود مرا بکشند! پس دشمنانم را بشماتت من شادمکن! و مرا با گروه ستمکاران قرار داده! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا و برادرم را بیامرز! ما را برحمت خود داخل فرما! و تویی رحم کننده تر رحم کنندگان! خداوند گفت: بدرستیکه آنانیکه گوساله را معبود خود گرفتند!!! بزودی خشمی و ذلتی در زندگی دنیا از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان! خواهد رسید!!! و دروغ سازان را چنین کیفری خواهم داد! و آنانیکه کارهای بدی را انجام دادند!!! سپس بعد توبه کردند و ایمان آوردند بدرستیکه صاحب اختیار کلّ تو! بعد از آن با مهربانی بخشنده است! وقتیکه خشم موسی فرونشست الواح تورات را گرفت! و در نسخه آن الواح هدایت و رحمت بود!!! برای آنانیکه نسبت بخداوند صاحب اختیار کلّ خودشان! ترسان میباشند وجود دارد!!! موسی از قوم خود هفتاد نفر مرد را برای وعده گاه مقرر خداوند برگزید! پس وقتیکه ایشان را صاعقه بر گرفت! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! اگر میخواستی ایشان و مرا را پیش از این هلاک کرده بودی!!! آیا ما را بکار سفهاء هلاک میکنی؟! این نیست مگرامتحان تو که هر کسی را که بخواهی با آن گمراه! و هر کسی را که بخواهی با آن هدایت میکنی! و تویی یاور و سرپرست!!! و ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! پس ما را بیامرز و ما را رحم کن و توبهترین آمرزندگان هستی! و موسی گفت: ای خداوند من بر ما بنویس در این دنیا نیکی و حسنه و در آخرت نیکی و حسنه! بدرستیکه ما بسوی تو هدایت شده ایم!!! خداوند گفت: عذابم را به هر کسی که بخوام میرسانم!!! و رحمتم فرا گرفته

هرچیزی است! پس بزودی رحمت را مقرر میدارم! برای آن کسانی که پرهیزگارند!
 و نماز را بپا میدارند و زکات میدهند! و آنانی که به آیات ما ایمان آورند!!! و آنانی
 که پیروی پیغمبر فرستاده شده! که درس نخوانده است! را پیروی میکنند!!! و
 در نزد ایشان در تورات و انجیل نوشته شده است!!! که ایشان را بکار خوب امر
 و از کار بد نهی میکند!!! و برای ایشان پاکیزه ها را حلال میکند!!! و برای ایشان
 خبانت را حرام میگرداند! و از ایشان بارسنگین را بر میدارد! و بندهائی که برایشان
 بوده باز میکند!!! پس آنانی که به او ایمان آوردند و تأییدش میکنند!!! و یاریش
 مینمایند! و هدایتی که به او نازل شده پیروی میکنند!!! آن گروه از رستگاران
 هستند!!! ای محمد بگو: آهای مردم بدرستی که من رسول خداوند هستم! بسوی
 همه شما جهانیان! از طرف آن خدائی که تمامی مال و ملک آسمانها و زمین از
 آن اوست! نیست خداوند الهی جزا و که زنده میکند و میمیراند! پس به او ایمان
 بیاورید! و بر رسول او پیغمبری که بیسواد! و درس نخوانده است! بخداوند و کلمات
 و کتاب او که قرآن است ایمان بیاورید!!! او را پیروی کنید باشد که شما هدایت
 یابید!! و از جماعت موسی قومی هستند! که براه حق هدایت میکنند! و به او عدالت
 مینمایند! و امت موسی را قطعه قطعه کردیم بدوازده سبط!!! در حالیکه امته
 شدند! و وقتیکه قوم موسی از او آب خواستند! بموسی وحی کردیم! که عصایت
 را بسنگ برن! پس از آن سنگ دوازده چشمه جاری شد! که هر دسته مردم محل
 چشمه خود را دانستند! و ابر را برای ایشان سایبان کردیم! و برای ایشان من و
 سلوی نازل نمودیم! و گفتیم: آنچه شمارا از طیبیات روزی دادیم بخورید و ما بر
 ایشان ظلم نکردیم ولیکن ایشان بخودشان ظلم میکردند! و وقتیکه بنی اسرائیل
 گفته شد!!! در این آبادی بیت المقدس ساکن شوید!!! و هر چه از آن خواستید
 بخورید! و بگوئید: خدایا گناهان ما را بریز!!! و بدر وازه شهر در حال فروتنی در
 آید! تا ما برای شما گناهانتان را میآمرزیم! و بزودی پاداش نیکوکاران را زیاد
 خواهیم کرد! پس کسانی که از ایشان ظلم کردند! گفتار را به غیر از آنچه به ایشان
 گفته شده بود! عوض و تبدیل کردند!!! پس عذابی را از آسمان بر ایشان نازل
 کردیم!!! بسبب آنچه ظلم میکردند! ای محمد از یهودیان سؤال کن از آن آبادی
 که نزد دریا بود! و وقتیکه در روز شنبه حیل و تجاوز کردند! زیرا که خداوند فرمود:

که روز شنبه ماهی نگیرید! وقتیکه روز شنبه ماهیان بکنار دریای زیاد می آمدند
 ! و در روز شنبه گودالی میکنند! ماهیان را بدام می انداختند!! و در روز یکشنبه
 می گرفتند! زیرا که روزیکشنبه ماهیان بکنار دریای می آمدند!!! و این چنین ایشان
 را آزمایش و امتحان کردیم! بواسطه اینکه نافرمانی میکردند! وقتیکه جماعتی
 از اینکار حلیه گری! نهی میکردند!!! و جماعت از ایشان گفتند: چرا موعظه
 میکنید؟؟؟! قومی را که خداوند هلاکشان و یا عذابشان میکند؟؟؟! که بعد از
 شدیدی گرفتار کند! گفتند: برای اینکه برای ما نزد خداوند صاحب اختیار کلّ شما
 عذری موجه باشد!!! و شاید که ایشان هم پرهیز کنند! پس وقتیکه به آنچه که
 حیل می کردند! تذکر و پند داده شده بودند فراموش کردند! خداوند میفرماید: و آن
 کسانی که از بدی و فساد نهی میکردند نجاتشان دادیم!! و آن کسانی که ظلم و
 فساد میکردند! به عذاب سختی و شدید گرفتار کردیم!! بسبب آنچه نافرمانی می
 کردند!!! پس وقتیکه از آنچه نهی شده بودند سرکشی و تعدی کردند به تعدی
 کنندگان گفتیم: که از رحمت خداوند دور باشید!! که بوزینگان رانده شدگان
 بشوید! ای محمد و بیاد ایشان آور آنگاهی که خداوند صاحب اختیار کلّ تو! اعلام
 کرد! روز قیامت ایشان را برانگیزاند عذاب میکند! کسی را که بد کار است بدترین
 عذاب خواهد کرد! بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ تو! سریع العقاب است!
 و بدرستی که بامهربانی بخشنده است!! ایشان را در زمین پراکنده و گروه گروه
 کردیم! که بعضی شایستگان هستند! و بعضی از ایشان غیر از این میباشد! ایشان
 را با خوبیها و با بدیها آزمایش کردیم!! تا شاید بطرف خداوند بازگردند! پس
 بعد از ایشان جانشین ایشان شدند! جانشینانی که وارث کتاب الهی بودند! آنهاست
 متاع دنیا را میگیرند!!! و میگویند: بزودی آمرزیده خواهیم شد!!! و حال آنکه
 اگر متاعی مانند آن به ایشان نیز برسد آن را میگیرند! آیا در کتاب آسمانی آنان
 پیمان گرفته نشده؟؟؟! که جز کلام حق بر خداوند چیزی نگویند؟! و حال آنکه این
 کلام در آن کتاب بود و خوانده بودند!!! که سرای آخرت بهتر از این دنیا است!!!

برای آن کسانی که پرهیزکار هستند؟! آیات فکر نمیکنند؟! و آن کسانی که ایمان می آورند و بکتاب خداوند چنگ میزنند! و نماز را برپا میدارند و زکات را میدهند!!! بدرستیکه ما پاداش اصلاح کنندگان را ضایع نمیکنیم! و وقتیکه کوه را بالای سرایشان بلند کردیم گویا که سایبانی است! و گمان کردند که برایشان خواهند افتاد! گفتیم: آنچه کتاب را که بشماداده ایم باقوت بگیرید!!! و آنچه در آن است بیاد بگیرید! و فراموش نکنید! باشد که شما پرهیزکار بشوید!!!
(از قرآن کریم و از سوره الاعراف آیات از ۱ تا ۱۷۱)

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

این کتاب قرآن آیات حکیم است!!! آیا مردم تعجبی دارد؟! که بسوی مردی از ایشان است؟! و وحی کردیم که مردم را بترساند؟! و به آن کسانی که بخداوند ایمان آورده اند؟! مژده و بشارت بدهد؟! که ایشان مقام راستی در نزد خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان است! کافران گفتند: بدرستیکه این مرد آشکارا ساحر است! ای مردم بدرستیکه صاحب اختیار کلّ شما خداوند است! که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید! سپس بر عرش هستی مستولی و نافذ شد! و امر تمامی هستی را تدبیر مینماید! و هیچ شفیع نیست جز پس از اجازه او! خداوند صاحب اختیار کلّ شما! این چنین است! پس برای او عبادت و بندگی کنید! آیات نصیحت نمی گیرید؟! و بازگشت همه شما بسوی خداوند است! و عده خداوند حق است! بدرستیکه آفرینش اولین بار را او خلق کرده است!!! سپس آن خلق را دوباره در روز!!! قیامت باز میگرداند! تا آن کسانی که ایمان آورده اند! و اعمال صالح انجام دادند! با عدالت جزا میدهد! و آن کسانی که کافر بودند برای ایشان شرابی از آب جوشان! و عذاب دردناک است! بسبب اینکه در دنیا کفر میورزیدند! و آن خداوندی است که خورشید را روشنایی و ماه را نورانی قرار داده است! و برای آنان منازلی به اندازه معین کرده است! تا عدد شماره سالها و ماهها و روزها را حساب کنید!

که خداوند آنان را جز بحق نیافریده است! خداوند میفرماید: دانه دانه و یک و یک آیات خودمان را می‌شمارم! برای آن گروهی که میدانند!!! بدرستی که آمد و رفت و کم و زیاد شدن شب و روز! و آنچه در آسمانها و زمین آفریده است! آیاتی فراوانی برای گروهی پرهیزکارند!!! بدرستی که آن کسانی که به ملاقات روز قیامت خداوند امیدی ندارند! و زندگی دنیا خشنودند! و به آن اطمینان یافته اند! و آنان کسانی هستند که از آیات خداوند غافلند! آنان کسانی هستند که جایگاه ایشان آتش جهنم است! بسبب آنچه در دنیا کسب کردند!!! بدرستی که آن کسانی که در این دنیا بخداوند ایمان آورده اند! عمل شایسته انجام داده اند! و خداوند صاحب اختیار کل ایشان! ببرکت ایمان ایشان هدایت میکند! ایشان را بهشتی که از زیر کاخها و درختهای پر نعمت و نهرها جاری میشود داخل مینماید! و خواندن ایشان در آن باغها چنین است!!! میگویند: خداوند! توئی پاک و منزّه و تحیت ایشان بیکدیگر در آن باغها درود سلام است! و دعای ایشان این است میگویند: الحمد لله رب العالمین!! و اگر خداوند باشتاب و عجله برای مردم شررا بیاورد مانند این است! و برای ایشان خیر را میطلبد که اجل و هلاک ایشان زود میرسد! پس آن کسانی را که امید بملاقات روز قیامت خداوند ندارند رها و آزاد میکنیم! که در طغیانشان سرگردان بوده باشند! و قتی که به انسان ضرری برسد خداوند را میخواند!!! در حالیکه ببهلو و یا برپشته بخوابد!!! و یا ایستاده باشد!!! پس وقتیکه ضرر را از او برطرف کردیم! بخداوند صاحب اختیار کل خود! بی اعتنایی شود! گویا که ما را بکشف ضرری که به او رسیده بود! نخواند بوده است! این چنین زینت داده شده است برای تجاوزکنندگان! آنچه را که مداوم عمل بد می کنند!!! و حقیقت این است که ما ستمگران را در قرنهای پیش شما هلاک و نابود کردیم! و قتی که ظلم میکردند و پیغمبران ایشان!!! برایشان بادلیل روشنی آمده بودند! و در خط ایمان خداوند نبودند! که برای گروه گناهکاران و تجاوزکاران! را از این چنین جزاء میدهیم! سپس شمارا جانشین ایشان در زمین قرار دادیم! تا

بنگریم چگونه عمل میکنند! ای محمد وقتیکه برای ایشان آیات روشن خداوند قرائت میشود! و آن کسانی که بروز قیامت! و به ملاقات خداوند امیدی ندارند!!! میگویند: قرآنی غیر از این بیاورویا این را عوض کن! بگو: که برای من حق و جائز نمیشود! و قرآن از طرف من نیست که عوض کنم!!! پیروی نمیکنم مگر آنچه را که بسوی من از طرف خداوند وحی میشود! و اگر از خداوند صاحب اختیار کلّ خودم! را نافرمانی و عصیان کنم! بدرستی که از عذاب روز بزرگ قیامت می ترسم! و بگو: اگر خداوند خواسته بود این قرآن را بر شما نمیخواندم و تلاوت نمی کردم! و خداوند آن را بشما اعلام نمی کرد!!! و حقیقت این است که پیش از نزول قرآن! در میان شما یک عمر زندگی کردم! آیا درباره من تفکر و اندیشه نمیکنید؟! پس ظالمتر از آن کیست که بر خداوند دروغ و افتراء بزنند! و آیات او را تکذیب کند! حقیقت این است که گناهکاران رستگار نمیشوند! آنانی که غیر از خداوند چیزی را میپرستند و عبادت میکنند! نه به ایشان ضرر دارند! و نه برایشان نفع دارند! و میگویند: اینها در نزد خداوند شفیعان ما هستند!!! بگو: آیا آنچه را که در؟؟؟! آسمانها و زمین است؟! به خداوند خبر میدهید؟! یا آیانمیدانند خداوند؟! که پاک و منزّه! برتر است! از آنچه شریک او قرار میدهید؟! و مردم جزامت واحد اسلام نبودند! پس در دین الهی اختلاف کردند! و اگر فرمان پیشین خداوند صاحب اختیار کلّ تو! آزادی در دین نبود!!! بدون شک خداوند در!!! بین ایشان قضاوت و حکمی کرده بود! یعنی تعجیل در عذاب نکرده است! و میگویند: چرا برای رسول آیات و معجزه ای دیگری! از خداوند صاحب اختیار کلّش! نازل نمیشود! پس بگو: جز این نیست که آمدن معجزه از طرف خداوند است! و امریست غیبی و مخصوص خداوند است پس منتظر باشید!!! و بدرستی که من هم با شما از منتظرانم!!! و وقتیکه پس از سختیهای که بمردم رسیده!!! برای ایشان رحمتی میچشانیم! ناگهان آنان حيله و نیرنگ در آیات ما روا میدارند! بگو: مگر عذاب خداوند سریعتر نیست؟! و آن خدائی است! که شمارا در خشکی و دریا سیر میدهد!!! و وقتیکه در کشتی باشند! ایشان را با باد ملایم جریان میدهیم! و ببرکت آن خوشحال میشوند

ناگهان باد تندی بیاید و از هر طرف موج برای ایشان برمیخیزد گمان میکنند! بلاها ایشان را احاطه کرده است!! بزودی خداوند را میخوانند!!! و دین را برای او خالص میکنند!!! و میگویند: که اگر ما را از این بلا نجات بدهی!!! بدون شک از شکرگزاران خواهیم شد! پس زمانیکه ایشان را نجات میدهیم! ناگهان ایشان در زمین بناحق سرکشی مینمایند! آهای مردم جزاین نیست که ستمگری شما بر ضرر خود شماست! فقط متاع دنیا را میخواهید! سپس بازگشت شما بسوی ما است!!! پس عمل کرد شما را بشما خبر خواهیم داد!!! جزاین نیست که مثل زندگانی دنیامانند آبی است! که در آسمان نازل کرده باشیم! پس باز زمین مخلوط میشود! روئیدن زمین روئیده میشود! از آن انسان و حیوان میخورند! تا هنگامیکه زمین زینت خود را کامل میکند!!! و خرم و آراسته میشود!!! و اهل زمین گمان میکنند!!! سبز و خرم و آراسته میشود! و اهل زمین گمان میکنند!!! که ایشان در نگاهداری آن توانائی و قدرت دارند!!! اگر فرمان ما در شب و یا روز بیاید و همه آنها را درو میکند! گویا که دیروز هیچ چیزی نداشته است! چه کسی قدرت جلوگیری این فرمان را دارد؟؟؟؟!! پس این چنین آیات خودمان را یک می شماریم و بیان میکنیم! برای مردمی که تفکر و تعقل مینمایند! و خداوند شمارا بسوی دار سلامتی و بهشت دعوت میکند! و هر کسی را که بخواد بسوی راه راست هدایت میکند!!! آن کسانی که عمل خیر و نیکی کردند!!! برای ایشان مزد نیکوتری و فراوانی است! و در روز قیامت صورتهای ایشان را غبار خواری و ذلتی نمیگیرد! و ایشان اهالی بهشت خودشان هستند! و در آن جاویدان و همیشه ماندگارند! و آن کسانی که اعمال بدی را کسب کردند!!! در روز قیامت جزائی بدی برایشان است! بمانند آن اعمالی بدی که کردند! و ذلتی و خواری ایشان را احاطه خواهد کرد! و از طرف خداوند برای ایشان هیچ پناهی نیست! گویا که صورتهای ایشان را پاره از تاریکی شب پوشانیده است!!! که اهل آتش جهنم هستند!!! که در آن جاویدان و همیشه ماندگارند!!! خداوند گفت: در روز قیامت همه انسانها را زنده میکنیم! سپس بکسانی که مشرک شده اند میگویم: شما و شرکائیکه بر خداوند قائل شده اید بر جای خود باشید! پس در میان ایشان جدائی می اندازیم!!! و شریکان

ایشان میگویند: آیا شما ما را نمیپرستید؟؟؟!!! او خداوند دربین ما و بین شما برای شهادت کافی است!!! ما از عبادت شما بیخبر و غافل بودیم! در آنجاست که هر کسی که بشریک مبتلا شده است! و به آنچه از پیش فرستاده است!!! خداوندی که حقّ صاحب اختیار کلّ! و مولای ایشان است! از خداوند ردّ میشوند!!! و آنچه شرک آورده بودند و افتراء میبستند و از ایشان گم میشوند!!! ای محمد بگو: چه کسی از آسمان وزمین برای شماروزی میدهد؟! آیا کیست مالک گوش چشمان شما؟! و کیست که زنده را از مرده بیرون می آورد؟! و مرده را از زنده خارج می سازد؟! و کیست که امر خلقت را تدبیر میکند؟! بزودی خواهند گفت: خداوند پس بگو: آیا پرهیز نمیکنید؟! پس خداوند صاحب اختیار کلّ شما حقّ است!!! و پس جزاز خدائی که حقّ است! همه چیز گمراهی و باطل است!!! پس بکجا برگردانیده میشود؟! فرمان عذاب خداوند صاحب اختیار کلّ تو! برای نابکاران و فاسقان که ایشان ایمان نمی آورند این چنین ثابت شده است!!! بگو: آیا از شریکان شما کسی هست؟! که خلقت را از عدم و نیستی بوجود بیاورد؟! سپس آن را بعد از مردن دوباره به خلقت اولّ بازگرداند؟! بگو: خداوند خلاق هستی آفرینش را از عدم خلق میکند! سپس آن را بعد از نابود شدن به خلقت اولّش باز میگرداند!!! پس جز به خداوند بکجا رجوع داده میشود؟؟؟! بگو: آیا از شریکان شما کسی هست که بسوی راه حقّ هدایت کند؟! بگو: فقط خداوند علامّ ازلی براه حقّ هدایت میکند!!! و یا آن کسی که راه حقّ را نمی شناسد؟؟؟! مگر آنکه خودش هدایت بشود؟! پس برای شما چه شده است؟! چگونه حکم میکنید؟! اکثر ایشان جز بگمان از راهی پیروی نمیکنند!!! بدرستی که ظنّ گمان بهیچ وجه از حقّ کفایت نمی کند! و ظنّ انسان را بی نیازی نمی سازد! بدرستی که به آنچه که عمل میکنند! و کار هائی را انجام میدهند! خداوند ازلی و ابدی دانا و آگاه است!!! و خداوند گفت: این قرآن ساخته و افترائی غیر از خداوند نبوده و نیست!!! ولیکن تصدیق آن کتابی است که بوده و هست!!! و وحی و بیان این کتاب قرآن بدون شکّ از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ جهان جهانیان است!!! ای محمد آیا میگویند: که تو این قرآن

را خودت ساخته ای و بخداوند افتراء یافته ای؟! بگو: اگر راست میگویند: سوره مانند این از قرآن بیاورید! و غیر از خداوند هر کسی را که میتواند بکمک خودتان بخوانید!!! که اگر راست میگویند: بلکه تکذیب کردند چیزی را که بعلم آن احاطه ندارند! و هنوز تأویل آن برای ایشان نیامده است!!! و آن کسانی که قبل از ایشان بودند که این چنین تکذیب کردند! پس بنگر عاقبت ظالمین چگونه بوده است؟! و بعضی از ایشان به این قرآن ایمان میآوردند! و بعضی از ایشان به آن ایمان نمی آورند! و خداوند صاحب اختیار کلّ توبه احوال فساد کنندگان داناست! و اگر تورا تکذیب کردند!!! بگو: اعمال من مال من است!! و اعمال شما مال شما است! از آنچه من عمل میکنم شما بیزارید! و آنچه شما عمل میکنید من بیزارم! بعضی از ایشان کسی است که بسوی تو گوش میدهد! آیا پس تو کران را می شنوای و اگر چه درک عقلی نداشته باشند!!! و بعضی از ایشان کسی است که بسوی تو مینگرند! آیا پس کوران را هدایت میکنی و اگر چه نمیتوانند ببینند؟! خداوند خلاق جهان هستی در هیچ چیزی بمردم ظلم نمیکند!!! ولیکن مردم به خودشان ظلم میکنند! در روز قیامت ایشان را زنده میکنیم! گویا که در قبر نماندند مگر ساعتی! به احوال خودشان آشنائی می یابند! آن کسانی که ملاقات خداوند را در روز قیامت تکذیب کرده اند! و از هدایت یافتگان نبودند!!! حقیقت این است بخودشان زیان کردند!!! ای محمد و اگر بتونشان بدهیم بعضی از آنچه برای ایشان از عذاب و عده داده ایم!!! و یا تورا بمیرانیم هیچ فرقی ندارد!!! زیرا که بازگشت ایشان بسوی خداوند است! و بر آنچه عمل میکنید سپس خداوند شاهد است! و برای هرامتی رسولی است! پس وقتی که رسول ایشان آمد! در بین ایشان با عدالت حکم کند!!! و برای ایشان ظلمی نشود! که تکذیب کردند و میگویند: اگر راست میگوید: وقت قیامت چه وقت است؟! بگو: برای خودم مالک نفعی ضرر نیستم!!! هر آنچه که خداوند خواسته باشد!!! و برای هرامتی مدتی معین است! و وقتی که اجل ایشان رسید پس لحظه تأخیر نمیکند و لحظه پیش نمی افتد

بگو: آیا فکر کرده اید؟! و چشم دل دیده اید؟! که اگر عذاب خداوند شب و یاروز بیاید چه خواهید کرد؟! مجرمین بر چه آن عذاب رابشتاب می‌خواهند؟! و وقتی که عذاب واقع شود به آن ایمان می‌آورند! و حقیقت اینست که الان به آن عجله مینمایند!!! سپس بظالمان گفته میشود!!! که این عذاب جاوید را بچشید آیا آنچه عمل کردید بجز این جزا دارند؟؟؟! و از تو سوءال میکنند؟! که آیا عذاب قیامت و آخرت حق است؟! بگو: آری قسم به خداوند صاحب اختیار کلّ خودم! که آن حق است! و شما جلوگیری و عاجزکننده آن نیستید!!! هر کسی که ظلم کرده باشد! اگر ملک روی زمین مال او بوده باشد؟! و آن مال را برای ستمگریش عوض بدهد؟! فائده ندارد! و زمانی که عذاب را دید در دل پشیمان خواهد بود! و در بین ایشان بعدالت حکم میشود!!! و به ایشان ظلم کرده نمیشود!!! آگاه باشید بدرستی که آنچه در زمین و آسمانها است! ملک و مال خداوند است!!! و آگاه باشید بدرستی که وعده قیامت خداوند حق است! بلکه اکثر مردم نمیدانند! خداوند اوست که زنده میکند و میمیراند عاقبت عمل بسوی وی برگشت داده میشود!!! **آهای مردم حقیقت این است! که قرآن برای شما! از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ خودتان! موعظه آمده است! و برای آنچه در سینه ها وجود دارد شفائی میباشد!!! و برای مؤمنین راه هدایت و رحمت است! بگو: بفضل و رحمت خداوند باید شاد شوید!!! رحمت خداوند بهتر است! از آنچه مال دنیا را جمع میکنید؟؟؟! بگو آیا با عقلی دیده اید آنچه از رزق خداوند؟! از آسمان برای شما نازل میشود؟! پس شما بعضی از آن را حرام بعضی آن را حلال قرار داده اید؟! ای محمد بگو: آیا خداوند بشما اجازه داده است؟! بر خداوند افتراء ببندید؟! بدروغ روز قیامت را تکذیب کنید؟! بدرستی که خداوند بتامی مردم رحمت و تفضل دارد! و لیکن اکثر ایشان شکر نمیکنند! و تودرکاری اقدام نمیکنی! و از قرآن تلاوتی نمیکنی! و عمل را انجام نمیدهی!!! مگر اینکه خداوند بر شما گواه هست!!! و وقتی که آن کار را شروع میکنید! و از خداوند صاحب اختیار کلّ تو پنهان نیست!!! و ذره سنگی در زمین و در آسمان! و کوچکتر از آن و بزرگتر از آن! مگر در کتاب روشن است!!! آگاه باش بدرستی که برای دوستان خداوند ترسی نیست! و ایشان اندوهگین هم نمیشود! آن کسانی که**

ایمان آورند و پرهیزکار شده اند! برای ایشان در زندگی دنیا و در آخرت بشارت وجود دارد! و کلمات خداوند هرگز تبدیل و عوضی نمیشود!!! این کامیابی بزرگ میباشد!!! و گفتار کفارتورا محزون نکند!!! حقیقت این است که تمامی عزت مخصوص خداوند است! و او شنوا و دانا است!!! ای عقلای آسمانها و زمین آگاه باشید!!! و شریکانی که ایشان آنان را پیروی کرده و میخوانند!!! باید بدانند که خودشان مُلک و مال خداوند خلاق جهان هستی هستند! و ایشان جزگمان چیزی را پیروی نمیکنند! و جز دروغگویان چیزی نیستند! و آن خدائی است که شب را برای شما قرارداد داده! که تا در آن آرام بگیرید! و روز را روشنی قرارداد داده! که در این آیات عبرت خداوند وجود دارد! برای آن گروهی که میشوند! و گفته اند: خداوند برای خود فرزندی گرفته است!!! که خداوند از فرزند گرفتن پاک و منزّه است!!! خداوند بی نیاز است! و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین! از آن اوست!!! و در نزد شما دلیلی به این گفتار نیست! و آیا خداوند نسبت میدهد؟؟؟! و میگوید: چیزی را نمی دانید؟! ای محمد بگو: بدرستی که آن کسانیکه بخداوند افتراء و تهمت را بدروغ می بندند رستگار نمیشوند! آنان بهره و متاع در دنیا دارند!!! سپس بازگشت ایشان بسوی ما است! سپس ایشان را از عذاب سخت میچشانیم! بسبب آنچه کافر شده بودند! و خبر نوح را برایشان بخوان و قتی که بقوم گفت: ای قوم من اگر بر شما گران و بزرگ می آید! بودن من! و یاد کردن من آیات خداوند را! پس بدانید که من بر خداوند توکل کرده ام! پس شما مکر و همت و شریکان خود را جمع کنید!!! سپس کار شما بر شما پوشیده نماند!!! سپس بر من حکم کنید و مهلت هم ندهید! پس اگر از کفر روی بگردانید!!! من از شما اجری و مزدی نمیخواهم!!! پس اجر و مزد من نیست! مگر بر عهده خداوند خلاق غنی و کریم! و من مأمورم که از مسلمین بوده باشم!!! پس نوح را تکذیب کردند!!! پس او و کسانیکه با او بودند در کشتی نجات دادیم! و قوم نوح را جانشینان کافران غرق شدگان قرار دادیم! و آنانیکه آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم! پس بنگر که عاقبت بیم داده شدگان چگونه بود!!! سپس بعد از نوح رسولانی را بسوی قوم فرستادیم!!! که حجتها و آیات روشنی بسوی آنها آورده بودند!!! ایشان ایمان

نیاوردند!!! و بواسطه آنچه از پیش آن آیات را تکذیب کرده اند!!! این چنین بر دل‌های تعدی کنندگان مهر زدیم!!! سپس بعد از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون! و گروهش ارسال نمودیم! پس تکبر کردند! زیرا که قومی گنهگار و فاسد بودند! پس وقتیکه برایشان از جانب ما حق آمده گفتند: این نیست مگر آشکارا را جادوگری!!! موسی گفت: آیا وقتیکه برای شما حق آمده می‌گوئید: که این سحراست! در حالیکه ساحران رستگار نمی‌شوند!!! **فرعون و فرعونیان گفتند: آیا آمده ای تمارا از دینمان بگردانی؟! که راه روش پدرانمان را که در آن دین پیدا کردیم! که در روی زمین بزرگواری می‌کردند؟! ما برای شما دونفر ایمان آورنده نیستیم!!!** فرعون گفت: هر ساحردانانی نزد من بیاورید!!! پس وقتیکه ساحران آمدند! موسی به ایشان گفت: بیندازید آنچه را که می‌اندازید!!! پس زمانی که عصاها و حبائیشان را افکندند! موسی گفت: آنچه را که آورده اید سحراست! حقیقت این است که خداوند آن را باطل خواهد ساخت! زیرا که خداوند فسادکنندگان را اصلاح نمیکند!!! و خداوند باکلمات خود حق را ثابت و پایبرجا مینماید!!! و اگرچه مجرمین نخواستند باشند! پس فرعون و فرعونیان بموسی ایمان نیاوردند! مگر فرزندان از قوم او پنهانی ایمان آوردند!!! پسران قوم از ترس فرعون پنهانی ایمان آوردند! که مبدا ایشان را مجازات کند! و بدرستیکه فرعون برتری جوی و از اسراف کنندگان در زمین بوده است!!! و موسی گفت: ای قوم من اگر شما بخداوند ایمان آورده اید و مسلمان شده اید! پس فقط بر خداوند توکل کنید! پس گفتند: ما فقط بر خداوند توکل کرده ایم!!! و گفتند: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! ما را برای امتحان قوم ظالمین قرار داده! سوگند بر رحمت میدهیم! ما را از ظلم قوم کافرین نجات بده! و خداوند گفت: بسوی موسی و برادرش وحی کردیم! که شما بمصر بروید! برای قوم خود خانه هائی بگیرید! و خانه های خود را قبله قرار بدهید و نماز را بپادارید! و به مؤمنین بشارت بدهید! و موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! بیگمان تو فرعون پسرانش و اسراف قوم او را زینت!!! و

مالهای در زندگی دنیا فراوان دادی!!! ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! تابندگان
 تو را از راهت گمراه کنند! ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! اموال ایشان را نابود
 کن! و دل‌های ایشان را بسختی بگردان! برای اینکه ایمان نیاوردند!!! تا اینکه
 عذاب دردناک را ببینند! خداوند گفت: حقیقت این است که دعای شما دوتن قبول
 شده! پس استقامت کنید و راه نادانان را پیروی نکنید! و بنی اسرائیل را از دریا
 عبور دادیم! پس فرعون و لشگریانش برای ظلم و عداوت بنی اسرائیل را دنبال
 می‌کردند غرق کردیم! و قتیکه فرعون غرق میشد! گفت: به خداوند بنی اسرائیل
 ایمان آوردم! بدرستی که جز او خداوندی نیست و من از مسلمین شده ام! خداوند
 گفت: آیا الان در حالیکه قبلاً عصیان می‌کردی؟! و از مفسدین بودی؟! پس امروز تو
 را می‌میرانم!!! و جنازه تو را بکنار دریا می‌اندازم! تا آیتی باشد برای کسانی که
 بعد از تو باقی می‌باشد!!! و خداوند گفت: بدرستی که بسیاری از مردم از آیات ما
 غافل هستند! (مینویسند اکنون جنازه مومیایی شده فرعون که رامسس دوم!
 فرعون زمان موسی می‌باشد! در موزه لندن موجود است!!! که آیتی و عبرتی
 است برای گردنکشان و ظالمان و کفار و مشرکین و زور گویان و مقام پرستان
 و ثروت اندوزان اهل جهان) و حقیقت اینست که بنی اسرائیل را در جای خوب
 درست بهتر جایگاه قرار دادیم! و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم! پس
 اختلاف نکردند حتی برای ایشان علم و دانش آمد! ای محمد بدرستی که خداوند
 صاحب اختیار کلّ تو!!! و در آنچه در آن اختلاف می‌کردند!!! در روز قیامت بین
 ایشان حکم خواهد کرد! پس آنچه ما قرآن را بسوی تو نازل کرده ایم!!! اگر در
 شکی هستی؟! پس از آنانیکه پیش تو کتاب را می‌خوانند بپرس؟! حقیقت این است
 که قرآن حقّ می‌باشد! از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ تو! برای تو آمده است!
 از عهد شکنان نباش! بدون شک از تکذیب کنندگان آیات ما نباش! و از زیانکاران
 هم نباشی!!! بدرستی که آن کسانی که به قرآن ایمان نیاوردند! فرمان حقّ عذاب
 خداوند صاحب اختیار کلّ تو! برای ایشان ثابت و تحقیق یافته است!!! و اگر چه
 برای ایشان هر دلیلی!!! معجزه بیاید ایمان نمی‌آورند! تا آنکه عذاب دردناک
 را ببینند!!!

(از قرآن کریم و از سوره یونس آیات از ۱ تا ۹۷)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

این آیات قرآن و کتاب روشنی است! هدایت کننده و مژده دهنده برای مؤمنین است! مؤمنین آن کسانی هستند که نماز میگذارند و زکات میدهند!!! و ایشان به آخرت بعد از مردن زنده شدن را یقین دارند! و کسانی که به آخرت ایمان ندارند! اعمال ایشان را برای ایشان زینت دادیم! پس ایشان حیران و سرگردان ماندگان هستند! آن گروه کسانی هستند که برای ایشان عذاب بدی و دردناک است!!! و در آخرت زیانکاران!!! **بدرستیکه قرآن بتواز جانب خداوند حکیم و دانا وحی و آموخته میشود!** وقتیکه موسی بخانواده خود گفت: که آتشی بنظم آورده ام! بزودی از آن خبری برای شما آورم!!! و یا جرقه برای شما بیاورم تا شاید شما گرم شوید! پس وقتیکه موسی به آن آتش رسید! صدای آمد که بابرکت است آنکه در این آتش و آنکه در اطرف آن است!!! و پاک و پاکیزه و منزّه است! خداوندی است که صاحب اختیار کلّ جهان و جهانیان میباشد!!! و ای موسی حقیقت این است که منم آن خداوند غالب و حکیم هستم!!! و عصای خود را بیفکن!!! پس وقتیکه عصارا انداخت که دید حرکت میکند!!! گویا ماری است روی گردانید گریزان شد و عقب گرد نکرد!!! و خداوند گفت: ای موسی نترس که پیغمبران در پیشگاه من ترسی ندارند!!! مگر آن کسی که ستم کرده!!! و پس از بدی نیکی آورده باشد! که در این صورت من بامهربانی بخشنده هستم! و دست خود را بگریبان خود فرو ببر!!! نور سپید بدون ضرری بیرون آوری! شماره معجزه تونه عدد است! که میروی بطرف فرعون و قوم او که گروهی فاسق هستند! پس وقتیکه آیات روشن ماکه موجب بصیرت است بسوی ایشان آمد! گفتند: که این آشکارا سحری است!!! اظلم تکبر کردند! و آن آیات را انکار کردند!!! با اینکه قبلاً به آن آیات یقین داشتند! پس بنگر عاقبت مفسدین چطور شده بوده است؟؟؟!!!

(از قرآن کریم و از سوره النمل آیات از ۱ تا ۱۴)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

نزول این قرآن از جانب خداوند کامل الذات نیرومند دانا فرستاده شده است! خداوندی که بخشنده گناه و قبول کننده توبه! و عذاب او شدید است!!! و صاحب منت و فضل رحمت است! و هیچ ملجائی و معبودی و پناه جز خداوند خلاق جهان هستی نیست! و بازگشت همه بسوی اوست! در باره آیات الهی ستیزه و مجادله نمیکنند!!! مگر کسانی که کافرند! پس رفت و آمد کردن!!! ایشان در این شهرها تورا فریب ندهد! که پیش از ایشان قوم نوح آیات خداوند را تکذیب کردند!!! و پس از ایشان احزابی و هرامتی برای رسول خودشان! گرفتاری و اذیت و همت گماشت! و از راه باطل جدال کردند! تا بواسطه آن جدال حق را از بین ببرند! پس ایشان را با عذاب و مجازات مواخذه کردیم به اینطور سزاوار شد! فرمان عذاب خداوند صاحب اختیار کلّ تو!!! بر آن کسانی که کافر شده بودند!!! که ایشان اهل آتش جهنم هستند!!! پس عذاب ما چگونه بوده است؟؟؟!!! آن کسانی که حامل عرش خداوند هستند!!! به خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان! ستایش و حمد و تسبیح میگویند: و به او ایمان آورده اند! و برای کسانی که ایمان آورده اند طلب آمرزش میکنند: و میگویند: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! و علم و فضل تو همه چیزی را احاطه و فرا گرفته است! پس بیمارزان کسانی را که توبه کردند! و پس از راه هدایت قرآن تو پیروی کردند!!! و ایشان را از عذاب جهنم نگاهدار!!! ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! بهشتهای جاویدانی که به ایشان وعده داده ای داخلشان ساز! و هر کسی که از پدران؛ و از زنان و از ذریات ایشان شایسته باشد؛ به بهشت داخل کن! بدرستی که تو عزیز و حکیم هستی! و ایشان را از بدیها نگاهدار و هر کس را که تو امروز از عذاب حفظ کنی! حقیقت این است که به او رحم کرده

و این همان کامیابی بزرگی است! بدرستی که روز قیامت کافران ندا میشوند! که غضب خداوند از غضب شما نسبت بخود شما بزرگتر است!!! زیرا که شما دعوت میشدید که ایمان بیاورید که کفر میکردید! کافران میگویند: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما! دومرتبه ما را میراندی و دومرتبه ما را زنده کردی! پس بگناهان خودمان اعتراف کردیم! آیا برای ما خارج شدن از جهنّم هست؟! خداوند گفت: این عذابها بسبب این است! وقتیکه خداوند بتنهائی خوانده میشد! شما کافران انکار میکردید و کافر میشدید!!! و اگر برای خداوند شریکی و قرین و همتائی قرار میدادند! آن وقت ایمان می آوردید! پس حال قضاوت! حکم مخصوص خداوند خلاق و حاکم است! و بالاتر و بزرگتر!!! و او خداوندیست که آیات خود را بشما نشان میدهد! و برای شما از آسمان روزی نازل میکند! از این آیات پند نصیحت نمیگیرند! مگر آن کسیکه بسوی خداوند برگردد! پس تنها خداوند را بخوانید و از او حاجت و کمک بخواهید! و دین خود را برای دین خداوند علام خالص کنید! و اگر چه کافران از این عمل شما کراهت داشته باشند! فقط خداوند را بخوانید که درجات مؤمنین را بالا میبرد! و صاحب عرش است!!! و وحی را از امر خود بهر کسیکه از بندگان خود بخواهد القاء میکند! تا از روز قیامت ملاقات خداوند قهار بترساند!!! روزی که عمل ایشان برای خداوند علام هستی پنهان نمیشد! و آیا پادشاهی روز قیامت برای چه کسی است؟؟!! پادشاهی آن روز فقط برای خداوند یکتا و تنها و قهار است!!! و در آن روز هر کسیکه هر عملی کرده باشد جزا داده میشود! در آن روز ستمی نیست! زیرا که خداوند سریع الحساب است!!! خداوند خلاق جهان هستی ایشان را از این روزی که نزدیک است میترساند! وقتیکه دلها در حال فرو بردن خشم بگلوگاه رسیده است! و برای ستمکاران نه دوستی و نه شفیع مطاعی است! و خداوند خیانت چشمهای آنها را میداند! و آنچه در سینه هاپنهان داشته اید میداند! و خداوند باحق قضاوت و حکم مینماید!! و آن کسانی که غیر از خداوند را میخوانند و صدا میزنند و حاجت میخوانند! آنانی را میخوانند که بچیزی قضاوت حکم نمیتوانند بکنند! بدرستی که فقط خداوند شنوا و بینا است

آیادرو روی زمین سیر نکردند؟ که فرجام آن کسانیکه پیش از ایشان بودند چگونه شد؟! و آنان نیرومندتر و ثرومندتر و آثار بیشتری در زمین بودند!!! پس خداوند ایشان را بواسطه گناهانشان بگرفت! و از طرف خداوند برای ایشان هیچ نگهدارنده ای نبود! این بدان جهت بود که رسولان و پیغمبران ایشان بادلایلهای روشنی بطرف ایشان آمده بودند! پس آیات خداوند را انکار کردند کافر شده اند! خداوند ایشان را بگرفت بدرستیکه خداوند نیرومند شدیدی و عذاب کننده سخت است! **حقیقت این است که موسی را با آیات و دلیل خودمان! فرعون و هامان و قارون فرستادیم! پس گفتند: موسی ساحر و دروغگوست! پس وقتیکه از جانب ما برای ایشان حق آمده ایمان نیاوردند!!! و گفتند: آن کسانیکه بموسی ایمان آوردند فرزندان ایشان بکشید!!! و زناشان را زنده نگهدارید! نیرنگ کافران نیست مگر برای خودشان گمراهی است! و فرعون گفت: بگذارید من موسی را بکشم! و او خداوند صاحب اختیار کلّ خودش را! بکمک خود بخواند!!! زیرا که من میترسم او دینتان را دگرگون و عوض بکند! و در این زمین فساد پدید آورد! و موسی گفت: که من به خداوند صاحب اختیار کلّ خودم! و بصاحب اختیار کلّ شما پناه میبرم! که از شر کلّ متکبری که بحساب روز قیامت ایمان نمی آورند!!! مرد با ایمانی از آل فرعونیان که ایمان آورده بود! و ایمان خودش را پنهان کرده بود! گفت: آیا مردی را میکشید؟! که میگوید: الله صاحب اختیار کلّ من است؟! حقیقت این است برای شما دلایلهای روشنی از خداوند صاحب اختیار خودتان آورده است! و اگر دروغگو باشد که زیان دروغش بر خود اوست!! و اگر راستگو باشد برخی عذاب از آنچه بشما وعده میدهد بشما خواهد آمد!!! بدرستیکه خداوند هدایت نمیکند کسی را که افراطی و دروغگو بوده باشد! مؤمن آل فرعون گفت: ای قوم من امروز شما سلطنت دارید! و در این سرزمین مسلط میباشید!!! پس اگر عذاب خداوند برای ما بیاید؟؟؟؟! چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟؟؟؟! فرعون گفت: جزرای و حکم خودم را بشما ارائه نمیدهم! و شما را جز براه رسیدن رشد هدایت نکردم! مؤمن آل فرعون که ایمان آورده بود! گفت: ای قوم من بدرستیکه من در میان شما برای از روزگاران مانده ام! از روزگاران قومهها و احزاب دیگر پیشین که عذاب شده اند برای شما میترسم!!! مانند آداب قوم نوح و قوم عاد و قوم**

ثمود! و کسانیکه بعد از ایشان بودند که مجازات شده اند!!! و خداوند کریم برای بندگان خود اراده ظلم نمیکند! وای قوم من بدرستیکه من بر شما میترسم!!! از روزیکه از یکدیگر فرار میکنید!!! روزی که بحال فرار از یکدیگر روی گردانیده باشید! و در حالیکه از جانب خداوند رحیم برای شما هیچ یاری و یاور نبوده است! و خداوند هر کسی را که گمراه کند برای او هیچ هدایت کننده وجود ندارد! (از قرآن کریم اوازسوره غافر آیات از ۱ تا ۳۳)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

منزه است آن خدائی که بنده خود (محمد) را در شبی از مسجد الحرام! بسوی مسجد الاقصی سیرداد! مسجدی که اطرافش را با برکت قراردادیم! تابعی از آیات خودمان را به او نشان بدهیم! بدرستیکه فقط خداوند شنوای و بینائی دارد! و برای موسی کتابی دادیم و آن کتاب را برای بنی اسرائیل هدایت قراردادیم! که غیر از خداوند وکیل نگیرید! و فرزندان آن کسانیکه با نوح بودند! و بانوح حملشان کردیم! بدرستیکه او بنده شکرگزار بود! و در آن کتاب بنی اسرائیل را اعلام کردیم! بدو نشک در زمین دو مرتبه فساد خواهید کرد! و بدو نشک طغیان خواهید کرد! طغیان بزرگی! پس وقتیکه نوبت نخستین آن دو آمد! برانگیختیم برای شما بندگانمان را که قدرتمند بودند!!! با جنگ شمارا شکست دادند! فرار کردید (جالوت) تا که جستجو کردند خانه های شما را! و این وعده شدنی بوده! سپس بر شما نصرت حمله دادیم! و شمارا با اموال و فرزندان مدد نمودیم! و شما را در شماره زیادی و فراوان و قدرتمند قراردادیم! پس گفتیم: ای بنی اسرائیل اگر نیکی کرده اید!!! برای خودتان نیکی و خوبی کرده اید! و اگر بدی کرده اید برای خودتان بدی کرده اید!!! پس وقتیکه آن وعده دیگری برای شما برآید!!! روی شمارا زشت و کریه میسازند!!! و تا با کفر و ناپاکی داخل مسجد شوند چنانکه اولین مرتبه داخل شدند!!! و تا تباه و نابود و خراب گردانند!!! آنچه را که با قدرت و دشمنی غالب شدند!!! بی نهایت تباه و نابود و خراب خواهند کرد! و اگر شما توبه و عودت کردید! ما هم عودت خواهیم کرد! شاید که خداوند صاحب اختیار کل شما! برای شما ترحم بکند! و جهت را برای کافران محبس قراردادیم!

بدرستیکه این قرآن به آن راهی هدایت میکند! که درست ترین و بهترین راه است! و مؤمنانی که عملهای شایسته انجام داده اند! که برای ایشان بشارت و برای مؤمنین مژده میدهد که! در نزد خداوند اجری و پاداشی بزرگی است!!! و بدرستیکه آن کسانی که به آخرت و روز قیامت ایمان نمی آورند! برای ایشان عذاب دردناک آماده شده است! و انسان چنانکه شررا درخواست میکند! مانند آنچه خیر را درخواست میکند! و انسان عجول بوده است! و شب و روز را دو آیت نشانه قدرت! و دلیل بر مصالح دین و دنیا قرار دادیم! آیه شب را تاریکی نمودیم و آیه روز را روشنی قرار دادیم! تا از فضل و رحمت خداوند صاحب اختیار کل خود تان! معاش دنیا و آخرت را بجوئید! و تا شماره سالها و ماهها!! و روزها را حساب کنید! و بدانید هر چیزی را در این قرآن شمریم!!! و توضیح دادیم که شمارش و توضیح درست و کاملی بوده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیات از ۱ تا ۱۲)

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

قسم به این قرآنی که آیان و روشن است!!! بدرستیکه ما آن قرآن را در زبان عربی قرار دادیم! شاید که درباره آن تفکر تعقل کنید!!! بدرستیکه این قرآن در جامعه اعلی اصل کتاب است! در نزد ما دارای بلند مرتبه با حکمت میباشد! و آیا میخواهید که قرآن را از شما بازداریم؟! و مردم را بدون هدایت بگذاریم؟! بخاطر اینکه شما قوم اسرافکار بوده اید و هوسیند؟! و چه بسیار پیغمبرانی که در گذشتگان فرستادیم!!! و هیچ پیغمبری برای ایشان نیامده!!! مگر اینکه او را استهزاء میکردند! پس نیرومندترین استهزاء کنندگان را هلاک و نابود کردیم! که سرگذشت گذشتگان برای آیندگان عبرتی باشد!!! و ای محمد! اگر از ایشان سؤال کنی!!! که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده است؟! بدون شک بزودی میگویند: خداوند عزیز و دانا آفریده است! بگو: بلی آن خداوندی که زمین را برای شما گهواره قرار داده است! و در زمین برای شما راههای قرار داده که تا شما در آن راه را بیابید!

و آن خداوندی که آب را از آسمان به اندازه نازل کرد!!! و شهری که مُرده بود بوسیله آن آب زنده کرده است! که بدینگونه شما انسانها در روز قیامت از گور خارج میشوید! و آن خداوندیکه تمامی موجودات را جفت آفریده است! و برای شما کشتی و چهارپایان را مرکب قرار داده! آنچه را سوار میشوید! تا پشت آنها استقرار یابید آنگاه نعمتهای خداوند صاحب اختیار کلّ خودتان! را یاد کنید!!! و زمانی که بر پشت آنها استقرار یافتید بگوئید: پاک و منزّه و اعلی تر است آن خداوندی که این هارا برای ما مسخر و آرام کرده است که بر ما هم قدرت آنها نبودیم و طاقت برابری با آنها نداشتیم! و بگوئید: بدرستی که ما بسوی خداوند صاحب اختیار کلّ خودمان! باز میگردیم!!! و برای خداوند از بندگانش را پاره تن و جزئی او قرار داده اند! بدرستی که انسان آشکارا ناسپاس است! آیا خداوند آنچه خلق نموده! دخترانی را برای خود انتخاب کرده؟؟؟؟!!! و پسران را برای شما خاص نموده است؟؟؟؟!!! و وقتی که بیکی از ایشان مرده داده میشود!!! و به آنچه خدای رحمان مثل زده اند! یعنی برای خودش دختری بشارت داده شود! صورت او سیاه میگردد خشم خود را فرو میبرد!!! آیا کسیکه در زیورنشونما میشود که در پیکار آشکار نیست؟؟؟؟!!! و فرشتگان را که بنده خداوند هستند! دختران خداوند قرار داده اند! آیا در خلقت فرشتگان حاضر بودند؟؟؟؟!!! که بزودی شهادت ایشان نوشته خواهد شد! و باز خواست خواهند شد!!! و گفتند: اگر خداوند میخواست ما برای بُتها عبادت نمیکردیم!!! خداوند گفت: ایشان برای این سخن دلیلی علمی ندارند! و ایشان جز اهل ظنّ و گمان نیستند! بلکه میگویند: که پدران خویش را بر این راهی چنین یافته ایم! بدرستی که ما دنباله روی راه ایشان هستیم!!! ای محمد بدینگونه پیش از تو! در هیچ آبادی رسول و ترساننده نفرستادیم! جز آنکه بزرگان و ثروتمندانش گفتند: که ما پدرانمان را در این راه چنین یافته ایم! و به آثار ایشان اقتدا و پیروی میکنیم! آن رسول گفت: آیا از پدرانتان تقلید میکنید؟! و آیا اگر چه راه هدایتی بهتری از راه پدران خود برای هدایت یافته باشید! و اثر خداوند را برای شما بیاورم؟! باز هم راه پدران خود را میروید؟! گفتند: بدرستی که شما به آنچه فرستاده شده اید و به آنچه مأموریت دارید! که ما به آن کافریم!

پس از آنان انتقام گرفتیم! پس بنگر آخر کار تکذیب کنندگان چطور بوده است؟! وقتیکه ابراهیم بپدر و قوم خود گفت: آنچه را که عبادت میکنید که من بیزار هستم!!! مگر آن خداوندی که مرا از عدم خلق کرده و او را پرستش میکنم!!! که فقط او مرا هدایت خواهد کرد!!! ابراهیم آن کلمه توحیدی را قراردادده در نسل ایشان باقی باشد! تا شاید ایشان بتوحید برگردند! خداوند گفت: بلکه به این قوم بهره دادم و پدران ایشان را عذاب نکردم!!! تا قرآن حق برای ایشان آمده و بارسول بیان کننده باشند!!! وقتیکه قرآن برای ایشان آمده گفتند: که این سحراست و بدرستیکه ما به این قرآن کافر شده ایم! و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگی از این دو آبادی نازل نشده است؟؟؟ ای محمد آیا ایشان رحمت صاحب اختیار کلّ تور! تقسیم میکنند؟؟؟ در حالیکه ما وسایل زندگی ایشان را در میان ایشان! در زندگی این دنیا تقسیم میکنیم! و بعضی را بر بعضی بدرجاتی داده ایم!!! تا اینکه برخی دیگر را بکار مزدوری بگیرند! و حال آنکه رحمت خداوند صاحب اختیار کلّ تو! بهتر از آن است که از مال دنیا جمع میکنند! و اگر نه اینکه همه مردم بیک امت کافر نمیشدند!!! و آن کسانی که بخداوند کافر میشدند!!! اسقفهای خانه های ایشان را! و نربانهائی با آنها بلا میروند از نقره قرار میدادیم! و برای خانه ها و درها و تختهائی که بر آنها تکیه میزنند! از نقره و طلا قرار میدادیم! که اینها کالای وزینت و زیور در زندگی این دنیا چیزی دیگری نیست!!! و زندگی آخرت در نزد خداوند صاحب اختیار کلّ تو! برای پرهیزگاران بهتر میباشد از این دنیای که فانی است! و خداوند گفت: هر کسی که از قرآن خداوند روی گردانیده! شیطان را با او قرین و همنشین قرار میدهم! تا با او رفیق و همراه باشد!!! و بدرستیکه آن شیاطین ایشان را از راه خداوند باز میدارد!!! که خود را از هدایت شدگان می پندارد! تا اینکه روز قیامت بنزد خداوند میآید و در آنجا بشیطان میگوید: ای کاش دوری من تو بفاصله شرق و غرب بود! برای اینکه توجه همنشین بدی

بودی! گویند: و این آروزی و تمنا امروز بشما نفع نمیدهد برای اینکه شما ظلم کردید!!! بدرستیکه گفته میشود در عذاب مشترک هستید!!! ای محمدآیا تومی توانی کررا بشنوانی؟! و یامیتوانی کوررا هدایت بکنی؟! و کسی راکه در گمراهی آشکار باشد میتوانی هدایت کنی؟! پس تورا میبریم و یامیمیرانیم! بدرستیکه ما از ایشان انتقام میکشیم! و یا عذابی راکه برای ایشان است!!! بتو وعده داده ایم نشان بدهیم هیچ فرقی ندارد! برای اینکه ما برایشان اقتدار و تسلط داریم! پس ای محمد چنگ بزن به آن قرآنی که بتو وحی شده است!!! بدرستیکه تو در راه راست! درستی هستی! این قرآن برای تو و برای قوم تورا راه روش و نصیحت! پند هدایت است! و بزودی در روز قیامت قرآن را از تو و قوم تو پرسیده خواهید شد! و بپرس از پیغمبرانی که ماقبل از تو فرستاده بودیم! آیا غیر از خداوند رحمان خدایانی دیگری را قراردادده ایم؟؟؟؟ که پرستش و معبودی بشوند؟؟؟؟ و بدون شک حقیقت این است که موسی را با آیات خودمان!!! بسوی فرعون و بیزرگانش فرستادیم!!! پس گفت: بدرستیکه من از طرف خداوند صاحب اختیار کل جهان و جهانیان رسول هستم!!! پس وقتیکه آیات خداوند را آورد و به ایشان نشان داد! در آن وقت فرعون و فرعونیان!!! آیات خداوند را بریش خند گرفتند و خندیدند و هیچ آیه به ایشان نشان ندادیم!!! مگر آنکه بزرگتر از مانندش بوده باشد!!! و فرعون و اهلس را ببلاهایی گرفتار کردیم تا باشد!!! که بسوی حق برگردند گفتند: آهای ساحر! خداوند صاحب اختیار کلت را! برای ما بخوان! به آن عهدی که در نزد تو نهاده شده! بدرستیکه ما بدون شک به آن عهد هدایت شدگان هستیم! راه هدایت تورا قبول کردیم! پس وقتیکه عذاب را از ایشان بر طرف کردیم!!! ناگهان نقص پیمان کردند! و فرعون در میان قوم خود ندا کرد!!! و گفت: ای قوم من آیا پادشاهی مصر از آن من نیست؟! این نهرها که در فرمان جاری است؟! مخصوص من نیست؟! آیا نمی بینید؟! آیا من بهتر از اینکه!!! موسی خوار است نیستم؟! که سخن را خوب نمیتواند بیان کند؟! پس چرا دستبندهای طلا به او داده نشده است؟! و چرا فرشتگان قرین یکدیگر با او نیامدند؟! پس فرعون قوم خود را سبک و کم عقل یافت! پس بر او اطاعت کردند! زیرا که ایشان گروهی فاسقی بودند!!!

خداوندگفت: پس وقتیکه ما را بغضب آوردند از ایشان انتقام گرفتیم!!! و تمامی ایشان را غرق کردیم! و آنان را برای دیگران پیش روی ایشان! و برای عبرتی و مثلی بر آیندگان قرار دادیم!!! (از قرآن کریم و از سوره از زخرف آیات از ۵ تا ۶)

در روز قیامت صدای خشمناک غرش کننده!!! و در پی آن حوادثی ردیف کننده برمی آید! و در آن روز دلهائی ترسان و لرزان میشود!! چشمها خاشع و بگودی خواهند افتاد میگویند: آیا حقیقتاً از قبر بحالت اولمان از قبر برگشت داده می شویم؟! و آیا وقتیکه استخوانهای پوسیده شدیم دوباره زنده خواهیم شد؟؟؟؟!!! گفتند: این بازگشتی زیاد زیان آور و هلاک باری است؟؟!! خداوندگفت: این است جز این نیست آن فریاد وصیحه واحدی است!!! که ناگاه همه بصحرای قیامت رستاخیز بر میخیزند! ای محمد! یا حدیث موسی برای تو آمده است؟ وقتیکه خداوند صاحب اختیار کلّ موسی! در وادی مقدّس بابرکت طوی او را ندا کرده گفت: که بسوی فرعون برو زیرا که او سرکش شده است! پس بگو: آیا رغبتی داری که تاپاک بشوی؟! و تورا بطرف خداوند صاحب اختیار کلّ خودت! هدایت بکنم! تاکه از خداوند خالق خود کلّ بترسی؟! و پس آن آیت بزرگ و معجزه کبری را به او نشان داد! پس فرعون آیت خداوند را تکذیب کرد و نافرمانی نمود! آنگاه روی گردانید و کوشید! پس قوم را جمع آوری نمود ندا کرد! و گفت: من بالاترین ربّ و صاحب اختیار کلّ شما هستم!!! پس خداوند او را گرفت! و به عذاب دنیا گرفت و بعذاب آخرت گرفتار کرد! بدرستیکه در سرگذشت فرعون عبرتی است!!! برای آن کسیکه از خداوند بترسد! آيا شما از جهت خلقت سخت تر هستید؟! و یا آسمانی که خداوند آن را بناء نموده است؟! که سقف آسمان را برافراشت!!! آن را هماهنگ و مناسب کرد! و شبش را تاریکی و روزش را روشنی ظاهر ساخت! و زمین را پس از آن بغلطانید و حرکت داد! (حرکت زمین بدور خود و بدور خورشید که یکی از معجزات قرآن کریم است!!! که هزار چهار صد سال پیش خداوند

در این قرآن حرکت زمین را اعلام فرموده است!!! که در آن زمان هیچ کتاب و انسانی چنین اطلاعاتی نداشته بود! جز قرآن کریم وحی منزل) و آب را از زمین بیرون آورد و چراگاهها را بوجود آورد! و کوهها را استوار و رفیع ساخت!!! و چهارپایان را برای بهره مندی شما خلق کرد!!! پس وقتی که آن بلا یای بزرگتر روز قیامت بیاید! بیاد آورید!!! روز قیامت که انسان هر آنچه عمل کرده است بیادش بیاورد!!! و در آن روز دوزخ برای بینندگان آشکار میشود!!! فاما آن کسیکه در دنیا سرکشی کرده است! و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده بود! پس بدرستی که جایگاه او دوزخ است! و اما هر کسیکه از مقام عظمت خداوند صاحب اختیار کمال خودش بترسد!!! و خود را از خواهش نفس خودش بازدارد! پس بدرستی که یقیناً بهشت خداوند جایگاه و گهواره اوست!!!

(از قرآن کریم و از سوره النازعات آیات از ۴۱ تا ۴۶)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

خداوند خلاق جهانی گفت: قسم ببادهائی که بذرافشانی میکند! و تمامی درختان و نباتات را بارور و حاصله مینماید!!! (این آیت هم یکی از معجزات قرآن کریم است!!! که هزار چهارصد سال پیش که خداوند قرآن کریم فرموده است!!! که درختان و نباتات بوسیله باد جفتگیری میکند و باردار میشود!!! که علم امروز کار و عمل باد را ثابت کرده است؛ و تأیید میکند! و در زمان نزول قرآن هیچ بشر و دانشمندی نمیتوانست!!! بار گرفتن درختان و نباتات را بوسیله باد کشف کند) پس قسم بباد گیرنده بار سنگینی را که بدوش میگیرد!!! قسم به آب و خون و شیر و مایعات دیگری! و تمامی ستاره گانی که به آسانی جریان دارند!!! و قسم به تقسیم کنندگان او امر خداوند را!!! که فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین و غیره هستند!!! و بشما وعده داده میشود که در روز قیامت زنده خواهید شد که راست میباشد! بدرستی که قانون خداوند در روز قیامت اجرا و واقع شدنی است!!! قسم به آسمانی که دارای راههای است بدرستی که شما بدون شک در گفتار و زبان اختلاف دارید! آن کسیکه از قرآن روگردان میشود! از آن روگردان شده است!

پس مُرده باد بر دروغ‌گویان و دروغ بافان! **و آن کسانی که از قرآن روگران می شوند! در گرداب جهالت سرگردان هستند!** ای محمد از تو می پرسند؟! که روز قیامت کی و کجاست؟؟؟! **روزی است که ایشان بر آتش خود گرفتار و مبتلا میشوند!** که جزای بلایای خود را بچشید! که این آن عذابهای است! که شما بدان عجله و شتاب میکردید!!! بدرستی که پرهیزگاران در میان بهشتها و چشمه ها زندگی خواهند کرد! و آنچه را که خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان! عطاء کرده دریافت میدارند! زیرا که ایشان در دنیا نیکوکار بودند! و عادت ایشان این بود که کمی از شب را می خوابیدند! و سحرها ایشان از خداوند آمرزش میخواستند! و در اموالشان حقی برای سائل و محروم منظور میکردند! **و در این زمین آیات فراوان و قدرت و علم خداوند موجود!** برای اهل یقین است! **و در نفس شما آیات فراوانی هست پس آیا نمی بینید؟! روزی شما در آسمان است آنچه وعده داده میشود!!! پس بخداوند صاحب اختیار کلّ آسمانها و زمین!** که این قرآن حقّ است! **بمانند آنچه را که سخن میگوئید: ای محمد آیا حدیث مهمانان ابراهیم از فرشتگان ارجمند بتورسیده؟! و وقتی که بحضور ابراهیم وارد شدند که سلام میگفتند: و ابراهیم سلامی کرد و گفت: شما گروهی نا شناسید! که نهائی نزد اهل خود رفت! گوساله بریان و فربه را آورد!** و آن را نزد ایشان گذاشت که بخورند! **و ابراهیم گفت: چرا نمی خورید؟! پس وقتی که نخوردند ترسی از آنان بدل گرفت!! گفتند: ازمانترس و به او پسری دانا بشارت دادند!** پس زن او ناله کنان بیامد! **و زیاد بروی خود میزد و گفت: که پیرزنی نازاهستم! چطور چنین چیزی امکان دارد!!! فرشتگان گفتند: خداوند صاحب اختیار کلّ! تو چنین فرموده است: بدرستی که او خداوند درستکار و دانا است!** ابراهیم گفت: ای فرستادگان خداوند؟! **مأموریت شما چیست؟! گفتند: بدرستی که ما فرستاده شده ایم!!! بسوی قوم گناهکاران لوط!!!** تا بر سر ایشان سنگی از گل! **سنگباران کنیم!** که سنگهایی است!! **از نزد خداوند صاحب اختیار کلّ تو!** مهر کرده شده است! که برای اسراف کنندگان آماده شده است! پس هر

کسیکه در آنجا از مؤمنین بوده باشند بیرون آوردیم! پس در آنجا جزیک خانه از مسلمین نیافتیم! و در آنجا آیت و نشانه عبرتی گذاشتیم!!! برای آن کسانی که از عذاب دردناک خداوند میترسند!!! و در قصه موسی آیت عبرتی است!!! برای ایمان آورندگان!!! هنگامیکه او را با معجزه و دلیلی روشنی بطرف فرعون فرستادیم! با غرور پادشاهی و قدرت! از حق اطاعت نکرد! و گفت: موسی ساحر است! و یامجنون! پس او را با لشکرش گرفتیم! و بدریا افکندیم!!! در حالیکه او خودش را نکوهش! و ملامت میکرد!!!
(از قرآن کریم و از سوره الزاریات آیات از ۱ تا ۴۰)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

خداوند فرموده است: ای بنی اسرائیل بیاد آورید نعمتی را بشما عطا کردیم! و بییمان من وفا کنید! و من هم بییمان شما وفا میکنم فقط از من بترسید!!! و قرآنی را که فرستاده ایم ایمان بیاورید! زیرا که تورات شما را تصدیق میکند! و اولین کافربه قرآن نباشید! و آیات مرا ببهائ اندکی نفروشید و فقط از قهر و غضب من بپرهیزید! و حق را با باطل مپوشانید و حق را کتمان مکنید و حال آنکه شما حق را میدانید! و نماز را بپا دارید! و زکات را بدهید! و با رکوع کنندگان رکوع کنید! و آیا شما مردم را بنیکی امر میکنید؟! و خودتان را فراموش مینمایید؟! و در حالی که شما کتاب قرآن را میخوانید!!! آیا عقل خود را بکار می اندازید؟؟؟! و بوسیله در صبر و نماز از خداوند متعال یاری و کمک بطلبید! بدرستی که برای ترسندگان و خاشعون این امر بزرگیست که ایمان آورده اند! آن کسانی که از خداوند میترسند! و بملاقات خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان!!! یقین دارند! و معتقد هستند!!! که در روز قیامت فقط به اورجوع خواهند کرد!!! ای بنی اسرائیل نعمتی را که بشما عطا کردم!!! و شما را بر جهانیان زمان موسی برتری دادم بیاد بیاورید! و از روز قیامت بپرهیزید! که هیچ کسی را بجای دیگری جزاء داده نمیشود!!! و

از هیچ کسی شفاعت قبول نمیشود! و از هیچ کسی فدیة و عوض گرفته نمیشود!!! و به ایشان هم در روز قیامت یاری و کمک کرده نخواهد شد!!! و بیاد آورید هنگامیکه شما را از زیر بار سلطه فرعون بودید! که بدترین عذابها بشما روا میداشتند!!! پسران شما را سر میبردند و ذبح میکردند!!! و زنانتان رازنده نگاه میداشتند! شما از این عذاب هانجات دادیم!!! و از طرف خداوند صاحب اختیار کَلّ شما! این بلاء و امتحان بزرگی بود! و بیاد آورید هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم!!! و شما را نجات دادیم!!! و فرعون و اهلس را غرق نمودیم در حالیکه شما نگاه میکردید! و بیاد آورید که موسی را چهل شب و عده دادیم! پس از رفتن او گوساله را بخدائی گرفتید!!! و شما بودید که ظلم کردید!!! سپس بعد از این کار شما!!! از شما گذشت کردیم! باشد که شما شکر گزار باشید!!! **بیاد آورید وقتیکه بموسی کتاب تورات را دادیم! که جداکننده حقّ و باطل را از یکدیگر بود! و شما را هدایت کننده بود! و وقتیکه موسی بقوم خود گفت: ای قوم من بدرستی که شما بخودتان ظلم کردید و گوساله را بجای خداوند پرستش کردید! پس بسوی خالق خودتان برگردید و خودتان یکدیگر را بکشید! در نزد خالق شما این کار برای شما خوب است! توبه کنید که توبه شما را می پذیرد! زیرا که او خداوندیست توبه را بامهربانی قبول میکند!!! و زمانی که گفتید: ای موسی ما هرگز بتو ایمان نمی آوریم! تا هنگامیکه خداوند را آشکارا ببینیم!!! پس از این حرف صاعقه مرگ شما گرفت! در حالیکه شما خودتان نگاه میکردید! سپس بعد از مُردنتان شما را زنده کردیم! باشد که شکر گزار باشید! و ابر را برای شما سایه بان قرار دادیم! و برای شما منّ و سلوای فرستادیم!!! و گفتیم: از روزیهای پاکیزه بخورید! ولیکن ایشان بما ظلم نکردند! بلکه بخودشان ظلم کردند!!! و وقتیکه گفتیم: به این قریه بیت المقدّس داخل شوید! و از میوه و طعام و غذای آن که فراوان است بخورید! و از در آن باحال سجده کنان وارد شوید!!! و بگوئید: خدایا گناهان ما را ببخش! تا گناهان شما را ببخشم و اجر نیکوکاران زیاد میکنیم!!! پس آنانیکه ظلم کردند قولی را که به ایشان گفته شده بود! عوض! تبدیل کردند! بدرستی که عذابی از**

آسمان بخاطر نافرمانی و فساد ایشان فرستادیم!!! وقتیکه موسی برای قوم خود آب خواست!!! پس ما گفتیم: ای موسی عصای خود را بسنگ بزن!!! پس سنگ شکافته شد! و از آن دوازده چشمه آب بیرون آمده! هر دسته از مردم محل آبش خور خود را دانستند! و گفتیم: از روزی خداوند بخورید و بیاشامید! و در روی زمین بفساد بر مخریزید!!! ای بنی اسرائیل بیاد آورید وقتی راکه گفتید: ای موسی ما هرگز بیک طعام واحد! صبر نخواهیم کرد! پس خداوند صاحب اختیار کل خود را بخوان! از روئیدنی های زمین برای ما بیرون آورد! از سبزیجات!!! و سیران و عدسی آن و پیاز آن موسی گفت: آیا آنچه را پست تراست تقاضا دارید؟؟!! بجای آنچه راکه بهتر است؟! در مصرف رود آئید!!! که هر چه خواسته اید در آنجا برای شما وجود دارد! و بجهت کفر ایشان به آیات خداوند! خواری ذلت و بیچارگی! و درماندگی بر آنها زده شد! و دچار خشم الهی شدند! و بسبب اینکه پیغمبران خداوند را بناحق بقتل رسانیدند و میکشند!!! اینها و بسبب عادت عصیان و فساد!!! ایشان که تجاوز کار بودند! به عذاب الهی گرفتار شدند!!! بدرستی که هر یکی از مؤمنین و یهودیان و نصاری و صائبین غیره! هر کسیکه به خداوند روز قیامت ایمان آورد! و عمل شایسته انجام دهد! برای ایشان اجرشان نزد صاحب اختیار کل شان محفوظ است! و برای ایشان خوفی و اندوهی وجود ندارد! و زمانی که از شما پیمان گرفتیم!!! و کوه طور را بالای سر شما بلند کردیم!!! و گفتیم: که کتاب تورات را بشما دادیم که با قوت و نیرو بگیرید!!! و آنچه در آن است یاد بگیرید! تا شاید پرهیزگار شوید!!! سپس آن پیمان راکه از شما گرفتیم اعراض کردید!!! و برگشتید! پس اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود!!! بدو نشک از زیانکاران بودید! و حقیقت این است که! قصه یهودیانی که در روز شنبه تجاوز کردند! پس ما به ایشان گفتیم: که میمونها را رانده شده باشید! پس آنان را برای کسانی که حضور داشتند عبرتی قرار دادیم! و برای آن کسانی که بعد از ایشان بیایند! و برای مؤمنین و پرهیزگاران پند و نصیحت است!!! و بیاد آورید وقتی راکه موسی بقوم خود گفت: بدرستی که خداوند بشما امر میکند! که گاوی را ذبح کنید! ایشان گفتند: آیما را مسخره میکنی؟! موسی گفت: بخداوند پناه میبرم! از اینکه از نادانان

بوده باشم! گفتند: خداوند صاحب اختیار کلّ خودت را بخوان!!! که برای ما بیان کند که آن گاو چگونه است؟! موسی گفت: حقیقت این است که خداوند میفرماید: که آن گاو نیست نه از کار افتاده و نه جوان! و بکار هم نیامده است!!! حالتی دارد بین این دو است!!! پس آنچه را که مأمورید بجا آورید!!! گفتند: خداوند صاحب اختیار کلّ خودت را برای ما بخوان!!! که رنگ آن را بیان کند!!! موسی گفت: رنگ آن گاو زربینی و زرد خالص است! و رنگ چشم بینندگان را شاد و مسرور میسازد! گفتند: خداوند صاحب اختیار کلّ خودت را برای ما بخوان!!! که چگونه آن را برای ما بیان کند! زیرا که آن گاو برای ما مشتبه است!!! بدرستی که اگر خداوند بخواهد! ماهدایت یافته گانیم!!! موسی گفت: آن گاو نیست رام نشده که زمین را شیار کند! و رام نشده که زراعت را آب بدهد! و بی عیب یک رنگ است! و در رنگ او نقطه رنگ دیگری وجود ندارد! گاورا آوردند گفتند: اکنون درست حقّ را روشن ساختی! پس همان گاورا ذبح کردند! حاضر به انجام دادن مأموریت نشدند!!! موسی گفت: وقتیکه شما شخصی را کشتید!!! و در قتل آن خودتان را بیگناه معرفی مینمائید!!! و از خودتان دفاع میکردید! و خداوند آنچه را که مخفی و کتمان میکردید آشکار نمود!!! خداوند فرمود: بموسی گفتیم: پاره از اعضاء گاو ذبح شده را به آن مقتول بزنید! آنگاه بنگرید که زنده خواهد شد! و قاتلان خود را نشان خواهد داد! که باز خواهد مُرد! و بنگرید که خداوند مُردگان را در روز قیامت اینگونه زنده خواهد کرد! و خداوند آیات خود را بشما نشان میدهد! تا تفکر کنید! و عقل خود را بکار اندازید! پس بعد از این معجزه! و بر آیات دلّهای شما سخت شد! که مانند سنگ و یا سخت تر از آن شد! که از جهت قساوت قلب!!! و بدرستی که بعضی از سنگها میشکافد! و از آن آب جاری میشود!!! و بدرستی که از سنگها از ترس خداوند فرود می آید! و بدانید که خداوند از رفتار و کردار شما غافل نیست! ای محمّد و مؤمنین آیا طمع دارید؟! که این یهودیان بدین شما ایمان بیاورند؟! در صورتی که گروهی از ایشان کلام خداوند را شنیدند! و پس از درک و تعقل آن را تحریف میکنند! و میدانند که خیانت میکنند!!! و وقتیکه با اهل ایمان ملاقات میکنند! میگویند: که ایمان آورده ایم! و وقتیکه با دیگران خلوت میکنند!!! بیک

دیگر میگویند: آیا از آنچه خداوند برای شما مکشوف نموده؟! بمسلمین خبر میدهد
 ؟! تادرنزد خداوند صاحب اختیار کلّ شما! با شما احتجاج کنند؟! آیا عقل ندارید؟!
 خداوند گفت: آیابنی اسرائیل میدانند! آنچه را پنهان میکنند! و آنچه را که آشکار
 مینمایند خداوند میدانند! و بعضی از ایشان بی سواد هستند!!! و از کتاب آسمانی
 تورات چیزی نمیدانند! جز اینکه آرزوهای و خیالها چیز دیگری نمیدانند! و فقط
 اهل خیال و گمان هستند! پس وای بر کسانی که با دست خود کتابی مینویسند!!!
 سپس میگویند: این کتاب از نزد خداوند است!!! تا بواسطه آن کتاب متاع کمی
 بدست آورند! پس وای بر ایشان و از آنچه را که دستهای ایشان نوشته است! و
 وای بر ایشان آنچه را که کسب میکنند!!! و گفتند: هرگز ما آتشی نمیرسد مگر
 چند روزی! ای محمد بگو: آیا بر این ادعا خود از خداوند پیمانی گرفته اید؟! که
 هرگز خداوند وعده خلاف نیست!!! و آیا چیزی را که به خداوند نسبت میدهند که
 نمیدانید؟! آری هر کسی که کارهای را اندوخته باشد!!! و اعمال و کردار و خطای
 او! او را احاطه خواهد کرد!!! چنین کسانی اهل دوزخ و جهنم هستند!!! و در آنجا
 جاوید و همیشه خواهد ماند! و آن کسانی که ایمان آورده اند! کار و عمل شایسته
 انجام داده اند!!! آن گروه اهل بهشت هستند!!! و در آنجا جاوید و همیشه خواهند
 ماند!!! و وقتیکه از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم! که جز خداوند هیچ کسی و چیزی
 را نپرستید! و بوالدین و خویشاوندان و مساکین و یتیمان را احسان نمایند!!! و
 برای مردم سخن خوش و خوب بگویند: و نماز را بپادارید! و زکات را بدهید!!!
 سپس جز عده قلیلی! از شما روی گردانید و اعراض کردید!!! و وقتیکه از شما
 پیمان گرفتیم که خون خودیهای نریزید!!! و خودیها را از خانه هایشان خارج
 نکنید!!! سپس اقرار کردید! و خودتان گواهی دادید!!! پس شما همانها هستید که
 خودیها را میکشتید!!! و هم دیگر را از خانه های خود خارج میسازید! و برگناه و
 تجاوز پشنتیبان یکدیگر هستید! و اگر کسانی اسیر شما شوند فدیه می طلبید! و حال
 آنکه بیرون کردن ایشان را بر شما حرام کردیم! آیا شما بعضی از احکام کتاب

الهی ایمان دارید؟! و به قسمت دیگر کتاب را کافر میشوید؟! پس جزای و پاداش کسانی که از شما چنین میکنند! جز خواری در دنیا چیست؟! بهره ایشان و در روز قیامت بشدیدترین عذاب الهی گرفتار خواهند شد!!! و خداوند از اعمال و کردار شما غافل نیست! آن گروه کسانی هستند دنیا را در عوض آخرت خریدند! و در عذاب آخرت برای ایشان تخفیف داده نخواهد شد! و به ایشان یاری کرده نمی شود! و حقیقت اینست که بموسی کتاب تورات را داده ایم! و از پی آن پیغمبران دیگر فرستادیم! و به عیسی پسر مریم دلیلهای و حجتهای روشنی دادیم!! و او را بروح القدس تأیید نمودیم!!! که هر پیغمبری از طرف خداوند با دستوری آمده بود! که برخلاف میل شما آورده بود! شما تکبر و اعراض میکردید! پس گروهی از پیغمبران خداوند را تکذیب میکردید! و گروهی را میکشتید! بقتل رسانیدید!!! و بنی اسرائیل گفتند: دل های ما در پرده غفت است! و چیزی از سخن حق وارد آن نمیشود!! و چنین نیست بلکه خداوند برای ایشان بواسطه کفر ایشان لعنت کرده است! زیرا که از ایشان کمی ایمان می آورند! و وقتیکه کتاب قرآن از نزد خداوند بسوی ایشان آمده!!! که تصدیق کننده تورات آنان بوده است! و برای ایشان قبل از نزول قرآن عادت چنین بود! که به امر بعثت رسول خداوند بر کفار فتح و غلبه می جستند! پس وقتیکه قرآن آمده که شناختند! و به آن کافر شدند! پس لعنت خداوند بر کافران باد! با خود چه معامله بدی کردند!!! که آنچه خداوند نازل فرموده بود کافر شدند!!! برای اینکه عداوت کنند که چرا خداوند بفضل رحمت خود را! برای بنده از بندگانی نازل فرموده؟! خشمی علاوه بر خشم سابق مبتلا شدند! و برای کفار عذاب خوار کننده است! و زمانیکه به ایشان گفته شود! قرآنی که خداوند نازل نموده ایمان بیاورید! میگویند: آنچه بر ما نازل شد ایمان می آوریم!!! و بغیر آن کافر میشویم!!! در صورتی که آنچه نازل شده حق است! و آنچه را که با ایشان است تصدیق کننده است! ای محمد بگو: اگر بسخن خود ایمان دارید!!! پس چرا پیغمبران خداوند را که قبلاً آمده بودند؟! و یهودی هم بودند میکشتید و بقتل رسانیدید؟! حقیقت اینست که موسی بامعجزات روشنی

برای شما آمده!!! شما پس از اوگوساله پرستی را انتخاب کردید و شما ستمگر هستید! خداوند گفت: و بباد آورید از شما پیمان گرفتیم!!! و کوه طور را تا بر فراز شما بلند کردیم!!! و گفتیم! نور را که برای شما آمده بانبروی قوت ایمان بگیرید و بشنوید! شما گفتید: شنیدیم و عصیان و نافرمانی کردیم! و دل‌های ایشان بواسطه کفر و دوستی گوساله پرستی آبیاری شده است!!! بگو: ایمانتان شما را ببد!!! چیزی فرمان می‌دهد!!! اگر ایمان داشته باشید که بدانید؟! ای محمد بگو: اگر خانه آخرت در نزد خداوند بشما اختصاص دارد نه بسایر مردم! پس اگر راست می‌گویند: تمنا آرزوی مرگ کنید تا به عزت برسید!!! هرگز نمی‌توانید تمنا آرزوی مرگ کنید!!! زیرا که بواسطه کارهای زشتی است!!! که بدست خودتان به آخرت فرستادید! که خداوند بکارهای ستمگران دانا و آگاه است! بدون شک یهودیان را حریص‌ترین مردم جهان بزندگی دنیا می‌بینی!! و حریص‌تر از کسانی که شرک آوردند!!! هر یکی از ایشان دوست دارد! که هزار سال عمر کند!!! و اگر هزار سال هم عمر کند!!! این عمر او را عذاب خداوند نجات نخواهد داد! هر کاری که انجام می‌دهند خداوند به آن آگاه و بینا است! بگو: چه کسی دشمن جبرئیل است!!!؟؟؟؟ در صورتی که جبرئیل قرآن را بفرمان خداوند بر قلب تو نازل کرده است! قرآنی که کتابهای آسمانی قبل را تصدیق میکند!!! و برای مؤمنین هدایت و بشارت دهنده است! هر کسی که با خداوند و فرشتگان او و رسولان او و جبرئیل و میکائیل عداوت و دشمنی کند کافر است!!! بد رستیکه خداوند دشمن کافران است!!! و ای محمد حقیقت اینست که قرآن را بسوی تو نازل کردیم!!! که آیات او واضح و روشن است! و هیچ کسی به قرآن کافر نمی‌شود! مگر کسانی که فاسق هستند! و یا یهودیان با خداوند عهد بستند! گروهی از ایشان شکستند! و بدورانداختند! منتها که را میشکستند! بلکه بیشتر ایشان ایمان نمی‌آوردند! و هنگامیکه پیغمبری از جانب خداوند برایشان آمده! پیغمبری که کتاب ایشان را تصدیق کرده! گروهی از آن کسانی که به ایشان کتاب داده شده بود! که کتاب خداوند را پیشت سر انداختند! گویا که از آن چیزی نمیدانند!!!

(از قرآن کریم و آیه‌های ۴۰ تا ۱۰۱)

خداوند گفت: ای محمدیهودیان اهل کتاب از تو سؤال میکنند؟ که از آسمان برای ایشان کتابی نازل میکنی؟! پس حقیقت اینست که! از موسی بزرگتر از این سؤال کردند! پس گفتند: که خداوند را آشکارا بما نشان بده! پس بواسطه ظلمشان عذاب صاعقه ایشان را گرفت! و پس از آنکه دلیلهای روشنی؛ معجزات آشکار برای ایشان آمده! سپس گوساله را بجای خداوند گرفتند و پرستش کردند! که پس از آن عفو کردیم! و بموسی دلیلی آشکار و حجتی عطاء کردیم! و کوه طور را در بالای سر ایشان بلند کردیم! بسبب پیمانی که از ایشان گرفتیم! و گفتیم: در حال سجده وارد درب بیت المقدس شوید! و از ایشان پیمان محکمی گرفتیم! و گفتیم: که در روز شنبه تجاوز نکنند! پس بواسطه پیمان شکنی بنی اسرائیل!!! و کفر به آیات خداوند! و کشتن پیغمبران خداوند را به غیر حق! و بسبب گفتار ایشان که دلهای ما در غلافست! که چیزی به آن نمیرسد!!! بلکه خداوند بر دلهای ایشان مهر زده! بواسطه کفر کردن ایشان!!! پس از ایشان ایمان نمی آورند مگر اندکی! و ایشان در گفتار کفر کردند!!! و به مریم بهتان و تهمت بزرگ ناروا زده اند!!! گفتند: عیسی مسیح پسر مریم رسول خداوند را ما کشتیم!!! و حال آنکه او را نکشتند و بدار نیاموختند! بلکه برای ایشان اشتباه شده است!!! و بدرستی که آن کسانی که در قتل او اختلاف کردند! بدون شک از قتل آن در شک هستند! و برای ایشان علمی به آن نیست! مگر که از ظن و گمان پیروی میکنند!!! و یقیناً عیسی مسیح رسول الله را نکشتند! بلکه خداوند عیسی مسیح رسول الله را بسوی خود بالا برد! و خداوند غالب و حکیم است! و از اهل کتاب احدی نیست! مگر اینکه بدون شک پیش مرگ خود! به پیغمبری عیسی مسیح ایمان آورده باشد!!! و در روز قیامت گواه برایشان می باشند!!! پس آنانیکه یهود بودند!!! چیزهایی که حلال شده بود برای ایشان حرام کردیم! زیرا که بسیار از مردم را از راه خداوند باز میداشتند! و یهودیان ربا گرفتند! به حقیقت از گرفتن ربا نهی شده بودند! و

یهودیان اموال مردم را به باطل میخوردند! و از راه خداوند باز میداشتند! برای کافران از ایشان عذاب دردناک مهیا و آماده کردیم! بلکه از ایشان در علم استواران و ثابتان هستند! که ایمان آورده اند!!! و ایمان می آورند! به قرآنی که بسوی تو نازل شده است! و آنچه قبل از مبعوث تو نازل شده است ایمان داشتند! و ایشان بپا دارندگان نماز و دهنده زکات هستند!!! و به خداوند بروز قیامت هم ایمان!!! آوردگان هستند!!! بزودی بر ایشان اجر و پاداش بزرگی خواهم داد!!! ای محمد بدرستی که ما بسوی تو وحی کردیم! چنانکه بسوی نوح و پیغمبران بعد از او وحی کردیم و بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان را وحی کردیم! و بدو زبور را داده ایم! و حقیقت این است که اینها رسولان هستند که قصه ایشان را بر تو نازل کردیم!!! و پیش از این رسولانی بودند! که قصه ایشان را بر تو نازل نکردیم!!! و خداوند باموسی سخن گفت: و تکلم نموده است!!! رسولانی که بشارت دهنده و ترساننده بودند! برای اینکه بعد از آن رسولان! بر مردم برای علیه خداوند دلیل و حجتی نیاورده باشند! که چرا راهنمایی فرستاده نشده؟! خداوند غالب و حکیم است!!! ای محمد بلکه خداوند خودش گواهی میدهد! به قرآنی که بتو نازل کرده است! قرآنی که خداوند با علم خود نازل فرموده است! و فرشتگان هم گواهی میدهند!!! و خود خداوند برای شهادت نازل قرآن کافی است! بدرستی که آن کسانی که کافر شدند! و مردم را از راه خداوند باز میدارند! حقیقت اینست که از راه خداوند گمراه شدند!!! گمراهی که از حقیقت خیلی دور هستند! بدرستی که آن کسانی که کافر شدند و بمردم ظلم کردند! خداوند ایشان را مشمول آمرزش و رحمت خود نکرده نمی کند! و ایشان را براه خود هدایت نمی نماید! مگر براه دوزخ هدایت میکند!!! که همیشه در آن ماندگار میباشند! این کار برای خداوند آسان است! ای مردم جهان حقیقت این است که این محمدرسول الله است!!! و راه حق را از نزد خداوند صاحب اختیار کلّ شما! برای هدایت شما آورده است! پس برای او ایمان بیاورید که برای شما خوب است!!! و اگر کافر شوید پس بدانید!!! بدرستی که هر چه در آسمانها و زمین است مال مخصوص خداوند است! و خداوند دانا و حکیم است!

خداوندگفت: ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید! و بر خداوند جز کلمه حق طبق واقع چیزی دیگر نگویید!!! این است جزاین نیست که عیسی مسیح پسر مریم رسول الله و کلمه اوست! که بسوی مریم انداخته؛ و از وحی اوست! پس بخداوند و رسولان او ایمان بیاورید!!! و میگوئید: که خدا سه تا است!!! و اگر این گفتار رانهی کنید برای شما خوب است!!! این است جزاین نیست؛ خدای؛ شما خداوند واحد؛ و یکتا و منزّه و پاک است؛ که برای او فرزندی بوده باشد! و آنچه در آسمانها و زمین است؛ مخصوص ملک و مال خداوند است! و خداوند برای وکالت مخلوق خود کافی است! هرگز عیسی مسیح رسول الله ننگ و ابا ندارد! که بنده خداوند باشد! و فرشتگان مقربین نیز ننگ و ابا ندارند! که بنده خداوند باشند! و هر کسی که از بندگی خداوند ابا کند و خود را بزرگ بشمارد!!! پس بزودی خداوند همه را بسوی خود بروز قیامت محشور خواهد کرد! و در میان ایشان حکم خواهد کرد! پس اما آنکسانیکه ایمان آوردند! و عملهای شایسته انجام دادند! پس خداوند پاداش آنان را بتمامی میدهد! و از فضل و رحمت خود برای ایشان می افزاید! و اما آن کسانیکه از بندگی او خود داری کردند!!! و بزرگی نمودند! پس خداوند ایشان را عذاب میکند! عذابی دردناکی! و جز خداوند برای خود دوست و یاری نخواهد یافت! آهای مردم جهان حقیقت اینست! که از خداوند صاحب اختیار کلّ شما! برهان و دلیلی بسوی شما آمده است! که فرستاده نور روشنی خداوند می باشد! پس اما آن کسانیکه بخداوند ایمان آوردند! و بقرآن چنگ زدند! پس بزودی خداوند ایشان را به فضل و رحمت خود داخل میکند!!! و ایشان را بسوی راه راست خود هدایت خواهد کرد!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۵۳ تا ۱۷۵)

آهای مؤمنین نعمت خداوند را بیاد آورید بر خودتان!!! و وقتی که قومی بسوی شما قصد کردند که دست درازی کنند! پس خداوند دست ایشان را از شما باز داشت! و از خداوند بترسید! پس باید توکل مؤمنین بر خداوند بوده باشد! و حقیقت این است که خداوند از بنی اسرائیل پیمانی گرفت! و از ایشان دوازده نفر رئیس

برانگیخت!!! و خداوند گفت: بدون شک من با شما هستم!!! اگر نماز را بپا دارید و زکات را بدهید! و برسولان من ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید! و بخداوند قرض الحسنه بدهید! بدون شک گناهان شما را میپوشانم و محو میکنم!!! و بدون شک شما را داخل بهشت مینمایم! که در زیر قصرها و درختانش نهرهای جاری است! پس بعد از این هرکسی از شما کافر شود و حق را بپوشاند! حقیقت این است! که از راه راست خداوند گمراه شده است! پس آنانیکه پیمان خود را بشکستند!!! برای ایشان لعنت کردیم و دل‌های ایشان را قسی نمودیم! زیرا که کلمات خداوند را از جایش تحریف میکردند! و قسمتی و بهره که از آنچه به آن تذکر داده شدند فراموش کردند! و ای محمد همواره بر خیانتی از ایشان مطلع میشوی مگر کمی! پس از آن ایشان را عفو کن و بگذر! زیرا که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد! و بعضی از آنان کسانی که گفتند: که نصاری میباشیم!!! و از ایشان هم پیمان گرفتیم! پس قسمتی و بهره که از آنچه تذکر داده شده بودند! آن را فراموش کردند! تا روز قیامت در بین ایشان دشمنی انداختیم!!! و به همین زودی خداوند برای ایشان به آنچه عمل میکنند خبری میدهد!!! ای اهل کتاب حقیقت این است! که رسول ما محمد برای شما آمده که بیان میکند! بر شما بسیاری از کتاب آسمانی خودتان را مخفی میکردید! و عفو میکند بسیار از شما را! حقیقت اینست که کتاب نور و روشنی از خداوند برای شما آمده است! هر کسی که باخشنودی او را پیروی کند!!! خداوند بواسطه آن کتاب او را بر راههای سلامتی هدایت کرد! این کتاب ایشان را با اجازه خداوند بسوی نور بیرون می آورد!!! و ایشان را براه راست هدایت میکند!!! حقیقت اینست که آن کسانی که گفتند: که خداوند همان عیسی مسیح پسر مریم است! کافر شدند! ای محمد بگو: اگر خداوند اراده کند! که عیسی مسیح پسر مریم و مادر او را؟! و تمامی اهل زمین را هلاک و نابود کند؟! چه کسی از طرف خداوند اختیار دارد؟! خداوند را از این کار منع کند؟! و هر چه در آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست! ملک و مال مخصوص خداوند است!!! و خداوند هر

چیزی را که بخواهد از عدم خلق میکند! و خداوند بهمه چیزوشی قدرت دارد و توانا است! و یهود و نصاری گفتند: که ما پسران خداوند و دوستان او هستیم!!! ای محمد بگو: اگر راست میگویند: پس چرا خداوند!!! بخاطر گناهانتان شما را عذاب میکند؟! بگو: شما مخلوق خداوند و بشر هستید!!! و خداوند هرکسی را که بخواهد می آمرزد! و هرکسی را که بخواهد عذاب میکند! و تمامی ملک آسمانها و زمین و بین آنها مخصوص خداوند است!!! و بازگشت همه بسوی خداوند است!!! ای اهل کتاب حقیقت این است! که رسول ما محمد آمده که برای شما دوران پیشین را بیان میکند! که تا مبادا بگویند: پیغمبرانی نبوده اند و نیامدند! که برای ما مرده دهند و ترساننده بوده باشند! و بدرستی که بشیروندیزی برای شما آمده است! و خداوند بر همه چیز قادر و توانا است!!! و زمانی که موسی بقوم خود گفت: خداوند نعمت خود را بشما عطا کرده است بیا آورید! هنگامیکه پیغمبران را در میان شما قرار داده!!! و بر شما سلطنت عطا کرد!!! پیش از شما به احدی از جهاتیان نداده است! ای قوم من بزمین مقدس داخل شوید!!! که خداوند بر شما مقرر داشت!!! که بر عقب خود برنگردید که زیان خواهید دید!!! گفتند: ای موسی بدرستی که در آن بیت المقدس قومی سرکشی و جبار هستند! بدرستی که ما به آن هرگز داخل نخواهیم شد! تا که ایشان از آن خارج شوند!!! پس اگر از آن خارج شدند! پس ما داخل خواهیم شد! از قوم موسی دو مردی که از خداوند می ترسیدند! که خداوند بر آنان نعمت ایمان داده بود! گفتند: اگر شما از دروازه شهر برایشان داخل شوید پیروز خواهید شد! و اگر ایمان آورده باشید بر خداوند توکل کنید! گفتند: ای موسی بدرستی که ما هرگز داخل نخواهیم شد!!! مادامیکه ایشان در شهر هستند! و گفتند: پس ای موسی تو و خدائی تو بروید و جنگ کنید! که مادر اینجا نشسته ایم! موسی گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ من! بدرستی که که من بجز خودم و برادرم مالک اختیار نیستم!!! پس بین ما و بین این قوم فاسد جدائی بینداز!!! خداوند گفت: که این زمین بر ایشان حرام شده است که چهل سال در آن حیران و سرگردان خواهند ماند!!! پس برای این قوم فاسق افسوس

مخور! ای محمدخبردو پسر آدم را برای ایشان بخوان که طبق واقع شد! هنگامیکه دو پسر آدم قربانی را حاضر کردند!!! پس قربانی یکی از آن دو قبول شد!!! و از دیگری پذیرفته نشد!!! یکی گفت: بدون شک تو را میکشم!!! او گفت: بدرستی که خداوند احسان را از متقیان میپذیرد!!! و اگر دستت را بسوی من دراز کنی تا مرا بکشی! من دستم را بسویت دراز نمیکنم! که من از خداوندی که صاحب اختیار کلّ جهانیان است میترسم!!! حقیقت این است که من میخواهم گناه مرا گناه خودببری که از اهل آتش بشوی! زیرا که جز او پاداش ستمگران این است! پس نفس او! او را وادار کرد! که برادرش را بقتل برساند! پس او را کشت و از زیانکاران گردید!!! پس خداوند کلاغ را برانگیخت که زمین را میکاوید! تا به او بنمایاند که جسد برادرش را چگونه مستور کند!!! گفت: ای وای بر من که عاجزم که مانند این کلاغ باشم! که جسد برادرم را بپوشانم! و بعد از آن پشیمان گردید! خداوند گفت: همین جهت است که برای بنی اسرائیل نوشتم!!! که هر کسی را که جز به قصاص!!! و یا فسادی که در زمین کرده باشد بکشد!!! پس مثل این است که همه مردم جهان را کشته است!!! (زیرا که کشتن یک فرد بیگناه قاصد قتل تمامی جهانیان است! و مبشر بی عدالتی را نشان میدهد) و آن کسی که نفس بی گناه را از مرگ نجات دهد زنده کند!!! پس مثل این است که همه جهانیان را زنده کرده است (زیرا که هر کسی بیگناه را از مرگ نجات میدهد!!! قاصد نشان عدالتی! و رفع ظلم است) و حقیقت این است که خداوند برای آنان!!! رسولان را با نشانه و آیات روشن فرستاده است! سپس بعد از آن حقیقت این شده که بسیار از ایشان در زمین اسراف کاران بودند و هستند!!!

(از قرآن کریم و از سوره المائده آیات از آتا ۳۲)

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

خداوندگفت: بدرستی که این قرآن راه راست و درست من است! پس از این قرآن پیروی کنید! و از راههای دیگر پیروی نکنید!!! که شما را از راه خداوند جدami سازد و پراکنده میکند! و شما آن قوم هستید که خداوند قرآن را بشما سفارش و وصیت میفرماید: باشد که شما پرهیزگار شوید!!! سپس بموسی کتاب تورات را تماماً در یک جادادیم! تا نعمتی را بر آن کسیکه نیکوکار است تمام کنیم!!! و برای کسیکه کارهای خوبی را انجام داده است!!! و هر چیزی را تفصیل داده است! و برای ایشان که بملاقات روز قیامت خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان ایمان بیاورند! هدایت و رحمت میباشد! و این قرآن کتابی است که بابرکت نازل کردیم! پس آن را پیروی کنید و پرهیزگار باشید! که مورد رحمت خداوند بشوید! و اگر که بگوید: جز این نیست که کتاب بردو طائفه پیش از ما بیهود و نصاری نازل شده است!!! ای محمد بگو: من که سوادى ندارم و از خواندن کتابهای قبلی غافل و بی خبر هستم! و یا اگر بگوئید: کتابی که بر ما نازل شده بود!!! بدرستی که ما از آنان بهتر هدایت شده بودیم!!! پس حقیقت این است که از طرف خداوند صاحب اختیار کلّ شما!!! برای خود شما دلیلی روشنی و هدایت و رحمتی آمده است! پس ظالمتر آن کیست که آیات خداوند را تکذیب کند؟! و از آن روی بگرداند!!! و آنانیکه از آیات خداوند روی میگردانند!!! بزودی برای ایشان عذاب بدی جزا خواهیم داد! و بسبب اینکه از آیات خداوند روی میگردانیدند! آیا منتظرند و ایمان نمی آورند؟! تا مگر این که فرشتگان برای ایشان بیاید! و یابعضی از آیات خداوند صاحب اختیار کلّ تو خواهد آمد! و کسیکه از پیش ایمان نیاورده! و یا با ایمان خود کار خوبی نکرده باشد! ایمان آوردن او روز قیامت بنفع او فائده ندارد!!! بگو: منتظر باشید! که ما هم منتظریم!!! بدرستی که آن کسانی که در دین خود جدائی افکندند! و فرقه فرقه! و شیعه شیعه شدند! ای محمد تو برای ایشان هیچ مسئولیتی نداری و مسئول نیستی! فقط کار ایشان بسوی خداوند است!!! سپس

خداوند کار و عملهای ایشان را بر آنچه که انجام میدادند خبر خواهد داد!!! کسی که بروز قیامت کار نیکی بیاورد! جزای او ده برابر داده میشود!!! و کسی که بروز قیامت کار بدی را بیاورد! جزاء داده نمیشود مگر مثل آن!!! و برای ایشان هیچ ظلمی کرده نمیشود!!! ای محمد بگو: بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ من! مرا براه راست خود هدایت کرده است! که بدین استوار و محکمی و پا برجاست! که بر دین ابراهیم راه حقّ خداوند است!!! و ابراهیم حقّ جو و حقّ گرا بود؛ و از مشرکین نبوده است! بگو: نماز من و آداب حج من و زندگی من و مردن و تلاش من فقط برای خداوند است!!! خداوندی که صاحب اختیار کلّ جهانیان است!!! برای خداوند هیچ شریکی نیست! و بهمین جهت بمن امر شده! که برای خداوند اولین مسلمان شده باشم! آیا غیر از خداوند برای خودم صاحب اختیار کلّ دیگری را بجویم؟! که او صاحب اختیار کلّ همه جهان و جهانیان است! و هیچکسی کار نمیکند مگر فقط برای خودش! و هیچکسی بارگناه دیگری را بر نمیدارد! و عهده دار کار دیگران نیست!!! سپس باز رگشت شما بسوی خداوند صاحب اختیار کلّ خودتان است! او بر شما خبر میدهد به آنچه در آن اختلاف میکردید! و او خداوندی است که شمارا جانشینان (انسان های پشین) زمین قرار داده است!!! و بعضی از شمارا بدرجات برتری از بعضی قرار داده است! تا شمارا امتحان کند و ببیند آیا امید آنچه را که بشما داده است! بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ تو! سریع العقاب است! و بدرستی که او با مهربانی بخشنده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الانعام آیات از ۵۳ تا ۱۶۵)

خداوند گفت: ای محمد آیا میگویند: که این قرآن را بخداوند بدروغ! افتراء بسته؟! بگو: پس اگر این قرآن بخداوند افتراء بسته شده است! ده سوره مثل این قرآن را بیاورید! و هر چه قدرت و توان دارید! و کمکهای خودتان جز خداوند بخوانید و جمع کنید! اگر چه راست میگوئید: پس اگر برای شما جواب ندادند!!! و ایمان نیاوردند! بدانید که این است جز این نیست!!! که قرآن با علم خداوند نارل شده است! و جز خداوند خلاق الهی نیست! پس آیا اگر شما مسلمان بوده باشید! بدانید و کسی که همواره دنیا و زینت و ثروت آن را می خواهد!!! جزای اعمالشان را در

دنیا بتمامی می‌دهم! و به آنان در دنیا کم داده نمی‌شود! و آنان کسانی هستند که در آخرت جز آتش جهنم برایشان نصیب نیست! زیرا که آنچه را که کرده بودند!!! و آنچه کارهای خوب انجام می‌دادند! باطل می‌گردد! آیا آنانیکه قرآن را از خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان میدانند؟! با دلایل و برهان میدانند؟! و شاهد بودند که از طرف خداوند بوده است؟! و در حالیکه پیش از این کتاب موسی امام و رحمت بوده است! آنان هستند که به آن ایمان می‌آورند!!! و هر کسی از احزاب به آن قرآن کافر بشوند! پس آتش جهنم و عده گاه اوست! پس از آن در شکّ مباش!!! زیرا که آن قرآن حقّ است!!! که از جانب خداوند صاحب اختیار کلّ توست!!! که بیشتر! که مردم ایمان نمی‌آورند! ظالمتر از آن کیست بر خداوند دروغ ببندد و افتراء؟! ایشان در روز قیامت بر قیامت بر خداوند صاحب اختیار کلّ خود! عرضه میشوند! گواهان می‌گویند: ایشان آنکسانیکه بر خداوند دروغ بستند!!! و افتراء میگفتند: آگاه باش که لعنت خداوند برستمگران است! آن کسانیکه مردم را از راه خداوند باز میدارند! سدّ میکند!!! و کجی در راه میجویند!!! آنان آخرت ندارند و کافر هستند! آنان در زمین در عاجز کافر هستند! آنان در زمین عاجز کننده قدرت خداوند نبودند! و جز خداوند سرپرستانی ندارند! و برای ایشان عذاب و شکنجه دوبرابر خواهد بود! آنانیکه کلام حقّ را نمیشنوند و حقّ نمیخواهند! برای ایشان عذاب دردناکی وجود دارند!!! ایشان آنهایی هستند که بر خودشان زیان وارد کردند! و آنچه بر خداوند دروغ و افتراء بستند که از نظر ایشان گم شده است!!! ناچار! که ایشان خودشان در آخرت زیانکارتر هستند!!! بدرستیکه آن کسانیکه ایمان آوردند! و عملهای شایسته انجام دادند!!! و نسبت بخداوند صاحب اختیار خودشان! فروتن و متواضع هستند! ایشان اهل بهشت هستند!!! و در آن جاویدان ماندگار اند! مثل این دو گروه کافر و مؤمن مانند! کور و کور نابینا و ناشنوا است! آیات مثل این دو گروه یکسان است؟؟؟؟ آیا پس پند و نصیحت نمیگیرند؟؟؟؟!!!

(قرآن کریم سوره هود آیات از ۱۴ تا ۲۴)

ای محمدپس ایشان از آن چیزها را که میپرستند!!! در شکّ مباحث! نمیپرستند مگر چنانکه پدران ایشان از پیش میپرستند! و بدرستی که!!! خداوند بهره ایشان را بدون کمی کاست بتامی خواهد داد!!! و حقیقت این است که بموسی کتاب تورات را دادیم! پس در آن کتاب اختلاف کردند! و اگر نبود سخنی پیش از خداوند صاحب اختیار کلّ تو! بدو نشکّ بین ایشان حکم و قضاوتی عذاب شده بود!!! بدرستی که ایشان درباره قرآن در شکّ و بدگمانی میکنند!!! بدرستی که کارهای هر یکی ایشان را خداوند صاحب اختیار کلّ تو! بدو نشکّ بتامی جزاء میدهد! زیرا که به آنچه عمل میکنند آگاه است! پس چنانکه بتو امر شده است استقامت کن! و کسی که با تو! توبه کرده و دیگر طغیان نکند!!! زیرا که خداوند به عملهای شما بینا است!!! و آنانیکه ستمگران هستند که بسوی ایشان میل و اعتماد و کمک مکنید! زیرا که از آتش آنان بشما خواهد رسید! و برایشما جز خداوند کمک و یاری کننده نیست! سپس یاری کرده نمیشوید!!!
(از قرآن کریم سوره هود آیات از ۱۰۹ تا ۱۱۳)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

ای محمد این قرآن کتابی است که بتونازل کردیم! تا مردم را به اراده خداوند صاحب اختیار کلّ خودشان! از کفر تاریکی ها خارج کرده که بطرف نور هدایت و راهنمایی کنی! که به راه خداوند غالب و ستوده سوق بدهی! خداوندی که هر چه در آسمانها و زمین است متعلق و از آن اوست!!! و اوای بر کافرین از عذاب روز سخت قیامت! آن کسانی که زندگی دنیارا بر آخرت ترجیح میدهند! و مردم را از راه خداوند باز میدارند! و کجی در راه خداوند میجویند! ایشان در گمراهی دور هستند! و هیچ رسولی نفرستادیم مگر بزبان قومش! تا اینکه دستورات ما را برای ایشان بیان کند! پس خداوند هر کسی را که بخواهد گمراه میکند! و هر کسی را که بخواهد هدایت میکند! و او خداوندی است که غالب و حکیم حقیقت اینست

که موسی را با آیات خودمان فرستادیم! که قومت را از تاریکها بسوی نور بیرون آور!!! و روزهای خداوند را بیادشان آوری!!! بدرستی که در آن بدونشک آیات است برای هر صبرکننده و شکرگزارنده!!! و هنگامیکه موسی بقوم خود گفت: نعمت خداوند را بیاد خودتان بیاورید! وقتیکه شما را از آل فرعون نجات داد! که شما را بدترین عذاب شکنجه میکردند! و پسران شما را سرمیبردند و ذبح می کردند! زنان شما را برای بیگاری و غیره زنده می گذاشتند! و در این امر بلایی بزرگی از خداوند صاحب اختیار کل خودتان! امتحانی وجود داشت! وقتیکه خداوند صاحب اختیار کل شما! اعلان مؤکد بود!!! که اگر شکرگذارید نعمت ها را برای شما زیاد میکنم!!! و اگر کفران نعمت کنید!!! بدرستی که بدونشک عذاب خیلی سخت است!!! و موسی گفت: آیا برای شما خبر آن کسانیکه پیش از شما بودند نیامده است؟؟؟ آیا بشما خبر بدهم خبر قوم نوح و عاد و ثمود و آنانیکه پیش از ایشان بودند؟! که شماره و احوال ایشان را جز خداوند هیچ کسی نمیداند!!! که رسولان ایشان با دلیلهای روشنی آمدند! ایشان دستهای خود را بدهانشان بردند! و گفتند: به آنچه شما برای آن فرستاده شدید ما کافر میشویم!!! و از آنچه ما را به آن میخوانید! ما در شک هستیم! شکی که تهمت آوراست!!! رسولان ایشان گفتند: آیا در وجود خداوند شکی است؟! که هستی دهنده آسمانها و زمین است! شما را میخواند تا از گناهان شما بیامرزد! و شمارا تا مدت معین عمر میدهد! و مرگ شمارا به عقب می اندازد! قوم گفتند: شما نیستید مگر بشری مانند ما! می خواهید ما را از آنچه پدران ما میپرستیدند بازدارید! پس در این صورت دلیل روشنی برای ما بیاورید!!! رسولان به ایشان گفتند: نیستیم ما مگر بشری مانند شما! و لیکن خداوند بر هر کسی از بندگانش که بخواد! منت میگذارد و وحی میفرستد! و ما قدرتی نداریم که برای شما معجزه بیاوریم!!! مگر با اراده خداوند که اگر بخواد! و ایمان آورندگان باید بر خداوند توکل کنند! و چرا بر خداوند توکل نکنیم؟! و حال آنکه ما را براه خودش هدایت کرده است! بدونشک باید بر آنچه بما آزار رسانیدند صبر کنیم! و توکل کنندگان باید بر خداوند توکل کنند!!! و آن کسانیکه

کافر شده بودند بر سولان خود گفتند: بدون شک شما را از زمین خودمان خارج خواهیم کرد! یا اینکه بکیش ما برگردید! پس خداوند صاحب اختیار کلّ رسولان! به ایشان وحی کرد!!! که تمامی ستمگران را هلاک و نابود خواهم کرد!!! و بدون شک بعد از ایشان شما را ساکن زمین ایشان میگردانیم!!! این بهره برای کسی است که از مقام خداوند بترسد!!! و از وعده عقاب بهراسد! و هر سرکشی ناحقّ که طلب فتح میکردند نومید شدند! و پشت سر ایشان جهنّم است!!! و از آب خون آلود جراحات بدن را به او نوشانیده میشوند! که جرعه جرعه مینوشند! و به آسانی فرومی برند! و از هر طرف بر او مرگ می آید! در حالی که نمیمیرد! و از هر طرف آن عذاب سختی می آید! آن کسانی که بخداوند صاحب اختیار کلّ خودشان کافر شدند! مثل اعمال ایشان مانند خاکستری است! باد سختی به آن بوزد! بر آنچه کسب کردند نابود میشود! که از خود هیچ قدرتی ندارند! که چیزی از آن نگاهداری کنند! و این عمل کردن آنها در گمراهی دور است!!! آیا ندیدند خداوند آسمانها و زمین را بحقّ آفریده است؟! و اگر بخواد شما را میبرد و نابود میکند! و مخلوق جدیدی می آورد!!! و این کار بر خداوند دشوار نیست!!! و در روز قیامت تمامی انسانها از قبور به امر خداوند بروی زمین بیرون می آید! پس آن کسانی که ضعیف بودند و تقلید کردند!!! به آن کسانی که بزرگی و تکبر کرده بودند!!! می گویند: که در دنیا پیرو و تابع شما بودیم! آیا شما امروز از عذاب خداوند را از ما میتوانید رفع کنید؟! چیزی که از ما کفایت کنید؟! بزرگان گمراهان میگویند: اگر خداوند ما را هدایت کرده بوده!!! ما هم شما را هدایت کرده بودیم!!! که حالا بر ما مساوی است چه جزع و فریاد کنیم و یا صبر نمائیم!!! برای ما از عذاب خداوند جای گریزی نیست! و مردم در روز قیامت میگویند: که شیطان ما را فریب داد! و وقتی که محاکمه قضاوت شروع شد شیطان میگوید: بدرستی که خداوند شما را وعده حقی داده!!! و من شما را وعده ناحقّ دادم! پس باشما در وعده خلاف کردم!!! و برای من بر شما تسلّطی نبوده! جز اینکه من شما را دعوت کردم! پس شما هم دعوت مرا قبول کردید! پس مرا ملامت نکنید! و خودتان را ملامت کنید

که وعده مراقبول کردید!!! و من فریادرس شما نیستم! و شما هم فریاد رس من نیستید!!! بدرستیکه من به آنچه از پیش در دنیا!!! مرا شریک خداوند ساخته بودید!!! کافر میشوم و قبول ندارم!!! بدرستیکه برای ستمگران ایشان عذاب دردناکی است!!!

(از قرآن کریم و از سوره ابراهیم آیات از ا تا ۲۲)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

و کیست ظالمتر از آن کسیکه به آیات خداوند صاحب اختیار کُش! تذکر داده شود؟! و او از آیات خداوند اعراض کند؟! و آنچه دستهای او انجام داده است فراموش کند؟! بدرستیکه ما بردلهای ایشان پوششی قرار دادیم! که مبادا تذکر خداوند را بفهمند! و در گوشهای ایشان سنگینی را قرار دادیم!!! و در این صورت اگر ایشان را بسوی هدایت بخوانی هدایت نمییابد! **وای محمد خداوند صاحب اختیار کلّ تو!** آمرزنده و صاحب رحمت است!!! **و اگر این مردم را بخاطر عملهای بدی را که ایشان انجام دادند! خداوند مؤاخذه میکرد!** باید ایشان را به تعجیل عذاب میکرد **بلکه برای ایشان وعده گاهی است!** هرگز ایشان بجز خداوند پناهی نمییابد! و آن آبادی ها را که چون ظلم کردند هلاک نمودیم!!! **برای هلاکت ایشان وعده گاهی قرار دادیم!** (نکات نوشته اند! و قتیکه الواح تورات بموسی داده شد!!! و یکی از بندگان خداوندی که ساکن جزایر دریا! در مجمع البحرین بوده است که او خضراست از تو دان تراست! برو او را دریاب! موسی بایوشع بن نون براه افتاده! تا آن عبد صالح خداوند را پیدا کند) **و هنگامیکه موسی بجوان خود گفت:** راه را میکنیم! **تا محل جمع دودریا برسیم!** و یا مقدار زیادی برویم! (علامت پیدا کردند عبد صالح خداوند! یک ماهی بود! که باید در محلّ عبد صالح خداوند ماهی بدریا میرفت) **پس وقتیکه بمحل دودریا رسیدند!** ماهی خود را فراموش کردند! **پس ماهی راه خود را گرفت!** بدریا فرورفت!!! **و قتیکه از آنجا گذشتند!** موسی بجوان خود گفت: **صبحانه ما را بیاور بخوریم!** حقیقت اینست که از این

سفر خود بزحمت افتادیم!!! جوان گفت: هنگامیکه با آن سنگ پهن جای گرفته بودیم!!! من دیدم که ماهی راه خود را بطور عجیب گرفت بدریا رفت!!! و از یاد آوری آن فراموش کردم! باعث عدم یادآوری برای من نبود! مگر اینکه شیطان باعث شد!!! از یادم برد موسی گفت: این علامتی است آنچه را که مامی طلبیم! پس به آنجا برگشتند! و بر آثار جای حدیثشان رابه جستجو پرداختند!!! خداوند میفرماید پس بنده از بندگان ما را یافتند!!! که از جانب خود به او علم رحمتی داده بودیم! و برای او از نزد خود دانشی آموخته بودیم! موسی به او گفت: ایامن میتوانم از تو پیروی کنم! برای اینکه بمن هدایتی بیاموزی از آنچه آموخته ای؟! او جواب داد و گفت: بدرستی که نمیتوانی بکارهای من صبر نمایی! و چون صبرمی کنی برای کاری که آگاهی نداری؟! موسی گفت: اگر خداوند خواسته باشد مرا صابر خواهی یافت! و در کارهای تو نافرمانی نخواهم کرد! او گفت: اگر میخواهی از من پیروی کنی!!! از من در چیزی سؤال مکن!!! تا خودم برای تو از آن بیانی بکنم!!! پس روانه شدند و رفتند! تا اینکه سوار در کشتی شدند!!! که عبد صالح کشتی را شکافت و سوراخ کرد! موسی گفت: آیا آن را شکافتی تا اهل آن را غرق کنی! بدرستی که کار عجیبی کردی؟! عبد صالح گفت: آیا نگفتم: که تو هرگز بامن و با کار من صبر نخواهی کرد؟! مرا بخاطر فراموشیم! مواخذه مکن!!! و کار را برای من سخت مگیر! پس روانه شدند تا آنکه پسری ملاقات کردند!!! عبد صالح پسرا بقتل رسانید! موسی گفت: چرانفس پاکی را بدون گناه کشتی؟! پس عبد صالح گفت: آیا برای تو نگفتم: که بیمگان تو با کار من صبر نخواهی کرد؟! موسی گفت: اگر پس از این از چیزی پرسیدم بامن همراه باش!!! حقیقت این ست که از من معذور خواهی بود! پس روانه شدند تا اهل آبادی داخل شدند! و از اهل آن طعام خواستند! اهل قریه از مهمان نوازی آنان خود داری کردند! پس دیوار را در آن یافتند که نزدیک بود خراب بشود! عبد صالح آن دیوار را درست کرد و محکم نمود! موسی گفت: اگر میخواستی برای این کار اجری میگرفتی! عبد صالح گفت: این کار تو باعث جدائی بین من و تو است!!! بزودی بحقیقت آنچه بر آن

نتوانستی صبربکنی بتو خبر میدهم!!! اما آن کشتی را که شکافتم امرار معاش چند نفر مسکین بود که در دریا کار میکردند! پس من خواستم که آن را معیوب کنم! چون در پیش راه ایشان شاهی بود! هر کشتی را برای جنگ به غصب می گرفت! که خواستم آن معیوب شود!! که شاه به آن طمع نکند! و اما آن پسری را کشتم پدر و مادری داشت که داری ایمان بودند! پس ترسیدم که آن دورا به طغیان و کفر و ادا کند! بخاطر این او را کشتم!!! پس خواستم که خداوند صاحب اختیار کل ایشان!!! برای ایشان در عوض فرزندی بدهد که او از جهت پاکی و از جهت نزدیکی به ایشان رحیم باشد!!! و اما دیواری را که درست کردم!!! از مال دو پسر بچه یتیمی بود در آن شهر! و در گنجی بود!!! که آن مال دو بچه یتیم بود که پدر ایشان مرد شایسته بود!!! پس خداوند صاحب اختیار کل تو است! آن دو یتیم بنیروی بلوغ برسند؛ و گنج خود را خارج کنند! و رحمتی از خداوند صاحب اختیار کل تو بود! برای آن دو یتیم بجا آوردم! و آن کارها را از خود بجا نیاوردم بلکه امر خداوند بود!!! و حقیقت اینست که آن کارها را نتوانستی صبر بکنی امر خداوند بود!!!

(از قرآن کریم از سوره الکهف آیات از ۵۷ تا ۸۲)

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

خداوند میفرماید: حقیقت اینست که بر موسی و هارون منت گذاشتیم! و هر دوی ایشان را و قومشان را از غم و اندوه بزرگی نجا تشان دادیم!!! و برای ایشان کمک و یاری کردیم پس ایشان پیروز و غالب بودند! و برای هر دوی ایشان کتاب روشن و واضحی دادیم! و هر دوی ایشان را به راه راست خودمان هدایت کردیم! و حدیث ایشان را برای نسلهای آینده وا گذاشتیم!!! سلام بر موسی و هارون! و بدرستی که ما برای نیکوکاران همچنین پاداشی میدهیم!!! بدرستی که هر دو ایشان از بندگان مؤمن و ایمان آورندگان و تسلیم خداوند بودند!!!

(قرآن کریم و از سوره الصافات آیات از ۶۷ تا ۸۲)

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

خداوندگفت: ای آن کسانی که به قرآن ایمان آوردید!!! افرادی از اهل کتاب پیش از شما که دین و آیین شما را که به باد استهزا و بازیچه میگیرند!!! و کافران و مشرکین را دوستان و اولیاء خودانتخاب! نکنید! و از خداوند بترسید که اگر ایمان دارید! وقتیکه اذان میگوید: و مردم را به نماز فرامیخوانید! این عمل را بمسخره و بازیچه میگیرند! این بخاطر آن است که آنها جمعی بی عقل و نابخردان هستند!!! ای محمد بگو: آهای اهل کتاب مگر چه بدی کردیم؟؟؟؟ آیا برای چه بر ما ایراد و خرده میگیرید؟؟؟؟ آیا جز این که ما خداوند را بزرگی و یگانگی میخوانیم؟؟؟؟ و به آنچه قرآن بر ما نازل شده به آنچه پیش از این کتابهای نازل گردیده ایمان آوردیم؟؟؟؟ و این بخاطر آن است که اکثر شما از راه حق خداوند خارج و فاسق شده اید؟؟؟؟ بگو: آیا شما را از کسانی از شما که موقعیت اجر و پاداش شان نزد خداوند بدتر و شرتر بوده است با خبر کنم؟؟؟؟ کسانی که خداوند آنها را لعنت کرده و از رحمت خود دور ساخته بود!!! مورد خشم قرار داده بود و مسخ کرده! و از آنها میمونها و خوکهایی قرار داده بوده است! زیرا که بتها را پرستش کرده بودند!!! که موقعیت و مقام آنها بدترین بوده است! زیرا که از راه خداوند گمراه تر شده بودند!!! ای محمد و هنگامیکه نزد شما می آیند میگویند: ایمان آوردیم ولی اما با کفر و ارید میشوند و با کفر خارج میگردند!! و آنچه را که کتمان میکردند! خداوند آگاه ترو داناتر است! و بسیار از آنان را میبینی که در گناه تعدی و تجاوز میکنند!!! و در خوردن مال حرام شتاب مینمایند! چه زشت کاری است که انجام میدهند؟؟؟؟!!!

(از قرآن کریم و از سوره المائده از آیات ۵۷ تا ۶۲)

خالق و صاحب و مولای من آن است که بدان

یونس گم گشته را در بطن نهنگ زنده نگه داشته است

نکات از مؤلف: قسمتی از زندگی و مأموریت موسی و هارون را که؛ از پیغمبران بزرگ خداوند خلاق جهان هستی بودند!!! از قرآن کریم کتاب وحی منزل خداوند علام نوشته ایم!!! که ایمان آورندگان به خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین! و سرگذشت پیغمبران او را بخوانند و تمیز دهند و قضاوت فرمایند!

جلد سوم کتاب سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود پایان رسیده است!!

این جانب مؤلف: عزیزاله اصغری بنشرین کلّ جهان هستی اجازه و مجوز میدهم عین کتابهای این جانب را چاپ و منتشر فرمایند! که حقّ تألیف از هیچ ناشر نمیخواهم! زیرا که حقّ تألیف اینجانب بر عهده خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین میباشد! به همین سبب تألیفتم را برای اهل جهان به رایگان هدیه مینمایم!!!

تاریخ هجری شمسی ۱۳۸۵

تاریخ هجری قمری ۱۴۲۷

پایان جلد سوم کتاب

